



پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی

مجد علمی پژوهشی

سال چهارم - شماره مالی ۹ - شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴

شماره مالی: ۱۴۵۳-۲۳۲۲
شماره پستی: ۲۳۲۲-۳۴۵۳

علمی پژوهشی

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی

Security and Social Order Strategic Studies

Journal

4th Year, Vol. 9, No. 1
Spring & Summer 2015

ISSN: 2322-1453
e-ISSN: 2322-3456

۱-۲۴	تحقیب احمدی و مهدی معینی	بررسی رابطه مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر جوانان: مطالعه موردی شهر شیراز
۲۴-۳۵	مطالعه برخی عوامل جریان مدیریت مبتنی بر گرایش زنان به طلاق (مورد مطالعه: زنان متأهل شهر زنجان)	
۳۵-۴۵	پیش درآمدی بر ساخت، اعتباریابی و روانسازي مقیاس سنجش رفتارهای انحرافی دانشجویان	
۴۵-۵۹	اکبر علوی‌رودی‌نیا و عرفان پرنسی	بررسی میزان می‌توانی اجتماعی در بین دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه صنعتی)
۵۹-۷۹	هورامان قاضی‌زاده و مسعود کاکتور	بررسی پدیده نزاع در بین شهروندان ساکن شهر پرد
۷۹-۹۱	سیده‌عزیز رضا انصاری، سعید نائی و محبتی دلپاری اصل	تحلیل زمانی - مکانی آسیب‌های اجتماعی مرتبط با مواد مخدر (مطالعه موردی: منطقه ۱۲ شهر تهران)
۹۱-۱۱۳	علی رنگر آقادی، فریاد پرهیز و احسان خجابهانی	خشتم صفت - حالت و شیوه‌های کنترل خشم و گرایش افراد به نزاع دسته جمعی
۱۱۳-۱۲۷	فریبرز نیکدل و علی اکبر پیرنسته ملاتی	ارزوای مولفه‌های کالبدی فضاهای عمومی و تاثیر آن در احساس امنیت اجتماعی شهروندان بابلسر
۱۲۷-۱۴۹	محمدعلی فاضل‌پور و عزت اله لطفی	نماینده لطفی، رستم بروی آل‌مؤذن‌زاد و حیدر واحدی
۱۴۹-۱۶۳	محمدعلی فاضل‌پور و عزت اله لطفی	تاثیر پیشگیری غیرکفایتی بر میزان احساس امنیت در میان جوانان شهر بروجرد

سال چهارم - شماره مالی ۹ - شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴

1-4	An Investigation of the Relationship between Social Skills and High Risk Behaviors among the Youth: the Case of Shiraz City Habib Ahmadi and Mehdi Moctini
5-6	A Study of Some Modernity's Factors Effective on Women's Tendency toward Divorce (Research Subjects: Married Women in Zanjan) Mohammad Abbaszadeh, Hamed Saiedi, Alireza Afsari
7-10	A Step toward Construction, Validity and Reliability of Measurement Scale for Students' Deviant Behaviors Akbar Alivardinia and Erfan Younsi
11-12	A Study of Social Apathy among Students (The Case of the University of Isfahan) Haraman Ghasizadeh and Masoud Kimpour
13-16	An Investigation into the Phenomenon of Aggressiveness among Yazd Citizens Seyed Alireza Afshani, Saeed Navary and Mojtaba Dehboz Asl
17-20	The Time -Space Analysis of Social Pathologies Related to Drugs (Case Study: Tehran 13 th District) Ali Zangeneh, Farzad Pariz and Ehsan Khayambashi
21-24	Anger as a Train and State, Anger Management Methods, and People's Tendency towards Collective Aggression Farboz Nikdel, and Ali Akbar Pirasteh Molaighi
25-26	Evaluation of Physical Components of Public Spaces and their Impact on Social Security of Babolsar Citizens Sedigheh Lotfi, Rahim beidi, Ammourtadnejad and Heydar Vahedi
27-30	Economical Distinctions and Social Problems of Iran: Rates of Unemployment and Suicide Mohammadali Feizpour and Ezatollah Lotfi
31-32	The Effect of Non- punitive Prevention Methods on the Sense of Security among the Youth in Broujerd Hengameh Ghazanzari and Mohammad Mehdi Ghasemi Kia

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی

مجله علمی - پژوهشی

سال چهارم، شماره پیاپی ۹، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴

نشریه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی بر اساس مجوز شماره ۳/۲۷۱۲۶۰ مورخ ۹۰/۱۲/۲۴ کمیسیون
بررسی نشریات وزارت علوم تحقیقات و فناوری دارای درجه علمی - پژوهشی می باشد.

متن کامل نشریه در پایگاه‌های اطلاع رسانی زیر نمایه می‌شود:

http://www.uijs.ui.ac.ir/ssoss	سایت اختصاصی نشریه
http://www.ISC.gov.ir	پایگاه استنادی علوم جهان اسلام
http://www.SID.ir	پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی
http://www.ensani.ir	پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
http://www.magiran.com	بانک اطلاعات نشریات کشور
http://www.doaj.org	دوآج: فهرست مجلات پژوهشی با دسترسی آزاد
http://ulrichsweb.serialsolutions.com	اولریخ: راهنمای بین‌المللی نشریات ادواری
http://journals.indexcopernicus.com	ایندکس کوپرنیکوس (فهرست مجلات برتر)
http://www.ebscohost.com	ابسکو: میزبان پایگاه‌های اطلاعاتی
http://journaldatabase.org	پایگاه مجلات دانشگاهی

چاپ و لیتوگرافی: انتشارات دانشگاه اصفهان

ناشر: دانشگاه اصفهان

تیراژ: ۲۵۰ نسخه

آدرس: اصفهان - دانشگاه اصفهان - ساختمان مرکزی - معاونت پژوهش و فناوری - طبقه دوم - دفتر نشریه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم
اجتماعی - کد پستی: ۸۱۷۴۶-۷۳۴۴۱ تلفن: ۰۳۱۳۷۹۳۲۱۷۵ دورنگار: ۰۳۱۳۷۹۳۲۱۷۷

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی

صاحب امتیاز: دانشگاه اصفهان

سال چهارم، شماره پیاپی ۹، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴

علمی - پژوهشی

مدیر مسئول: دکتر سید علی هاشمیان‌فر

سرمدیر: دکتر علی ربانی خوراسگانی

مدیر اجرایی: نیلوفر محمدطاهری

ویراستار فارسی: ناصر کریم‌پور

ویراستار انگلیسی: دکتر مسعود کیانپور

چاپ: بهار ۱۳۹۴

اعضای هیأت تحریریه

استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز	حبیب احمدی
دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان	سید جواد امام جمعه‌زاده
دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز	ایوب امیر کواسمی
استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد	حسین بهروان
استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه اصفهان	مسعود تقوایی
استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران	غلامرضا جمشیدیها
دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان	علی ربانی خوراسگانی
استاد گروه مدیریت دانشگاه اصفهان	بهرام رنجبریان
استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی	عزت اله سام آرام
دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه اصفهان	سید علی سیادت
دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران	اکبر علیوردی‌نیا
دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا همدان	رحیم فرخ‌نیا
دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران	سعید معیدفر
دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز	عبدالحسین نبوی
دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان	حسین هرسیج

همکاران علمی این شماره

سیروس احمدی	دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه یاسوج
نعمت اله اکبری	استاد گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان
عباس امینی فسخودی	استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی روستایی دانشگاه اصفهان
قربانعلی ابراهیمی	استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران
ابراهیم حاجیانی	دانشیار مرکز تحقیقات و استراتژیک
منصور حقیقتیان	دانشیار گروه جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان
قدرت اله خسروشاهی	استادیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان
صمد رسول زاده	استادیار گروه مطالعات خانواده دانشگاه شهید مدنی آذربایجان
سعید زاهد	دانشیار بخش جامعه شناسی دانشگاه شیراز
سعید صادقی	دکتری روان شناسی سازمان بهزیستی استان اصفهان
صادق صالحی	استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران
محمد عباس زاده	دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز
محمدباقر عزیزاده اقدام	دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز
اکبر علیوردی نیا	دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران
سید محسن قائم فرد	استادیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان
مریم مختاری	استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه یاسوج
گلمراد مرادی	استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلام آباد غرب
رسول مظاهری	استادیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان
اصغر میرفردی	دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه یاسوج
سید علی هاشمیان فر	استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان
جعفر هزار جریبی	استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی
رضا همتی	استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

فهرست مطالب

- بررسی رابطه مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر جوانان: مطالعه موردی شهر شیراز
حبیب احمدی و مهدی معینی
۲۴-۱
- «مطالعه برخی عوامل جریان مدرنیته مؤثر بر گرایش زنان به طلاق» (مورد مطالعه: زنان متأهل شهر زنجان)
محمد عباس‌زاده، حامد سعیدی عطایی و زهرا افشاری
۴۴-۲۵
- پیش‌درآمدی بر ساخت، اعتباریابی و رواسازی مقیاس سنجش رفتارهای انحرافی دانشجویان
اکبر علیوردی‌نیا و عرفان یونسی
۵۸-۴۵
- بررسی میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه اصفهان)
هورامان قاضی‌زاده و مسعود کیانپور
۷۸-۵۹
- بررسی پدیده نزاع در بین شهروندان ساکن شهر یزد
سیدعلیرضا افشانی، سعید نوائی و مجتبی دل‌بازی اصل
۹۴-۷۹
- تحلیل زمانی- مکانی آسیب‌های اجتماعی مرتبط با مواد مخدر (مطالعه موردی: منطقه ۱۲ شهر تهران)
علی زنگی‌آبادی، فریاد پرهیز و احسان خیام‌باشی
۱۱۶-۹۵
- خشم صفت- حالت و شیوه‌های کنترل خشم و گرایش افراد به نزاع دسته جمعی
فریبرز نیکدل و علی اکبر پیراسته مطلق
۱۳۰-۱۱۷
- ارزیابی مؤلفه‌های کالبدی فضاها و تأثیر آن در احساس امنیت اجتماعی شهروندان بابل
صدیقه لطفی، رحیم بردی‌آنا مرادنژاد و حیدر واحدی
۱۵۲-۱۳۱
- تمایزات اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی مناطق کشور مطالعه نرخ بیکاری و میزان خودکشی
محمدعلی فیض‌پور و عزت اله لطفی
۱۶۶-۱۵۳
- تأثیر پیشگیری غیرکیفری بر میزان احساس امنیت در میان جوانان شهر بروجرد
هنگامه غضنفری و محمد مهدی قاسمی کیا
۱۸۲-۱۶۷

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی

سال چهارم، شماره پیاپی ۹، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۵/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۰/۱۵

صص ۱-۲۴

بررسی رابطه مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر جوانان: مطالعه موردی شهر شیراز

حبیب احمدی، استاد بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

مهدی معینی، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز*

چکیده

پژوهش حاضر با استفاده از نظریه کنترل اجتماعی تراویس هیرشی به عنوان چارچوب نظری پژوهش به بررسی رابطه بین مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر جوانان پرداخته است. بر مبنای روش پیمایشی، داده‌های پژوهش به وسیله پرسشنامه از تعداد ۶۰۰ نفر از جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهر شیراز به روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای مختلط گردآوری شد. نتایج آزمون فرضیات نشان داد بین درآمد، دلبستگی به خانواده و دوستان، تعهد به هنجارها، مشارکت، باور به اصول اخلاقی، مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، به لحاظ رفتارهای پرخطر، بین جنس، وضعیت تأهل، طبقه اجتماعی، ساختار خانواده تفاوت معناداری وجود داشت. اما بین سن، تحصیلات و رفتارهای پرخطر رابطه معناداری مشاهده نشد. معادله رگرسیونی مربوط به تحلیل چند متغیره متغیرهای مستقل برای پیش‌بینی متغیر وابسته رفتارهای پرخطر نیز نشان داد که در مجموع، چهار متغیر تعهد به هنجارها، جنس (مرد)، باور به اصول اخلاقی و مهارت‌های اجتماعی توانستند ۴۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند.

واژه‌های کلیدی: رفتارهای پرخطر، مهارت‌های اجتماعی، جوانان، شیراز

مقدمه

جوانی ساخت جمعیت و تأخر فرایند جامعه‌پذیری نسبت به نظم نوین جهانی در جامعه در حال گذار ایران معاصر، به رشد مسأله بزهکاری جوانان و نوجوانان منجر شده است. در این زمینه، جوانانی که نمی‌توانند به خاطر ضعف عملکرد کارگزاران و عوامل جامعه‌پذیری و نابسامانی فضای ساختی حاکم بر نظام اجتماعی، تمایلات خود را به سوی رفتارهای همگرا و بهنجار هدایت نمایند، ناگزیر به ناهمخوانی کشیده شده و رفتارهای انحرافی و بزهکارانه از خود بروز می‌دهند (محمدي اصل، ۱۳۸۵).

رفتارهای بزهکارانه جوانان انواع مختلفی دارد که بر حسب عمق، شدت و پیامدهای آن به بزهکاری‌های شدید مانند تجاوز به عنف، سرقت مسلحانه، سوء مصرف الکل و مواد مخدر و بزهکاری‌های ملایم نظیر: فرار از خانه و مدرسه، تخریب اموال عمومی و خصوصی و دزدی‌های کوچک تقسیم می‌شوند. در این پژوهش به رفتارهای بزهکارانه شدید که با عنوان رفتارهای پرخطر^۱ نامیده می‌شوند، پرداخته می‌شود.

مفهوم رفتار پرخطر به عنوان رفتاری تعریف می‌شود که می‌تواند بهزیستی، سلامتی و مسیر زندگی را به خطر بیندازد و دارای نتایج منفی و پیامدهای مضر می‌باشد. برای مثال، مصرف مواد مخدر می‌تواند به آزار و اذیت والدین منجر شود، فعالیت زود هنگام جنسی می‌تواند به بچه‌زایی ناخواسته منجر گردد، یا پیامد ترک تحصیل، بیکاری مزمن می‌باشد. در اینجا باید به دو مسأله توجه نمود؛ مسأله اول پیامدها و نتایج مخرب ناشی از درگیری نوجوانان و جوانان در رفتارهای پرخطر می‌باشد، مسأله دوم این است که چرا نوجوانان و جوانان اقدام به رفتارهای پرخطر می‌کنند (جسور^۲، ۱۹۹۸). رفتارهای پرخطر به رفتارهایی گفته می‌شود که احتمال نتایج منفی و مخرب جسمی، روان‌شناختی و اجتماعی را برای فرد افزایش دهد (زاده محمدی و احمدآبادی، ۱۳۸۷: ۸۸-۸۹).

علل عمده مرگ و بیماری هم در کشورهای صنعتی و هم در حال توسعه به تعداد نسبتاً محدودی از رفتارهای پرخطر برمی‌گردد که عمدتاً از سنین نوجوانی و جوانی شروع می‌شود (آنتینی و همکاران^۳، ۲۰۰۱: ۲۹۵). نوجوانان و جوانان یکی از مهم‌ترین گروه‌های در معرض رفتارهای پرخطر مانند ایدز (مظفرزاده و وحدانی‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۷۳-۱۸۰)، خودکشی (علی‌وردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۱-۱۸)، فعالیت‌های جنسی، خشونت و مواد مخدر هستند (فلیشر و چالتون^۴، ۲۰۰۱: ۲۳۵-۲۴۱؛ باسکین سامرز و سامرز^۵، ۲۰۰۶: ۶۰۹-۶۱۱). از آنجایی که عوامل اجتماعی، خانوادگی و اقتصادی نقش مهمی در سوگیری رفتاری افراد و به ویژه نوجوانان و جوانان ایفا می‌کنند، در صورتی که این عوامل نتوانند نقش خود را به شکل مطلوبی ایفا نمایند، نوجوانان و جوانان دچار چالش شده و ممکن است فشار ناشی از این چالش‌ها و مشکلات، فرد را به سمت رفتارهای پرخطر بکشاند. دوره جوانی، دوره تجربه‌آموزی است و از این رو، با خطرهای گوناگونی در مسیر کسب تجربه مواجه می‌شوند (باریکانی، ۱۳۸۷: ۱۹۲-۱۹۳).

بسیاری از رفتارهای پرخطر مانند سیگار، الکل، مواد مخدر و روابط جنسی نامطمئن در سنین نوجوانی و جوانی اتفاق می‌افتد. مطالعات نشان دادند که اغلب رفتارهای پرخطر مانند مصرف سیگار، الکل، مواد و رفتارهای جنسی نامطمئن در سنین قبل از ۱۸ سالگی شروع می‌شوند (برگمن و اسکات^۶، ۲۰۰۱: ۱۸۳-۱۹۷). در ایران اکثر موارد بی‌مبالاتی جنسی (۵۵/۶ درصد) در سنین ۱۶ تا ۲۱ سالگی رخ می‌دهند. میانگین سن شروع سیگار در ایران ۱۶/۶ سال بوده و بالاترین نسبت معتادان کشور (۴۵/۷ درصد) در فاصله ۱۷ تا ۲۲ سال مصرف مواد را آغاز کرده‌اند (زاده محمدی و احمدآبادی، ۱۳۸۷: ۸۹). براساس آمار سازمان پزشکی قانونی نیز، شایع‌ترین علل مرگ جوانان و نوجوانان زیر ۲۵ سال در ایران، در مرتبه اول تصادفات رانندگی و سپس به ترتیب مسمومیت‌های ناشی از

³ Anteghini et al.⁴ Flisher & Chalton⁵ Baskin-Sommers & Sommers⁶ Bergman & Scott¹ High Risk Behaviors² Jessor

الکل، مواد مخدر، خودکشی و در نهایت بیماری سرطان بوده است. نتایج تحقیقات دیگر، در رابطه با روسپیگری نشان می‌دهد که نزدیک به ۷۵ درصد از زنان روسپی ارجاع شده به مراکز بازپروری بین ۱۵ تا ۲۴ سال داشتند (گرمارودی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۴).

وقوع رفتارهای پرخطر در سنین نوجوانی و جوانی و شیوع آنها در بین جوانان در نتیجه اختلال در برخی مکانیسم‌ها و ناشی از عوامل متعددی می‌باشد. یکی از این موارد، مهارت‌های اجتماعی است. امروزه داشتن مهارت‌های اجتماعی رکن لازم و اساسی زندگی اجتماعی بوده و بهره‌مندی از آن می‌تواند نقش مهمی در بازدارندگی^۱ رفتارهای پرخطر به ویژه در بین جوانان داشته باشد، زیرا دوره جوانی، یک دوره گذار و همراه با بحران‌های مختلفی می‌باشد.

مهارت اجتماعی^۲ عبارت است از رفتارهای انطباقی فراگرفته که فرد را قادر می‌سازد با افراد مختلف روابط متقابل داشته باشد، واکنش‌های مثبت بروز دهد و از رفتارهایی که پیامد منفی دارد، اجتناب نماید (کارتلج و میلبرن^۳، ۱۳۶۹). مهارت‌های اجتماعی رفتارهایی هستند که تحول آنها می‌تواند بر روابط بین افراد از یک سو و بهداشت روانی آنان و نیز عملکرد مفید در اجتماع از سوی دیگر، مؤثر باشد (ماتسون^۴، ۱۹۹۰؛ به نقل از حسین چاری و دلاورپور، ۱۳۸۵: ۱۲۶). در واقع، کسی دارای مهارت اجتماعی است که با دیگران طوری رفتار کند که بتواند به حقوق، الزامات، رضایت خاطر و انجام وظایف خود در حد معقولی نائل آید، بدون آن که حقوق، الزامات، رضایت خاطر یا وظایف دیگران را نادیده بگیرد و در عین حال مبادله‌ای آزاد با دیگران داشته باشد (فیلیپس^۵، ۱۹۷۸: ۱۳؛ به نقل از هارجی و همکاران^۶، ۱۳۹۲). ضعف در

مهارت‌های اجتماعی موجب بروز رفتارهایی مانند بزهکاری، ناسازگاری، افت تحصیلی (نصر اصفهانی و همکاران، ۱۳۸۳: ۴۹-۶۴)، مصرف مواد و اعتیاد (قاسم زاده و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۲-۴۰) می‌گردد. دارا بودن مهارت‌های اجتماعی زمینه مشارکت فعال فرد در اجتماع را فراهم نموده و باعث می‌شود وی در رویارویی با وضعیت‌های دشوار اجتماعی واقعی، واکنش‌های اجتماعی مؤثری از خود بروز دهد. در واقع، داشتن مهارت‌های اجتماعی، توانایی‌های بالقوه فرد را به بالفعل تبدیل می‌کند و برای ایجاد، حفظ و سازماندهی یک رابطه انسانی ضروری می‌باشند.

برخی از تحقیقات به بررسی رابطه بین زندگی در محیط‌های شهری و رفتارهای پرخطر پرداختند و نتایج به دست آمده نشان داد که زندگی در محیط‌های شهری توأم با رفتارهای پرخطر بیشتری است (لوین و کوپی^۷، ۲۰۰۳: ۳۵۰-۳۵۵). از آنجایی که در محیط‌های شهری و به ویژه شهرهای بزرگ با پدیده گمنامی مواجه هستیم و تراکم و ناهمگونی جمعیت نیز افزایش پیدا می‌کند، کنترل‌های اجتماعی غیررسمی دچار ضعف گردیده و کنترل‌های رسمی نیز جوابگوی جمعیت زیاد شهرهای بزرگ نیستند، لذا میزان وقوع رفتارهای بزهکارانه و پرخطر نیز بیشتر می‌باشد. در شرایط گذار نیز کارگزاران جامعه‌پذیری، در ایفای نقش خود و درونی کردن ارزش‌ها و هنجارها و رفتارهای قانونمند و سازگار با مشکل مواجه می‌شوند. شهر شیراز یکی از کلانشهرهای ایران می‌باشد که با جمعیت بالای یک میلیون نفر و قرار گرفتن در موقعیت جغرافیایی خاصی، سیل مهاجرت از استان‌های جنوبی را به سوی خود روانه نموده است. بیشتر این مهاجران دارای تنوع فرهنگی و قومی بوده و همین عامل خود زمینه رفتارهای بزهکارانه آنان را فراهم می‌نماید.

زندگی در شرایط گذار و نامطمئن بودن نسبت به آینده باعث می‌شود که جوانان تصمیم‌های توأم با ریسک و خطر

¹ Deterrence

² Social Skill

³ Kartledge & Milburn

⁴ Matson

⁵ Phillips

⁶ Hargie et al.

⁷ Levine & Coupey

بگیرند. تا جایی که بر مبنای داده‌های سازمان ملی جوانان (۱۳۸۳)، حدود ۴۰ درصد از جوانان آینده شغلی روشنی پیش روی خود نمی‌بینند. بنابراین، شرایط زندگی نقش مهمی در خطرپذیری جوانان امروزی دارد. نشانه‌های گرایش جوانان به خطرپذیری را می‌توان در رواج ورزش‌های مهیج و خطرناک مانند صخره نوردی آزاد، مصرف مواد مخدر توهم‌زا مانند قرص‌های اکستازی و داروهای انرژی‌زا (ذکائی، ۱۳۸۷)، داشتن فعالیت‌های نامطمئن جنسی، مصرف الکل، اقدامات خشونت‌آمیز، اقدام به خودکشی و خودزنی (بال و همکاران، ۱۳۹۱) مشاهده نمود.

در این شرایط، مجهز بودن جوانان به سلاح‌هایی مانند: مهارت‌های اجتماعی، میزان خطرپذیری و ریسک را کاهش داده و توانمندی‌های بالقوه آنان را عملیاتی می‌کند. بدین ترتیب، آموزش مهارت‌های اجتماعی، فرایندهای حل مسئله جوانان را تقویت نموده و رفتارهای پرخطر و عوامل ریسک که تهدید بزرگی برای جوانان می‌باشد، را کاهش می‌دهد. از این رو، پژوهش‌های مرتبط با جوانان باید به دنبال نشان دادن این پیچیدگی‌ها، تغییرپذیری‌ها در تجربه جوانی، چگونگی مواجه شدن آنان با مشکلات و موقعیت‌های ناسازگارانه و ارائه راه حل‌های کارآمد و مداخله‌گر و الگوهای حل مسئله در برابر این شرایط دشوار باشد. لذا در این پژوهش، دستیابی به موارد ذکر شده از ضرورت‌های عملی آن محسوب می‌شود. بر این اساس، از جمله اهداف این تحقیق بررسی عوامل اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی و متغیرهای جمعیت‌شناختی مرتبط با رفتارهای پرخطر جوانان می‌باشد.

پیشینه تحقیق

رضای و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان "تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر درمان اعتیاد افراد مراجعه‌کننده به کلینیک تهران"، تعداد ۲۰ نفر از افراد مبتلا به اختلال مصرف مواد مراجعه‌کننده به کلینیک تهران به صورت

مورد در دسترس را مورد بررسی قرار دادند. افراد انتخاب شده به صورت مساوی در دو گروه آزمایش و شاهد قرار گرفتند. از هر دو گروه، پیش آزمون و پس آزمون صورت گرفت. پس از یک ماه پیگیری، نتایج نشان داد که مهارت‌های ارتباطی و تعاملی در گروه آزمایش در مقایسه با گروه شاهد افزایش معناداری داشته است. در گروه شاهد یک نفر پس از یک ماه دچار لغزش شد، اما هیچ یک از افراد در دو گروه عود یا بازگشت نداشتند.

مقتدایی و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی اثربخشی برنامه آموزش مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی بر میزان رفتارهای قربانی کودکان پسر مقطع ابتدایی شهر اصفهان پرداختند. افراد مورد بررسی شامل ۴۰ دانش آموز قربانی بود که بر اساس نمونه‌گیری چندمرحله‌ای، انتخاب و در دو گروه آزمایش و کنترل ۲۰ نفری تقسیم شدند. مداخله آموزشی مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی بر روی گروه آزمایش اجرا شد. در پس آزمون و پیگیری مقیاس سنجش روابط همگنان بر دو گروه کنترل و آزمایش مجدداً اجرا گردید. یافته‌های تحلیل کوواریانس داده‌ها نشان داد که برنامه آموزشی مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی، به کاهش میزان رفتارهای قربانی و رفتارهای زورگویی کودکان قربانی منجر شد.

باریکانی (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان "رفتارهای پرخطر در نوجوانان مدارس راهنمایی و دبیرستان‌های شهر تهران"، تعداد ۷۰۰ دانش آموز دختر و پسر را در مناطق ۱۰، ۱۳ و ۱۸ آموزش و پرورش شهر تهران، به روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای-تصادفی مورد آزمون قرار داد. نتایج نشان‌دهنده وجود رفتارهای پرخطری مانند مصرف سیگار، الکل و سایر مواد در بین دانش‌آموزان بود. ۱۲ درصد پاسخگویان سیگار مصرف می‌کردند، ۳۰/۶ درصد تجربه مصرف قلیان را داشتند، ۱۰ درصد الکل و ۲ درصد نیز هرویین مصرف کرده بودند.

زاده‌محمدی و احمدآبادی (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان "هم‌وقوعی رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان دبیرستان‌های شهر تهران"، با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و متناسب با حجم،

¹ Bull et al.

گروه آزمایش، تغییر مثبت و اندکی در رابطه با اضطراب اجتماعی از خود نشان داد. بعد از ۱۲ ماه، نمونه کوچکی از گروه آزمایش (بچه‌هایی که کمپ مستمر را دنبال نمودند) تغییرات مثبت بیشتری را در رابطه با همه شاخص‌ها نشان دادند، به جز در باره مشکلات درونی که تغییر کمی پیدا کرد.

بری و اوکونور^۲ (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان "خطر رفتاری، روابط معلم - دانش‌آموز، و توسعه مهارت اجتماعی"، به بررسی فرایندهای رشد مهارت‌های اجتماعی از مهد کودک تا کلاس ششم پرداختند و نقش مشکلات رفتاری اولیه و روابط معلم - دانش‌آموز در توسعه مهارت اجتماعی بچه‌ها را مورد ارزیابی قرار دادند. از تحلیل داده‌ها چند نتیجه مهم به دست آمد. اول اینکه بطور کلی، بچه‌ها مسیر رشد مهارت اجتماعی منحنی شکلی را از مهد کودک تا کلاس ششم نشان دادند، به شکلی که یک دوره افزایش در سال‌های اولیه و اواخر ابتدایی و یک دوره کاهش ناچیز در سال‌های ماقبل آخر دوره ابتدایی مشاهده شد. دوم اینکه، دانش‌آموزان با سطوح بالاتری از مشکلات رفتاری درونی ماقبل مدرسه، سطوح پایین‌تری از مهارت‌های اجتماعی مهد کودک و فرایندهای رشد مهارت اجتماعی متفاوتی نسبت به همسالان خود را نشان دادند. سوم اینکه، دانش‌آموزانی که دارای رابطه بهتری با معلم خود بودند، مهارت‌های اجتماعی بیشتری را از مهدکودک تا کلاس ششم در مقایسه با همسالان دارای روابط کم با معلم، از خود نشان دادند.

سکر و همکاران^۳ (۲۰۰۹) در تحقیقی به بررسی رابطه مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای مشکل آفرین بچه‌های دارای سبک‌های شناختی متفاوت پرداختند. به همین منظور، تعداد ۳۶۶ دانش‌آموز که دوره پیش دبستانی را گذرانده بودند، را انتخاب نمودند. بر مبنای نتایج به دست آمده، بچه‌های دارای سبک شناختی تکانشی، از منظر مشارکت و تعامل اجتماعی نسبت به بچه‌های با سبک شناختی بازتابی، دارای کارآمدی

تعداد ۸۰۷ دانش‌آموز دختر و پسر دبیرستانی شهر تهران را انتخاب و مورد بررسی قرار دادند. یافته‌ها نشان داد که برحسب یک مقیاس ۵ قسمتی، میانگین خرده مقیاس‌های گرایش به جنس مخالف ۳/۲۴، رابطه و رفتار جنسی ۲/۱۵، مصرف الکل ۲/۰۰، مصرف سیگار ۱/۸۷ و مصرف مواد مخدر و روان‌گردان ۱/۷۴ بوده است. همچنین، نتایج حاکی از این بود که بین تمامی رفتارهای پرخطر رابطه مثبت و معناداری برقرار است. مصرف الکل، دوستی با جنس مخالف و مصرف مواد مخدر و روان‌گردان به همراه جنسیت (پسر)، تحصیلات مادر (دانشگاهی)، رشته تحصیلی (انسانی) و درآمد خانواده (زیر ۲۰۰ هزار تومان) بیشترین واریانس خطرپذیری جنسی نوجوانان را تبیین کرده است.

سلیمانی‌نیا (۱۳۸۶) در تحقیقی به بررسی تفاوت‌های جنسیتی نوجوانان در ارتکاب انواع رفتارهای پرخطر پرداخت. نمونه مورد پژوهش شامل ۳۸۵ نوجوان دختر و پسر ۱۴ تا ۱۹ ساله دبیرستان‌های منطقه ۵ تهران بود. نتایج به دست آمده نشان داد که شایع‌ترین رفتار پرخطر در بین نوجوانان، مصرف الکل، پس از آن به ترتیب، مصرف سیگار، رفتار جنسی ناایمن، خشونت، مصرف مواد و اقدام به خودکشی بوده است. یافته‌ها همچنین، بیانگر تفاوت معنادار پسران و دختران در رابطه با رفتارهای پرخطری مانند مصرف سیگار، مصرف الکل و مواد مخدر بوده است، اما در رابطه با خشونت، خودکشی و رفتار جنسی ناایمن تفاوت معناداری مشاهده نشد.

فن فوگت و همکاران^۱ (۲۰۱۳) در تحقیقی به بررسی آموزش مهارت‌های اجتماعی گروه محور در بین گروهی از دانش‌آموزان دارای مشکلات رفتاری پرداختند. به همین منظور، آنان تعداد ۱۶۱ دانش‌آموز را انتخاب نمودند. اثرات مداخله در قالب یک مطالعه شبه آزمایشی همراه با یک ارزیابی ۱۲ ماه بعد از کمپ مستمر اختیاری تست شد. در ارزیابی سریع، هر دو گروه کنترل و آزمایش مشکلات اجتماعی و درونی کمتری را نشان دادند، در حالی که فقط

² Berry & O'Connor

³ Secer et al.

¹ Van Vugt et al.

نموده و بر این پیش فرض استوار است که بزهکاری با برخی از ویژگی‌های شهرنشینی مانند: زبان، قومیت، مهاجرت، حوزه‌های سکونت گاهی و تراکم جمعیت رابطه دارد. پارک معتقد بود که نواحی شهری از انگیزه‌ها و غرایز ساکنان معانعت می‌کند و موجب انحرافات اجتماعی می‌شود (احمدی، ۱۳۸۴).

نظریه بی‌سازمانی اجتماعی: نظریه بی‌سازمانی اجتماعی مطرح شده توسط پارک به وسیله دو تن از شاگردان مکتب شیکاگو به نام‌های شاو و مک کی^۳ توسعه پیدا کرد (همان). آنها معتقد بودند که مشکلات اجتماعی شهر شیکاگو به علت الگوهای کنترل نشده مهاجرت و ایجاد منطقه‌های طبیعی است که در این مناطق، اهالی از فرهنگ کلی جامعه جدا افتاده‌اند. در واقع، این مناطق از سایر نقاط شهر جدا افتاده، هنجارها، ارزش‌ها و الگوهای رفتاری دیگری در آنجا شکل گرفته است که با فرهنگ مسلط در دیگر مناطق در تضاد می‌باشد. در این مناطق گرایش‌های فرهنگی خاصی شکل گرفته، به طوری که افراد مرتباً در معرض یادگیری الگوهای موافق قانون‌شکنی هستند. بنابراین، در این مناطق جرم و جنایت بیشتر اتفاق می‌افتد. علت کجرفتاری و ارقام بالای آن در این مناطق بی‌سازمانی اجتماعی است. به این معنی که شیوه بهنجار رفتار در همه سطوح جامعه به یک شکل رشد و توسعه پیدا نکرده است (ممتاز، ۱۳۸۱). از این رو، نرخ بزهکاری جوانان در این مناطق از مناطق دیگر بیشتر است (محمدی اصل، ۱۳۸۵).

نظریه خرده فرهنگ بزهکارانه جوانان: کوهن^۴ در کتاب خود با عنوان *پسران بزهکار*^۵ (۱۹۵۵)، نظریه خرده فرهنگی را با تفکیک نمودن رفتار انحرافی جوانان از انحرافات اجتماعی بزرگسالان و تأکید بر بزهکاری پسران طبقات پایین تدوین کرد. کوهن در پاسخ به این سؤال که چرا خرده‌فرهنگ بزهکارانه وجود دارد و به جوانان منتقل می‌شود؟ نظریه‌ای

کمتری بودند، در حالی که دارای رفتارهای بیش فعالی، ضد اجتماعی و پرخاشگرانه بودند.

بارکین و همکاران^۱ (۲۰۰۲) در تحقیقی با عنوان مهارت‌های اجتماعی و نگرش‌های مرتبط با مصرف مواد در میان جوانان، به بررسی نگرش‌های جوانان و مهارت‌های اجتماعی تأثیرگذار بر مصرف مواد مخدر در حال حاضر و قصد آنها برای استفاده از مواد مخدر در آینده پرداختند. مدل رگرسیون خطی چندمتغیره نشان داد که جرأت نه گفتن، نگرش مثبت نسبت به مصرف مواد، ادراک همسالان مصرف‌کننده مواد، جنسیت مرد، حمل اسلحه و درگیری و نزاع در حدود ۵۱ درصد از واریانس مقیاس مصرف مواد در حال حاضر را تبیین نمودند. مصرف مواد مورد انتظار در طول سال بعدی به طور معناداری با مصرف مواد در حال حاضر، نگرش مثبت به مصرف مواد، جرأت نه گفتن، مهارت‌های مقابله با مصرف مواد، حمل اسلحه و درگیری و نزاع دارای ارتباط بود. این مدل در حدود ۷۴ درصد از تغییرات مصرف مواد مورد انتظار را تبیین کرد.

مبانی نظری

رویکردهای مختلفی در جامعه‌شناسی، به تبیین مقوله بزهکاری و رفتارهای پرخطر پرداختند که در ادامه به برخی از این رویکردها اشاره می‌شود.

نظریه بوم‌شناختی: جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو در دو سطح کلان و خرد به بررسی مسائل شهری پرداختند. تحقیقات آنها هم شامل نظریه‌های کلان می‌باشد که نشان می‌دهد چگونه ارقام جرم و جنایت در میان اجتماعات گوناگون متفاوت است، همچنین، نظریات سطح خرد را شامل می‌شود که به جریان‌های روان‌شناسی اجتماعی توجه دارد که زیربنای این جریان‌ها در سطح کلان هستند (شارع پور، ۱۳۸۷). در مکتب بوم‌شناختی شیکاگو، نظریه بوم‌شناختی پارک^۲ با رویکرد جامعه‌شناسی شهری، بزهکاری جوانان را تبیین

^۳ Shaw and McKay

^۴ Cohen

^۵ Delinquent Boys

^۱ Barkin et al.

^۲ Park

کلی درباره چگونگی پیدایش خرده فرهنگ بزهکار ارائه می‌دهد (احمدی، ۱۳۸۴).

بحث اصلی کوهن این است که عضویت در طبقه اجتماعی با ارزش‌های اجتماعی و سبک‌های زندگی ارتباط دارد. با توجه به شیوه‌های تربیت کودک در طبقه متوسط و طبقه کارگر (پایین)، احتمالاً به کودکان می‌آموزند که رفتار باید خودانگیخته و پرخاشگرانه باشد. ارزش‌های این طبقه بر زمان حال با تأکید اندکی بر برنامه‌ریزی دراز مدت تمرکز می‌کنند. اجتماعی شدن یا آموزش در طبقات پایین به ملایمت پیش می‌رود و کودک یاد می‌گیرد از دستورات پیروی کند. برخلاف این، کوهن بیان می‌کند که در طبقه متوسط، اجتماعی شدن و تربیت کودک با تأکید بر ارزش‌ها و سبک‌های زندگی اغلب متضاد با مواردی است که در طبقه پایین مطرح می‌باشد. ارزش‌های طبقه متوسط شامل پویایی ذاتی و جاه طلبی، مسئولیت‌پذیری فردی، پیشرفت و موفقیت، کامروایی معوق، کنترل رفتار خشن، تمرین تبعیت از قانون و احترام به اموال دیگران می‌باشد (شوemaker^۱، ۱۳۸۹).

در حالی که دو نظام ارزشی طبقاتی متفاوت وجود دارد، در مدرسه عمده‌تأ ارزش‌های طبقه متوسط حاکم است. در نتیجه جوانان متعلق به طبقه پایین، خودشان را با معیارهای مقیاس طبقه متوسط ارزیابی می‌کنند (همان). بر مبنای ارزش‌های مدرسه، کسی موفق می‌شود که خصایص طبقه متوسط را داشته باشد، در حالی که جوانان طبقه پایین فاقد چنین ویژگی‌هایی هستند و در رقابت با جوانان طبقه متوسط شکست می‌خورند. این شکست احساس ناکامی و سرخوردگی را در آنان ایجاد می‌کند، در نتیجه، جوانان طبقه پایین که دچار ناکامی شده‌اند، در منطقه‌هایی که زندگی می‌کنند، خرده فرهنگ‌های بزهکار را به وجود می‌آورند (ممتاز، ۱۳۸۱).

نظریه فرهنگ طبقه پایین: میلر^۲ نیز از منظر خرده فرهنگی به رفتارهای بزهکارانه جوانان طبقه پایین می‌پردازد. نظریه

وی مبتنی بر ویژگی‌های طبقاتی جوانان طبقات پایین جامعه است و خرده فرهنگ‌های بزهکاری که بزهکاران طبقات پایین جامعه به وجود می‌آورند، پاسخ به خرده فرهنگ طبقه خود است (احمدی، ۱۳۸۴).

میلر معتقد است که پسران طبقه پایین از خرده فرهنگ خود تبعیت می‌کنند. آنها زمانی در چشم جامعه کلان، بزهکار جلوه می‌کنند که بخواهند رفتار مقبول خرده فرهنگ خود را در پرتو ارزش‌های این خرده فرهنگ‌ها شامل: دردسر طلبی، زرنگی، هیجان طلبی، ماجراجویی، تقدیرگرایی و استقلال طلبی نشان دهند (میلر، ۱۹۵۹ به نقل از، محمدی اصل، ۱۳۸۵). برای تحقق این ارزش‌هاست، که پسران تجربه و کیفیت شخصی خاصی را پرورش می‌دهند و از این رهگذر به بزهکاری گرایش پیدا می‌کنند. آنها از این طریق زندگی را با والدین و همسالان‌شان تجربه نموده و جامعه‌پذیر می‌شوند. این جامعه‌پذیری هم از فرهنگ طبقه متوسط متنفر است و این افراد به غفلت از هنجارها و ارزش‌های فرهنگ غالب می‌پردازند. بدین ترتیب، از نظر میلر، بزهکاری پسران محلات بدنام، محصول جامعه‌پذیری در خرده فرهنگ بزهکارانه خصوصاً در محلات بدنام است (محمدی اصل، ۱۳۸۵).

نظریه برچسب زنی: نظریه برچسب زنی^۳ رویکرد جامعه‌شناختی کاملاً متمایزی است که بر روی نقش برچسب‌زنی اجتماعی در گسترش جرم و انحراف تأکید می‌کند (برنبرگ^۴، ۲۰۰۹: ۱۸۷). پیش فرض اساسی نظریه برچسب زنی این است که تعریفی که جامعه از برخی رفتارهای انسان ارائه می‌کند، اساس و مبنای انحراف اجتماعی می‌باشد (احمدی، ۱۳۸۴).

نظریه برچسب زنی مدعی است که واکنش‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی بر بزهکاری می‌تواند نگرش‌ها و رفتارهای اساسی بزهکاران را تحت تأثیر قرار دهد. از اولین مواردی که پیامد برچسب زنی رسمی را بر بزهکاری به طور

^۳ Labelling Theory

^۴ Bernburg

^۱ Shoemaker

^۲ Miller

بالقوه منفی شناسایی نموده است، کارهای فردریک تراشر^۱ بر روی گروه‌های جوانان اوباش^۲ در شیکاگو (۱۹۲۷) می‌باشد. حدود یک دهه بعد از تراشر، فرانک تاننباوم^۳ در کتابش با عنوان *جرم و اجتماع*^۴ (۱۹۳۸) اصطلاح "نمایش شر"^۵ را مطرح نمود. وی بر این باور بود که زدن برچسب رسمی به فرد به عنوان بزه‌کار، می‌تواند وی را وادار به انجام کارهایی کند که او را به آن کارها شناخته‌اند. چند سال بعد از انتشار کتاب *تانبائوم*، ادوین لمرت^۶ (۱۹۵۱) مفهوم کجرفتاری اولیه^۷ اولیه^۸ و ثانویه^۹ را بیان کرد که از عناصر اصلی اولین دیدگاه نظام یافته در این زمینه به شمار آمد (شومیکر، ۲۰۰۹).

نکته جالب توجه این است که نظریه برچسب زنی در خلال دهه ۱۹۵۰ مسکوت بود و نظریه‌های ساختاری متعددی به تبیین بزهکاری به ویژه گروه‌های بزهکاری اوباش طبقات پایین پرداختند (نظریه‌های خرده فرهنگی). طرح دوباره این موضوع به ویژه به واسطه تحلیل‌های هوارد بکر^۹ از کجرفتاری در اوایل دهه ۱۹۶۰ (که بعدها در سال ۱۹۷۳ مورد تجدید نظر قرار گرفت)، مجدداً آن را در کانون توجه قرار داد (همان).

از آنجایی که واکنش‌های دیگران نقش مهمی در شکل‌گیری هویت ما دارد، برچسبی که در نتیجه واکنش‌های دیگران نسبت به رفتار انحرافی به فرد زده می‌شود، خودانگاره فرد را دگرگون می‌سازد و فرد هویت بزهکارانه یا انحرافی پیدا می‌کند. این امر موجب مشخص شدن هویت فرد بزهکار برای دیگران گردیده و به عنوان فردی برچسب خورده به جامعه معرفی می‌شود. بنابراین، رفتارهای وی متناسب با هویت جدید و در قالب اشکال جدیدی ظاهر می‌شود.

نظریه رفتار مشکل آفرین: ریچارد جسور در رابطه با رفتارهای پرخطر یک مدل روانی- اجتماعی^{۱۰} ارائه می‌دهد و بر این باور است که باید از همه پیامدهای بالقوه این رفتارها آگاه بود، نه فقط پیامدهای زیستی- بهداشتی (پزشکی) آن را مورد توجه قرار داد. جسور بیان می‌کند که تحلیل هزینه فایده‌ای از عوامل پرخطر^{۱۱} باید انجام شود (عامل خطر در واقع، یک عامل یا شرطی است که مطابق با سلامت، کیفیت زندگی یا خود فرد می‌باشد)، فرد نمی‌تواند به سادگی خود را گرفتار هزینه‌های بالقوه این رفتارها نماید. در دوره نوجوانی، رفتارهای پرخطر می‌توانند تابعی از رشد بهنجار و طبیعی باشند. خواه نوجوانان از این امر آگاهی داشته باشند یا نه، این رفتارها اغلب دارای کارکرد، هدفمند و جهت‌یابی شده هستند (جسور، ۱۹۹۲: ۳۷۴-۳۹۰؛ ۱۹۹۸). نوجوانان ممکن است رفتارهایی مانند سیگار کشیدن، نوشیدن مشروبات الکلی و فعالیت جنسی را انجام دهند تا بدین وسیله تأیید و احترام همسالان خود را به دست آورند، از والدین خود مستقل شوند، احساس رشد و بلوغ ذهنی کسب کنند و با استرس مقابله نمایند. از آنجایی که این اهداف در رشد بهنجار نوجوان مهم هستند، رفتارهای پرخطر، نوجوانان و جوانان را در دستیابی به این اهداف کمک می‌کنند. برعکس، پیامدهای منفی رفتارهای پرخطر می‌تواند بسیاری از امور مربوط به رشد را به مخاطره بیندازد، شایستگی، بلوغ، نقش‌های اجتماعی مطلوب و گذر سالم و صحیح به بزرگسالی را مانع شود (والنسیا و کرامر^{۱۲}، ۲۰۰۰: ۵۳-۵۴).

نظریه زمان بندی بلوغ: چارلز اروین^{۱۳} مدل علی- معلولی رفتار پرخطر را ارائه داده است. این مدل شبیه به مدل روانی- اجتماعی جسور می‌باشد، از این نظر که این مفهوم را تأیید می‌کند که رفتار پرخطر در طول دوره نوجوانی به عنوان یک مؤلفه طبیعی برای رشد اجتماعی- روانی- زیستی ایجاد می‌شود. این مدل علی- معلولی از این نظر منحصر به فرد

^{۱۰} Psychosocial Model

^{۱۱} Risk Factors

^{۱۲} Valencia & Cromer

^{۱۳} Irwin

^۱ Thrasher

^۲ The Gang

^۳ Tannenbaum

^۴ Crime and the Community

^۵ Dramatization of Evil

^۶ Lemert

^۷ Primary Deviance

^۸ Secondary Deviance

^۹ Becker

نظریات مهارت اجتماعی: در رابطه با مهارت‌های اجتماعی به عنوان متغیر مستقل اصلی، دو دسته نظریه وجود دارد: نظریات روان‌شناختی و نظریات اجتماعی. در نظریات روان‌شناختی بر روی فرآیندهای ذهنی که رفتارهای ارتباطی را در برمی‌گیرند، تأکید می‌شود. این نظریات از یک طرف بر روی پردازش پیام متمرکز می‌شوند که چگونه افراد، رفتار خود و دیگران را تفسیر و ارزیابی می‌کنند. از طرف دیگر، بر روی تولید یا ایجاد پیام تأکید می‌کنند که چگونه افراد رفتار ارتباطی را به وجود می‌آورند تا از این طریق به اهداف خود برسند (ویلسون و ساببی^۵، ۲۰۰۳: ۱۰).

نظریات روان‌شناختی شامل: نظریات انتظار^۶، اسنادی^۷ و سلسله مراتبی^۸ هستند. در نظریه انتظار، بر این نکته تأکید می‌شود که چه چیزی از ارتباط انتظار می‌رود و انتظارات مرتبط با رفتار کلامی و غیرکلامی چه چیزی هستند (همان: ۱۱). در نظریه اسنادی، افراد در مورد موقعیت‌ها خوشبین هستند. آنها شکست یا موفقیت خود را به عوامل مختلف نسبت می‌دهند. در واقع، نسبت دادن یک نوع قضاوت علی درباره رفتار یا حوادث می‌باشد. وینر^۹ واکنش افراد نسبت به موفقیت یا شکست را تبیین می‌کند. برای مثال فردی که در آزمون نمره خوب نگرفته است، ممکن است عدم موفقیت خود را به عدم آمادگی خود یا سخت بودن آزمون نسبت دهد. البته افراد زمانی که موفقیت خود را به عوامل درونی نسبت می‌دهند، احساس سربلندی و غرور می‌کنند (همان: ۱۵-۱۶). در نظریه سلسله مراتبی، افراد درگیر ارتباط، برنامه‌های کنش را ماهرانه انجام می‌دهند. با ارجاع به نظریه کنترل سیرنیتیک^{۱۰}، بر روی نظام‌های خودتنظیم گر^{۱۱} تأکید می‌شود. بر این اساس، افراد با توجه به بازخوردی که از دیگران در رابطه با رفتار خود می‌بینند، سعی در تنظیم رفتار و ارتباطات

است که بر تأثیر زمان‌بندی بلوغ زیستی^۱ (تکامل جنسی) در حوزه شناختی، خودپنداره‌ها، ادراک از محیط اجتماعی و ارزش‌های فردی تأکید می‌ورزد. این چهار عامل اجتماعی - روانی به نظر می‌رسد که بر رفتار پرخطر نوجوانان از طریق توجه به مقوله ادراک خطر و خصوصیات گروه همسالان تأثیر می‌گذارند (اروین و میلستین^۲، ۱۹۸۶: ۹۶).

مطابق با دیدگاه اروین، زمان‌بندی بلوغ، درصد احتمالی و طول مدت آن دارای تأثیر شگرفی بر تصویر بدنی، عزت نفس، رشد روابط مربوط به جنس مخالف، وابستگی به همسالان، استقلال از خانواده و عملکرد تحصیلی می‌باشد (همان).

نظریه استرس اجتماعی: مدل استرس اجتماعی^۳ جان رودز^۴ که برای توضیح احتمال مصرف مواد به وجود آمده است، دیدگاه دیگری درباره رفتارهای پرخطر نوجوانان و جوانان می‌باشد. این مدل در واقع، تعامل استرس، دلبستگی‌ها، مهارت‌های سازگاری و منابع مشخص خطر برای مصرف مواد را توضیح می‌دهد. با توجه به این مدل، احتمال مصرف مواد توسط یک فرد نوجوان و جوان به عنوان تابعی از سطح استرس نابرابر به وسیله این سه متغیر در نظر گرفته می‌شود.

$$\text{وابستگی‌ها و تعلقات} + \text{مهارت سازگاری} + \text{منابع مشخص خطر} = \frac{\text{استرس}}{\text{مصرف مواد}}$$

استرس می‌تواند به مشکلات زندگی روزمره از مصرف روزانه هر خانه تا یک بیماری مزمن یا مرگ یکی از والدین مربوط شود. مصرف مواد یا هرگونه رفتار پرخطر ممکن است به عنوان روشی برای فرار یا فاصله گرفتن شخص از خود در اثر تعارض مداوم به کار رود. این مسأله همچنین، می‌تواند خشم و ناامیدی در اثر استرس روزمره را منعکس سازد (والنسیا و کرامر، ۲۰۰۰: ۵۵).

^۵ Wilson & Sabee

^۶ Expectancy Theory

^۷ Attribution Theory

^۸ Hierarchical Theory

^۹ Weiner

^{۱۰} Cybernetic Control Theory

^{۱۱} Self-Regulating Systems

^۱ Timing of Biological Maturation

^۲ Irwin & Millstein

^۳ Social Stress

^۴ Rhodes

خود دارند (همان: ۲۴). نظریات اجتماعی به جای تأکید بر فرد به عنوان واحد تحلیل، بر روی گروه‌های اجتماعی تمرکز می‌کنند. نظریه دیالکتیک رابطه‌ای^۱ باکستر و مونتگمری^۲ یکی از نظریات اجتماعی است که بیان می‌کند کنش‌ها نسبت به نیازها و تناقض‌ها حساس هستند. این نظریه بر روی روابطی تأکید می‌کند که حول فعل و انفعال پویای تمایلات متضاد زمانی که آنها در کنش متقابل به نمایش در آیند، سازمان می‌یابند (همان: ۲۹-۳۰).

چارچوب نظری: در این پژوهش نظریه کنترل اجتماعی^۳ به عنوان چارچوب نظری منتخب در رابطه با رفتارهای پرخطر برگزیده شده است. تفوق نظریه کنترل اجتماعی نسبت به دیدگاه‌های دیگر در این حوزه این است که نظریات دیگر بیشتر مربوط به بزهکاری جوانان طبقات پایین است، اما نظریه کنترل اجتماعی بر این پیش‌فرض استوار است که رفتار بزهکاران متعلق به همه طبقات اجتماعی است و جنبه عمومی و جهان‌شمول دارد. همچنین، نظریه کنترل اجتماعی تأکید بیشتری بر عوامل اجتماعی و جامعه‌پذیری دارد تا ویژگی‌های فردی. علاوه بر این، نظریه کنترل اجتماعی بیشتر بر علت‌های هم‌نمایی به جای علت‌های ناهم‌نمایی تأکید دارد. در نهایت، نظریه کنترل اجتماعی بیشتر به نقش بازدارندگی و نظارتی عوامل اجتماعی در ارتباط با رفتارهای بزهکارانه و پرخطر پرداخته است.

دو نوع کنترل اجتماعی رسمی و غیر رسمی وجود دارد. قوانین بعنوان پدیده‌ای اجتماعی، شکل رسمی کنترل اجتماعی هستند، کنترل اجتماعی غیررسمی شامل روابط خانوادگی، دین و غیره است (بیرن و مزرشمیت^۴، ۲۰۱۱). نظریه کنترل اجتماعی بر این پیش‌فرض مبتنی است که برای کاستن از تمایل به رفتار بزهکارانه و مجرمانه، همه افراد باید کنترل شوند. این نظریه بر عمومی و جهان‌شمول بودن رفتار

انحرافی تأکید نموده و آن را نتیجه پیوندهای ضعیف افراد در ارتباط با جامعه می‌داند (هیرشی^۵، ۱۹۶۹).

تراویس هیرشی مهم‌ترین پایه‌گذار نظریه کنترل اجتماعی است. وی موضوع پیوند اجتماعی را مطرح می‌سازد و بر این باور است که کجرفتاری زمانی واقع می‌شود که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف باشد یا گسسته شود (همان). هیرشی در نظریه خود، نقش سازمان‌های کنترل اجتماعی مانند خانواده و مدرسه را مورد تأکید قرار می‌دهد و بر این باور است که چون برخی از نیروهای اجتماعی بازدارنده و کنترل‌کننده انحراف اجتماعی از بین رفته یا کارکرد آنها ضعیف شده است، جوانان مرتکب رفتار بزهکارانه می‌شوند (احمدی، ۱۳۸۴: ۹۰). نظریه کنترل اجتماعی می‌خواهد به این سؤال اساسی پاسخ دهد که چرا اکثر مردم درگیر فعالیت‌های مجرمانه نمی‌شوند؟ به عبارت دیگر، اگر انحراف طبیعی است، پس هم‌نمایی غیرطبیعی است و لذا نیازمند تبیین می‌باشد. عمل طبیعی انسان‌ها مسأله‌ای نیست که نیاز به تبیین داشته باشد، بلکه مسأله اصلی این است که چرا اکثر مردم رفتارهای انحرافی انجام نمی‌دهند (طالبان، ۱۳۸۳: ۵). پاسخ هیرشی به این سؤال این است چون جرأت این کار را ندارند، رفتارهای انحرافی انجام نمی‌دهند (هیرشی، ۱۹۶۹).

وقتی کنترل‌های اجتماعی ضعیف یا غایب باشند، افراد آزادی عمل بیشتری برای زیر پا گذاشتن قوانین دارند. پیوستگی ضعیف افراد به نهادهای اجتماعی آنها را بیشتر ترغیب به انحراف از قانون می‌کند، در حالی که وقتی بین فرد و نهادهای اجتماعی پیوستگی و پیوند قوی و محکمی وجود داشته باشد، رفتار غیرقانونی و نامشروع، شبکه مناسبات اجتماعی و تصویر مثبت فرد نزد دیگران را تهدید می‌کند. بنابراین، بستگی‌ها یا قیود اجتماعی از طریق افزایش هزینه‌های پیش‌بینی شده کجروی، احتمال وقوع آن را کاهش می‌دهد (اریکسون و همکاران^۶، ۲۰۰۰: ۳۹۵-۴۲۵).

^۱ Relational Dialectics Theory

^۲ Baxter & Montgomery

^۳ Social Control Theory

^۴ Beirne & Messerschmidt

^۵ Hirschi

^۶ Erikson et al.

هیرشی (۱۹۶۹) از چهار عنصر اصلی صحبت می‌کند که باعث پیوند فرد و جامعه می‌شوند. این عناصر شامل تعلق و دلبستگی^۱، تعهد^۲، شمول و درگیری^۳ و اعتقاد^۴ می‌باشند. منظور از تعلق و دلبستگی این است که فرد نسبت به افرادی که برایش مهم هستند و با آنان پیوندهای نزدیکی دارد، دارای عواطف و احساساتی است که موجب می‌شود نسبت به قضاوت‌های آنان و آنچه که درباره رفتارشان می‌اندیشند، مراقب باشد. بنابراین، کنترل بزهکاری با تعلقات جوانان نسبت به والدین‌شان، دوستان صمیمی و افراد مهم دیگر پیوند می‌خورد. منظور از تعهد، به سرمایه‌گذاری‌هایی اشاره دارد که فرد در جامعه انجام داده است. هرچه قدر سرمایه‌گذاری‌های مردم در تحصیلات، سوابق شغلی و سایر دارایی‌های خود بیشتر باشد، علت بیشتری دارند که همنوا باشند تا بتوانند از دستاوردهای خود محافظت کنند. بنابراین، به خاطر از دست ندادن سرمایه‌گذاری‌های خود، از قانون پیروی نموده و از بزهکاری و جرم اجتناب می‌کنند. منظور از شمول و درگیری این است که وقت و انرژی افراد محدود است و لذا افراد بیشتر مشغول فعالیت‌های متعارف زندگی مانند: کار، درس و یا زندگی خانوادگی هستند، به همین خاطر فرصت کمی دارند که در اعمال بزهکارانه مشارکت نمایند. اما کسانی که وقت آزاد بیشتری دارند، فرصت بیشتری برای انجام دادن رفتارهای بزهکارانه دارند. منظور از اعتقاد و باور، وفاداری فرد به ارزش‌ها و اصول اخلاقی یک جامعه می‌باشد. بدین ترتیب، فرد به این باور می‌رسد که قواعد و قوانین حاکم بر جامعه صحیح است و خود را ملزم به پیروی از آنها می‌داند. بنابراین، هرچه شخص کمتر به هنجارهای عادی معتقد باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که هنجارها را نقض و مرتکب رفتار بزهکارانه شود (هیرشی، ۱۹۶۹).

با توجه به چارچوب نظری، علاوه بر مهارت اجتماعی به عنوان متغیر مستقل اصلی، با ارجاع به نظریه کنترل اجتماعی هیرشی، متغیرهای دلبستگی، تعهد، درگیری (مشارکت) و باور از چارچوب نظری منتخب استخراج شده و رابطه آنها با متغیر وابسته تحقیق یعنی؛ رفتارهای پرخطر مورد بررسی قرار می‌گیرند. در واقع، هدف اساسی این است که نقش بازدارندگی و نظارتی متغیرهای مهارت اجتماعی، دلبستگی به خانواده و دوستان، تعهد به هنجارها، درگیری و مشارکت در فعالیت‌های مختلف و باور به اصول اخلاقی در ارتباط با رفتارهای پرخطر جوانان مشخص شود. همچنین، رابطه برخی متغیرهای زمینه‌ای با متغیر وابسته نیز سنجیده می‌شود. بنابراین، همان‌طور که مدل تجربی تحقیق نشان می‌دهد، رفتارهای پرخطر به عنوان متغیر وابسته، و مهارت‌های اجتماعی، دلبستگی، تعهد، درگیری، باور، سن، جنس، تحصیلات، وضعیت تأهل، طبقه اجتماعی، ساختار خانواده و درآمد خانوار به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده‌اند. براساس مدل تجربی، فرضیات تحقیق رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای، مهارت اجتماعی (متغیر مستقل اصلی) و متغیرهای مستخرج از نظریه کنترل اجتماعی (دلبستگی، تعهد، درگیری و باور) با متغیر وابسته رفتارهای پرخطر را مورد آزمون قرار می‌دهد.

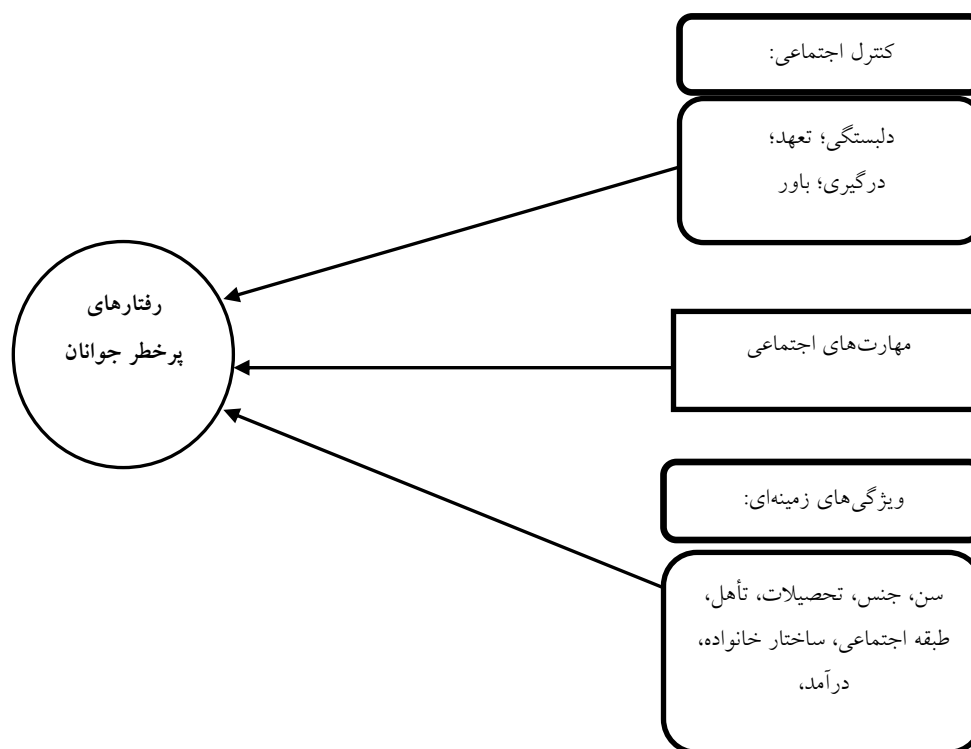
¹ Attachment

² Commitment

³ Involvement

⁴ Belief

مدل تجربی تحقیق



فرضیات تحقیق

- بین سن و رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد.
- به لحاظ رفتارهای پرخطر بین جنس (مرد و زن) تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین تحصیلات و رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد.
- به لحاظ رفتارهای پرخطر بین وضعیت تأهل (مجرد و متأهل) تفاوت معناداری وجود دارد.
- به لحاظ رفتارهای پرخطر بین طبقه اجتماعی (بالا، متوسط و پایین) تفاوت معناداری وجود دارد.
- به لحاظ رفتارهای پرخطر بین ساختار خانواده (زندگی با پدر و مادر، زندگی با پدر و ...) تفاوت معناداری وجود دارد.
- بین درآمد خانوار و رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد.
- بین دلبستگی به خانواده و دوستان و رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد.
- بین تعهد به هنجارها و رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد.
- بین درگیری و مشارکت در فعالیت‌های مختلف و رفتارهای

پرخطر رابطه وجود دارد.

- بین باور به اصول اخلاقی و رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد.
- بین مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر بر اساس رویکرد کمی تحقیق و با استفاده از روش پیمایشی به جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز پرداخته است. در این روش از تکنیک یا ابزار پرسشنامه استفاده می‌شود. پرسشنامه مورد استفاده از دو بخش اصلی تشکیل شده است: بخش اول سؤال‌هایی است که اطلاعات مربوط به ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی فرد را جویا شده و بخش دوم نیز یکسری سؤال‌ها در قالب طیف می‌باشد که عناصر چهارگانه کنترل اجتماعی، میزان مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر پاسخگویان را می‌سنجد. این طیف توسط

مهارت‌های اجتماعی ۰/۸۵، تعلق و دلبستگی ۰/۷۰، تعهد ۰/۷۲، مشارکت ۰/۶۵، باور ۰/۶۱ و رفتارهای پرخطر ۰/۹۱ می باشد.

تعریف مفاهیم

رفتارهای پرخطر: رفتارهایی هستند که دارای پیامدهای منفی از نظر جسمی، روانی و اجتماعی می‌باشند. اگرچه برخی از رفتارهای پرخطر مرتبط با پیامدهای منفی هستند، اما برخی دیگر مستقیماً به پیامدهای منفی برمی‌گردند، یعنی در واقع علل به وجود آمدن پیامدهای منفی و مخرب، رفتارهای پرخطر هستند (دی مانتو و مارک زیگ^۱، ۲۰۰۵: ۲۰-۲۱). برای عملیاتی کردن، رفتارهای پرخطر را در ۷ حوزه شامل رانندگی خطرناک، رفتارهای خشونت‌آمیز، تمایل و اقدام به خودکشی، مصرف سیگار و قلیان، مصرف الکل و مواد مخدر، رفتار جنسی و رفتارهای مرتبط با فضای مجازی به شکل طیف در قالب پاسخ‌های (هرگز، یک یا دوبار، بعضی اوقات و بیشتر اوقات) مورد سنجش قرار دادیم.

مهارت اجتماعی: مهارت اجتماعی عبارتست از: مجموعه‌ای از رفتارهای هدفمند، به هم مرتبط و متناسب با وضعیت که آموختنی بوده و تحت کنترل فرد می‌باشند (হারجی و همکاران، ۱۳۹۲). بعد عملیاتی مهارت‌های اجتماعی شامل گویه‌هایی به شکل طیف از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف می‌باشد که مهارت‌های همکاری، خودگردانی، مقابله‌ای، قانونمداری، گذران اوقات فراغت و شناسایی ارزش‌های جامعه را به عنوان خرده مقیاس‌های مهارت‌های اجتماعی می‌سنجد.

دلبستگی: به ارتباط روان‌شناختی که فرد نسبت به فرد دیگر یا گروه‌ها احساس می‌کند، اشاره دارد. از نظر هیرشی، والدین و مدرسه در این زمینه بسیار مهم هستند. هرچه فرد دلبستگی بیشتری به این گروه‌ها و نهادها داشته باشد، کنترل اجتماعی بیشتری را تجربه نموده و احتمال کمتری دارد که به

محققان طراحی و تعیین روایی و اعتبار شده است. جامعه آماری در این تحقیق کلیه جوانان ۱۵-۲۹ ساله شهر شیراز می‌باشد که در سال ۱۳۹۰ تعداد آنها ۴۷۷۲۸۷ نفر بوده است. در این تحقیق با استفاده از جدول لین^۱ (لین، ۱۹۷۸) حجم نمونه برابر با ۶۰۰ نفر تعیین گردید و در نهایت داده‌های جمع‌آوری شده از ۶۰۰ نفر که به سؤال‌های پرسشنامه جواب دادند، وارد نرم‌افزار SPSS گردید و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

در این تحقیق با توجه به ناهمگنی اقتصادی و اجتماعی شهر شیراز و در دسترس نبودن چارچوب نمونه‌گیری، از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای مختلط استفاده شده است. در این روش، ابتدا جمعیت مناطق ۱۰ گانه شهر شیراز براساس سرشماری سال ۱۳۹۰ به تفکیک استخراج، سپس متناسب با جمعیت هر منطقه و نسبت آن به جمعیت کل، تعداد پرسشنامه موردنظر برای هر منطقه مشخص شد. در هر منطقه، متناسب با تعداد پرسشنامه مربوط به هر منطقه تعداد بلوک‌های هر منطقه تعیین گردید و سپس بلوک‌های منتخب تعیین شدند. در درون هر بلوک نیز، کوچه‌ها به صورت زوج فرد و یکی در میان و پاسخگویان با در نظر گرفتن تناسب جنسیتی تقریبی و گروه سنی جهت پر کردن پرسشنامه‌ها مشخص شدند.

روایی^۲ پژوهش به شیوه اعتبار صوری و با مراجعه و تبادل نظر با افراد متخصص و صاحب‌نظر تضمین گردید. بدین منظور، پرسشنامه طراحی شده به همراه چارچوب نظری و فرضیات پژوهش در اختیار استادان و متخصصان قرار داده شد و نقطه نظرات آنها در تدوین نهایی پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت.

برای سنجش پایایی^۳ ابزار اندازه‌گیری نیز، از آلفای کرونباخ^۴ استفاده شد. آلفای کرونباخ به دست آمده برای طیف

^۱ Lin

^۲ Validity

^۳ Reliability

^۴ Cronbach's Alpha

پیرسون، آزمون T، تحلیل واریانس یک طرفه و رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است.

یافته‌ها

مهم‌ترین یافته‌های توصیفی به این شرح می‌باشند: از لحاظ جنس، ۵۹/۳ درصد پاسخگویان مرد و ۴۰/۷ درصد زن می‌باشند، میانگین سن پاسخگویان ۲۱/۸ سال می‌باشد، میانگین تحصیلات پاسخگویان ۱۳/۲ کلاس، میانگین درآمد ماهیانه خانواده پاسخگویان یک میلیون و ۳۶۳ هزار تومان، میانگین نمره مهارت‌های اجتماعی پاسخگویان ۶۸/۴۷ و میانگین نمره رفتارهای پرخطر پاسخگویان ۱۸/۱۸ می‌باشد. همچنین ۸۱/۷ درصد پاسخگویان مجرد و ۱۷/۳ درصد متأهل؛ ۴/۳ درصد پاسخگویان جزو طبقه بالا، ۷۵/۷ درصد طبقه متوسط و ۲۰ درصد نیز در طبقه پایین قرار دارند. و سرانجام اینکه از نظر ساختار خانواده، ۷۵/۷ درصد پاسخگویان با پدر و مادر، ۱/۳ درصد با پدر، ۶/۷ درصد با مادر، ۵ درصد به شکل مستقل و ۱۱ درصد با همسر خود زندگی می‌کردند.

جدول ۱ نشان‌دهنده توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه براساس میزان مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر می‌باشد. همان‌گونه که داده‌های جدول نشان می‌دهد، ۸/۳ درصد از پاسخگویان دارای مهارت‌های اجتماعی در سطح کم، ۶۸/۳ درصد دارای مهارت‌های اجتماعی در سطح متوسط و ۲۳/۳ درصد نیز دارای مهارت‌های اجتماعی در سطح زیاد هستند. همچنین، ۸۰/۷ درصد دارای رفتارهای پرخطر در سطح کم، ۱۶/۳ درصد دارای رفتارهای پرخطر در سطح متوسط و ۳ درصد نیز دارای رفتارهای پرخطر در سطح زیاد هستند. داده‌های جدول گویای این مسأله می‌باشد که هرچه مهارت‌های اجتماعی افزایش می‌یابد، رفتارهای پرخطر کمتر می‌شود.

بزهکاری روی آورد (هیرشی، ۱۹۶۹). دل‌بستگی را از طریق ۵ گویه در قالب طیف که میزان ارتباط و صمیمیت فرد نسبت به خانواده و دوستان را شامل می‌شود، مورد سنجش قرار دادیم. **تعهد:** عنصر منطقی در نظریه کنترل اجتماعی است و حاصل رویکرد هزینه - فایده نسبت به بزهکاری می‌باشد. منظور از تعهد، به سرمایه‌گذاری‌هایی اشاره دارد که فرد در جامعه انجام داده است. بنابراین، وقتی که فرد رفتار بزهکارانه انجام می‌دهد، باید خطرات از دست دادن سرمایه‌گذاری‌هایش در امور متعارف و قابل قبول را بپذیرد. بر همین اساس، زمانی که افراد می‌دانند که اگر رفتار بزهکارانه انجام دهند، چیزهایی را از دست خواهند داد، دست به این کار نمی‌زنند (همان). ۵ گویه به شکل طیف میزان تعهد و پایبندی فرد نسبت به امور تحصیلی و شغلی مانند ترک نکردن محل کار یا مدرسه، پایبندی به قوانین محل کار یا مدرسه و ... را مورد سنجش قرار می‌دهد.

مشارکت یا درگیری: اشاره به مشارکت در فعالیت‌های متعارف و قانونی مانند فعالیت‌های ورزشی، علمی و اجتماعی دارد. از نظر هیرشی، سرگرم بودن فرد به فعالیت‌های متعارف، وی را از انجام رفتار بزهکارانه باز می‌دارد، زیرا که وقت آزادی برایش باقی نمی‌ماند که سراغ اعمال خلاف و بزهکاری برود (همان). متغیر مشارکت، میزان شرکت افراد در فعالیت‌های مذهبی، ورزشی، علمی، فرهنگی و ... را در قالب ۵ گویه مورد بررسی قرار داد.

باور به اصول اخلاقی: به پذیرش نظام ارزشی جامعه برمی‌گردد (همان). زمانی که فرد این نظام ارزشی را قبول داشته باشد، خود را با هنجارهای اجتماعی آن هم‌نوا و سازگار می‌کند. این متغیر از طریق ۵ گویه در قالب طیف میزان اعتقاد فرد نسبت به اصول اخلاقی و ارزش‌های جامعه مانند قانونمندی، درستکاری و ... را مورد سنجش قرار می‌دهد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آماره‌های توصیفی مانند: جداول تقاطعی و آماره‌های استنباطی مانند: ضریب همبستگی

جدول ۱- توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه براساس میزان مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر

مهارت‌های اجتماعی	رفتارهای پرخطر							
	کم		متوسط		زیاد		کل	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
کم	۲۲	۳/۷	۲۰	۳/۳	۸	۱/۳	۵۰	۸/۳
متوسط	۳۳۰	۵۵	۷۲	۱۲	۸	۱/۳	۴۱۰	۶۸/۳
زیاد	۱۳۲	۲۲	۶	۱	۲	۰/۳	۱۴۰	۲۳/۳
کل	۴۸۴	۸۰/۷	۹۸	۱۶/۳	۱۸	۳	۶۰۰	۱۰۰

بررسی فرضیات

نشان می‌دهد. بر اساس داده‌های جدول ضریب پیرسون

فرضیه اول: بین سن و رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد. ($r = -0.049$) و سطح معناداری ($p = 0.232$)، بین سن و رفتارهای

جدول ۲ میزان همبستگی بین سن و رفتارهای پرخطر را

جدول ۲ میزان همبستگی بین سن و رفتارهای پرخطر را

جدول ۲ میزان همبستگی بین سن و رفتارهای پرخطر را

جدول ۲- همبستگی بین سن، تحصیلات و درآمد و رفتارهای پرخطر

متغیر	فراوانی	ضریب پیرسون (r)	سطح معناداری
سن	۶۰۰	-۰/۰۴۹	۰/۲۳۲
تحصیلات	۵۸۴	-۰/۰۴۴	۰/۲۸۹
درآمد	۵۵۲	۰/۱۲۵	۰/۰۰۳

که با توجه به مقدار T به دست آمده ($9/35$) در سطح بیش از ۹۹ درصد ($Sig = 0.000$) تفاوت ملاحظه شده معنادار است.

داده‌ها نشان می‌دهند که میزان رفتارهای پرخطر مردان بسیار بیشتر از زنان است. این یافته با نتایج تحقیق باریکانی (۱۳۸۷)، زاده‌محمدی و احمدآبادی (۱۳۸۷) و گرمارودی و همکاران (۱۳۸۸) همسو می‌باشد.

فرضیه دوم: به لحاظ رفتارهای پرخطر، بین جنس (مرد و زن) تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۳ نشان‌دهنده آزمون تفاوت میانگین رفتارهای پرخطر افراد مورد مطالعه بر حسب جنس می‌باشد. همان‌گونه که داده‌های جدول نشان می‌دهد میانگین نمره رفتارهای پرخطر مردان برابر با $22/30$ و زنان برابر با $12/16$ می‌باشد،

جدول ۳- آزمون تفاوت میانگین میزان رفتارهای پرخطر افراد با توجه به جنس و وضعیت تأهل

جنس	فراوانی	میانگین نمره رفتارهای پرخطر	انحراف معیار	مقدار T	سطح معناداری
مرد	۳۵۶	۲۲/۳۰	۱۴/۶۷		
زن	۲۴۴	۱۲/۱۶	۱۰/۱۸	۹/۳۵	۰/۰۰۰
وضعیت تأهل	فراوانی	میانگین نمره رفتارهای پرخطر	انحراف معیار	مقدار T	سطح معناداری
مجرد	۴۹۰	۱۸/۹۹	۱۳/۷۵	۳/۱۱	۰/۰۰۲
متأهل	۱۰۴	۱۴/۳۲	۱۴/۶۱		

جدول ۲ همبستگی بین تحصیلات فرد و رفتارهای پرخطر را نشان می‌دهد. بر اساس داده‌های به دست آمده یعنی

فرضیه سوم: بین تحصیلات و رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد.

ضریب پیرسون ($r = -0/044$) و سطح معناداری ($0/289$)، بین تحصیلات و رفتارهای پرخطر در سطح ۹۵ درصد همبستگی وجود ندارد.

فرضیه چهارم: به لحاظ رفتارهای پرخطر، بین وضعیت تأهل (مجرد و متأهل) تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۳ نشان‌دهنده آزمون تفاوت میانگین رفتارهای پرخطر افراد مورد مطالعه بر حسب وضعیت تأهل می‌باشد. همان‌گونه که داده‌های جدول نشان می‌دهد میانگین نمره رفتارهای پرخطر افراد مجرد برابر با $18/99$ و افراد متأهل برابر با $14/32$ می‌باشد، که با توجه به مقدار T به دست آمده ($3/11$) در سطح بیش از ۹۹ درصد ($Sig = 0/002$) تفاوت ملاحظه شده معنادار است. داده‌ها نشان می‌دهند که میزان

رفتارهای پرخطر افراد مجرد بیشتر از متأهلان است. فرضیه پنجم: به لحاظ رفتارهای پرخطر، بین طبقه اجتماعی (بالا، متوسط و پایین) تفاوت معناداری وجود دارد. جدول ۴ آزمون تفاوت میانگین رفتارهای پرخطر با توجه به طبقه اجتماعی افراد مورد مطالعه را نشان می‌دهد. داده‌های جدول نشان می‌دهند که میانگین رفتارهای پرخطر افراد متعلق به طبقه پایین از طبقه بالا و متوسط بالاتر است. با توجه به مقدار F به دست آمده ($3/828$) و سطح معنی‌داری ($Sig = 0/022$) این تفاوت در سطح ۹۵ درصد معنادار می‌باشد. نتیجه به دست آمده با یافته‌های تحقیق زاده‌محمدی و احمدآبادی (۱۳۸۷) همسو می‌باشد.

جدول ۴- آزمون تفاوت میانگین میزان رفتارهای پرخطر افراد با توجه به طبقه اجتماعی

طبقه اجتماعی	فراوانی	میانگین نمره رفتارهای پرخطر	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری
بالا	۲۶	۱۷/۳۸	۱۸/۸۴		
متوسط	۴۵۴	۱۷/۳۹	۱۳/۴۳	۳/۸۲۸	۰/۰۲۲
پایین	۱۲۰	۲۱/۳۱	۱۴/۳۳		
کل	۶۰۰	۱۸/۱۸	۱۳/۹۵		

فرضیه ششم: به لحاظ رفتارهای پرخطر، بین ساختار خانواده (زندگی با پدر و مادر، زندگی با پدر و ...) تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۵ آزمون تفاوت میانگین رفتارهای پرخطر با توجه به ساختار خانواده افراد مورد مطالعه را نشان می‌دهد. داده‌ها نشان می‌دهند که میانگین رفتارهای پرخطر افرادی که

با مادر خود و افرادی که به صورت مستقل زندگی می‌کنند، نسبت به سایرین بالاتر است. همچنین، میانگین رفتارهای پرخطر کسانی که با همسر خود زندگی می‌کنند (افراد متأهل) نسبت به سایرین کمتر است. با توجه به مقدار F به دست آمده ($3/015$) و سطح معنی‌داری ($Sig = 0/011$) این تفاوت در سطح ۹۵ درصد معنادار می‌باشد.

جدول ۵- آزمون تفاوت میانگین میزان رفتارهای پرخطر افراد با توجه به ساختار خانواده

ساختار خانواده	فراوانی	میانگین رفتار پرخطر	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری
زندگی با پدر و مادر	۴۵۴	۱۸/۱۸	۱۳/۸۰		
زندگی با پدر	۸	۱۶/۵	۱۱/۸۲		
زندگی با مادر	۴۰	۲۳/۶	۱۳/۵۲	۳/۰۱۵	۰/۰۱۱
زندگی مستقل	۳۰	۲۱/۴	۱۰/۱۲		
زندگی با همسر	۶۶	۱۳/۷۸	۱۵/۷۹		
کل	۶۰۰	۱۸/۱۸	۱۳/۹۵		

فرضیه هفتم: بین درآمد و رفتارهای پرخطر رابطه وجود

دارد.

جدول ۲ همبستگی بین درآمد خانوار و رفتارهای پرخطر را نشان می‌دهد. بر اساس داده‌های به دست آمده یعنی؛ ضریب پیرسون ($r=0/125$) و سطح معناداری ($0/003$)، بین درآمد و رفتارهای پرخطر در سطح ۹۹ درصد همبستگی مثبت و ضعیفی وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچه درآمد افزایش یابد، رفتارهای پرخطر نیز بیشتر می‌شود. این یافته با نتایج تحقیقات داخلی مانند باریکانی (۱۳۸۷) همسو و زاده‌محمدی و احمدآبادی (۱۳۸۷) ناهمسو می‌باشد.

فرضیه هشتم: بین دلبستگی به خانواده و دوستان و رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد.

با توجه به داده‌های جدول ۶ ضریب پیرسون ($0/124$) و معناداری ($sig=0/002$) رابطه بین دلبستگی به خانواده و دوستان و رفتارهای پرخطر ضعیف و معکوس است، بدین معنی که هرچه دلبستگی به خانواده و دوستان افزایش یابد، رفتارهای پرخطر کاهش می‌یابد. این یافته با نتایج تحقیق علی‌وردی‌نیا و همکاران (۱۳۹۰) همسو می‌باشد.

فرضیه نهم: بین تعهد به هنجارها و رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد.

با توجه به داده‌های جدول ۶ ضریب پیرسون ($0/524$) و معناداری ($sig=0/000$) رابطه بین تعهد به هنجارها و رفتارهای پرخطر متوسط و معکوس است، بدین معنی که هرچه تعهد به هنجارها افزایش یابد، رفتارهای پرخطر کاهش

می‌یابد.

فرضیه دهم: بین مشارکت (درگیری) و رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد.

با توجه به داده‌های جدول ۶ ضریب پیرسون ($0/283$) و معناداری ($sig=0/000$) رابطه بین مشارکت و رفتارهای پرخطر ضعیف و معکوس است، بدین معنی که هرچه مشارکت افزایش یابد، رفتارهای پرخطر کاهش می‌یابد.

فرضیه یازدهم: بین باور به اصول اخلاقی و رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد.

با توجه به داده‌های جدول ۶ ضریب پیرسون ($0/482$) و معناداری ($sig=0/000$) رابطه بین باور به اصول اخلاقی و رفتارهای پرخطر متوسط و معکوس است، بدین معنی که هرچه باور به اصول اخلاقی افزایش یابد، رفتارهای پرخطر کاهش می‌یابد.

فرضیه دوازدهم: بین مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد.

با توجه به داده‌های جدول ۶ ضریب پیرسون ($0/427$) و معناداری ($sig=0/000$) رابطه بین مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر متوسط و معکوس است، بدین معنی که هرچه مهارت‌های اجتماعی افزایش یابد، رفتارهای پرخطر کاهش می‌یابد. نتیجه به دست آمده با تحقیقات رمضانی و همکاران (۱۳۹۱)، مقتدایی و همکاران (۱۳۹۰)، فن‌فوغت و همکاران (۲۰۱۳)، سکر و همکاران (۲۰۰۹) و باریکین و همکاران (۲۰۰۲) همسو می‌باشد.

جدول ۶- همبستگی بین متغیرهای کنترل اجتماعی و مهارت اجتماعی با متغیر وابسته (رفتارهای پرخطر)

متغیر	فراوانی	ضریب پیرسون (r)	سطح معناداری
دلبستگی به خانواده و دوستان	۶۰۰	-۰/۱۲۴	۰/۰۰۲
تعهد به هنجارها	۶۰۰	-۰/۵۲۴	۰/۰۰۰
مشارکت (درگیری)	۶۰۰	-۰/۲۸۳	۰/۰۰۰
باور به اصول اخلاقی	۶۰۰	-۰/۴۸۲	۰/۰۰۰
مهارت اجتماعی	۶۰۰	-۰/۴۲۷	۰/۰۰۰

تحلیل رگرسیون چند متغیره

در این بخش تحلیل رگرسیون چند متغیره برای متغیرهای مستقل و متغیر وابسته (رفتار پرخطر) برای کل افراد مورد مطالعه آورده می‌شود. برای انجام تحلیل رگرسیون چند متغیره، متغیرهای مستقل به روش گام به گام^۱ وارد معادله شدند. شایان ذکر است برای استفاده از این روش متغیرهای اسمی به صورت ساختگی^۲ وارد تحلیل شده‌اند. با این روش این متغیرها در جوار متغیرهای پیوسته به کار می‌روند و از آنها می‌توان به عنوان متغیرهای وابسته استفاده کرد.

معادله رگرسیونی مربوط به تحلیل چند متغیره متغیرهای مستقل جهت پیش‌بینی متغیر وابسته رفتارهای پرخطر می‌باشد. همان‌گونه که جدول ۷ نشان می‌دهد معادله رگرسیونی ما دارای چهار مرحله می‌باشد. براساس داده‌های جدول، ضریب رگرسیونی چند متغیره ($R=0/652$) در مرحله چهارم برابر با $0/652$ می‌باشد. ضریب تعیین به‌دست آمده ($R^2=0/425$) نیز نشان می‌دهد که در مجموع چهار متغیر درون معادله شامل (تعهد به هنجارها، جنس (مرد)، باور به اصول اخلاقی و مهارت اجتماعی) توانستند حدود ۴۳ درصد از واریانس متغیر وابسته رفتارهای پرخطر را پیش‌بینی نمایند. سایر شاخص‌های آماری برای متغیرهای درون معادله مانند ضریب رگرسیون (B) برای نمرات خام و Beta برای نمره‌های استاندارد شده و نیز آزمون T را می‌توان در جدول ۷ ملاحظه کرد. ضرایب B نشان می‌دهد که در مرحله اول به ازای یک واحد افزایش در نمره تعهد به هنجارها، $0/898$ نمره از نمره رفتارهای پرخطر افراد مورد مطالعه کم می‌شود (ضریب B منفی است). در مرحله دوم به ازای یک واحد تغییر در متغیر جنس (مرد)، $8/003$ نمره به نمره رفتارهای پرخطر افراد افزوده می‌شود. در مرحله سوم به ازای یک واحد افزایش در نمره باور به اصول اخلاقی، $0/979$ نمره از نمره

رفتارهای پرخطر افراد کم می‌شود (ضریب B منفی است). در مرحله چهارم به ازای یک واحد افزایش در نمره مهارت‌های اجتماعی، $0/308$ نمره از میزان رفتارهای پرخطر افراد مورد مطالعه کم می‌شود (ضریب B منفی است). آزمون T نیز نشان می‌دهد که ضرایب B برای هر چهار متغیر در سطح ۹۹ درصد اطمینان از لحاظ آماری معنادار است.

¹ Stepwise

² Dummy

جدول ۷- عناصر اصلی تحلیل چندمتغیره به روش گام به گام از مرحله اول تا مرحله چهارم برای پیش بینی متغیر وابسته رفتارهای پرخطر در سطح کل

مرحله	متغیر وارد شده	R	R ²	B	Beta	T	Sig. T
اول	تعهد به هنجارها	۰/۵۱۴	۰/۲۶۴	-۰/۸۹۸	-۰/۲۶۳	-۶/۵۱۰	۰/۰۰۰
دوم	جنس (مرد)	۰/۵۸۳	۰/۳۳۹	۸/۰۰۳	۰/۲۷۵	۸/۳۵۷	۰/۰۰۰
سوم	باور به اصول اخلاقی	۰/۶۳۱	۰/۳۹۸	-۰/۹۷۹	-۰/۲۳۶	-۶/۰۶۶	۰/۰۰۰
چهارم	مهارت اجتماعی	۰/۶۵۲	۰/۴۲۵	-۰/۳۰۸	-۰/۱۹۱	-۵/۰۲۶	۰/۰۰۰
		R=۱۰۰/۰۶۷F					
		=۰/۶۵۲					
		=۰/۴۲۵ R ²					
		=۰/۰۰۰ Sig					

بحث و نتیجه گیری

با توجه به این واقعیت که نوجوانان و جوانان هر جامعه‌ای، مدیران، مسئولان، اداره کنندگان و تولیدکنندگان فردای جامعه هستند، توجه به راهکارهای کاهش رفتارهای پرخطر در این سن مهم و حیاتی است.

نتایج آزمون فرضیات نشان داد بین درآمد، دلبستگی به خانواده و دوستان، تعهد به هنجارها، مشارکت، باور به اصول اخلاقی، مهارت اجتماعی و رفتارهای پرخطر رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، به لحاظ رفتارهای پرخطر، بین جنس، وضعیت تأهل، طبقه اجتماعی و ساختار خانواده تفاوت معناداری وجود دارد. اما، بین سن، تحصیلات و رفتارهای پرخطر رابطه معناداری مشاهده نشد. از مواردی که باید به آن توجه نمود این است که میزان وقوع رفتارهای پرخطر در بین مردان بیشتر از زنان، در بین افراد مجرد بیشتر از افراد متأهل، در بین طبقه پایین بیشتر از طبقه متوسط و بالا، در بین افرادی که مستقل یا با مادر خود زندگی می‌کنند بیشتر از سایر مقوله‌ها می‌باشد.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، چارچوب نظری این تحقیق، مبتنی بر نظریه کنترل اجتماعی تراویس هیرشی می‌باشد. نظریه‌های کنترل فرض می‌کنند که علت رفتار بزهکارانه فقدان یک عامل درونی یا بیرونی برای افراد است. این عامل یک عامل محدودکننده و کنترل کننده می‌باشد (شومیکر، ۲۰۰۹). در نظریه کنترل اجتماعی هیرشی که با عنوان نظریه پیوند

اجتماعی^۱ نیز شناخته می‌شود، جوانان دارای دلبستگی‌هایی به بخش‌های مختلف جهان اجتماعی خودشان هستند و این دلبستگی‌ها یا پیوندها، آنان را از ارتکاب اعمال مجرمانه یا بزهکارانه باز می‌دارد (همان). در این نظریه، ارتباط بین بزهکاری (رفتارهای پرخطر) و شرایط سه نهاد خانواده، مدرسه و مذهب مدنظر قرار گرفته است و کنترل اجتماعی براساس میزان التزام آنها در نوع برخورد با بزهکاری تبیین می‌شود. ضرایب همبستگی به دست آمده بین این متغیرها و متغیر رفتارهای پرخطر نشان داد که هر چهار متغیر (دلبستگی، تعهد، مشارکت و باور) رابطه معنادار اما معکوسی با رفتارهای پرخطر داشتند. این مسأله نشان می‌دهد که هرچه دلبستگی به خانواده و دوستان، تعهد به هنجارها، مشارکت در فعالیت‌های مختلف و باور به اصول اخلاقی افراد بیشتر باشد، میزان رفتارهای پرخطر آنان کمتر خواهد شد. به عبارت دیگر، هرچه میزان کنترل اجتماعی چه به شکل رسمی و چه غیررسمی بر روی افراد بیشتر باشد، رفتارهای پرخطر کمتری از سوی آنان سر می‌زند. بنابراین، نقش نهادهایی مانند خانواده، مدرسه و مذهب در تبیین بزهکاری یا رفتارهای پرخطر باید مورد توجه قرار بگیرد. به ویژه اینکه در رابطه با مهارت‌های اجتماعی این نهادها هم تأثیرگذاری عمیقی دارند، زیرا این نهادها می‌توانند در درونی کردن رفتارهای بهنجار و همونا با ارزش‌های جامعه و آموزش مهارت‌های اجتماعی به نوجوانان و جوانان بسیار تأثیرگذار بوده و هم اینکه در انجام

¹ Social Bond

رفتارهای پرخطر توسط جوانان نقش بازدارندگی قوی‌ای ایفا نمایند.

معادله رگرسیونی نیز نشان داد که از چهار عنصری که هیرشی در نظریه کنترل اجتماعی مطرح می‌کند، دو عنصر تعهد و باور (اعتقاد) در مراحل اول و سوم وارد معادله رگرسیونی شدند. همچنین، جنس (مرد) و مهارت‌های اجتماعی نیز وارد معادله رگرسیونی شدند.

از بین نهادهای مختلف، خانواده به عنوان یک متغیر اصلی در بود یا نبود بزهکاری نقش دارد. زیرا اولین جایی است که فرد با آن روبرو بوده و در آن بزرگ می‌شود. بنابراین، در درونی کردن هنجارهای جامعه و آموزش صحیح مهارت‌های اجتماعی نقش بسیار مهمی برعهده دارد. با این حال، اگر خانواده نتواند کارکردهای خود را به خوبی انجام دهد، زمینه بروز بسیاری از انحرافات و بزهکاری‌ها فراهم خواهد شد. ساختار خانواده از جمله خانواده از هم گسیخته که یک یا هر دوی والدین به علت رویدادهایی مانند مرگ، طلاق و موارد دیگر حضور ندارند، یکی از عوامل تأثیرگذار بر رفتار جوانان به شمار می‌رود. بسیاری از تحقیقات نشان دادند که ارتباط معناداری بین بزهکاری و خانواده از هم گسیخته وجود دارد. همچنین، ماهیت روابط خانوادگی که در برگیرنده عواملی مانند اختلافات والدین، ارتباط والدین - کودک و الگوهای نظارتی می‌باشد، بر روی رفتار جوانان تأثیر می‌گذارد (شومیکر، ۱۳۸۹). هرچه میزان اختلاف بین والدین بیشتر بوده و محیط خانه دچار تنش باشد، رابطه والدین با فرزندان‌شان و الگوهای نظارتی که والدین اعمال می‌کنند ضعیف باشد، میزان بزهکاری و رفتارهای پرخطر جوانان افزایش می‌یابد. احساس یگانگی عاطفی با والدین، رفتار توأم با عشق و احترام والدین با فرزندان و وجود سازگاری در زندگی زناشویی باعث می‌شود که نوجوانان و جوانان به طور قابل ملاحظه‌ای گرایش کمتری به انجام رفتارهای بزهکارانه و پرخطر داشته باشند.

تعهد نیز به سرمایه‌گذاری‌هایی اشاره دارد که فرد در

جامعه انجام داده است. هرچه قدر سرمایه‌گذاری‌های مردم در تحصیلات، سوابق شغلی و سایر دارایی‌های خود بیشتر باشد، علت بیشتری دارند که هم‌نوا باشند تا بتوانند از دستاوردهای خود محافظت کنند. بنابراین، به خاطر از دست ندادن سرمایه‌گذاری‌های خود، از قانون پیروی نموده و از بزهکاری و جرم اجتناب می‌کنند. از این منظر، سرمایه‌گذاری‌هایی که افراد در مقوله‌ای مانند تحصیلات انجام می‌دهند، باعث ایجاد تعهد و درگیر شدن آنها در فعالیت‌های علمی شده و وقت چندانی برای مشارکت در رفتارهای بزهکارانه باقی نمی‌گذارد. البته باید به این نکته نیز اشاره کرد که عدم موفقیت در تحصیل، انگیزه‌های مهمی برای بروز رفتارهای انحرافی در نوجوانان و جوانان ایجاد می‌کند. هیرشی (۱۹۶۹) دریافت کسانی که به والدین‌شان دلبستگی ندارند، به مدرسه نیز تمایلی ندارند. همچنین، وی به این نتیجه رسید که داشتن نگرش‌های مثبت نسبت به تحصیل با میزان پایین‌تری از بزهکاری همراه است.

باور عمومی این است که رابطه‌ای معکوس بین مذهب و بزهکاری وجود دارد (اگرچه عنصر باور یا اعتقاد به عنوان یکی از عناصر چهارگانه نظریه کنترل اجتماعی هیرشی اشاره مستقیمی به مذهب ندارد، اما به علت این که منظور از این عنصر، باور داشتن به اصول اخلاقی رایج در جامعه می‌باشد، بر این اساس مذهب منبع اصلی و عمده شکل دادن به اصول و باورهای هر جامعه‌ای است). هرچه قدر یک فرد پیوندهای قوی‌تری با فاکتورهای مذهبی داشته باشد، رفتارهای بزهکارانه کمتری خواهد داشت. برای مثال، اگر یک فرد در فعالیت‌های مذهبی حضور بیشتری داشته باشد، درگیری وی در بزهکاری کمتر خواهد بود (شومیکر، ۲۰۰۹: ۱۲۸). حضور منظم در کلیسا و ابراز ارزش‌های مذهبی موجب مشارکت بسیار کمتری در بزهکاری، به ویژه در مصرف مواد و الکل و رفتارهای پرخطر می‌گردد. زیرا هم باعث شکل‌گیری باور و اعتقاد نسبت به نادرستی رفتارهای بزهکارانه در افراد می‌شود و هم شرکت آنها در فعالیت‌ها و اعمال مذهبی، فرصت

ارائه می‌گردد:

- برقراری روابط صمیمانه از سوی والدین در محیط خانه و اختصاص وقت برای صحبت کردن با اعضای خانواده.
- تلاش و توجه بیشتر والدین در جهت درونی ساختن ارزش‌های مذهبی و هنجارهای اجتماعی.
- اعمال نظارت بیشتر والدین بر روی فعالیت‌های فرزندان‌شان و داشتن ارتباط مستمر با مدرسه.
- فراهم کردن زمینه مشارکت فرزندان در برنامه‌های مختلف مذهبی، ورزشی و علمی و تشویق و ترغیب آنها برای شرکت در این فعالیت‌ها.
- آشنا ساختن فرزندان با اصول اخلاقی و تأکید بر رعایت آنها تا به عنوان منبع کنترل درونی مانع گرایش افراد به سوی رفتارهای پرخطر گردد.
- کمک به فرزندان جهت انتخاب دوستان و کنترل روابط آنها با دوستان‌شان تا در صورتی که تأثیرات رابطه دوستی منفی باشد، از ادامه آن جلوگیری شود.

منابع

- احمدی، حبیب. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: انتشارات سمت.
- باریکانی، آمنه. (۱۳۸۷). «رفتارهای پرخطر در نوجوانان مدارس راهنمایی و دبیرستان‌های شهر تهران»، *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، سال چهاردهم، ش ۲، ص ۱۹۲-۱۹۸.
- بال، ری و همکاران. (۱۳۹۱). *روان‌شناسی جنایی*، ترجمه: حبیب احمدی، مهدی معینی، نصیبه زنجری و سمیه اسدی، تهران: انتشارات نیاکان.
- حسین چاری، مسعود و دلاورپور، محمدآقا. (۱۳۸۵). «آیا افراد کمرو فاقد مهارت‌های ارتباطی اند؟»، *فصلنامه روان‌شناسان ایرانی*، سال سوم، ش ۱۰، ص ۱۲۳-۱۳۵.

دیگری برای حضور و درگیری در رفتارهای ضد اجتماعی و انحرافی باقی نمی‌گذارد (اسمیت و فاریس^۱، ۲۰۰۲؛ جانسون و همکاران^۲، ۲۰۰۰: ۳۷۷-۳۹۱)

داشتن جهان‌بینی مذهبی در معنابخشی به زندگی، امید به زندگی و احساس امنیت خاطر تأثیر بسزایی دارد و مانند سپری در مقابل از خودبیگانگی و خلأ وجودی عمل می‌کند. به عبارت دیگر، مذهب به زندگی انسان جهت می‌دهد، از او در مقابل فشارهای روانی محافظت می‌کند و سلامت روانی فرد را فراهم می‌کند. در نتیجه، تأمین سلامت روانی، فرد را از مصرف مواد مخدر و الکل (انجام رفتارهای پرخطر) باز می‌دارد (محمدزاده رومیانی، ۱۳۸۶: ۱۶-۲۰).

کمبود مهارت‌های اجتماعی برای انجام رفتار صحیح موجب ارتکاب اعمال بزهکارانه و رفتارهای پرخطر از سوی افراد می‌گردد. همان‌طور که در آزمون فرضیات مشاهده شد ($r = -0.427$) و ($sig = 0.000$)، رابطه معکوس و متوسطی بین مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر وجود دارد. در معادله رگرسیونی نیز مهارت‌های اجتماعی در مرحله چهارم وارد معادله گردید. مجهز بودن افراد به مهارت‌های اجتماعی، آنان را قادر می‌سازد در موقعیت‌های مختلف، واکنش‌های مناسب و منطقی از خود بروز داده و از وقوع رفتارهایی که دارای پیامدهای خطرناک و مضر بوده، جلوگیری نمایند.

آموزش مهارت‌های اجتماعی به جوانان در معرض خطر کمک می‌کند تا تکنیک‌هایی برای ایجاد یا نگهداری روابط اجتماعی مثبت با اعضای خانواده، همسالان و معلمان به وجود آورند. آموزش مهارت‌های اجتماعی می‌تواند دارای اثربخشی طولانی مدت در ارتباط با جلوگیری از وقوع رفتارهای ضد اجتماعی در بین جوانان باشد (هیلبرون و همکاران^۳، ۲۰۰۵). بنابراین، توجه به مقوله مهارت‌های اجتماعی می‌تواند در کاهش رفتارهای پرخطر بسیار مؤثر باشد.

با توجه به نتایج به دست آمده، پیشنهاداتی به شرح زیر

¹ Smith & Faris

² Johnson et al.

³ Heilbrun et al.

تهران: آگه.

رمضانی، حوا؛ رفیعی، حسن؛ خدایی، محمدرضا؛ کربلایی نوری، اشرف و حسین زاده، سمانه. (۱۳۹۱). «تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر درمان اعتیاد افراد مراجعه کننده به کلینیک تهران»، *فصلنامه طب توانبخشی*، دوره اول، شماره اول، ص ۶۳-۷۲.

زاده‌محمدی، علی؛ احمدآبادی، زهره. (۱۳۸۷). «هم‌وقوعی رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان دبیرستان‌های شهر تهران»، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، سال چهارم، ش ۱۳، ص ۸۷-۱۰۰.

سلیمانی‌نیا، لیل. (۱۳۸۶). «تفاوت‌های جنسیتی نوجوانان در ارتکاب انواع رفتارهای پرخطر»، *فصلنامه مطالعات جوانان*، ش ۸-۹، ص ۷۳-۸۶.

شارع‌پور، محمود. (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی شهری*، تهران: انتشارات سمت.

شومیکر، دونالد. جی. (۱۳۸۹). *نظریه‌های بزهکاری*، ترجمه: صغری ابراهیمی قوام، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.

طالبان، محمدرضا. (۱۳۸۳). «تحلیل کوواریانس ساختاری بزهکاری نوجوانان»، *فصلنامه مطالعات جوانان*، ش ۷، ص ۳-۳۴.

علیوردی‌نیا، اکبر؛ رضایی، احمد و پیرو، فریبرز. (۱۳۹۰). «تحلیل جامعه‌شناختی گرایش دانشجویان به خودکشی»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و دوم، ش ۴ (پیاپی ۴۴)، ص ۱-۱۸.

قاسم‌زاده، لیلی؛ شهرآرای، مهرناز و مرادی، علیرضا. (۱۳۸۶). «بررسی نرخ شیوع اعتیاد به اینترنت در دختران و مقایسه دختران معتاد و غیرمعتاد به اینترنت در متغیرهای تنهائی، عزت نفس و مهارت‌های اجتماعی»، *روان‌شناسی معاصر*، دوره دوم، ش ۱، ص ۳۲-۴۰.

کارتلیج، گندلین؛ میلین، جوان. (۱۳۶۹). *آموزش مهارت‌های*

اجتماعی به کودکان، ترجمه: محمدحسین نظری‌نژاد، مشهد: آستان قدس رضوی.

گرمارودی، غلامرضا؛ مکارم، جلیل؛ علوی، سیده شهره و عباسی، زینب. (۱۳۸۸). «عادات پرخطر بهداشتی در دانش‌آموزان شهر تهران»، *فصلنامه پایش*، سال نهم، شماره اول، ص ۱۳-۱۹.

محمدی‌اصل، عباس. (۱۳۸۵). *بزهکاری نوجوانان و نظریه‌های انحراف اجتماعی*، تهران: نشر علم.

محمدزاده رومیانی، مهری. (۱۳۸۶). «نقش گرایش‌های متعالی در کنترل رفتارهای پرخطر دوره جوانی»، *رشد مشاور مدرسه*، دوره دوم، ش ۲ (پیاپی ۷)، ص ۱۶-۲۰.

مظفرزاده، شهلا و وحدانی‌نیا، مریم سادات. (۱۳۸۷). «دانش بهداشتی در خصوص ایدز در دختران دانش‌آموز دبیرستانی: یک مطالعه مقطعی»، *فصلنامه پایش*، سال هفتم، ش ۲، ص ۱۷۳-۱۸۰.

مقتدایی، منصوره؛ امیری، شعله؛ مولوی، حسین و استکی آزاد، نسیم. (۱۳۹۰). «اثربخشی برنامه آموزش مبتنی بر مهارت‌های اجتماعی بر میزان رفتارهای قربانی کودکان پسر مقطع ابتدایی شهر اصفهان»، *فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، سال اول، ش ۲، ص ۱۲۳-۱۳۹.

ممتاز، فریده. (۱۳۸۱). *انحرافات اجتماعی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها*، تهران: شرکت سهامی انتشار.

نصراصفهانی، محمدرضا؛ فاتحی‌زاده، مریم و فتحی، فاطمه. (۱۳۸۳). «جایگاه مهارت‌های اجتماعی مورد نیاز دانش‌آموزان در کتاب‌های درسی عمومی دوره متوسطه»، *دانشور رفتار*، سال یازدهم، دوره جدید، ش ۹، ص ۴۹-۶۴.

هارجی، اون؛ ساندرز، کریستین و دیکسون، دیوید. (۱۳۹۲). *مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی*،

- Available at: www.sciencedirect.com. (18 Oct 2012).
- Heilbrun, K. Goldstein, N.E. S. Redding, R.E. (2005) *Juvenile Delinquency: Prevention, Assessment, and Intervention*. (Eds.) Oxford: Oxford University Press.
- Hirschi, T. (1969) *Causes of Delinquency*. Berkeley: University of California Press.
- Irwin, C. Millstein, S. (1986) "Biopsychosocial Correlates of Risk-taking Behaviors during Adolescence: Can the Physician Intervene?" *Journal of Adolescent Health care*, Vol. 7, p. 82S-96S.
- Johnson, B. Larson, D.B. de Li, S. Yang, S.J. (2000) "Escaping from the Crime of Inner Cities: Church Attendance and Religious Salience among Disadvantaged Youth". *Justice Quarterly*, Vol. 17, p. 377-391.
- Jessor, R. (1998) *New Perspectives on Adolescent Risk Behavior*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Jessor, R. (1992) "Risk Behavior in Adolescence: A Psychosocial Framework for Understanding and Action," *Developmental Review*, Vol. 12, p. 374-390.
- Levine, S.B. Coupey, S.M. (2003) "Adolescent Substance Use, Sexual Behavior, and Metropolitan Status: Is Urban a Risk Factor?", *Journal of Adolescent Health*, Vol. 32, p. 350-355. Available at: www.sciencedirect.com. (18 Oct 2012).
- Lin, N. (1978) *Foundations of Social Research*. New York: McGraw Hill.
- Secer, Z. Celikoz, N. Kocyigit, S. Secer, F. Kayili, G. (2009) "Social Skills and Problem Behaviour of Children With Different Cognitive Style Who Attend Preschool Education", *Procedia: Social and Behavioral Sciences*, Vol. 1, p. 1554-1560. Available at: www.sciencedirect.com. (10 Oct 2012).
- Shoemaker, D.J. (2009) *Juvenile Delinquency*. Plymouth: Rowman and Littlefield Publishers Inc.
- Smith, C. Faris, R. (2002) "Religion and American Adolescent Delinquency, Risk Behavior and Constructive Social Activities: A Research Report of the National Study of Youth and Religion", Number 1. Electronic Document. Available at: <http://www.youthandreligion.org/publications/docs/RiskReport1.pdf>. (10 Oct 2012).
- Valencia, L.S. Cromer, B.A. (2000) "Sexual Activity and Other High-Risk Behaviors in Adolescents with Chronic Illness: A Review," *Journal of Pediatric and Adolescent Gynecology*, Vol. 13, p. 53-64.
- ترجمه: خشایار بیگی و مهرداد فیروزبخت، تهران: رشد.
- Anteghini, M. Fonseca, H. Ireland, M. Blum, R.W. (2001) "Health Risk Behaviors and Associated Risk and Protective Factors Among Brazilian Adolescents in Santos Brazil", *Journal of Adolescent Health*, Vol. 28, p. 295-302. Available at: www.sciencedirect.com. (10 Oct 2012).
- Barkin, S.L. Smith, K.S. Durant, R.H. (2002) "Social Skills and Attitudes Associated With Substance Use Behaviors Among Young Adolescents", *Journal of Adolescent Health*, Vol. 30, p. 448-454. Available at: www.sciencedirect.com. (15 Nov 2012).
- Baskin-Sommers, A. Sommers, I. (2006) "The Co-Occurrence of Substance Use and High-Risk Behaviors", *Journal of Adolescent Health*, Vol. 38, p. 609-611. Available at: www.sciencedirect.com. (18 Oct 2012).
- Beirne, P. Messerschmidt, J.W. (2011) *Criminology: A Sociological Approach*. Oxford: Oxford University Press.
- Bergman, M. M. Scott, J. (2001) "Young Adolescents' Well-Being and Health-Risk Behaviors: Gender and Socioeconomic Differences", *Journal of Adolescence*, Vol. 24, P. 183-197. Available at: www.sciencedirect.com. (10 Oct 2012).
- Bernburg, J.G. (2009) "Labeling Theory". In M. D. Krohn; A.J. Lizotte; G. P. Hall, (Eds.) *Handbook of Crime and Deviance*, New York: Springer, p 187-208.
- Berry, D. O'Connor, E. (2010) "Behavioral Risk, Teacher-Child Relationships, and Social Skill Development Across Middle Childhood: A Child-by-Environment Analysis of Change", *Journal of Applied Developmental Psychology*, Vol. 31, p. 1-14. Available at: www.sciencedirect.com. (15 Nov 2012).
- DeMatteo, D. Marczyk, G. (2005) "Risk Factors, Protective Factors, and the Prevention of Antisocial Behavior Among Juveniles". In K. Heilbrun; N. E. S. Goldstein; R. E. Redding, (Eds.) *Juvenile Delinquency: Prevention, Assessment and Intervention*, Oxford: Oxford University Press. p. 19-44.
- Erikson, K. Crosnoe, R. Dormbusch, S.M. (2000) "A Social Process Model of Adolescent Deviance", *Journal of Youth and Adolescence*, Vol. 29, No. 4, p.395-425.
- Flisher, A.J. Chalton, D.O. (2001) "Adolescent Contraceptive Non-use and Covariation Among Risk Behaviors", *Journal of Adolescent Health*, Vol. 28, PP. 235-241.

- Wilson, S.R. & Sabee, C.M. (2003) "Explicating Communicative Competence As A Theoretical Term", In, J. O. Greene & B. R. Burleson, (Eds.) *Handbook of Communication and Social Interaction Skills*. New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates, p. 3-50.
- Van Vugt, E.S. Dekovic, M. Prinzie, P. Stams, G.M. Asscher, J.J. (2013) "Evaluation of A Group-Based Social Skills Training for Children With Problem Behavior", *Children and Youth Services Review*, Vol. 35, p. 162-167. Available at: www.sciencedirect.com. (15 Nov 2012).

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی

سال چهارم، شماره پیاپی ۹، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۳۱

صص ۲۵-۴۴

«مطالعه برخی عوامل جریان مدرنیته مؤثر بر گرایش زنان به طلاق» (مورد مطالعه: زنان متأهل شهر زنجان)

محمد عباس‌زاده، دانشیار گروه علوم/اجتماعی دانشگاه تبریز*

حامد سعیدی عطایی، مربی گروه علوم/اجتماعی دانشگاه تبریز

زهرا افشاری، دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه تبریز

چکیده

تحولات اجتماعی در سطح جهانی، نظام خانواده را با تغییرات عدیده‌ای روبه‌رو کرده است که در نتیجه آن، خانواده‌ها بیش‌تر در معرض از-هم‌پاشیدگی قرار گرفته‌اند. لذا مقاله حاضر در نظر دارد با استفاده از دیدگاه‌های نظری و توجه ویژه به آسیب‌پذیری خانواده در پی جریان مدرنیته، برخی تأثیرات این جریان را بر گرایش زنان متأهل شهر زنجان به طلاق، که نشان‌دهنده میزان تمایل زنان برای جداشدن از همسرشان است، در ابعاد رفتاری، عاطفی و شناختی بررسی نماید. روش تحقیق مورد استفاده از نوع پیمایشی است که به صورت مقطعی در شهر زنجان انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش، جمعیت زنان مناطق سه‌گانه شهر زنجان است که تعداد ۴۰۰ نفر از آنان با استفاده از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، انتخاب شده است. نهایت امر این‌که داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل واقع شده است. بررسی‌ها نشان داد که؛ بین فردگرایی و ابعاد آن، بعد اول رشد عقلانیت (انتخاب آزادانه) و مجموع این سازه و نیز بعد اول و سوم متغیر تغییر هنجارهای جامعه (نگرش منفی جامعه نسبت به خانه‌داری زنان و تغییر نگرش‌های افراد نسبت به روابط عاطفی و احساسی با جنس مخالف) با گرایش به طلاق و ابعاد آن، رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد. **واژه‌های کلیدی:** مدرنیته، فردگرایی، رشد عقلانیت، جهانی‌شدن، گرایش به طلاق با ابعاد عاطفی، شناختی و رفتاری

بیان مسأله

«تحوّلات اجتماعی دهه‌های گذشته در سطح جهانی، نظام خانواده را با تغییرات، چالش‌ها، مسائل و نیازهای جدید و متنوعی روبه‌رو کرده است و مفاهیم سنتی و طرز کهن زندگی خصوصی و خانوادگی متحوّل و در معرض تهدید قرار گرفته است» (فاتحی دهقانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵ - ۱۴). جامعه ایران نیز، از این تغییرات مستثنی نبوده است؛ تغییرات دهه‌های اخیر در ایران، با توجه به پیش‌آمدگی‌ها و تقاضاهای درونی، متأثر از تأثیرات بیرونی بوده است. البته، این تغییرات پس از جذب و درونی‌شدن، خود به عنوان عاملی درونی در تعامل همسو یا ناهمسو با نیروهای همچنان فعال و شاید بسیار فعال جهانی شدن تغییرات جدیدی را ایجاد می‌کنند. از این رو، برای فهم تغییرات به وقوع پیوسته در کشورهایی نظیر ایران، از مفهوم «جهانی - محلی‌شدن» استفاده می‌شود که در آن، اضافه بر تأثیرات بیرونی، شرایط و عوامل درونی (محلی) نیز لحاظ شده است. در واقع، تاریخ معاصر ایران روایتگر تقوای یک جامعه ریشه‌دار محلی از یک سو برای ماندن (تداوم) و از سوی دیگر برای مدرن‌شدن (تغییر) بوده است (سرای، ۱۳۸۵: ۴۱). همین امر، نظام خانواده در ایران را با چالش‌های جدی مواجه کرده است؛ به عنوان مثال، داشتن تحصیلات دانشگاهی برای زنان در ایران، به منزله ورود به دنیای بزرگ‌تر، افزایش آگاهی جنسیتی و کم‌کردن از محدودیت‌های اجتماعی و احتمالاً فرصت اشتغال می‌باشد که گاه به شکل مشروع مورد پذیرش قرار گرفته و با مقاومت چندانی از جانب مردان مواجه نمی‌شود اما از دیگر سو، تغییرات در ساخت قدرت و نظام اجتماعی به نفع این تحولات احساس نمی‌شود و با بالا رفتن سطح آگاهی زنان و تحولات اجتماعی به وقوع پیوسته، فاصله بین انتظارات نقشی که جامعه سنتی از زنان دارد با انتظارات اجتماعی جدید و انتظارات زنان از خود، بیش‌تر و بیش‌تر شده که همین امر، احساس بی‌عدالتی جنسیتی را دامن می‌زند (ماشینی، ۱۳۸۷: ۱۲۶-۱۳۱). در واقع، با ورود زنان به عرصه اجتماعی، فرصت به‌دست‌آمده برای زنان، در کنار عناصر مردسالارانه و پدرسالارانه جامعه، منبع و منشأ برخی

تعارضات در ساختار اجتماعی و خانوادگی گشته و به تعارض بین ارزش‌های سنتی و مدرن منجر شده است و لذا گاه، به عنوان عاملی اساسی در بروز اختلاف میان زوجین، سست‌شدن بنیان زندگی مشترک و گرایش به طلاق در میان زوجین ایفای نقش می‌نماید. از طرف دیگر، زنان با تحصیلات بالا، به دنبال توزیع قدرت در ساختار خانواده و داشتن نقش در تصمیم‌گیری‌های خانواده می‌باشند و این در حالی است که آموزه‌های مردسالارانه با تحولات ایجاد شده امروزی سنخیت ندارد؛ یعنی مردان همچنان روحیه مردسالارانه خود را حفظ کرده‌اند اما زنان دیگر حاضر به پذیرش آن نیستند (ایران محبوب و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۰۰ - ۹۱). بنابراین، می‌توان گفت که؛ افزایش آمار طلاق [یا گرایش به طلاق بالاتر جامعه‌ای که در مسیر مدرنیته قرار گرفته است]، از رشد برخی آگاهی‌های اجتماعی و وقوع برخی تغییرات در جامعه خبر می‌دهد که می‌توان به خروج عقل جمعی از فهم سنتی و علاقه‌مندی به دستیابی به حقوق فردی و اجتماعی، پذیرش اجتماعی طلاق، آگاهی زنان به حقوق خود و تن ندادن به نظام سرکوب مردسالارانه و دگرگونی دیدگاه‌های آنان در مورد نقش‌های سنتی و ثابت و از پیش تعیین‌شده برای زن و مرد، اعتقاد زنان بر لزوم خلاصی از سرنوشت کار خانگی اجباری و حضور در جامعه و روی آوردن به اشتغال و تحصیلات، تلاش زنان در اتکای به خود و رسیدن به استقلال در عرصه‌های مختلف زندگی (ابوالحسن تنهایی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۴)، تغییر نقش و جایگاه زنان^۱ در خانواده و اجتماع، مرکزیت تصمیم‌گیری در خانواده، کاهش اعتماد، الگو قرار دادن ارزش‌های دنیای مردانه برای زنان، رشد فردیت، اختلاط نقش‌های خانگی و تضعیف نقش‌های مادری و همسری (که برگرفته از آموزه‌های فمینیستی و در تعارض با مفاهیم دینی است)، روابط آزاد دختران و پسران قبل از ازدواج و شیوع

^۱ سابقاً هرم قدرت در خانواده عمودی بود و همه ارکان «پدرسری» تکوین یافته بود. طلاق یک‌سویه و بدون اطلاع زن صورت می‌گرفت و مفاهیمی همچون ضعیفه خطاب‌کردن زن یا او را همچون دیگر کالاهای خانه، «منزل» خواندن همگی حکایت از تراژدی محتوم زن داشت (ساروخانی، ۱۳۷۰).

دارد^۳ (دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی، ۱۳۸۶). شایان ذکر است که؛ آمار طلاق در کشور ما علی‌رغم سیر صعودی آن، نسبت به کشورهای دیگر پایین‌تر است، اما این امر، نمی‌تواند توجیه منطقی در باب بالا بودن سلامت و بهداشت روان خانواده و سازگاری زناشویی بین زوجین باشد؛ چراکه گاه، به‌خاطر برخی مسائل فرهنگی، سنتی و حتی قانونی، طلاق به سادگی امکان‌پذیر نیست (صادقی (۱۳۸۰)؛ به نقل از رحمانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۳) [در این شرایط] زن و شوهر اگرچه ممکن است باهم بودن را مانند یک گروه اجتماعی ادامه دهند، اما جاذبه و اعتماد آنها نسبت به یکدیگر تغییر یافته است (باستانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲)، در احساسات شخصی یکدیگر شریک نیستند و یا در محیط‌های اجتماعی، خوب و صمیمی به نظر می‌رسند، ولی در خلوت قادر به تحمل یکدیگر نیستند (تبریزی و همکاران، ۱۳۸۵؛ به نقل از باستانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳). تمامی این موارد در مجموع، توصیف‌کننده شرایطی هستند که در تحقیق حاضر، از آن به عنوان گرایش به طلاق یاد شده است.

مبانی نظری

طلاق، از جمله پدیده‌های اجتماعی است که از دیدگاه نظری واحدی قابل بررسی و تبیین نیست (ریاحی و همکاران: ۱۳۸۶: ۱۱۷). بنابراین، به منظور مطالعه برخی عوامل مؤثر بر گرایش به طلاق، در این تحقیق از تلفیقی از دیدگاه‌های نظری استفاده شده است. در بخش نخست مبانی نظری، ضمن بهره‌گیری از نظرات چند اندیشمند، برخی از وجوه جریان مدرنیته را که بر نهاد خانواده و چگونگی روابط زوجین در این نهاد - و به طور اخص همبستگی یا گسست پیوندهای زناشویی میان زوجین - تأثیرگذار است، پررنگ‌تر شده است و بخش دوم مبانی نظری نیز به‌طور ویژه به متغیر وابسته تحقیق - گرایش به طلاق - اختصاص دارد.

ارتباطات نامشروع بین متأهلان و در کل، تغییر ارزش‌ها و هنجارها و سنت‌های جامعه و مواردی از این دست اشاره کرد (شکریبیگی، ۱۳۸۸) که در نتیجه آنها، ازدواج‌ها بیش‌تر در معرض طلاق و خانواده‌ها بیش‌تر در معرض ازهم‌پاشیدگی قرار گرفته‌اند (سرای، ۱۳۸۵: ۵۶). با بررسی نسبت^۱های ازدواج به طلاق ثبت شده از سال ۱۳۸۴-۱۳۷۹ نتایج ذیل قابل تأمل است: نسبت مذکور برای کل کشور از سال ۷۹ روند نزولی خود را شروع می‌نماید؛ شایان ذکر است که نزولی بودن این نسبت حاکی از بالارفتن آمار طلاق در این سال‌هاست. نسبت ازدواج به طلاق در سال ۷۹ و برای کل کشور معادل ۱۲/۰۲ بوده است؛ یعنی به‌طور متوسط در برابر هر ۱۲ ازدواج، ۱ مورد واقعه طلاق به‌وقوع پیوسته است. این نسبت از سال مذکور همچنان روند نزولی خود را طی می‌نماید، تا این‌که در سال ۸۳ با اندکی افزایش که به‌معنای کاهش موارد طلاق در برابر ازدواج‌هاست، نهایتاً در سال ۸۴ به ۹/۳۵ می‌رسد؛ یعنی به‌طور متوسط و تقریبی از هر ۹ ازدواج، ۱ واقعه طلاق اتفاق افتاده است. آمارهای موجود در مورد استان زنجان هم حاکی از این است که در سال ۷۹ نسبت مذکور معادل ۱۸/۸۵ بوده است؛ یعنی به‌طور متوسط از هر ۱۹ واقعه ازدواج، ۱ مورد طلاق به‌وقوع پیوسته است و این روند، سیر نزولی خود را تا سال ۸۱ ادامه داده است و در سال ۸۲ اندکی اوج گرفته و به رقم ۱۴/۷۹ رسیده است و با ادامه سیر نزولی به ۱۱/۹۷ در سال ۸۴ رسیده؛ بدین معنی که در این سال به‌ازای هر ۱۲ ازدواج، یک واقعه طلاق به‌وقوع پیوسته است؛ (علیزاده، ۱۳۸۵: ۳۴-۳۵). آیین نسبت با درپیش‌گرفتن سیر نزولی خود به ۱۱/۹ در ۹ ماهه سال ۱۳۸۵ و ۱۱/۸ در ۹ ماهه اول سال ۱۳۸۶ می‌رسد که حکایت از ادامه روند افزایش طلاق در این استان

^۱ تعداد ازدواج‌های انجام شده و ثبت شده در برابر هر یک طلاق واقع شده و ثبت شده.

^۲ تحلیل فوق توسط نگارنده و بر اساس جداول ارائه شده در منبع زیر انجام پذیرفته است: (علیزاده، مرجان: «بررسی روند آمار ازدواج و طلاق‌های ثبت شده کشور از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴»، فصلنامه جمعیت، سازمان ثبت احوال کشور، سال چهاردهم، ش ۵۵ و ۵۶، بهار و تابستان ۱۳۸۵، ص ۳۴-۳۵).

^۳ تحلیل فوق توسط نگارنده و بر اساس جدول ارائه شده در منبع زیر انجام پذیرفته است: (خبرنامه آماری سازمان ثبت احوال کشور، نه ماهه ۱۳۸۶، دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی، ش ۱۳).

بخش اول

فردینان تونیز^۱ - جامعه‌شناس آلمانی - مدرنیته را به مثابه حرکت از پیوندهای بین‌شخصی موجود در «جماعت»^۲ به سمت تفرّد یا فردیت ناپیدا و گمنام «جامعه»^۳ تلقی می‌نماید (تونیز به نقل از آزیورن، ۱۹۹۷). دورکیم^۴ با مطرح کردن تضاد بین «دیگرخواهی» و «خودخواهی» معتقد است که در حالت «خودخواهی»، فعالیت‌ها و باورهای فردی بر پیوندهای جمعی تقدّم می‌یابند و میزان پیوند بین فرد و جامعه بسیار اندک است؛ در چنین شرایطی، تعادل میان فرد و جامعه برهم می‌ریزد اما «دیگرخواهی» به وضعیتی اشاره دارد که در آن پیوند به نفع جامعه شدید است. به نظر وی، اگر در جوامع «پیشامدرن»، انکار مصالح فردی و یا تابع جمع نمودن آن، مبنای همبستگی اجتماعی است، در جوامع «مدرن»، تحقّق فردیت و استقلال افراد، پایه وابستگی متقابل و همبستگی می‌باشد. آنتونی گیدنز^۵، مدرنیته را دارای سه ویژگی فرامحلی شدن روابط انسان‌ها^۶، غلبه نظام‌های انتزاعی و نشانه‌های نمادین^۷ و در نهایت، کیفیت بازتاب دهنده مدرنیته، که خودشناسی انتقادی یا شکل‌گیری هویت شخصی^۸، متحقّق ساختن خویش و فردیت خوداندیش، از جمله پیامدهای آن است که آن را از نظام و روابط پیشامدرن و سنتی جدا می‌سازد (شکریگی، ۱۳۸۸). به اعتقاد گیدنز «... در نسل‌های پیشین [دوران پیشامدرن]، پیوند زن و مرد مخصوصاً در ازدواج سنتی، عمدتاً بر اساس نقش‌های ثابت بود؛ یک زندگی خانگی و خانوادگی که اساساً با بزرگ‌کردن فرزندان پیوند خورده بود، اما در این نسل [دوران مدرن]، دیگر زن بودن از نظر وظایف و هویت‌هایی که ایجاد می‌کند، معنای روشن و

مشخصی ندارد؛ دیگر زنان براساس آنچه که فرهنگ یا سرنوشت محتوم به آنها دیکته می‌کند و یا در چارچوب سرنوشتی که به واسطه آن نقش‌هایشان از پیش تعیین شده است، زندگی نمی‌کنند. از سوی دیگر، نگرش منفی جامعه نسبت به خانه‌داری زنان رو به افزایش است» (باقری، ۱۳۸۸). گیدنز و اندیشمندانی چون تافلر و ترنر به فرآیند جهانی‌شدن - وضعیتی که در آن حوادث و وقایع در زمان کوتاه، بر مکان‌های دوردست تأثیر می‌گذارند - به عنوان یکی از عناصر تأثیرگذار در نهاد خانواده [در عصر جدید] توجه می‌نمایند. به اعتقاد گیدنز (۱۳۷۹ و ۱۳۸۲) والوین تافلر (۱۳۷۰)، «یکی از عمده‌ترین تأثیرات جهانی‌شدن در نهاد خانواده، دگرگونی نقش‌های سنتی و ثابت و از پیش تعیین‌شده اعضای خانواده است»^۹. مرزهای تقسیم کار سنتی مبنی بر جنسیت، با افزایش سطح آموزش زنان و حضور آنان در جایگاه‌های شغلی‌ای که در گذشته در انحصار مردان بوده و در مقابل با افزایش مشارکت مردان در امور خانگی، به تدریج متزلزل شده است. بدین‌سان حضور گسترده زنان شاغل در زندگی اجتماعی، جایگزینی نقش‌های اکتسابی به جای نقش‌های محوّل [انتسابی] برای زنان و کاهش تأثیر ازدواج در فرآیند هویت‌یابی فرد از جمله پیامدهای تغییر نقش در عرصه جهانی‌شدن است» (گیدنز و تافلر به نقل از ابوالحسن‌نهایی و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۰). به اعتقاد ترنر^{۱۰} (۱۳۸۱)، «خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی در فرآیند جهانی‌شدن دچار تناقضات روز افزون می‌شود؛ در یک‌سو ضرورت مشارکت اقتصادی زنان در خانواده و در سوی دیگر تمایلات مادر بودن قرار دارد. صمیمیت و رابطه عاطفی تنگاتنگ با فرزندان [و همسر] در شرایط اشتغال والدین به راحتی ایجاد نمی‌شود. این کمبودها، تنش‌هایی را در فضای خانواده ایجاد می‌کند که افزایش بیش از پیش طلاق و خشونت‌های خانگی از جمله پیامدهای آن است» (ترنر، ۱۳۸۱؛ به نقل از ابوالحسن‌نهایی و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۲).

^۹ نقش‌های محوّل بر مبنای ازدواج سنتی، که برای مرد نان‌آوری و حضور در فضای خارج از خانه و برای زن نقش‌های خانگی بود، دستخوش تغییر شده است (گیدنز و تافلر به نقل از ابوالحسن‌نهایی و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۰).

^{۱۰} Turner

^۱ Ferdinand, Tonnies

^۲ Community/gemeinschaft

^۳ Society/gesellschaft

^۴ Durkheim, Emile

^۵ Anthony Giddens

^۶ این امر، محصول غلبه بر جدایی زمان و مکان در روند جهانی‌شدن است

(شکریگی، ۱۳۸۸).

^۷ پیامد این امر، غیرشخصی شدن هر چه بیش‌تر روابط اجتماعی است (شکریگی،

۱۳۸۸).

^۸ Self Identity

در حالت کلی، اشتغال زنان با ایجاد دگرگونی‌های بنیادی در ساخت شغلی جامعه، نظام ارزش‌های سنتی، توزیع نقش‌ها و پایگاه‌های زن و مرد، بر روابط زن و شوهر هم‌آثاری دارد و می‌تواند در جهت ثبات یا تضعیف خانواده مؤثر باشد (ساروخانی، ۱۳۷۰). اولریخ بک^۱ - جامعه‌شناس آلمانی - با مطرح کردن بحث فردیت که از مبانی و شاخص‌های مهم مدرنیته و جهان مدرن است، براین باور است که این واژه، یک تبیین متقاعدکننده به دست می‌دهد از آن‌چه که در جامعه در حال وقوع است؛ من جمله دگرگونی کار، افزایش انزوای شخصی (فردگرایی)، تأکید بر اتکای به خود، توازن در حال تغییر قدرت بین زن و مرد، بازتعریف رابطه مرد و زن، بازشناسی رابطه بین زندگی شخصی و حوزه عمومی، ظهور یک فرهنگ احتیاط‌مآبانه و مصلحت‌اندیشی و عقلانی، که همگی از پیامدهای مدرنیته در سایر جوامع می‌باشند (شکریگی، ۱۳۸۸). ریتا لیلیستروم^۲ (۱۹۸۶) نیز معتقد است؛ با حضور هرچه گسترده‌تر انسان‌ها به مثابه فرد و نه چون عضوی از فامیل در حوزه اشتغال، در سازمان‌های اجتماعی و در دیگر نهادها، فردیت رشد یافت و بعد از آن رابطه فرد با پیرامون، دیگر نه بر محور مناسبات خانوادگی، بلکه همچون رابطه‌ای میان آحاد مستقل جامعه شکل گرفت. به نظر وی، زمانی که تقسیم کار خانگی بر اثر گسترش کار فردی و اشتغال در اجتماع دستخوش تغییر شد، این نخست مردان بودند که به فردیت دست یافتند. اما فردیت یافتن مردان با تغییر نقش جنسی آنان توأم نشد؛ این در حالی است که رشد و شکل‌گیری فردیت زنانه، به استقلال نسبی زنان از مردان، تغییر نقش جنسی‌شان و از حاشیه به متن کشیده شدن آنان منجر گشت. فردیت یافتن و شکل‌گیری شخصیت مستقل زنان، آشکارا به معنای کاهش وابستگی آنان به مردان و به زیر سؤال رفتن نقش جنس دوم و «نیمه دیگری» بود که پیش از این خود را با «نیمه اول» و در سایه آن تعریف می‌نمود؛ به عبارت دیگر، فردیت یافتن زنان با استقلال مادی آنان، پایان

بخشیدن به تلقی‌ای از نقش سنتی زن و بالاخره، با به رسمیت شناختن سروری زنان بر بدن خود و چگونگی پاسخگویی به نیازها و خواهش‌های جنسی زنانه همراه گشته است... پروسه فردیت یافتن مردان به جدایی هر چه بیش‌تر زندگی خصوصی از عمومی و تأکید بر ایجاد حفاصل بین «خود» و «دیگری» - فرد از اجتماع - منجر شده است، حال آن‌که فردیت یافتن زنان با ایجاد حفاصل با «دیگری» استقلال از مردان را نیز دربر داشته است. ایجاد چنین حفاصلی به‌ویژه در روابط نزدیک زناشویی و خانوادگی به مراتب دشوارتر است (ریتا (۱۹۸۶)؛ به نقل از شکریگی، ۱۳۸۸). ژولین فروند^۳ (۱۳۶۲)، ضمن تأکید بر روند توسعه شهرنشینی و صنعتی‌شدن، افزایش تخصص و تقسیم کار اجتماعی، به تأثیر قابل توجه آن در گسترش تفاوت بین افراد، تضعیف هم‌نوایی گروهی و «وجدان جمعی» و توسعه فردگرایی در بین افراد و گروه‌های اجتماعی گوناگون توجه دارد (فروند (۱۳۶۲)؛ به نقل از شکریگی، ۱۳۸۸).

بخش دوم

مارک نپ^۴، جدایی افراد را طی پنج مرحله - مرحله افتراق، مرحله محدود کردن، مرحله بی‌روح شدن رابطه، مرحله پرهیز از یکدیگر و مرحله جدایی، از یکدیگر مشخص و تفکیک کرده است (فرهنگی، ۱۳۷۹)؛ به نقل از باستانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۶ - ۷ که گرایش به طلاق را می‌توان در یکی از مراحل یک تا چهار یا ترکیبی از این چهار مرحله قرار داد. با توجه به نظریه نظم خرد چلبی، اگر خانواده را اجتماعی کوچک و سطح خرد در نظر بگیریم، در صورت ایجاد مشکل در هم‌فکری، هم‌گامی، هم‌دلی و هم‌بختی مشترک میان زوجین، در تعاملات آنان اختلال ایجاد می‌شود (باستانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۶). بر اساس نظریه مبادله^۵، روابط بین زن و شوهر هم یک نوع مبادله محسوب می‌شود. اگر حقوق متقابل آنها را به عنوان پاداش و هزینه تلقی نماییم، زندگی آنها بر مدار مبادله متقابل جریان

³ Julien, Freund

⁴ Mark, Knapp

⁵ Exchange Theory

¹ Ulrich, Beck

² Liliestrom, Rita سوندی و فمینیست سوندی

می‌یابد. از طرف دیگر، عدم برابری هزینه‌ها و پاداش‌ها برای زوجین، به احساس بی‌عدالتی و نابرابری در مبادله منجر می‌گردد و در نهایت، به گسست روابط متقابل زوجین منجر می‌شود. در واقع، پنداشت فرد از سود یا زیانی که در زندگی زناشویی خود به دست می‌آورد، اهمیت پیدا می‌کند (جلیلیان، ۱۳۷۵؛ به نقل از ریاحی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۱۹). بدین ترتیب، هر چه پاداش‌هایی که یکی از زوجین از زوج دیگر دریافت می‌کند، از پاداش‌هایی که پرداخت می‌کند کم‌تر باشد (به‌طور واقعی یا خیالی)؛ و یا هزینه‌های پرداختی یکی از زوجین به زوج دیگر، یا حتی کل خانواده بیش‌تر از حد واقعی یا مورد انتظار باشد، حالت زیان‌دیدگی به فرد دست می‌دهد. در این وضعیت، پایان‌دادن به رابطه زناشویی، به‌عنوان یکی از راه‌حل‌های اساسی برای دستیابی به پاداش یا حداقل فرار از پرداخت هزینه‌های بیش‌تر، برایش ارزشمند می‌گردد. بنابراین، زوجینی که نتوانند تعادل دلخواه را در زمینه مبادله هزینه‌ها و پاداش‌ها برقرار نمایند، به احتمال زیاد به گسستن رابطه، گرایش می‌یابند. (ریاحی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۱۹ - ۱۱۸). در مجموع، «می‌توان از نظریه مبادله، در تحلیل بیشینه‌سازی سود در تصمیم‌های مربوط به طلاق استفاده کرد. افرادی که تصمیم به طلاق دارند، باید به ارزیابی منافع ازدواج خود نسبت به سایر ازدواج‌ها و همچنین نسبت به زندگی مجردی پس از طلاق بپردازند» (غیائی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۱).

ادبیات پژوهشی در ارتباط با موضوع مورد بررسی

تحقیقی با حجم نمونه ۱۴۱ نفر در سال ۱۳۹۰ در شهرستان گرگان به اجرا درآمده است. نتایج به‌دست آمده، حاکی از تسلط ارزش‌های سنتی بر مدرن در خانواده پدری و تسلط ارزش‌های مدرن بر سنتی بعد از ازدواج (در گروه در حال طلاق) و نیز کمی کمرنگ‌تر شدن ارزش‌های سنتی نزد گروه عادی است. بالاترین مقدار میانگین شاخص فردگرایی در قبل از ازدواج در اختیار مردان در حال طلاق و در بعد از ازدواج، در اختیار زنان در حال طلاق بوده است و بالاترین میانگین‌های مربوط به ارزش‌های مدرن و نیز پایین‌ترین میانگین‌های

مربوط به ارزش‌های سنتی را، گروه در حال طلاق به خود اختصاص داده‌اند. ارزش‌های سنتی در بین زنان و مردان در حال طلاق، در بعد از ازدواج تنزل پیدا کرده و در عوض میزان گرایش به ارزش‌های مدرن در بین آنان بیش‌تر شده است اما شدت تغییر و تحولات از سوی ارزش‌های سنتی به سمت ارزش‌های مدرن در مردان بسیار کم‌تر از زنان این گروه بوده است (نعیمی، ۱۳۹۰: ۲۰۴ - ۲۰۷). بر اساس نتایج پژوهشی دیگر که در سال ۱۳۸۹ انجام شده و با عنایت به متغیرهای مورد بررسی در پژوهش حاضر؛ میزان گرایش به طلاق زوجینی که تصور مثبت‌تری از پیامدهای طلاق در ذهن داشته‌اند، قوی بوده است (فاتحی دهقانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۹). در سال ۱۳۸۵ تحقیقی در شهرستان کرمانشاه با حجم نمونه ۳۶۴ نفر از زوجین انجام شده است. بر اساس نتایج به دست آمده؛ از میان متغیرهای مختلف مؤثر بر گرایش به طلاق، میزان تصور مثبت از پیامدهای طلاق از متغیرهای تأثیرگذار مهم در این پژوهش بوده است (ریاحی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۰۹). در تحقیقی دیگر که در سال ۱۳۸۳ انجام شده است، محقق معتقد است که افزایش طلاق در جوامع شهری، معمولاً با تحصیلات بیش‌تر زنان و آشنایی آنان با مراکز قانونی همراه است. زنان کم‌سواد و یا بی‌سواد معمولاً به علت ترس از شوهر یا واکنش اطرافیان، نداشتن استقلال مالی و پشتوانه اقتصادی و عاطفی پس از طلاق، گاه با وجود داشتن مشکلات خانوادگی غیرقابل حل به سوختن و ساختن تن می‌دهند و اصلاً نمی‌دانند چگونه باید اقدام به طلاق نمایند. به اعتقاد محقق، [در زندگی شهری و مدرن امروزی] با افزایش فشارهای اقتصادی و نیز تغییر سطح زندگی مردم، زوجین به فعالیت خارج از خانه مشغول هستند و لذا، در ایفای صحیح نقش خود ناتوان شده و در نتیجه کانون خانواده با نوعی بحران عاطفی مواجه می‌شود. همچنین، پذیرش اجتماعی طلاق، در نتیجه کاهش نگرش‌های منفی نسبت به این پدیده، در کشورهای مختلف، متفاوت بوده است؛ اگرچه طلاق همچنان به صورت یک امر نامطلوب و غیرخوشایند به نظر می‌رسد اما در بین بیش‌تر مردم جامعه دیگر گناهی غیرقابل بخشش جلوه نمی‌شود

زنان، کمرنگ شدن قدرت پدران و مردان، استقلال مالی زنان، هر یک مبانی اقتصادی و اجتماعی خانواده را دگرگون ساخته است (آقاجانی، ۱۳۸۴).

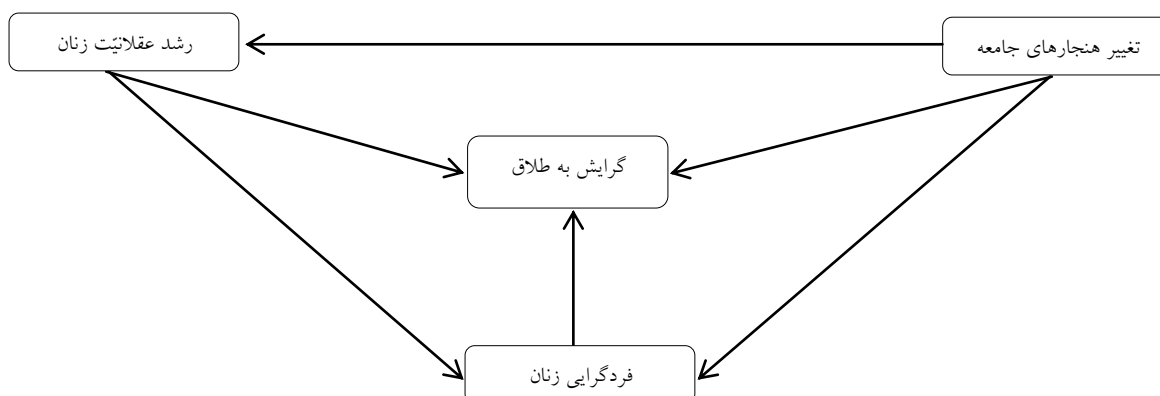
با توجه به پیشینه تجربی مطرح شده، مبانی تجربی متغیرهای تحقیق طی جدول ۱ به دست می‌آید:

(رضایی، ۱۳۸۳: ۱۰۲-۱۲۲). بر اساس پژوهشی که در سال ۱۳۸۱ انجام شده است؛ این واقعیت جامعه امروز ماست که دیگر برچسب بدنامی به طلاق زده نمی‌شود و شاید بتوان گفت اگر قوانین مدنی سخت‌گیری نمی‌کردند، حتی میزان طلاق در جامعه بسیار بالاتر می‌شد. در عین حال تغییر سبک زندگی، وسایل ارتباط جمعی، بالا رفتن سطح تحصیلات و آگاهی

جدول ۱- مبانی تجربی متغیرهای تحقیق

ردیف	مبانی تجربی	متغیرهای استخراج شده
۱	نعیمی (۱۳۹۰)	تغییر هنجارهای جامعه و فردگرایی زنان
۲	فاتحی دهقانی و همکاران (۱۳۸۹)	تغییر هنجارهای جامعه
۳	ریاحی و همکاران (۱۳۸۵)	تغییر هنجارهای جامعه
۴	رضایی (۱۳۸۳)	تغییر هنجارهای جامعه
۵	آقاجانی (۱۳۸۱)	رشد عقلانیت زنان، فردگرایی زنان، تغییر هنجارهای جامعه
۶	بزرگیان (۱۳۷۸)	رشد عقلانیت زنان، فردگرایی زنان، تغییر هنجارهای جامعه

بر اساس پیشینه نظری و تجربی مطرح شده، مدل تحلیلی پژوهش به صورت زیر ترسیم شده است:



شکل ۱- مدل نظری و مفهومی عوامل مؤثر بر گرایش به طلاق زنان

زنان هم بالاتر خواهد بود و در نتیجه گرایش به طلاق آنان نیز بیش‌تر می‌شود. همچنین، رشد عقلانیت زنان نیز در فردگرایی آنان تأثیر دارد و با افزایش میزان آن، فردگرایی زنان و در نتیجه گرایش به طلاق آنان نیز افزایش می‌یابد. باتوجه به مدل نظری پژوهش، فرضیات زیر به بررسی گذاشته شده‌اند:

با توجه به مدل تحلیلی ارائه شده؛ نه تنها سه متغیر مطرح شده، به صورت مستقیم بر گرایش به طلاق تأثیر دارند، بلکه تغییر هنجارهای جامعه، بر دو متغیر فردگرایی و رشد عقلانیت زنان تأثیر دارد؛ بدین نحو که هرچه میزان تغییر هنجارها در جامعه بیش‌تر باشد، فردگرایی و رشد عقلانیت

جدول ۲- فرضیه‌های تحقیق

- ۱- بین فردگرایی زنان و گرایش به طلاق آنان رابطه وجود دارد.
- ۲- بین رشد عقلانیت زنان و گرایش به طلاق آنان رابطه وجود دارد.
- ۳- بین تغییر هنجارهای جامعه و گرایش به طلاق زنان رابطه وجود دارد.
- ۴- متغیر تغییر هنجارهای جامعه از طریق متغیرهای رشد عقلانیت زنان و فردگرایی بر گرایش به طلاق در بین زنان تأثیرگذار است.
- ۵- متغیر رشد عقلانیت زنان از طریق متغیر فردگرایی بر گرایش به طلاق در بین زنان تأثیرگذار است.

روش‌شناسی

شاخص‌های مربوط به متغیر وابسته تحقیق (گرایش به طلاق)

است، عملیاتی‌کردن این مفهوم را نمایش می‌دهد.

تحقیق حاضر، از نوع مطالعات پنهانگر و کاربردی است. روش تحقیق مورد استفاده از نوع «پیمایشی همبستگی» است که به صورت مقطعی در شهر زنجان انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش، کل جمعیت زنان مناطق سه گانه شهر زنجان است که برابر با ۱۷۳۴۴۴ نفر است که با استفاده از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و بر اساس پیش‌آزمون انجام شده بر روی ۱۰۰ نفر از زنان متأهل، نسبت به انجام نمونه‌گیری با حجم ۴۰۰ نفر در مناطق مختلف شهر زنجان، اقدام شده است. ابزار مورد استفاده در این تحقیق، پرسشنامه محقق‌ساخته است و برای سنجش متغیر وابسته از مقیاس‌های مورد استفاده در تحقیقات قبلی^۱ نیز بهره برده شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شده است.

تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها

گرایش به طلاق زنان، متغیر وابسته تحقیق حاضر است که عبارت است از «میزان تمایل و علاقه زوجین [زنان] به جدا شدن از یکدیگر [همسرشان] و گسستن پیوند زناشویی طی مراحل قانونی» (ریاحی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۲) که نشان‌دهنده شدت تمایل زوجین [زنان] برای جداشدن از یکدیگر [همسرشان] است (بهرامی کاکاوند، ۱۳۸۶؛ به نقل از فاتحی‌دهاقانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۱). که در سه بعد رفتاری، عاطفی و شناختی مورد سنجش واقع شده است. جدول ۳ که شامل مؤلفه‌ها و

^۱ عملیاتی کردن این مفهوم بر اساس منابع زیر و با اعمال تغییراتی در آنها، انجام شده است: (ریاحی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۲) و (موآنس، ۲۰۰۴: ۴۳).

جدول ۳- تعریف عملیاتی متغیر گرایش به طلاق

متغیر وابسته	ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
گرایش به طلاق	رفتاری	تمایل به انجام اقدام عملی در زمینه طلاق	(۱) اهمیت هدف (۲) مهیا نمودن ابزار (۳) جدیت در هدف (۴) عزم بالا (۵) تصمیم خلل ناپذیر (۶) تلقی ترجیح مشکلات بعد از طلاق بر تحمل زندگی مشترک با همسر
	عاطفی	(۱) ارزشیابی مثبت باورهای مربوط به طلاق	(۱) اتمام اختلافات (۲) فرصتی دوباره (۳) ارجحیت طلاق بر منافع مادی زندگی (۴) یافتن مسیر درست (۵) رهایی از فشار
	شناختی	(۱) آگاهی از رشد میزان طلاق (۲) شناخت آثار و پیامدهای طلاق (۳) حمایت‌های بعد از طلاق (۴) اعتقاد به عدم وجود اجبار و تعهد برای ماندن در زندگی مشترک	(۲) احساس ندامت از بابت فداکاری در حق همسر (۳) پشیمانی از انتخاب همسر (۱) افزایش آمار طلاق (۲) قطع پیوند (۳) فروپاشی خانواده (۱) حذف مزایا (۲) آسیب‌های روحی و روانی (۱) جایگاه نامناسب زنان در جامعه بعد از طلاق (۲) عدم حمایت نهادهای جامعه از زنان مطلقه

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیر فردگرایی زنان

فردگرایی زنان، اولین متغیر مستقل این پژوهش است؛ «فردگرایی عبارت است از گرایش ذهنی و رفتاری که به خودمختاری فرد منجر می‌شود به گونه‌ای که فرد اهداف و خواسته‌های فردی برایش مهم‌تر هستند تا اهداف و خواسته‌های دیگران و بیش‌تر خود را مسئول موفقیت و شکست خود می‌داند» (بهروان و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۵). گرایش فردگرایانه داشتن، یعنی قضاوت شخصی را اولویت بخشیدن، دیدگاه خاص خود را با انتقاد دائم از نهادها مطرح ساختن و عدم هم‌نوایی با هنجارهای اجتماعی است؛ در این معنی، فردگرایی به معنای عدم‌شناسایی و یا طرد هر همبستگی اجتماعی است (بیرو، ۱۳۶۶).

در پژوهش حاضر، مفهوم فردگرایی با سه مؤلفه؛ تأکید زنان بر اتکای به خود (استقلال)، تأکید زنان بر تعاملات ابزاری (تقدّم منافع فردی خود بر دیگران) و در نهایت، تقدّم فعالیت‌های فردی افراد (خودخواهی) بر پیوندهای جمعی و خانوادگی (دیگرخواهی)، مشخص شده است.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیر رشد عقلانیت زنان

عقل^۱ در لغت یعنی نیروی ادراک و تشخیص فکری اعمال مناسب و نامناسب. عقل عبارت از نیروی معینی است که به‌وسیله آن انسان قادر به شناسایی، داوری و تمیز است (آراسته‌خو، ۱۳۶۹). مفهوم عقلانیت^۲ در قلمرو جامعه‌شناسی

^۱ Raison^۲ Rationality

«ماکس وبر» نیز به کار گرفته شده است؛ عقلانیت صوری و یا عقلانیت ابزاری به فراگردی اطلاق می‌شود که طی آن از مناسب‌ترین و مؤثرترین وسایل برای دستیابی به هدف‌های معین استفاده می‌شود (شایان‌مهر، ۱۳۷۹).

در پژوهش حاضر، این مفهوم با دو مؤلفه؛ اعتقاد زنان به داشتن حق انتخاب آزادانه در تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی خود و اعتقاد آنان به داشتن موقعیت برابر با مردان در خانواده و جامعه، مشخص شده است. برای سنجش متغیر مذکور، ۱۷ گویه طراحی شده است که هر یک از آنها یک مقیاس شش درجه‌ای (کاملاً مخالف، مخالف، نسبتاً مخالف، نسبتاً موافق، موافق و کاملاً موافق) را شامل می‌شوند. جدول ۴ ابعاد و گویه‌های مرتبط با رشد عقلانیت را نمایش می‌دهد.

جدول ۴- ابعاد و گویه‌های مرتبط با متغیر رشد عقلانیت زنان

ابعاد رشد عقلانیت	گویه‌ها
انتخاب آزادانه	۱ زنان حق دارند در مورد طلاقشان خود، آزادانه تصمیم بگیرند.
	۲ زنان حق دارند در مورد ادامه تحصیلات خود، بدون هیچ اجباری، خود تصمیم بگیرند.
	۳ زنان حق دارند در مورد تعداد بچه‌هایی که به دنیا می‌آورند، خود تصمیم‌گیرنده باشند.
	۴ زنان حق دارند در مورد زمان بچه‌دار شدنشان، خود تصمیم‌گیرنده باشند.
	۵ زنان حق دارند در مورد اشتغال خود، بدون هیچ اجباری، خود تصمیم‌گیرنده باشند.
موقعیت برابر با مردان	۱ کلیه امور زندگی باید با همکاری و مشارکت زن و مرد صورت پذیرد.
	۲ زن و مرد در تصمیم‌گیری‌های زندگی مشترک، به یک اندازه سهم‌اند.
	۳ با توجه به موضوع تصمیم‌گیری و شرایط، گاه زن و گاه مرد باید تصمیم‌نهایی را بگیرند.
	۴ هیچ الزامی در پرداختن زن به کارهای سنتی خود در خانه وجود ندارد و زنان باید به این وضعیت خود معترض باشند.
	۵ زن امروز نباید مجبوس در خانه و تابع همسرش باشد.
	۶ اشتغال برای زن امروزی یک ضرورت مهم است.
	۷ زنان قادرند بسیاری از موقعیت‌های شغلی را که هم‌اکنون در اختیار مردان است را به‌عهده بگیرند و در آن بسیار موفق‌تر از مردان عمل کنند.
	۸ زنان احتیاج چندانی به تحصیلات در مقاطع بالا ندارند.
	۹ وظیفه زن انجام امور مربوط به خانه است و مرد وظیفه رسیدگی به امور خارج از خانه و تأمین معاش خانواده را عهده‌دار است.
	۱۰ یک مرد نباید به کارهای زنانه‌ای مثل خانه‌داری و آشپزی و نگهداری از فرزند بپردازد.
	۱۱ یک زن نباید به کارهای مردانه‌ای مثل تأمین معاش خانواده بپردازد.
	۱۲ زنان توانایی حضور در جامعه و پرداختن به کارهای به‌اصطلاح مردانه را ندارند.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیر تغییر هنجارهای جامعه

هنجار عبارت است از نمونه یا معیار ثابت چیزهایی که در درون یک فرهنگ معین باید وجود داشته باشد. هنجارها ممکن است یکی از چهار صورت زیر را پیدا کنند: ارزش‌ها،

آداب و رسوم، عرف‌ها و سرانجام، قوانین. همچنین، هنجارها ممکن است ممنوع یا تجویز شده باشند (کوئن، ۱۳۸۲).

در تحقیق حاضر، این مفهوم با سه مؤلفه؛ افزایش نگرش

منفی جامعه نسبت به خانه داری زنان، دو ساختی شدن جامعه^۱ و دگرگونی دیدگاه‌های زنان درباره روابط احساسی و عاطفی با جنس مخالف (قبل و بعد از ازدواج)، مشخص شده است.

کیفیت ابزار اندازه‌گیری (اعتبار و پایایی)

در پژوهش حاضر برای تعیین اعتبار از اعتبار محتوایی^۲ و به صورت خاص‌تر از اعتبار صوری^۳ استفاده شده است؛ این نوع اعتبار بررسی اعتبار ابزار اندازه‌گیری با استفاده از ششم عام و تجربه بوده و وابسته به قضاوت محقق است و به علت قرار گرفتن نظر متخصصان ذی ربط به عنوان مبنای صحت و سقم ابزار اندازه‌گیری، آن را اعتبار از نظر کارشناسان^۴ نیز می‌گویند (حبیب‌پور و همکاران، ۱۳۸۸). در پژوهش حاضر، پرسشنامه بعد از طراحی، در اختیار اساتید مجرب قرار گرفت و بعد از گردآوری نظرات آنان، به عنوان داور، پرسشنامه نهایی طراحی شد. همچنین، برای محاسبه پایایی نیز از مهم‌ترین و پرکاربردترین روش - روش آلفای کرونباخ^۵ - استفاده شده است؛ بدین منظور، از نتایج پیش‌آزمونی که با حجم ۱۰۰ نفر انجام شد، استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

الف) نتایج توصیفی تک متغیره

^۱ منظور از دو ساختی شدن جامعه تعارض ارزش‌های سنتی و مدرن در جامعه است؛ در بحث از این متغیر، به ترویج ارزش‌های سنتی در یک جامعه مدرن (مثل ترویج ارزش‌های متعلق به نسل‌های گذشته در میان زنان امروز) و به تناقضات به وجود آمده در نقش‌های مختلفی که زنان عهده‌دار آنها هستند توجه شده است. از جمله این موارد پرداختن به اموری چون اعتقاد زنان به یکسان نبودن جایگاه زن و مرد در خانواده، اعتقاد به واگذاری تمامی اختیارات زندگی مشترک به عهده مرد خانواده و اولویت نظر مردان در کلیه تصمیم‌گیری‌ها، اعتقاد زنان به این امر که وظیفه مرد نفقه دادن به همسر خود و تأمین زندگی اوست هر چند زن خود شاغل باشد و بتواند مخارج زندگی‌اش را تأمین نماید، اعتقاد به این که زن خوب، زنی است خانه‌دار و تابع شوهر و زنان تحصیل کرده و شاغل، توقعات بالا و میل به تسلط بر همسرشان دارند و مواردی از این دست می‌باشد.

^۲ Content Validity

^۳ Face Validity

^۴ Expert Validity

^۵ Cronbach Alpha Method

برای سنجش متغیر فردگرایی زنان، ۲۷ گویه طراحی شده است که همگی در سطح سنجش رتبه‌ای و بر روی یک طیف ۶ درجه‌ای لیکرت قرار دارند. آماره‌های توصیفی مرتبط با گویه‌های فردگرایی نشان می‌دهد که؛ میانگین بعد نخست متغیر فردگرایی زنان (تأکید زنان بر اتکای به خود)، نسبت به ابعاد دیگر بیش‌تر است؛ به عبارت دیگر، تلاش زنان در عدم وابستگی به دیگران و رسیدن به استقلال در عرصه‌های مختلف زندگی پررنگ‌تر از فعالیت‌های آنان در زمینه ترجیح منافع یا تقدّم فعالیت‌های فردی خود بر دیگران است. همچنین، با مقایسه میانگین ابعاد با میانگین طیفی آنان، ملاحظه می‌شود که میزان استقلال زنان مورد مطالعه در عرصه‌های مختلف زندگی، بالاتر از حد متوسط قرار دارد و میزان تمایل زنان متأهل شهر زنجان به تقدّم منافع و فعالیت‌های فردی خود بر دیگران، کم‌تر از حد متوسط است و در مجموع، میزان فردگرایی در زنان مورد بررسی با میانگین ۸۳/۴۹، پایین‌تر از حد متوسط می‌باشد.

جدول ۵- ضرایب پایایی پرسشنامه

متغیر	تعداد گویه	آلفای کرونباخ	آلفا به صورت استاندارد	وضعیت پایایی*
فردگرایی زنان	۲۷	۰/۹۰۶	۰/۹۱۰	بسیار عالی
رشد عقلانیت زنان	۱۷	۰/۷۸۶	۰/۷۹۴	قابل قبول و خوب
تغییر هنجارهای جامعه	۲۹	۰/۸۳۴	۰/۸۴۹	خوب و عالی
گرایش به طلاق زنان	۵۰	۰/۹۴۹	۰/۹۵۵	بسیار عالی

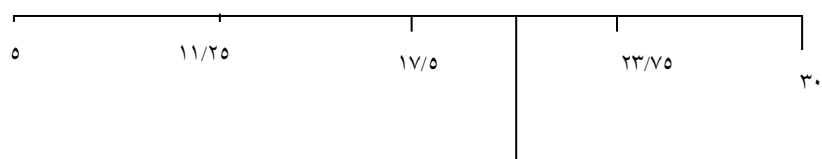
*در این جا معیار قضاوت ما تقسیم بندی مقادیر آلفا در پنج دسته، بر اساس یک قاعده سرانگشتی توسط جورج و مالری (۲۰۰۳) است (حبیب‌پور گتایی و همکاران، ۱۳۸۸).

جدول ۶- آماره‌های توصیفی مرتبط با گویه‌های فردگرایی

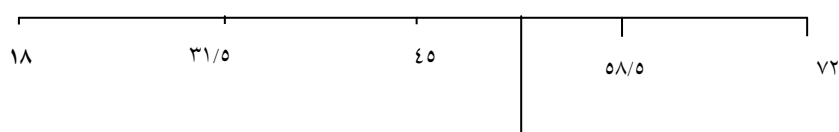
ابعاد فردگرایی	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	دامنه تغییرات	حداقل	حداکثر
استقلال	۴۱/۴۹	۸/۷۱	۷۵/۸۷	۰/۱۳	۴۲	۱۸	۶۰
تقدّم منافع فردی	۱۳/۵۰	۴/۷۸	۲۲/۸۸	۰/۶۵۸	۲۵	۵	۳۰
تقدّم فعالیت‌های فردی	۲۸/۴۹	۱۰/۹۱	۱۱۹/۱۸	۰/۷۵۰	۵۴	۱۲	۶۶
مجموع فردگرایی	۸۳/۴۹	۱۸/۴۱	۳۳۸/۹۴	۰/۴۸۳	۱۱۲	۴۲	۱۵۴

برای سنجش متغیر رشد عقلانیت زنان، ۱۷ گویه طراحی شده است که همگی در سطح سنجش رتبه‌ای و بر روی یک طیف ۶ درجه‌ای لیکرت قرار دارند. آماره‌های توصیفی مرتبط با گویه‌های این متغیر، نشان می‌دهد که؛ میانگین بعد دوم این متغیر، بیش‌تر از بعد اول است؛ به عبارت دیگر، اعتقاد زنان به داشتن موقعیت برابر با مردان در جامعه و خانواده پررنگ‌تر از اعتقاد آنان به داشتن حق انتخاب آزادانه در تصمیم‌گیری‌های

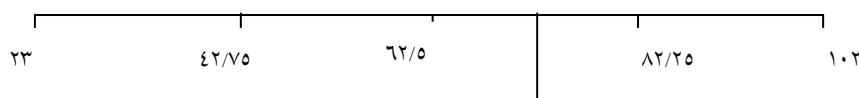
مهم زندگی خود می‌باشد. با مقایسه میانگین‌های به دست آمده با میانگین طیفی آنها مشخص می‌شود که میزان عقلانیت در زنان مورد مطالعه بیش از حد متوسط رشد داشته است. شکل (۲) و (۳) و (۴) به خوبی این مقایسه‌ها را نمایش می‌دهند. در مجموع، میانگین رشد عقلانیت (۷۲/۲۵) و ابعاد آن (۲۰/۶۶) و (۵۱/۵۹)، حاکی از رشد متوسط به بالای میزان عقلانیت در زنان مورد مطالعه است.



شکل ۲- میانگین بعد اول رشد عقلانیت (انتخاب آزادانه)



شکل ۳- میانگین بعد دوم رشد عقلانیت (موقعیت برابر با مردان)



۷۲/۲۵ میانگین به دست آمده

شکل ۴- میانگین رشد عقلانیت

جدول ۷- آماره‌های توصیفی مرتبط با گویه‌های رشد عقلانیت

ابعاد رشد عقلانیت	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	دامنه تغییرات	حداقل	حداکثر
انتخاب آزادانه	۲۰/۶۶	۶/۰۹	۳۷/۱۵	-۰/۴۴۱	۲۵	۵	۳۰
موقعیت برابر با مردان	۵۱/۵۹	۸/۵۶	۷۳/۲۸	-۰/۵۴۲	۵۴	۱۸	۷۲
مجموع رشد عقلانیت	۷۲/۲۵	۱۲/۶۶	۱۶۰/۳۰	-۰/۵۱۵	۷۹	۲۳	۱۰۲

برای سنجش متغیر تغییر هنجارهای جامعه، ۲۹ گویه طراحی شده است که همگی در سطح سنجش رتبه‌ای و بر روی یک طیف ۶ درجه‌ای لیکرت قرار دارند. آماره‌های توصیفی مرتبط با گویه‌های تغییر هنجارهای جامعه نشان می‌دهد که؛ میانگین بعد دوم این متغیر از سایر ابعاد بیش‌تر است؛ به عبارت دیگر از میان جنبه‌های مختلف تغییر هنجارهای جامعه، دوساختی شدن آن بیش‌تر احساس می‌شود. اما، با مقایسه میانگین ابعاد با میانگین طیفی آنان، ملاحظه می‌شود که میزان نگرش منفی جامعه نسبت به خانه‌داری زنان از دیدگاه زنان متأهل شهر زنجان، پایین‌تر از حد متوسط قرار دارد. همچنین، میانگین دو بعد دیگر متغیر تغییر هنجارهای

جامعه (دوساختی شدن جامعه و پذیرش روابط عاطفی با جنس مخالف) نیز از میانگین طیفی خود کم‌تر هستند که این امر گویای این مطلب است که اولاً، میزان ترویج ارزش‌های سنتی در جامعه از یک سو و نیز میزان تناقضات به وجود آمده در نقش‌های مختلفی که زنان عهده‌دار آنها هستند از سوی دیگر، پایین‌تر از حد متوسط است و ثانیاً میزان پذیرش روابط عاطفی با جنس مخالف (قبل و بعد از ازدواج)، در جامعه مورد بررسی پایین‌تر از حد متوسط قرار دارد. در مجموع، میانگین تغییر هنجارهای جامعه (۱۰۲/۰۲)، بیانگر آن است که میزان تغییر هنجارها در جامعه مورد مطالعه پایین‌تر از حد متوسط است.

جدول ۸- آماره‌های توصیفی مرتبط با گویه‌های تغییر هنجارهای جامعه

ابعاد تغییر هنجارهای جامعه	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	دامنه تغییرات	حداقل	حداکثر
نگرش منفی به خانه‌داری	۱۱/۹۵	۴/۷۴	۲۲/۵۳	۰/۱۷۶	۲۰	۴	۲۴
دوساختی شدن جامعه	۶۲/۹۴	۱۷/۳۹	۳۰۲/۵۲	۰/۱۸۳	۹۲	۲۲	۱۱۴
پذیرش روابط عاطفی با جنس مخالف	۶/۳۵	۳/۰۱	۹/۱۱	۰/۹۳۲	۱۵	۳	۱۸
مجموع تغییر هنجارهای جامعه	۱۰۲/۰۲	۱۸/۱۰	۳۲۷/۷۰	۰/۴۰۸	۱۲۱	۵۹	۱۸۰

برای سنجش متغیر وابسته تحقیق - گرایش به طلاق زنان متأهل شهر زنجان - از ۵۰ گویه استفاده شده است که همگی

در سطح سنجش رتبه‌ای و بر روی یک طیف ۶ درجه‌ای لیکرت قرار دارند. آماره‌های توصیفی مرتبط با گویه‌های

گرایش به طلاق نشان می‌دهد که؛ میانگین بعد شناختی متغیر وابسته، نسبت به ابعاد دیگر بالاتر است؛ به عبارت دیگر، میزان آگاهی و شناخت زنان مورد مطالعه از وضعیت طلاق در جامعه و آثار و پیامدهای این پدیده و حمایت‌های جامعه از افراد مطلقه و نیز اعتقاد آنان به عدم وجود اجبار و تعهد برای ماندن در زندگی مشترک بر تمایل آنان به انجام اقدام عملی

در زمینه طلاق یا ارزشیابی مثبت درباره باورهای مربوط به طلاق غلبه دارد. در مجموع، میانگین گرایش به طلاق (۱۶۵/۷۹)، و ابعاد آن (۲۵/۴۸)، (۳۵/۰۹) و (۵۵/۹۳)، نشانگر گرایش به طلاق در حد متوسط به پایین در میان زنان متأهل شهر زنجان می‌باشد.

جدول ۹- آماره‌های توصیفی مرتبط با گویه‌های گرایش به طلاق

ابعاد گرایش به طلاق	میانگین	انحراف معیار	واریانس	چولگی	دامنه تغییرات	حداقل	حداکثر
رفتاری	۲۵/۴۸	۱۳/۰۱	۱۶۹/۴۰	۱/۷۰۱	۶۵	۱۴	۷۹
عاطفی	۳۵/۰۹	۱۴/۶۵	۲۱۴/۷۵	۰/۷۹۴	۷۵	۱۵	۹۰
شناختی	۵۵/۹۳	۱۴/۳۶	۲۰۶/۴۲	۰/۶۳۹	۱۰۱	۲۱	۱۲۲
مجموع گرایش به طلاق	۱۶۵/۷۹	۴۳/۲۲	۱۸۶۸/۲۷	۱/۴۲۸	۲۷۲	۹۳	۳۶۵

ب) نتایج استنباطی دومتغیره

بر اساس نتایج آزمون پیرسون؛ با افزایش فردگرایی زنان ($r=0/364$, $sig=0/000$) و افزایش میزان اعتقاد آنان به داشتن حق انتخاب آزادانه در تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی خود ($r=0/250$, $sig=0/000$)، و نیز با افزایش نگرش منفی جامعه نسبت به خانه‌داری زنان ($r=0/263$, $sig=0/000$) و تغییر نگرش‌های افراد نسبت به روابط عاطفی و احساسی با جنس مخالف ($r=0/242$, $sig=0/000$)، گرایش زنان به طلاق نیز افزایش می‌یابد. لیکن، اعتقاد زنان به داشتن موقعیت برابر با مردان در جامعه و خانواده، تأثیری در افزایش یا کاهش گرایش آنان به طلاق ندارد ($r=0/066$, $sig=0/189$). همچنین، با تغییر هنجارهای جامعه، گرایش زنان به سمت طلاق (به صورت عام)، ($r=0/098$, $sig=0/049$)، و به سمت طلاق عاطفی (به صورت خاص)، ($r=0/104$, $sig=0/037$)، افزایش می‌یابد. در خصوص روابط میان متغیرهای مستقل تحقیق با یکدیگر؛ هرچه بین ساختار کهن و مدرن جامعه، تضاد بیش‌تری وجود داشته باشد، زنان دچار تعارض شده و در دوراهی شک و یقین، در اعتقادات خود مبنی بر حق انتخاب آزادانه در تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی و نیز اعتقاد به داشتن موقعیت برابر با مردان، دچار شک و تردید می‌شوند.

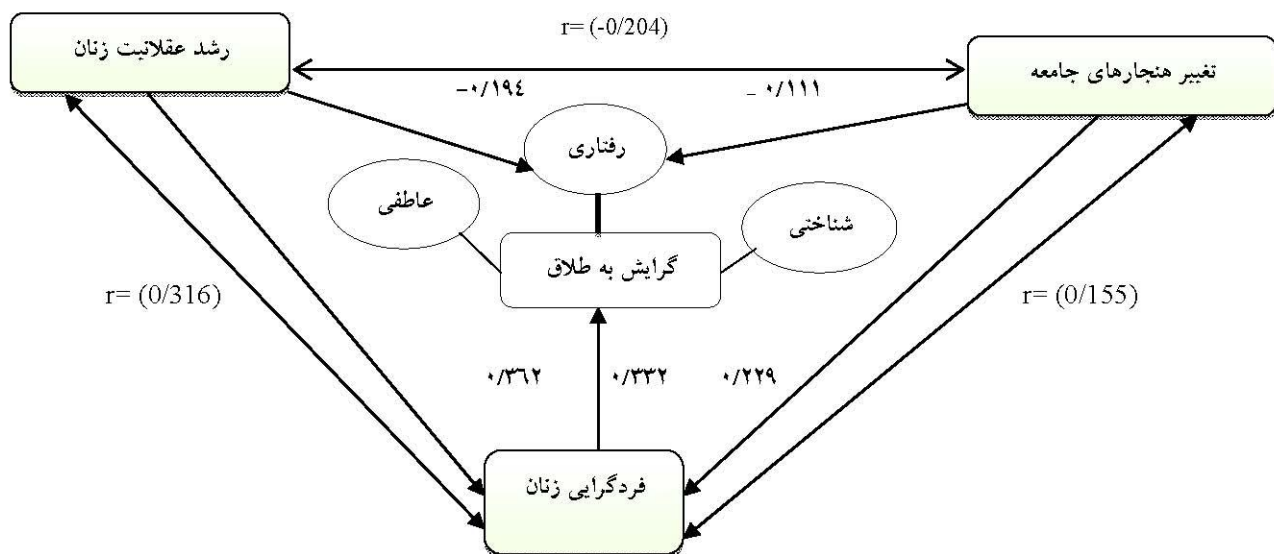
به عبارت دیگر، تضاد هرچه بیش‌تر بین ساختار کهن و مدرن جامعه، مانعی در رشد عقلانیت زنان خواهد بود ($r=-0/300$, $sig=0/000$). لیکن، هرچه نگرش جامعه نسبت به خانه‌داری زنان منفی‌تر شود، عقلانیت در زنان رشد بیش‌تری خواهد داشت ($r=0/101$, $sig=0/043$). در این صورت، زنان بر استقلال در عرصه‌های مختلف زندگی معتقد خواهند بود ($r=0/267$, $sig=0/000$) و فعالیت‌های فردی خود را بر پیوندهای جمعی و خانوادگی ترجیح می‌دهند ($r=0/279$, $sig=0/000$) که با تشدید تضاد میان ساختار کهن و مدرن جامعه، زنان اولویت بیش‌تری برای فعالیت‌های فردی خود در مقابل پیوندهای جمعی قائل خواهند بود ($r=0/108$, $sig=0/031$). همین‌طور، زنانی که به انتخاب آزادانه معتقدند بر تعاملات ابزاری تأکید بیش‌تری داشته و در مسائل مختلف زندگی، منافع خود را در اولویت قرار می‌دهند ($r=0/204$, $sig=0/000$). مطابق نتایج پژوهش، هرچه روابط عاطفی با جنس مخالف پذیرش بالایی در میان افراد جامعه داشته باشد، زنان نیز اعتقاد بیش‌تری به حق خود در جهت انتخاب آزادانه در تصمیمات زندگی پیدا می‌کنند ($r=0/147$, $sig=0/003$). همچنین، در کنار پذیرش این قبیل روابط، هرچه نگرش جامعه نسبت به خانه‌داری زنان منفی‌تر باشد، فردگرایی در

زنان - تأکید زنان بر تعاملات ابزاری و توجه ویژه بر منافع خود در روابط، تقدّم فعالیت‌های فردی بر پیوندهای جمعی و خانوادگی و تأکید بر رسیدن به استقلال در عرصه‌های مختلف زندگی - افزایش می‌یابد ($r=0/243$ ، $\text{sig}=0/000$).

ج) تحلیل‌های چند متغیره

به‌منظور تعیین میزان تأثیرپذیری مستقیم، غیرمستقیم و کلّی متغیر گرایش به طلاق از متغیرهای مستقل مورد استفاده، مدل ۲، با استفاده از تکنیک تحلیل مسیر، به شرح زیر مورد آزمون واقع شده است؛ از میان سه متغیر مورد بررسی، تنها متغیر فردگرایی زنان با بتای $0/332$ به صورت مستقیم بر متغیر گرایش به طلاق تأثیر دارد. بر این اساس، با افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر فردگرایی زنان، گرایش به طلاق

آنان به میزان $0/332$ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد و برعکس، کاهش یک انحراف استاندارد در متغیر مذکور، موجب کاهش $0/332$ انحراف استاندارد در متغیر وابسته می‌شود. لیکن دو متغیر دیگر، تنها بر بعد رفتاری گرایش به طلاق، به صورت مستقیم تأثیر دارند؛ تغییر هنجارهای جامعه با بتای $(-0/111)$ و رشد عقلانیت زنان با بتای $(-0/194)$. در حقیقت دو متغیر مذکور، با سطح خطای بزرگ‌تر از $0/05$ ، به صورت مستقیم تأثیر آماری معنی‌داری بر متغیر گرایش به طلاق ندارند و به صورت غیرمستقیم و از طریق تأثیر بر متغیر فردگرایی زنان، بر گرایش به طلاق زنان مورد مطالعه تأثیر دارند؛ تأثیر غیرمستقیم متغیر تغییر هنجارهای جامعه برابر با $(-0/066)$ و تأثیر غیرمستقیم متغیر رشد عقلانیت زنان برابر با $(-0/095)$ می‌باشد.



شکل ۵ - مدل تجربی عوامل مؤثر بر گرایش به طلاق زنان

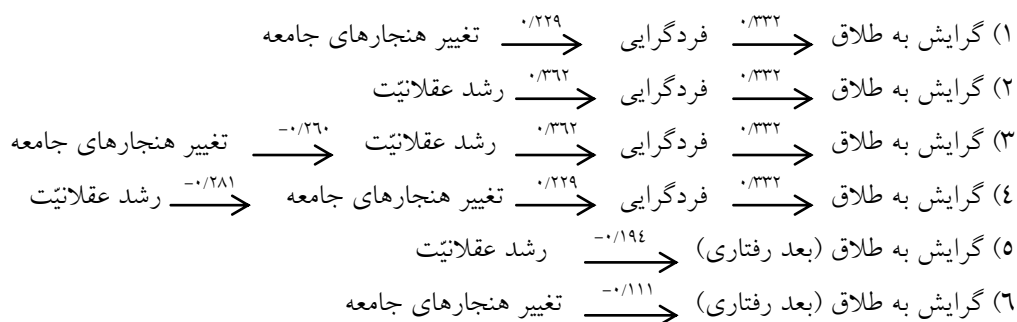
یکدیگر، تک تک آنها به صورت متغیر وابسته در نظر گرفته شد که بر اساس آن، متغیر تغییر هنجارهای جامعه با بتای $(-0/260)$ ، بر متغیر رشد عقلانیت زنان تأثیر دارد و متغیر اخیر نیز با بتای $(-0/281)$ ، بر متغیر تغییر هنجارهای جامعه تأثیرگذار است. همچنین، با توجه به وجود همبستگی میان متغیرهای مستقل تحقیق، از طریق محاسبه ضریب همبستگی

با توجه به مدل تجربی به‌دست آمده؛ متغیر فردگرایی زنان، به عنوان متغیر میانی^۱ (درونداد) در نظر گرفته شده است اما برای پی بردن به روابط میان متغیرهای مستقل با

^۱ منظور از متغیر میانی، متغیرهایی هستند که به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده و تأثیر سایر متغیرها بر روی آنها محاسبه شده است (حبیب‌پور گنابی و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۳۱).

پیرسون، می‌توان گفت که میان متغیرها تعامل برقرار است و همگی دارای پشتوانه تئوریک هستند و افزایش یا کاهش در هریک از آنها، با افزایش یا کاهش در متغیر مقایسه شده با آن همراه می‌باشد.

با توجه به مطالب فوق، مسیرهای زیر برای تحلیل آماری به دست می‌آید که جدول ۱۰ بر اساس آن، تنظیم شده است:



جدول ۱۰- میزان تأثیر مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

متغیرها	انواع تأثیر	
	مستقیم	غیرمستقیم
فردگرایی زنان	۰/۳۳۲	-
رشد عقلانیت زنان	-۰/۱۹۴	۰/۰۹۹
تغییر هنجارهای جامعه	-۰/۱۱۱	۰/۰۴۵
کل		۰/۳۳۲

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

نتایج فرضیه اول^۱، هم‌سو با نظریه‌های (گیدنز ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲) و تافلر (۱۳۷۰)؛ نقل از ابوالحسن‌تنهایی و همکاران، (۱۳۸۷)، (لیلیستروم، ۱۹۸۶؛ نقل از شکریگی، ۱۳۸۸)، نظریه بک (نقل از شکریگی، ۱۳۸۸)، تونیز (نقل از آزیورن، ۱۹۹۷)، دورکیم (نقل از شکریگی، ۱۳۸۸)، همچنین، هم‌سو با نتایج پژوهش بزرگیان (۱۳۷۸) و نعیمی (۱۳۹۰) می‌باشد؛ گیدنز (۱۳۷۹ و ۱۳۸۲) و تافلر (۱۳۷۰) بر این باورند که جهانی شدن یکی از عواملی است که در نهاد خانواده تأثیر گذاشته و دگرگونی‌های اساسی در نقش‌های سنتی و ثابت و از پیش تعیین شده اعضای خانواده به وجود آورده است که نهایتاً به رشد فردگرایی عاطفی و ظهور عشق‌های رمانتیک منجر شده است. بک (نقل از شکریگی، ۱۳۸۸) معتقد است افزایش فردگرایی، تأکید بر اتکای به خود و... از

پیامدهای مدرنیته می‌باشند. تونیز (نقل از آزیورن، ۱۹۹۷)، مدرنیته را انتقال از پیوندهای بین فردی موجود در جماعت به سمت فردیت گمنام جامعه تلقی می‌نماید. دورکیم (نقل از شکریگی، ۱۳۸۸)، همبستگی جوامع سنتی و مدرن را دارای تضاد و فردگرایی را محصول جامعه می‌داند که در آن در نتیجه تقدم فعالیت‌ها و باورهای فردی بر پیوندهای جمعی، تعادل میان فرد و جامعه بر هم می‌ریزد. لیلیستروم (۱۹۸۶) معتقد است؛ با راه‌یابی انسان در سازمان‌های اجتماعی موجود در جامعه مدرن به عنوان فردی مستقل و آزاد، نه عضوی از یک گروه خویشاوندی، فردیت رشد یافت. در این میان شکل‌گیری فردیت زنان، به استقلال نسبی آنان از مردان، تغییر نقش‌های مختلف آنان در چارچوب خانه و پایان بخشیدن به تلقی ای از نقش سنتی زن منجر شد. بزرگیان (۱۳۷۸) به این نتیجه رسیده است که، همبستگی مکانیکی خانواده سنتی با قدرت مدرنیته و نوسازی سست گشته است. وی تغییر شکل

^۱ بین فردگرایی زنان و گرایش آنان به طلاق رابطه وجود دارد.

خانواده‌ها از گسترده به هسته‌ای، کاهش نفوذ گروه‌های خویشاوندی، رشد آگاهی زنان به حقوق خویش و تن ندادن به نظام سرکوب مردسالارانه، استقلال نسبی اقتصادی زنان، رشد فردگرایی و قدرت تصمیم‌گیری آزادانه زنان در انتخاب همسر و در مورد خاتمه زندگی زناشویی را از عوامل مؤثر در افزایش طلاق برشموده‌است. نتایج تحقیق نعیمی (۱۳۹۰)، بالاترین میزان فردگرایی را قبل از ازدواج در اختیار مردان در حال طلاق اما در بعد از ازدواج در اختیار زنان در حال طلاق نشان می‌دهد و این حاکی از تأثیر رشد فردگرایی در گرایش زنان به طلاق است.

نتایج فرضیه دوم^۱ هم‌سو با نظریه‌های (گیدنز ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲)، تافلر (۱۳۷۰) و ترنر (۱۳۸۱)؛ (نقل از ابوالحسن‌تنهایی و همکاران، ۱۳۸۷)، بک (نقل از شکرپیگی، ۱۳۸۸) و (لیلیستروم، ۱۹۸۶؛ نقل از شکرپیگی، ۱۳۸۸) می‌باشد؛ گیدنز (۱۳۷۹ و ۱۳۸۲) و تافلر (۱۳۷۰)، معتقد هستند؛ ازجمله پیامدهای جهانی‌شدن تغییر نقش‌های سنتی از انتسابی به اکتسابی است و تخصصی‌شدن تقسیم کار، نقش زنان را دستخوش تغییرات شگرفی نموده است. ترنر (۱۳۸۱) بر این باور است که اشتغال زنان بر روابط زناشویی آنها تأثیر می‌گذارد و زنان را در ایفای نقش دچار تعارض می‌کند. بک (نقل از شکرپیگی، ۱۳۸۸)، بازتعریف رابطه مرد و زن و توازن در حال تغییر قدرت بین زن و مرد را از پیامدهای مدرنیته می‌داند. لیلیستروم (۱۹۸۶)، اعتقاد دارد که شکل‌گیری هویت مستقل زنان به استقلال نسبی زنان و از حاشیه به متن کشیده‌شدن آنها منجر گردیده‌است. نتایج فرضیه سوم^۲ نیز هم‌سو با نظریه‌های (گیدنز ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲)، تافلر (۱۳۷۰) و ترنر (۱۳۸۱)؛ (نقل از ابوالحسن‌تنهایی و همکاران، ۱۳۸۷) و همچنین، هم‌سو با نتایج تحقیقات عباسی مولید (۱۳۹۰) و نعیمی (۱۳۹۰) می‌باشد؛ (گیدنز ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲)، تافلر (۱۳۷۰) و ترنر (۱۳۸۱)؛ (نقل از ابوالحسن‌تنهایی و همکاران، ۱۳۸۷) معتقدند، یکی از مهم‌ترین تأثیرات

جهانی‌شدن در نهاد خانواده دگرگونی ارزش‌ها و نقش‌های سنتی در جامعه است. عباسی مولید (۱۳۹۰) در تحقیق خود به این نتیجه رسیده‌است که بین تعهد زناشویی و ارزش‌های فرهنگی در زنان و مردان مورد بررسی همبستگی مستقیم و قوی وجود دارد. یعنی بالارفتن میزان پایبندی زوجین به ارزش‌های فرهنگی موجود در ایران، باعث افزایش میزان تعهد آنان در زندگی مشترک، ثبات ازدواج و حفظ کانون خانواده می‌شود. نتایج تحقیق نعیمی (۱۳۹۰) نشان می‌دهد؛ نوع ارزش‌های مسلط بر افراد، حاکی از تسلط ارزش‌های سنتی بر مدرن در خانواده پدری و تسلط ارزش‌های مدرن بر سنتی بعد از ازدواج در گروه در حال طلاق و نیز کم‌رنگ‌تر شدن ارزش‌های سنتی نزد گروه عادی است. در نهایت این‌که؛ برای فهم تغییرات به وقوع پیوسته در کشورهایی نظیر ایران، از مفهوم «جهانی - محلی شدن» استفاده می‌شود که در آن، اضافه بر تأثیرات بیرونی، شرایط و عوامل درونی (محلی) نیز لحاظ شده است (سرایی، ۱۳۸۵: ۴۱). بر همین اساس، می‌توان گفت که؛ مدرنیته یک نسخه واحد جهانی نیست بلکه هر کشوری از راه و روش خود و بر اساس سنت‌ها، ارزش‌ها و ایده‌های جامعه، ملت و دولت خود، در این مسیرگام بر می‌دارد و از سوی دیگر، خانواده‌ها هم به‌طور یکسان در معرض اندیشه‌های مدرن و مدرنیزاسیون قرار ندارند (شکر پیگی، ۱۳۹۰). بنابراین، می‌توان از شکل‌گیری نوعی مدرنیته بومی در خانواده‌های ایرانی صحبت به‌میان آورد؛ بدین معنا که خانواده‌های ایرانی علی‌رغم تجدّدگرایی در نوع و سبک زندگی، همچنان دارای اندیشه سنتی هستند و در واقع، در اندیشه (ذهنیت) سنتی و در عینیت، مدرن هستند؛ به عبارت دیگر، ما همچنان سنتی می‌اندیشیم و مدرن زندگی می‌کنیم که نمونه‌ای از این موارد را می‌توان در اندیشه‌های سنتی در نگرش نسبت به جایگاه و نقش و وظایف زنان در خانواده و اجتماع اشاره کرد که تعارض میان سنت و مدرنیته در این موارد، گاه عاملی برای بروز اختلاف میان زوجین و فروپاشی کانون خانواده خواهد بود (شکر پیگی، ۱۳۹۰). برخی نتایج پژوهش حاضر نیز مواردی را در تأیید نتایج تحقیق

^۱ بین رشد عقلانیت زنان و گرایش آنان به طلاق رابطه وجود دارد.

^۲ بین تغییر هنجارهای جامعه و گرایش زنان به طلاق رابطه وجود دارد.

شکریبگی (۱۳۹۰) نشان می‌دهد؛ در حقیقت، به طور همزمان می‌توان عناصری از جامعه سنتی و مدرن را - در کنار یکدیگر - در خانواده‌های مورد بررسی، مشاهده کرد. به عنوان مثال؛ در کنار تلاش زنان مورد مطالعه در عدم وابستگی به دیگران و استقلال در عرصه‌های مختلف زندگی (استقلال عاطفی و اقتصادی، استقلال در تصمیم‌گیری و حل‌مسأله و ...)، آنان همچنان معتقد به نوعی الزام در قبال انجام کارهای منزل هستند و جویای جلب رضایت همسر و فرزند و کسب پذیرش اجتماعی بالاتر از سوی اقوام و نزدیکان خود و همسرشان می‌باشند و حاضر نیستند که به هر قیمتی که شده به موفقیت دست یابند و خواسته‌های خانواده - همسر و فرزند، برقراری آرامش در خانواده و حفظ رابطه با اقوام و نزدیکان، اهمیت فوق‌العاده‌ای برای زنان مورد بررسی دارد و نوعی نگرانی از طرد شدن و قضاوت‌های منفی دیگران، در آنان مشاهده می‌شود به طوری که اگر اولویت دادن زنان به کارها و امور شخصی و خصوصی خود باعث دلخور شدن دیگران از آنان شود یا از آنان تصویر فردی بی‌مسئولیت در قبال زندگی مشترک یا بی‌توجه نسبت به وظایف همسری در ذهن دیگران بسازد (قضاوت شخصی دیگران)، افراد این اولویت را زیر پا گذاشته و در پی آن خواهند بود که دیگران رفتار، عملکرد و شخصیت آنان را مورد تأیید قرار دهند. تمامی این موارد از سویی متأثر از فرهنگ ایرانی - اسلامی است که اعتقاد به گذشت و فداکاری در زندگی، توجه به دیگران، نوع دوستی و صله ارحام، جزئی از آن را تشکیل می‌دهد و از سوی دیگر، نشان‌دهنده پیوندهای قوی اجتماعی در جامعه‌ای سنتی است که در آن قطع رابطه با اقوام مذموم شمرده می‌شود، نوعی اجبار در برپایی روابط خانوادگی دوستانه با اقوام و نزدیکان وجود دارد و افراد می‌بایست امور زندگی خود را با امورات و برنامه دیگران تنظیم نمایند در غیر این صورت از جانب آنان طرد شده یا فرد بی‌مسئولیت و خودخواهی قلمداد می‌شوند و در حالت کلی، تمامی موارد فوق مصداقی از پیوند عناصر جامعه سنتی و مدرن در جامعه‌ای در حال گذار است. همچنین، بر اساس یافته‌های

پژوهش؛ افراد مورد بررسی دخالت دیگران را در زندگی شخصی خود دوست ندارند این در حالی است که با وجود شبکه‌های اجتماعی قوی در جامعه مورد بررسی، رسیدگی و پی‌گیری امور زندگی دیگران، جزئی لاینفک از زندگی اجتماعی را تشکیل می‌دهد. در چنین شرایطی، در صورتی که این امر، خوشایند زوجین یا یکی از آنها نباشد و یا در صورتی که آنان برخی دلسوزی‌های دیگران به ویژه نسل قبل را دخالت در زندگی شخصی خود قلمداد نمایند، در ایجاد درگیری و تنش در خانواده مؤثر خواهد بود. همچنین، اعتقادات زنان در خصوص مواردی چون؛ «زن امروز نباید محبوس در خانه و تابع همسرش باشد»، «زنان قادرند بسیاری از موقعیت‌های شغلی را که هم اکنون در اختیار مردان است را به عهده بگیرند و در آن بسیار موفق‌تر از مردان عمل کنند»، «زن و مرد در تصمیم‌گیری‌های زندگی مشترک، به یک اندازه سهم هستند»، «هیچ الزامی در پرداختن زن به کارهای سنتی خود در خانه وجود ندارد و زنان باید به این وضعیت خود معترض باشند» و مواردی از این دست، در کنار تلاش آنان برای دستیابی به استقلال بیش‌تر و اتکای به خود، در جامعه سنتی که با ویژگی عمده مردسالاری مشخص می‌شود، ایجاد تنش می‌نماید. در حالت کلی در جامعه مردسالار، وظایف زن و مرد به صورت تقریباً واضح تعریف شده است که انحراف از آنها با فشارهای اجتماعی مثل طرد شدن فرد از سوی دیگران یا قضاوت منفی آنان همراه است. از سوی دیگر، با توجه به پیوندهای قومی و خویشی موجود در این جامعه، از طرفی اطرافیان در صورت وجود دلخوری یا چشم‌وهم‌چشمی و یا حسادت، در تحریک مرد به سمت طلاق دادن همسر یا سوق دادن او به سمت ازدواج مجدد دخیل هستند و از سوی دیگر، عکس‌العمل افراد - به ویژه زنان - در راستای پیشگیری از قضاوت منفی دیگران یا کسب تأیید و پذیرش اجتماعی از سوی آنان، به عنوان پشتوانه اجرایی برخی رفتارها به حساب می‌آیند و زنان خواسته یا ناخواسته دشواری‌های زندگی مشترک را پذیرفته و به طلاق روی نمی‌آورند. در نهایت این‌که؛ تغییرات به وجود آمده فعلی مستلزم تغییر انتظارات،

وظایف و سنت‌هاست و لذا افزایش مهارت همسران برای تحقق رضایت‌مندی زناشویی را می‌طلبد؛ چرا که گاه زوجین صادقانه از درک یکدیگر عاجزند. در همین راستا، داشتن آگاهی از نیازهای زیستی و روانی زن و مرد و شناخت چگونگی ارضای آنها از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار خواهد بود و این به‌نوبه خود، موفقیت و رضایت در زندگی زناشویی را برای آنها به ارمغان می‌آورد. بنابراین، لزوم شرکت زوجین در جلسات مشاوره قبل و بعد از ازدواج، جلسات آموزش مهارت‌های زندگی و به ویژه مهارت‌های ارتباطی و نیز گسترش فرهنگ مطالعه از عواملی است که در مسیر شناخت زوجین از نیازها، حقوق و وظایف متقابل آنان در قبال یکدیگر، راه‌گشا خواهد بود به ویژه این‌که آشنایی مردان جامعه سنتی با نیازها و حقوق ویژه زنان، در تعدیل روحیه مردسالارانه آنان و در نهایت کاهش اختلافات و درگیری‌های افراد در زندگی زناشویی مؤثر خواهد بود. لذا به مسئولان سازمان‌های آموزشی، بالخصوص مدارس و دانشگاه‌ها و مراکز بهداشتی، پیشنهاد می‌گردد به برگزاری کلاس‌های آموزشی آمادگی قبل از ازدواج به‌صورت مداوم اقدام نمایند تا افراد در صورت وجود ابهام در چگونگی انتخاب همسر و اقدام به ازدواج، دچار تعارض نشوند. همچنین، پیشنهاد می‌شود که مسئولان و مشاوران در زمینه تعیین و تشخیص عواملی که در دوره آماده‌سازی قبل از ازدواج می‌توانند مؤثر واقع‌شده و رضایت‌مندی بعد از ازدواج را به‌وجود آورند، مطالعه نمایند.

نکته نهایی این‌که جریان مدرنیته بر کلیه فرهنگ‌ها تأثیرگذار بوده و در برخی موارد در حوزه خانواده گسست‌هایی را ایجاد کرده است که می‌توان با روشنگری، از گسست‌های خانوادگی جلوگیری کرد.

منابع

آراسته‌خو، محمد. (۱۳۶۹). *نقد و نگرش بر فرهنگ اصطلاحات علمی - اجتماعی*، چاپ اول، تهران: نشر گستره.

آزبورن، پیتر. (۱۹۹۷). *مدرنیته: گذار از گذشته تا به حال*،

ترجمه: حسینعلی نوذری، چاپ دوم، تهران: انتشارات نقش جهان.

آقاجانی، حسین. (۱۳۸۴). «طلاق در ایران: چالش‌ها و چشم‌اندازها»، *سایت انجمن جامعه‌شناسی ایران*، تابستان ۱۳۸۸.

ابوالحسن تنهایی، حسین و عالیہ شکرپیگی. (۱۳۸۷). «جهانی شدن، تجددگرایی و خانواده در ایران (گذار یا فروپاشی)»، *مجله جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد واحد آشتیان*، ش ۱۱، ص ۳۳-۵۵.

ایران محبوب، جلال و مریم مختاری. (۱۳۸۵). «رویکرد جریان زندگی در مطالعه ازدواج جوانان ایران»، *فصلنامه جمعیت*، ش ۵۸ - ۵۷، ص ۸۱-۱۱۵.

باستانی، سوسن؛ گلزاری، محمود و شهره روشنی. (۱۳۸۹). «طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی»، *مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران*، سال اول، شماره سوم، ص ۱-۲۰.

باقری، زهرا. (۱۳۸۸). *هویت زن ایرانی در جامعه امروز؛ بگوئید من کیستم؟*، سایت مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان

بزرگیان، امین. (۱۳۸۳). «مدرنیته جهانی، طلاق ایرانی»، *ماهنامه نامه*، ش ۳۰، ص ۳۱.

بهروان، حسن و اعظم‌علیزاده. (۱۳۸۶). «بررسی فردگرایی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد»، *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد*، سال چهارم، شماره دوم، ص ۱-۲۶.

بیرو، آلن. (۱۳۶۶). *فرهنگ علوم اجتماعی (انگلیسی - فرانسه - فارسی)*، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.

حبیب‌پور گتایی، کرم و رضا صفری شالی. (۱۳۸۸). *راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده‌های کمی)*، چاپ اول، تهران: انتشارات لویه: متفکران.

سازی شدن و کاهش سرمایه اجتماعی خانواده

ایرانی در رویارویی سنت و مدرنیته، سایت جامعه‌شناسی ایران.

علیزاده، مرجان. (۱۳۸۵). «بررسی روند آمار ازدواج و طلاق‌های ثبت شده کشور از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۴»، فصلنامه جمعیت، ش ۵۵ و ۵۶، ص ۲۹ - ۴۳.

غیاثی، پروین؛ لادن معین و لهراسب روستا. (۱۳۸۹). «بررسی علل اجتماعی گرایش به طلاق در بین زنان مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده شیراز»، فصلنامه جامعه‌شناسی زنان، ش ۳، ص ۷۷ - ۱۰۴.

فاتحی‌دهقانی، ابوالقاسم و علی محمد نظری. (۱۳۹۰). «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش زوجین به طلاق در استان اصفهان»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، ش ۲۵، ص ۱۳ - ۵۴.

کوئن، بروس. (۱۳۸۲). مبانی جامعه‌شناسی، غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.

ماشینی، فریده. (۱۳۸۷). «موقعیت زنان ایران سی سال پس از انقلاب»، نشریه جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی «آیین»، ش ۱۹ و ۲۰، ص ۱۲۶ - ۱۳۱.

نعیمی، محمدرضا. (۱۳۹۰). «تأثیر تعامل خانواده و ماهواره در بروز پدیده طلاق (مطالعه موردی شهرستان گرگان)، فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، ش ۱، ص ۱۹۱ - ۲۱۱.

دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی (نه ماهه ۱۳۸۶). خبرنامه آماری سازمان ثبت احوال کشور، ش ۱۳.

رحمانی، اعظم، عفت‌السادات مرقاتی خویی، نرجس صادقی و لیلا الله‌قلی. (۱۳۹۰). «ارتباط رضایت جنسی و رضایت از زندگی زناشویی»، نشریه مرکز تحقیقات مراقبت‌های پرستاری دانشگاه علوم پزشکی تهران (نشریه پرستاری ایران)، دوره ۲۴، ش ۷۰، ص ۸۲ - ۹۰.

رضایی، مریم. (۱۳۸۳). «مبغوضیت طلاق در اسلام»، ماهنامه رواق هنر و اندیشه، ش ۳۰، ص ۱۰۲-۱۲۲.

ریاحی، محمد اسماعیل؛ اکبر علیوردی‌نیا و سیاوش بهرامی کاکاوند. (۱۳۸۶). «تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق: مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه»، نشریه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ش ۳، دوره: ۵، پیاپی ۱۹، ص ۱۰۹ - ۱۴۰.

ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، چاپ اول، تهران: انتشارات سروش.

سرایي، حسن. (۱۳۸۵). «تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ش ۲، ص ۳۷-۶۰.

شایان مهر، علیرضا. (۱۳۷۹). دایره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی (جلد دوم)، تهران: سازمان انتشارات کیهان.

شکریگی، عالیبه. (۱۳۸۸). مطالعه جامعه‌شناختی فردیت

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی

سال چهارم، شماره پیاپی ۹، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۱۸

صص ۴۵-۵۸

پیش درآمدی بر ساخت، اعتباریابی و رواسازی مقیاس سنجش رفتارهای انحرافی دانشجویان

اکبر علیوردی‌نیا، دانشیار گروه علوم/اجتماعی دانشگاه مازندران*

عرفان یونسی، کارشناس ارشد پژوهش علوم/اجتماعی دانشگاه مازندران

چکیده

مطالعه حاضر با هدف ساخت، اعتباریابی و رواسازی پرسشنامه رفتارهای انحرافی دانشجویان انجام شده است. به منظور رسیدن به این هدف، پرسشنامه‌ای با توجه به تعاریف این سازه، و مصادیق این رفتارها در پژوهش‌های پیشین طراحی شد. برای انتخاب نمونه این پژوهش توصیفی پیمایشی، ابتدا با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، دانشگاه تهران و دانشگاه علامه طباطبائی از بین دانشگاه‌های دولتی شهر تهران انتخاب شدند؛ سپس انتخاب پاسخگویان در هر دانشگاه به صورت در دسترس صورت پذیرفت و در نهایت تعداد ۴۱۶ پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و Amos مورد تحلیل قرار گرفت. روش‌های به کار رفته شامل روش تحلیل گویه‌ها (روش لوپ)، روایی محتوا و روایی سازه (تحلیل عاملی) و پایایی (محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای تمامی گویه‌ها) بودند. در نتایج تحلیل عاملی ۴ عامل شناسایی شدند که عبارتند از: «مصرف مواد، مشروبات الکلی، روانگردان‌ها و انحراف جنسی»، «وندالیسم و سرقت»، «تقلب» و «پرخاشگری». نتایج حاصل از تحلیل عاملی تأییدی نیز حاکی از برازش مطلوب و قابل قبول داده‌ها داشت. پایایی این مقیاس از طریق محاسبه آلفای کرونباخ ۰/۹۲۴ به دست آمد. با در نظر گرفتن نتایج این پژوهش می‌توان گفت که این مقیاس از روایی و پایایی مناسبی برخوردار است و عوامل به دست آمده از تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی می‌توانند رفتارهای انحرافی دانشجویان را به گونه‌ای مناسب اندازه‌گیری کنند. **واژه‌های کلیدی:** اعتبار، تحلیل عاملی تأییدی، رفتارهای انحرافی، روایی.

مقدمه

در طول چند دهه اخیر، کلیه مطالعاتی که در زمینه انحرافات اجتماعی انجام شده است با ابهام در تعریف رفتار انحرافی مواجه بوده است. در عین حال که غالباً این مطرح بوده است که چه رفتارهایی را باید در این مقوله قرار داد؟ به طور کلی این توافق هم وجود داشته است که اموری مانند: مصرف مواد مخدر، سرقت، کودک آزاری، جرم مشارکتی، فحشاء، بیماری روانی و غیره را در ردیف رفتارهای انحرافی قرار می‌دهند (ویتزر، ۲۰۰۲؛ به نقل از علی‌وردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۳-۱۶۷). هرچند که در تعریف این مفاهیم هم مشکلاتی وجود داشته است، اصطلاحات مختلفی مانند: مسائل اجتماعی، بی‌سازمانی اجتماعی و یا آسیب‌شناسی اجتماعی نیز برای نامیدن این گونه مطالعات به کار گرفته شده است، که علی‌رغم تفاوت، این مفاهیم در این زمینه اشتراک دارند که دارای بار منفی هستند و به رفتارهایی می‌پردازند که مورد تأیید جامعه نیست (محسنی، ۱۳۹۰). در مجموع، این گونه رفتارها به تمامی اعمال و نگرش‌هایی گفته می‌شود که با انتظارات فرد، گروه‌ها و نهادها ناسازگار است (شفز، ۱۳۸۳) و در چهارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام جامعه قرار نمی‌گیرد و در نتیجه با منع قانونی یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبرو می‌گردد (عبداللهی، ۱۳۸۱). علاوه بر آن، این رفتارها غیر عادی آزاردهنده، غیر اخلاقی، مضر و سزاوار سرزنش در نظر گرفته می‌شوند.

انحرافات اجتماعی، پیوستاری از رفتار است که هم به تخلف از قانون، نظیر اختلاس و قتل و هم به تخلف از هنجارهای اجتماعی و فرهنگی بدون قانون شکنی رسمی، نظیر فرار جوانان از خانه، اطلاق می‌شود. انحراف اجتماعی پدیده‌ای اجتماعی است که بر حسب زمان، مکان، موقعیت اجتماعی، افراد، فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های مختلف، ایدئولوژی‌ها و گروه‌های اجتماعی متفاوت، نسبی می‌باشد (احمدی، ۱۳۸۹). بر اساس نظر «تیو» انحراف باید در قالب رفتار انحرافی تعریف شود، و رفتار انحرافی هرگونه رفتاری است که اجتماع عمومی آن را انحرافی می‌داند و میدان تغییر آن از

حداقل تا حداکثر است. با پذیرش این تعریف باید رفتار انحرافی را اقدامی بدانیم که در نقطه‌ای در یک پیوستار از هم‌نمایی کامل از یک‌سو تا انحراف کامل در سوی دیگر قرار گرفته است (تیو، ۱۹۹۸؛ به نقل از محسنی، ۱۳۹۰). رفتار انحرافی یک پدیده اجتماعی نسبی است که هیچ شیوه مطلق یا جهانی برای تعریف آن وجود ندارد (احمدی، ۱۳۸۹؛ محسنی، ۱۳۹۰). مردمان نه به طور تمام و کمال بر طبق تمامی هنجارها عمل می‌کنند و نه کاملاً حالت منحرف دارند (هاتکینسون، ۱۹۷۶: ۳۰-۳۲؛ به نقل از محسنی، ۱۳۹۰). به طور کلی، رفتارهای انحرافی به رفتارهایی اطلاق می‌شود که مورد تأیید جامعه نیست. رفتارهای انحرافی در زمره اختلالات معطوف به اجتماع قرار دارد، بدین معنا که این نوع اختلالات تاحدی اختیاری هستند؛ که از این نظر با اختلالات اضطرابی و روانی متفاوت‌اند. به عبارت دیگر، با اینکه اختلالات اضطراب و افسردگی مشکلاتی هستند که افراد به آنها دچار می‌شوند، اختلالات معطوف به اجتماع و سوء مصرف مواد، مواردی هستند که افراد مرتکب آنها می‌شوند (ساز، ۱۹۸۴). ویژگی عمده این افراد این است که آنها خود را مقید به قوانین اجتماعی نمی‌دانند و حتی ممکن است از نقض آن لذت ببرند.

دوره دانشجویی به علت گذار از دوره نوجوانی و وارد شدن به جوانی، نقش مهمی در شکل‌گیری شغلی و اجتماعی آتی ایفا می‌کند. زندگی دانشجویی، از تجربه‌های تحصیلی، فکری، علمی، ورزشی، صنفی، سیاسی، اجتماعی، هنری و خوابگاهی - اقامتی نشأت می‌یابد و سپهری فرادرسی است که هر چند شامل فعالیت‌های رسمی تحصیلی هم می‌شود ولی محدود به آن نیست و فعالیت‌هایی از قبیل شرکت در کلوپ‌ها، تیم‌ها، کنش انواع رفتارهای سازنده و ویرانگرانه، مباحثات و تعاملات دانشجویی معطوف به درون یا بیرون دانشگاه را در بر می‌گیرد. به عبارتی، زندگی دانشجویی بازتابی از حس هویت، الگوهای متمایز رفتاری، آرمان‌خواهی، کنج‌کاوی‌ها، هم‌کنشی‌ها و خرده فرهنگ‌های دانشجویان در تجربه زیسته تازه‌ای است که با ورود به دانشگاه به هم

می‌رسانند (تلین، ۱۹۹۹).

در مورد دانش‌آموزان و یا دانشجویان رفتارهای انحرافی می‌تواند مصرف هرگونه ماده مخدر و اعتیادآور، وندالیسم، سرقت، پرخاشگری و انحراف جنسی و غیره باشد. پژوهش‌های متعددی پیرامون شناسایی عوامل تعدیل‌کننده رفتار انحرافی صورت گرفته است؛ به عنوان مثال شیراسا و آزوما^۱ (۱۹۶۱) در پژوهشی بر روی نوجوانان نشان داده‌اند که چنانچه مدارس عوض شود و افراد در محیط‌های آموزشی مناسب‌تری قرار گیرند، رفتار آنها به طور معناداری بهبود می‌یابد. این یافته گویای آن است که نظم و تنبیه معلمان می‌تواند رفتارهای انحرافی را به طور چشمگیری بهبود بخشد و آموزش‌های مدارس بر رفتارهای انحرافی نوجوانان و جوانان بسیار ارزشمند است. همچنین، مطالعات دیگری نشان داده‌اند که خانواده عامل مهمی برای بروز رفتار انحرافی افراد به شمار می‌رود (چنگ^۲، ۲۰۱۲: ۳۲-۲۶). فقدان دلبستگی والدین به رفتار انحرافی منجر می‌شود. علاوه بر این، دانش‌آموزانی که از خانواده خود بریده‌اند یا طرد شده‌اند تمایل بیشتری برای انجام رفتارهای ضد اجتماعی دارند (مورای و فارینگتون^۳، ۲۰۰۵: ۱۲۶۹-۱۲۷۸). افزون بر این‌ها، نتایج پژوهش‌های دیگر نشان داده است که رفتار انحرافی با نظارت والدینی مرتبط است (لیزر، لاستر و اوشیو^۴، ۲۰۰۷: ۱۴۶۳-۱۴۸۰). تحقیقی که در بوستون آمریکا انجام شده است، از این یافته حمایت می‌کند. دلبستگی والدینی ضعیف تر و نظارت والدینی کمتر با رفتارهای انحرافی افراد ارتباط مستقیم دارد (سمپسون، و لائوب^۵، ۱۹۹۴: ۵۲۳-۵۴۰؛ کافمن، فاروگیا، و گلدوبر^۶، ۲۰۰۸: ۶۹۹-۷۱۲). پیشینه گسترده‌ای در مورد این فرض وجود دارد که چگونگی تربیت و رشد کودکان تأثیری اساسی و بلندمدت بر رشد روانی افراد و بروز رفتارهای انحرافی در آینده دارد

(مکوبی^۷، ۱۹۹۱، به نقل از کلندر و پریسکات، ۱۳۹۱). به طور کلی، میزان پذیرش، حمایت و محبت والدین، سطح کنترل والدین (سخت‌گیری یا سهل‌انگاری) و میزان استقلال فرزندان با بروز رفتارهای انحرافی و مجرمانه رابطه مستقیمی دارد و متغیرهای یاد شده به نوعی زمینه‌ساز یا پیشاینده رفتار انحرافی هستند.

بی‌شک تعدد پژوهش‌های انجام شده در خصوص شناسایی عوامل ظهور و بروز رفتارهای انحرافی در بین نمونه‌های مختلف دانش‌آموزان و دانشجویان در تحقیقات داخلی و خارجی اهمیت بررسی این موضوع را گوشزد می‌کند. عدم وجود ابزار دقیق برای سنجش رفتارهای انحرافی با توجه به گستردگی موضوع، خلأی را نشان می‌دهد که در تحقیقات پیشین مغفول مانده است؛ به طوری که می‌توان ادعا نمود در هیچ یک از پژوهش‌های صورت گرفته در داخل کشور، ساخت ابزار سنجش رفتارهای انحرافی و هنجاریابی آن، تاکنون مطمع نظر محققان این حوزه قرار نگرفته است. البته، هر یک از ابزارهای موجود برای اندازه‌گیری رفتارهای انحرافی در کشورهای مختلف دارای ویژگی‌های خاص بوده و هدف، جامعه هدف و تئوری زیربنایی تهیه آنها نیز کاملاً متفاوت است. مهم‌ترین مسأله در این میان ساخت ابزاری مبتنی بر تعریف یا تعاریف و مصادیق رفتارهای انحرافی با در نظر گرفتن زمینه^۸ جامعه مورد نظر است. نکته حائز اهمیت دیگر، روش‌های طراحی و ساخت چنین ابزاری است که باید مبتنی بر نظریه‌های اخیر سنجش و اندازه‌گیری باشد.

از آنجا که تاکنون در کشور ما به موضوع سنجش رفتارهای انحرافی و ساخت ابزار سنجش آن به صورت جدی پرداخته نشده است و با توجه به نیاز مبرم جامعه و سازمان‌های مختلف، به‌ویژه وزارت علوم و سازمان ملی جوانان، وجود ابزارهای اندازه‌گیری علمی که مطابق با ساختار فرهنگی ایران باشد بیش از پیش مورد تقاضا قرار گرفته است. بنابراین، ساخت آزمون‌های مرتبط با توجه به فرهنگ جامعه،

¹ Shirasa & Azuma

² Cheng

³ Murray & Farrington

⁴ Laser, J. A., Luster, Tom, Oshio, Toko

⁵ Sampson & Laub

⁶ Cauffman, Farruggia, & Goldweber

⁷ Maccoby

⁸ Context

امری لازم و ضروری است تا به یاری مسئولان، تصمیم‌گیران، مشاوران و درمان‌گران بیاید تا در نهایت بتوان از آسیب‌هایی که دانشجویان و به تبع آن خانواده‌های آنان تجربه می‌کنند، جلوگیری کرد یا میزان آن را کاهش داد. با عنایت به مطالب فوق، هدف اصلی مقاله حاضر تهیه ابزاری استاندارد جهت سنجش رفتارهای انحرافی دانشجویان بوده است.

بدین منظور مقاله حاضر برای پاسخ به سؤال‌های زیر است:

- ۱- ساختار عاملی مقیاس سنجش رفتارهای انحرافی از چند عامل اشباع شده است؟
- ۲- آیا مقیاس رفتارهای انحرافی و خرده مقیاس‌های آن از پایایی مناسب و قابل قبولی برخوردار است؟

روش

روش تحقیق پژوهش حاضر پیمایشی و از نوع مقطعی می‌باشد. برای جمع‌آوری اطلاعات نیز از پرسشنامه و تکنیک خود گزارشی استفاده شده است. ابزار اولیه رفتارهای انحرافی محقق ساخته به شماری از مصادیق این رفتارها در شش بُعد کلی (مصرف مواد مخدر، روان گردان و مشروبات الکلی، وندالیسم، سرقت، تقلب، پرخاشگری و انحراف جنسی) توجه دارد که بر اساس طیف لیکرت طراحی شده و فرم اولیه آن دربردارنده ۲۶ گویه بوده است، که در فرآیند تحلیل گویه‌ها، گویه‌هایی که همبستگی پایینی با سایر گویه‌های هر بُعد داشت و با سایر گویه‌ها ناسازگار بود، به عنوان گویه نامناسب تشخیص داده شد و در نهایت ۲۱ گویه به عنوان فرم نهایی این مقیاس معرفی شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS و Amos، روش تحلیل گویه‌ها (روش لوپ)، روایی محتوا و روایی سازه (تحلیل عاملی) و پایایی (محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای تمامی گویه‌ها) مورد استفاده قرار گرفت.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق عبارت است از کلیه دانشجویان

دختر و پسر که در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ در دانشگاه‌های سراسری تهران مشغول به تحصیل بوده‌اند. در تعیین حجم نمونه به دو عامل توجه شده است: درجه دقت مورد نظر برای نمونه و میزان تغییر در جمعیت بر حسب خصوصیات اصلی مورد مطالعه در مورد میزان خطای قابل چشم‌پوشی خود (دواس، ۱۳۸۶). با توجه به برآورد دواس از حجم نمونه توسط پاره‌ای از ویژگی‌ها مثل همگنی جمعیت و میزان خطای نمونه‌گیری ۵ درصد، نمونه‌ای با حجم ۴۰۰ نفر برای جمع‌آوری اطلاعات مناسب می‌باشد (همان). با این حال، چون در اغلب تحقیقات پیمایشی تعدادی از پرسشنامه‌ها به علت‌های گوناگون قابل استفاده نیستند، لذا برای جلوگیری از کاهش حجم نمونه، ده درصد به کل حجم نمونه افزوده شد، که در نهایت ۴۴۰ پرسشنامه در میان دانشجویان، توزیع گردید سرانجام، پس از کنار گذاشتن پرسشنامه‌های مخدوش، ۴۱۶ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای انتخاب نمونه پژوهش ابتدا با استفاده از شیوه نمونه‌گیری تصادفی ساده، دانشگاه تهران و دانشگاه علامه طباطبائی از بین دانشگاه‌های دولتی شهر تهران انتخاب شدند؛ سپس انتخاب پاسخگویان در هر دانشگاه به صورت در دسترس صورت پذیرفت.

معرفی مقیاس سنجش رفتار انحرافی

در تحقیق حاضر به منظور سنجش عملی متغیر رفتارهای انحرافی، با توجه به پیشینه تجربی داخل کشور که با جامعه هدف مشابه انجام شده بود، ابعادی از رفتارهای انحرافی دانشجویان که میان آنها موضوعیت داشته و دارای واریانس بودند، مورد بررسی قرار گرفت (سراج‌زاده و فیضی، ۱۳۸۶: ۸۱-۹۹؛ علی‌وردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۳-۶۱؛ علی‌وردی‌نیا و همتی، ۱۳۹۲: ۷۷-۱۰۲؛ علی‌وردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۷-۹۰). از این رو، از ابعاد شش‌گانه مصرف مواد مخدر، روان گردان و مشروبات الکلی، وندالیسم، سرقت، تقلب، پرخاشگری و انحراف جنسی استفاده شده است. این مقیاس دارای ۲۱ گویه است که به صورت شش درجه‌ای پاسخ داده

و مطالعات کتابخانه‌ای اقدام به دریافت نظرات کارشناسی اساتید دانشگاه و متخصصان حوزه جامعه‌شناسی انحرافات که به این موضوع در ارتباط بوده‌اند، شد. در نهایت، روایی ابزار تحقیق از حیث محتوا به تأیید رسید و در انتها به جهت کمّی‌سازی میزان اعتبار (روایی) و نشان دادن میزان صحت نظرات کارشناسی فوق، ابزار طراحی شده در بین نمونه پژوهش در بخش کمّی توزیع گردید و برای بررسی اعتبار (روایی) سازه پژوهش حاضر هم به بررسی همسانی درونی سؤال‌هایی از طریق محاسبه پایایی پرداخته شد و هم مؤلفه‌های رفتارهای انحرافی مورد تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی قرار گرفت.

تحلیل عاملی اکتشافی

برای بررسی این سؤال که "ساختار عاملی مقیاس سنجش رفتارهای انحرافی از چند عامل اشباع شده است؟" و به عبارتی برای کشف مؤلفه‌های رفتارهای انحرافی از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده است. تحلیل عاملی یکی از روش‌های آماری است که چند عامل را به عنوان نماینده تعداد مشخصی از متغیرها یا شاخص‌ها معرفی می‌کند که همبستگی نزدیکی با یکدیگر دارند. در این روش هر عامل یا فاکتور نماینده چند متغیر (شاخص) است که نقش هر یک از آنها، به نسبت وزنی که دارند، متفاوت است. به عبارت دیگر، هر عامل یا فاکتور، ترکیبی از چند متغیر است و با توجه به سهمی که هر یک از متغیرها در تشکیل این عامل دارند، رقمی را به خود اختصاص می‌دهند. بنابراین، یکی از اهداف اصلی تکنیک تحلیل عاملی، کاهش ابعاد داده‌هاست.

می‌شود. شش درجه طیف «هرگز»، «یک بار»، «۲ تا ۴ بار»، «۵ تا ۷ بار»، «۸ تا ۱۰ بار» و «بیش از ۱۰ بار» را شامل می‌شود. برای کمّی‌سازی پاسخ‌ها، به درجه‌بندی‌ها از ۱ تا ۶ نمره داده می‌شود. در مجموع، همه گویه‌ها به طور کلی رفتار انحرافی را اندازه‌گیری می‌کنند. به منظور ارزیابی این مقیاس سه روش به کار گرفته شد: تحلیل گویه‌ها^۱، اعتباریابی^۲ و رواسازی^۳. ابزار نهایی رفتارهای انحرافی محقق ساخته به شماری از مصادیق این رفتارها در چهار بُعد کلی (۱- مصرف مواد مخدر، روان‌گردان و مشروبات الکلی و انحراف جنسی؛ ۲- وندالیسم و سرقت؛ ۳- تقلب و ۴- پرخاشگری)^۴ توجه دارد که بر اساس طیف لیکرت طراحی شده و فرم نهایی آن دربردارنده ۲۱ گویه است. پایایی فرم نهایی ابزار پژوهش با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۲۴ به دست آمد.

یافته‌ها

اعتبار (روایی) ابزار

به منظور بررسی روایی محتوایی ابزار، پس از احصاء شاخص‌های مربوط به رفتارهای انحرافی دانشجویان در دانشگاه‌ها پرسشنامه رفتارهای انحرافی در اختیار تعدادی از صاحب‌نظران و متخصصان امر در حوزه مورد نظر قرار گرفت و نظر صاحب‌نظران در خصوص روایی آن مثبت بوده است. بدین ترتیب می‌توان انتظار داشت که مقیاس مورد استفاده در پژوهش دارای روایی محتوایی و صوری کافی بوده است. لازم به ذکر است که روایی محتوا جنبه عقلی و منطقی دارد و نتیجه را نمی‌توان به صورت یک ضریب عددی تعیین نمود. با این حال با توجه به اهمیت تحقیق و نتایجی که برای آن متصور می‌باشد، نیاز بود تا ابتدا روایی مقیاس از حیث محتوا به تأیید نهایی برسد. به همین علت با استفاده از مبانی نظری

^۱ Item Analysis

^۲ Reliability

^۳ Validation

^۴ لازم به توضیح است که تعداد ابعاد رفتارهای انحرافی در نتیجه تحلیل عاملی اکتشافی از شش بُعد به چهار بُعد کاهش یافت؛ به عبارت دیگر، بعد «مصرف مواد» با بعد «انحراف جنسی» و بعد «وندالیسم» با بعد «سرقت» ترکیب شده است.

جدول ۱- تحلیل عاملی اکتشافی با استفاده از روش تحلیل موازی هورن برای تعیین تعداد عوامل بهینه متغیر رفتار انحرافی

عوامل استخراج شده با روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی (PCA)		تحلیل موازی HORN	
عامل	نام عامل‌ها	ارزش ویژه	ارزش ویژه‌های تصادفی
۱	مصرف مواد و انحراف جنسی	۸/۴۱۶	۱/۴۷۶
۲	تقلب تحصیلی	۲/۰۲۳	۱/۳۷۳
۳	پرخاشگری	۱/۲۸۶	۱/۲۱۲
۴	وندالیسم و سرقت	۱/۱۳۶	۱/۱۱۴
۵		۰/۹۵۳	۱/۰۳۸

بر اساس مندرجات جدول بالا ارزش‌های ویژه چهار عامل اول حاصل از تحلیل عاملی PCA از ارزش‌های ویژه تصادفی بیشترند، اما از عامل پنجم به بعد ارزش‌های ویژه تصادفی بیشتر می‌باشند. بنابراین، نتایج حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی با استفاده از روش هورن حاکی از آن هستند که تعداد عوامل بهینه برای استخراج، ۴ عامل می‌باشد. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود از عامل پنجم به بعد ارزش ویژه تصادفی (۱/۰۳۸) از ارزش ویژه حاصل از تحلیل عاملی PCA، (۰/۹۵۳) بیشتر می‌باشد.

روایی سازه (تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول)

برای دستیابی به روایی سازه و به عبارتی برای تأیید نهایی این مدل‌ها از تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول بهره گرفته شده است. این تحلیل در پژوهش حاضر با استفاده از نرم‌افزار

Amos انجام شده است. در ادامه پارامترهای مدل اندازه‌گیری و شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری ارائه شده است.

طبق نظر تاباچنیک و فیدل (۲۰۰۱) و مارویاما (۱۹۹۷) دامنه شاخص RMSEA بین صفر تا ۰/۰۹ می‌باشد؛ مقادیر پایین‌تر از ۰/۰۸ حاکی از برازش خوب مدل است؛ همچنین، دامنه شاخص‌های (AGFI, GFI, CFI, NFI) نیز بین صفر و یک می‌باشد؛ مقادیر بالاتر از ۰/۹۰ برای این شاخص‌ها حاکی از برازش خوب مدل است. بنابراین، نتایج جدول بالا حاکی از آن است که تمامی شاخص‌ها در حد بسیار مطلوب گزارش شده‌اند و مدل با داده‌ها برازش بسیار نسبی دارد و این بیانگر همسو بودن گویه‌ها با سازه نظری است. در ادامه شکل تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول که شامل بارهای عاملی و میزان خطاهای آنها است ارائه شده است.

جدول ۲- پارامترهای تحلیل عامل تأییدی مرتبه اول شاخص‌های رفتارهای انحرافی

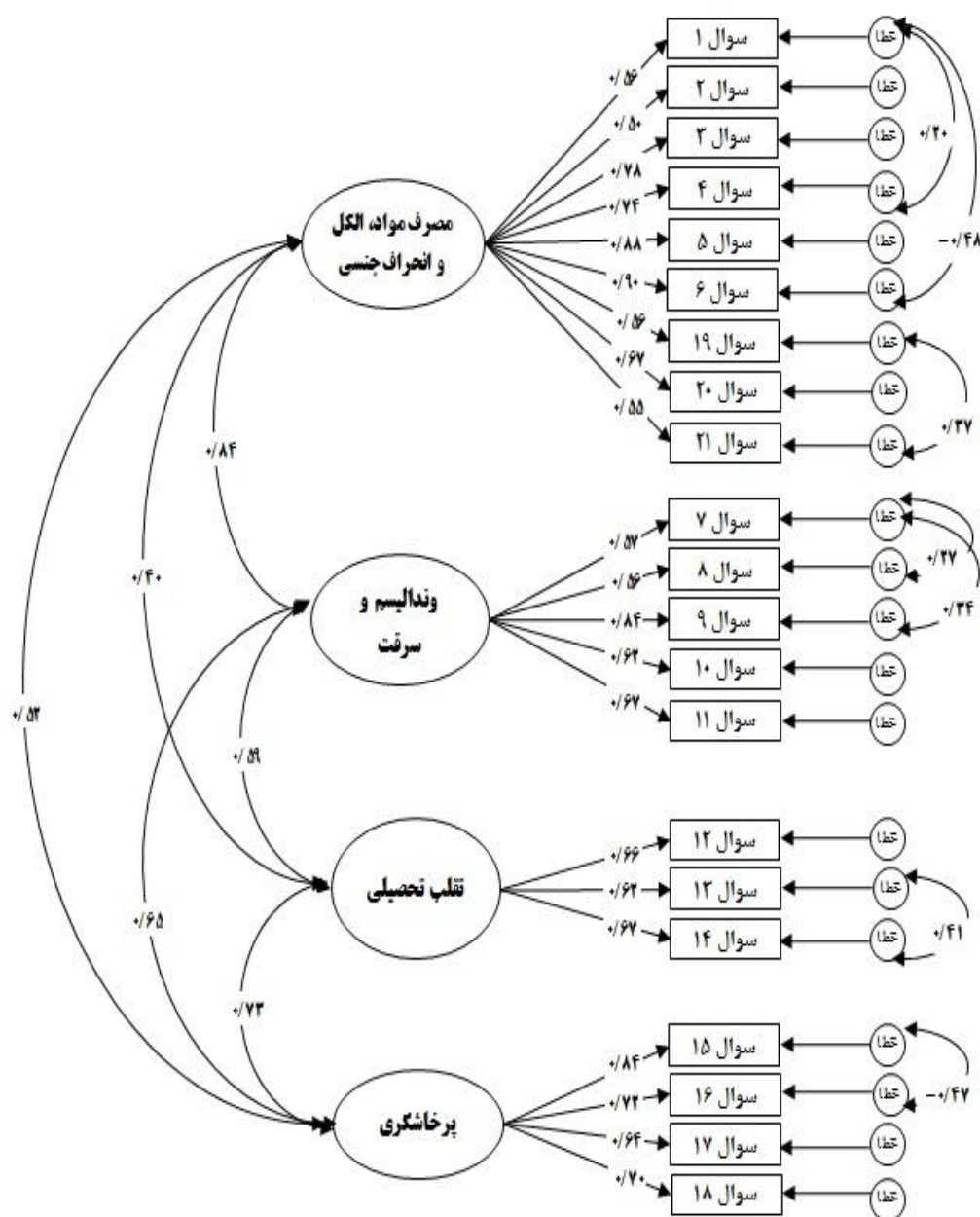
متغیر	ابعاد	گویه	β	t^{**}
رفتارهای آزمودنی = ۵۳۱۶/۰	مصرف مواد مخدر، روانگردان و مشروبات الکلی و انحراف جنسی	۱ در طول ۳۰ روز گذشته پیش آمده که سیگار کشیده‌ام.	۰/۵۶۴	۱۰/۵۲
		۲ در طی ۳۰ روز گذشته پیش آمده که قلیان کشیده‌ام.	۰/۵۰۳	۹/۸۹
		۳ تا به حال پیش آمده که مواد مخدر (تریاک، هروئین، حشیش و ...) مصرف کرده باشم.	۰/۷۷۸	۱۱/۱۷
		۴ تا به حال پیش آمده که مشروبات الکلی (شراب، آبجو، ویسکی، ودکا و ...) مصرف کرده باشم.	۰/۷۴۲	۱۱/۸۳
		۵ تا به حال پیش آمده که روان‌گردان (اکس، شیشه، کراک و ...) مصرف کرده باشم.	۰/۸۸۱	۱۱/۱۳
		۶ تا به حال پیش آمده که مواد مخدر، مشروب یا روان‌گردان به دیگران فروخته‌ام.	۰/۸۹۵	۱۰/۷۳
	وندالیسم و سرقت	۱۹ تا به حال پیش آمده که (بدون ازدواج) رابطه جنسی با جنس مخالف داشته باشم.	۰/۵۵۷	۹/۲۲
		۲۰ تا به حال پیش آمده که رابطه جنسی با هم جنس خود داشته باشم.	۰/۶۷۴	۱۰/۲۶
		۲۱ تا به حال پیش آمده که در پارتی‌های مختلط دوستانه (نه خانوادگی) شرکت کنم.	۰/۵۴۶	۸/۹۹
		۷ طی تا به حال پیش آمده که به وسایل دانشگاه آسیب رسانده‌ام.	۰/۵۶۷	۹/۸۹
		۸ تا به حال پیش آمده که از روی عمد روی دیوارها، صندلی‌ها، اتوبوس و ... نوشته یا نقاشی کرده‌ام.	۰/۵۶۱	۱۰/۷۰
		۹ تا به حال پیش آمده که چیزی را بدون پرداخت پول از فروشگاه برداشته‌ام.	۰/۸۳۹	۱۱/۱۲
	تقلب تحصیلی	۱۰ تا به حال پیش آمده که بدون اجازه اطرافیانم، پول یا وسیله‌های آنها را برداشته‌ام.	۰/۶۲۱	۹/۷۸
		۱۱ تا به حال پیش آمده که پول یا وسیله‌ای قرض گرفته و از عمد آن را پس نداده باشم.	۰/۷۴۵	۱۰/۹۴
		۱۲ تا به حال پیش آمده که در تحقیقات علمی و تکالیف کلاسی‌ام چند بار مطلبی را از کتاب، مقاله، سایت‌های اینترنتی استفاده کرده و به آن رفرنس نداده‌ام.	۰/۶۶۱	۱۱/۴۳
		۱۳ تا به حال پیش آمده که به برگه امتحانی بغل دستی‌ام نگاه کنم.	۰/۶۱۷	۱۲/۵۷
		۱۴ تا به حال پیش آمده که سر جلسه امتحان از روش‌هایی استفاده کرده‌ام (مانند همراه داشتن جواب‌ها برگه کاغذ، استفاده از موبایل یا هزفوری، عوض کردن برگه امتحان).	۰/۶۷۲	۱۳/۹۲
	پرخاشگری	۱۵ تا به حال پیش آمده که نسبت به اطرافیانم فحاشی کرده‌ام.	۰/۸۴۲	۱۱/۶۵
		۱۶ تا به حال پیش آمده که با هم‌اتاقی‌ها و هم‌دانشگاهی‌هایم درگیری فیزیکی داشته‌ام.	۰/۷۱۷	۱۲/۴۴
		۱۷ تا به حال پیش آمده که با والدین خود درگیری جدی داشته‌ام.	۰/۶۴۳	۱۲/۷۹
		۱۸ تا به حال پیش آمده که کسی را به کتک زدن تهدید کرده‌ام.	۰/۶۹۶	۱۳/۸۴

** P < ۰/۰۱

در جدول زیر برخی از مهمترین شاخص‌های برازش ارائه شده است:

جدول ۳- شاخص‌های برازش تحلیل عامل تأییدی شاخص‌های رفتار انحرافی

نام شاخص	میزان کفایت برازش
نسبت χ^2 دو (به درجه آزادی و معناداری آن)	۳/۴۳۶ (p=۰/۰۱)
ریشه خطای میانگین مجزورات تقریبی (RMSEA)	۰/۰۷۹
شاخص نرم شده برازش (NFI)	۰/۹۶
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	۰/۹۵
شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۹۴
شاخص نیکویی برازش تعدیل شده (AGFI)	۰/۹۳



شکل ۱- بارهای عاملی هر سؤال و میزان خطاهای آنها در تحلیل عاملی مرتبه اول شاخص‌های رفتار انحرافی

پایایی ابزار

به منظور پاسخ به این سؤال که "آیا مقیاس سنجش رفتارهای انحرافی دانشجویان و خرده مقیاس‌های آن از پایایی مناسب و قابل قبولی برخوردار است؟" پایایی ابزار مورد بررسی قرار گرفت. یک ابزار معتبر و پایا ابزاری است که دارای ویژگی تکرارپذیری و بازپدیدآوری باشد، یعنی بتوان آن را در موارد متعدد به کار برد و در همه موارد نتایج یکسان

تولید کرد. در واقع پایایی، همبستگی آزمون با خودش است (لین^۱، ۱۹۸۹؛ برنان^۲، ۲۰۰۶؛ نانالی^۳ و برنشتاین^۴، ۱۹۹۴). میزان پایایی در پژوهش حاضر از طریق ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده است. به طور کلی، نتایج حاصل از بررسی پایایی

^۱ Linn

^۲ Brennan

^۳ Nunnally

^۴ Bernstein

پرسشنامه نهایی نشان داد که ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده برای مقیاس سنجش رفتارهای انحرافی برابر ۰/۹۲۴ گزارش شده است.

در پژوهش حاضر به منظور برآورد پایایی مقیاس از مشخصه‌های آماری پرسش‌های یک مجموعه که مستلزم تنها یکبار اجرای یک فرم آزمون است، استفاده شده است. در این روش هماهنگی درونی آزمون یعنی میزان هماهنگی همه

سؤال‌ها از طریق فرمول ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده است. در جدول زیر شاخص‌های توصیفی سؤال‌ها (شامل همبستگی سؤال با کل آزمون و ضرایب پایایی بقیه سؤال‌ها با حذف هر سؤال) برای "رفتارهای انحرافی" آورده شده است. البته، شایان ذکر است که پایایی ابزار پس از انجام تحلیل عاملی اکتشافی، تحلیل عاملی تأییدی و حذف گویه‌ها محاسبه و در زیر گزارش شده است:

جدول ۴- ضریب مقبولیت و ضریب پایایی گویه‌های سنجش رفتارهای انحرافی پس از حذف گویه‌ها

معرف	همبستگی گویه با کل	پایایی با حذف گویه	معرف	همبستگی گویه با کل	پایایی با حذف گویه
۱. مصرف سیگار	۰/۵۶	۰/۹۰۸	۱۲. رفرنس ندادن عمدی به مطالب علمی	۰/۴۸	۰/۹۱۰
۲. مصرف قلیان	۰/۶۰	۰/۹۰۶	۱۳. نگاه به برگه امتحانی دیگران	۰/۴۸	۰/۹۱۱
۳. مصرف مواد	۰/۶۱	۰/۹۰۷	۱۴. تقلب در امتحان با روشهای گوناگون	۰/۵۵	۰/۹۰۸
۴. مصرف الکل	۰/۶۲	۰/۹۰۵	۱۵. فحاشی نسبت به اطرافیان	۰/۶۲	۰/۹۰۵
۵. مصرف روان‌گردان	۰/۶۰	۰/۹۰۸	۱۶. درگیری فیزیکی	۰/۵۹	۰/۹۰۷
۶. فروش مواد، مشروب یا روان‌گردان	۰/۶۳	۰/۹۰۷	۱۷. درگیری جدی با والدین	۰/۵۷	۰/۹۰۷
۷. آسیب به وسایل دانشگاه	۰/۵۱	۰/۹۰۸	۱۸. تهدید کردن فردی به کتک زدن	۰/۵۴	۰/۹۰۸
۸. آسیب عمدی به وسایل و دیوارها	۰/۵۳	۰/۹۰۷	۱۹. رابطه جنسی با جنس مخالف (بدون ازدواج)	۰/۵۱	۰/۹۰۸
۹. برداشتن چیزی از فروشگاه	۰/۶۹	۰/۹۰۵	۲۰. رابطه جنسی با همجنس خود	۰/۶۱	۰/۹۰۶
۱۰. برداشتن پول از اطرافیان	۰/۵۶	۰/۹۰۷	۲۱. شرکت در پارتی‌های مختلط دوستانه	۰/۵۸	۰/۹۰۶
۱۱. پس ندادن عمدی پول دیگران	۰/۶۱	۰/۹۰۶			

با توجه به نتایج جدول بالا، پایایی کل مقیاس سنجش رفتارهای انحرافی دانشجویان برابر ۰/۹۲۴ گزارش شده است. در جدول بالا همبستگی هر گویه با نمره کل پرسشنامه محاسبه و گزارش شده است که همگی حاکی از مطلوب بودن ضرایب مقبولیت سؤال‌ها گویه‌های سنجش رفتارهای انحرافی است. همچنین، در جدول بالا ضریب پایایی مقیاس پس از حذف هر گویه نیز مجدداً محاسبه شده است، که این روش به روش لوپ مشهور است. در این روش، برای بررسی گویه ابتدا ضریب پایایی کلیه گویه‌ها و میزان پایایی تک تک گویه‌ها تعیین گردیده است. در صورتی که با حذف هر گویه میزان پایایی کاهش یابد، نشان‌دهنده آن است که این گویه نقش مؤثری در هماهنگی با گویه‌ها دیگر دارد و بنابراین گویه مناسبی است و در صورتی که با حذف هر گویه میزان

پایایی افزایش یابد نشان‌دهنده آن است که این گویه نقش مؤثری در هماهنگی با گویه‌ها دیگر ندارد و چنانچه با حذف گویه میزان پایایی تغییر نکند، نشان‌دهنده آن است که اگر چه این گویه نقش مؤثری در تجانس با گویه دیگر ندارد، اما این نوع گویه‌ها برای ترغیب پاسخگو به پاسخدهی گویه‌های دیگر به کار گرفته می‌شود. بنابراین، حذف هر گویه نشان می‌دهد که زمانی که گویه‌ها حذف می‌شود، میزان پایایی کل پرسشنامه کاهش می‌یابد یا تغییر معناداری نشان نمی‌دهد که این امر مطلوب بودن این گویه‌ها را برای اندازه‌گیری سازه رفتارهای انحرافی می‌رساند. شایان ذکر است که محاسبه پایایی پس از تحلیل عاملی تأییدی گویه‌ها صورت گرفته است.

توزیع میزان رفتارهای انحرافی دانشجویان بر حسب دانشگاه و جنسیت

در جدول زیر میزان رفتارهای انحرافی دانشجویان به تفکیک هر مؤلفه بر حسب دانشگاه و جنسیت نشان می‌دهد.

جدول ۵- توزیع میزان رفتارهای انحرافی پاسخگویان بر حسب دانشگاه و جنسیت

نوع رفتار انحرافی			دانشگاه تهران			دانشگاه علامه طباطبائی		
			دختر	پسر	جمع	دختر	پسر	جمع
مصرف مواد، الکل و روان‌گردان و انحراف جنسی	کم	تعداد	۶۶	۱۰۲	۱۶۸	۷۵	۱۰۷	۱۸۲
		درصد	۳۳/۰	۵۱/۰	۸۴/۰	۳۴/۹	۴۹/۸	۸۴/۷
	متوسط	تعداد	۵	۲۴	۲۹	۵	۱۸	۲۳
		درصد	۲/۵	۱۲	۱۴/۵	۲/۳	۸/۴	۱۰/۷
	زیاد	تعداد	۱	۲	۳	۰	۱۰	۱۰
		درصد	۰/۵	۱/۰	۱/۵	۰/۰	۴/۷	۴/۷
وندالیسم و سرقت	کم	تعداد	۶۲	۱۰۰	۱۶۲	۷۵	۱۰۵	۱۸۰
		درصد	۳۱/۰	۵۰/۰	۸۱/۰	۳۴/۹	۴۸/۸	۸۳/۷
	متوسط	تعداد	۹	۲۳	۳۲	۴	۲۲	۲۶
		درصد	۴/۵	۱۱/۵	۱۶/۰	۱/۹	۱۰/۲	۱۲/۱
	زیاد	تعداد	۱	۵	۶	۱	۸	۹
		درصد	۰/۵	۲/۵	۳/۰	۰/۵	۳/۷	۴/۲
تقلب تحصیلی	کم	تعداد	۲۵	۴۶	۷۱	۲۸	۴۵	۷۳
		درصد	۱۲/۵	۲۳/۰	۳۵/۵	۱۳/۰	۲۰/۹	۳۴/۰
	متوسط	تعداد	۳۰	۴۶	۷۶	۳۷	۵۵	۹۲
		درصد	۱۵/۰	۲۳/۰	۳۸/۰	۱۷/۲	۲۵/۶	۴۲/۸
	زیاد	تعداد	۱۷	۳۶	۵۳	۱۵	۳۵	۵۰
		درصد	۸/۵	۱۸/۰	۲۶/۵	۷/۰	۱۶/۳	۲۳/۳
پرخاشگری	کم	تعداد	۵۲	۷۲	۱۲۴	۶۱	۶۵	۱۲۶
		درصد	۲۶/۰	۳۶/۰	۶۲/۰	۲۸/۴	۳۰/۲	۵۸/۶
	متوسط	تعداد	۱۸	۴۷	۶۵	۱۶	۵۶	۷۲
		درصد	۹/۰	۲۳/۵	۳۲/۵	۷/۴	۲۶/۰	۳۳/۵
	زیاد	تعداد	۲	۹	۱۱	۳	۱۴	۱۷
		درصد	۱/۰	۴/۵	۵/۵	۱/۴	۶/۵	۷/۹
کل رفتارهای انحرافی	کم	تعداد	۵۹	۸۶	۱۴۵	۶۹	۹۲	۱۶۱
		درصد	۲۹/۵	۴۳/۰	۷۲/۵	۳۲/۱	۴۲/۸	۷۴/۹
	متوسط	تعداد	۱۲	۴۱	۵۳	۱۰	۳۴	۴۴
		درصد	۶/۰	۲۰/۵	۲۶/۵	۴/۷	۱۵/۸	۲۰/۵
	زیاد	تعداد	۱	۱	۲	۱	۹	۱۰
		درصد	۰/۵	۰/۵	۱/۰	۰/۵	۴/۲	۴/۷
میانگین		۱/۵۸۳	۱/۷۹۹	۱/۷۲۱	۱/۵۰۷	۱/۹۲۸	۱/۷۷۲	

«پرخاشگری» و «کل رفتارهای انحرافی» در میان دانشجویان دانشگاه تهران به ترتیب ۱۶، ۱۹، ۶۴/۵، ۳۸ و ۲۷/۵ درصد و در میان دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی به ترتیب ۱۵/۴، ۱۶/۳، ۶۶/۱، ۴۱/۴ و ۲۵/۲ درصد می‌باشد. بر این اساس، بیش از یک چهارم دانشجویان هر دو دانشگاه رفتار انحرافی متوسط و زیادی داشته‌اند. بنابراین، می‌توان گفت که الگوی رفتارهای انحرافی دانشجویان این دو دانشگاه تقریباً الگوی مشابهی می‌باشد.

شاخص‌های توصیفی مؤلفه‌های رفتارهای انحرافی

در جدول زیر اطلاعات توصیفی مربوط به مؤلفه‌های رفتارهای انحرافی دانشجویان دانشگاه‌های تهران و علامه طباطبائی گزارش شده است:

جدول ۶- شاخص‌های توصیفی مؤلفه‌های رفتارهای انحرافی

تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	خطای استاندارد میانگین	واریانس	انحراف استاندارد
مصرف مواد، الککل و انحراف جنسی	۱/۰۰	۶/۰۰	۱/۴۸۱	۰/۰۴۰	۰/۶۷	۰/۸۲
وندالیسم و سرقت	۱/۰۰	۶/۰۰	۱/۴۹۹	۰/۰۴۰	۰/۶۶	۰/۸۱
تقلب تحصیلی	۱/۰۰	۶/۰۰	۲/۷۳۶	۰/۰۷۰	۲/۰۷	۱/۴۴
پرخاشگری	۱/۰۰	۶/۰۰	۱/۹۱۶	۰/۰۵۳	۱/۱۷	۱/۰۸
رفتارهای انحرافی	۱/۰۰	۶/۰۰	۱/۷۴۸	۰/۰۲۵	۰/۶۱	۰/۷۸

بر اساس اطلاعات جدول فوق می‌توان میزان رفتارهای انحرافی در بین دانشجویان دو دانشگاه را به تفکیک هر مؤلفه و همچنین کل رفتارهای انحرافی مقایسه کرد. بر این اساس همان‌طور که در ردیف مربوط به کل رفتارهای انحرافی مشاهده می‌شود، از مجموع دانشجویان دانشگاه تهران ۷۲/۵ درصد (۱۴۵ نفر) رفتار انحرافی کمی داشته‌اند، ۲۶/۵ درصد (۵۳ نفر) رفتار انحرافی متوسط و ۱/۰ درصد (۲ نفر) رفتار انحرافی زیادی داشته‌اند؛ همچنین، از مجموع دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی ۷۴/۹ درصد (۱۶۱ نفر) رفتار انحرافی کمی داشته‌اند، ۲۰/۵ درصد (۴۴ نفر) رفتار انحرافی متوسط و ۴/۷ درصد (۱۰ نفر) رفتار انحرافی زیادی داشته‌اند.

همچنین، مقایسه مؤلفه‌های رفتار انحرافی نشان می‌دهد که میزان متوسط و بالای «مصرف مواد، الککل و روان‌گردان و انحراف جنسی»، «وندالیسم و سرقت»، «تقلب تحصیلی»،

تحصیلی» شایع‌ترین رفتار انحرافی در میان دانشجویان بوده است و پس از آن به ترتیب «پرخاشگری»، «وندالیسم و سرقت»، و در نهایت «مصرف مواد، الککل، روان‌گردان و انحراف جنسی» در مراتب بعدی قرار می‌گیرند.

نتیجه‌گیری

در نتایج تحلیل عاملی چهار عامل شناسایی شدند که عبارتند از: «مصرف مواد، مشروبات الکلی، روان‌گردان‌ها و انحراف

بر اساس اطلاعات گزارش شده در جدول فوق، میانگین و انحراف استاندارد «کل رفتارهای انحرافی» به ترتیب برابر ۱/۷۴۸ و ۰/۷۸ گزارش شده است. به همین ترتیب، میانگین و انحراف استاندارد مؤلفه‌های رفتارهای انحرافی نیز گزارش شده است. مقایسه مقادیر میانگین این مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که بالاترین میانگین مربوط به مؤلفه «تقلب تحصیلی» و کمترین میانگین مربوط به مؤلفه «مصرف مواد، الککل، روان‌گردان و انحراف جنسی» است. بنابراین، «تقلب

جنسی»، «وندالیسم و سرقت»، «تقلب» و «پرخاشگری». پایایی این مقیاس از طریق محاسبه آلفای کرونباخ ۰/۹۲۴ به دست آمد. با در نظر گرفتن نتایج این پژوهش می‌توان گفت: که این مقیاس از روایی و پایایی مناسبی برخوردار است و عوامل به دست آمده از تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی می‌توانند رفتارهای انحرافی دانشجویان را به گونه‌ای مناسب اندازه‌گیری کنند. این مقیاس می‌تواند در پژوهش‌های علوم انسانی و به‌ویژه علوم اجتماعی مورد استفاده محققان قرار بگیرد. بنابراین، می‌توان از آن به عنوان ابزاری برای تعیین نقاط ضعف و قوت دانشجویان در زمینه رفتارهای انحرافی به منظور اخذ تدابیری برای کاهش رفتارهای انحرافی دانشجویان بهره برد.

پیوست ۱- مقیاس سنجش رفتارهای انحرافی دانشجویان

ردیف	گویه‌ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱	در طول ۳۰ روز گذشته پیش آمده که سیگار کشیده‌ام.	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۲	در طی ۳۰ روز گذشته پیش آمده که قلیان کشیده‌ام.	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۳	تا به حال پیش آمده که مواد مخدر (تریاک، هروئین، حشیش و ...) مصرف کرده باشم.	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۴	تا به حال پیش آمده که مشروبات الکلی (شراب، آبجو، ویسکی، ودکا و ...) مصرف کرده باشم.	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۵	تا به حال پیش آمده که روان‌گردان (اکس، شیشه، کراک و ...) مصرف کرده باشم.	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۶	تا به حال پیش آمده که مواد مخدر، مشروب یا روان‌گردان به دیگران فروخته‌ام.	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۷	تا به حال به وسایل دانشگاه آسیب رسانده‌ام.	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۸	تا به حال پیش آمده که از روی عمد روی دیوارها، صندلی‌ها، اتوبوس و... نوشته یا نقاشی کرده‌ام.	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۹	تا به حال پیش آمده که چیزی را بدون پرداخت پول از فروشگاه برداشته‌ام.	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۰	تا به حال پیش آمده که بدون اجازه اطرافیانم، پول یا وسیله‌های آنها را برداشته‌ام.	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۱	تا به حال پیش آمده که پول یا وسیله‌ای قرض گرفته و از عمد آن را پس نداده باشم.	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۲	تا به حال پیش آمده که در تحقیقات علمی و تکالیف کلاسی‌ام چند بار مطلبی را از کتاب، مقاله، سایت‌های اینترنتی استفاده کرده و به آن رفرنس نداده‌ام.	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۳	تا به حال پیش آمده که به برگه امتحانی بغل دستی‌ام نگاه کنم.	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۴	تا به حال پیش آمده که سر جلسه امتحان از روش‌ایی استفاده کرده‌ام (مانند همراه داشتن جواب‌ها برگه کاغذ، استفاده از موبایل یا هندزفری، عوض کردن برگه امتحان).	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۵	تا به حال پیش آمده که نسبت به اطرافیانم فحاشی کرده‌ام.	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۶	تا به حال پیش آمده که با هم اتاقی‌ها و هم دانشگاهی‌هایم درگیری فیزیکی داشته‌ام.	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۷	تا به حال پیش آمده که با والدین خود درگیری جدی داشته‌ام.	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۸	تا به حال پیش آمده که کسی را به کتک زدن تهدید کرده‌ام.	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱۹	تا به حال پیش آمده که (بدون ازدواج) رابطه جنسی با جنس مخالف داشته باشم.	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۲۰	تا به حال پیش آمده که رابطه جنسی با هم جنس خود داشته باشم.	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۲۱	تا به حال پیش آمده که در پارتی‌های مختلط دوستانه (غیر خانوادگی) شرکت کنم.	۱	۲	۳	۴	۵	۶

منابع

- احمدی، حبیب. (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی انحرافات*، چاپ چهارم، تهران: سمت.
- خامسان احمد، امیری محمد اصغر. (۱۳۹۰). «بررسی تقلب تحصیلی در میان دانشجویان دختر و پسر»، *فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری*، ش ۱، ص ۵۳-۶۱.
- دواس، دی. ای. (۱۳۸۶). *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه: هوشنگ نایی، چاپ هشتم، تهران: نشر نی.
- سراج‌زاده، سید حسین و فیضی، ایرج. (۱۳۸۶). «عوامل اجتماعی مؤثر بر مصرف تریاک و مشروبات الکلی در بین دانشجویان»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۳۱، ص ۸۱-۹۹.
- شفرز، برنهاد. (۱۳۸۳). *مبانی جامعه‌شناسی جوانان*، ترجمه: کرامت‌الله راسخ، تهران: نشر نی.
- عبداللهی، محمد. (۱۳۸۱). «اولین همایش آسیب‌های اجتماعی در ایران»، *مجموعه مقالات، انجمن جامعه‌شناسی ایران*، تهران: نشر آگاه.
- علی‌وردی‌نیا، اکبر؛ ابراهیمی، قربانعلی و صالح‌نژاد، صالح. (۱۳۹۰). «بررسی جامعه‌شناختی تأثیر انتخاب‌های عقلانی بر رفتارهای انحرافی: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه ارومیه»، *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ش ۲ (۵ و ۶)، ص ۱۴۳-۱۶۷.
- علی‌وردی‌نیا، اکبر و همتی، اعظم. (۱۳۹۲). «تحلیل اجتماعی گرایش به مصرف مشروبات الکلی در میان دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران»، *راهبرد اجتماعی و فرهنگی*، ش ۷، ص ۷۷-۱۰۲.
- علی‌وردی‌نیا، اکبر؛ جانعلیراده، حیدر و توحیدیان، رقیه. (۱۳۹۲). «تأثیر برجسب‌زنی بر گرایش دانشجویان نسبت به رفتارهای انحرافی»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ش ۶ (۲)، ص ۶۷-۹۰.
- کندلر، کینت؛ پریسکات، کارول. (۱۳۹۱). *ژن‌ها، محیط و*
- آسیب‌شناسی روانی: درک علل اختلالات روانی و سوءمصرف مواد، ترجمه: جلیل یونسی، هما رضایی، شهلا شاه‌مرادیان، علی شهریار، چاپ اول، تهران: اطلاعات و ستاد مبارزه با مواد مخدر.
- محسنی، منوچهر. (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات طهوری.
- Brennan, R.L. (2006) (Ed.). "Educational Measurement" (4th Ed.), Westport, CT: Praeger.
- Cauffman, Elizabeth, Farruggia, Susan P., Goldweber, Asha (2008) "Bad Boys or Poor Parents: Relations to Female Juvenile Delinquency ", *Journal of Research on Adolescence*, No. 18, (4), p 699-712.
- Cheng, Jaonan. (2012) "The Effect Factor for Students' Deviant Behavior ", *The Journal of Human Resource and Adult Learning*, No. 8 (2), p 26-32.
- Maruyama, Geoffrey. (1997) "Basics of Structural Equation Modeling", Sage Publication.
- Laser, J.A. Luster, Tom, Oshio, Toko. (2007) "Promotive and Risk Factors Related to Deviant Behavior in Japanese Youth ", *Criminal Justice and Behavior*, No. 34 (11), p 1463-1480.
- Linn, R.L. (1989) "Educational Measurement: Third Edition ", New York: Macmillan Publishing Co.
- Murray, J. Farrington, D.. (2005) "Parental Imprisonment: Effects on Boys' Antisocial Behaviour and Delinquency through the Life-Course ". *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, No. 46(12), p 1269-1278.
- Nunnally. J.C. & Burnstein. (1994) "Psychometric Theory ". Mc Graw- Hill book Co.
- Sampson, Robert, J. and John H. Laub, (1994) "Urban Poverty and the Family Context of Delinquency: A New Look at Structure and Process in a Classic Study ", *Child Development*, No. 65, p523-540.
- Szasz, T. S. (1984) "The Myth of Mental Illness: Foundations of a Theory of Personal Conduct ". New York: Harper & Row.
- Tabachnick, B.G., & Fidell, L.S. (2001) "Using Multivariate Statistics ", (4th Ed.). Boston: Allyn & Bacon.
- Theling, J.K. (1999) "Student Culture " in Clark, B.R. and G.R. Near. " The Encyclopedia of Higher Education ", 3 (1709-1719): Oxford Press.

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی

سال چهارم، شماره پیاپی ۹، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۴/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۲۷

صص ۷۸-۵۹

بررسی میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان (مورد مطالعه: دانشگاه اصفهان)

هورامان قاضی‌زاده، دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان

مسعود کیانپور، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان*

چکیده

بی‌تفاوتی به معنای فقدان علاقه نسبت به انجام رفتار یا اقدامی است و نیز کناره‌گیری و سهم‌نشدن در مسایل اجتماعی. بی‌تفاوتی اجتماعی دلسردی و بی‌علاقگی به مسائل جامعه، عدم درگیری مدنی به عنوان یک شهروند و بی‌اعتنایی نسبت به موضوع‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را به دنبال دارد. این پژوهش با هدف سنجش میزان بی‌تفاوتی اجتماعی و همچنین، ارتباط بی‌تفاوتی اجتماعی با متغیرهای تحلیل هزینه-پاداش، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و سرمایه اجتماعی انجام پذیرفته است. جامعه آماری پژوهش، دانشجویان دانشگاه اصفهان در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۹۳ بوده که تعداد ۳۷۲ نفر از آنها به عنوان نمونه تحقیق با روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی تصادفی انتخاب شدند. نتایج تحقیق حاکی از این است که میانگین بی‌تفاوتی اجتماعی در بین افراد مطالعه شده، از یک مقیاس ۵ درجه‌ای مقدار ۱/۹۳ بوده که بیانگر بی‌تفاوتی اجتماعی در حد پایینی است. بین متغیرهای زمینه‌ای تحقیق شامل سن، مقطع تحصیلی و رشته تحصیلی با بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معنی‌داری پیدا نشد. اما میزان بی‌تفاوتی اجتماعی بر حسب متغیرهای جنسیت و وضعیت تأهل به شکل معناداری متفاوت است، به این شکل که به نظر می‌رسد هنگام وقوع حالت‌های اضطرابی مردان بی‌تفاوتی کمتری نسبت به زنان نشان می‌دهند و همچنین بی‌تفاوتی اجتماعی در بین افراد متأهل کمتر از افراد مجرد است. از بین متغیرهای اصلی پژوهش، بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی با بی‌تفاوتی اجتماعی (۰/۶۲-) و نیز سرمایه اجتماعی با بی‌تفاوتی اجتماعی (۰/۳۴-) ارتباطات معنادار و معکوسی برقرار است به این معنا که هر چه بر میزان این متغیرها افزوده شود از شدت بی‌تفاوتی اجتماعی کاسته می‌شود. در خصوص متغیر تحلیل هزینه-پاداش، ارتباط معنادار و مثبتی با بی‌تفاوتی اجتماعی مشاهده شد. در نتیجه‌گیری، یافته‌های پژوهش حاکی از پایین بودن میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در این جامعه آماری است که در کوتاه مدت تهدیدی را متوجه جامعه نمی‌کند، اما به معنای غفلت از موضوع و نادیده انگاشتن آن نیست.

واژه‌های کلیدی: بی‌تفاوتی اجتماعی، روان‌شناسی اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، سرمایه اجتماعی.

شرح و بیان مسأله پژوهشی

بی‌تفاوتی اجتماعی^۱ یکی از عناصر نامطلوب فرهنگ مدرن است که با تأکید بیش از حد بر ترجیحات شخصی و منافع فردگرایانه در زندگی شهری معاصر نموده یافته و همچون مانعی در ایجاد و برقراری ارتباطات مثبت اجتماعی و نیز افزایش مشارکت شهروندان در امور اجتماعی قرار گرفته، به تضعیف یا حتی توقف فرایند توسعه ملی منجر می‌شود. جامعه‌شناسان (برای مثال، مسعودنیا، ۱۳۸۰: ۱۵۲) عواملی همچون رشد صنعت و تکنولوژی، توسعه ارتباطات اجتماعی، افزایش افسار گسیخته جمعیت، حرکات وسیع جمعیتی، گسترش فرهنگ شهرنشینی، مجاورت فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های متفاوت، رشد ارتباطات موزاییکی، عقلایی شدن رفتار انسان، گسترش منطق خشک محاسبه‌گری، فردگرایی، ضعف نهادها و اعتقادات مذهبی، سکولاریسم، و از بین رفتن هویت‌های گروهی و محلی را از جمله عوامل مؤثر بر بروز این پدیده برشمرد و معتقدند جوامع امروزی دوره‌ای از بحران در روابط انسانی را پشت سر می‌گذارند. به نظر ایشان، همان‌طور که مشارکت وسیع شهروندان در قلمروهای مختلف زندگی اجتماعی شرط مهم توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است، پس عدم مشارکت شهروندان و شیوع بی‌تفاوتی نیز یک عامل قوی در توسعه نیافتگی است (همان).

رسالت جامعه‌شناسی بررسی علمی مسایل و مشکلات اجتماعی و ارائه راه حل برای مرتفع کردن آنهاست. این رسالت در مورد جامعه ایران که اصطلاحاً دوران گذار از سنت به مدرنیته را طی می‌کند و ورود عناصر متنوع فرهنگ مدرن به ایجاد تغییرات بنیادین در ابعاد مادی و غیرمادی فرهنگ آن منجر شده است، از اهمیت بیشتری برخوردار است. دامنه و عمق تغییرات مذکور تا حدی زیاد است که برخی اندیشمندان و جامعه‌شناسان ایرانی از وجود نوعی شرایط آنومیک یا نابسامان اجتماعی در کشور سخن گفته‌اند (چلبی، ۱۳۷۵؛ رفیع‌پور، ۱۳۷۸؛ به نقل از محسنی و صداقتی‌فرد، ۱۳۹۰)؛

یعنی وضعیتی که طبق نظر دورکیم، هنجارهای اجتماعی و دستورالعمل‌های اخلاقی قبلی از کارایی لازم در هدایت کردن رفتار اجتماعی برخوردار نیستند و هنوز با هنجارهای کارآمد جدیدی جایگزین نشده‌اند. طبیعی است که در چنین شرایطی روابط اجتماعی دچار آسیب می‌شوند و بی‌تفاوتی اجتماعی به عنوان یکی از مصادیق آن خودنمایی می‌کند. همان‌طور که محسنی و صداقتی‌فرد بیان می‌کنند بی‌تفاوتی اجتماعی، «بیانگر بی‌احساسی، بدبینی، بی‌میلی و به عبارت بهتر نوعی افسردگی اجتماعی^۲ است» (محسنی و صداقتی‌فرد، ۱۳۹۰: ۲).

اما بی‌تفاوتی اجتماعی با یکی دیگر از مفاهیم مورد توجه جامعه‌شناسان در سال‌های اخیر؛ یعنی سرمایه اجتماعی، ارتباط تنگاتنگی دارد. سرمایه اجتماعی هر جامعه ناشی از وضعیت فرهنگی و اجتماعی موجود در آن جامعه است و یکی از پارامترهای مهم بررسی وضعیت جامعه در خصوص چگونگی ارتباطات اجتماعی، از جمله میزان تعهد انسان‌ها به یکدیگر، یا در نقطه مقابل، میزان بی‌تفاوتی آنها به یکدیگر می‌باشد. به لحاظ نظری، سرمایه اجتماعی بیشتر روی شبکه روابط و اعتماد و مشارکت در اجتماع و همکاری‌های گروهی در قالب انجمن‌ها و تشکیلات مدنی تأکید دارد. سرمایه اجتماعی دستاورد شبکه‌های اجتماعی افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها در برقراری ارتباطات سازنده و مثبت اجتماعی است. وجود این شبکه‌های اغلب غیررسمی به تجهیز و توانمندی سطح گسترده‌ای از تماس‌های اجتماعی-شخصی برای عملکرد بهتر زندگی سیاسی-اجتماعی منجر می‌شود (کلنن، ۱۳۷۷) و از این رو می‌توان با مطالعه آن به کیفیت و چگونگی ارتباطات اجتماعی در جامعه پی برد.

در جامعه‌ای که سرمایه اجتماعی از سطح پایینی برخوردار است، دلسردی و بی‌اعتنایی هر یک از اعضا یا گروه‌های جامعه، بر اثر بیگانگی اجتماعی، احساس عدم اثربخشی، نارضایتی و عدم اعتماد نسبت به دیگران باعث ایجاد شکنندگی در ساختار اجتماعی خواهد شد. همین عوامل

² Social depression

¹ Social apathy

رفته رفته، اعضای شبکه اجتماعی را نسبت به همه فرآیندهای اجتماعی بدبین کرده و دچار بیماری ناامیدی نسبت به آینده و انزوای اجتماعی به دور از هرگونه ارتباط اجتماعی خواهد کرد. بنابراین، بی توجهی نسبت به ارتباطات فردی یا گروهی عناصر اجتماعی، عامل فروپاشی هر ساختار یا محیطی خواهد بود که در آن انسان به عنوان یک عامل اثرگذار و دارای قدرت تصمیم گیری، به حساب آورده نشود. با توجه به نکات مذکور، سنجش بی تفاوتی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن از جمله میزان سرمایه اجتماعی، اهمیت ویژه ای دارد. در مورد شهر اصفهان این اهمیت دو چندان است. زیرا به عنوان یکی از کلانشهرهای صنعتی کشور، شهر اصفهان می تواند در مواجهه با مسایل شهری و زندگی ماشینی، مستعد بروز بی تفاوتی اجتماعی و گسترش فرهنگ فردگرایی باشد. حادثه اخیر اسیدپاشی های زنجیره ای^۱ به خانم های جوان در مهرماه ۱۳۹۳ در شهر اصفهان مثالی تأمل برانگیز از چگونگی بروز و گسترش یک مسأله اجتماعی در سطحی ملی و وارد آمدن صدمات سنگین به احساس امنیت روانی شهروندان در یک کلانشهر است. رواج شایعات متعدد در خصوص تعدد موارد وقوع این جرم و اعتراض های گوناگون به عملکرد نهادهای ذی ربط نشان می دهد که احساس امنیت روانی در شهر اصفهان تا حد قابل توجهی تضعیف شده به گونه ای که بسیاری از خانواده ها از تردد دختران خود در سطح شهر اکراه دارند و حتی الامکان از خروج آنها از منزل جلوگیری می کنند (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۳). همچنین، وقوع مواردی موسوم به «اسیدپاشی تفریحی» که طی آن برخی افراد هنجارشکن و اخلاق گریز با پاشیدن آب به دختران جوان و ترساندن آنها از حمله اسیدی، به تفریح و خنده می پردازند، حکایت از آن دارد که معیارهای اخلاق مدنی در بین برخی شهروندان مسئولیت گریز در حال افول است، مطالعه متغیرهایی مانند بی تفاوتی اجتماعی در شهرهایی که شاهد وقوع چنین حوادثی هستند بسیار اهمیت دارد. اگر جامعه از سطح بالایی از

سرمایه اجتماعی برخوردار باشد می توان امیدوار بود که واکنش شهروندان در مواجهه با چنین جرایمی بسیار مسؤولانه تر و اخلاق گرایانه تر باشد، نه این که ترس از تباهی زندگی یک نفر، به عاملی برای تفریح و خنده دیگران تبدیل شود. از طرف دیگر، به عنوان یکی از فعال ترین اقشار جامعه، دانشجویان می توانند در این خصوص نقش فعالی بازی کنند زیرا دانشگاه یکی از مهم ترین نهادهای آموزشی هر کشور و محل تربیت نیروی انسانی کارآمد در راستای تحقق بخشیدن به اهداف توسعه محور جامعه و تقویت فرهنگ همکاری است. در واقع تأکید بر مسئولیت پذیری اجتماعی و احتراز از بی تفاوتی در محیط هایی مانند دانشگاه باید مورد توجه قرار گیرد تا دانشجویان عهده دار نقش بی بدیلی در ایجاد تغییرات اجتماعی مثبت و ارتقا سلامت روانی جامعه شوند. بنابر آنچه گفته شد، این پژوهش به دنبال بررسی میزان بی تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان و شناسایی برخی عوامل مؤثر بر آن است.

پیشینه پژوهش

در مورد بی تفاوتی اجتماعی، کشورهای مختلف شاهد انجام پژوهش های مختلفی بوده اند. نخستین پژوهش ها در آمریکا و پس از توجه روان شناسان اجتماعی به رفتار منفعلانه مشاهده گران در موقعیت های اضطراری صورت گرفت (ارونسون، ۱۳۸۶). طبق نظر این روان شناسان، رفتار مردم در موقعیت های اضطراری گرایش به انفعال دارد زیرا هر کس دیگری را شریک در موقعیت و مسؤول اقدام می داند. بنابراین چه بسا در عمل هیچکس کاری نکند و ما شاهد بی تفاوت بودن افراد نسبت به موقعیت باشیم. اما بی تفاوتی اجتماعی از چشم اندازهای دیگری هم بررسی شده است. محسنی و صدقاتی فرد (۱۳۹۰) ضمن مرور ادبیات تحقیق در این حوزه، به ذکر مواردی چند از کشورهای مختلف می پردازند. برای مثال، گنس^۲ (۱۹۹۲)، به نقل از همان) به بررسی رابطه میان

^۱ خبرگزاری ایسنا، ۲۴ مهرماه ۱۳۹۳

^۲ Gans

مشارکت سیاسی و بی‌تفاوتی پرداخته و با توجه به کاهش علاقه افراد به پیگیری مسایل سیاسی جامعه خود، بی‌تفاوتی را به عنوان مسأله‌ای مهم در این کشور معرفی کرده است. ون اسنپنبرگ و شیپرز^۱ (۱۹۹۱)، به نقل از همان) نیز افزایش بی‌تفاوتی اجتماعی در هلند سال ۱۹۸۵ را ما به ازای اعتراضات سیاسی عظیم طبقاتی دانسته‌اند که به شدت از رکود اقتصادی ضربه خورده‌اند و به همین علت، الگویی را برای تبیین بی‌تفاوتی سیاسی در میان افراد طبقات پایین در اواسط دهه ۱۹۸۰ هلند طراحی کردند. در پژوهش دیگری که در کشور عربستان سعودی انجام شد، محقق مسأله بی‌تفاوتی عمومی را به عنوان مانعی در جهت برنامه‌های توسعه این کشور مورد تحلیل و تبیین قرار داد (المیزجایی^۲، ۲۰۰۱، به نقل از همان) در پژوهش دیگری با عنوان سنجش بی‌تفاوتی سیاسی مردم شهر پکن عوامل مؤثر و اثر متغیرهای گوناگون زمینه‌ای و مستقل مانند رضایت اجتماعی، احساس اثر بخشی، موقعیت - اجتماعی شغلی، وابستگی حزبی - سیاسی بر روی بی‌تفاوتی سیاسی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصله حاکی از وجود رابطه معنی‌دار میان این متغیرها بوده است (چن و زانگ^۳، ۱۹۹۵، به نقل از همان).

در کشور خودمان تعداد مطالعات مربوط به بی‌تفاوتی اجتماعی انگشت شمار است. خود محسنی و صداقتی‌فرد (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان "پژوهشی درباره بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران" که بر روی شهروندان تهرانی انجام شده به بررسی بی‌تفاوتی اجتماعی پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنها بیانگر این است که سطح متوسط روبه بالایی از بی‌تفاوتی اجتماعی در شهروندان تهرانی وجود دارد. همچنین، میانگین میزان بی‌هنجاری، احساس محرومیت نسبی، فردگرایی، تحلیل هزینه - پاداش گویای بالاتر از حد متوسط بودن این عوامل و میانگین میزان اعتماد اجتماعی، اثر بخشی اجتماعی، رضایت اجتماعی و التزام مدنی در سطح پایین بوده است. در

تحلیل‌های دو متغیره بین جنسیت و بی‌تفاوتی اجتماعی تفاوت مشاهده شده، طوری که مردها بی‌تفاوتی اجتماعی بالاتری را نشان دادند. همچنین، بین قومیت و بی‌تفاوتی اجتماعی تفاوت مشاهده شده (قوم کرد دارای کمترین و قوم عرب بیشترین بی‌تفاوتی اجتماعی).

حمد الله نادری و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان "الگو سازی ساختاری رابطه بین بیگانگی و بی‌تفاوتی اجتماعی" با هدف بررسی رابطه بین بیگانگی اجتماعی و بی‌تفاوتی اجتماعی بوده که در بین دانشجویان دوره کارشناسی دانشگاه تبریز به انجام رسیده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بیگانگی اجتماعی در جامعه مورد مطالعه چیزی نزدیک به متوسط این احساس در حالت کلی می‌باشد. همچنین، بی‌تفاوتی اجتماعی در سطح نزدیک به متوسط برآورد شد.

"بررسی بی‌تفاوتی و نوع دوستی در جامعه شهری ایران و عوامل مؤثر بر آن" عنوان تحقیقی است که توسط صمد کلانتری و همکاران (۱۳۸۶) انجام شده است. این پژوهش به روش پیمایش علی - مقایسه‌ای و طی دو مرحله انجام شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد اولاً در مواجهه با حالت‌های اضطراری ۷۵/۳ درصد از شهروندان شیرازی نودوست و ۲۴/۷ درصد بی‌تفاوت‌اند. به علاوه گروه نودوست در مقایسه با گروه بی‌تفاوت دارای همدلی بیشتر، مسئولیت‌پذیری بیشتر و تحلیل هزینه - پاداش مادی کمتر است.

با توجه با آنچه گذشت، در پژوهش حاضر ضمن توجه به متغیرهای ملحوظ در تحقیقات قبلی، به دنبال بررسی وضعیت بی‌تفاوتی اجتماعی در جامعه آماری دانشجویان با متغیرهایی تا حدی متفاوت هستیم تا مشخص شود بی‌تفاوتی اجتماعی در بین بخشی از جامعه که تصور می‌شود نقش سرنوشت‌سازی در تحقق بخشیدن به توسعه ملی دارند از چه شرایطی برخوردار است و مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر آن کدامند. در این زمینه متغیر سرمایه اجتماعی به طور خاص

¹ Van Snippenburg & Scheepers

² Al-Mizjaji

³ Chen & Zhong

مورد توجه است تا بی تفاوتی اجتماعی را زاویه‌ای نسبتاً متفاوت با تحقیقات قبلی و در جامعه آماری جدیدی بررسی کنیم.

مروری بر مباحث نظری

به عنوان یک متغیر سنجش پذیر، بی تفاوتی اجتماعی نخستین بار مورد توجه روان‌شناسان اجتماعی قرار گرفت (اروسون، ۱۳۸۶)، اما در تبیین بی تفاوتی اجتماعی به طور کلی که غالباً با تعبیر بیگانگی اجتماعی در نظر جامعه‌شناسان کلاسیک یاد شده، می‌توان به مباحث زیمیل در مورد زندگی شهری نوین، دورکیم در خصوص پدیدهٔ آنومی و ضعف هنجاری در جامعهٔ مدرن، تونیس و وبر در مورد گسترش کنش‌های مبتنی بر عقلانیت مدرن، مارکس در باب انزوای کارگران به علت خصلت تولید سرمایه‌داری و زنانیکی و تامس در بحث از نظریهٔ نظام گسیختگی اجتماعی اشاره کرد (محسنی و صداقتی‌فرد، ۱۳۹۰). با وجود این، نظریه‌پردازان معاصر در قالب نظریه‌هایی نسبتاً تجربی‌تر، عوامل مؤثر در بروز بی تفاوتی در جامعه را شناسایی کرده‌اند. نظریه‌پردازان یادگیری اجتماعی، نوع دوستی و بی تفاوتی را بر حسب یادگیری‌های گذشته افراد تبیین می‌کنند و توجه عمده آنان بر تأثیر الگو بر بروز نوع دوستی و بی تفاوتی است. به تعبیر دیگر رفتار کنونی، متأثر از تقویت‌های گذشته است. در هر موقعیتی، شخص رفتارهای معینی را می‌آموزد که بر اثر تکرار ممکن است به صورت عادت در آیند. وقتی شخص، دوباره در آن موقعیت قرار بگیرد سعی خواهد کرد همان رفتار عادت شده را تکرار کند (کریمی، ۱۳۸۱). از نگاه اندیشمندان نظریهٔ یادگیری اجتماعی^۱، نوع دوستی، ریشه در یادگیری گذشته دارد و فرآیندهای پاداش - تنبیه و نیز مشاهده الگو بر بروز رفتار نوع دوستانه تأثیر می‌گذارند (لیپا، ۱۹۹۴؛ به نقل از احمدی، ۱۳۸۸: ۸۷-۱۰۸). پژوهش براین و تست در مورد کمک رسانی به زنی که

اتومبیلش در جاده خراب شده بود، آزمایش راشتون و کمبل^۲ (۱۹۷۷) در مورد اهدای خون، و نیز بررسی بیمن^۳ و همکاران (۱۹۷۸) در زمینه کمک‌رسانی به فردی که در محل رفت و آمد دیگران بر روی زمین افتاده بود نشان می‌دهند که نوع دوستی و بی تفاوتی، ارتباط مستقیم و معناداری با مشاهده یا عدم مشاهده الگوهای نوع دوستی و بی تفاوتی دارند. لاتانه و دارلی^۴ (۱۹۷۰؛ به نقل از احمدی، ۱۳۸۸) با انجام یکسری آزمایش‌های متنوع و گسترده، نوع دوستی و بی تفاوتی را بر حسب یک فرآیند تصمیم‌گیری پنج مرحله‌ای تبیین می‌کنند. به زعم آنان، اولین مرحله درک موقعیت است؛ یعنی فرد ناظر باید متوجه شود که چیزی اتفاق افتاده است. دومین مرحله تفسیر موقعیت به صورت کمک خواهی است؛ یعنی باید موقعیت پیش آمده اضطراری بوده و کسی به کمک نیاز داشته باشد. سومین مرحله به عهده گرفتن مسئولیت است یعنی فرد ناظر باید خود را مسؤول بداند و احساس مسئولیت کند. چهارمین مرحله پیدا کردن راه کمک‌رسانی است که طی آن ناظر باید دانش، تجربه و مهارت‌های لازم را داشته باشد. پنجمین مرحله تصمیم‌گیری نهایی است که فرد ناظر به بررسی پیامدهای مداخله یا عدم مداخله می‌پردازد. به اعتقاد لاتانه و دارلی نوع دوستی یا بی تفاوتی وابسته به پاسخی است که ناظران به هر یک از این مراحل می‌دهند. اگر پاسخ ناظران در هر مرحله منفی باشد بی تفاوتی پدید می‌آید و فقط در صورتی که فرد ناظر به تمام مراحل جواب مثبت بدهد نوع دوستی شکل می‌گیرد. باتسون^۵ (۱۹۸۲؛ به نقل از احمدی، ۱۳۸۸)، نوع دوستی و بی تفاوتی را بر مبنای توانایی و میزان همدلی ناظران با فرد نیازمند تفسیر می‌کند. به زعم باتسون در هنگام مواجهه با حالت‌های اضطراری که طی آن کسی به کمک نیاز دارد اگر فرد ناظر بتواند با فرد نیازمند همدلی کند نسبت به او نوع دوستی خواهد کرد و اگر نتواند همدلی کند

² Rushton and Campbell

³ Beaman

⁴ Latane and Darley

⁵ Batson

¹ Social learning Theory

با بی‌تفاوتی از کنار صحنه خواهد گذشت مگر اینکه مطمئن شود در نتیجه نوع دوستی منفعتی به دست می‌آورد.

اندیشمندان حوزه جامعه‌شناسی شهری، نوع دوستی و بی‌تفاوتی را ناشی از ساختار شهری و ویژگی‌های محیطی آن می‌دانند. به عبارت دیگر، با افزایش جمعیت و پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی تمایل به مداخله در وضعیت‌های اضطراری و کمک‌رسانی و نوع دوستی کاهش یافته، تمایل به بی‌تفاوتی گسترش می‌یابد. پژوهش میلگرام در یکی از محله‌های معروف نیویورک (مانهاتان) در زمینه کمک‌رسانی به زن و مردی که دچار مشکل حادی شده بودند و نیز پژوهش مفصل آماتو در چندین شهر مختلف که جمعیت‌شان از ۱۰۰۰ نفر تا بیش از ۳۰۰۰۰ نفر متغیر بود و در هر یک از آنان پنج حالت اضطراری مختلف پدید آورده شده بود، نشان داد که با افزایش جمعیت و پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی تمایل به نوع دوستی کاهش یافته و بر میزان بی‌تفاوتی افزوده می‌شود (احمدی، ۱۳۸۸).

برخی نظریه‌پردازان در تبیین رفتارهای نوع‌دوستانه به نقش هنجارهای اجتماعی اشاره می‌کنند و معتقدند، رفتارهای نوع‌دوستانه، ریشه در میزان درونی‌سازی هنجارهای تعامل پایاپای^۱، برابری^۲ و مسئولیت اجتماعی^۳ دارد (احمدی، ۱۳۸۸، به نقل از مایرز^۴، ۱۹۹۰). تعامل پایاپای یک هنجار اجتماعی و یک قاعده جهانی است که می‌تواند برانگیزاننده نوع دوستی باشد. بر اساس این هنجار، محبت را باید با محبت، باز پس داد. به تعبیر دیگر، باید به کسانی که به ما کمک کرده‌اند کمک کنیم و اگر می‌خواهیم دیگران به ما کمک کنند باید در حق آنها محبت کنیم. هنجار برابری، قاعده‌ای است که بر اساس آن باید در یک رابطه اجتماعی، معادل با آنچه هزینه کرده‌ایم منفعت کسب کنیم (احمدی، ۱۳۸۸، به نقل از ویگینز^۵، ۱۹۹۴). در قالب این هنجار، به کسانی که برای جامعه زحمت کشیده‌اند

اما منفعت مناسبی دریافت نکرده‌اند، کمک می‌کنیم و به کسانی که خودشان مسؤول گرفتاری خودشان هستند کمک نمی‌کنیم (احمدی، ۱۳۸۸، به نقل از مقدم، ۱۹۹۸). در حقیقت اینکه چرا افراد زیادی به گدایان، معتادان و الکلی‌ها کمک نمی‌کنند ریشه در همین قاعده دارد زیرا مردم معتقدند افراد مذکور خودشان مسؤول به وجود آمدن این مشکلات هستند. هنجار بعدی مسئولیت اجتماعی نام دارد که در واقع یک اصل اخلاقی بنیادین است و بر اساس آن ما باید به افرادی که نیازمند هستند، مخصوصاً کسانی که به کمک ما وابسته‌اند، بدون هیچ چشم داشتی، کمک کنیم (احمدی، ۱۳۸۸، به نقل از بروکویتز^۶، ۱۹۷۲). این هنجار برخلاف دو قاعده قبلی که دربرگیرنده تحلیل هزینه - پاداش بودند، حکایت از نوع دوستی ناب و عدم خودخواهی دارد.

در چارچوب نظریه مبادله اجتماعی، هومنز رفتارهای اجتماعی را به عنوان یک تبادل دو طرفه بین افراد می‌داند که ممکن است نتیجه مثبت یا پاداش و یا نتیجه منفی به دنبال داشته باشند. او در این رابطه چند قضیه را از جمله قضیه موفقیت، انگیزه، ارزش، محرومیت-سیری و قضیه پرخاش-تأیید مطرح می‌کند (توسلی، ۱۳۸۸). طبق نظر هومنز، شرط احساس مسئولیت افراد هر جامعه‌ای نسبت به جامعه و مشارکت در فعالیت‌های جمعی به میزان پاداشی بر می‌گردد که افراد از رفتار خود دریافت کرده باشند. اگر مشارکت و یا احساس مسئولیت یک جانبه باشد و فقط از سوی افراد جامعه باشد و جامعه خود را مقید و ملزم به برآورده کردن خواسته و نیازهای مادی و معنوی افراد آن جامعه نکند مسلماً تمایل مردم هم برای انجام رفتارهای داوطلبانه کمتر شده و کم کم به خاموشی می‌گراید. بنابراین بی‌تفاوتی اجتماعی یک جاده یک طرفه نیست که ما از افراد جامعه انتظار مسئولیت‌پذیری و درگیری در مسایل جامعه داشته باشیم. جامعه نیز باید به نوبه خود محرک لازم برای درگیر شدن افراد در رفتارهای نوع‌دوستانه را فراهم کند.

¹ reciprocity

² equity

³ Social responsibility

⁴ Myers

⁵ Wiggins

⁶ Berkowitz

اما استرلین^۲ (به نقل از مسعودنیا، ۱۳۸۰: ۱۶۰) تبیینی اقتصادی و جمعیت‌شناختی از بی تفاوتی ارائه کرده است. با توجه به عوامل اقتصادی، استرلین استدلال می‌کند که اعضای گروه‌های سنی بزرگ‌تر، از نظر اقتصادی رنج می‌بینند و همین آنها را نسبت به امور اجتماعی و سیاسی سرخورده و بی تفاوت می‌سازد. لذا وی معتقد است که تمایلات و روندها در ارتباط با بی تفاوتی سیاسی، تا اندازه‌ای تابعی از تغییرپذیری نسلی در زمینه بهزیستی و رفاه اقتصادی است. به همین شکل، ویلنسکی (به نقل از همان) در نظریه خود بر این اعتقاد است که بی تفاوتی ممکن است تابعی از فرایند سالخوردگی باشد. احساس بی قدرتی، عدم اثر بخشی یا عدم کارایی، مبنای نظریه‌های مبتنی بر "جامعه پذیری عدم اثربخشی" را تشکیل می‌دهند. در نظریه‌هایی از این دست، جریان اجتماعی شدن و تجارب تدریجی در جامعه، از جمله عوامل تأثیرگذاری قلمداد می‌شوند که موجب سرخوردگی و دل‌مردگی اجتماعی افراد هستند. هر قدر افراد جامعه سطح بالایی از احساس عدم اثر بخشی در فرایندهای اجتماعی - سیاسی را تجربه کنند، احتمال بیشتری برای بی تفاوتی اجتماعی و بیگانگی از مسایل اجتماعی وجود دارد.

مفهوم سرمایه در حوزه اقتصاد، روان‌شناسی، علوم سیاسی، فلسفه، جغرافیا و جامعه‌شناسی کاربرد میان رشته‌ای دارد. جامعه‌شناسان کلاسیک هم چون دورکیم، وبر، مید، زیمل و حتی هومنز از ابعاد متفاوت به موضوع ارتباط میان افراد و آثار حاصل از آن توجه داشته‌اند، اما برخی از صاحب نظران معاصر مانند کلمن، بوردیو، پاتنام و کلاوس افه به طور خاص، در طراحی چارچوب نظری و روش‌شناختی سرمایه اجتماعی سهم به سزایی داشته‌اند (عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۶: ۱۱۹). از این رو، می‌توان گفت مفهوم سرمایه اجتماعی از دهه ۱۹۹۰ مورد توجه محافل دانشگاهی قرار گرفت (الوانی، ۱۳۷۸: ۲۹). خلاصه‌ای از نظرات هر یک از این اندیشمندان و نیز تعریف آنها از مفهوم سرمایه اجتماعی در جدول زیر آمده است.

لاولر و یون^۱ نیز از دو ایده اساسی در چارچوب مبادله اجتماعی که بر اهمیت تکرار مبادله متقابل دلالت می‌کند، یاد می‌کنند. قدرت ساختی، انگیزه‌هایی در کنشگران به وجود می‌آورد، بنابراین ارتباط مبادله‌ای به عنوان مجموعه‌ای از کنشهاست که بین کنشگران همسان در یک زمان به وجود می‌آید. تکرار مبادلات میان کنشگران، عوامل اجتماعی مانند تعهد اجتماعی، اعتماد بین اشخاص، توافق اجتماعی متقابل، احساس جمعی و وابستگی را به وجود می‌آورد، به علاوه ارتباط متقابل بر شکل‌گیری گروه و تعهد رفتاری اعضا مؤثر است؛ زیرا تکرار مبادلات یک فشار بیرونی روی مراحل تعهد ایجاد می‌کند (لاولر و یون، ۱۹۹۳، به نقل از سیدان و محمدی، ۱۳۸۸).

نظریه پردازان مبادله رعایت هنجارها و قواعد گروهی را برای به دست آوردن پاداش، تعهد می‌نامند. نظریه مبادله بر این فرض استوار است که افراد آرزوها و اهداف شخصی روشنی برای خود دارند. هر کس به چیزهایی خاص نیازمند است، اما برای همه افراد این نیازها مشترک نمی‌باشند. در این نظریه فرض می‌شود که اهداف و خواسته‌های شخصی و منحصر به فرد افراد، انگیزه‌های خودخواهانه‌ای در آنان به وجود می‌آورد که باعث پیدایش انگیزش در جهت دستیابی به کالاها، لذت و رضایت می‌گردد. این نظریه اعمال نوع دوستانه را با توجه به رضایت معنوی حاصل از این اعمال توضیح می‌دهد. اساس نظریه فوق بر این اصل استوار است که کنشگران در روابط تبادلی خود، منابعی را با یکدیگر مبادله می‌کنند که نتایج و پیامدهای ارزشمند این رابطه می‌تواند به شکل پولی، مادی و یا به شکل ناملموس حس خوشحالی و اعتماد به نفس تقویت شده در طرف مقابل ظاهر شود. در صورتی که نتایج مورد انتظار در روابط تبادلی به شکل مثبتی ظاهر شود باعث رضایت و تداوم رابطه تبادلی می‌شود در غیر این صورت، اگر رابطه تبادلی منفی باشد باعث انقطاع رابطه مبادله‌ای و نارضایتی افراد نسبت به آن می‌شود (مولم، ۱۹۹۲؛ به نقل از ایمان و مرادی، ۱۳۸۸: ۱۵۵-۱۷۴).

² Easterlin¹ Lowler & Yoon

جدول ۱- عناصر محوری دیدگاه‌های نظری در مورد سرمایه اجتماعی

نام محقق	تعریف سرمایه اجتماعی	سطح تحلیل	هدف
بورديو	مجموعه منابع بالفعل و بالقوه‌ای که با عضویت در شبکه پایداری از روابط، در دسترس فرد قرار می‌گیرد و خدمات متقابل را میسر می‌سازد.	گروهی	سرمایه اقتصادی
کلمن	جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی که کنشگران از آنها به عنوان منبع برای رسیدن به منافعشان استفاده می‌کنند.	فردی/گروهی	سرمایه انسانی
پاتنام	اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی که همکاری و مشارکت برای منافع متقابل را تسهیل می‌کند.	گروهی	توسعه سیاسی و دموکراسی
فوکویاما	اشتراک اعضای گروه در مجموعه‌ای از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی جافتاده	گروهی	توسعه اقتصادی
پکستن	روابط عینی میان افراد از یک طرف و پیوندهای ذهنی همان افراد از طرف دیگر	فردی/گروهی	-
تحلیل شبکه	سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی توسط افراد و دستیابی به پیوندهای اجتماعی مختلف که امکان دسترسی به منابع حمایتی و ابزاری متنوعی را فراهم می‌آورد.	فردی	منابع ابزاری و حمایتی متنوع

منبع: (لین، ۱۹۹۹:۲۹)

به طور کلی می‌توان گفت هر چه انسان‌ها مردمان بیشتری را بشناسند و هر چه با آنان وجه مشترک بیشتری داشته باشند، سرمایه اجتماعی افزون‌تری خواهند داشت، اما نوع و گستره این سرمایه از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است. سرمایه اجتماعی در جوامع سنتی ماقبل مدرن، بیشتر جنبه درون گروهی همراه با اعتماد محدود و خاص داشته است که امروز آن را به نام سرمایه اجتماعی قدیم می‌شناسند. در جوامع مدرن با نوع دیگری از سرمایه اجتماعی سرو کار داریم که بیشتر جنبه بین گروهی توأم با اعتماد تعمیم یافته و عام دارد و از آن با عنوان سرمایه اجتماعی جدید نام می‌برند (عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۶: ۱۹۶).

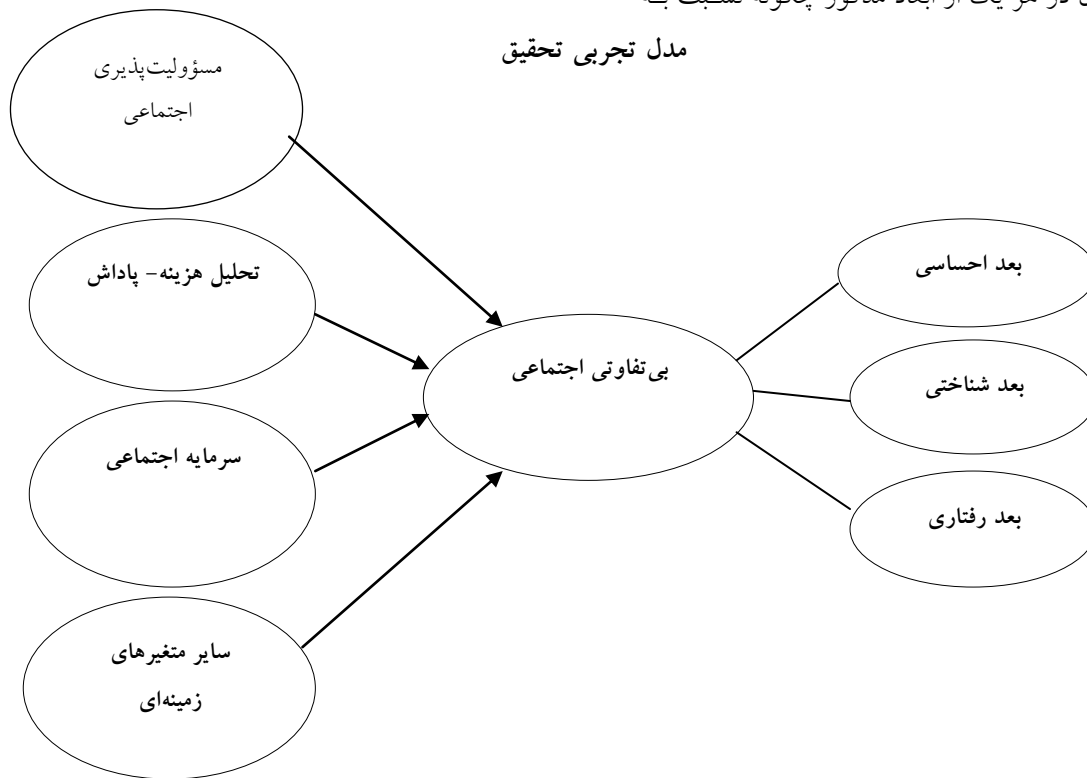
مدل نظری تحقیق

با توجه با آنچه در چارچوب نظری مطرح شد، در این پژوهش برای بررسی عوامل تأثیرگذار بر میزان بی‌تفاوتی اجتماعی از ترکیب سه نظریه: (۱) مبادله اجتماعی، (۲) مسئولیت‌پذیری اجتماعی و (۳) سرمایه اجتماعی استفاده شد. این نظریه‌ها به لحاظ پارادایم در سنت اثبات‌گرایی قرار می‌گیرند که با رویکرد کمی سعی در سنجش متغیرهای مذکور دارند. نظریه‌پردازان نظریه مبادله اجتماعی، معتقدند که

مبنای اعمال و رفتار انسان‌ها محاسبه سود و زیان و کسب سود و دوری از زیان است. در مورد بی‌تفاوتی هم اعتقاد این دیدگاه این است که افراد در هر موقعیتی به سرعت سود و زیان ناشی از انجام کار را محاسبه کرده و تصمیم به کاری می‌گیرند که بیشترین سود و کمترین زیان را داشته باشد. در موقعیت‌هایی که برای دیگران مشکلی پیش آمده باشد فرد به سرعت هزینه‌ها و پاداش‌های نوع‌دوستی و بی‌تفاوتی را بررسی کرده، در صورتی که هزینه کمک کردن پایین و هزینه کمک نکردن بالا باشد فرد ناظر اقدام به نوع‌دوستی خواهد کرد و در صورتی که هزینه کمک کردن بالا و هزینه کمک نکردن پایین باشد فرد ناظر با بی‌تفاوتی از کنار صحنه خواهد گذشت. در نظریه مسئولیت‌پذیری اجتماعی نیز، همان‌طور که آزمایش‌های پژوهشگران در مورد هنجارهای این نظریه نشان می‌دهد، به نظر می‌رسد هرچه درونی‌سازی هنجارهای تعامل پایاپای و برابری، که در ذات خود مستلزم نوعی تحلیل هزینه فایده نیز هستند، بیشتر و قوی‌تر باشد، تمایل به بی‌تفاوتی نیز بیشتر می‌شود و هرچه درونی‌سازی هنجار مسئولیت‌پذیری بیشتر و قوی‌تر باشد، تمایل به نوع‌دوستی و رفتارهای دگرخواهانه بیشتر می‌شود. در نهایت، متغیر سرمایه اجتماعی در این پژوهش مورد تأکید است و با توجه به اعتماد و روابط

هم‌نوعان خود واکنش نشان می‌دهند و چه نمره‌ای در خصوص بی تفاوتی اجتماعی به دست می‌آورند. در ادامه مدل تجربی تحقیق قابل مشاهده است.

مبتنی بر اعتماد، مشارکت گروهی، مشارکت در اجتماع محلی و روابط در شبکه‌های اجتماعی سنجیده می‌شود. در نهایت، متغیر وابسته تحقیق، یعنی بی تفاوتی اجتماعی در سه بعد رفتاری، شناختی و احساسی مد نظر قرار می‌گیرد تا مشخص شود پاسخگویان در هر یک از ابعاد مذکور چگونه نسبت به



است.

۷. میزان بی تفاوتی اجتماعی بر حسب رشته تحصیلی متفاوت است.

۸. میزان بی تفاوتی اجتماعی بر حسب مقطع تحصیلی متفاوت است.

روش‌شناسی

این پژوهش از نوع تحقیقات پیمایشی است که یکی از متداول‌ترین روش‌های تحقیق کمی در تحقیقات پهنانگر بوده و به لحاظ ماهیت کاربردی و به لحاظ زمانی مقطعی می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق کل دانشجویان دانشگاه اصفهان در سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ بوده و برای نمونه‌گیری از روش تصادفی طبقه‌بندی شده استفاده گردید. بدین صورت که ابتدا

فرضیه‌های تحقیق

با توجه به مدل تجربی تحقیق و نیز اهمیت متغیرهای زمینه‌ای، فرضیه‌های زیر استخراج می‌گردد:

۱. بین متغیر سرمایه اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی رابطه وجود دارد.

۲. بین متغیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی رابطه وجود دارد.

۳. بین متغیر تحلیل هزینه-پاداش و بی تفاوتی اجتماعی رابطه وجود دارد.

۴. میزان بی تفاوتی اجتماعی بر حسب سن متفاوت است.

۵. میزان بی تفاوتی اجتماعی بر حسب جنسیت متفاوت است.

۶. میزان بی تفاوتی اجتماعی بر حسب وضعیت تأهل متفاوت

سهم گروه‌های مختلف مانند رشته‌ها، مقاطع تحصیلی و جنسیت از جامعه آماری مشخص شد و به همان نسبت در نمونه به آنها سهم اختصاص داده شد. سپس به روش تصادفی از بین طبقات نمونه‌گیری صورت گرفت. (به علت تنوع زیاد رشته‌ها و گرایش‌های تحصیلی، رشته‌ها به پنج گروه کلی تقسیم شدند). حجم نمونه در این پژوهش، با استفاده از فرمول کوکران محاسبه شد و تعداد آن ۳۷۲ نفر به دست آمد. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS انجام شده است.

ابزار جمع‌آوری داده

در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخت استفاده شد. فرایند طراحی پرسشنامه بدین صورت

بود که ابتدا با استفاده از تجربیات تحقیقات پیشین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته بعدبندی و شاخص‌سازی شدند و پرسشنامه محقق ساخت طراحی شد. گویه‌های سنجش متغیرهای اصلی تحقیق بر اساس طیف لیکرت طراحی و از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف نمره‌دهی شدند. بعد از اتمام این مرحله، گویه‌های مذکور به نظر استادان و کارشناسان متخصص رسید تا دیدگاه‌های ایشان برای تعدیل و اصلاح گویه‌ها لحاظ شود و از این بابت اعتبار پرسشنامه محرز گردد. سپس پرسشنامه بین ۳۰ نفر از اعضای جامعه آماری توزیع و تکمیل گردید تا اندازه‌گیری میزان پایایی پرسشنامه نیز ممکن شود. در ادامه فرایند عملیاتی کردن متغیرها تشریح می‌شود.

جدول ۲- فرایند عملیاتی کردن متغیرهای تحقیق

متغیر	ابعاد	شاخص‌ها	تعداد گویه
پذیرش پیامدهای رفتاری خویش	قابل اعتماد بودن	پذیرش مجازات در صورت انجام خطا؛	۴
		تمایل به در معرض قضاوت دیگران قرار گرفتن؛	
		تمایل به جبران اشتباه و خطا؛	
		توانایی اعتراف به خطا و عذرخواهی	
تعهد اجتماعی	تعمد اجتماعی	مورد اطمینان دیگران قرار داشتن؛	۴
		رازدار و امین دیگران بودن؛	
		مورد علاقه دیگران قرار داشتن.	
		علاقتمندی به سرنوشت و آینده جامعه؛	
اهمیت پول	اهمیت پول	اهمیت قائل بودن نسبت به سرنوشت دیگران؛	۴
		رعایت قوانین و مقررات جامعه؛	
		رعایت حق و حقوق دیگران.	
		تمایل به کسب پول؛	
حسابگری و عقلانیت	حسابگری و عقلانیت	کسب موفقیت و پیشرفت با پول؛	۴
		محاسبه دقیق سود و ضرر؛	
		خطر نکردن در وضعیت‌های مبهم؛	
		دقت در خرج کردن پول؛	
نقد ارزش‌های سنتی	نقد ارزش‌های سنتی	پرهیز از ضرر پولی.	۲
		عدم تمایل به کسب اجر و ثواب.	
		صراحت و باز بودن: درخواست کمک؛	
		اعتماد: میزان اعتماد عمومی؛	
اعتماد و روابط مبتنی بر اعتماد	اعتماد و روابط مبتنی بر اعتماد	تمایل به همکاری در فعالیت جمعی	۴
		حسن ظن: پس دادن امانت در موقع مقرر.	
		عضویت یا همکاری در انجمن‌های داوطلبانه؛	
مشارکت گروهی	مشارکت گروهی		۳

۴	تلاش برای ایجاد انجمن‌های غیر دولتی؛ همکاری با نشریات و روزنامه‌ها. مشارکت در باشگاه‌ها و کلوب‌های محلی؛ مشارکت در گروه‌های دوستان و آشنایان؛ تلاش برای حل مشکلات دوستان؛ مشارکت در امور عمومی محله.	مشارکت در اجتماع محلی
۴	میزان مبادله هدایا میان دوستان؛ کمک مالی به دوستان یا دریافت کمک از آنها؛ تنوع در عضویت گروه‌های مختلف در جامعه؛ شرکت در اردوهای علمی، تفریحی با دوستان.	روابط در شبکه‌های اجتماعی
۵	حس دلسوزی هنگام گرفتاری دیگران داشتن؛ خود را جای دیگران گذاشتن و توانایی همدردی؛ همدردی کردن با افراد در هنگام مشکلاتشان؛ بیزاری از افراد بی تفاوت به مشکلات دیگران.	بعد احساسی
۶	درگیری ذهنی داشتن برای مشکلات دیگران؛ کمک به دیگران در سختی را وظیفه دانستن؛ پشیمانی از کمک نکردن به افراد در سختی‌ها؛ کمک به فرد حادثه دیده؛ کمک به فرد مستمند؛ کمک به فرد در راه مانده؛ اهدای خون به بیمار نیازمند؛ اقدام برای مصالحه بین طرفین دعوا؛ زنگ زدن به پلیس هنگام مشاهده نزاع.	بعد شناختی
۷		بعد رفتاری

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷

پایایی پرسشنامه

برای احراز پایایی، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج تحلیل نشان داد برخی گویه‌ها بهتر است حذف یا جایگزین شوند. سپس پرسشنامه اصلاح شده توسط ۳۰ نفر دیگر تکمیل شد و این بار داده‌ها حاکی از دقت قابل قبول پرسشنامه در اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق بود.

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

توزیع دانشجویان در پنج رشته کلی و به تفکیک زن و مرد در جدول زیر ملاحظه می‌شود. دانشجویان مرد در رشته‌های علوم انسانی ۱۵,۵ درصد از کل دانشجویان را تشکیل می‌دادند و دانشجویان زن در رشته‌های علوم انسانی ۲۷,۹ درصد از کل دانشجویان مورد مطالعه را تشکیل داده‌اند. به همین ترتیب تمام خانه‌های جدول زیر را می‌توان تفسیر کرد. همان‌طور که در نمودار مشخص شده است، بیشتر دانشجویان مطالعه شده، در رشته‌های علوم انسانی تحصیل می‌کنند و نسبت دانشجویان رشته‌های تربیت بدنی از همه گروه‌ها کمتر است. (البته این بدین خاطر است که تعداد رشته‌هایی که در گروه

جدول ۳- نتایج تحلیل گویه‌ها با ضریب آلفای کرونباخ

متغیر	ضریب
تحلیل هزینه پاداش	۰/۶۹۱
مسئولیت پذیری اجتماعی	۰/۶۱۱
بی تفاوتی اجتماعی	۰/۸۸۰
سرمایه اجتماعی	۰/۷۷۵

علوم انسانی ادغام کرده‌ایم بیشتر از سایر گروه‌ها بوده است) همچنین در نمودار زیر مشخص می‌شود که نسبت دانشجویان زن در رشته‌های علوم انسانی، علوم پایه و زبان‌های خارجی از تربیت بدنی نسبت دانشجویان زن و مرد یکسان است. نسبت دانشجویان مرد بیشتر است، ولی در رشته‌های فنی و مهندسی زن در رشته‌های

جدول ۴- توزیع درصد فراوانی دانشجویان رشته‌های مختلف

رشته تحصیلی					
علوم	علوم	فنی	زبانهای	تربیت	
انسانی	پایه	مهندسی	خارجی	بدنی	
۱۵/۵	۵/۹	۱۳/۷	۲/۴	۱/۸	درصد
					مرد
۲۷/۹	۱۴/۷	۹/۴	۶/۴	۱/۸	درصد
					زن

در جدول زیر تعداد دانشجویان رشته‌های مختلف به تفکیک مقاطع تحصیلی آورده شده است. مثلاً تعداد دانشجویان کارشناسی در رشته‌های زبان‌های خارجی ۲۱ نفر، دانشجویان کارشناسی ارشد زبان‌های خارجی ۵ نفر بوده است. دانشجویان دکترا زبان‌های خارجی ۲۱ نفر،

جدول ۵- توزیع فراوانی دانشجویان مقاطع مختلف

رشته تحصیلی						
علوم	علوم	فنی	زبانهای	تربیت	جمع	
انسانی	پایه	مهندسی	خارجی	بدنی		
۸۸	۴۵	۵۷	۲۱	۸	۲۱۹	کارشناسی
۴۹	۲۲	۲۳	۷	۴	۱۰۵	کارشناسی ارشد
۲۵	۱۰	۶	۵	۲	۴۸	دکترا
۱۶۲	۷۷	۸۶	۳۳	۱۴	۳۷۲	جمع
۴۳/۵	۲۰/۷	۲۳/۱	۸/۹	۳/۸	۱۰۰	درصد

جدول ۶- میزان تحلیل هزینه - پاداش بین دانشجویان نمونه آماری

کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف	وایانس	ضریب	ضریب	
			معیار		چولگی	کشیدگی	
۱/۶۷	۵/۰۰	۳/۲۸	۰/۵۹	۰/۳۵	-۰/۱۹	-۰/۲۵	تحلیل هزینه - پاداش

بررسی به عمل آمده بیانگر آن است که میانگین تحلیل هزینه - پاداش این افراد در یک مقیاس ۵ درجه‌ای ۳,۲۸ است؛ یعنی در حد بالای متوسط قرار دارد. متوسط پراکندگی تحلیل هزینه پاداش دانشجویان از میانگین (انحراف معیار)

۰,۵۹۶ است. همچنین، کمترین میزان این متغیر در این نمونه ۱,۶۷ و بیشترین آن ۵ بوده است. ضریب چولگی (۰,۱۹۱-) نشان می‌دهد بیشتر افراد، در این متغیر بالاتر از میانگین قرار گرفته‌اند. ضریب کشیدگی منفی (۰,۲۵۹-) هم به این معنا است که شباهت نمونه مورد بررسی در این متغیر کمتر از حد نرمال است.

جدول ۷- میزان مسئولیت‌پذیری اجتماعی بین دانشجویان

کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار	وایانس	ضریب چولگی	ضریب کشیدگی
۲,۵۴	۴,۹۲	۴,۱۱	۰,۴۷	۰,۱۶۶	-۰,۳۸۸	۰,۰۲۰

میانگین مسئولیت‌پذیری اجتماعی در بین افراد مطالعه شده، از یک مقیاس ۵ درجه‌ای مقدار ۴,۱۱ بوده است که بیانگر مسئولیت‌پذیری اجتماعی در حد زیاد است. کمترین مقدار ۲,۵۴ و بیشترین مقدار کسب شده در بین افراد در این متغیر ۴,۹۲ بوده است. متوسط انحراف از میانگین در این متغیر ۰,۴۷ بوده است. ضریب چولگی -۰,۳۸۸ بوده است که نشان از وجود داده‌های پرت در سمت چپ میانگین (کمتر از میانگین) دارد؛ به عبارت دیگر بیشتر افراد در این متغیر، بالاتر از میانگین نمره گرفته‌اند. ضریب کشیدگی مثبت (۰,۰۲۰) نشان می‌دهد که شباهت این افراد در این متغیر اندکی بیشتر حد نرمال بوده است.

جدول ۸- میزان بی تفاوتی اجتماعی بین دانشجویان

کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار	وایانس	ضریب چولگی	ضریب کشیدگی
۱	۳,۲۹	۱,۹۳	۰,۴۸۹	۰,۲۴۰	۰,۲۴۲	-۰,۵۹۰

میانگین بی تفاوتی اجتماعی در بین افراد مطالعه شده، از یک مقیاس ۵ درجه‌ای مقدار ۱,۹۳ بوده است که بیانگر بی تفاوتی اجتماعی در حد پایین است. کمترین مقدار ۱ و بیشترین مقدار کسب شده در بین افراد در این متغیر ۳,۲۹ بوده است. متوسط انحراف از میانگین در این متغیر ۰,۴۸۹ بوده است. ضریب چولگی ۰,۲۴۲ بوده است که نشان از وجود داده‌های پرت در سمت راست میانگین (بیشتر از میانگین) دارد؛ به عبارت دیگر بیشتر افراد در این متغیر، کمتر از میانگین نمره گرفته‌اند. ضریب کشیدگی منفی (۰,۵۹۰-) نشان می‌دهد که شباهت این افراد در این متغیر کمتر حد نرمال بوده است.

جدول ۹- میزان سرمایه اجتماعی بین دانشجویان

کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار	وایانس	ضریب چولگی	ضریب کشیدگی
۱,۸۰	۴,۶۰	۳,۱۳۸	۰,۴۹۴	۰,۲۴۵	-۰,۱۲۹	۰,۱۵۳

بررسی به عمل آمده بیانگر آن است که میانگین سرمایه اجتماعی این افراد در یک مقیاس ۵ درجه‌ای ۳,۱۳۸ است؛ یعنی در حد بالای متوسط قرار دارد. متوسط پراکندگی سرمایه اجتماعی دانشجویان از میانگین (انحراف معیار) ۰,۴۹۴ است. همچنین، کمترین میزان این متغیر در این نمونه ۱,۸۰ و بیشترین آن ۴,۶۰ بوده است. ضریب چولگی (۰,۱۲۹-) نشان می‌دهد بیشتر افراد، در این متغیر بالاتر از میانگین قرار گرفته‌اند. ضریب کشیدگی مثبت (۰,۱۵۳) هم به این معنا است که شباهت نمونه مورد بررسی در این متغیر بیشتر از حد نرمال است.

(ب) یافته‌های استنباطی

جدول ۱۰- نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین سرمایه اجتماعی با میزان بی‌تفاوتی اجتماعی

آزمون آماری	بی‌تفاوتی اجتماعی / سرمایه اجتماعی
ضریب همبستگی پیرسون	۰,۳۴۰-***
سطح معناداری	۰,۰۰۰
تعداد معتبر	۳۷۲

*** با سطح معناداری کمتر از ۱ درصد

فرضیه ۲: به نظر می‌رسد بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و بی‌تفاوتی اجتماعی ارتباط معناداری وجود دارد. نتایج به دست آمده از انجام آزمون پیرسون بین دو متغیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معناداری را نشان می‌دهد. در این باره ضریب همبستگی برابر با ۰,۶۲۴- و سطح معناداری آن مطلوب می‌باشد ($\text{sig} = ۰,۰۰۰$) این نتایج نشان می‌دهد که این دو متغیر ارتباط منفی و قوی با هم دارند؛ یعنی اگر مسئولیت‌پذیری اجتماعی کاهش یابد بی‌تفاوتی اجتماعی افزایش می‌یابد و اگر مسئولیت‌پذیری اجتماعی افزایش یابد بی‌تفاوتی اجتماعی کاهش پیدا می‌کند.

فرضیه ۳: به نظر می‌رسد بین تحلیل هزینه-پاداش و بی‌تفاوتی اجتماعی ارتباط معنادار وجود دارد. نتایج به دست آمده از انجام آزمون پیرسون بین دو متغیر تحلیل هزینه-پاداش و بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معناداری را نشان می‌دهد. در این باره ضریب همبستگی برابر با ۰,۶۲۴- و سطح معناداری آن مطلوب می‌باشد ($\text{sig} = ۰,۰۰۰$) این نتایج نشان می‌دهد که این دو متغیر ارتباط منفی و قوی با هم دارند؛ یعنی اگر تحلیل هزینه-پاداش کاهش یابد بی‌تفاوتی اجتماعی افزایش می‌یابد و اگر تحلیل هزینه-پاداش افزایش یابد بی‌تفاوتی اجتماعی کاهش پیدا می‌کند.

جدول ۱۱- نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی با میزان بی‌تفاوتی اجتماعی

آزمون آماری	بی‌تفاوتی اجتماعی / مسئولیت‌پذیری اجتماعی
ضریب همبستگی پیرسون	۰,۶۲۴-***
سطح معناداری	۰,۰۰۰
تعداد معتبر	۳۷۲

*** با سطح معناداری کمتر از ۱ درصد

فرضیه ۳: به نظر می‌رسد بین تحلیل هزینه-پاداش و بی‌تفاوتی اجتماعی ارتباط معنادار وجود دارد. نتایج به دست آمده از انجام آزمون پیرسون بین دو متغیر تحلیل هزینه-پاداش و بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معناداری را

فرضیه ۳: به نظر می‌رسد بین تحلیل هزینه-پاداش و بی‌تفاوتی اجتماعی ارتباط معنادار وجود دارد. نتایج به دست آمده از انجام آزمون پیرسون بین دو متغیر تحلیل هزینه-پاداش و بی‌تفاوتی اجتماعی رابطه معناداری را

دارند؛ یعنی اگر تحلیل هزینه-پاداش کاهش یابد بی تفاوتی اجتماعی نیز کاهش می یابد و اگر این یکی افزایش یابد آن دیگری نیز افزایش پیدا می کند.

نشان می دهد. در این باره ضریب همبستگی برابر با $0,108$ و سطح معناداری آن مطلوب می باشد ($\text{sig} = 0,037$). این نتایج نشان می دهد که این دو متغیر ارتباط مثبت اما ضعیفی با هم

جدول ۱۲- نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین تحلیل هزینه- پاداش با میزان بی تفاوتی اجتماعی

بی تفاوتی اجتماعی / تحلیل هزینه پاداش	آزمون آماری
$0,108^*$	ضریب همبستگی پیرسون
$0,037$	سطح معناداری
372	تعداد معتبر

* با سطح معناداری کمتر از ۵ درصد

سن و بی تفاوتی اجتماعی رابطه معناداری را نشان نمی دهد. در این باره ضریب همبستگی برابر با $-0,64$ و سطح معناداری آن نامطلوب می باشد ($\text{sig} = 0,219$).

فرضیه ۴: به نظر می رسد میزان بی تفاوتی اجتماعی بر حسب سن متفاوت است. نتایج به دست آمده از انجام آزمون پیرسون بین دو متغیر

جدول ۱۳- نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین سن با میزان بی تفاوتی اجتماعی

بی تفاوتی اجتماعی / سن پاسخگویان	آزمون آماری
$-0,64^*$	ضریب همبستگی پیرسون
$0,219$	سطح معناداری
372	تعداد معتبر

* با سطح معناداری کمتر از ۵ درصد

مطلوب می باشد. پس این فرضیه تأیید می گردد و می توان نتیجه گرفت که میزان بی تفاوتی اجتماعی و جنسیت با یکدیگر ارتباط معنادار دارند و به عبارت دیگر میانگین بیشتر بی تفاوتی اجتماعی در بین مردان در مقایسه با زنان معنادار است.

فرضیه ۵: به نظر می رسد میزان بی تفاوتی اجتماعی بر حسب جنسیت متفاوت است. بررسی های آماری نشان می دهد میزان بی تفاوتی مردان (با میانگین $2,016$) و زنان (با میانگین $1,88$) با یکدیگر تفاوت معنادار دارند. یافته های به دست آمده حاکی از آن است که آماره t برابر با $2,071$ و سطح معناداری حاصل $0,011$

جدول ۱۴- نتایج آزمون t دو نمونه مستقل پیرامون بی تفاوتی اجتماعی بر حسب جنسیت

جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	sig
مرد	۱۴۷	$2,016$	$0,482$	$2,071$	$0,011$
زن	۲۲۵	$1,88$	$0,488$		

بررسی های آماری نشان می دهد میزان بی تفاوتی افراد مجرد (با میانگین $1,97$) و افراد متأهل (با میانگین $1,77$) با

فرضیه ۶: به نظر می رسد میزان بی تفاوتی اجتماعی بر حسب وضعیت تأهل متفاوت است

یکدیگر تفاوت معنادار دارند. یافته‌های به دست آمده حاکی از آن است که آماره t برابر با ۲,۹۴۸ و سطح معناداری حاصل ۰,۰۰۳ مطلوب می‌باشد. پس این فرضیه تأیید می‌گردد و می‌توان نتیجه گرفت که میزان بی تفاوتی اجتماعی و وضعیت تأهل با یکدیگر ارتباط معنادار دارند و میانگین بی تفاوتی اجتماعی در بین افراد مجرد بیشتر از افراد متأهل است.

جدول ۱۵- نتایج آزمون t دو نمونه مستقل پیرامون بی تفاوتی اجتماعی بر حسب وضعیت تأهل

وضعیت تأهل	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	sig
بی تفاوتی مجرد	۳۰۶	۱,۹۷	۰,۴۸۵	۲,۹۴۸	۰,۰۰۳
اجتماعی متأهل	۶۶	۱,۷۷	۰,۴۸۰		

فرضیه ۷: به نظر می‌رسد میزان بی تفاوتی اجتماعی بر حسب رشته تحصیلی متفاوت است. نتایج بررسی‌های آماری بین دو متغیر رشته تحصیلی و بی تفاوتی اجتماعی، نشانگر آن است که میانگین نمره بی تفاوتی اجتماعی کسانی که رشته تحصیلی آنها علوم انسانی است ۱,۹۱، علوم پایه و زیست ۱,۹۴، فنی مهندسی ۱,۹۴، زبان‌های خارجی ۱,۹۳ و تربیت بدنی و علوم ورزشی ۲,۱۲ می‌باشد. در این راستا آزمون تحلیل واریانس یک طرفه معنادار نشده است. چون مقدار آزمون F برابر با ۰,۶۴۳ و سطح معناداری برآورد شده قابل قبول نیست. ($\text{sig} = ۰,۶۳۲$). بنابراین می‌توان گفت بین رشته تحصیلی و بی تفاوتی اجتماعی ارتباط معناداری وجود ندارد و تفاوت‌های مشاهده شده ناشی از خطای نمونه‌گیری است.

جدول ۱۶- نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه پیرامون بی تفاوتی اجتماعی و رشته تحصیلی

رشته	تعداد	میانگین	درجه آزادی	مقدار F	سطح معناداری
علوم انسانی	۱۶۲	۱,۹۱	۴	۰,۶۴۳	۰,۶۳۲
علوم پایه و زیست	۷۷	۱,۹۴			
فنی و مهندسی	۸۶	۱,۹۴			
زبان‌های خارجی	۳۳	۱,۹۳			
تربیت بدنی و علوم ورزشی	۱۴	۲,۱۲			

فرضیه ۸: به نظر می‌رسد میزان بی تفاوتی اجتماعی بر حسب مقطع تحصیلی متفاوت است. نتایج بررسی‌های آماری بین دو متغیر مقطع تحصیلی و بی تفاوتی اجتماعی، نشانگر آن است که میانگین نمره بی تفاوتی اجتماعی کسانی که مقطع تحصیلی آنها کارشناسی است ۱,۹۵، کارشناسی ارشد ۱,۹۲، دکترا ۱,۸۸ می‌باشد. در این راستا آزمون تحلیل واریانس یک طرفه معنادار نشده است. چون مقدار آزمون F برابر با ۰,۵۰۸ و سطح معناداری برآورد شده قابل قبول نیست. ($\text{sig} = ۰,۶۰۲$). بنابراین می‌توان گفت بین مقطع تحصیلی و بی تفاوتی اجتماعی ارتباط معناداری وجود ندارد.

جدول ۱۷- نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه پیرامون بی تفاوتی اجتماعی و مقطع تحصیلی

مقطع	تعداد	میانگین	درجه آزادی	مقدار F	سطح معناداری
کارشناسی	۲۱۹	۱,۹۵	۲	۰,۵۰۸	۰,۶۰۲
کارشناسی ارشد	۱۰۵	۱,۹۲			
دکترا	۴۸	۱,۸۸			

مدل رگرسیون چند متغیره

در بررسی روابط آماری فرضیات مختلف تحقیق، متغیرها به صورت دوجه دو مورد تحلیل قرار گرفتند. حال برای مطالعه تأثیر هم‌زمان متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته از تحلیل رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. در این تحلیل از روش گام به گام (stepwise) کمک گرفته‌ایم. نتایج حاصل بیانگر آن است که از میان متغیرهای سن، مقطع تحصیلی، تحلیل هزینه - پاداش، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و سرمایه اجتماعی، فقط متغیرهای تحلیل هزینه - پاداش، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و سرمایه اجتماعی وارد معادله شده‌اند. در زیر به توصیف نتایج می‌پردازیم:

ضریب رگرسیون (b): نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که ضریب رگرسیون متغیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی برابر با ۰,۶۹۲- و متغیر سرمایه اجتماعی ۰,۱۶۴- و متغیر تحلیل هزینه - پاداش ۰,۸۶- می‌باشد.

ضریب رگرسیون استاندارد شده (Beta): طبق یافته‌های حاصل، بتای متغیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی برابر با ۰,۵۷۶- و بتای متغیر سرمایه اجتماعی ۰,۱۶۶- و بتای متغیر تحلیل

هزینه - پاداش ۰,۱۰۴ برآورد شده است.

ضریب تعیین (R^2): در این مطالعه ضریب تعیین برابر با ۰,۴۲۸ گزارش شده است. این یافته بدین معناست که متغیرهای وارد شده به معادله توانسته‌اند ۴۲ درصد از واریانس تغییرات مربوط به متغیر وابسته را تبیین نمایند.

ضریب تعیین تعدیل یافته (R^2_{Ad}): این ضریب مربع همبستگی تعدیل شده را نشان می‌دهد که در این تحقیق برابر با ۰,۴۲۳ می‌باشد. این معیار نسبت به R^2 حقیقی ترست زیرا الزاماً با افزایش تعداد متغیرهای مستقل افزایش نمی‌یابد، درحالی‌که مقدار R^2 تابع تعداد متغیرهای مستقل است.

متغیرهای وارد شده به معادله رگرسیون از طریق روش گام به گام عبارتند از:

متغیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی

متغیر سرمایه اجتماعی

متغیر تحلیل هزینه - پاداش

متغیرهای بیرون مانده از معادله رگرسیونی عبارتند از:

متغیر سن

متغیر مقطع تحصیلی

جدول ۱۸- نتایج آزمون تحلیل رگرسیون درباره عوامل موثر بر بی تفاوتی اجتماعی

نام متغیر	R	R^2	R^2_{Ad}	F	Sig ANOVA
متغیرهای مستقل	۰,۶۵۴	۰,۴۲۸	۰,۴۲۳	۹۱,۶۰۳	۰,۰۰۰

جدول ۱۹- ضرایب آزمون تحلیل رگرسیون درباره عوامل موثر بر بی تفاوتی اجتماعی

نام متغیر	Beta	ضریب B	Sig
متغیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی	-۰,۵۷۶	-۰,۶۹۲	۰,۰۰۰
متغیر سرمایه اجتماعی	-۰,۱۶۶	-۰,۱۶۴	۰,۰۰۰
متغیر تحلیل هزینه - پاداش	۰,۱۰۴	۰,۰۸۶	۰,۰۰۸

با توجه به نتایج حاصل می‌توان معادلات رگرسیونی

استاندارد و غیراستاندارد را چنین نوشت:

● معادله رگرسیون غیراستاندارد چنین است:

$$Y' = a + b_1X_1 + b_2X_2 + \dots + b_kX_k$$

(تحلیل هزینه - پاداش) (۰,۰۸۶) + (سرمایه اجتماعی)

(۰,۱۶۴) - + (مسئولیت‌پذیری اجتماعی) (-۰,۶۹۲) + ۵۰,۰۱۹ =

بی‌تفاوتی اجتماعی

تفسیر این معادله بدین معناست که با افزایش هر واحد متغیر مستقل، نمره متغیر وابسته به اندازه چند واحد ضریب رگرسیون (b) تغییر می‌کند. پس می‌توان گفت با هر واحد افزایش در مسئولیت‌پذیری اجتماعی، شاهد کاهش مقداری برابر با ۰,۶۹۲ واحد در بی‌تفاوتی اجتماعی هستیم. یا با افزایش هر واحد در سرمایه اجتماعی، بی‌تفاوتی اجتماعی ۰,۱۶۴ واحد کاهش خواهد یافت. در مقابل با هر واحد افزایش در تحلیل هزینه - پاداش، بی‌تفاوتی اجتماعی ۰,۰۸۶ واحد کاهش خواهد داشت.

معادله رگرسیون استاندارد نیز به این صورت نوشته

می‌شود:

$$zY' = B_1Z_1 + B_2Z_2 + \dots + B_kZ_k$$

(تحلیل هزینه - پاداش) (۰,۱۰۴) + (سرمایه اجتماعی)

(۰,۱۶۶) - + (مسئولیت‌پذیری اجتماعی) (-۰,۵۷۶) = بی‌تفاوتی

اجتماعی

ارقام مندرج در معادله به این معناست که با افزایش یک واحد انحراف استاندارد مسئولیت‌پذیری اجتماعی، میزان بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان به اندازه ۰,۵۷۶ واحد کاهش می‌یابد و به ازای هر واحد افزایش در انحراف استاندارد سرمایه اجتماعی، ۰,۱۶۶ واحد کاهش در انحراف استاندارد بی‌تفاوتی اجتماعی را شاهد خواهیم بود. در مقابل با افزایش یک واحد در انحراف استاندارد تحلیل هزینه - پاداش، شاهد ۰,۱۰۴ واحد افزایش در انحراف استاندارد در بی‌تفاوتی اجتماعی خواهیم بود. در این معادله به خاطر این که ضرایب استاندارد شده‌اند، به خوبی می‌توان به نسبت تأثیر هر یک از

متغیرها بر متغیر وابسته پی برد.

نتیجه‌گیری

بی‌تفاوتی اجتماعی یکی از عوارض زندگی مدرن شهری و عامل تهدید کننده انسجام اجتماعی است. هدف اصلی این پژوهش بررسی میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان و همچنین بررسی ارتباط آن با سه متغیر سرمایه اجتماعی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تحلیل هزینه - پاداش بود. یافته‌های پژوهش حاکی از پایین بودن میزان بی‌تفاوتی اجتماعی در این جامعه آماری است که در کوتاه مدت تهدیدی را متوجه جامعه نمی‌کند، اما به معنای غفلت از موضوع و نادیده انگاشتن آن نیست.

ارتباط بین سرمایه اجتماعی و بی‌تفاوتی اجتماعی با ضریب همبستگی ۰/۳۴ - حاکی از معناداری و معکوس بودن رابطه است. سرمایه اجتماعی می‌تواند تأثیر بازدارندگی بر بی‌تفاوتی اجتماعی داشته باشد. در واقع، در بسیاری از تحقیقات به اثبات رسیده که سرمایه اجتماعی اثرات مثبتی بر اجتماع داشته و از بسیاری از مسائل اجتماعی پیشگیری می‌کند. آنچه از نتایج این پژوهش دریافت می‌شود، همخوان با دیگر پژوهش‌ها حاکی از تأثیر مثبت سرمایه اجتماعی در تقویت و تحکیم ارتباطات اجتماعی است. همچنین، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هرچه مسئولیت‌پذیری اجتماعی بیشتر شود از میزان بی‌تفاوتی اجتماعی کاسته می‌شود. ضریب همبستگی ۰/۶۲ - حاکی از قوی بودن این رابطه است و توجه ما را به اهمیت این متغیر در تأثیرگذاری بر میزان بی‌تفاوتی اجتماعی بیش از پیش معطوف می‌کند. با توجه به اینکه این پژوهش به طور خاص روی گروهی از جوانان که پتانسیل بالایی برای نقش آفرینی در جامعه دارند انجام گرفت، توجه به نقش جوانان در ارتقای سلامت جامعه و بهبود روابط اجتماعی برجسته می‌شود. جوانان جمعیت وسیعی را تشکیل می‌دهند و برنامه‌ریزی و بسترسازی فرهنگی برای آنها می‌تواند به بهبود زندگی در کل جامعه کمک شایانی بکند. از

این رو تقویت مسئولیت پذیری اجتماعی جوانان و ایجاد انگیزه در آنها برای مشارکت اجتماعی مؤثر، به استحکام و رشد ارزش ها، اصول و تعهدات در جامعه کمک کرده، فرایند توسعه کشور را بیمه می کند و برای خود جوانان نیز حامل خیر و برکت است. توجه به کار و خدمات داوطلبانه اجتماعی، از جمله فضا سازی برای مشارکت فعالانه در سازمان های مردم نهاد (NGO) در عین تکریم مردم و رعایت ضوابط و مقررات نه تنها سرمایه اجتماعی را ارتقا می بخشد، بلکه می تواند به جوانان آموزش دهد که باید مسئولیت پذیری خود را در جامعه به نمایش بگذارند و نشان دهند که به سرنوشت خود و دیگران علاقمند هستند.

اما بررسی ارتباط بین متغیر تحلیل هزینه - پاداش و بی تفاوتی اجتماعی ما را به این نتیجه می رساند که یک ارتباط معکوس ضعیف اما معنادار بین این دو متغیر وجود دارد. بر اساس نتیجه گیری های نظریه پردازان نظریه مبادله اجتماعی، چون در فرایند نوع دوستی به خصوص در حالت هایی که ناظر با نیازمند تنهاست، منفعت ملموسی وجود ندارد و حتی هزینه هایی نیز ممکن است بر فرد ناظر تحمیل شود، افرادی که بیشتر بر مبنای تحلیل هزینه - پاداش مادی عمل می کنند کمتر تمایل به نوع دوستی دارند و بنابراین بی تفاوتی اجتماعی بیشتری از خود نشان می دهند. طبق نظریه مبادله اجتماعی، که مدعی ارتباط قوی بین حسابگری (تحلیل هزینه - پاداش) و بی تفاوتی اجتماعی است، رابطه معناداری بین این دو متغیر یافت شد.

در خصوص سایر فرضیه های پژوهش، بررسی ارتباط بین متغیرهای فردی و جمعیت شناختی با متغیر بی تفاوتی اجتماعی نشان می دهد که سن افراد تأثیری بر بی تفاوتی اجتماعی ندارد. این یافته با نتایج پژوهش اسمیت (۲۰۰۵؛ به نقل از احمدی، ۱۳۸۸) که می گوید با افزایش سن، تمایل به بی تفاوتی افزایش می یابد همخوانی ندارد. البته باید توجه داشت که در پژوهش حاضر تفاوت های سنی افراد مورد مطالعه از نوسان زیادی برخوردار نیست و چه بسا اگر

گروه های سنی با اختلاف بیشتری مورد مطالعه قرار گیرند، نتایج مطالعه اسمیت تأیید شود. پژوهش های آینده می توانند این مطلب را مد نظر قرار دهند. در پژوهش حاضر جنسیت نیز بر بروز بی تفاوتی تأثیر دارد. تحقیقات ایگلی و کرالی^۱ (۱۹۸۶؛ به نقل از احمدی، ۱۳۸۸) بیانگر آن است که در هنگام وقوع حالت های اضطراری مردان بی تفاوتی کمتری نسبت به زنان نشان می دهند، اما بر اساس مطالعات ون لنگ و همکاران^۲ (۱۹۹۷) این لزوماً به معنای نوع دوست تر بودن مردان نیست. یافته پژوهش حاضر که طی آن میزان بی تفاوتی اجتماعی بین دو جنس برابر نبود با پژوهش فوق انطباق دارد و نتایج آن را تأیید می کند. وضعیت تأهل نیز به عنوان یکی دیگر از متغیرهای زمینه ای، بر میزان بی تفاوتی اجتماعی تأثیرگذار است. این یافته با نتایج پژوهش اسمیت (۲۰۰۵؛ به نقل از احمدی، ۱۳۸۸) که نشان می دهد بی تفاوتی اجتماعی در بین افراد متأهل کمتر از افراد مجرد است تطابق دارد. در توجیه این یافته، شاید بتوان ادعا کرد که قرار گرفتن در پیوند زناشویی و ایفای نقش های خانوادگی، التزام اخلاقی و عملی بیشتری را برای زندگی اجتماعی در پی دارد و افراد متأهل را در مقایسه با افراد مجرد از حساسیت پذیری بیشتری نسبت به محیط پیرامون و افراد آن برخوردار می کند. بررسی دقیق تر این فرضیه نیازمند تحقیقات بیشتر است که می تواند به عنوان یک پیشنهاد علمی مطرح شود. در نهایت، میزان بی تفاوتی اجتماعی بر حسب متغیرهای مقطع و رشته تحصیلی تغییر معناداری نداشت که بررسی دقیق تر علل آن موکول به تحقیقات آینده است.

محدودیت پژوهش

- مهم ترین محدودیت حساس بودن سنجش بی تفاوتی اجتماعی است. چند بعدی بودن آن نیز موجب پیچیدگی بیشتر می شود. لذا در ارائه هرگونه حکم قطعی درباره میزان و

¹ Eagly and Crowley

² Van Lange, et al.

نحوه سنجش بی‌تفاوتی اجتماعی باید با احتیاط عمل کرد.

منابع

- احمدی، سیروس. (۱۳۸۸). «بررسی نوع‌دوستی در روابط روزمره اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، ش ۲، صص ۸۷-۱۰۸.
- ارونسون، الیوت. (۱۳۸۶). روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه: حسین شکرکن، تهران: انتشارات رشد، چاپ سوم.
- الوانی، مهدی. (۱۳۸۰). «نقش مدیریت در ایجاد و توسعه سرمایه اجتماعی»، مجله تدبیر، ش ۱۰۰، ص ۲۹-۳۲.
- ایسنا. (۱۳۹۳). «جزییات اسیدپاشی‌های اخیر به زنان اصفهانی» پنجشنبه ۲۴ مهرماه. برگرفته از لینک: <http://www.isna.ir>
- ایمان، محمد تقی و مرادی، گلمراد. (۱۳۸۸). «بررسی رابطه بین رضایت اجتماعی و هویت ملی با تعهد اجتماعی جوانان شیراز»، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیستم. ش ۳۳ (۲)، صص ۱۵۵-۱۷۴.
- توسلی، غلامعباس. (۱۳۸۸). نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی. چاپ پانزدهم.
- سیدان، فریبا و محمدی، خدیجه. (۱۳۸۸). «عوامل مؤثر بر میزان تعهد اجتماعی در زنان و مردان شاغل»، خردنامه همشهری، ش ۳۹، ص ۳.
- عبداللهی، محمد و میرطاهر، موسوی. (۱۳۸۶). «سرمایه اجتماعی در ایران وضعیت موجود دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار»، فصلنامه رفاه اجتماعی، ش ۲۵، صص ۱۹۵-۲۳۳.
- کریمی، یوسف. (۱۳۸۱). روان‌شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات ارسباران.
- کلانتري، صمد؛ ادیبی، مهدی؛ ربانی، رسول و سیروس احمدی. (۱۳۸۶). «بررسی بی‌تفاوتی و نوع‌دوستی در جامعه شهری ایران و عوامل مؤثر بر آن»، دانشور رفتار (دو ماهنامه دانشگاه شاهد)، دوره چهاردهم. ش ۲۲، صص ۲۷-۳۵.
- کلمن، جیمز. (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- مسعودنیا، ابراهیم. (۱۳۸۰). «تبیین جامعه‌شناختی بی‌تفاوتی شهروندان در حیات اجتماعی و سیاسی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۶۷-۱۶۸، صص ۱۵۲-۱۶۵.
- محسنی، علیرضا و مجتبی صدراقتی‌فرد. (۱۳۹۰). «پژوهشی درباره بی‌تفاوتی اجتماعی در ایران، مورد پژوهش: شهروندان تهرانی»، جامعه‌شناسی کاربردی دانشگاه اصفهان، دوره ۲۲، ش ۳، صص ۱-۲۲.
- نادری، حمد الله، بنی‌فاطمه، حسین و محمد حریری اکبری. (۱۳۸۸). «الگو سازی ساختاری رابطه بین بیگانگی و بی‌تفاوتی اجتماعی»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ش ۶ (۲)، صص ۲۹-۵۹.
- Beaman, A. L. Barnes, P. J. Klentz, B. & McQuirk, B. (1978) "Increasing Helping Rates Through Information Dissemination: Teaching Pays". *Personality and Social Psychology Bulletin*, vol. 4, p 406-411.
- Lin, Nan. (1999) *Building a Network Theory of Social Capital*, United Kingdom, Duke University.
- Rushton, P.J. and Campbell, A.C. (1977) "Modeling, Vicarious Reinforcement and Extraversion on Blood Donating in Adults: Immediate and Long-Term Effects". *European Journal of Social Psychology*, vol. 7, No. 3, p 297-306.
- Van Lange, P.A. et al. (1997) "Development of Prosocial, Individualistic, and Competitive Orientations: Theory and Preliminary Evidence." *Journal of Personality and Social Psychology*, vol. 73, No. 4, p 733-746.

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی

سال چهارم، شماره پیاپی ۹، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۵/۲۹

صص ۷۹-۹۴

بررسی پدیده نزاع در بین شهروندان ساکن شهر یزد

سیدعلیرضا افشانی، دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه یزد*

سعید نوائی، دانشجوی کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه یزد

مجتبی دلبازی اصل، دانشجوی کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه یزد

چکیده

پدیده نزاع و درگیری در جامعه، از آن دسته آسیب‌هایی است که با ایجاد اختلال در روابط اجتماعی، فضایی آکنده از بغض، کینه و دشمنی را در میان افراد به وجود می‌آورد که این امر با زمینه‌سازی برای ایجاد نزاع و تنش‌های بعدی، جامعه را از نظر مادی و معنوی متضرر می‌سازد. هدف از این پژوهش، بررسی نزاع در بین شهروندان می‌باشد. روش انجام پژوهش، پیمایش و جامعه آماری، شهروندان ۱۸ تا ۶۰ سال ساکن شهر یزد است که ۳۲۴ نفر به عنوان نمونه تعیین و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. جهت گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته، استفاده شده است. داده‌های پژوهش با بهره‌گیری از تحلیل عاملی، آمار توصیفی، همبستگی پیرسون و رگرسیون، تحلیل شدند. نتایج حاصل از آزمون‌ها حاکی از رابطه معنادار بین متغیرهای مستقل سن، تجربه عینی نزاع، رضایت از زندگی و دسترسی به امکانات رفاهی و ابعاد نزاع می‌باشد. از سوی دیگر نتایج نشان داد که افراد با تحصیلات پایین‌تر تمایل بیشتری نسبت به نزاع دارند و افراد متأهل و افراد مجرد از نظر میزان گرایش و تمایل به نزاع تفاوت معناداری داشته‌اند. نتایج رگرسیون چندمتغیره نشان داد که در مجموع متغیرهای مستقل ۲۰ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین نمودند. واژه‌های کلیدی: نزاع، شهروندان، تجربه عینی نزاع، رضایت از زندگی، دسترسی به امکانات رفاهی.

مقدمه

نزاع، نوعی بی‌نظمی در روابط اجتماعی میان افراد و گروه‌ها می‌باشد که یکی از مهم‌ترین مسائل محسوب می‌شود. این مسأله پیامدهای اجتماعی گوناگونی را در بر داشته که از مهم‌ترین آنها می‌توان به کاهش ابعاد گوناگون امنیت در جامعه یاد شده اشاره نمود. نزاع‌های خیابانی: دعوایی که گاه علاوه بر ناسزاگفتن و داد و فریاد طرفین، به زد و خورد هم منجر شده است. نزاع‌هایی که در هر جامعه با توجه به شرایط اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آن جامعه اتفاق می‌افتد و میزان زیاد بودن یا کم بودن آن در گرو عوامل مختلفی است. افزایش فقر، بیکاری و تورم از جمله عوامل مهم و موثر در رشد جرایم و نزاع به شمار می‌رود. ناامیدی نسبت به حل مشکل از طریق مراجع تعیین شده برای این کار و طولانی بودن روند مطالبه حق نیز یکی از موارد مهم دیگر است چرا که؛ وقتی افراد احساس کنند اگر خودشان وارد قضیه شوند و بخواهند مشکل را حل کنند سریع‌تر به نتیجه می‌رسند یا دست کم می‌توانند انتقام خودشان را بگیرند، به طور شخصی وارد قضیه می‌شوند که چه بسا به نزاع و درگیری و حتی قتل بینجامد.

جامعه‌شناسان و آسیب‌شناسان اجتماعی عمده‌ترین آسیب‌های اجتماعی در جامعه امروز ایران را چنین برشمرده‌اند: اعتیاد، روسپیگری، نزاع و درگیری، سرقت، قتل، خودکشی، فرار، تکدی و جرایم مالی. از این‌رو این گونه آسیب‌ها در نظر آسیب‌شناسان اجتماعی دارای اهمیت و اولویت در مطالعه و پژوهش و اقدام اجتماعی قرار دارد (خراطها و جاوید، ۱۳۸۴: ۱۶).

طی سال‌های ۷۶ تا ۸۰، جمعاً ۳۰۲۹۹ مورد نزاع غیر مسلحانه در کشور ثبت شده است. در این نزاع‌ها ۶۶۰ نفر کشته و ۲۷۶۳۳ نفر مجروح شده‌اند. در این رابطه، ۶۷۶۲۳ نفر نیز دستگیر و به مقامات قضایی تحویل شده‌اند. بیشترین نزاع دسته جمعی غیر مسلحانه مربوط به سال ۷۷، بیشترین کشته مربوط به سال ۸۰ و بیشترین مجروح نیز مربوط به سال ۸۰

بوده است (حسینی، ۱۳۸۳: ۹۹)؛ همچنین، وزارت کشور در سال ۱۳۸۳ بیان داشته است که: «میانگین فراوانی نزاع دسته جمعی در فاصله سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۱ برای کل کشور معادل ۱۱/۸ مورد به ازای هر صد هزار نفر بوده است» (وزارت کشور، ۱۳۸۳: ۱۳۵).

آمار نزاع در کل کشور طی ۶ سال با رشدی برابر ۸۰ درصد مواجه بوده است و این موضوع می‌تواند بحرانی و قابل تأمل ارزیابی شود (صدیق سروسرانی، ۱۳۸۳). بیشترین تعداد نزاع به ازای هر صد هزار نفر در سال ۱۳۸۱ به استان‌های خوزستان (۴۴/۶ مورد)، یزد (۴۰ مورد) و تهران (۳۹/۳ مورد) و کمترین تعداد به استان‌های اصفهان (۱/۷ مورد)، بوشهر (۲/۹ مورد)، قزوین و گلستان (هر یک ۴/۷ مورد) اختصاص داشته است. باید توجه داشت که بنا به علت‌های فرهنگی و اجتماعی خاص، شمار زیادی از نزاع‌ها و آمار ضرب و جرح‌ها از سوی افراد و خانواده‌ها در ایران به مراکز پلیس گزارش نمی‌شود و این میزان شاید چند برابر مقدار گزارش شده باشد (همان).

آمار نزاع و درگیری از آن دسته از آماری است که در تمام کشور وجود دارد، چرا که تعداد مراجعان نزاع در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ به پزشکی قانونی نشان می‌دهد که در این سال‌ها بیشترین تعداد مراجعان نزاع با رقم ۶۲۹ هزار و ۳۶ نفر در سال ۱۳۸۹ و کمترین آن با رقم ۵۴۷ هزار و ۵۲۱ در سال ۱۳۸۶ ثبت شده است (سازمان پزشکی قانونی، ۱۳۹۰).

این آمارها همچنین نشان می‌دهد در طی این نزاع‌ها در مجموع ۱۵۳ هزار و ۲۲۶ زن و ۳۷۳ هزار و ۶۷۶ مرد درگیر بوده‌اند. اما جدیدترین آمارها نشان می‌دهد در ۱۰ ماهه سال ۱۳۹۰، ۵۲۶ هزار و ۹۰۲ مورد، معاینات نزاع در مراکز پزشکی قانونی کشور صورت گرفته، این آمار نسبت به مدت مشابه سال قبل که مراجعات نزاع ۵۵۲ هزار و ۱۷۳ مورد بود، ۴/۶ درصد کاهش یافته است (همان).

بر اساس آمارهای سازمان پزشکی قانونی، تا پایان بهمن ماه سال ۸۹، ۵۶۷ هزار و ۳۱۵ پرونده نزاع شامل ۴۰۱ هزار و

است؟

پیشینه پژوهش

پورافکاری (۱۳۸۳) در تحقیقی به «بررسی تحلیلی بر تنش‌های قومی ایران» پرداخته و نشان داد که نزاع دسته جمعی بیشتر در میان خانواده‌های با درآمد کمتر رخ می‌دهد. ابعاد فرهنگی و اجتماعی ساکنان منطقه؛ مانند بی‌سوادی، عدم آشنایی با قانون‌ها، حفظ سنت‌های قبیله‌ای، ضعف مالی و تعصب قومی در این مسأله مؤثر بوده‌اند.

نظری (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر مسأله نزاع جمعی (مطالعه موردی استان ایلام)» به این نتیجه رسیده است که متغیرهای «پرخاشگری»، «قوم‌گرایی» و «تجربه عینی نزاع» تأثیر معنی‌دار و مثبت و میزان کنترل اجتماعی و تحصیلات نیز تأثیر معنی‌دار و منفی بر روی میزان گرایش به نزاع داشته‌اند.

در پژوهش حیدری و همکاران (۱۳۸۶) با عنوان «عوامل مرتبط با مدیریت انتظامی نزاع‌های دسته جمعی مسلحانه در شهرستان کهگیلویه»، در اولویت‌بندی متغیرهای مستقل، ارتقای سطح آگاهی و معلومات مردم بیشترین تأثیر و سپس توانمندی و سرعت عمل پلیس، احکام صادره قضایی، افراد معتمد و ریش سفید طوایف، خلع سلاح عمومی در اولویت‌های بعدی تأثیر بر نزاع‌های دسته جمعی مسلحانه قرار گرفته است.

نتایج پژوهش نظری و امینی فسخودی (۱۳۸۷) حکایت از تأثیر معنی‌دار و مثبت متغیرهای «پرخاشگری»، «قوم‌گرایی» و «تجربه عینی نزاع» و همچنین تأثیر معنی‌دار منفی میزان تحصیلات بر روی میزان گرایش به نزاع داشت. ولی تفاوت معنی‌داری بین دو گروه زنان و مردان و افراد متأهل و مجرد به لحاظ دو متغیر گرایش به نزاع (به عنوان متغیر وابسته) و پرخاشگری (به عنوان تأثیرگذارترین متغیر مستقل) در جوامع روستایی استان وجود نداشت. همچنین،

۶۳۷ پرونده مربوط به نزاع مردان و ۱۶۵ هزار و ۶۷۸ مورد مربوط به نزاع زنان به پزشکی قانونی ارجاع شده است که در استان‌های بوشهر، خوزستان، سیستان و بلوچستان، قم، کرمان، کهگیلویه و بویراحمد و مرکزی با افزایش روبرو بوده است (همان).

تعداد مراجعه‌کنندگان نزاع را در طول سال ۱۳۹۰ استان یزد ۷ هزار و ۶۳۸ نفر اعلام شد. این آمار در مقایسه با مدت زمان مشابه در سال ۱۳۸۹ کاهش پنج دهم درصدی دارد. تعداد مراجعان نزاع که در طول سه ماهه اول سال ۱۳۹۱ به مراکز پزشکی قانونی سطح استان یزد مراجعه کرده‌اند با کاهش ۶۷ درصدی از تعداد دو هزار و ۱۸۵ نفر در سه ماهه اول سال گذشته به دو هزار و ۳۸ نفر رسید (سازمان پزشکی قانونی یزد، ۱۳۹۱).

اساساً می‌توان نزاع را چنین تعریف کرد: «رویارویی پرخاشگرانه و ستیزه‌جویانه که توأم با خشم، کینه و انتقام صورت می‌گیرد؛ و سبب قتل، ضرب و شتم و مجروح و معلول شدن طرف‌های درگیر می‌شود و خسارات مالی فراوانی نیز به بار می‌آورد» (پورافکاری، ۱۳۸۳). همچنین، می‌یر^۱ معتقد است: «نزاع عبارت است از کشمکش مشهود و از نظر اصولی مستقیماً قابل رؤیت، حداقل بین دو نفر» (می‌یر، ۱۳۶۸). این مسأله با وقوع قتل، نقص عضو، زندان، خسارت مالی و بحران‌های روحی غیرقابل جبران برای هر دو طرف نزاع و خانواده‌های آنها و ایجاد پیامدهایی چون افزایش آسیب‌های اجتماعی، تأثیر منفی بر امنیت اجتماعی و مخدوش کردن چهره فرهنگی استان نیازمند توجه و بررسی می‌باشد. همچنین، این پدیده باعث ایجاد اختلال در روابط اجتماعی، فضایی آکنده از بغض، کینه و دشمنی را در میان افراد به وجود می‌آورد که این امر با زمینه‌سازی برای ایجاد نزاع و تنش‌های بعدی، جامعه را از نظر مادی و معنوی متضرر می‌سازد. این تحقیق بر آن است تا بسنجد که چه عواملی بر میزان نزاع در بین شهروندان ۱۸ تا ۶۰ سال شهر یزد مؤثر

¹ Meier, Peter

میزان گرایش به نزاع و پرخاشگری در بین طوایف مختلف و مناطق روستایی شهرستان‌های مورد مطالعه تقریباً یکسان بود. نایی و جسورخواجه (۱۳۸۸) در تحقیق خود با عنوان «ریشه‌یابی نزاع‌های دسته‌جمعی (مورد مطالعه روستاهای کویچ و افشرد از توابع بخش خواجه در استان آذربایجان شرقی)» به این نتیجه رسیدند که در جایی که گروه‌های متمایز اجتماعی وجود دارد مبارزه آنها برای کسب قدرت و منابع کمیاب (آب و زمین) در بروز نزاع‌های دسته‌جمعی نقش تعیین‌کننده دارد. از سوی دیگر در جایی دیگر که مبتنی بر نظام خویشاوندی نسبتاً یکپارچه‌ای است و گروه‌بندی‌های متمایز اجتماعی شکل نگرفته است، نزاع دسته‌جمعی به وقوع نمی‌پیوندد. نزاع دسته‌جمعی به وقوع نمی‌پیوندد.

ربانی و دیگران (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر گرایش به نزاع جمعی (مطالعه موردی شهرستان‌های منتخب استان ایلام)» به این نتیجه رسیدند که: الف) گرایش به نزاع در بین جامعه مورد بررسی متوسط به بالا بوده، ب) از بین متغیرهای مستقل مطرح شده، تأثیر کل متغیرهای پرخاشگری و قوم‌گرایی (به میزان برابر) بر متغیر گرایش به نزاع جمعی، بیش از سایر متغیرها بوده و ج) تأثیر متغیر کنترل اجتماعی بر گرایش به نزاع جمعی، کاهشدهنده بوده است.

حسین‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر میزان گرایش به نزاع دسته‌جمعی در شهر اهواز» به این نتیجه رسیدند که بین احساس محرومیت نسبی، احساس آنومی، خاستگاه خانوادگی، تعلق به جامعه قبیله‌ای و میزان کنترل اجتماعی با گرایش به نزاع دسته‌جمعی رابطه معناداری وجود دارد ولی بین سن و میزان گرایش به نزاع دسته‌جمعی رابطه معناداری یافت نگردید.

میرفردی و همکاران (۱۳۹۰) پژوهشی با عنوان «میزان گرایش به نزاع در میان مردان ۱۵ تا ۶۵ سال شهرستان

بویراحمد و عوامل مؤثر بر آن» انجام داده‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که متغیر اعتماد تأثیری بر گرایش به نزاع جمعی نداشته است، اما خویشاوندگرایی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و سن تأثیر معناداری بر گرایش به نزاع جمعی داشته‌اند.

نتایج مطالعه شریعتی و همکاران (۱۳۹۱) با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر تمایلات بالقوه به نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان خدابنده» نشان داد که بین متغیرهای اختلافات ملکی، خانوادگی، عدم اعتماد به مراجع قضایی و انتظامی و عوامل فرهنگی- تاریخی و گرایش به نزاع دسته‌جمعی در شهرستان خدابنده رابطه معناداری وجود دارد که بر مبنای تبیین صورت گرفته از طریق رگرسیون و همچنین تحلیل مسیر، بیشترین تأثیر را به ترتیب متغیرهای اختلاف ملکی و خانوادگی و عدم اعتماد به مراجع قضایی و انتظامی بر تمایل بالقوه به نزاع‌های دسته‌جمعی داشته است.

میرفردی و صادق‌نیا (۱۳۹۱) پژوهشی با عنوان «گونه‌شناسی نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان بویراحمد» انجام داده‌اند. نتایج این پژوهش نشان دادند که جوانان، مردان، مجردها، روستائیان و افراد دارای پایگاه اقتصادی پایین، به میزان بسیار بالایی در نزاع‌های دسته‌جمعی شرکت داشته‌اند؛ افراد دارای تحصیلات زیردیپلم و بی‌سواد ۶۴ درصد نزاع‌های جمعی را به خود اختصاص دادند. بیشتر نزاع‌ها در روستاها رخ داده و در شهرها نیز اکثر نزاع‌ها در معابر عمومی شهر رخ داده‌اند. در زمینه‌های بروز درگیری بین گروه‌ها، مسائل ملکی- زراعی بیشترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند و بعد از آن نیز شوخی‌ها و بی‌احترامی‌های کلامی، مسائل مالی، اختلافات قدیمی، ناموسی، خانوادگی و ... در رتبه‌های بعدی قرار داشته‌اند.

در پژوهش واحدی و دیگران (۱۳۹۲) با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر نزاع و درگیری فردی از دیدگاه شهروندان در سال ۱۳۹۲ (مطالعه موردی شهر خوی)»، رابطه متغیرهای سن، احساس آنومی، گرایش قومی و قبیله‌ای، خاستگاه خانوادگی و کنترل اجتماعی با نزاع تأیید شد ولی رابطه

متغیرهای پایگاه اجتماعی و محرومیت نسبی با نزاع تأیید نشد.

بر اساس نتایج پژوهش عشایری و ایمانی جاجرمی (۱۳۹۲) رابطه مثبت و معناداری بین متغیرهای اجتماعی (نظارت نیمه رسمی، نظارت رسمی، نظارت مردمی و طایفه گرایی)، اقتصادی (اختلافات ملکی و کمیایی منابع) و فرهنگی (مسائل ناموسی و باورهای طایفه ای) با نزاع دسته جمعی وجود دارد، اما رابطه عوامل سیاسی در قالب رقابت نخبگان (رقابت اعضای شورا و انتخاب دهیار) با نزاع دسته جمعی معنادار نبوده است.

مک لوقلین^۱ (۱۹۹۰) در مقاله‌ای با عنوان "زنان جنگجو: نزاع و جامعه در اروپای قرون وسطی" عنوان نموده است که اخیراً به نقش زن و مرد در نزاع‌ها در جامعه توجه زیادی شده است. واضح و روشن است که اگر بخواهیم بدانیم که چه‌طور مذکر یا مؤنث بودن به تجربه جنگ و نزاع تأثیر می‌گذارد، باید فراسوی رفتار واقعی و نقش‌هایی که در جامعه دارند را در نظر بگیریم. این محقق معتقد است که باید پروسه تعامل بین زنان و مردان را مورد بررسی قرار دهیم. در قرون وسطی در اروپا مانند سایر دوره‌های تاریخ بشر نزاع اقدامی مردانه در نظر گرفته می‌شد. بنابراین توصیف نزاع در متون قرون وسط به مردان اطلاق می‌شود البته بعد از گذر زمان نویسندگان نقش زنان در جنگ‌ها و نزاع‌ها را نیز در نظر گرفتند و آنان را در جنگ‌ها مورد بررسی قرار دادند.

نتایج پژوهش هاین^۲ و همکاران (۲۰۰۶) نشان داد که وضع نامساعد مناطق با افزایش دادن فرصت‌هایی برای نوجوانان برای مشارکت داشتن در شبکه‌های همسالان خشونت‌گرا، به صورت غیرمستقیم بر خشونت آنان مؤثر است. وول^۳ (۲۰۰۷) در پژوهشی به بررسی «آزمون جزئی یک مدل تلفیقی نظارت: بافت منطقه، نظارت اجتماعی، خویشن‌داری و رفتار خشونت‌آمیز جوانان» پرداخت. در این

تحقیق محقق با به کار بردن نظریه بی‌سازمانی اجتماعی شاو و مک‌کی، نظریه خویشن‌داری و نظارت اجتماعی هیرشی و نظریه همنشینی افتراقی ساترلند و با تأکید بر بافت مناطق (محلات) به تبیین رفتار خشونت‌آمیز جوانان پرداخته است. نمونه این تحقیق از دانش آموزان دبیرستان است و از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. نتایج نشان داد جوانان ساکن در مناطق بی‌سازمان، پیوندهای اجتماعی ضعیفی دارند و ضعف خویشن‌داری با گروه‌هایی که تعاریف بزهکارانه داشتند همبستگی داشت و رفتار خشونت‌آمیز محصول نظارت اجتماعی ضعیف است که به محیطی که این افراد در آن ساکن بودند مربوط می‌شد.

تونگ^۴ (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان "خشونت و ضربه روحی در امپراطوری پرو: نزاع، یورش و جدال‌های مذهبی" مدارکی مبنی بر خشونت و نزاع در مدت زمان امپراطوری «واری» در پرو از طریق تجزیه و تحلیل ضربه‌هایی که به استخوان‌ها در دوره‌های ۶۵۰ تا ۸۰۰ بعد از میلاد بر استخوان‌ها وارد شده به‌دست آورده است. نتایج نشان دهنده این مطلب هستند که ضربه به جمجمه در بین نمونه‌ها به طور قابل چشمگیری بیشتر از سایر قسمت‌ها بوده است. این موضوع بیان‌کننده این مطلب است که قوانین زمان «واری» همراه با خشونت بسیار بوده است.

استدمن^۵ (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان "نزاع در ارندرف، مکانی در میسی سی پی در مرکز ایلی نوبز امریکا" با مطالعه و پژوهش در ارندورف بیان می‌دارد که شانزده درصد افرادی که وحشیانه مرده‌اند به این علت بوده است که گروه‌های کوچکی به زور وارد این منطقه شده‌اند. در این مطالعه فراوانی و ماهیت افرادی که در این نزاع‌ها از سال ۱۲۵۰-۱۱۵۰ میلادی بر اثر خشونت و نزاع دچار ضربه روحی شده‌اند، مورد بررسی قرار گرفتند. همه این افراد بالای ۱۵ سال سن داشتند و تعداد قربانیان زن و مرد برابر بودند. از

^۱ McLaughlin

^۲ Haynie

^۳ Vowell

^۴ Tung

^۵ Steadman

میان این افراد ۱۶٪ از آنها بزرگسالانی بودند که دچار ضربه روحی شدند که در مقایسه با دیگر گروه‌های میسی سی پی در جنوب شرق بیشترین بود.

چارچوب نظری

به منظور فراهم ساختن زمینه پژوهش و آمادگی برای مطالعه و گردآوری داده‌ها و تحلیل نتایج، ضروری است مبانی نظری مرتبط با موضوع مد نظر قرار گیرد. در ارتباط با نزاع جمعی به عنوان یکی از انواع کج رفتاری‌ها می‌توان از تبیین‌هایی که در این زمینه وجود دارد، بهره گرفت. تعدد نظریاتی که در زمینه کج رفتاری وجود دارد، حکایت از آن دارد که نظریه‌ای و حتی مکتبی جامع که در این زمینه مورد قبول عام واقع شده باشد، وجود ندارد و اصولاً با دیدگاه‌های متفاوت به این پدیده نگریده می‌شود. برخی در یک دسته‌بندی کلان کلیه عوامل مطرح شده توسط صاحب‌نظران را به سه دسته بزرگ زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی تقسیم کرده‌اند (صدیق سروستانی، ۱۳۸۳: ۴۲-۴۱). علاوه بر این می‌توان اشاره نمود که جدیدترین دسته‌بندی نظریه‌های مربوط به کج رفتاری اجتماعی تقسیم‌بندی دو گروه اثبات‌گرا و بر ساخت‌گرا است. در رویکرد اثبات‌گرایی به کج رفتاری به عنوان پدیده‌ای واقعی، عینی و جبری نگریده می‌شود؛ در نتیجه سه دسته مهم نظریه‌ها در چنین پارادایمی قابل تشخیص و تفکیک می‌باشد: (۱) نظریه‌های فشار اجتماعی؛ (۲) نظریه‌های یادگیری اجتماعی و (۳) نظریه‌های کنترل اجتماعی (همان: ۴۳) و سه دسته مهم از نظریه‌های بر ساخت‌گرا نیز: (۱) انگ‌زنی؛ (۲) نظریه‌های پدیدارشناختی و (۳) نظریه تضاد می‌باشد (همان: ۵۶). از جمله نظریه‌های جامعه‌شناسی که در ارتباط با مسأله نزاع قابل طرح است، مفهوم بی‌هنجاری (آنومی از نگاه دورکیم و مرتون) می‌باشد. نابهنجاری^۱ متضمن فقدان گسست، شکست یا تعارض هنجارهای اجتماعی است. به طور ساده بی‌هنجاری مربوط به وضعیتی می‌شود که انجام

امور فارغ از هرگونه هنجاری صورت می‌پذیرد و در آن حالت چیزی نمی‌ماند، جز اشتباهات فردی و کنترل ناپذیری اشخاص که بی‌حد و حصر اشباع ناپذیر است (چلبی، ۱۳۷۲) ایده اصلی دورکیم در این خصوص آن بود که زندگی بدون وجود الزام‌های اخلاقی یا ضرورت‌های اجتماعی، تحمل ناپذیر می‌شود، و در نهایت نیز به شکل‌گیری پدیده آنومی، یعنی نوعی احساس بی‌هنجاری می‌انجامد که اغلب، مقدمه‌ای برای بروز کجروی و خودکشی است. این مفهوم از نظر مرتون به نارسایی فشارهای ساختی جامعه برای هم‌نواپی با ارزش‌های فرهنگی آن برمی‌گردد و بروز انحرافات را ناگزیر می‌سازد (کوئن، ۱۳۷۲). علت آشکار تحقق آنومی از نظر دورکیم، تحول شتابان اقتصادی است، زیرا این تحولات، نوعی بحران را در نظام ارزشی و هنجاری جامعه به دنبال می‌آورد (داوری، ۱۳۸۰: ۴۳۰ به نقل از نظری، ۱۳۸۶). بدین ترتیب، نزاع و سایر اشکال کژرفتاری‌ها در اندیشه دورکیم معلول مکانیسم‌های معین و عوامل اجتماعی مشخص می‌باشند. اگرچه او به طور اخص بر روی نزاع تأکید نمی‌کند، آشکارا بر این اصل تأکید دارد که فقدان اجماع در باب ارزش‌های مقرر به محو و غیبت تدریجی آتوریته و ضابطه اخلاقی منجر می‌گردد و جامعه، مدیریت مؤثر و کنترل اجتماعی لازم را بر فرد از دست می‌دهد. ثبات اجتماعی برخاسته از قواعد اخلاقی و نحوه مدیریت صحیح اجتماعی و منوط به چگونگی اعمال کنترل اخلاقی بر افراد یک جامعه است. از این رو فقدان چنین ضابطه کنترلی و مدیریت اخلاقی در بروز بی‌هنجاری اجتماعی از جمله نزاع نقش اساسی ایفا می‌کند (نظری، ۱۳۸۶: ۹۴). مرتن، انحراف و کژرفتاری را ناشی از گسستگی و انفصال بنیادی بین هدف‌های فرهنگی و وسایل نهادی شده جهت نیل بدان‌ها می‌داند. از این رو انحراف نه یک مسأله خاص فردی بلکه به عنوان امری اجتماعی و برخاسته از ساخت اجتماعی است. توجه ویژه مرتن به فرهنگ‌ها و جوامعی است که تأکید بیش از حدی ارزش‌ها و اهداف فرهنگی دارند و در مقابل بر اسباب و وصول به آن

¹ Anomy

اهداف کمتر تأکید می‌کنند. از همین رو، به واسطه عدم تناسب بین هدف و وسیله، تشکل و یکپارچگی فرهنگی به وجود نیامده بلکه حالتی از احساس بی‌هنجاری یا آنومی در آن جامعه حاکم است (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۹۹).

یکی از موارد و عوامل مهم در گرایش افراد به نزاع، مشاهده آن پدیده و یادگیری آن است که در مقاله حاضر از آن به عنوان تجربه عینی نزاع یاد شده است. تجربه عینی نزاع براساس تئوری یادگیری اجتماعی قابل تفسیر است. براساس تئوری یادگیری اجتماعی باندورا، رفتارهای ناهنجار، مثلاً گرایش به نزاع‌های فردی و دسته جمعی، زائیده یادگیری اجتماعی هستند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳). مشاهده رفتار ناهنجار محرکی برای افراد است تا به روش غیرمعمول رفتار نمایند. توجه به این نکته مهم است که کودکان مشاهده‌گر رفتار ناهنجار خود را محدود به تقلید صرف نمی‌کنند، بلکه ناهنجاری‌های بدیع و جدید خلق می‌کنند، این امر دلالت بر آن دارد که تأثیر یک نمونه تعمیم پیدا می‌کند. نتیجه نهایی اینکه باندورا و همکارانش نشان دادند که کودکانی که شاهد پرخاشگری بوده‌اند، بیشتر از کودکانی که در معرض چنین مشاهده‌ای قرار نداشته‌اند، به اعمال ناهنجار دست زده‌اند (ربانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۰).

یکی دیگر از متغیرهای این تحقیق دسترسی به امکانات رفاهی می‌باشد. مازلو در نظریه سلسله مراتب نیازها عقیده دارد که همه افراد نیازهایی دارند که آنها را بر اساس سلسله مراتب نیازها مرتب نموده و به عنوان یک نظریه عرضه نموده است. این نیازها عبارتند از: نیازهای فیزیولوژیک، نیاز به سلامت (ایمنی)، نیاز به عشق و محبت (تعلق)، نیاز به احترام، نیاز به خودشکوفایی. مازلو عقیده دارد که برای دسترسی به مراحل بالاتر باید نیازهای مرتبه پایین‌تر رفع و ارضا گردند (کشتکاران و همکاران، ۱۳۸۵: ۴۶) در غیر این صورت ممکن است فرد دچار خلاء و ناکامی گردد. افزون بر این بسیاری از مشکلات رفتاری (ناهنجاری‌ها، نزاع و ...) و شکست‌ها و ناکامی‌ها را باید به عدم ارضاء یا ارضای ناقص نیازهای

اساسی نسبت داد (حقیقی و همکاران، ۱۳۷۹: ۱۰۵). از آنجا که مفهوم رضایت از زندگی دارای دو جنبه فردی و اجتماعی می‌باشد الزاماً باید هم از نظریه‌های روان‌شناختی و هم نظریه‌های جامعه‌شناختی استفاده کنیم (هزارجریبی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱). متغیر دیگر رضایت از زندگی می‌باشد، مازلو مفهوم «رضایت» را مترادف با «ارضای نیاز، تأمین نیاز و رفع نیاز» می‌داند. ارضای نیاز شامل حالاتی مانند نیرومندی، چالاکی، لذت و پاداش است. پس از ارضای یک سطح از نیازها، نیازهای سایر سطوح، اهمیت پیدا می‌کند و آنها خواهند بود که بر رفتار شخص تسلط خواهند یافت تا به پایین‌ترین سلسله مراتب بررسی (Mendoza, 1995). مازلو در مورد اینکه هرکدام از نیازهای انسانی در افراد مختلف تا چه حد ارضا شده و موجب رضایت از زندگی در افراد می‌شود معتقد است نیازها در افراد مختلف متفاوت بوده و نسبی‌اند. نیازهای هیچ کسی در تمام موارد و به طور کامل ارضا نشده و هیچ کس تاکنون، به رضایت کامل نرسیده است (هزارجریبی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۲). رویکردهای جامعه‌شناختی عمدتاً عوامل رضایت از زندگی را در تعاملات نظام جامعه‌ای و نظام شخصیت بررسی می‌کنند و با مفهوم سازی از ابعاد مختلف وجودی انسان، رضایت و خشنودی انسان‌ها را در حوزه‌های مختلف جستجو می‌کنند (چلبی، ۱۳۸۳). طبق این دیدگاه در صورتی که هر کدام از چهار نظام اصلی جامعه بتواند پاسخگوی نیازهای فردی انسان‌ها باشد، می‌تواند رضایت از زندگی را برای ایشان فراهم نماید. به این صورت که نظام اقتصادی با فراهم کردن نیازهای معیشتی افراد، سلامت و احساس آسایش مادی، نظام سیاسی با تأمین نیاز امنیت و عدالت، نظام اجتماعی با برآورده نمودن حس اعتماد، هویت جمعی، ایجاد سرمایه اجتماعی، کاهش نابرابری‌ها و ایجاد تحرک اجتماعی و نهایتاً نظام فرهنگی با تأمین حس عزت نفس و ایجاد هویت فردی می‌تواند رضایت و خشنودی افراد را به ارمغان بیاورند (چلبی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۹). آنترامیان نشان داد که ساخت خانواده نیز اثر مهمی بر رضایت از زندگی افراد و به‌ویژه نوجوانان دارد به این صورت که نوجوانانی که در خانواده‌های تک سرپرست

در اثر فوت و یا طلاق و یا خانواده‌های غیرصلبی زندگی می‌کنند رضایت کمتری دارند (آنترامیان و همکاران^۱، ۲۰۰۸: ۱۱۲-۱۲۶).

فرضیات تحقیق

بین سن و میزان نزاع رابطه وجود دارد.
 بین میزان تحصیلات و میزان نزاع رابطه وجود دارد.
 بین میزان درآمد و میزان نزاع رابطه وجود دارد.
 بین دسترسی به امکانات و میزان نزاع رابطه وجود دارد.
 بین تجربه نزاع و میزان نزاع رابطه وجود دارد.
 بین رضایت از زندگی و میزان نزاع رابطه وجود دارد.
 بین میزان تحصیلات و میزان نزاع رابطه وجود دارد.
 بین میزان نزاع بر حسب وضعیت تأهل تفاوت وجود دارد.

روش‌شناسی

این تحقیق با روش پیمایشی انجام گرفته است. جامعه آماری، کلیه مردان ۱۸ تا ۶۰ شهر یزد می‌باشد. با توجه به حجم جامعه براساس سرشماری ۱۳۹۰ (مرکز آمار ایران) و همچنین با توجه به جدول نمونه‌گیری مورگان (کرجسی و مورگان^۲، ۱۹۷۰: ۶۰۷-۶۱۰) نمونه آماری متناسب با آن ۳۲۴ نفر تعیین گردید، روش نمونه‌گیری به کار رفته در این پژوهش خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود است. بدین صورت که ابتدا سه منطقه شهرداری یزد به عنوان سه خوشه اصلی در نظر گرفته شد و در مرحله بعد خیابان‌ها و میادین اصلی هر منطقه از شهرداری در حکم بلوک برای خوشه‌ها در نظر گرفته شد و در مرحله آخر به روش تصادفی سیستماتیک (شمارش با فواصل معین خانوارها)، پاسخگویان انتخاب شدند و تعداد ۳۲۴ پرسشنامه تکمیل و جمع‌آوری گردید.

تعریف نظری مفاهیم

الف- نزاع

نزاع به عنوان یک آسیب اجتماعی، عمدتاً ناظر به پدیده ضرب و شتم میان حداقل دو نفر است و تعریف اصطلاحاتی آن عبارت است از کنش جمعی دو یا چند نفر که به قصد آسیب رساندن به انسان دیگری صورت می‌گیرد. این آسیب ممکن است جسمی یا روحی، فردی یا جمعی و جانی یا مالی باشد. بنابراین، نزاع انواع و گونه‌های مختلفی پیدا می‌کند.

از نظر کنش‌گرانی که درگیر در واقعه هستند، نزاع شامل دو نوع فردی یا گروهی است. در نوع اول در هر طرف نزاع یک نفر قرار دارد؛ به عبارت دیگر درگیری یک نفر با نفر دوم دیگر به یک منازعه منجر می‌گردد، اما در حالت دوم یک گروه با گروه یا فرد دیگر درگیر می‌شوند. بنابراین از نظر افراد درگیر در نزاع حالات زیر متصور است:

فرد.....فرد

فرد.....گروه

گروه.....گروه

به حالت اول، نزاع فردی و حالت دوم و سوم نزاع گروهی یا جمعی گفته می‌شود. البته بسیاری از نزاع‌های گروهی، محصول گسترش نزاع فردی میان دو نفرند که با حضور و شرکت دیگران تبدیل به منازعه گروهی می‌شود (خراطها، ۱۳۸۵: ۱۰ به نقل از هاشمی، ۱۳۸۷: ۳۱)

ب- رضایت از زندگی

احساس خرسندی کلی فرد از زندگی (مکیتاش، ۲۰۰۱: ۳۷).

ج- دسترسی به امکانات رفاهی

میزان دسترسی افراد به امکانات رفاهی از قبیل زمین، مسکن، ماشین، سپرده و ...

د- تجربه عینی نزاع

یعنی اینکه آیا فرد تاکنون نزاع یا درگیری را مشاهده نموده است یا خیر؟ (نظری و امینی فسخودی، ۱۳۸۷: ۱۹۵).

تعریف عملیاتی متغیرها

ابزار گردآوری داده‌های تحقیق، پرسشنامه بود که متشکل از مقیاس محقق ساخته نزاع با ۲۲ گویه بود (البته تعدادی از این

¹ Antaramian et al.

² Krejcie & Morgan

گویه‌ها قبلاً در پژوهش میرفردی و همکاران (۱۳۹۰) استفاده شده بود) و با انجام تحلیل عامل اکتشافی به سه بعد (نگرش به نزاع، گرایش به انتقام و گرایش به نزاع) تقسیم گردید. این مقیاس ابتدا با مراجعه به نظرات داوران متخصص تعیین اعتبار محتوا گردید و سپس با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی با چرخش واریماکس، تعیین اعتبار سازه گردید که نتایج آن در جدول ۱ منعکس شده است و پایایی آن با آزمون همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ تعیین گردید. مقیاس رضایت از زندگی داینر و همکاران (شامل ۵ گویه)، دسترسی به امکانات رفاهی (شامل ۷ گویه) و تجربه عینی نزاع (شامل

۳ گویه) است که پایایی همه آنها با آزمون همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ تعیین گردید. مطابق با محاسبات انجام شده ضریب پایایی برای مقیاس نزاع برابر با ۰/۸۹، برای رضایت از زندگی برابر با ۰/۸۵ و دسترسی به امکانات رفاهی برابر با ۰/۸۷ است. ضریب پایایی برای بعد نگرش به نزاع برابر با ۰/۸۲، برای بعد گرایش به نزاع برابر با ۰/۸۷ و برای بعد گرایش به انتقام برابر با ۰/۶۹ است که نشان می‌دهد مقیاس‌های طراحی شده از سازگاری درونی قابل قبولی برخوردار بوده‌اند.

جدول ۱- نتایج تحلیل عاملی مقیاس نزاع

آیتم	عامل‌ها			مقدار	واریانس تبیین شده
	۱	۲	۳		
	نگرش به نزاع	گرایش به نزاع	گرایش به انتقام	ویژه	
اگر یکی از فامیلان در درگیری بی‌گناه باشند، چقدر احتمال دارد به کمکش بروید؟	۰/۷۰۲			۷/۷	۳۴/۹
اگر پای مسأله ناموسی در میان باشد میزان انگیزه شما برای نزاع چقدر است؟	۰/۶۷۷				
احترام اموات واجب است، در صورت بی‌احترامی به آنها، نباید دست روی دست گذاشت.	۰/۶۶۶				
وقتی حیثیت فامیلی آدم از طرف دیگران لطمه خورده باشد صبوری معنایی ندارد.	۰/۶۵۱				
وقتی دیگران در مورد فامیل و قوم، طعنه‌هایی می‌زنند آدم نمی‌تواند صبر کند	۰/۶۰۲				
اگر کسی به فامیل و خانواده‌ام توهین کند حتماً با او درگیر می‌شوم.	۰/۵۹۴				
اگر کسی احترام سن بزرگترها را نداشته باشد باید او را ادب نمود.	۰/۵۱۸				
وقتی پای آبروی آدم در میان است صحبت از شکایت و قانون، بی‌معنی است	۰/۴۵۸				
اگر در بانک، کسی صف را رعایت نکند چقدر احتمال دارد که با او درگیر شوید؟	۰/۸۱۲			۱/۸	۸/۳
اگر کسی در صف نانوایی بدون صف نان بگیرد چقدر احتمال دارد که با او درگیر شوید؟	۰/۷۷۲				
اگر یک موتوری در پیاده‌رو در حال عبور باشد چقدر احتمال دارد که با او درگیر شوید؟	۰/۷۶۱				
اگر کسی در خیابان بدون علت، به شما تهنه بزند، چقدر احتمال دارد که با او درگیر شوید؟	۰/۶۷۷				
اگر کسی در خیابان به شما ناسزا بگوید، چقدر احتمال دارد که با او درگیر شوید؟	۰/۶۴۷				
اگر کسی طلب شما را ندهد چقدر احتمال دارد که با او درگیر شوید؟	۰/۵۸۹				
دعوا کردن می‌تواند نشانه غیرت و مردانگی باشد.	۰/۵۹۶				
به نظرم آدم باید کینه‌های گذشته را فراموش کند و نباید به فکر جبران آنها باشد	۰/۵۸۸				
اگر کسی به ما توهین یا فحاشی کند همه فامیل باید علیه او به پا خیزند.	۰/۵۸۷			۱/۶	۷/۲
اگر در انتخابات، حق شما یا دوست و فامیل ضایع شود حتماً شلوغ پلوغ می‌کنیم	۰/۵۶۲				
به نظرم امروزه نیازی به نزاع و زد و خورد نیست، قانون آدم را به حقش می‌رساند.	۰/۵۰۴				
اگر کسی به دنبال دختری محل یا فامیل راه بیفتد، او را یک کتک اساسی می‌زنم.	۰/۵۰۴				

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy = 0/899
Bartlett's test of sphericity Chi-Square = 2963 df= 231 Sig=0/000

توصیف یافته‌ها

براساس یافته‌های توصیفی، از مجموع ۳۶۴ نفر پاسخگو، ۱۴۷ نفر (۴۰/۴٪) مجرد و ۱۷۷ نفر (۴۸/۶٪) متأهل بوده‌اند. میانگین سنی برابر با ۲۹/۷۷ سال و میانگین درآمد پاسخگویان برابر یک میلیون و دویست و بیست هزار تومان بوده است. از میان پاسخگویان ۳۴/۹ درصد دارای تحصیلات دیپلم و

پایین‌تر و ۶۵/۱ درصد تحصیلات بالاتر از دیپلم داشته‌اند. میانگین نزاع افراد بر روی مقیاسی با دامنه ۹۲-۱۲ برابر با ۴۲/۶۶، میانگین تجربه عینی نزاع بر روی دامنه ۳-۰ برابر با ۱/۶۵، میانگین رضایت از زندگی بر روی دامنه ۲۵-۵ برابر با ۱۶/۳۱ و میانگین دسترسی به امکانات رفاهی بر روی دامنه ۳۵-۷ برابر با ۲۲/۶۴ بوده است.

جدول ۲- توزیع درصدی ویژگی‌های پاسخگویان

وضعیت تأهل	درصد	تحصیلات	درصد
مجرد	۵۴/۶	دیپلم و کمتر	۳۴/۹
متأهل	۴۵/۴	بالاتر از دیپلم	۶۵/۱
سن	مقدار	درآمد	مقدار (هزار تومان)
حداقل	۱۸	حداقل	۳۰۰
حداکثر	۶۰	حداکثر	۱۰۰۰۰
میانگین	۲۹/۷۷	میانگین	۱۲۲۰

یافته‌های استنباطی

جدول ۳- ماتریس همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته

سن	درآمد	تجربه عینی	رضایت از زندگی	دسترسی به امکانات	نگرش به نزاع	گرایش به نزاع	گرایش به انتقام
درآمد	-۰/۳۸	۱					
تجربه عینی	-۰/۱۸۱**	۱					
رضایت از زندگی	-۰/۰۴۶	۱/۵۸**	۱				
دسترسی به امکانات	-۰/۱۶۷**	۱/۸۹**	-۰/۰۸۸	۱			
نگرش به نزاع	-۰/۱۶۷**	-۰/۰۷۳	۲/۶۷**	-۰/۱۰۹	۱		
گرایش به نزاع	-۰/۲۲۸***	-۰/۰۹۶	۲/۷۱***	-۰/۱۲۱*	۵/۸۳***	۱	
گرایش به انتقام	-۰/۲۲۶***	-۰/۰۷۲	۳/۲۲***	-۰/۱۸۹**	-۰/۲۶۱***	۴/۹۲***	۵/۱۸***
نزاع (شاخص کل)	-۰/۲۴۴***	-۰/۰۹۶	۳/۴۰***	-۰/۱۸۰**	-۰/۱۸۲***	۸/۶۹***	۸/۴۷***

***p<0/001 **p<0/01 *p<0/05

چنانچه در جدول فوق مشاهده می‌گردد، اکثر متغیرها و ابعاد با یکدیگر دارای همبستگی معنادار می‌باشند؛ از این میان، رابطه متغیر درآمد فقط با رضایت از زندگی و دسترسی به امکانات رفاهی معنادار می‌باشد، اما با سایر متغیرها همبستگی معناداری ندارد. تجربه عینی به جز با متغیر دسترسی به امکانات رفاهی، با سایر متغیرها همبستگی معناداری را نشان

می‌دهد. و متغیر دسترسی به امکانات رفاهی به غیر از بعد نگرش به نزاع، با سایر متغیرها همبستگی معناداری را نشان می‌دهد. می‌توان چنین برداشت نمود که متغیر درآمد دارای کمترین همبستگی با سایر متغیرها و سن و رضایت از زندگی دارای بیشترین همبستگی با سایر متغیرها و ابعاد هستند. به منظور مقایسه میانگین میزان نزاع و سه بعد آن در بین افراد

مجرد و متأهل، از آزمون تی مستقل استفاده شده است که نتایج این آزمون‌ها در جدول ۴ آمده است:

جدول ۴- خروجی آزمون تی جهت مقایسه میزان نزاع با توجه به وضعیت تأهل پاسخگویان

ابعاد نزاع	وضعیت تأهل	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
نگرش به نزاع	مجرد	۱۷۷	۲۰/۲۴	۶/۱۵	۲/۹۳	۳۲۱	۰/۰۰۳
	متأهل	۱۴۶	۲۲/۳۳	۶/۵۳			
گرایش به نزاع	مجرد	۱۷۷	۷/۳۲	۴/۵۵	۲/۲۸	۲۶۲	۰/۰۲۷
	متأهل	۱۴۷	۷/۶۸	۶/۲			
گرایش به انتقام	مجرد	۱۷۷	۱۲/۴۱	۳/۱۳	۵/۴۳	۲۳۵	۰/۰۰۰
	متأهل	۱۴۷	۱۴/۸۸	۵			
نزاع (شاخص کل)	مجرد	۱۷۷	۳۹/۹۷	۱۰/۶۲	۴/۰۷	۲۴۷	۰/۰۰۰
	متأهل	۱۴۶	۴۵/۹۲	۱۵/۵۴			

براساس اطلاعات جدول ۴، میانگین نزاع در همه ابعاد در بین افراد متأهل به طور معنی‌داری بیشتر از افراد مجرد می‌باشد و یافته‌ها نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین افراد مجرد و متأهل در مورد نزاع وجود دارد. در مورد بالا بودن نزاع در بین افراد متأهل در مقایسه با افراد مجرد می‌توان بیان داشت که افراد متأهل به علت مشغله کاری و زندگی، صبر و حوصله کمتری در برخورد با مسائل داشته و در صورت بروز مشکل شروع به پرخاشگری نموده و درگیر در دعوا شوند. از یک جهت دیگر نیز می‌توان اشاره نمود که حساسیت افراد متأهل نسبت به مسائل ناموسی، احترام به بزرگترها و اصل و

نسب، بیشتر از جوانان و افراد مجرد بوده و در صورت بروز هرگونه بی‌احترامی نسبت به این مسائل رفتار پرخاشگرانه‌ای از خود بروز داده و در نهایت به نزاع منجر می‌گردد. پایین بودن میزان تحصیلات افراد مسن‌تر در مقایسه با افراد جوان‌تر می‌تواند علت دیگری بر افزایش گرایش به نزاع در متأهلان قلمداد شود. پاسخگویان مورد مطالعه، به لحاظ میزان نزاع با توجه به متغیر وضعیت تحصیلات نیز مورد مقایسه قرار گرفتند که نتایج حاصل از آزمون فرضیات به شرح ذیل است:

جدول ۵- خروجی آزمون تی جهت مقایسه میزان نزاع با توجه به سطح تحصیلات پاسخگویان

ابعاد نزاع	سطح تحصیلات	تعداد	میانگین	انحراف معیار	تی	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
نگرش به نزاع	دیپلم و پایین‌تر	۱۱۳	۲۲/۲۵	۶/۰۹	۲/۲۰	۳۲۱	۰/۰۲۸
	بالا تر از دیپلم	۲۱۰	۲۰/۶۱	۶/۵			
گرایش به نزاع	دیپلم و پایین‌تر	۱۱۳	۹/۱۱	۵/۹۴	۲/۷۴	۱۹۷	۰/۰۰۷
	بالا تر از دیپلم	۲۱۱	۷/۳۱	۴/۹۷			
گرایش به انتقام	دیپلم و پایین‌تر	۱۱۳	۱۴/۳۵	۴/۶۳	۲/۵۴	۳۲۲	۰/۰۱۲
	بالا تر از دیپلم	۲۱۱	۱۳/۱	۴			
نزاع (کل)	دیپلم و پایین‌تر	۱۱۳	۴۵/۷	۱۳/۹۳	۳/۰۳	۳۲۱	۰/۰۰۳
	بالا تر از دیپلم	۲۱۰	۴۱	۱۲/۸۲			

همان‌طور که از نتایج آزمون تی مستقل و یافته‌های نمایش داده در جدول ۵ مشخص است بین میانگن نزاع در بین افراد با تحصیلات مختلف، تفاوت معناداری وجود دارد. بدین صورت که افراد با تحصیلات پایین‌تر تمایل و گرایش بیشتری به نزاع دارند.

برای بررسی دقیق‌تر تأثیر متغیرهای مختلف بر نزاع، از رگرسیون با روش گام به گام استفاده شده است. از بین متغیرهای وارد شده به مدل، متغیرهای تجربه عینی نزاع، تحصیلات، سن و دسترسی به امکانات تأثیر معنی‌داری بر نزاع داشتند و متغیر وضعیت تأهل از مدل خارج گردید.

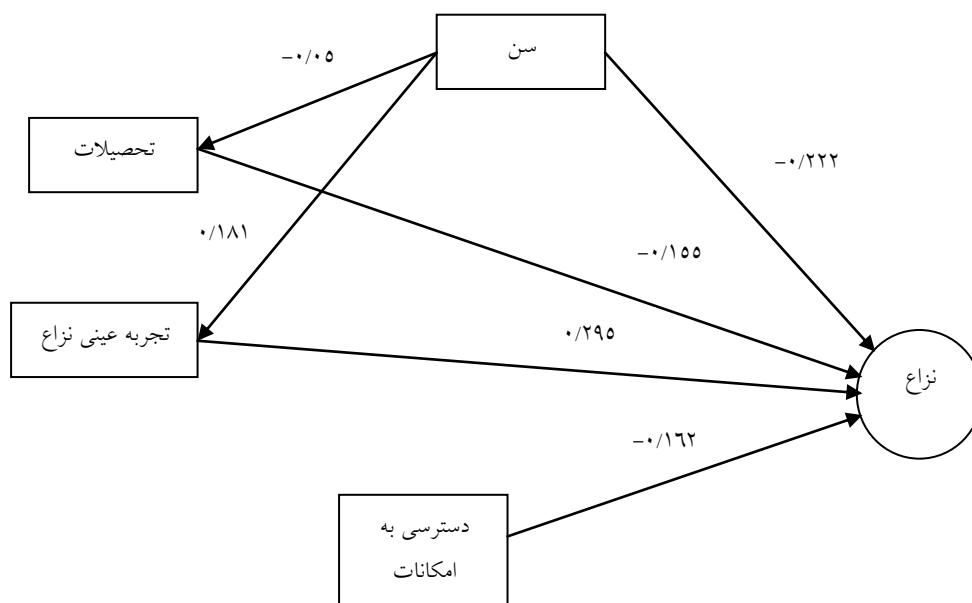
جدول ۷- نتایج رگرسیون گام به گام متغیر وابسته نزاع

متغیر پیش‌بینی کننده	B	β	t	Sig	R	R ²	F	Sig
تجربه عینی نزاع	۴/۰۲	/۲۹۵	۵/۷۶	۰/۰۰۰				
تحصیلات	-۴/۳۳	-/۱۵۵	۳/۰۲	۰/۰۰۳	/۴۵۸	۰/۲۹۷	۲۱/۱۱	۰/۰۰۰
سن	-/۲۸۳	-/۲۲۲	۴/۳	۰/۰۰۰				
دسترسی به امکانات رفاهی	-/۴۱۷	-/۱۶۲	۳/۰۱	۰/۰۰۲				

براساس نتایج جدول ۷، متغیرهای تجربه عینی نزاع، تحصیلات، سن و دسترسی به امکانات رفاهی بیشترین تأثیر را در تبیین پدیده نزاع دارند و قادرند نزدیک به ۲۱ درصد از

تغییرات میزان نزاع را در بین شهروندان تبیین نمایند.

مدل مسیر



نمودار ۱- رابطه متغیرهای مختلف با نزاع

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی مقاله حاضر، بررسی میزان نزاع در بین شهروندان

یزد و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن بوده است. این تحقیق برخی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آنان نظیر سن، وضعیت

فرینقتون و همکاران مشابه با تحقیقات افراد قبل، به این نتیجه رسیده بودند که بخشی از یادگیری هرگونه کنش اجتماعی مرتبط با شبکه‌های اجتماعی نظیر دوستان و خانواده است؛ یعنی اگر شبکه‌های حمایتی افراد خود مروج بزهکاری باشند، خواسته یا ناخواسته زمینه را برای بروز هرگونه رفتار ناهنجار از جمله شرکت در نزاع فراهم می‌سازند؛ در تحقیق حاضر نیز این امر به لحاظ تجربی تأیید گردید.

بین دسترسی به امکانات رفاهی و رضایت از زندگی با میزان نزاع همبستگی معنی‌داری و منفی یافت گردید که نشان می‌دهد هرچه دسترسی افراد به امکانات رفاهی و رضایت از زندگی در افراد کمتر شود میزان تمایل و گرایش آنها به نزاع افزایش می‌یابد و برعکس. که این یافته با نظریه سلسله مراتب نیازهای مازلو همخوانی دارد که اشاره می‌کند افراد در زمینه نیازها، سلسله مراتبی دارند که در رسیدن هر کدام به مرحله بعدی، نیازمند عبور و برطرف کردن نیازهای قبلی می‌باشد در صورتی که نیازها به ترتیب ارضا نگردند، افراد در رسیدن به مراحل کمال و خودشکوفایی دچار وقفه و آسیب خواهند شد، اگر افراد نیازهای زیستی و فیزیولوژیکی خود را برطرف ننمایند، نمی‌توانند به نیازهای بالاتر مثل احترام به خود و احترام به دیگران برسند و آن نیاز را ارضا نمایند که باعث ناکامی و خلاء فرد شده و فرد را به سمت ناهنجاری‌ها و بروز رفتارهای پرخاشگرانه (نزاع) سوق می‌دهد.

پدیده نزاع و درگیری در جامعه، از آن دسته آسیب‌هایی است که با ایجاد اخلال در روابط اجتماعی، فضایی آکنده از بغض، کینه و دشمنی را در میان افراد به وجود می‌آورد که این امر با زمینه سازی برای ایجاد نزاع و تنش‌های بعدی، جامعه را از نظر مادی و معنوی متضرر می‌سازد که از مهم‌ترین آنها، کاهش احساس امنیت در بین شهروندان می‌باشد. این پدیده در کشور ما که دارای بافتی چند قومیتی می‌باشد به عنوان پدیده‌ای مسأله‌ساز ظاهر می‌شود. از سوی دیگر، متأسفانه هنوز خشونت و نزاع از جمله موضوعاتی است که در فرهنگ بعضی از هموطنان، شاخص قدرت و یا دفاع از منزلت

تأهل، تحصیلات و درآمد افراد را مورد بررسی قرار داده و نتایج به صورت توصیفی ارائه گردیده است. در بخش استنباطی روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق، به منظور تحلیل عمیق‌تر اطلاعات جمع‌آوری شده، مورد بررسی قرار گرفت. متغیر سن با میزان نزاع و ابعاد آن همبستگی معنی‌داری را نشان داده که از این جهت با نتایج تحقیقات عدالتی منش (۱۳۸۶)، میرفردی و همکاران (۱۳۹۰) و واحدی و دیگران (۱۳۹۲) همسو بوده و با نتایج تحقیقات نظری (۱۳۸۶)، خیال پرستان (۱۳۸۸)، و حسین‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) همخوانی نداشته است. افراد متأهل نسبت به افراد مجرد میانگین نزاع بالاتری را نشان داده‌اند که با نتیجه تحقیق نظری (۱۳۸۶) همخوانی ندارد. بین افراد با تحصیلات مختلف به لحاظ میزان نزاع تفاوت معنی‌داری یافت گردید و مشخص شد که هرچه میزان تحصیلات افراد بالاتر می‌رود، تمایل و میزان گرایش کمتری به نزاع داشته‌اند، که این یافته با نتایج تحقیقات پورافکاری (۱۳۸۳)، نظری (۱۳۸۶) و حسین‌زاده و همکاران (۱۳۸۹) همسو بوده است. بین تجربه عینی نزاع و میزان نزاع در بین شهروندان همبستگی معنی‌داری یافت گردید. که این یافته با نتایج تحقیقات نظری (۱۳۸۶) و ربانی و همکاران (۱۳۸۸) همسو بوده است. یکی از روش‌های یادگیری، مشاهده است که از این طریق، مشاهده‌کنندگان رسماً پرخاشگری و نحوه آن را می‌آموزند (Bandura, 1973). برطبق تئوری یادگیری اجتماعی، افراد، از خانواده، دوستان و دیگران با نفوذ، همسایگان، رسانه‌ها و ... رفتارهای خود را شکل می‌دهند. در تأیید این امر وارنر و گریک (۲۰۰۴) همبستگی معنی‌داری بین دوستان و بروز پرخاشگری یافته بودند؛ یعنی افراد پرخاشگر دوستان پرخاشگری دارند (Snethen and Van Puymbroeck, 2008: 353). بنابراین، پرخاشگری خود زائیده تجربه عینی نزاع، مشاهده و یادگیری است که برآیند آن نیز می‌تواند در گرایش افراد به رفتارهای ناهنجار (گرایش به نزاع) متجلی گردد؛ چیزی که در تحقیق حاضر نیز تأیید شده است.

منابع

- اجتماعی و فرهنگی و حیثیت خانوادگی می‌باشد. در این میان جهت کاهش نزاع در جامعه و فارغ بودن از مصائب و گرفتاری‌های این ناهنجاری پیشنهاداتی ارائه می‌گردد. با توجه به رابطه تحصیلات و میزان نزاع پیشنهاد می‌گردد که اهتمام افزون‌تری به آموزش خانواده‌ها و کاهش میزان بی‌سوادی صورت گیرد. حضور به موقع عوامل انتظامی در صحنه و استفاده از نیروهای باتجربه و دارای نگرش جامعه محور در مواجهه با نزاع‌ها به منظور کنترل سریع‌تر و بهتر نزاع‌ها، همچنین رسیدگی سریع و خارج از نوبت به پرونده‌های نزاع و استفاده از عوامل بازدارنده قوی از قبیل: اعمال جریمه‌های مادی و معنوی سنگین و ... نیز می‌تواند در کاهش نزاع مؤثر باشد. هرچقدر افراد مورد بررسی درخصوص نزاع، تجربه بیشتری پیدا کرده‌اند (تجربه عینی نزاع) گرایش بیشتری به آن داشته‌اند، لذا پیشنهاد می‌شود که رخداد نزاع بیش از پیش توسط سازمان‌های مربوطه کنترل و به حداقل برسد؛ زیرا متغیر تجربه عینی نزاع نشان داد که افراد هر اندازه بیشتر در معرض مشاهده نزاع و .. قرار بگیرند، به همان اندازه گرایش بیشتری به نزاع خواهند داشت، بنابراین بایستی از رخداد این امر در ملاً عام توسط سازمان‌های مسئول جلوگیری شود. آموزش جهت یادگیری ایجاد روابط اجتماعی بر مبنای اعتماد، احترام و ارزش، صداقت، مشورت، شعور، انتقاد و استدلال از طریق نهادهایی چون خانواده، نهادهای آموزشی و به ویژه رسانه‌های ارتباط جمعی می‌تواند در کاهش این مسأله تأثیرگذار باشد. همچنین، با توجه به گرایش بیشتر گروه‌های سنی جوان و نوجوان به این پدیده نسبت به گروه‌های سنی دیگر، توسعه نهادهای فرهنگی در سطح استان به ویژه سینما، پارک‌های علمی- تفریحی (با توجه به اینکه یک استان کویری بوده و مناطق تفریحی و گردشگری طبیعی کمی دارد)، کتابخانه، فرهنگ‌سرا و افزایش علاقمندی جوانان به شرکت در فعالیت‌های هنری، ورزشی و ... جهت سوق پتانسیل آنها به سوی فعالیت‌های مفید علمی، فرهنگی، هنری، ورزشی و ... ضروری می‌نماید.
- پورافکاری، نصراله. (۱۳۸۳). «نزاع‌های جمعی محلی»، در: مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ص ۳۷۳-۳۸۶.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۲). جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۳). چارچوب مفهومی پیمایش ارزش‌های ایرانیان، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- چلبی، مسعود و موسوی، محسن. (۱۳۸۷). «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره نهم، ش ۱ و ۲، ص ۳۴-۵۷.
- حسین‌زاده، علی حسین؛ نواح، عبدالرضا و عنبری، علی. (۱۳۸۹). "بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر میزان گرایش به نزاع دسته جمعی در شهر اهواز"، فصلنامه دانش انتظامی، سال سیزدهم، شماره دوم، ص ۱۹۱-۲۲۵.
- حسینی، رضا. (۱۳۸۳). «آمار جرایم در ایران»، مجموعه مقالات اولین همایش آسیب‌های اجتماعی در ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات آگه، ص ۸۳-۱۲۱.
- حقیقی، جمال؛ مهربانی‌زاده، مهناز و زندی دره غریبی، تاج محمد. (۱۳۷۹). «رابطه سلسله مراتب نیازهای مازلو با اضطراب آموزشگاهی و عملکرد تحصیلی با کنترل وضعیت اجتماعی-اقتصادی»، مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی، دوره ۷، ش ۲-۱، ص ۱۰۳-۱۲۶.
- حیدری، محمد؛ اسلام پناه، محمد نورعلی و لشکری، علمدار. (۱۳۸۶). «عوامل مرتبط با مدیریت انتظامی نزاع‌های دسته جمعی مسلحانه در شهرستان

پزشکی براساس سلسله مراتب نیازهای مازلو»، مدیریت سلامت، دوره ۹، ش ۲۴، ص ۴۵-۵۰.

کوئن، بروس. (۱۳۷۲). *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه: غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران: سمت.

محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۳). *وندالیسم*، تهران: انتشارات آن.

مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰). *گزارش سرشماری عمومی نفوس و مسکن*.

میرفردی، اصغر، احمدی، سیروس و آسیه صادق‌نیا. (۱۳۹۰). «میزان گرایش به نزاع جمعی در میان مردان ۱۵ تا ۶۵ سال شهرستان بویراحمد و عوامل مؤثر بر آن»، *فصلنامه مطالعات اجتماعی*، ش ۲۵، ص ۱۴۷-۱۷۷.

میرفردی، اصغر و صادق‌نیا، آسیه. (۱۳۹۱). «گونه‌شناسی نزاع‌های دسته جمعی در شهرستان بویراحمد»، *فصلنامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی*، سال چهارم، ش ۲، ص ۴۱-۷۳.

می‌یر، پیترو. (۱۳۶۸). *جامعه‌شناسی جنگ و ارتش*، ترجمه: محمد صادق مهدوی و علیرضا ازغندی، تهران: قومس.

نایی، هوشنگ و جسورخواجه، تقی. (۱۳۸۸). «ریشه‌یابی نزاع‌های دسته‌جمعی (مورد مطالعه روستاهای کویچ و افشرد از توابع بخش خواجه در استان آذربایجان شرقی)»، *فصلنامه توسعه روستایی*، ش ۱، ص ۱۱۵-۱۲۸.

نظری، جواد و امینی فسخودی، عباس. (۱۳۸۷). «تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به نزاع جمعی، در مناطق روستایی استان ایلام»، *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ش ۵۴، ص ۱۸۷-۲۱۰.

کهگیلویه»، *فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی*، سال دوم، ش ۴، ص ۴۸۹-۵۰۰.

خراطها، سعید و جاوید، نورمحمد. (۱۳۸۴). «نزاع و درگیری در شهر تهران»، *فصلنامه مطالعات و امنیت اجتماعی*، معاونت اجتماعی ناجا، سال دوم، ش ۷ و ۶، ص ۳۷-۵۵.

خیال پرستان، یعقوب. (۱۳۸۸). *بررسی عوامل مؤثر بر نزاع و درگیری‌های محلی در میان روستائیان شهرستان دنا*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی دهقان.

ربانی، رسول؛ عباس‌زاده، محمد و نظری، جواد. (۱۳۸۸). «بررسی عوامل اجتماعی-فرهنگی مؤثر بر گرایش به نزاع جمعی (مطالعه موردی شهرستان‌های منتخب استان ایلام)»، *انتظام اجتماعی*، سال اول، ش ۳، ص ۱۰۳-۱۲۶.

شریعتی، مسعود؛ مهاجری، محمدکاظم و ملکی، ابوالفضل. (۱۳۹۱). «بررسی عوامل مؤثر بر تمایلات بالقوه به نزاع‌های دسته جمعی در شهرستان خداآبند»، *فصلنامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی*، سال چهارم، ش ۲، ص ۹۵-۱۱۸.

صدیق سروستانی، رحمت الله. (۱۳۸۳). *آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)*، تهران: انتشارات آن.

عشایری، طاها و ایمانی جاجرمی، حسین. (۱۳۹۲). «مطالعه جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نزاع‌های دسته جمعی روستایی (مورد مطالعه: روستای پریخان از توابع شهرستان مشکین شهر)»، *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، ش ۳۴، ص ۶-۳۹.

کشتکاران، علی؛ خوارزمی، عرفان و یوسفی، صدیقه. (۱۳۸۵). «بررسی نیازهای انگیزشی پرستاران بیمارستان‌های آموزشی منتخب دانشگاه علوم

- Snethen, G. and Van Puymbroeck, M. (2008) "Girls and Physical Aggression: Causes, Trends, and Intervention Guided by Social Learning Theory", *Aggression and Violent Behavior*, vol. 13 (5), p 346-354.
- Steadman, D. (2008) "Warfare Related Trauma at Orendorf, A Middle Mississippian Site in West-Central Illinois", *American Journal of Physical Anthropology*, vol. 136, p 51-64.
- Tung, T. (2007) "Trauma and Violence in the Wari Empire of the Peruvian Andes: Warfare, Raids, and Ritual Fights", *American Journal of Physical Anthropology*, vol. 133, p 941-956.
- Vowell, Paul R. (2007) "A Partial Test of an Integrative Control Model: Neighborhood Contexts, Social Control, Self- Control, and Youth Violent Behavior", *Western Criminology Review*, vol. 8(2), p1-15.
- <http://yz.imo.ir>
- نظری، جواد. (۱۳۸۶). «تبیین جامعه‌شناختی میزان گرایش به نزاع جمعی در استان ایلام»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال سوم، ش ۱۰، ص ۷۷-۹۴.
- واحدی، ناصر؛ بهستانی، رضا و حسن‌زاده، مرتضی. (۱۳۹۲). «بررسی عوامل مؤثر بر نزاع و درگیری فردی از دیدگاه شهروندان در سال ۱۳۹۲» (مطالعه موردی شهر خوی)، فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان غربی، سال ششم - ش ۲۱، ص ۴۷-۷۴.
- وزارت کشور. (۱۳۸۳). گزارش آمارهای مربوط به نزاع.
- هاشمی، ضیاء. (۱۳۸۷). «بررسی ابعاد فرهنگی و اجتماعی نزاع»، مجموعه مقالات اولین همایش تأثیر نزاع بر امنیت اجتماعی، یاسوج، دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان کهگیلویه و بویراحمد.
- هزارجریبی، جعفر و صفری شالی، رضا. (۱۳۸۸). «بررسی رضایت از زندگی و جایگاه احساس امنیت در آن»، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال اول، شماره سوم، ص ۲۸-۷.
- Antaramian, Susan P. Huebner, Scott E. Valois Robert, F. (2008) "Adolescent Life Satisfaction", *Applied Psychology: an International Review*, vol. 57, p 112-126.
- Bandura, Albert. (1973) *Aggression: A social learning analysis*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.
- Haynie, D.L., Silver, E., Teasdale, B. Haynie, D.L. Silver, E. & Teasdale, B. (2006) "Neighborhood Characteristics, Peer Networks and Adolescent Violence". *Journal of Quantitative Criminology*, vol. 22, p 147-169
- Krejcie, R. V. & Morgan, D.W. (1970) "Determining Sample Size for Research Achological Measurement", vol. 30, p 607-610.
- Mcintosh, C. (2001) "Report on the Construct Validity of the Temporal Satisfaction With Life Scale". *Social Indicators Research*, vol. 54 (1), p 37-56
- McLaughlin, M. (1990) "The Woman Warrior: Gender, Warfare and Society in Medieval Europe". *Women's Studies*, vol.17, p 193-209.
- Mendoza, M. G. (1995) *System of society*, "mami-dadc community colley, sixth edition.

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی

سال چهارم، شماره پیاپی ۹، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۵/۱۸

صص ۹۵-۱۱۶

تحلیل زمانی - مکانی آسیب‌های اجتماعی مرتبط با مواد مخدر (مطالعه موردی: منطقه ۱۲ شهر تهران)

علی زنگی‌آبادی، دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان

فریاد پرهیز، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان*

احسان خیام‌باشی، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان

چکیده

تحلیل فضایی آسیب‌های اجتماعی شهری به شناسایی الگوهای رفتار مجرمانه، کشف کانون‌های آسیب‌خیز و در نهایت به تغییر این شرایط و خلق فضاهای مقاوم در برابر آسیب‌های اجتماعی و رفع آسیب‌های شهری کمک می‌کند. در واقع، توجه به مکان، به عنوان عامل بی‌واسطه در وقوع آسیب‌های اجتماعی، در مقایسه با عوامل فردی یا ساختاری این امکان را محقق می‌سازد تا راهکارهای عملی‌تری برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی ارائه شود. براساس آمار رسمی، میزان جرایم ارتكابی منطقه ۱۲ که به تهران عهد ناصری شهرت دارد، بسیار بیش از سایر مناطق شهر تهران است. بنابراین افزایش آسیب‌های اجتماعی در کنار آسیب‌های کالبدی از جمله مسایل و معضلات این منطقه در مقطع کنونی است و این محدوده را از نظر ناهنجاری‌های اجتماعی دچار مشکل جدی نموده است و دستیابی به راهکارهایی برای کنترل و مقابله با این ناهنجاری را ضروری ساخته است. بر همین اساس، این پژوهش با هدف تحلیل زمانی - مکانی جرایم شهری، جرایم مرتبط با مواد در منطقه ۱۲ کلانشهر تهران انجام گرفته است. روش پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی و از نوع کاربردی است و به منظور تحلیل زمانی - مکانی جرایم مرتبط با مواد مخدر در منطقه ۱۲ شهر تهران، از آزمون‌های آماری مرکز متوسط، بیضی انحراف معیار، آزمون خوشه‌بندی، شاخص‌های نزدیک‌ترین همسایه و آزمون تراکم کرنل در محیط سامانه‌های اطلاعات جغرافیایی (GIS) استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش، مجموع جرایم مرتبط با مواد است که در سال ۱۳۸۷ در محدوده منطقه ۱۲ شهر تهران به وقوع پیوسته است و به عنوان نمونه آماری، ۸۸ فقره از جرایم مرتبط با مواد اتفاق افتاده منطقه ۱۲ شهرداری تهران بررسی شده است. بررسی الگوی فضایی جرایم مرتبط با مواد مخدر نشان می‌دهد، این جرایم از الگوی خوشه‌ای و متمرکز پیروی می‌کند و تحلیل زمانی روزهای هفته و ساعات شبانه روز این جرایم نشان می‌دهد زمان اوج و مرکز ثقل زمانی وقوع این جرایم در ساعت ۱۳ و در روز چهارشنبه با فراوانی ۱۰-۸ رویداد آسیب اجتماعی در این ساعت و روز می‌باشد. همچنین، بررسی پراکندگی مکان‌های وقوع جرایم مرتبط با مواد مخدر در منطقه ۱۲ نشان می‌دهد، میدان محمدیه (اعدام) در جنوب غربی منطقه ۱۲ و همچنین میدان استقلال در شمال غربی این منطقه کانون‌های اصلی ارتكاب جرایم مرتبط با مواد می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: تحلیل زمانی - مکانی، آسیب‌های اجتماعی، جرایم مرتبط با مواد، منطقه ۱۲، شهر تهران.

مقدمه

بیان مسأله

رشد شتابان جمعیت شهرها، به بروز و وقوع انواع ناهنجاری‌های اجتماعی (افزایش جرم و جنایت) منجر شده است. از آنجایی که مجرمین در انتخاب مکان بسیار سنجیده و منطقی عمل می‌کنند، مکان‌هایی را برای اعمال مجرمانه خود بر می‌گزینند که ارتکاب جرم با خطر کمتر و سرعت بیشتر امکان‌پذیر است. از این رو، ساختار کالبدی شهرها در بروز جرایم تأثیر بسزایی دارد و تغییر در مشخصه‌های مکانی به شکل‌گیری الگوهای زمانی و مکانی خاص بزهکاری منجر می‌شود. برنامه‌ریزی کاربری زمین یکی از محورهای اصلی برنامه‌ریزی شهری است که همراه با برنامه‌ریزی شبکه، فضای سبز و باز، تأسیسات و غیره، استخوان‌بندی اصلی شهر و نحوه توسعه آتی آن را مشخص می‌کند. چگونگی برنامه‌ریزی کاربری، نه فقط نقش اساسی در کیفیت و کارایی برنامه جامع شهری خواهد داشت، بلکه می‌تواند نقش مهمی در تغییر شرایط فیزیکی و مکانی شهرها برای کاهش جرایم ایفا نماید. از لحاظ پایداری محیط زیست شهری، نحوه قرارگیری کاربریها در فضای شهری بسیار مهم می‌باشد. زیرا قرارگیری مناسب کاربری‌های هماهنگ با یکدیگر در یک فضا و جداسازی کاربری‌های معارض یکدیگر، از بروز بسیاری از مسایل زیست محیطی جلوگیری می‌کند. آنچه روشن است بعضی مکان‌ها به علت ویژگی‌های کالبدی و محیطی و همچنین خصوصیات اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی ساکنان آن، امکان و فرصتی بیشتری برای وقوع جرم دارند. برعکس بعضی مکان‌ها مانع و بازدارنده فرصت‌های مجرمانه هستند و همین امر موجب شده است تا در دو دهه گذشته، سیاستمداران و محققان به مکان و زمان جرم برای کنترل و جلوگیری از بروز جرم توجه ویژه‌ای نشان دهند (تقوایی، ۱۳۸۹: ۱۱۰). از این رو، شناسایی شرایط مکانی به وجود آورنده و تسهیل‌کننده این فرصت‌ها و ارائه رهنمود برای تغییر این شرایط و تبدیل آن به فضاهای مقاوم در برابر ناهنجاری‌های

اجتماعی، از مهم‌ترین اهداف بررسی‌های جغرافیایی جرم و جنایت در شهرها محسوب می‌شود (زنگی‌آبادی و رحیمی نادر، ۱۳۸۹: ۱۸۳).

یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین مسایل در کلان‌شهر تهران در مقطع کنونی، بروز انواع جرایم و ناهنجاری‌های اجتماعی در محدوده بافت‌های فرسوده این شهر می‌باشد که علاوه بر ایجاد حس ناامنی و بدبینی، لطمات سنگین روحی و جسمی بر دوش شهروندان نهاده و از طرفی موجب شده است تا عملکرد قضایی و انتظامی شهر در جهت کاهش نرخ جرایم و علی‌رغم تلاش بی‌دریغ آنها و رشد دایره فعالیت و صرف بودجه و امکانات بیشتر، ناکارآمد و کم فایده به نظر رسد. جالب اینکه میزان جرایم ارتكابی بر منطقه ۱۲ که به تهران عهد ناصری شهرت دارد، بسیار بیشتر از سایر مناطق شهر تهران می‌باشد. بنابراین، جانمایی اصولی، منطقی و نظام‌مند کاربری‌های اراضی شهری نقش بسیار مهمی در کاهش نابسامانی‌های شهری به‌ویژه انواع جرایم دارند. برنامه‌ریزان شهری می‌توانند با شناخت ویژگی‌ها و تسهیلات مکانی جرم در شهرها و با اعمال تغییرات در این محیط و همچنین با برنامه‌ریزی و طراحی محیطی به منظور حذف تسهیلات محیطی جرم، نرخ جرایم را در سطح شهرها به حداقل برسانند.

اهداف پژوهش

در این پژوهش نیل به اهداف زیر مد نظر است:

- ارزیابی حوزه‌های آسیب‌پذیر و آلوده شهر و بررسی تأثیر این مکان‌ها در رفتار و فعالیت‌های مجرمانه و آسیب‌هایی که در این محدوده در پیکره شهر باقی می‌گذارد؛
- سعی در درک قواعد و منطق مجرمین در انتخاب مکان و زمان فعالیت مجرمانه در سطح منطقه ۱۲ شهر تهران و همچنین کمک به فهم بهتر الگوهای فضایی و عوامل مکانی مؤثر در بروز آسیب‌های اجتماعی؛

- شناسایی و تعیین محدوده‌های آسیب‌پذیر منطقه ۱۲ از نقطه نظر آسیب‌های اجتماعی که نیاز به حضور بیشتر نیروهای انتظامی، عملیات گشت‌زنی، تجسس و تعقیب و مراقبت دارد.

پیشینه پژوهش

بررسی‌های متکی به روش علمی و مبتنی بر اصول و روش‌های آماری در خصوص محیط جغرافیایی و ارتباط آن با آسیب‌های اجتماعی برای اولین بار در نیمه اول قرن نوزدهم به وسیله کتله و گری صورت گرفته است (پرهیز، ۱۳۸۹). خانم جین جاکوبز نخستین کسی است که در سال ۱۹۶۱ در اثر خود با عنوان «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا» به موضوع جرم و محیط پرداخت او معتقد بود نظارت معمولی شهروندان به قابلیت حیات شهر کمک خواهد کرد و با طراحی و برنامه‌ریزی مناسب شهری می‌توان امکان کنترل اجتماعی برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی را فراهم آورد. او سعی داشت کانون مطالعات مربوط به آسیب‌های اجتماعی را به علم طراحی و برنامه‌ریزی شهری نزدیک کند (عبداللهی حق، ۱۳۸۳: ۳). در سال ۱۹۶۹، جفری اولین کسی بود که عبارت پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی را به کار برد. او به برنامه‌ریزی شهری و طراحی ساختارهای شهری و واحدهای همسایگی به منظور کنترل و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی تأکید داشت. به نظر او مراقبت‌های طبیعی شهروندان و طراحی اصولی و صحیح ساختمان‌ها و فضاهای شهری عامل مهم کنترل آسیب‌های اجتماعی شهری است. در سال ۱۹۷۳ و در راستای اندیشه‌های پیشگیری از جرم از طریق طراحی و برنامه‌ریزی شهری اسکار نیومن دیدگاه فضای مقاوم در برابر جرم را مطرح کرد (همان). شرم‌ن، گارتین و برگر در سال ۱۹۸۹ برای نخستین بار واژه کانون‌های جرم خیز را مطرح کردند. شرم‌ن و همکارانش در مطالعه شهر مینیاپولیس دریافتند ۵۰ درصد تماس‌های تلفنی با پلیس تنها از ۳/۳ درصد کانون‌های شهری انجام گرفته است (Sherman et al. 1989:27-55). پژوهش دیگر، مطالعه جرایم مرتبط

با مشروبات الکلی در مرکز شهر نانتینگام می‌باشد که در سال ۲۰۰۴ انجام شده است. در این تحقیق راهبردهای مورد استفاده در کشور انگلیس برای کاهش آسیب‌های اجتماعی در مرکز شهر و نواحی تجاری آن مورد بررسی قرار گرفته است. این تحقیق نشان می‌دهد، افزایش تعامل و مشارکت بین پلیس و مدیریت مشروب فروشی‌ها و مراکز مصرف مشروبات الکلی (عشرتکده‌ها) و حضور و مراقبت بیشتر پلیس می‌تواند موجب کاهش بزهکاری در این محدوده‌ها گردد (Hopkins, 2004:53-66). در این زمینه پژوهش دیگری در شهر کمبریج با هدف شناسایی، تشریح و هدف‌گیری نقاط آلوده‌تر بزه سرقت در سال ۱۹۹۵ انجام شده است که با استفاده از فنون تهیه و تحلیل نقشه‌های بزهکاری و مصاحبه با بزهکاران و بزه دیدگان و مشاهدات مأمورین انتظامی اقدام به شناسایی و تعیین نقاط جرم‌خیز گردیده است (Bennett, 1995: 113-123). همچنین، در سال ۲۰۰۱، ام سی کاملی در مقاله‌ای رابطه جرم، طراحی و برنامه‌ریزی شهری را با تئوری و تکنیک در استرالیا و نیوزیلند به کار می‌گیرد و راهکارهای پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی را در پلیس NSW ارزیابی می‌کند و راهبردهای طراحی امنیت را بیان می‌کند (Mc Camley, 2001: 17).

سؤال‌های پژوهش

- توزیع فضایی کانون‌های آسیب‌های اجتماعی مرتبط با مواد در محدوده جغرافیایی منطقه ۱۲ شهر تهران چگونه است؟
- مهم‌ترین ویژگی‌های کالبدی یا عوامل مکانی مؤثر ترغیب‌کننده یا تسهیل‌کننده آسیب‌های اجتماعی مرتبط با مواد در این محدوده‌ها کدام است؟
- اقدامات علمی و عملی به منظور مقابله با آسیب‌های اجتماعی و افزایش ضریب خطر (ریسک) ارتکاب آسیب‌های اجتماعی در کانون‌های جرایم مرتبط با مواد منطقه ۱۲ شهر تهران چیست؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و روش آن تحلیلی، تطبیقی می‌باشد و برای شناسایی و درک الگوهای مکانی بزهکاری در سطح شهر از مدل‌های آماری و گرافیک مبنا در محیط سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS) استفاده شده است. مهم‌ترین آزمون‌های آماری مورد استفاده، آزمون مرکز متوسط^۱، فاصله از انحراف معیار^۲ و بیضی انحراف معیار^۳ بوده است و از بین آزمون‌های خوشه‌بندی^۴، شاخص نزدیک‌ترین همسایه^۵ برای شناسایی کانون‌های جرم‌خیز به کار گرفته شده است. در این پژوهش علاوه بر آزمون‌های آماری، برخی روش‌های آماری گرافیک مبنا از جمله روش تخمین تراکم کرنل^۶ به کار گرفته شده است. در این ارتباط، داده‌های مربوط به جرایم مورد مطالعه به صورت وقایع نقطه‌ای در محدوده قانونی منطقه ۱۲ شهر تهران در نظر گرفته شده است.

روش‌های آماری یکپارچه به تحلیل گران کمک می‌کند تا الگوهای کلی و عمومی آسیب‌های اجتماعی را درک نمایند. نقطه مرکز متوسط را می‌توان به عنوان معیاری تقریبی برای مقایسه توزیع فضایی انواع گوناگون آسیب‌های اجتماعی یا برای بررسی وقوع یک نوع جرم خاص در دوره‌های زمانی مختلف به کار گرفت. شاخص فاصله از انحراف معیار به تشریح سطح و نحوه توزیع داده‌های مجرمانه کمک کند. هرچه اندازه فاصله از انحراف معیار بیشتر باشد، پراکندگی داده‌های بزهکاری بیشتر است. سطوح پراکندگی را نیز می‌توان به وسیله بیضی انحراف معیار نشان داد. اندازه و شکل بیضی، میزان پراکندگی را معین می‌کند و امتداد آن برای حرکت رفتارهای مجرمانه را نشان می‌دهد. مفیدترین آزمون آماری جامع، آزمون خوشه‌بندی است. چندین روش برای آزمون خوشه‌بندی در توزیع بزهکاری قابل استفاده است.

شاخص نزدیک‌ترین همسایه از جمله آزمون‌های خوشه‌بندی است. شاخص نزدیک‌ترین همسایه روشی ساده و سریع برای آزمون تجمع بزهکاری در یک محدوده جغرافیایی است. در آزمون شاخص نزدیک‌ترین همسایه، توزیع واقعی داده‌های جرم با گروهی از داده‌ها به همان تعداد نمونه و با توزیع بی‌قاعده مقایسه می‌شود (اک و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۵).

مناسب‌ترین روش برای به تصویر کشیدن داده‌های بزهکاری به صورت سطح پیوسته، روش تخمین تراکم کرنل چهارگانه است. این روش از جمله روش‌های درون‌یابی و هموارسازی سطوح پیوسته است که تعداد نقاط جرم درون شعاع تعیین شده جستجو را با هم جمع می‌کند و سطح هموار و پیوسته‌ای ایجاد می‌نماید که نمایانگر حجم یا تراکم توزیع جرم در محدوده مورد مطالعه است. روش تخمین تراکم کرنل به جای خوشه‌بندی برخی جرایم و حذف بقیه آنها، میزان تمرکز در تمامی سطوح جرایم را در نظر می‌گیرد (همان: ۲۶).

گفتنی است در این پژوهش برای تشکیل پایگاه داده‌ای از نرم‌افزار Excel و برای تحلیل تطبیقی و گرافیکی از نرم‌افزارهای سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) و نرم‌افزار جانبی Crime Analysis در محیط Arc GIS استفاده شده است.

جامعه آماری این پژوهش مجموعه جرایم مرتبط با مواد بوده است که در سال ۱۳۸۷ در محدوده قانونی منطقه ۱۲ به وقوع پیوسته است و به عنوان یک واقعه مجرمانه برای آن پرونده و سابقه تشکیل شده است. نوع و درصد فراوانی این جرایم در جدول ۱ آورده شده است.

¹ Mean Center

² Standard Deviation Distance

³ Standard Deviation Ellipse

⁴ Tests for clustering

⁵ Nearest Neighbor Index (NNI)

⁶ Kernel Density Estimation

جدول ۱- بررسی نوع و میزان جرایم مرتبط با مواد مخدر در منطقه ۱۲ شهر تهران

نوع جرم	فراوانی در تهران	درصد فراوانی در تهران	فراوانی در منطقه ۱۲	درصد فراوانی در منطقه ۱۲
خرید و فروش تریاک	۴۰۳	۳۰/۷۱	۴۱	۴۶/۵۹
خرید و فروش حشیش	۱۰۰	۷/۶۲	۸	۹/۰۹
خرید و فروش سوخته	۵	۰/۳۸	-	-
خرید و فروش شیره مطبوع	۷	۰/۵۳	-	-
خرید و فروش کوکائین	۲	۰/۱۵	-	-
خرید و فروش گراس	۳	۰/۲۲	-	-
خرید و فروش مواد مخدر شیمیایی	۳۳	۲/۵۱	-	-
تولید آلات ساخت و استعمال مواد مخدر	۱۷	۱/۲۹	-	-
خرید و فروش مواد مخدر صنعتی	۱۸۶	۱۴/۱۷	۱۹	۲۱/۵۹
خرید و فروش هروئین	۴۴	۳/۳۵	۶	۶/۸۱
خرید و فروش سایر مواد	۴۴۳	۳۳/۷۶	۱۱	۱۲/۵
سوء مصرف	۶۹	۵/۲۵	۳	۳/۴۰
مجموع جرایم مرتبط با مواد مخدر	۱۳۱۲	۱۰۰	۸۸	۱۰۰

مأخذ: نیروی انتظامی تهران بزرگ، ۱۳۸۷ و محاسبات نگارندگان

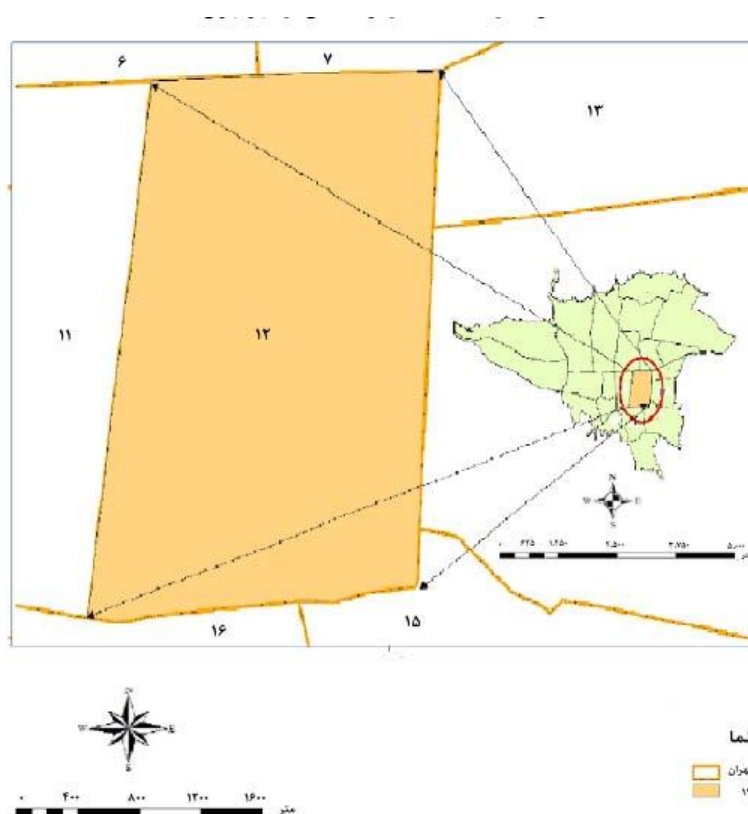
معرفی محدوده مورد مطالعه

منطقه ۱۲ بیش از سه چهارم شرقی تهران دوره قاجار را در بر می‌گیرد. خیابان‌های انقلاب، ۱۷ شهریور و شوش بر حصار ناصری منطبق هستند و تنها لبه غربی بر ضلع چهارم آن؛ یعنی خیابان کارگر انطباق ندارد. بیش از ۸۰ درصد کارکردهای تجاری، اداری- حکومتی، کارگاهی و انبار و بالاتر از ۵۰ درصد کارکردهای فرهنگی- مذهبی و پذیرایی آن نقش شهری و فراشهری دارند. ۲۲ درصد واحدهای تجاری (عمده و خرده فروشی)، ۲۲/۲ درصد کارگاه‌ها، ۱۰ درصد انبارها و ۴/۸ درصد فضاهای و بناهای اداری- حکومتی تهران بزرگ در منطقه ۱۲ قرار دارند. ۲۷ درصد از سطح منطقه (داخل باروی اول) بیش از ۴۰۰ سال و ۷۳ درصد از بافت بیش از ۲۰۰ سال قدمت دارد. بیش از ۳۴ درصد محدوده منطقه، فرسوده (اعم از ارزشمند یا غیر آن) محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، مرکز تاریخی تهران بزرگ در منطقه ۱۲ قرار دارند. این منطقه از شمال به مناطق ۶-۷ (خیابان انقلاب)، از شرق به مناطق ۱۳ و ۱۴ (خیابان ۱۷ شهریور)، از جنوب به مناطق ۱۵ و ۱۶

(خیابان شوش) و از غرب به منطقه ۱۱ (خیابان حافظ و وحدت اسلامی) محدود می‌شود. منطقه ۱۲ شهرداری تهران در حال حاضر از ۱۳ محله تشکیل شده است (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۴-۳۵). هر چند بسیاری از عناصر و فضاهای شاخص و با کیفیت بافت قدیمی در منطقه ۱۲ تهران در گذر زمان از بین رفته است، اما استخوان‌بندی موجود بافت کمابیش با استخوان بندی تاریخی بخش مرکزی شهر انطباق دارد. بازار بزرگ تهران در حد فاصل چهار خیابان ۱۵ خرداد، مصطفی خمینی، شوش و خیام، مرکز ثقل و ستون فقرات منطقه ۱۲ را تشکیل می‌دهد، و امتدادهای منشعب از آن- به خصوص به سمت جنوب و شمال- با پذیرش فعالیت‌های اصلی، استخوان‌بندی منطقه را تعیین می‌کنند. محورهای خیام جنوبی و صاحب جمع با پذیرش فعالیت‌های تجاری- تولیدی با مقیاس فرامنطقه‌ای دارای پیوندهای قوی با بازار هستند و بخش جنوبی این استخوان‌بندی را تشکیل می‌دهند و با امتداد از طریق محورهای شهید رجایی و فدائیان اسلام به بزرگراه آزادگان می‌رسند. در بخش شمالی بازار، فعالیت‌های

عمده تجاری- اداری منشعب از بازار از طریق خیابان‌های خیام، ناصر خسرو و پامنار به سمت خیابان امیرکبیر و میدان توپخانه تداوم می‌یابند. میدان توپخانه یکی از نقاط عطف تمرکز فعالیت‌های فرامنطقه‌ای است و خیابان‌های سعدی، لاله‌زار، فردوسی و قوام‌السلطنه امتدادهای اصلی و مکان استقرار فعالیت‌های مهم منطقه (از نوع تجاری- تولیدی و

اداری- حکومتی) است که به خیابان انقلاب منتهی می‌گردد. بنابراین، می‌توان گفت استخوان‌بندی اصلی منطقه ۱۲، شمالی- جنوبی است و از جنوب به شمال بر حجم فعالیت‌های اداری- تجاری در کنار فعالیت‌های تجاری فرامنطقه‌ای، اضافه شده است (منزوی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳-۴).



شکل ۱- منطقه ۱۲ و موقعیت آن در شهر تهران

مبانی نظری

جرم و جنایت موجب تحمیل هزینه‌های بسیار گزافی در سطوح فردی، اجتماع و ملی می‌گردد (Mc Collister et al., 2010:104) از این رو در زمینه پیدایش و افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی در محیط‌های شهری بزرگ، سیستم‌های تئوریک مختلف در چارچوب بررسی‌های اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی و حتی روان‌شناسی به تحلیل و ارزیابی این موضوع پرداخته و کوشیده‌اند، با ارایه فرضیات، الگوهای

تبیین و مدل‌های عملی مؤثر جوانب گوناگون آن را مورد بررسی قرار دهند. "جاکوبز"^۱ (۱۹۶۱) در کتاب زندگی و مرگ شهرهای بزرگ آمریکا به این مسأله پرداخته است که بین جرم و محیط کالبدی ارتباط نزدیکی وجود داشته که قابل سنجش و کنترل می‌باشد. وی شهرهای مدرن را که براساس الگوی منطقه‌بندی و تفکیک عملکردی شکل گرفته نقد کرده و کاربری مختلط را پیشنهاد می‌کند و با تمجید از خیابان‌های

¹ Jacobs

سرزننده و شلوغ، تأمین امنیت و ایجاد صلح عمومی را به وسیله نظارت بهره‌برداران از فضا مناسب می‌داند و معتقد است که به تقویت ارتباطات اجتماعی آنان می‌انجامد. یکی از راهکارهای ایجاد نظارت بر فضاها، قرارگیری پنجره‌ها و بالکن‌ها رو به خیابان‌ها و فضاهای عمومی است که بدین ترتیب چشمان بیشتری ناظر بر فعالیت‌ها بوده و بدین وسیله امکان وقوع فرصت‌های جرم کاهش می‌یابد (رضازاده و خبیر، ۱۳۸۹: ۵۹). پس از آن جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو مبادرت به ترسیم موقعیت بزهکاران نمودند. با این وجود در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ پژوهش‌های لینچ، جاکوبز، آنجل و جفری بر این امر صحه گذاشت که طراحی شهری به طور قطع می‌تواند بر وقوع بزهکاری تأثیر داشته باشد (Cozens, 2008:429-444). علاوه بر این، طی دو دهه اخیر در نگرش و سیاست‌های پیشگیرانه جرم‌شناسان برای مقابله با بزهکاری شهری تغییرات مهمی به وقوع پیوسته است. مطابق این نگرش برای پیشگیری از جرم علاوه بر "بزهکار" بایستی مکان وقوع بزه نیز مورد تأکید قرار گیرد تا با حذف فرصت‌های مجرمانه در محیط جغرافیایی، امکان به حداقل رساندن نرخ بزهکاری فراهم گردد (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۲).

مطالعه بزهکاری و مکان‌های بزه در سال ۱۹۹۳ به وسیله پل و پاتریشا برانتینگهام برای کشف عمل متقابل مجرمان و محیط‌های کالبدی و اجتماعی که به عنوان هدف جرم آنها انتخاب می‌شود، ارائه شد. نظریه آنها این است که جرم نتیجه عمل متقابل مردم و حرکت در چشم‌انداز شهری در فضا و زمان می‌باشد. (بزهکاران و قربانیان) همچنین، برای وقوع جرم در یک مکان بایستی چهار عنصر اصلی وجود داشته باشد: (۱) قانون، (۲) بزهکار، (۳) هدف، (۴) مکان (Chi pun Chung, 2005:10). جرم‌شناسی محیطی^۱، مطالعه جرم، جنایت، آزار و اذیت است به گونه‌ای که علت وقوع آنها در وهله اول، مربوط به مکان‌های ویژه و در وهله دوم، مربوط به شیوه‌ای است که اشخاص و سازمان‌ها به فعالیت‌هایشان به وسیله

فاکتورهای فضایی یا مکان محور شکل می‌دهند (Bottoms and Wiles, 1997: 305) پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیط^۲ (CPTED) مشتمل بر طراحی و مدیریت محیط کالبدی به منظور کاهش فرصت‌های جرم، جنایت و بزهکاری می‌باشد. افزون بر این، این نگرش براساس این فرض استوار است که مجرمان و بزهکاران قبل از آنکه مرتکب جرم شوند، وارد یک فرایند تصمیم‌سازی منطقی می‌شوند. در واقع، مجموعه نظریه‌های CPTED پیشنهاد روش‌شناسی برنامه‌ریزی و طراحی مجدد محیطی است که بر آن اساس، معماران و شهرسازان می‌توانند مجال ترس از جرم و تبهکاری را کاهش داده و کیفیت زندگی را بهبود بخشند (Atlas, 1999:11). عموماً CPTED بر روی زمینه‌هایی که در آن جرم اتفاق می‌افتد و تکنیک‌هایی که آسیب‌پذیری محیط را کاهش می‌دهند، تأکید می‌کند (صالحی، ۱۳۸۸: ۱۲۹-۱۳۰). این دیدگاه همواره در معرض اصلاح و ارزیابی است و بر مبنای چهار استراتژی کلیدی مشتمل بر تملک قلمرو، نظارت طبیعی، حمایت فعالیت‌ها و کنترل دسترسی‌ها بنا نهاده شده است (Cozens, 2002:132). تئوری بسیار تأثیرگذار "پنجره‌های شکسته شده"^۳ ویلسون و کلینگ به مقوله پیشگیری از جرم با تمرکز بر روی آگاهی ساکنان از رفتارهای مشکوک، حفاظت از محیط و پیامدهای آن می‌پردازد (Wilson & Kelling, 1982: 29-38).

مطابق نظریه فضای قابل دفاع نوع طراحی شهری هم در انتخاب مکان جرم و هم در ارتکاب به جرم به تبهکار کمک می‌کند (Newman, 1973:3). نکته حائز اهمیت دیگر؛ اینکه توزیع جغرافیایی جرایم تحت تأثیر متغیرهای محل و زمان وقوع بزه، مرتکب جرم و قربانی بزه قرار دارد. تحقیقات نشان می‌دهد در برخی مکان‌های شهر به علت ساختار کالبدی ویژه و مشخصه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ساکنان و استفاده‌کنندگان این مکان‌ها، امکان و فرصت بزهکاری بیشتر است به عکس در برخی محدوده‌های شهری به علت وجود

² Crime Prevention Through Environmental Design

³ Broken

¹ Environmental Criminology

موانع و شرایط باز دارنده، نرخ بزهکاری اندک است. درحقیقت، به طور قطع جرم به طور یکسان در سراسر شهر پخش نمی‌شود و عقیدهٔ کانون‌های جرم‌خیز در سالیان اخیر توجه روزافزونی را به خود جلب کرده است (پرهیز، ۱۳۸۹: ۴۱). بسیاری از صاحب‌نظران و از جمله طرفداران نظریه فعالیت روزمره^۱ علت توزیع تمرکز بزهکاری در محدوده‌های خاص جغرافیایی را همگرایی و ترکیب سه عامل زیر دانسته‌اند که موجب شکل‌گیری کانون‌های جرم‌خیز می‌شود: الف) وجود اهداف مجرمانه.

ب) وجود بزهکارانی که دارای انگیزه، توان و مهارت کافی برای انجام عمل مجرمانه هستند.

ج) نبود مراقبت و کنترل مناسب برای مقابله با اقدامات مجرمانه از سوی مردم و مسئولان (فلسون، کلارک، ۱۳۸۷: ۱۱).

عده‌ای از پژوهشگران وجود برخی کاربری‌ها را در شکل‌گیری کانون‌های جرم‌خیز شهری مؤثر دانسته‌اند. "شرمن، گارتین و برگر" از جمله کسانی هستند که به ارتباط نوع کاربری و شکل‌گیری کانون‌ها اشاره نموده‌اند (Sherman et al. 1989: 27-55).

در این میان "ویزبرد" و "اک"^۲ چهار مفهوم اساسی زیر را در شکل‌گیری کانون‌های جرم‌خیز مؤثر دانسته‌اند:

الف) وجود امکانات و تسهیلات مناسب بزهکاری.

ب) ویژگی‌های مکانی^۳ چون دسترسی راحت، نبود گشت و نگهبان، نبود مدیریت صحیح بر مکان و در کنار آن وجود برخی امکانات مجرمان را ترغیب به جنایت در برخی مکان‌های خاص می‌نماید.

ج) اهداف مجرمانه^۴ یا وجود اموال یا اشیایی که مطلوب بزهکاران است.

د) بزهکار^۵ وجود تعداد بیشتر بزهکاران و داشتن توانایی و انگیزه کافی برای عمل مجرمانه از دیگر عوامل مؤثر در شکل‌گیری کانون‌های جرم‌خیز است (اک و همکاران، ۱۳۸۸).

(۱۶۰).

مرکز کاهش بزهکاری متعلق به وزارت کشور انگلستان، "کانون‌های جرم‌خیز" را به شرح زیر تعریف است: یک ناحیهٔ جغرافیایی که در آن وقوع بزه از حد متوسط بالاتر است. یا ناحیه‌ای که وقوع بزهکاری در آن نسبت به توزیع جرم در کل ناحیه متمرکزتر است. مطابق این تعریف مکان جرم‌خیز محدوده‌ای مشخص و معین است که سهم زیادی از کل جرایم در کل محدودهٔ مورد مطالعه را در خود جای داده است (پرهیز، ۱۳۸۹: ۴۲).

بنابر تعریف فوق کانون جرم‌خیز محدوده‌ای است که متوسط وقوع بزهکاری در آن بیش از مناطق پیرامون است. این مکان می‌تواند به صورت یک خانه، گوشهٔ خیابان، مغازه یا هر مکان دیگری باشد (Sherman et al. 1989: 27-55).

یافته‌ها

داده‌های این پژوهش بر پایهٔ آمار موجود در سیستم ۱۱۰ نیروی انتظامی اخذ گردیده است، بر این اساس افرادی که از تاریخ ۸۷/۱/۱ تا ۸۷/۱۱/۳۰ در محدودهٔ قانونی شهر تهران مرتکب جرم شده و در کلانتری‌های تهران و واحدهای اجرایی (پلیس آگاهی، پلیس مبارزه با مواد مخدر) برای آنها پرونده تشکیل شده است، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مصادیق جرایم مرتبط با مواد مخدر شامل خرید و فروش تریاک، خرید و فروش حشیش، خرید و فروش مواد مخدر صنعتی، خرید و فروش هروئین، خرید و فروش سایر مواد سوء مصرف^۶ و اعتیاد به مواد مخدر بوده است. به منظور تحلیل فضایی و جغرافیایی جرایم ارتكابی ابتدا محل وقوع این جرایم به صورت نقاط منفرد در پایگاه داده مکانی ذخیره و با استفاده از مدل‌های تحلیلی (آمار و گرافیکی) الگوی فضایی این جرایم در سطح شهر و منطقهٔ مورد مطالعه استخراج و بر این اساس شکل‌گیری کانون‌های جرم‌خیز جرایم مرتبط با مواد مخدر مورد سنجش قرار گرفت.

^۱ Routine Activity

^۲ Eck

^۳ Site Features

^۴ Crime Targets

^۵ Offender

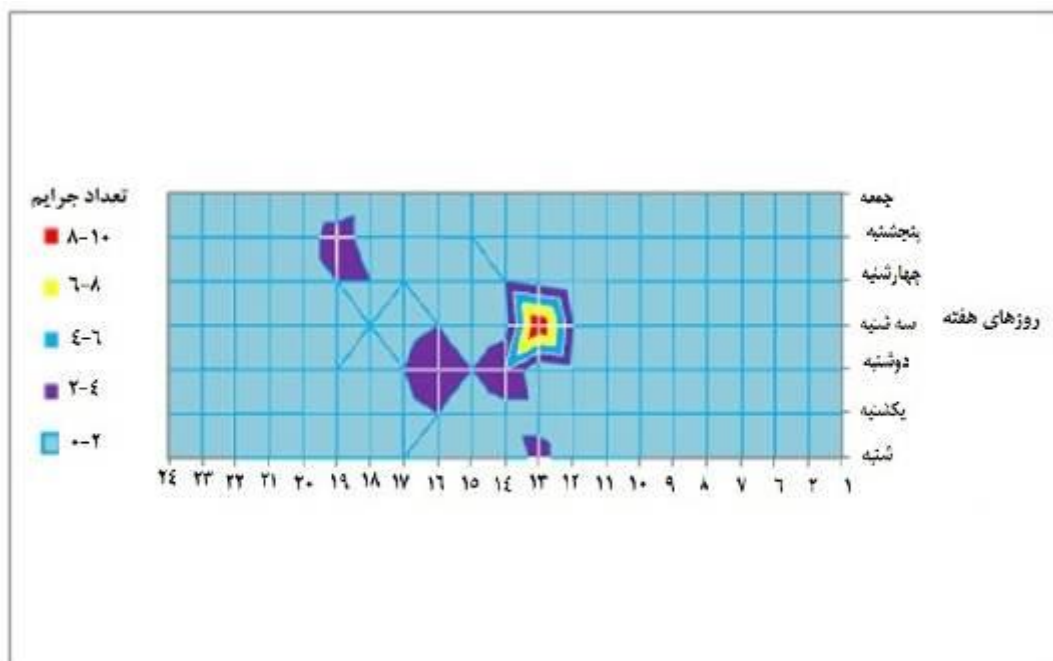
^۶ Drug Abuse

تحلیل زمانی وقوع جرایم مرتبط با مواد مخدر

تحلیل زمانی بزهکاری بر پایه تغییرات نوع و میزان بزهکاری در بستر زمان براساس مقاطع زمانی فصل‌های سال یا ماه‌های مختلف سال، روزهای هفته و ساعات شبانه روز انجام می‌گیرد. این تحلیل می‌تواند به دست‌اندرکاران قضایی و انتظامی در شناسایی بهتر کانون‌های جرم‌خیز، الگوهای بزهکاری و پیشگیری از بزهکاری کمک نماید.

تحلیل زمانی روزهای هفته و ساعات شبانه روز کل جرایم مرتبط با مواد مخدر در منطقه ۱۲ نشان می‌دهد زمان اوج و

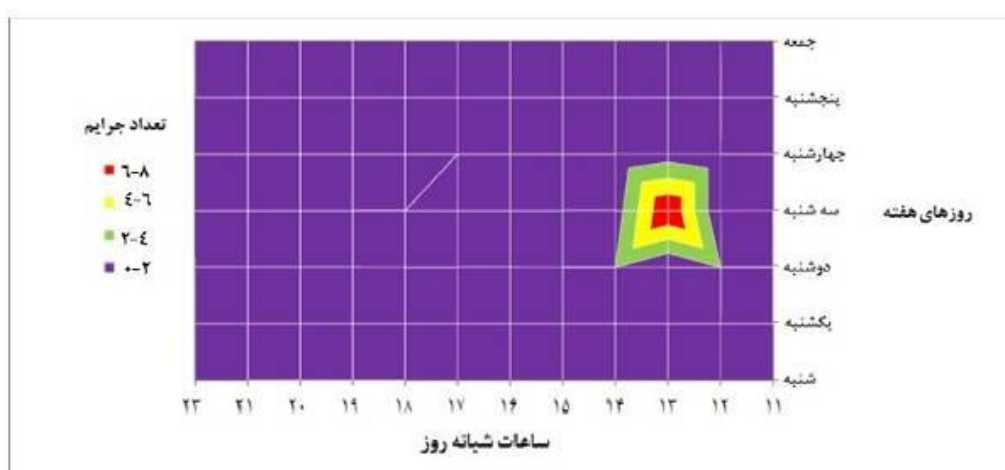
مرکز ثقل زمانی وقوع جرایم ارتكابی در ساعت ۱۳ و در روز چهارشنبه با فراوانی ۸-۱۰ رویداد بزه در این ساعت و روز می‌باشد. همچنین، در همین روز در ساعت ۱۲/۳۰ تا ۱۳/۳۰ تعداد ۶-۸ فقره بزه روی داده است. البته جرایم مرتبط با مواد مخدر دارای پراکندگی زمانی در روزهای سه‌شنبه تا پنج‌شنبه با تعداد ۶-۴ مورد بزه می‌باشد. بنابراین مجرمان جرایم مرتبط با مواد مخدر، بیشتر، ساعات ظهر را برای ارتكاب جرم انتخاب می‌کنند.



نمودار ۱- توزیع زمانی وقوع تمامی جرایم مرتبط با مواد مخدر در روزهای هفته و ساعات شبانه روز در منطقه ۱۲ شهر تهران
مأخذ: محاسبات نگارندگان

می‌دهد که مجرمان بزه خرید و فروش مواد مخدر بیشتر ساعات ظهر را برای ارتكاب جرم انتخاب می‌کنند. بنابراین، گرایش کلی این جرم در روزهای میانی هفته و بیشتر سه‌شنبه و در ساعات ۱۲/۳۰ تا ۱۳/۳۰ ظهر می‌باشد.

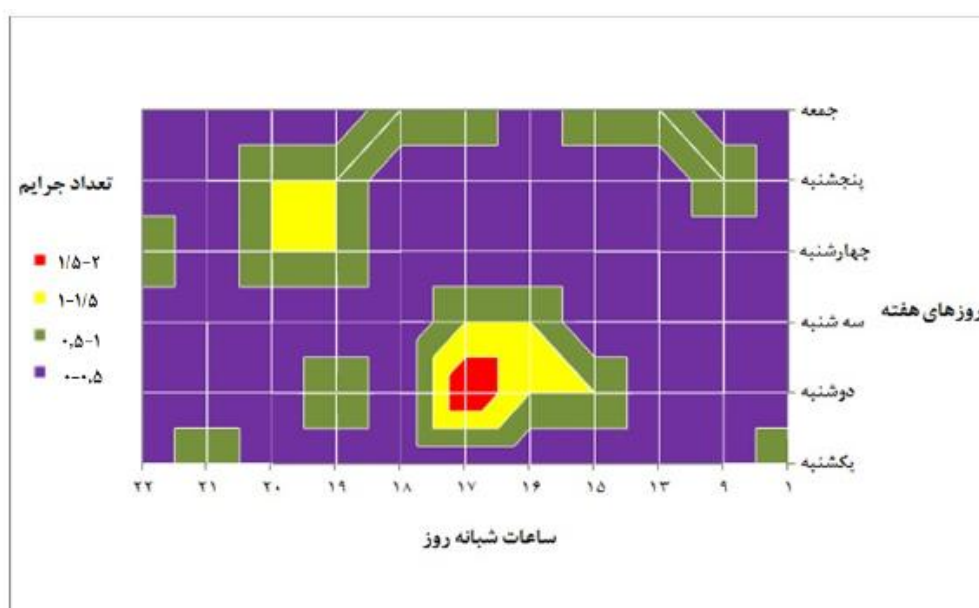
تحلیل زمانی روزهای هفته و ساعات شبانه روز بزه خرید و فروش تریاک در منطقه ۱۲ نشان می‌دهد که زمان اوج این جرم روزهای سه‌شنبه ساعت ۱۳ با فراوانی ۶-۸ فقره بزه می‌باشد. همچنین، در همین روز و در ساعات ۱۲/۳۰ تا ۱۳/۳۰، ۶-۴ مورد جرم به وقوع پیوسته است. این نشان



نمودار ۲- توزیع زمانی وقوع جرم مربوط به خرید و فروش تریاک در روزهای هفته و ساعات شبانه روز در منطقه ۱۲
مأخذ: محاسبات نگارندگان

رویداد بزه در این ساعت و روز می‌باشد. گرایش کلی این جرم در روزهای میانی هفته و در ساعات بعد از ظهر و اولیه شب می‌باشد.

تحلیل زمانی بزه خرید و فروش مواد مخدر صنعتی در منطقه ۱۲ نشان می‌دهد که زمان اوج این جرم روزهای دوشنبه ساعت‌های ۱۶/۳۰ تا ۱۷/۳۰ با فراوانی ۱/۵ تا ۲



نمودار ۳- توزیع زمانی وقوع جرم مربوط به خرید و فروش مواد مخدر صنعتی در روزهای هفته و ساعات شبانه روز در منطقه ۱۲
مأخذ: محاسبات نگارندگان

مدل‌های آماری گرافیک مبنا شامل آزمون مرکز میانگین و بیضی انحراف معیار مورد استفاده قرار گرفته است. مرکز میانگین، مکان مرکزی را به صورت میانگین مبنایی تمام

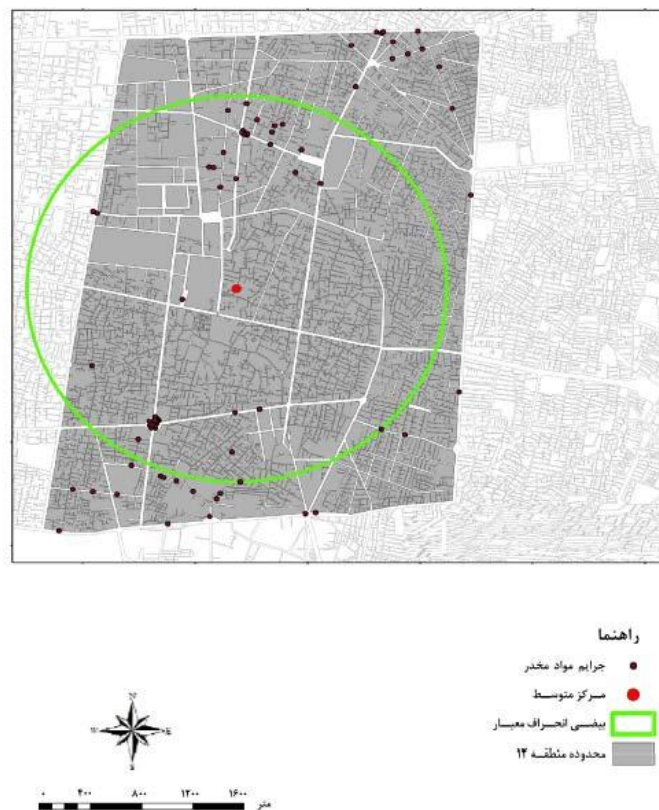
مرکز متوسط و بیضی انحراف معیار جرایم مرتبط با مواد مخدر در منطقه ۱۲ کلانشهر تهران
برای سنجش توزیع فضایی و مرکز ثقل جرایم مورد بررسی،

جهت‌های مختلف جغرافیایی خبر می‌دهد. به نظر می‌رسد قرارگیری ایستگاه‌های مترو سعدی، مولوی و ایستگاه راه‌آهن در چگونگی امتداد این بیضی تأثیر گذار بوده است. زیرا بیشترین تمرکز ارتکاب این جرایم به سوی این ایستگاه‌ها بوده است.

به نظر می‌رسد علت بالا بودن میزان این جرایم در این محدوده‌ها، از ویژگی‌های حاکم بر ایستگاه‌های مترو و نواحی مجاور آن (شلوغی، رفت و آمد زیاد، کنترل نظارتی اندک و گمنامی) تأثیر پذیرفته است. در این میان میدان محمدیه (اعدام) و میدان استقلال وضعیت بسیار حادی نسبت به سایر میادین و معابر دارند، زیرا که میزان جرایم ارتكابی در این مکان‌ها بسیار زیاد است.

مکان‌های بزهکاری مشخص می‌کند. بیضی انحراف معیار، با استفاده از انحراف معیار فاصله مکان هر جرم تا مرکز میانگین، پراکندگی، جهت و موقعیت آن را مشخص می‌کند. در شکل ۲ مرکز میانگین و بیضی انحراف معیار مکان‌های جرایم مرتبط با مواد مخدر در منطقه ۱۲ کلانشهر تهران نشان داده شده است. تفاوت میان بیضی‌ها بیانگر تفاوت‌های نسبی در الگوهای پراکندگی و جهت آن در داده‌های مختلف جرم است. براساس نقشه‌های حاصل از آزمون‌های آماری یاد شده، الگوهای فضایی بزهکاری در منطقه ۱۲ به شرح زیر است:

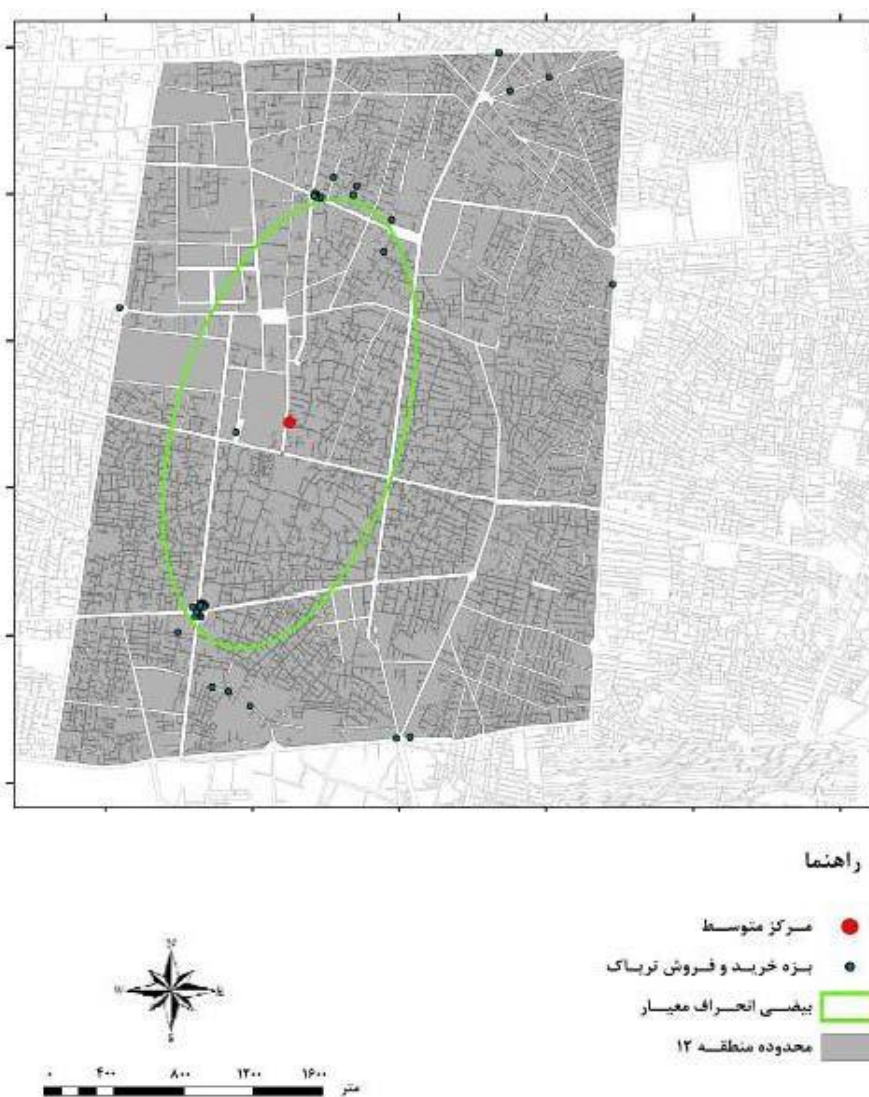
کل جرایم مرتبط با مواد مخدر: مرکز متوسط جرایم مرتبط با مواد مخدر در منطقه ۱۲ شهر تهران تا حدود زیادی بر مرکز جغرافیایی این منطقه یعنی؛ بر خیابان ناصر خسرو منتهی به خیابان ۱۵ خرداد منطبق است. بیضی انحراف معیار این نوع جرایم حالت دایره دارد که از توزیع جرایم در



شکل ۲- مرکز متوسط و بیضی انحراف معیار کل جرایم مرتبط با مواد مخدر در منطقه ۱۲ شهر تهران
مأخذ: محاسبات نگارندگان

بزه خرید و فروش تریاک: مرکز میانگین بزه خرید و فروش تریاک بر مرکز جغرافیایی منطقه ۱۲ یعنی؛ خیابان ناصر خسرو نزدیک میدان ۱۵ خرداد منطبق است. بیضی انحراف معیار این بزه دارای کشیدگی شمال غربی - جنوب غربی و این بیضی دارای کشیدگی زیادی بخصوص در قسمت جنوب غرب منطقه ۱۲ می‌باشد که از پراکندگی و

توزیع فضایی این جرم در قسمت جنوب غرب منطقه خبر می‌دهد. میزان وقوع جرم خرید و فروش تریاک در محدوده منطقه ۱۲ زیاد است به گونه‌ای که این تعداد قابل توجه بزه بر روی الگوی فضایی و شکل‌دهی توزیع کل جرایم در محدوده منطقه ۱۲ تأثیرگذار بوده و به کشیدگی بیضی انحراف معیار در این جهت منجر شده است.



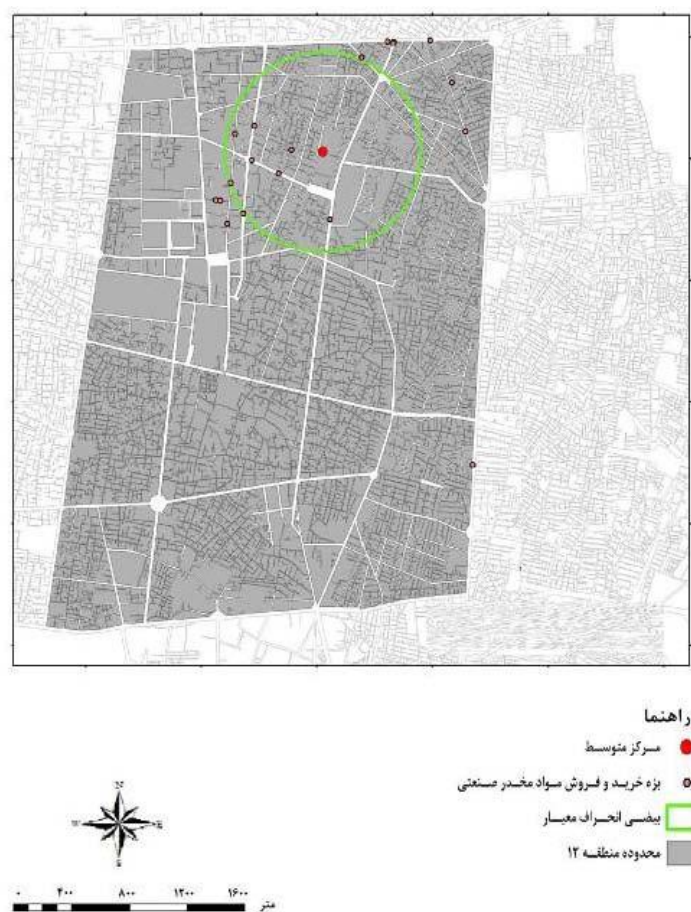
شکل ۳- مرکز متوسط و بیضی انحراف معیار بزه خرید و فروش تریاک در منطقه ۱۲ شهر تهران
مأخذ: محاسبات نگارندگان

خرید و فروش مواد مخدر صنعتی: محل تمرکز نقاط ارتکاب این نوع جرم به سمت شمال شرق منطقه ۱۲ کشیده

شده است و مرکز متوسط آن نیز در همین سمت و بر نزدیکی سه راه مجاهدین و خیابان ابن سینا منطبق است. بیضی انحراف

بخش‌های مختلف منطقه ۱۲ نوع مصرف مواد در این محدوده‌ها نیز تغییر می‌یابد، بدین صورت که در محدوده‌های جنوبی منطقه ۱۲ خرید و فروش هروئین و در محدوده‌های شمالی منطقه ۱۲ خرید و فروش مواد مخدر صنعتی بیشتر اتفاق افتاده است.

معیار تقریباً جهتی شرقی- غربی دارد و به سمت شمال شرق منطقه ۱۲ کشیده شده است. می‌توان گفت تفاوت در ساختار اجتماعی اقتصادی این محدوده با محدوده‌های جنوبی منطقه ۱۲، باعث تغییر در عرضه و تقاضای مواد مخدر صنعتی می‌شود یعنی؛ با تغییر ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی در



شکل ۴- مرکز متوسط و بیضی انحراف معیار خرید و فروش مواد مخدر صنعتی در منطقه ۱۲ شهر تهران
مأخذ: محاسبات نگارندگان

در محدوده مورد مطالعه بررسی شده است که آیا داده‌های مجرمانه توزیع خوشه‌ای^۲ دارند و آیا کانون جرم‌خیز در این محدوده شکل گرفته است؟

آزمون خوشه‌بندی

از دیگر شاخص‌های آماری مورد استفاده برای تحلیل الگوهای فضایی بزهکاری در منطقه ۱۲ کلانشهر تهران، آزمون خوشه‌بندی و شاخص نزدیک‌ترین همسایه^۱ بوده است. به کمک این آزمون، نحوه پراکنش الگوهای بزهکاری

^۲ Clustered

^۱ Nearest Neighbor Index (NNI)

جدول ۲- نتایج تحلیل شاخص نزدیک‌ترین همسایه جرایم مرتبط با مواد مخدر در منطقه ۱۲ شهر تهران

ردیف	جرم	شاخص نزدیک‌ترین همسایه	نمره Z
۱	خرید و فروش تریاک	۰/۵	-۶
۲	خرید و فروش مواد صنعتی	۰/۹۹	-۰/۰۴
۳	خرید و فروش هروئین	۱/۳۴	۱/۶۱
۴	خرید و فروش حشیش	۱/۳۷	۲
۵	خرید و فروش سایر مواد	۰/۶۴	-۲/۲۲
۶	سوء مصرف	۳/۲۷	۷/۵۳
۷	کل جرایم	۰/۶۲	-۷/۶۲

مأخذ: محاسبات نگارندگان

تحلیل فضایی جرایم مرتبط با مواد مخدر منطقه ۱۲

کلانشهر تهران به روش تخمین تراکم کرنل

با بررسی الگوی فضایی جرایم مرتبط با مواد مخدر در منطقه ۱۲ کلانشهر تهران به روش تراکم کرنل، نتایج آزمون قبلی در این آزمون نیز تأیید شده و نشان می‌دهد که توزیع جرایم مورد بررسی در محدوده مورد مطالعه به صورت خوشه‌ای، گرد آمده است. به عبارت دیگر، بخش‌هایی از منطقه ۱۲ با میزان بسیار بالای بزهکاری مواجه است و در دیگر مناطق شهر میزان بزهکاری اندک یا در حد صفر است. در شکل ۵ قانون‌های جرایم مرتبط با مواد مخدر به روش تخمین تراکم کرنل در منطقه ۱۲ نشان داده شده است.

کل جرایم مرتبط با مواد مخدر: بررسی پراکندگی مکان‌های وقوع کل جرایم مرتبط با مواد مخدر در سطح منطقه ۱۲ کلانشهر تهران نشان می‌دهد، میدان محمدیه (اعدام) در جنوب غربی منطقه ۱۲ و همچنین میدان استقلال در شمال غربی این منطقه قانون‌های اصلی ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر می‌باشد. وجود بازار مناسب عرضه و فروش مواد مخدر به علت مصرف زیاد آن در این محدوده‌ها، توزیع آسان مواد در این میدان‌ها، ناکافی بودن کنترل رسمی، وجود ایستگاه‌های مترو در میدان محمدیه و استقلال پاتوق‌های مناسب و آشنایی برای ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر در این محدوده‌ها به وجود آورده است.

میزان شاخص نزدیک‌ترین همسایه در پراکندگی کل

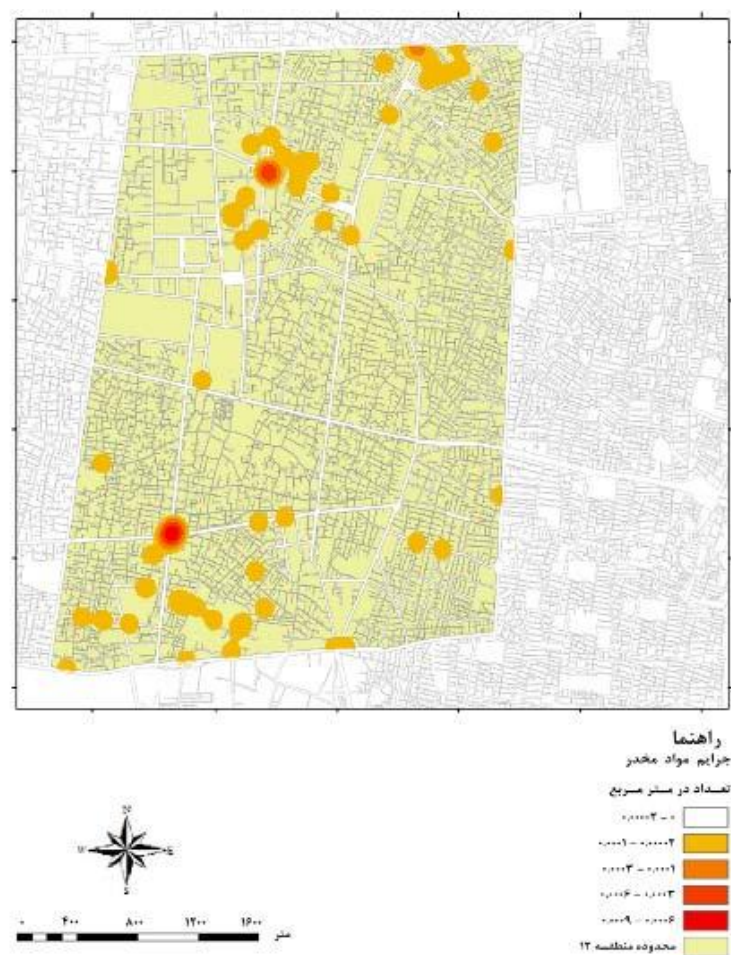
جرایم مرتبط با مواد مخدر در منطقه ۱۲ شهر تهران (۸۸ فقره بزه) برابر ۰/۶۲ می‌باشد. براساس این مقدار توزیع فضایی کل جرایم مرتبط با مواد مخدر در منطقه ۱۲ خوشه‌ای است، زیرا اگر نتیجه آزمون شاخص نزدیک‌ترین همسایه برابر یک باشد، داده‌های بزهکاری به صورت تصادفی توزیع شده است. اگر نتیجه کوچک‌تر از یک باشد، بیانگر خوشه‌ای بودن داده‌های مجرمانه است و اگر شاخص نزدیک‌ترین همسایه بزرگ‌تر از یک باشد، نشانگر توزیع یکنواخت داده‌های مجرمانه است. براساس مقدار Z این جرایم که معادل ۷/۶۲- می‌باشد، تأییدکننده خوشه‌ای بودن توزیع فضایی نقاط مربوط به کل جرایم مرتبط با مواد مخدر در محدوده مورد پژوهش؛ یعنی منطقه ۱۲ شهر تهران می‌باشد. نمره Z را می‌توان برای اطمینان از صحت آزمون شاخص نزدیک‌ترین همسایه به کار گرفت. هر چه نمره Z عدد منفی بزرگ‌تری باشد می‌توان به درستی نتیجه آزمون شاخص نزدیک‌ترین همسایه اطمینان کرد. این نشان می‌دهد محدوده خاصی از منطقه ۱۲ محل تمرکز بزهکاری است و از الگوی متمرکز پیروی می‌کند و در نقطه مقابل سایر بخش‌های این محدوده از نظر ارتکاب بزهکاری محدوده‌های پاک^۱ محسوب می‌شوند.

^۱ Cool Spot

آموزش، بیکاری وسیع، عدم وجود نظارت اجتماعی و انتظامی، فقر، ویژگی‌های اجتماعی، ویژگی‌های کالبدی نامناسب، فقدان برنامه صحیح برای پر کردن اوقات فراغت، نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی و برای رهایی یافتن مقطعی از برخی فشارهای روحی و... میل به استعمال مواد مخدر در این مکان‌ها بیشتر است. از طرف دیگر، انزوای اجتماعی و نبود اعتماد سبب شده تا رفتارهای مشارکتی نیز در میان ساکنان منطقه ۱۲ شکل نگیرد و امکان بهره‌برداری از ابزارهای مشارکتی نظارت و کنترل اجتماعی فراهم نیاید.

در کنار این کانون‌های اصلی، چندین کانون فرعی در اطراف میدان استقلال و خیابان جمهوری منتهی به میدان بهارستان، ایستگاه پل چوبی و خیابان مازندران منتهی به میدان ابن سینا، محله خانی‌آباد در جنوب غربی و میدان شوش در جنوب شرقی منطقه ۱۲ وجود دارد.

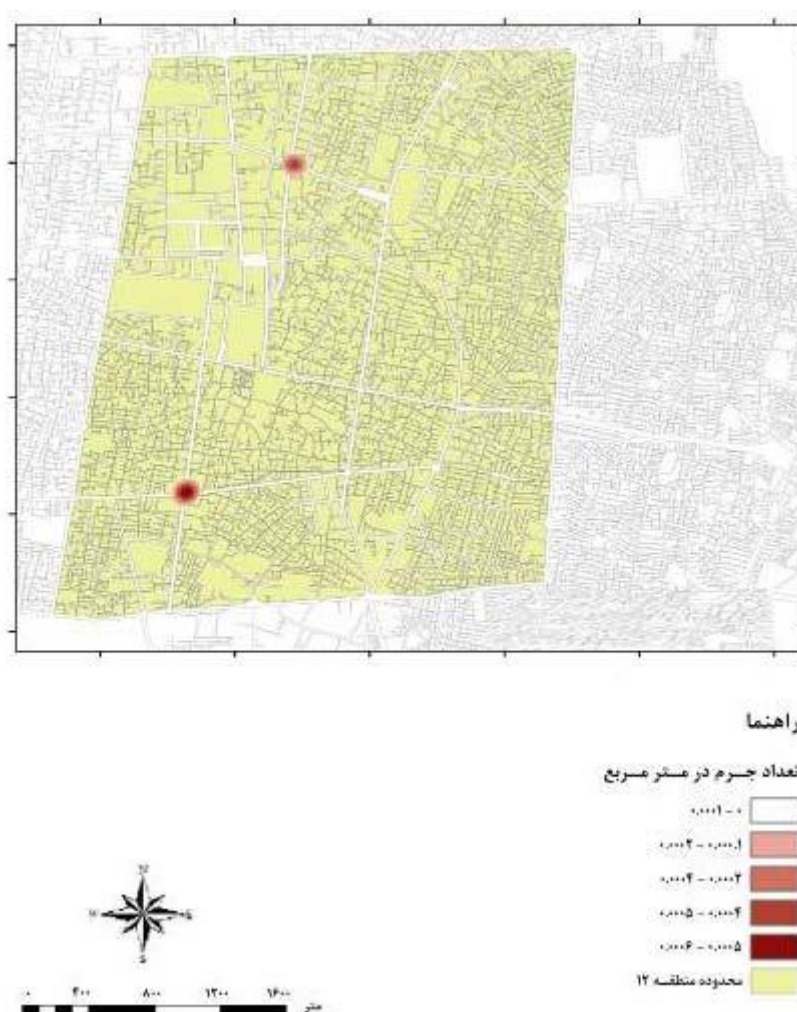
به نظر می‌رسد جرایم مرتبط با مواد مخدر در این کانون‌های جرم خیز به راحتی امکان‌پذیر است و آن هم ناشی از احساس امنیتی است که توزیع‌کنندگان این مواد در این کانون‌های جرم‌خیز دارند و نیز شاید به علت سطح پایین



شکل ۵- توزیع فضایی کانون‌های تمرکز کل جرایم مرتبط با مواد مخدر در منطقه ۱۲ شهر تهران
مأخذ: محاسبات نگارندگان

بزه خرید و فروش تریاک: بررسی نحوه پراکندگی این جرم نشان می‌دهد که در منطقه ۱۲ دو کانون جرم‌خیز در ارتباط با این بزه شکل گرفته، کانون اولی در شمال غرب منطقه شکل گرفته که مرکز ثقل آن میدان استقلال و خیابان منتهی به آن؛ یعنی سعدی و جمهوری است. میدان محمدیه (اعدام) و خیابان منتهی به آن (مولوی) در جنوب غرب

منطقه، دومین کانون بحرانی خرید و فروش این مواد به شمار می‌رود. واقع شدن این محدوده در نزدیکی بازار تهران و وجود ایستگاه مترو، اندک بودن کنترل‌های رسمی، رفت و آمد و تردد زیاد و شلوغی را می‌توان از علت‌های شکل‌گیری کانون جرم‌خیز خرید و فروش تریاک در این میدان و خیابان‌های منتهی به آن دانست.



شکل ۶- توزیع فضایی کانون‌های بزه خرید و فروش تریاک در محدود ۱۲

مأخذ: محاسبات نگارندگان

جرم خرید و فروش مواد مخدر صنعتی: بررسی توزیع فضایی این جرم از شکل‌گیری دو کانون جرم‌خیز در منطقه ۱۲ شهر تهران خبر می‌دهد: یک کانون جرم‌خیز در پل چوبی منتهی به خیابان انقلاب اسلامی که از تمرکز بالای جرم در

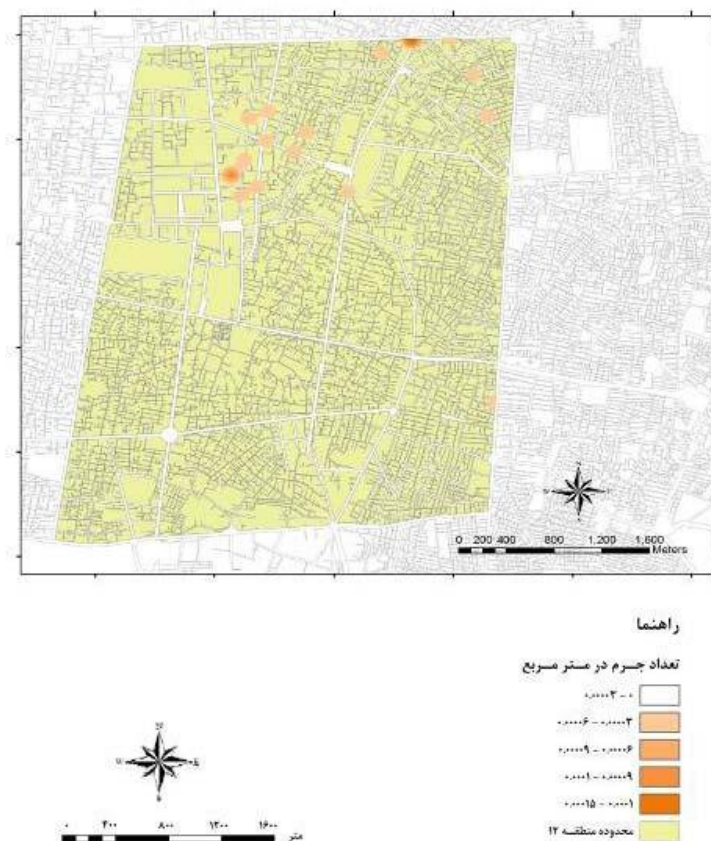
این محدوده خبر می‌دهد که علت آن را می‌توان ایستگاه پل چوبی دانست که یکی از محدوده‌های پر جمعیت شهر تهران محسوب می‌شود و روزانه پذیرای جمعیت کثیری از مردم تهران می‌باشد و در کنار این کانون چندین کانون فرعی

تشکیل شده است از جمله: خیابان روشندلان منتهی به خیابان انقلاب اسلامی و میدان ابن سینا، خیابان احمدی و خیابان کفایی امانی منتهی به خیابان مازندران.

دومین کانون جرم‌خیز در خیابان بارید منتهی به خیابان فردوسی شکل گرفته است. در کنار این کانون اصلی چندین کانون فرعی با تراکم جرم کمتر در خیابان لاله‌زار نو منتهی به خیابان جمهوری، خیابان ارباب جمشید منتهی به خیابان منوچهری، میدان استقلال، خیابان جمهوری منتهی به میدان استقلال، خیابان مراغه‌ای منتهی به خیابان جمهوری، سه راه نخشب منتهی به خیابان مصطفی خمینی و چهار راه سرچشمه شکل گرفته است.

وجود بازار مناسب خرید و فروش مواد مخدر صنعتی

به علت مصرف بسیار زیاد آن و سود فراوان ناشی از فروش در این محدوده‌ها، از جمله علت‌های بالا بودن میزان ارتکاب این جرم در منطقه ۱۲ است. از سوی دیگر، توزیع مواد مخدر در این مناطق به راحتی امکان‌پذیر است و آن هم ناشی از احساس امنیتی است که توزیع‌کنندگان این مواد در منطقه ۱۲ دارند و به لحاظ عدم آگاهی ساکنان این منطقه و بیکاری وسیع و برای رهایی یافتن مقطعی از برخی فشارهای روحی و غیره میل به استعمال مواد مخدر در این منطقه بیشتر می‌باشد. برخی از جوانان بیکار و حتی نوجوانان شغل و حرفه خود را خرید و فروش مواد مخدر قرار داده‌اند و یا مکان و وسایل استفاده از آن را در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند و از این راه به کسب سود نایل می‌آیند.



شکل ۷- توزیع فضایی کانون‌های بزه خرید و فروش مواد مخدر صنعتی در محدوده ۱۲

مأخذ: محاسبات نگارندگان

نتیجه‌گیری و راهکارها

آنچه در بررسی جغرافیای جرایم شهری اهمیت دارد، رابطه فضا و محیط شهری با رفتارهای اجتماعی (از نوع منفی و ناهنجار آن) است. در واقع این موضوع که طی چند دهه اخیر به مطالعات جغرافیایی شهری افزوده شده است، چارچوب عملی برای تحلیل فضایی و مکانی جرم و مطالعه رابطه ناهنجاری با فضا و زمان در محدوده شهرها فراهم می‌نماید. به طور کلی در این مطالعات چگونگی پیدایش، کیفیت و نحوه پراکندگی اعمال مجرمانه در محدوده جغرافیای شهر مورد بررسی قرار گرفته و به کمک نمایش فضایی اعمال مجرمانه و تلفیق این اطلاعات با داده‌های مکانی محل ارتکاب جرایم و شاخص‌های اجتماعی-اقتصادی مجرم و محل سکونت او، امکان شناسایی کانون‌های جرم‌خیز، پیش‌بینی محل‌های احتمالی وقوع ناهنجاری در محدوده شهر فراهم می‌شود. در نهایت، این اطلاعات به شکل مؤثری می‌تواند به کاهش میزان جرایم در سطح شهر کمک نماید. شناسایی و تحلیل محدوده‌های جرم‌خیز و آلوده شهری این فرصت را فراهم می‌آورد تا پلیس بتواند سریع‌تر و مؤثر نسبت به بزهکاری واکنش نشان دهد و به کشف جرم و تعقیب و دستگیری متهمان اقدام کند و یا برای شناسایی مظنونین یا مجرمان با سابقه و محل زندگی یا فعالیت آنها گام بردارد. با استفاده از نتایج این تحلیل‌ها پلیس می‌تواند میزان کنترل و مراقبت خود را در این محدوده‌ها افزایش دهد و با تخصیص بیشتر منابع اعم از تجهیزات، امکانات و نیروی انسانی از تعداد بزه ارتكابی در این محدوده‌ها بکاهد. از سوی دیگر این شیوه به درک و فهم مجموعه عوامل و شرایط مکانی، زمانی و اجتماعی که منتهی به شکل‌گیری محدوده‌های فوق شده است، کمک می‌نماید و با استفاده از نتایج این مطالعه می‌توان از شکل‌گیری محدوده‌های آلوده در آینده پیشگیری نمود و یا مناطقی را که در آینده احتمال آلودگی آنها زیاد است را شناسایی و تحت کنترل درآورد و از آنجا که الگوهای فضایی توزیع بزهکاری تحت تأثیر نوع کاربری اراضی و ویژگی‌های

کالبدی یا جمعیتی می‌باشد و این عوامل در شکل‌گیری کانون‌های جرم‌خیز تأثیر می‌گذارد، لذا با تحلیل‌های فضایی آسیب‌های اجتماعی می‌توان نسبت به تغییر این شرایط و ویژگی‌ها، احیاء و طراحی مجدد فضاها اقدام نمود و از طرفی برخی موانع و شرایط بازدارنده برای ارتکاب آسیب‌های اجتماعی را ایجاد نمود تا بدین وسیله ضمن افزایش سطح امنیت اجتماعی، در استفاده از امکانات و منابع صرفه‌جویی شود و جامعه نیز سهل‌تر راه سلامت را در پیش گیرد. تجربه بسیاری از کشورها و از جمله ایران طی سال‌های گذشته نشان داده است که مقابله با آسیب‌های اجتماعی با افزودن به نیروهای انتظامی، تشکیلات قضایی، وضع قوانین و مجازات‌های شدیدتر، چندان ثمربخش نیست و صاحب نظران از دیرباز مهم‌ترین راهکار پیشگیری از وقوع آسیب‌های اجتماعی را شناسایی عوامل بروز این آسیب‌ها و سعی در از بین بردن این عوامل و یا کاهش اثرات آن دانسته‌اند.

نکته حائز اهمیت اینکه در میان شهرهای کشور، شهر تهران به علت شرایط خاص فضایی، کالبدی، اجتماعی، دارای بالاترین آمار آسیب‌های اجتماعی در بین شهرهای کشور است، گرچه این رقم با عنایت به رابطه مثبت رشد جمعیت و میزان آسیب‌های اجتماعی می‌تواند به عنوان تابعی از افزایش کمی جمعیت در این شهر تلقی شود، لیکن آنچه بیشتر اهمیت دارد، نسبت نرخ رشد آسیب‌های اجتماعی در شهر تهران می‌باشد که بسیار بیش از روند رشد جمعیت این شهر بوده است. لذا ضرورت دارد به شیوه علمی و با استفاده از فناوری‌های نوین، ضمن شناسایی شرایط مکانی-زمانی ارتکاب این جرایم در محدوده شهر تهران، اقدامات علمی و اجرایی برای حذف این شرایط یا کاهش اثرات آن انجام گیرد. در این میان منطقه ۱۲ شهر تهران با ۱۶۰۰ هکتار بیش از سه چهارم تهران ناصری را به خود اختصاص داده است. این بخش از شهر طبق آمار ۳/۱۷ درصد از کل جمعیت شهر تهران را به خود اختصاص داده است. از سوی دیگر، این بخش از شهر وسعتی در حدود ۱۶۰۱/۷ هکتار معادل ۲/۷

جرائم مرتبط با مواد مخدر در منطقه ۱۲ شهر تهران برابر ۰/۶۲ می‌باشد و براساس مقدار Z این جرائم که معادل ۷/۶۲- می‌باشد، تاییدکننده خوشه‌ای بودن توزیع فضایی نقاط مربوط به کل جرائم مرتبط با مواد مخدر در محدوده مورد پژوهش؛ یعنی منطقه ۱۲ شهر تهران می‌باشد.

با بررسی الگوی فضایی جرائم ارتكابی مرتبط با مواد مخدر در محدوده منطقه ۱۲ به روش تراکم کرنل، نتایج آزمون قبلی در این آزمون نیز تأیید شده و نشان می‌دهد که توزیع جرائم ارتكابی در محدوده مورد بررسی به صورت خوشه‌ای، گرد آمده است. به عبارت دیگر بخش‌هایی از منطقه ۱۲ با میزان بسیار بالای بزهکاری مواجه است و در دیگر بخش‌های محدوده، میزان بزهکاری اندک یا در حد صفر است. بررسی پراکندگی مکان‌های وقوع کل جرائم در سطح منطقه ۱۲ نشان می‌دهد، میدان محمدیه (اعدام) در جنوب غربی منطقه ۱۲ و همچنین میدان استقلال در شمال غربی این منطقه، کانون‌های اصلی ارتكاب جرائم مرتبط با مواد مخدر می‌باشد. وجود بازار مناسب عرضه و فروش مواد مخدر به علت مصرف زیاد آن در این محدوده‌ها، توزیع آسان مواد در این میدان‌ها، ناکافی بودن کنترل رسمی، وجود ایستگاه‌های مترو در میدان محمدیه و استقلال پاتوق‌های مناسب و آشنایی برای ارتكاب جرائم مرتبط با مواد مخدر در این محدوده‌ها به وجود آورده است. با توجه به تحلیل یافته‌ها و به منظور کاهش نرخ بزهکاری در محدوده منطقه ۱۲ شهر تهران، پیشنهاداتی در جهت کنترل و مقابله با ناهنجاری‌های مرتبط تهیه شده است. برخی از این پیشنهادات به سازمان‌های تصمیم گیرنده و اجرایی باز می‌گردد و برخی دیگر شامل پیشنهاداتی است که جنبه مکانی و کالبدی جرائم را مورد بررسی قرار داده و مبتنی بر مقاوم سازی فضاهای جرم خیز شهری می‌باشد.

- ساماندهی فضاهای شهری، به ویژه خرابه‌ها و فضاهای متروکه که پناهگاه مجرمان شده است.

- از بین بردن بی‌نظمی‌های کالبدی و به هم ریختگی

درصد مساحت کل شهر تهران را دارا می‌باشد. بررسی میزان تراکم نسبی جمعیت منطقه ۱۲ نشان می‌دهد که در این محدوده تعداد ۱۵۴/۵ نفر در هر هکتار سکونت دارند، این در حالی است که تراکم نسبی جمعیت در شهر تهران ۱۳۱/۶ نفر در هر هکتار است، بنابراین تراکم نسبی جمعیت در محدوده منطقه ۱۲ شهر تهران بیشتر از متوسط تراکم در شهر تهران است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد با وجود اینکه منطقه ۱۲، تنها ۲/۷ درصد مساحت شهر را به خود اختصاص داده اما بیشترین درصد وقوع آسیب‌های اجتماعی شهر تهران در این محدوده از شهر رخ داده است. به عبارت دیگر، از مجموع ۶۰۰۶ فقره بزه مورد مطالعه این پژوهش که در محدوده شهر تهران به وقوع پیوسته است. تعداد ۵۶۰ مورد آن (۸۸ فقره بزه مرتبط با مواد) در منطقه ۱۲ رخ داده است.

براساس تحلیل‌های زمانی نوع و میزان بزهکاری در منطقه ۱۲ شهر تهران، مشخص شد زمان اوج و مرکز ثقل زمانی وقوع جرائم ارتكابی در ساعت ۱۳ و در روز چهارشنبه با فراوانی ۸-۱۰ رویداد بزه در این ساعت و روز می‌باشد. همچنین، در همین روز در ساعت ۱۲/۳۰ تا ۱۳/۳۰ تعداد ۸-۶ فقره بزه روی داده است. البته، جرائم مرتبط با مواد دارای پراکندگی زمانی در روزهای سه‌شنبه تا پنج‌شنبه با تعداد ۶-۴ مورد بزه می‌باشد. بنابراین مجرمان جرائم مرتبط با مواد مخدر بیشتر ساعات ظهر را برای ارتكاب جرم انتخاب می‌کنند. همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهد مرکز متوسط جرائم مرتبط با مواد مخدر در منطقه ۱۲ شهر تهران تا حدود زیادی بر مرکز جغرافیایی این منطقه؛ یعنی بر خیابان ناصر خسرو منتهی به خیابان ۱۵ خرداد منطبق است. بیضی انحراف معیار این نوع جرائم حالت دایره دارد که از توزیع جرائم در جهت‌های مختلف جغرافیایی خبر می‌دهد. به نظر می‌رسد قرارگیری ایستگاه‌های مترو سعدی، مولوی و ایستگاه راه‌آهن در چگونگی امتداد این بیضی تأثیرگذار بوده است زیرا بیشترین تمرکز ارتكاب این جرائم به سوی این ایستگاه‌ها بوده است. میزان شاخص نزدیک‌ترین همسایه در پراکندگی کل

فیزیکی محله‌های کثیف، ساختمان‌های مخروبه، دیوارهای ترک خورده که به نوعی باعث جذب بزهکاران و اعمال غیرقانونی آنها می‌شود. این محله‌ها که در آنها نشانه‌هایی از بی‌توجهی و خرابی وجود دارد، نشان می‌دهد ساکنان آن محله احساس آسیب‌پذیری بیشتری دارند و از مشارکت و محافظت اجتماع خود کنار کشیده‌اند. بنابراین نظم و کنترل اجتماعی در آنها بسیار پایین است. این شاخص‌ها می‌توانند زمینه ایجاد جرم را فراهم کنند زیرا نشانه‌هایی هستند که ساکنان علاقه‌ای به مواجهه با بزهکاری ندارند تا خطر بزهکاری را در محل کاهش دهند.

- تعریض معابر و گذرگاه‌ها مطابق اصول شهرسازی و معماری که امکان گشت‌زنی، کنترل و نظارت را برای پلیس تسهیل کند.

- همراه سازی اقشار مختلف جامعه در مشارکت برای پیشگیری و تأمین امنیت اجتماعی در مبارزه با جرایم بسیار مفید و مؤثر است. بدین منظور به کارگیری تدابیری برای تقویت حس اعتماد بین مردم و دستگاه‌هایی که به پیشگیری از وقوع جرم می‌پردازند، ضروری به نظر می‌رسد.

- فراهم کردن خدمات و زیرساخت‌های مطلوب و همچنین تخصیص و ساماندهی سرانه‌های تأسیساتی، تجهیزاتی و خدمات مورد نیاز شهروندان این منطقه و برقراری تعادل و توازن در نوع و ترکیب کاربری اراضی.

- اولویت بخشی به فعالیت‌های پلیس از طریق به روز کردن اطلاعات رایانه‌ای در مورد جرم، تحلیل جرم بر مبنای نقاط جرم‌خیز و تهیه نقشه جامع جرم می‌تواند مسئولان امر را نسبت به رشد جرایم هوشیار و پاسخگو نگه دارد. در این میان فناوری اطلاعات جغرافیایی (GIS) کمک بسیار مؤثری در پیشگیری و کنترل بزهکاری خواهد داشت. این سیستم از قابلیت بسیار وسیعی در زمینه تهیه پایگاه داده‌ای، تهیه نقشه‌های بزهکاری و تحلیل الگوهای جرم در آینده و یا تخمین محل اقامت بزهکاران برخوردار است.

- پیش‌بینی احتمالات و موقعیت‌های جرم آتی به واسطه

استخراج مداوم نقشه‌های جرم در سطح منطقه.

- جلوگیری از جرم‌های احتمالی آتی با بهره‌گیری از اصول پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی.

منابع

اک، جان ای، چینی، اسپنسر، کمرون، جیمز، جی، لیتنر، مایکل و ویلسون، رونالد وی. (۱۳۸۸). تهیه نقشه برای تحلیل بزهکاری: شناسایی کانون‌های جرم‌خیز، ترجمه: محسن کلاتری و مریم شکوهی، زنجان: نشر آذرکلک.

پرهیز، فریاد. (۱۳۸۹). تحلیل فضایی-کالبدی ناهنجاری‌های اجتماعی در مناطق اسکان غیررسمی (مطالعه موردی: منطقه اسکان غیررسمی اسلام‌آباد در شهر زنجان)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان.

تقوایی، مسعود. (۱۳۸۹). «بررسی و مقایسه شاخص‌های ششگانه جرم در سطح مناطق مختلف شهر شیراز»، جغرافیا (فصلنامه علمی-پژوهشی/انجمن جغرافیایی ایران)، دوره جدید، سال هشتم، ش ۲۶، ص ۱۰۵-۱۳۳.

حاتمی‌نژاد، حسین و محمدپور، صابر و منوچهری، ایوب و حسام، مهدی. (۱۳۹۰). «بررسی و پیشنهاد معیار استاندارد برنامه‌ریزی توسعه فضای سبز شهری (نمونه موردی: منطقه ۱۲ شهر تهران)»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال ۲۶، شماره سوم، ص ۲۵-۵۰.

رضازاده، راضیه و خیبر، سولماز. (۱۳۸۹). «بررسی رویکردهای موقعیتی پیشگیری از جرم از منظر معماران و طراحان شهری»، فصلنامه آبادی، سال بیستم، ش ۳۱ (پیاپی ۶۶)، ص ۵۸-۶۳.

زنگی آبادی، علی و رحیمی نادر، حسین. (۱۳۸۹). «تحلیل فضایی جرم در شهر کرج (با استفاده از GIS)»،

- geographic information systems at the University of Hong Kong.
- Cozens P.M. (2002) "Viewpoint Sustainable Urban Development and Crime Prevention Through Environmental Design forth British City". *Towards an Effective Urban Environmentalism for the 21st Century, Cities*, Vol. 19, No. 2, P. 132-143.
- Cozens, P.M. (2008) "New Urbanism, Crime and the Suburbs: A Review of the Evidence", *Urban Policy and Research*, Vol. 26, No. 4, p. 429-444.
- Hopkins, M. (2004) "Targeting Hot Spots of Alcohol Related Town Centre Violence: a Nottingham Shire Case Study", *Security Journal*, Vol.7, p. 53-66.
- Mc Camley, Phil. (2001) *Crime design and urban planning: from theory to practice*, first published in the royal Australian planning institute magazine, new planner.
- McCollister, K.E. French, M.T. Fang, H. (2010) *The cost of crime to society: New crime-specific estimates for policy and program evaluation Drug and Alcohol Dependence* 108.
- Newman, O. (1973) *Defensible Space: Crime Prevention through Urban Design*. New York: Macmillan.
- Sherman, L. W. and Gartin, P. R. and Buerger, M. E. (1989) "Hot Spots of Predatory Crime: Routine Activities and the Criminology of Place." *Criminology*, No. 27(1), P. 27-55.
- Wilson, J.Q. and Kelling, G.L. (1982) "Broken Windows: The Police and Neighborhood Safety," *Atlantic Monthly*, March.
- فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، ش ۲، ص ۱۷۹-۱۹۸.
- صالحی، اسماعیل. (۱۳۸۸). «نقش شهرسازی (نظریه محیطی) در پیشگیری از رفتارهای ناهنجار شهری»، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، ش ۳۹، ص ۱۲۷-۱۳۷.
- عبداللهی حق، مریم. (۱۳۸۳). «کمبود توقف‌گاه‌های عمومی و تأثیر آن در وقوع سرقت وسایل نقلیه یا لوازم آن در بخش مرکزی شهر زنجان»، مجله اصلاح و تربیت، ش ۷۰، ص ۵-۲.
- فلسون، مارکوس و کلارک، رونالد. وی. (۱۳۸۷). فرصت و بزهکاری، نگرشی کاربردی برای پیشگیری از بزهکاری، ترجمه: محسن کلانتری و سمیه قزلباش، زنجان: نشر دانش.
- کلانتری، محسن و قزلباش، سمیه و یغمایی، بامشاد. (۱۳۸۹). «بررسی جغرافیایی کانون‌های جرم‌خیز شهر زنجان (مطالعه موردی: جرایم مرتبط با مواد مخدر)»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ش ۷۴، ص ۴۱-۶۰.
- منزوی، مهشید و سلیمانی، محمد و تولایی، سیمین و چاووشی، اسماعیل. (۱۳۸۹). «آسیب‌پذیری بافت‌های فرسوده بخش مرکزی شهر تهران در برابر زلزله (مورد: منطقه ۱۲)»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ش ۷۳، ص ۱-۱۸.
- Atlas, R. (1999) *Environmental Design that Prevents Crime, the construction specifier*, Atlas Safety & Security Design. Santamonica.
- Bennett, T. (1995) "Identifying, Explaining and Targeting Burglary Hot Spots", *European Journal on Criminal Policy and Research*, Vol. 3, p. 113-123.
- Bottoms, A.E. and Wiles, P. (1997). *Environmental criminology*. In *The Oxford Handbook of Criminology*, (Eds) Maguire, R Moran and R Reiner. Clarendon Press, Oxford.
- Chi pun chung, Edward. (2005) *Use of GIS in campus crime analysis: A case study of the university of Hong Kong*. For the degree of master of

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی

سال چهارم، شماره پیاپی ۹، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۵/۲۹

صص ۱۱۷-۱۳۰

خشم صفت- حالت و شیوه‌های کنترل خشم و گرایش افراد به نزاع دسته جمعی

فریرز نیکدل، استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه یاسوج*

علی اکبر پیراسته مطلق، کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی

چکیده

هدف: پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه بین خشم صفت- حالت و شیوه‌های کنترل خشم و گرایش افراد به نزاع دسته جمعی در استان کهگیلویه و بویر احمد انجام شده است. روش: روش پژوهش غیر آزمایشی از نوع همبستگی بوده است. برای رسیدن به هدف فوق، از جامعه آماری تحقیق که عبارت است از کلیه شهروندان ۴۰-۱۵ ساله استان کهگیلویه و بویراحمد، ۴۰۰ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از پرسشنامه‌های گرایش به نزاع دسته‌جمعی، سیاهه بروز خشم صفت- حالت اسپیلبرگر و طرح‌واره‌های شناختی پرخاشگرانه، با آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها: نتایج نشان داد بین متغیرهای خشم صفت- حالت و گرایش به نزاع دسته جمعی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. در حالی که بین شیوه‌های کنترل خشم و گرایش به نزاع دسته جمعی ارتباط منفی و معناداری وجود داشت. نتایج رگرسیون گام به گام نشان داد متغیر خشم حالت، کنترل خشم درونی و خشم صفت به ترتیب بهترین پیش‌بینی کننده‌های گرایش به نزاع دسته جمعی بودند. نتیجه‌گیری: خشم حالت و شیوه‌های کنترل درونی یا بیرونی خشم می‌توانند گرایش افراد به نزاع دسته جمعی را پیش‌بینی کنند. واژه‌های کلیدی: خشم صفت، خشم حالت، شیوه‌های کنترل خشم و گرایش به نزاع دسته جمعی

مقدمه و بیان مسأله

(۱۳۸۳).

درگیری‌های قومی و نزاع‌های دسته جمعی در هر دوره‌ای از تاریخ وجود داشته و در جوامع سنتی و ایلی این موضوع بیشتر نمود داشته است. شاید ضعف کنترل‌های خانوادگی و اجتماعی یا نبود قوانین جزایی متقن یا عدم اجرای درست آن از سوی متولیان امر و ... خود علتی است که افراد هر جامعه‌ای برای رسیدن به خواسته قانونی و غیرقانونی خود، قوم و طایفه خود را برای نزاع جمعی گسیل سازند. این مسأله در گذشته و امروز، منشأ خسارات جانی و مالی فراوان شده، مانع توسعه اجتماعی بوده است (ربانی، عباس‌زاده و نظری، ۱۳۸۳: ۱۰۴). در تحقیق حاضر، منظور از نزاع دسته جمعی، درگیری یا دعوایی است که معمولاً با انگیزه فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در درون یا بین جوامع مختلف به طور محدود یا گسترده یا به صورت مسلحانه یا غیر مسلحانه بین عده‌ای از افراد به وقوع می‌پیوندد که معمولاً به وارد آمدن خساراتی مادی و معنوی منجر می‌شود. به عبارتی، نزاع برخورد‌های جمعی ستیزه جویانه و پرخاشگرانه‌ای است که به علل گوناگون به وجود آمده و موجبات عدم ثبات اجتماعی را فراهم می‌سازد (پورافکاری، ۱۳۸۳: ۳۷۵).

پدیده نزاع و درگیری در جامعه از آن دسته آسیب‌هایی است که با ایجاد اختلال در روابط اجتماعی، فضایی آکنده از بغض، کینه و دشمنی را در میان افراد به وجود می‌آورد که این امر، با زمینه‌سازی برای ایجاد نزاع و تنش‌های بعدی، جامعه را از نظر مادی و معنوی متضرر می‌سازد. این پدیده در کشور ما که دارای بافت جمعیتی چند قومیتی می‌باشد به عنوان پدیده‌ای مسأله ساز ظاهر می‌شود. پدیده نزاع جمعی در مناطقی از کشور که به شدت متأثر از ارزش‌های سنتی و طایفه‌ای خود می‌باشند و گرایش و پابندی کمتری نسبت به قانون دارند، بیشتر مشهود است. از سوی دیگر، متأسفانه هنوز خشونت و نزاع از جمله موضوعاتی است که در فرهنگ بعضی هموطنان، شاخص قدرت و یا دفاع از منزلت اجتماعی و فرهنگی و حیثیت خانوادگی محسوب می‌شود (پورافکاری،

با توجه به پیامدها و خساراتی که نزاع دسته‌جمعی به همراه دارد، محققان تلاش داشته‌اند ریشه‌ها و علل بنیادین این مسأله را مورد بررسی و مطالعه قرار دهند. در این زمینه فرض می‌شود که متغیرهای خشم صفت-حالت و شیوه‌های کنترل خشم به عنوان متغیرهای تأثیرگذار در گرایش افراد به نزاع دسته جمعی به شمار می‌روند. خشم معمولاً به یک حالت هیجانی روانی-جسمی یا وضعیتی اطلاق می‌گردد که احساساتی را که از نظر شدت از تحریک‌پذیری و رنجش خفیف تا غیظ و غضب شدید تغییر می‌کند، شامل می‌گردد. برای متغیر خشم، باید احساس خشم را با بیان خشم (که خود را به شکل رفتارهای پرخاشگرانه نشان می‌دهد) متمایز کنیم. بر همین اساس می‌توان افراد را بر حسب شیوه بیان خشم به دو گروه تقسیم کرد: در حالی که گروهی از افراد خشم خود را سرکوب کرده، آن را به سمت دورن جهت می‌دهند و بر «خود» متمرکز می‌کنند (بیان خشم به طرف درون)، گروه دیگر تمایل دارند تا خشم خود را به طرف بیرون جهت داده، آن را بر افراد و پدیده‌های محیطی متمرکز کنند (بیان خشم به طرف بیرون) (اصغری مقدم، حکیمی‌راد و رضا زاده، ۱۳۸۷: ۲۲). یکی دیگر از عوامل روان‌شناختی و فردی تأثیرگذار بر گرایش به نزاع دسته جمعی، شیوه‌های مهار و کنترل خشم است. علاوه بر شیوه بیان خشم، شیوه کنترل خشم در رفتارهای پرخاشگرانه و گرایش به نزاع‌های دسته جمعی دارای اهمیت است، به همین خاطر، امروزه در برنامه‌های آموزشی برای کاهش رفتار پرخاشگرانه بر مهارت‌های مدیریت و کنترل خشم تأکید فراوان می‌شود (ابوئی مهریزی، طهماسبیان و خوش‌کنش، ۱۳۸۹: ۳۹۳-۴۰۴). بنابراین، از طرفی در جوامع مختلف نزاع‌های دسته جمعی همیشه به عنوان یکی از مسائل اجتماعی مطرح بوده است، از طرف دیگر، با توجه به فراوانی نزاع‌های دسته جمعی در استان کهگیلویه و بویراحمد، یکی از علت‌های عدم توسعه استان در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی همین نزاع‌ها و درگیری‌های دسته جمعی است. از این رو،

آنها را از افراد پیرو قانون متمایز می‌ساخت (ستوده، ۱۳۸۲). نظریه کروموزوم XY نظریه‌ای است که بزهکاری را با نوعی ساخت کجروانه ژنتیک مرتبط می‌داند. نظریه تراسلر^۲، که تلفیق نظریه ژنتیک با عوامل محیط اجتماعی مهم‌ترین نکته تئوری او می‌باشد، بر دو عامل مهم تأکید دارد: از یک طرف عوامل ژنتیک مثل: دورن‌گرا و برون‌گرا بودن و دوم نوع شرطی شدن است (ممتاز، ۱۳۸۱). به طور کلی، کانون اصلی توجه در تبیین‌های زیست‌شناختی انحراف و جرم، آسیب‌پذیری‌های ژنتیک، اضافات کالبدی، ناهنجاری‌های کروموزومی و غیره است و حتی گاه نژاد را علت کجروی می‌دانند. با این حال امروزه توجیحات زیستی کجروی شدیداً مورد انتقاد است (میرفردی و همکاران، ۱۳۸۹).

نظریه‌های روان‌شناختی

تبیین‌های روان‌شناختی بر تفاوت‌های فردی اشخاص در شیوه تفکر و احساس درباره رفتار خود و ویژگی‌های شخصیتی تأکید دارند. برخی دیدگاه‌های روان‌شناختی به پیروی از فروید، کجروی را ناشی از نوعی اختلال روانی می‌دانند (بخارایی، ۱۳۹۰). اصولاً چهار دیدگاه در تبیین‌های روان‌شناختی وجود دارد:

۱. روان‌پویایی
۲. شناختی
۳. الگوهای نارسایی شخصیت
۴. نظریه‌های انگیزشی

در دیدگاه اول یعنی: روان‌پویایی دو الگو مطرح است: الف) الگوهای روان‌کاوی که به پیروی از فروید به وجود زمینه‌های روانی و زیربنایی در فرد از کودکی برای یک زندگی کجروانه مدعی است. ب) نظریه دلبستگی جان بالبی مبنی بر اختلال در پیوند مادر و نوزاد و دورماندن کودک در حال رشد از والدین به ویژه مادر به عنوان علت عمده شکل‌گیری بزه‌های نوجوانان (همان).

توصیف و تبیین عوامل مؤثر در نزاع‌های دسته جمعی هم از لحاظ اجتماعی و خانوادگی و هم از لحاظ فردی حایز اهمیت است، هدف پژوهش حاضر نیز، مطالعه نقش خشم صفت-حالت و شیوه‌های کنترل خشم در گرایش افراد به نزاع دسته جمعی است.

مبانی نظری پژوهش

بررسی پیشینه، سوابق و ادبیات موضوع مورد نظر که تحقیق مورد نظر را با تحقیقات گذشته و مرتبط با موضوع پیوند می‌دهد، یکی از مهم‌ترین مراحل پژوهش اجتماعی می‌باشد. در این بررسی نزاع دسته جمعی به عنوان یک نوع انحراف اجتماعی نگریسته شده که بررسی و مطالعه نظریات انحرافات و کجرفتاری‌های اجتماعی را ضروری می‌نماید. در اینجا برای بررسی دقیق‌تر، از نظریه‌های زیست‌شناسی انحرافات، نظریه‌های روان‌کاوی پرخاشگری، تبیین‌های روان‌شناختی اجتماعی و نظریه‌های جامعه‌شناسی انحرافات بهره گرفته خواهد شد.

نظریه‌های زیست‌شناختی

برخی آسیب‌شناسان اجتماعی بر این باورند که عوامل زیست‌شناختی مانند نقص جسمانی و وضعیت خاص ژنتیکی را باید علت کجروی اجتماعی دانست، اگرچه نظریه‌های زیست‌شناختی در رابطه با رفتار انحرافی در قرن نوزدهم توسعه یافتند، ولی به لحاظ تاریخی تحلیل‌های زیست‌شناختی در مورد جرایم صدها سال قبل نیز وجود داشته است (احمدی، ۱۳۸۴). از پیشگامان این نظریه می‌توان سزار لمبروزو^۱ را نام برد. لمبروزو متوجه شده بود که اغلب جنایت‌کاران و کجروان اجتماعی در ساختمان بدنی خود دارای نقایصی هستند، بنابراین، طبق نظریه او جنایت‌کاران تابع عوامل و نیروهایی هستند که بیرون از اراده آنان است. بروکا، مدعی کشف ویژگی‌هایی در جمجمه و مغز جنایت‌کاران گردید که

² Trasler

¹ Cesare Lombroso

در دیدگاه دوم یعنی؛ شناختی دو نظریه مهم مطرح است: الف) نظریه الگوهای تفکر مجرمانه. این نظریه با تکیه بر دو اصل تقدم و پیش‌بودن شناخت بر رفتار و تفاوت بنیادی مجرمان با غیرمجرمان، مجرم شدن را محصول گزینش‌های فرد در سال‌های آغازین زندگی می‌داند. ب) نظریه تعارض شناختی که در آن، فرد با بدیل‌هایی کمابیش مشابه روبرو می‌شود و یکی را بر می‌گزیند (همان).

در دیدگاه سوم یعنی؛ الگوهای نارسائی شخصیت دو نظریه مطرح است: الف) الگوی شخصیت روان رنجور که مدعی است روان رنجوران، شخصیتی جامعه‌پذیر نشده دارند و به نوعی به بی‌وجدانی دچارند. ب) نظریه شخصیت آیزنک: شخصیت‌های برون‌گرا، روان‌نژندخو و روان‌پریش‌خو، سه گونه نابهنجار شخصیت‌اند که آیزنک آنها را معرفی کرده است. در این افراد، در اثر اختلال در روند یادگیری، یک وجدان معیوب که بر احتمال درگیر شدن فرد در جرم می‌افزاید، شکل گرفته است (همان).

در دیدگاه چهارم یعنی نظریه‌های انگیزشی، نظریه نیازهای اساسی مطرح است، که آبراهام مازلو^۱ پنج نوع از نیازهای انسان را اساسی دانسته و بر آن است که تا این نیازها ارضا نشوند نیازهای متعالی‌تر برای افراد، مطرح و ارضا نخواهد شد. این نیازها عبارتند از: جسمی، ایمنی، عشق و تعلق، احترام و خودشکوفایی (همان).

نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی

نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی را می‌توان به عنوان پلی ارتباطی نظریه‌های روان‌شناسی و فردگرایی غالب بر آن و نظریه‌های جامعه‌شناختی و محیط‌گرایی غالب بر این نظریه‌ها دانست. نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی اصولاً کج‌رفتاری‌ها را بر اساس جنبه‌های مختلف کنش متقابل موجود در دوران موقعیت‌های اجتماعی که انحرافات در آن رخ می‌دهند، مطالعه می‌کنند. در این نظریات آن چه که مورد توجه قرار گرفته است و به عنوان علل کج‌رفتاری بیان می‌گردد، شکل‌گیری

رفتارهای انحرافی در فرآیندهای کنش متقابل، مشاهده و یادگیری رفتارهای انحرافی، ناکارآمدی جریان جامعه‌پذیری، ناکارآمدی جریان کنترل‌های اجتماعی دورنی و بیرونی و غیره می‌باشد. نظریه‌های عمده‌ای که در این دسته قرار می‌گیرند، را می‌توان نظریه‌های: الگوهای کنترل اجتماعی، نظریات یادگیری اجتماعی، رویکرد کنش متقابل، نظریات برچسب زنی و نظریات پدیدارشناسی دانست (سلیمی و داوری، ۱۳۸۶).

نظریه‌های جامعه‌شناختی

جامعه‌شناسان در تبیین کجروی‌ها و رفتارهای انحرافی از سوی افراد و گروه‌ها بر محیط و شرایط اجتماعی تأکید می‌کنند و علل چنین آسیب‌هایی را در خود جامعه و نهادهای اجتماعی جستجو می‌نمایند. به گفته گیدنز^۲ یک تبیین رضایت بخش ماهیت جرم باید تبیین جامعه‌شناختی باشد، زیرا ماهیت جرم به نهادهای اجتماعی جامعه بستگی دارد. یکی از جنبه‌های تفکر جامعه‌شناختی درباره جرم تأکید بر ارتباطات متقابل میان هم‌نوایی و کجروی در زمینه‌های اجتماعی مختلف است. جوامع امروزی خرده فرهنگ‌های بسیار متفاوتی دارند و رفتاری که با هنجارهای یک خرده فرهنگ خاص هم‌نوایی دارد، ممکن است خارج از خرده فرهنگ، کجروانه تلقی شود (میرفردی و همکاران، ۱۳۸۹).

به طور کلی نظریات جامعه‌شناختی با دو رویکرد وفاق اجتماعی و تضاد بر نقش محیط اجتماعی در شکل‌گیری انحرافات تأکید نموده‌اند. در ادامه برخی نظریات جامعه‌شناختی مانند نظریه آنومی دورکیم و مرتن، نظریه ناکامی منزلی آلبرت کوهن، نظریه فضای عاطفی خانواده دوروتی لاونولث، نظریه دورن فهمی کزرفتاری دیوید مانتزا، دیدگاه بوم‌شناختی، تئوری محرومیت نسبی، نظریه ناکامی-ستیزه جویی دولارد، نظریه تالکوت پارسونز و نظریه تضاد گروهی ولد به صورت خلاصه مورد بحث قرار می‌گیرند (همان).

² Giddens

¹ Maslow Abraham

پیشینه پژوهشی

با توجه به اینکه خشونت و پرخاشگری مؤلفه تأثیرگذاری در نزاع‌های دسته جمعی است، اشکال مختلف بیان خشم و نیز پیامدهای آن در پژوهش‌های بنیادی و کاربردی روان‌شناختی جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص داده است. علاوه بر این، شیوه‌های مدیریت و کنترل خشم به عنوان خصیصه‌های شخصیتی می‌توانند نقطه عطف بسیاری از اختلالات و آسیب‌های اجتماعی مثل خشونت، اختلال شخصیت ضد اجتماعی، پرخاشگری، سوء مصرف مواد و درگیری‌های دسته جمعی باشند.

تحقیقات مختلف نشان داده‌اند که خشم مهار نشده، نه تنها سازگاری و سلامتی افراد را در معرض خطر جدی قرار می‌دهد، بلکه همواره تعداد فراوانی از مسائل بین‌فردی و اجتماعی وجود داشته است که از این هیجان متأثر شده و خشونت و پرخاشگری قابل پیش‌بینی‌ترین پیامد آن است (نویدی، ۱۳۸۵؛ لایو، ۲۰۰۱؛ داهلن و دیفن باخر، ۲۰۰۱؛ کالاماری و پینی، ۲۰۰۳).

ربانی، عباس‌زاده و نظری (۱۳۸۸) نیز در پژوهشی با بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر گرایش به نزاع جمعی نشان دادند که پرخاشگری و قوم‌گرایی (به میزان برابر) بر متغیر گرایش به نزاع دسته جمعی تأثیر فزاینده دارد و متغیر کنترل اجتماعی بر گرایش به نزاع دسته جمعی، تأثیر کاهنده دارد.

همچنین، نتایج پژوهش رضایی کلواری و بحرینی (۱۳۸۹) نشان داد که متغیرهای پرخاشگری، قوم‌گرایی، بی‌هنجاری و محرومیت نسبی دارای رابطه معنادار مثبت و متغیرهای کنترل اجتماعی، انسجام اجتماعی، پایگاه اجتماعی- اقتصادی، سن، جنسیت و تحصیلات دارای رابطه معنادار معکوس و متغیرهای تأهل و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی فاقد رابطه معنادار با گرایش به نزاع‌های دسته جمعی می‌باشد.

نظری (۱۳۸۶) نیز با تبیین جامعه‌شناختی میزان گرایش

به نزاع جمعی در استان ایلام، نشان داد که متغیرهای پرخاشگری و قوم‌گرایی تأثیر معنادار مثبت و میزان کنترل اجتماعی و تحصیلات تأثیر معنادار منفی بر گرایش به نزاع دارند.

در تحقیق دیگری که در استان کهگیلویه و بویراحمد توسط میرفردی و همکاران (۱۳۸۹) در رابطه با عوامل مؤثر بر گرایش به نزاع دسته جمعی به انجام رسیده است، مشخص شده است که متغیر اعتماد اجتماعی تأثیری بر گرایش به نزاع دسته جمعی ندارد، ولی خویشاوندگرایی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و سن تأثیر معناداری بر گرایش به نزاع دسته جمعی دارد.

تحقیقات نشان داده است که آثار ضعف و کاستی در مدیریت خشم، فراتر از ناراحتی‌های شخصی و تخریب روابط بین‌فردی، می‌تواند منجر به اختلال در سلامت عمومی، بروز ناسازگاری عمومی و پیامدهای زیانبار رفتارهای پرخاشگرانه منجر شود و در صورتی که این هیجان نیرومند به درستی مهار نشود، می‌تواند مانع موفقیت همه جانبه و کارکرد بهینه افراد، گروه‌ها و جوامع شود (نویدی و برجعلی، ۱۳۸۶: ۸۱-۸۵ و بقایی لاکه و خلعتبری، ۱۳۸۹: ۱-۹).

شکوهی‌یکتا، به‌پژوه، غباری بناب، زمانی و پرند (۱۳۸۷) نیز در پژوهشی با بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های مدیریت خشم بر کنترل خشم مادران دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی و دیرآموز، دریافتند که آموزش مدیریت خشم بر کاهش خشم و افزایش استفاده از راهبردهای کنترل خشم تأثیر مثبت دارد.

نتایج پژوهش کلاتتری، قزلباش و جباری (۱۳۸۹) در رابطه با تحلیل فضایی بزهکاری شهری با استفاده از مدل تخمین تراکم کرنل مورد مطالعه: جرایم شرارت، نزاع و درگیری در شهر زنجان، نشان داد که توزیع جرایم مورد بررسی در سطح شهر زنجان از نظر آماری توزیعی کاملاً متمرکز و خوشه‌ای دارد. همچنین، نارسایی و عدم تناسب شبکه معابر و شبکه‌های ارتباطی، تعدد و تنوع جمعیت، فعالیت‌ها و کارکردها و اصطکاک بیشتر افراد و وجود زمینه

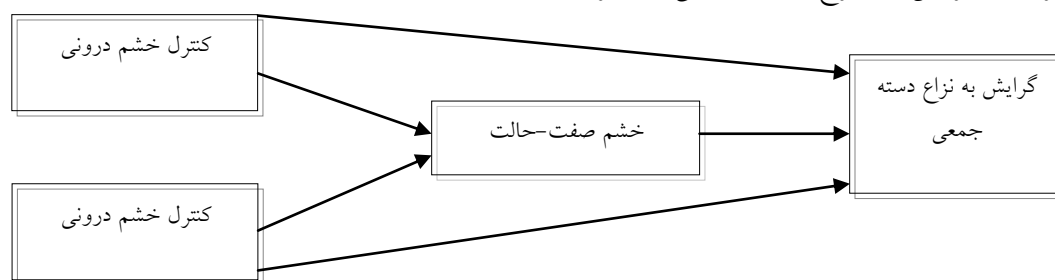
مناسب خشونت و پرخاش و کمبود برخی امکانات و تجهیزات خدماتی از جمله مشکلات این مناطق از شهر زنجان در مقطع کنونی است.

چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری پژوهش حاضر ترکیبی است از نظریه‌های روان‌شناختی و روان‌شناسی اجتماعی مطرح شده پیرامون نزاع دسته جمعی و پژوهش‌های انجام شده در این باره. طبق نظریه‌های مطرح شده پیرامون نزاع دسته جمعی و پژوهش‌های انجام شده در این باره، نزاع دسته جمعی به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و چند بعدی، علل و عوامل متفاوتی دارد. در یک تقسیم‌بندی کلی این عوامل را می‌توان به عوامل فردی و اجتماعی تقسیم کرد. در پژوهش حاضر، با توجه به کثرت تحقیقات مرتبط با علل اجتماعی گرایش به نزاع دسته جمعی، تنها علل فردی و روان‌شناختی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در واقع، در این پژوهش متغیرهای خشم صفت-حالت و شیوه‌های کنترل خشم را به عنوان عوامل فردی و روان‌شناختی مرتبط با گرایش به نزاع دسته جمعی که بر

اساس مبانی نظری و پژوهشی تحقیق انتخاب شده بودند، مورد بررسی قرار گرفتند (شکل ۱). از این رو، علاوه بر هدف کلی پژوهش، که به بررسی نقش خشم صفت-حالت و شیوه‌های کنترل خشم در گرایش افراد به نزاع دسته جمعی می‌پردازد، فرضیه‌ها و سؤال‌های زیر نیز مورد مطالعه قرار خواهند گرفت:

- (۱) بین خشم صفت-حالت با گرایش به نزاع دسته جمعی و خرده مقیاس‌های آنها ارتباط معناداری وجود دارد.
- (۲) بین شیوه‌های کنترل خشم با گرایش به نزاع دسته جمعی و خرده مقیاس‌های آنها ارتباط معناداری وجود دارد.
- (۳) کدام یک از متغیرهای خشم حالت، خشم صفت، کنترل خشم بیرونی و کنترل خشم درونی پیش‌بینی کننده بهتری برای گرایش به نزاع دسته جمعی می‌باشند؟
- (۴) رابطه بین متغیرهای خشم حالت، خشم صفت، کنترل خشم بیرونی، کنترل خشم درونی و گرایش به نزاع دسته جمعی و نیز مستقل یا وابسته بودن هر یک از آنها نسبت به هم در مدل چگونه می‌باشد؟



شکل ۱- الگوی پیشنهادی ارتباط بین خشم صفت-حالت، کنترل خشم بیرونی و کنترل خشم درونی.

روش‌شناسی پژوهش

روش مورد نظر برای انجام پژوهش حاضر، روش غیرآزمایشی است که به لحاظ نوع، پیمایشی و به لحاظ شیوه اجرا، مقطعی است.

روش نمونه‌گیری و اندازه نمونه

نمونه‌گیری به روش تصادفی طبقه‌ای انجام شده است. ابتدا با استفاده از نقشه جامع استان کهگیلویه و بویراحمد، شهرهای یاسوج، دنا، چرام و دهدشت، باشت و گچساران و بهمئی

جامعه آماری

جامعه آماری تحقیق، کلیه شهروندان ۴۰-۱۵ ساله استان کهگیلویه و بویراحمد است که براساس نتایج آخرین

سرشماری کشور تعداد آنها در حدود ۳۲۵۲۰۴ هزار نفر است. اندازه نمونه با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران و خطای ۰/۰۵ در حدود ۴۰۰ نفر است.

بخش اول درجه‌بندی می‌شود. مقیاس خشم صفت دارای دو زیر مقیاس زیرمقیاس شامل: خلق و خوی خشمگینانه و واکنش خشمگینانه است. بخش سوم ۳۲ ماده را دربرمی‌گیرد که در یک مقیاس چهاردرجه‌ای از «تقریباً هرگز = ۱» تا «همیشه = ۴» درجه‌بندی می‌شود و بروز و کنترل خشم را می‌سنجد و چهار زیرمقیاس بروز خشم بیرونی (بروز یافته)، بروز خشم درونی (فرو خورده)، کنترل خشم بیرونی و کنترل خشم درونی را مورد سنجش قرار می‌دهد. ضرایب پایایی زیر مقیاس‌های سیاهه خشم صفت - حالت با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ توسط خدایاری فرد (۱۳۸۶) مورد بررسی قرار گرفت. ضرایب پایایی زیرمقیاس‌های خشم حالت، خشم صفت، ابراز خشم درونی، ابراز خشم بیرونی، کنترل خشم درونی و کنترل خشم بیرونی با استفاده از آلفای کرونباخ به ترتیب برابر با ۰/۹۳، ۰/۸۳، ۰/۶۰، ۰/۷۳، ۰/۸۹ و ۰/۸۷ به دست آمد. همچنین، ضرایب بازآزمایی برای این زیرمقیاس‌ها در مطالعه او به ترتیب برابر با ۰/۹۳، ۰/۸۲، ۰/۵۸، ۰/۷۲، ۰/۸۹ و ۰/۸۷ به دست آمد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه در بخش‌های خشم حالت، خشم صفت، کنترل خشم بیرونی و کنترل خشم درونی به ترتیب برابر ۰/۹۴، ۰/۸۸، ۰/۸۱ و ۰/۸۳ به دست آمد.

شیوه گردآوری اطلاعات

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

داده‌های جمع‌آوری شده در محیط SPSS مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت. برای بررسی روابط متغیرها با متغیر وابسته از ضریب همبستگی پیرسون، آزمون تحلیل رگرسیون همزمان و تحلیل مسیر استفاده شده است.

یافته‌ها

ویژگی‌های دموگرافیک و یافته‌های توصیفی آزمودنی‌ها

بر اساس نتایج توصیفی حاصل از پژوهش میانگین سنی آزمودنی‌ها برابر ۲۷/۵۶ بود. نتایج توصیفی حاصل از توزیع آزمودنی‌ها بر اساس شهر محل سکونت نشان داد که شهر

مشخص شدند. در مرحله بعد به نسبت جمعیت هر شهر، نمونه آماری از آن شهر انتخاب شد. در مرحله نهایی با شناسایی دقیق کوچه‌ها، تلاش شد نمونه‌های تحقیق به طور کاملاً تصادفی انتخاب شوند.

ابزار گردآوری اطلاعات

پرسشنامه گرایش به نزاع دسته‌جمعی: این پرسشنامه توسط میرفردی و همکاران (۱۳۸۹) تهیه شده است و دارای ۱۳ گویه می‌باشد که دو بعد رفتاری و شناختی را مورد سنجش قرار می‌دهد. گویه‌های ۱ تا ۸ بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای شامل: کاملاً موافق، موافق، بی‌نظر، مخالف و کاملاً مخالف می‌باشد که بعد رفتاری نزاع دسته‌جمعی را مورد سنجش قرار می‌دهند. گویه‌های ۹ تا ۱۳ نیز بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای شامل: خیلی زیاد، زیاد، تاحدودی، کم و خیلی کم می‌باشد که بعد شناختی نزاع دسته‌جمعی را مورد سنجش قرار می‌دهد. میرفردی و همکاران (۱۳۸۹) روایی و پایایی پرسشنامه گرایش به نزاع دسته‌جمعی را با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحلیل آنها بیانگر آن است که میزان واریانس تبیین شده در گرایش به نزاع دسته‌جمعی ۴۴/۹۸ است. ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه در مطالعه آنها نیز برابر با ۰/۸۴ به دست آمد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای این پرسشنامه در ابعاد گرایش رفتاری، گرایش شناختی و گرایش کل به نزاع دسته جمعی به ترتیب برابر ۰/۸۳، ۰/۸۰ و ۰/۸۸ به دست آمد.

سیاهه بروز خشم حالت - صفت اسپیلبرگر - ۲: این سیاهه ۵۷ ماده دارد و شامل شش مقیاس و پنج خرده مقیاس است و ماده‌های آن در سه بخش تنظیم شده است: بخش اول به اندازه‌گیری خشم حالت می‌پردازد که در آن آزمودنی‌ها شدت احساس خود را بر اساس مقیاس چهار گزینه‌ای از «به هیچ وجه = ۱» تا «خیلی زیاد = ۴» درجه‌بندی می‌کنند. این بخش ۱۵ ماده را دربرمی‌گیرد و شامل مقیاس خشم حالت و زیرمقیاس‌های آن: احساس خشمگینانه، تمایل به بروز کلامی خشم و تمایل به بروز فیزیکی خشم می‌باشد. بخش دوم با ۱۰ آیتم به سنجش خشم صفت اختصاص دارد و همانند

یاسوج با ۳۴٪ (۱۳۶ نفر)، بیشترین تعداد آزمودنی و بهمئی با ۵٪ (۲۰ نفر) کمترین تعداد آزمودنی را به خود اختصاص داده است. نتایج حاصل از پژوهش در مورد وضعیت تحصیلات آزمودنی‌ها نشان داد که ۴۴٪ (۱۷۷ نفر) از آزمودنی‌ها دارای مدرک دیپلم و فوق دیپلم، ۳۲٪ (۱۳۰ نفر) دارای مدرک لیسانس، ۱۳٪ (۵۵ نفر) دارای مدرک زیر دیپلم، ۷٪ (۲۸ نفر) دارای مدرک فوق‌لیسانس و بالاتر هستند و حدود ۲٪ (۱۰ نفر) به این آیتم پاسخ ندادند. همچنین،

نتایج حاصل پژوهش در مورد وضعیت اشتغال آزمودنی‌ها، نشان داد که ۵۲٪ (۲۰۹ نفر) از آزمودنی‌ها بیکار، ۲۳٪ (۹۳ نفر) دارای شغل آزاد، ۲۲٪ (۹۰ نفر) دارای شغل اداری و کارمند هستند و حدود ۲٪ (۸ نفر) به این آیتم پاسخ ندادند. افزون بر این، یافته‌های توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) مربوط به آزمودنی‌ها در متغیرهای پژوهش در جدول ۱ قابل ملاحظه است.

جدول ۱- یافته‌های توصیفی مربوط به آزمودنی‌ها در متغیرهای خشم حالت، خشم صفت، شیوه‌های کنترل خشم، گرایش به نزاع دسته جمعی و خرده مقیاس‌های آنها

متغیرها	میانگین به دست آمده	میانگین واقعی	انحراف استاندارد
خشم حالت	۲۱/۹۹	۴۵	۹/۴۱
احساس خشمگینانه	۷/۸۵	۱۵	۳/۴۹
تمایل به بروز کلامی خشم	۷/۱۹	۱۵	۳/۳۳
تمایل به بروز فیزیکی خشم	۶/۹۴	۱۵	۳/۳۶
خشم صفت	۲۰/۲۶	۳۰	۷/۰۷
خلق و خوی خشمگینانه	۷/۳۱	۱۲	۳/۱۴
واکنش خشمگینانه	۱۲/۹۵	۱۸	۴/۵۸
کنترل خشم بیرونی	۲۱/۶۱	۳۴	۴/۸۹
کنترل خشم درونی	۲۱/۹۸	۲۴	۵/۰۲
گرایش به نزاع دسته جمعی	۴۲/۶۰	۵۲	۱۰/۷۸
گرایش شناختی	۲۷/۴۵	۳۷	۶/۶۶
گرایش رفتاری	۱۵/۱۴	۲۰	۵/۰۸

بررسی فرضیه‌های پژوهش

برای بررسی این فرضیه که بین متغیرهای خشم صفت-حالت و گرایش به نزاع دسته جمعی و خرده مقیاس‌های آنها

ارتباط معناداری وجود دارد، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتایج حاصل از این تحلیل را در جدول ۲ قابل مشاهده است.

جدول ۲- ضریب همبستگی بین خشم صفت-حالت و گرایش به نزاع دسته جمعی و خرده مقیاس‌های آنها

متغیرها	گرایش به نزاع دسته جمعی		
	گرایش شناختی	گرایش رفتاری	گرایش به نزاع دسته جمعی
خشم حالت	۰/۲۹**	۰/۳۴**	۰/۳۴**
احساس خشمگینانه	۰/۲۳**	۰/۲۹**	۰/۲۸**
تمایل به بروز کلامی خشم	۰/۲۸**	۰/۳۲**	۰/۳۳**
تمایل به بروز فیزیکی خشم	۰/۲۹**	۰/۳۳**	۰/۳۳**
خشم صفت	۰/۲۵**	۰/۳۱**	۰/۳۰**
خلق و خوی خشمگینانه	۰/۲۰**	۰/۲۹**	۰/۲۶**
واکنش خشمگینانه	۰/۲۵**	۰/۲۷**	۰/۲۸**

($P < 0.01$)**

نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها برای بررسی ارتباط بین متغیرهای خشم صفت-حالت و گرایش به نزاع دسته جمعی و خرده مقیاس‌های آنها نشان می‌دهد که بین متغیر خشم حالت با گرایش به نزاع دسته جمعی ($r = 0/34, P < 0/01$) و متغیر خشم صفت و گرایش به نزاع دسته جمعی ($r = 0/30, P < 0/01$) ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. ارتباط بین خرده مقیاس‌های خشم حالت، خشم صفت با گرایش به نزاع دسته جمعی نشان می‌دهد که بین کلیه خرده مقیاس‌های احساس خشمگینانه، تمایل به بروز کلامی و فیزیکی خشم، خلق و خوی خشمگینانه و واکنش خشمگینانه با متغیر

گرایش به نزاع دسته جمعی و خرده مقیاس‌های آن یعنی؛ گرایش شناختی به نزاع و گرایش رفتاری به نزاع نیز ارتباط مثبت و معناداری در سطح معناداری $0/99$ وجود دارد (جدول ۲).

برای بررسی این فرضیه که بین شیوه‌های کنترل خشم و گرایش به نزاع دسته جمعی و خرده مقیاس‌های آنها ارتباط معناداری وجود دارد، نیز از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. نتایج حاصل از این تحلیل را در جدول ۳ قابل مشاهده است.

جدول ۳- ضریب همبستگی بین شیوه‌های کنترل خشم با گرایش به نزاع دسته جمعی و خرده مقیاس‌های آنها

متغیرها	گرایش به نزاع دسته جمعی	
	گرایش شناختی	گرایش رفتاری
کنترل خشم بیرونی	$-0/24^{**}$	$-0/26^{**}$
کنترل خشم درونی	$-0/23^{**}$	$-0/29^{**}$

($P < 0/01$)**

نتایج حاصل از بررسی ارتباط بین شیوه‌های کنترل خشم و گرایش به نزاع دسته جمعی و خرده مقیاس‌های آنها، نشان می‌دهد که بین کنترل خشم بیرونی با گرایش به نزاع دسته جمعی ($r = -0/27, P < 0/01$)، گرایش شناختی ($r = -0/24, P < 0/01$) و گرایش رفتاری ($r = -0/26, P < 0/01$) ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. همین‌طور، بین کنترل خشم درونی با گرایش به نزاع دسته جمعی ($r = -0/29, P < 0/01$)، گرایش شناختی ($r = -0/23, P < 0/01$) و گرایش رفتاری ($r = -0/30, P < 0/01$) ارتباط منفی و معناداری مشاهده می‌شود (جدول ۳).

برای بررسی این سؤال که کدام یک از متغیرهای خشم حالت، خشم صفت، کنترل خشم بیرونی و کنترل خشم درونی پیش‌بینی کننده بهتری برای گرایش به نزاع دسته جمعی هستند، از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده گردید. نتایج حاصل از این بررسی در جدول ۴ قابل مشاهده است.

نتایج رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی گرایش به نزاع دسته جمعی بر اساس متغیرهای خشم حالت، خشم صفت، کنترل خشم بیرونی و کنترل خشم درونی نشان می‌دهد که این پیش‌بینی در سه گام به وقوع پیوست. در گام اول متغیر خشم حالت وارد معادله رگرسیون گردید و $0/115$ درصد واریانس (تغییرات) متغیر گرایش به نزاع دسته جمعی را پیش‌بینی کرده است و بهترین پیش‌بینی کننده این متغیر به شمار می‌رود. در گام دوم، در مرحله اول متغیر خشم حالت و در مرحله دوم کنترل خشم درونی وارد معادله رگرسیون گردیدند و روی هم $0/158$ درصد تغییرات متغیر گرایش به نزاع دسته جمعی را پیش‌بینی کرده است و به ترتیب بهترین پیش‌بینی کننده این متغیر هستند. در گام سوم، در مرحله اول متغیر خشم حالت، در مرحله دوم کنترل خشم درونی و در مرحله سوم خشم صفت وارد معادله رگرسیون گردیدند و روی هم $0/164$ درصد تغییرات متغیر گرایش به نزاع دسته

نداشتند و از معادله حذف شدند (جدول ۴).

جمعی را تبیین کردند و به ترتیب بهترین پیش‌بینی کننده‌های این متغیر هستند. بقیه متغیرها شرایط ورود به رگرسیون را

جدول ۴- نتایج رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی گرایش به نزاع دسته جمعی بر اساس متغیرهای خشم حالت، خشم صفت، کنترل خشم بیرونی و

کنترل خشم درونی

مدل	بتا	مقدار t	R	ضریب تعیین تعدیل شده	سطح معنی داری
۱	۰/۳۴۲	۷/۲۰۶	۰/۳۴۲	۰/۱۱۵	۰/۰۰۰
۲	۰/۲۸۵	۵/۹۲۲	۰/۴۰۰	۰/۱۵۸	۰/۰۰۰
	-۰/۲۱۵	-۴/۴۵۹			۰/۰۰۰
۳	۰/۲۰۶	۳/۴۵۲	۰/۴۱۳	۰/۱۶۴	۰/۰۰۱
	-۰/۲۰۷	-۴/۳۰۴			۰/۰۰۰
	۰/۱۳۰	۲/۱۹۸			۰/۰۲۸

متغیر پیش‌بینی کننده در مدل ۱: خشم حالت

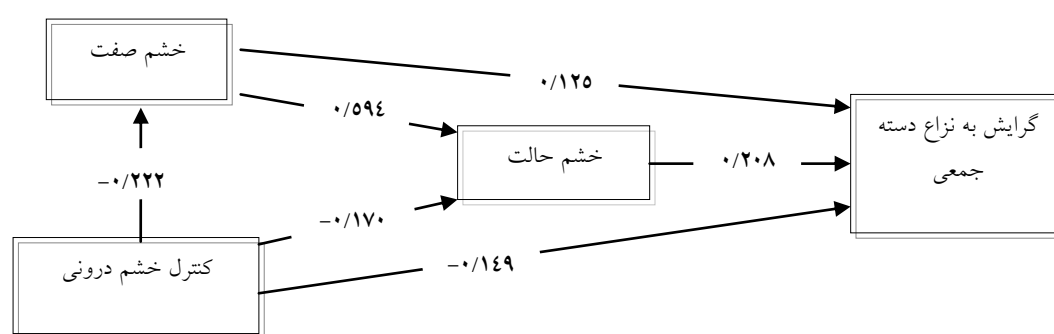
متغیرهای پیش‌بینی کننده در مدل ۲: خشم حالت و کنترل خشم درونی

متغیرهای پیش‌بینی کننده در مدل ۳: خشم حالت، کنترل خشم درونی و خشم صفت

متغیر ملاک: گرایش به نزاع دسته جمعی

مسیر استفاده گردید. برای به دست آوردن تحلیل مسیر از تحلیل رگرسیون هم‌زمان استفاده گردید. نتایج حاصل از تحلیل مسیر را می‌توانید در شکل ۲ ملاحظه نمایید.

برای بررسی این سؤال که رابطه بین متغیرهای خشم حالت، خشم صفت، کنترل خشم بیرونی، کنترل خشم درونی و گرایش به نزاع دسته جمعی و نیز مستقل یا وابسته بودن هر یک از آنها نسبت به هم در مدل چگونه می‌باشد، از تحلیل



شکل ۲- نتایج تحلیل مسیر ارتباط بین متغیرهای خشم حالت، خشم صفت، کنترل خشم بیرونی، کنترل خشم درونی و گرایش به نزاع دسته جمعی

عنوان متغیرهای مستقل و متغیر گرایش به نزاع دسته جمعی به عنوان متغیر وابسته ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. همچنین، از سویی مدل نشان می‌دهد که ارتباط معناداری بین

همان‌طوری که در شکل ۱ نشان داده شده است، بین متغیرهای خشم حالت ($\text{Beta} = 0.208$)، خشم صفت ($\text{Beta} = 0.125$) و کنترل خشم درونی ($\text{Beta} = -0.149$) به

با نتایج حاصل از پژوهش‌های نظری (۱۳۸۶)، نویدی (۱۳۸۵)، لایو (۲۰۰۱)، داهلن و دیفن باخر (۲۰۰۱) و کالاماری و پینی (۲۰۰۳) همخوانی دارد، زیرا این محققان در تحقیقات خود نشان داده‌اند که خشم مهار نشده، نه تنها سازگاری و سلامتی افراد را در معرض خطر جدی قرار می‌دهد، بلکه همواره تعداد فراوانی از مسائل بین‌فردی و اجتماعی از جمله نزاع دسته جمعی وجود داشته است که از این هیجان متأثر شده و خشونت و پرخاشگری قابل پیش‌بینی‌ترین پیامد آن است. به این ترتیب، از طرفی، خشونت و پرخاشگری مؤلفه تأثیرگذاری در نزاع‌های دسته جمعی است. از طرف دیگر، خشونت، آن چنان که در قضیه خونخواهی مطرح می‌شود، گروه‌ها یا خانواده‌ها را به جان هم می‌اندازد و دودستگی و تفرقه در بین گروه‌ها و افراد حاکم می‌کند و حتی ممکن است به کشته شدن چند فرد منجر گردد. نظری (۱۳۸۶) معتقد است که متغیرهای پرخاشگری و قوم‌گرایی تأثیر معنادار مثبت و میزان کنترل اجتماعی و تحصیلات تأثیر معنادار منفی بر گرایش به نزاع دارند.

علاوه بر این، یافته‌های حاصل از بررسی این فرضیه که بین شیوه‌های کنترل خشم با گرایش به نزاع دسته جمعی و خرده مقیاس‌های آنها ارتباط معناداری وجود دارد، نشان داد که بین کنترل خشم بیرونی با گرایش به نزاع دسته جمعی، گرایش شناختی و گرایش رفتاری ارتباط منفی و معناداری وجود دارد. همین‌طور، بین کنترل خشم درونی با گرایش به نزاع دسته جمعی، گرایش شناختی و گرایش رفتاری ارتباط منفی و معناداری مشاهده شد. در واقع، هر چه افراد کنترل بیشتری بر خشم درونی و بیرونی خود داشته باشند، گرایش کمتری به نزاع دسته جمعی دارند. بنابراین، با توجه به نتایج حاصله، فرضیه دوم تأیید می‌گردد. این یافته با نتایج تحقیقات ریلی و همکاران (۲۰۰۲)، نویدی و برجعلی (۱۳۸۶)، شکوهی‌یکتا و همکاران (۱۳۸۷) و بقایی لاکه و خلعتبری (۱۳۸۹) همخوانی دارد. این محققان در تحقیقات خود نشان داده‌اند که شیوه‌های مدیریت و کنترل خشم به عنوان

متغیرهای خشم صفت ($Beta = 0/594$) و کنترل خشم درونی ($Beta = -0/170$) به عنوان متغیر مستقل و خشم حالت به عنوان متغیر وابسته وجود دارد. از سوی دیگر، بین کنترل خشم درونی ($Beta = -0/222$) به عنوان متغیر مستقل و خشم صفت به عنوان متغیر وابسته ارتباط معناداری وجود دارد. این در حالی است که ارتباط بین کنترل خشم بیرونی و هیچ یک از متغیرهای وابسته معنادار نبود و بنابراین از مدل حذف گردید.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش خشم صفت - حالت و شیوه‌های کنترل خشم در گرایش افراد به نزاع دسته جمعی بود. یافته‌های حاصل از بررسی این فرضیه که بین متغیرهای خشم صفت - حالت و گرایش به نزاع دسته جمعی و خرده مقیاس‌های آنها ارتباط معناداری وجود دارد، نشان داد که بین متغیر خشم حالت با گرایش به نزاع دسته جمعی و متغیر خشم صفت و گرایش به نزاع دسته جمعی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. ارتباط بین خرده مقیاس‌های خشم حالت، خشم صفت با گرایش به نزاع دسته جمعی و خرده مقیاس‌های گرایش شناختی به نزاع و گرایش رفتاری به نزاع نشان داد که بین کلیه خرده مقیاس‌های احساس خشمگینانه، تمایل به بروز کلامی و فیزیکی خشم، خلق و خوی خشمگینانه و واکنش خشمگینانه با متغیر گرایش به نزاع دسته جمعی و خرده مقیاس‌های آن یعنی؛ گرایش شناختی به نزاع و گرایش رفتاری به نزاع ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. بنابراین، با توجه به یافته‌های حاصل از پژوهش فرضیه اول مورد تأیید قرار می‌گیرد. در واقع، نتایج حاصل از این فرضیه نشان می‌دهد که افرادی که از میزان خشم صفت و حالت یعنی؛ احساس خشمگینانه، خلق و خوی خشمگینانه، تمایل به بروز فیزیکی و کلامی خشم و واکنش خشمگینانه بیشتری برخوردار باشند، گرایش بیشتری به نزاع دسته جمعی، چه به صورت شناختی و چه به صورت رفتاری دارند. این یافته‌ها

خصیصه‌های شخصیتی می‌توانند نقطه عطف بسیاری از اختلالات و آسیب‌های اجتماعی مثل: خشونت، اختلال شخصیت ضد اجتماعی، پرخاشگری، سوء مصرف مواد و درگیری‌های دسته جمعی باشند. در همین رابطه ریلی و همکاران (۲۰۰۲) معتقد هستند که معمولاً افرادی که به درستی با مدیریت خشم آشنا نیستند و استراتژی‌های خاصی برای کاهش و مقابله به خشم خود ندارند، هنگامی که با خشم روبه‌رو می‌شوند، معمولاً اقدام به پرخاشگری و برون‌ریزی خشم می‌کنند و بر عکس افرادی که از راهبردهای کنترل خشم کارآمدی برخوردارند، در رویارویی با خشم، کنترل خود را حفظ می‌کنند و با استفاده از راهبردهای فوری و پیشگیرانه‌ای که در آنها مهارت لازم را دارند رویدادهای خشم برانگیز را به راحتی کنترل می‌کنند. شکوهی‌یکتا و همکاران (۱۳۸۷) نیز در پژوهشی دریافتند که آموزش مدیریت خشم بر کاهش خشم و افزایش استفاده از راهبردهای کنترل خشم تأثیر مثبت دارد.

نتایج رگرسیون گام به گام برای بررسی این سؤال که کدام یک از متغیرهای خشم حالت، خشم صفت، کنترل خشم بیرونی و کنترل خشم درونی پیش‌بینی کننده بهتری برای گرایش به نزاع دسته جمعی هستند، نشان داد که پیش‌بینی در سه گام به وقوع پیوست. در گام اول متغیر خشم حالت وارد معادله رگرسیون گردید و بهترین پیش‌بینی کننده گرایش به نزاع دسته جمعی بود. در گام دوم، در مرحله اول متغیر خشم حالت و در مرحله دوم کنترل خشم درونی وارد معادله رگرسیون گردیدند و این دو متغیر به ترتیب بهترین پیش‌بینی کننده گرایش به نزاع دسته جمعی بودند. در گام سوم، در مرحله اول متغیر خشم حالت، در مرحله دوم کنترل خشم درونی و در مرحله سوم خشم صفت وارد معادله رگرسیون گردیدند و این سه متغیر به ترتیب بهترین پیش‌بینی کننده‌های گرایش به نزاع دسته جمعی بودند. علاوه بر این، نتایج حاصل از بررسی تحلیل مسیر نشان داد که بین متغیرهای خشم حالت، خشم صفت و کنترل خشم درونی به

عنوان متغیرهای مستقل و متغیر گرایش به نزاع دسته جمعی به عنوان متغیر وابسته ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. این در حالی بود که ارتباط بین کنترل خشم بیرونی و هیچ یک از متغیرهای وابسته معنادار نبود و بنابراین از مدل حذف گردید. این نتایج با یافته‌های با نتایج تحقیقات ربانی و همکاران (۱۳۸۳)، رضایی کلواری و بحرینی (۱۳۸۹) همخوانی دارد. در واقع، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که آثار ضعف و کاستی در مدیریت خشم، فراتر از ناراحتی‌های شخصی و تخریب روابط بین فردی، می‌تواند منجر به اختلال در سلامت عمومی، بروز ناسازگاری عمومی و پیامدهای زیانبار رفتارهای پرخاشگرانه منجر شود و در صورتی که این هیجان نیرومند به درستی مهار نشود می‌تواند مانع موفقیت همه جانبه و کارکرد بهینه افراد، گروه‌ها و جوامع شود. از طرفی، محققان در تحقیقات خود به این نکته اشاره داشته‌اند که گرایش ذاتی به ابراز خشم به صورت فیزیکی یکی از علت‌های درگیری و نزاع می‌باشد. در بررسی این نتیجه می‌توان به این نکته نیز اشاره داشت که افراد ذاتاً پرخاشگر در برابر شرایط محیطی تحریک کننده، خیلی زود از کوره در می‌روند و تمایل بیشتری دارند که در برابر این موقعیت‌ها واکنش پرخاشگرانه داشته باشند و شروع کننده نزاع‌ها باشند. آنها به خاطر صفت پرخاشگری که دارند، تمایل بیشتری دارند که به نزاع و درگیری ادامه دهند و ادامه نزاع و درگیری باعث وارد شدن افراد دیگری به نزاع خواهد شد که این در نهایت به نزاع دسته جمعی منجر خواهد گردید. در همین رابطه ربانی و همکاران (۱۳۸۳) معتقدند که پرخاشگری و قوم‌گرایی (به میزان برابر) بر متغیر گرایش به نزاع دسته جمعی تأثیر افزایشی دارد. همچنین، نتایج پژوهش رضایی کلواری و بحرینی (۱۳۸۹) نشان داده که متغیرهای پرخاشگری، قوم‌گرایی، بی‌هنجاری و محرومیت نسبی دارای رابطه معنادار مثبت با گرایش به نزاع‌های دسته جمعی می‌باشد.

بنابراین، با توجه به یافته‌های حاصل از پژوهش می‌توان نتیجه‌گیری کرد که متغیرهای خشم صفت - حالت و شیوه‌های

بقایای لاکه، مژده و خلعتبری، جواد. (۱۳۸۹). «اثر بخشی برنامه آموزش مدیریت خشم بر کنترل و خودنظم‌دهی خشم و تکانشگری مادران دانش‌آموزان پسر مقطع ابتدایی شهر رشت»، *دوفصلنامه دانشکده‌های پرستاری و مامایی استان گیلان*، سال ۲۰، ش ۶۳، ص ۱-۹.

پورافکاری، نصرالله. (۱۳۸۳). «نزاع‌های جمعی محلی»، *مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.

خدایاری فرد، محمد. (۱۳۸۶). *بررسی ویژگی‌های روانسنجی و هم‌جاریابی سیاهه ابراز خشم صفت-حالت ۲ اسپیلبرگر در بین دانشجویان دانشگاه تهران*، طرح تحقیق دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی. دانشگاه تهران.

ربانی، رسول؛ عباس‌زاده، محمد و نظری، جواد. (۱۳۸۳). «بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر گرایش به نزاع جمعی (مطالعه موردی شهرستان‌های منتخب استان ایلام)»، *فصلنامه علمی- پژوهشی/انتظام اجتماعی*، سال اول، شماره سوم، ص ۱۰۳-۱۲۶.

رضایی کلواری، نورالله و بحرینی، مجید. (۱۳۸۹). «مطالعه رابطه عوامل فرهنگی اجتماعی با نزاع‌های دسته جمعی، قومی و قبیله‌ای در شهرستان لردگان»، *فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی*، ش ۲۲، ص ۱۳۷-۱۶۲.

ستوده، هدایت. (۱۳۸۲). *آسیب‌شناسی اجتماعی*، چاپ شانزدهم. تهران: آوای نور.

سلیمی، علی و داوری، محمد. (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی کجروی (مجموعه مطالعات کجروی و کنترل اجتماعی)*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

شکوهی یکتا، محسن؛ به‌پژوه، احمد؛ غباری‌بناب، باقر؛ زمانی، نیره و پرند، اکرم. (۱۳۸۷). «تأثیر آموزش مهارت‌های

مدیریت و کنترل خشم به عنوان خصیصه‌های شخصیتی می‌توانند نقطه عطف بسیاری از درگیری‌های دسته جمعی در استان کهگیلویه و بویراحمد باشند. لذا، به خانواده‌ها و دست‌اندرکاران توصیه می‌شود با کاهش عوامل ایجادکننده خشم حالت مانند مورد حمله واقع شدن، تهدیدات غیرمنصفانه، بی‌عدالتی و ناکامی، زمینه‌های ایجاد چنین خشمی را از بین ببرند تا از این طریق نیز بتوانند عوامل ایجادکننده خشم صفت که شامل تمایل به ادراک موقعیت‌ها به عنوان موقعیت‌های آزاردهنده و ناکام‌کننده است، از بین ببرند. همچنین، به خانواده‌ها و دیگر دست‌اندرکاران نیز توصیه می‌شود شیوه‌های کنترل خشم مناسب را که می‌تواند در شرایط بحرانی و محرک‌ها به افراد کمک کند، آموزش دهند، تا در نهایت از طریق تقویت این متغیرهای روان‌شناختی در افراد و خانواده‌ها بتوان از گرایش افراد به نزاع‌های دسته‌جمعی کاست.

منابع

ابوئی مهریزی، محبوبه؛ طهماسیان، کارینه؛ خوش‌کنش، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). «تأثیر آموزش مدیریت خشم بر مهارت‌های خودنظم‌دهی خشم و تعارضات والد-نوجوان در دختران دوره راهنمایی شهر تهران»، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، سال ششم، ش ۲۳، ص ۳۹۳-۴۰۴.

احمدی، حبیب. (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: انتشارات سمت.

اصغری مقدم، محمدعلی؛ حکیمی‌راد، الهام؛ رضازاده، طاهره. (۱۳۸۷). «اعتباریابی مقدماتی نسخه تجدید نظر شده پرسشنامه حالت صفت بیان خشم در جمعیت دانشجویی»، *دوماهنامه علمی- پژوهشی دانشور رفتار*، سال پانزدهم، ش ۲۸، ص ۲۱-۳۵.

بخارایی، احمد. (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی*، چاپ دوم. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

انتشارات آشنایی.

نویدی، احد. (۱۳۸۵). *آزمودن تأثیر آموزش مدیریت خشم بر مهارت‌های خود نظم‌دهی خشم، سازگاری و سلامت عمومی پسران دوره متوسطه شهر تهران*، پایان‌نامه دکتری دانشگاه علامه طباطبائی تهران.

نویدی، احد و برجعلی، احمد. (۱۳۸۶). «اثرات اجرای یک برنامه آموزش مدیریت خشم بر مهارت‌های خود نظم‌دهی خشم پسران دبیرستانی»، *پژوهش‌های روان‌شناختی*، دوره ۱۰، ش ۳ و ۴، ص ۸۱-۸۵.

Calamari, E., & Pini, M. (2003) "Dissociative Experiences and Anger Proneness in Late Adolescent Females with Different Attachment Styles". *Journal of Adolescence*, vol. 38, p 287-288.

Dahlen, E. R., & Deffenbacher, J. L. (2001) *Anger management: Empirically supported cognitive therapies; Current status and future promise*. New York: Springer P.C

Lau, B.V. K. (2001) "Anger in Our Age of Anxiety: What Clinicians Can Do". *The Hong Kong Practitioner*, vol. 23, p 258-264.

Railly, P.M. Shopshire, M.S.S., Durazzo, T.C., & Campbell, T.A. (2002) *Anger management for substance abuse and mental health clients: Participant work book*. Rockville: SAMSHA.

مدیریت بر کنترل خشم مادران دانش‌آموزان کم توان ذهنی و دیرآموز»، *پژوهش در حیطه کودکان استثنایی*، سال هشتم، ش ۴، ص ۳۵۸-۳۶۹.

کلانتری، محسن؛ قزلباش، سمیه و جباری، کاظم. (۱۳۸۹). «تحلیل فضایی بزهکاری شهری با استفاده از مدل تخمین تراکم کرنل مورد مطالعه: جرایم شرارت، نزاع و درگیری در شهر زنجان»، *فصلنامه نظم و امنیت اجتماعی*، سال دوم، شماره سوم، ص ۷۳-۱۰۰.

ممتاز، فریده. (۱۳۸۱). *انحرافات اجتماعی: دیدگاه‌ها و نظریه‌ها*، تهران: شرکت سهامی انتشارات.

میرفردی، اصغر؛ احمدی، سیروس و صادق‌نیا، آسیه. (۱۳۸۹). *میزان گرایش به نزاع جمعی در میان مردان ۱۵ تا ۶۵ سال شهرستان بویراحمد و عوامل اجتماعی-فرهنگی تأثیرگذار بر آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه یاسوج.

نظری، جواد. (۱۳۸۶). *تبیین جامعه‌شناختی میزان گرایش به نزاع دسته جمعی در استان ایلام*، معاونت اجتماعی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (ناجا):

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی

سال چهارم، شماره پیاپی ۹، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۱۰

صص ۱۳۱-۱۵۲

ارزیابی مؤلفه‌های کالبدی فضاهای عمومی و تأثیر آن در احساس امنیت اجتماعی شهروندان بابلسر

صدیقه لطفی، استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه مازندران

رحیم بردی آنامرادنژاد، استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه مازندران*

حیدر واحدی، کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه مازندران

چکیده

این مقاله تلاش نموده است که با شناسایی شاخص‌ها و عوامل مؤثر بر ویژگی‌های محیطی و تأثیر آن در امنیت اجتماعی، به بررسی آن در فضاهای عمومی پارک و خیابان‌های پرتراکم شهر بابلسر بپردازد. روش تحقیق از نوع تحلیلی - تبیینی است و به منظور دستیابی به نتایج دقیق‌تر، با استفاده از شاخص‌های ترکیبی و در قالب پرسشنامه، دیدگاه کاربران منتخب در دو فضای مطالعه شده (پارک‌ها و خیابان‌های پرتراکم) مورد بررسی قرار گرفت. اطلاعات پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS مورد پردازش قرار گرفت و از آزمون‌هایی نظیر آزمون t تک نمونه‌ای، ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر استفاده شده است. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که فضاهای مورد مطالعه در معرض تهدید عواملی چون ازدحام، فرم فضا، آلودگی بصری، آلودگی نور و آلودگی محیطی نیستند. همچنین، رابطه مستقیم و معناداری میان مؤلفه‌های محیطی و امنیت اجتماعی وجود دارد، در عین حال نتایج تحلیل مسیر هم نشان می‌دهد که عوامل محیطی (۲۹٪) و پس از آن نور (۲۸۳٪) بیشترین تأثیر را در ارتقاء احساس امنیت اجتماعی فضاهای عمومی شهر دارند.

واژه‌های کلیدی: مؤلفه‌های محیطی، فضاهای عمومی، احساس امنیت اجتماعی، بابلسر

مقدمه

نیاز به امنیت، همواره از بنیادی‌ترین نیازهای بشر و مسأله وقوع جرم، از مهم‌ترین مسائل جامعه بشری به شمار آمده است. با افزایش و پیچیدگی جوامع، شرایط تأمین این نیاز و برطرف کردن این مسأله نیز پیچیده‌تر شده است. در گذشته و نیز در جوامع ساده روستایی معاصر به لحاظ وجود روابط چهره به چهره و حاکم بودن نظارت‌های اجتماعی خودجوش، احساس امنیت بیشتری وجود داشته و در نتیجه زمینه‌های وقوع جرم در حداقل ممکن بوده است؛ ولی در جوامع شهری به‌ویژه جوامع شهری بزرگ، به علت عدم امکان نظارت‌های کامل اجتماعی نسبت به جوامع ساده، زمینه‌های احساس ناامنی یکی از مهم‌ترین مسائل شهری محسوب شده، به موجب آن شرایط برای وقوع جرایم بسیار مستعدتر است. احساس امنیت در فضاهای شهری یکی از شاخص‌های کیفیت فضا محسوب می‌شود و به رغم آنکه مسأله فضای امن شهری در هر جامعه یک مسأله پیچیده و دارای ابعاد متنوع و متعدد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. ولی در تأمین این نیاز نمی‌بایست از نقش و تأثیر عوامل محیطی و کالبدی (فضایی) غافل شد. فضای عمومی شهر، صحنه نمایش زندگی روزمره مردم است و در تقابل با فضای زندگی خصوصی تعریف می‌شود. اهمیت فضای عمومی به علت نقشی است که در توسعه جامعه دموکراتیک بازی می‌کند؛ به عبارتی چنانچه دسترسی برابر به عرصه عمومی برای همه جامعه فراهم شود، تهدید، تمایز و جدایی اجتماعی کاهش می‌یابد و تنوع فرهنگی شکل یافته، می‌تواند فضای عمومی را تبدیل به مکانی نماید که افراد و گروه‌های مختلف بتوانند در اجرای قوانین خود گزیده، مشارکت کنند. لذا اولین گام برای دستیابی به عرصه عمومی که ضامن تحقق جامعه مدنی است، تشویق مردم به حضور در فضای عمومی و یا فراهم نمودن دسترسی برابر همه افراد و گروه‌ها به آن است.

بیان مسأله

امروزه با گسترش شهرنشینی و ایجاد شرایط خاص زندگی، نیازمند نگاه ویژه‌ای به مقوله فضای امن شهری می‌باشیم تا بتوانیم ابعاد گوناگون احساس امنیت را درک و به کشف عوامل تأثیرگذار در آن بپردازیم. یکی از عوامل مؤثر در امنیت شهر، فضاها و مکان‌های شهری می‌باشد. «فضای شهری صحنه‌ای است که کنش‌ها و فعالیت‌های عمومی زندگی شهری در آنها به وقوع می‌پیوندد» (ایرانمنش، ۱۳۸۲: ۱۷). شهر و فضاهای مختلف و چند گونه آن ظرفی برای فعالیت‌ها و رفتارهای ساکنان آن هستند (Sharma, et al. 2003:9). حال ایجاد ناهماهنگی میان فعالیت‌ها، جمعیت و فضا باعث ایجاد ناامنی شهری و جرایم می‌گردد. بنابراین، شناخت فضاها و عوامل مؤثر در کاهش امنیت و برهم خوردن نظم شهری از نکات بسیار مهمی است که طراحان و برنامه‌ریزان شهری در مدیریت شهری باید به آنها توجه ویژه‌ای داشته باشند (بیات، ۱۳۸۷: ۱۱۹).

فرهنگ عامه هویتی است که در سطح خرد و به شیوه‌ای اجتماعی بنیاد یافته و حاصل رویارویی‌هایی است که به زندگی روزانه ما در خیابان‌ها، فروشگاه‌ها، پارک‌ها یا همان فضاهایی که زندگی عمومی خود را در آنها تجربه می‌کنیم، شکل می‌دهد. به عقیده زوکین، بارزترین تهدید برای فرهنگ عمومی نگرانی‌ها و ترس‌های ناشی از تهدیدات و هرج و مرج‌هایی نظیر ضرب و شتم، شورش‌های ناگهانی، جنایات نفرت‌انگیز و نظایر اینها است که حضور در فضاهای عمومی شهر را دچار تهدید می‌کند. مردم در فضاهای شهری با انواع تهدیدها مانند جرم، تروریسم، آلودگی آب و هوا، زلزله و سیل، تداخل حرکت وسایل نقلیه و پیاده‌ها روبرو هستند. ازاین‌رو زوکین در کتاب فرهنگ شهرها می‌گوید: «فضاهای شهری به اندازه کافی برای مردم امن نیستند، تا آنها در خلق فرهنگ عمومی مشارکت داشته باشند» (Zukin, 1995). نتیجه این امر، وضع مجازات‌های شدیدتر در رابطه با

در آن توسط گروه‌های مرتبط با این امر همچون مدیران شهری، برنامه‌ریزان، طراحان شهری، معماران، نیروهای امنیتی، پژوهشگران، نهادهای مردمی و از این قبیل ضروری می‌نماید. لذا، مسأله شناخت معیارهای محیطی در فضاهای عمومی شهری و تأثیر آن در شکل‌گیری امنیت اجتماعی و ارائه راهکارهایی در جهت افزایش و تقویت این عوامل، نگارندگان را به تحقیق در این زمینه، در فضاهای عمومی شهر بابلسر به عنوان یکی از شهرهای توریستی استان مازندران که درایام تعطیل تابستانی بی‌نهایت شلوغ می‌شود ترغیب نموده است. در راستای اهداف تحقیق سؤال‌های زیر ارائه شده است.

- آیا معیارهای کالبدی فضاهای عمومی شهر بابلسر از وضعیت مطلوبی برخوردار است؟
- کدام یک از معیارهای کالبدی در فضاهای عمومی شهر بابلسر تأثیر بیشتری بر احساس امنیت اجتماعی دارد؟
- آیا بین ویژگی‌های کالبدی و احساس امنیت اجتماعی در فضاهای عمومی شهر بابلسر رابطه معناداری وجود دارد؟

مبانی نظری و بررسی پیشینه

شهرها در نتیجه رشد گسترده کالبدی و جمعیتی خود، درگیر مسائل جدیدی در چارچوب انواع مختلف ابعاد زندگی شهروندان هستند. در این میان امنیت شهری به عنوان یکی از مسائل مهم در مباحث اصلاحات و ساماندهی شهری است. در بسیاری از موارد نوع طراحی فضای کالبدی، نقشی که مکان خاص به خود می‌گیرد و ابعاد اجتماعی یک محدوده منجر می‌گردد که فضاها امن یا بالعکس ناامن گردند. به عبارتی دیگر، فضاهای شهری با ویژگی‌هایشان به نحوی محرک بروز جرم می‌باشند. این که در مکان‌های خاصی جرم و جنایت نسبت به سایر مکان‌ها بیش‌تر بوده و از این مکان‌ها به عنوان نقاط جرم‌خیز شهری یاد می‌شود. بی‌شک، علت اصلی این امر در رفتار انسانی است که در فضای مورد نظر زمینه بروز

جرایم شهری و یا خصوصی سازی و نظامی گری در فضاهای عمومی شهر است که نتیجه هر سه حالت فوق از بین رفتن عرصه عمومی است. به این ترتیب فضای شهری بیشترین ارتباط را با مردم و محیط زندگی برقرار می‌کند و در نتیجه نقش بسزایی در احساس آرامش دارد. یک فضای شهری مناسب تا حد زیادی تأمین‌کننده امنیت و فضاهای شهری نامناسب از بین برنده آن و زمینه‌ساز انواع آسیب‌ها و معضلات است. از آنجایی که انسان‌ها در جهان زیست اجتماعی بر مبنای ساختارهای شکل دهنده فکری و عملی تصمیم گرفته و بر این مبنای دست به عمل می‌پردازد (بیات، ۱۳۸۷: ۱۲۰).

احساس امنیت در فضاهای شهری یکی از مهم‌ترین شاخص‌های کیفیت فضا محسوب می‌شود با افزایش ضرورت ایجاد امنیت در جوامع، ابزار، شیوه‌ها و رویکردهای ایجاد و حفظ آن دست‌خوش تحول شده است (پیشگاهی فرد و احمدی‌دهکاء، ۱۳۸۹: ۷۵). به رغم آن که مسأله امنیت در هر جامعه یک مسأله پیچیده و دارای ابعاد متنوع و متعدد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌باشد، در تأمین این نیاز نباید از نقش و تأثیر عوامل محیطی غافل شد. از آنجایی که برخی از مناطق شهری نسبت به سایر مناطق بیشتر در برابر خطر ناشی از بروز جرم می‌باشند، بر این اساس لزوم توجه به ارتباط بین آسیب‌پذیری افراد در فضاهای شهری و طراحی محیط زندگی بیش از پیش آشکار می‌شود (براندسون، ۱۹۹۵). با توجه به این که امنیت و آرامش خاطر از بنیادی‌ترین نیازهای بشر و تأمین آن از مقدمات وصول به مراتب بالای زندگی معنوی است، توجه به موضوع برقراری نظم و امنیت، با در نظر گرفتن عوامل مختلف موجد آن، اعم از فرهنگی، اقتصادی و کالبدی و به تبع آن ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی، از وظایف مهم نهادهای متولی این امر است. با توجه به اهمیت این موضوع، بررسی معیارهای کالبدی در فضاهای عمومی و میزان شکل‌گیری و افزایش امنیت اجتماعی و عوامل مؤثر

جرم را فراهم ساخته است.

در مبانی نوین طراحی شهری و برنامه‌ریزی شهری از اصولی یاد می‌شود که در آن تلاش می‌شود تا زمینه بروز جرم در یک مکان خاص را تا حد امکان از طریق طراحی و برنامه‌ریزی صحیح برطرف گردد. توجه به این نکته که رفتار انسان در فضا و مکان‌های متفاوت با شکل و هندسه خاص و نیز با عملکرد نهفته در آن، متفاوت بوده و در بسیاری از موارد، فضا محرک انسان در بروز رفتار خاص است. شهر بابل‌سر با توجه به موقعیت خاص توریستی و دانشگاهی مخصوصاً در فضاهای عمومی نیازمند بررسی و تحلیل ابعاد امنیتی و تلاش در جهت طراحی به منظور کاهش زمینه‌های جرم می‌باشد. بنابراین، ضرورت بررسی ابعاد کالبدی فضاهای عمومی شهری احساس می‌شود. با توجه به ضرورت مطرح شده در این مقاله، سعی بر آن شده است تا با توجه به شاخص‌های کالبدی به مطالعه ابعاد امنیتی فضاهای عمومی شهر بابل‌سر پرداخته شود.

دو نظریه مربوط به نیومن و مؤسسه پیشگیری از جرم، نقش جرم را در کاهش احساس امنیت مسلم فرض کرده و به جستجوی راهکارهایی در جهت کاهش جرم می‌باشند، در حالی که جکوبز و هیلر در کنار ارائه راهکارهای کاهش جرم، در جستجوی راهکارهای افزایش احساس امنیت هستند و همچنین، گزینه‌های دیگری همچون خشونت را به عنوان عامل مؤثر در کاهش امنیت معرفی می‌کنند. جمع‌بندی چهار نظریه فوق در جدول ۱ نشان می‌دهد که تعریف مشخص عرصه‌های عمومی و خصوصی، نظارت فعال مردمی که در نتیجه انسجام و همبستگی افراد متعلق به محدوده‌های جغرافیایی مشخص به وجود می‌آید و حضور تعداد مشخصی از مردم در فضای شهری در کنار ویژگی‌های کالبدی فضا می‌تواند در ارتقا احساس امنیت و افزایش دسترسی پذیری نمادین نقش داشته باشد (جدول ۱).

جدول ۱- چهار نظریه مطرح در رابطه با جرم و خشونت در فضای شهری

محققان	کنترل فضا/حاکمیت	نظارت	فعالیت
جین جکوبز	تمایز کردن آشکار عرصه عمومی و خصوصی	نیاز به چشم‌هایی نظاره گر از سوی صاحبان طبیعی، هم ساکنان و هم استفاده‌کنندگان که می‌توانند با استفاده از تنوع فعالیت‌ها و عملکردهایی که مردم را جذب می‌کند تقویت گردد.	فعالیت‌های همجوار خیابان می‌بایست رهروان پیوسته ای را فراهم کند، تا بحث نظارت تقویت گردد.
اسکار نیومن	محیط کالبدی می‌بایست دارای خصوصیتی مانند مکانیزم‌های نمادین، مرزها و سلسله مراتبی تعریف شده از عرصه‌های خصوصی تا عمومی باشد تا پهنه‌های مختلف درک و دانسته شود.	ایجاد ظرفیت کالبدی نظارتی در فضا تا فرصت نظارت برای ساکنان و دیگر نهادها ممکن گردد.	مخالف این نظریه است که حضور فعالیت‌های بیشتر و بالاخص حضور فعالیت‌های تجاری میزان جرم و جنایت را کاهش می‌دهد
مؤسسه پیشگیری از جرم (CPTED)	کنترل دسترسی‌های طبیعی با هدف کاهش فرصت دسترسی به هدف جنایت؛ استفاده از محصوریت‌های کالبدی که موجب افزایش قوت قلب و حس مالکیت ساکنان می‌گردد.	نظارت طبیعی به عنوان نتیجه معمولی استفاده از مایملک	بر کاهش فعالیت از طریق حرکت و در نتیجه، کاهش سطح فعالیت تأکید دارد.
بیل هیلر	فضاهایی که با سایر فضاها یکپارچه شده‌اند، پیاده‌ها را تشویق به حرکت و تماشا در آن فضاها می‌کنند.	نظارت از طریق مردمی که در فضا حرکت می‌کنند، تأمین می‌گردد.	از طریق یکپارچه سازی فضا و مسیرهای حرکتی می‌توان فضاهای به هم پیوسته‌ای را تعریف کرد که ایمن به نظر می‌رسند.

در شهر پورتوآلگرو، به بررسی رابطه بین سطوح خرد و کاربری‌های حاشیه‌ای و فاقد تحرک و جنبش پرداخت و به این نتیجه رسید که جرم‌ها در سطوح جامع شهر کم رنگ‌تر و محدودتر از سطوح حاشیه‌ای است (Reis et al. 2003). در تحقیق دیاس^۲ و همکاران (2007) در برزیل، نقش آرایش فضایی در ایجاد رفتارهای خاص استفاده‌کنندگان بررسی شد. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد عوامل اجتماعی و فضایی با توجه به اثری که بر اجزای محیطی و شناخت فضایی محیط‌های باز شهری دارند، بر کمبود امنیت و افزایش جرم تأثیر گذارند. (زنجانی‌زاده، ۱۳۸۰: ۶۱۰).

خوشفر (۱۳۸۰) در تحقیقی با عنوان «بررسی میزان احساس امنیت و چگونگی مشارکت مردم در برقراری امنیت» با استفاده از روش پیمایشی که در بین ۶۲۵ نفر از جمعیت ۲۰ سال به بالای مراکز شهرستان‌های استان مازندران صورت گرفته به این نتیجه رسیده است که میزان گرایش به مشارکت در برقراری امنیت در کل استان تقریباً به میزان متوسط وجود دارد ولی این میزان در شهرستان‌های مختلف استان به یک اندازه نیست. از سوی دیگر رابطه مثبت و معنی‌داری بین سن با میزان گرایش به برقراری امنیت و رابطه منفی معنی‌داری بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی با میزان گرایش به برقراری امنیت وجود داشته است.

نتایج مطالعه علیخواه و نجیبی (۱۳۸۵) درباره وضعیت ترس زنان از جرم در فضاهای شهری در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران، نشان می‌دهد حدود نیمی از زنان پاسخگو هنگام رفت و آمد در فضاهای عمومی شهری احساس امنیت ندارند. این میزان در بین زنان با تحصیلات و درآمد کم و نیز زنان ساکن در محلات دارای زمین و ساختمان‌های متروک بیشتر است. جامعه نمونه این تحقیق ۸۰۰ نفر از زنان مناطق ۲۲ گانه تهران بوده و از هر دو روش کمی و کیفی استفاده شده و تحقیق از نوع پیمایشی بوده است.

زمینه نظری شروع مباحث جرم‌شناسی و امنیت شهری را باید از مکتب جامعه‌شناسی شیکاگو و مطالعات اولیه اکولوژی شهری دانست. مکتب اکولوژی شهری توسط افرادی چون پارک، در سیر تکوینی خود به بررسی پدیده‌های اجتماعی مانند جرم و جنایت امراض روانی در شهرها و ترسیم نقشه‌های آن پرداخت.

در سال ۱۹۶۱ جین جیکوبز موضوع وحشی‌گری خیابانی را مورد بررسی قرار داد. او معتقد بود مشکل عدم امنیت بسیاری از نقاط شهرها، گروه‌های جمعیتی بزهکار یا فقر نیست بلکه آنها به عنوان یک نقطه شهری، از نظر فیزیکی قادر به اعمال امنیت و سرزندگی ناشی از آن نیستند (جیکوبز، ۱۳۸۶). تحقیقات بسیاری نشان داده‌اند که متغیرهای فیزیکی در افزایش یا کاهش فرصت‌های وقوع جرم‌های شهری نقش مهمی دارند. جیکوبز بر اهمیت تخصیص فضاهای عمومی به الگو و قابلیت حرکت و حضور مردم در فضاهای شهری تأکید دارد و می‌گوید مردم تمایل دارند از طریق فضاهایی با سایر افراد ارتباط برقرار کنند و از فضاهای متروک دوری کنند (Jacobs, 1965:15).

مطالعات نیومن درباره رابطه مکان وقوع جرم در طرح‌های مسکونی نیویورک، در کتاب مردم و طراحی در شهر پرخشونت در دهه ۱۹۷۰م، از نخستین پژوهش‌هایی است که درباره تغییر ساختار محیط شهری پیشنهادهایی می‌دهد. در طرح نیومن، امنیت اجتماعی در جامعه نه به دست پلیس، بلکه توسط افرادی که در عرصه‌های خاصی سهیم‌اند تعریف می‌شود (صادقی فسایی و میرحسینی، ۱۳۸۸: ۱۲۸). هیلر^۱ (۱۹۹۶) بر افزایش امنیت از طریق افزایش تحرک و جنبش در فضاهای شهری تأکید دارد. بنابراین، مکان‌هایی که برای جنبش و حرکت ظرفیت کمتری دارند، مستعد وقوع جرم هستند. همچنین، با بزرگ‌تر شدن فضا، افزایش حضور مردم و ایجاد الگوهای حرکتی توسط فضاهای خصوصی شده با مردمی که در آن حضور دارند، امنیت استفاده‌کنندگان از فضا افزایش خواهد یافت (Brenda et al. 1997:276). باساو، در مطالعه‌ای

² Dias

¹ Hiller

کلانتری (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان "ایمن سازی فضای کالبدی شهرها در برابر بزهکاری با استفاده از راهبردهای پیشگیری جرم با طراحی محیطی" در فصلنامه دانش انتظامی، نشان می‌دهد که از جمله دیدگاه‌های مطرح در زمینه تحلیل و تبیین رابطه مکان و بزهکاری، نگرش پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی است و به این نتیجه می‌رسد که با طراحی صحیح و استفاده مناسب و مؤثر ساخته شده به وسیله انسان، امکان کاهش میزان بزهکاری، افزایش امنیت و در نهایت بهبود کیفیت زندگی بشر فراهم می‌شود. این تحقیق از نوع مطالعات توصیفی-تحلیلی بوده و از روش کتابخانه‌ای-اسنادی برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. جامعه آماری خاصی مد نظر نبوده است.

اکبری (۱۳۹۱)، در تحقیقی با عنوان "تأثیر کالبد فضاهای عمومی بر احساس امنیت اجتماعی زنان" در محله نارمک و شهرک اکباتان شهر تهران نشان می‌دهد که ویژگی‌های کالبدی در محله نارمک از عوامل بسیار مؤثر در بالا بردن احساس امنیت در فضاهای این محله است و در مقابل این ویژگی‌ها در شهرک اکباتان زمینه احساس ناامنی در فضاهای جمعی را مهیا نموده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مجموعه‌های مسکونی با الگوی بلند مرتبه نسبت به مجموعه‌های متعارف پتانسیل بیشتری برای ایجاد فضاهای ناامن دارند و طراحی کالبدی این مجموعه‌ها نقش بسیار مهمی در بالا بردن احساس امنیت ساکنان این مجموعه‌ها ایفا می‌کند.

آنامراندژاد و همکاران (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان "جرایم و راهکارهای کاهش آن در محیط شهری ایران با تأکید بر رویکرد C.P.T.E.D (مطالعه موردی: بابلسر) به این نتیجه رسیدند که بیش از ۴۸٫۱ درصد جرایم در بابلسر مربوط به نزاع و درگیری بوده که در فصول گرما یعنی زمانی که مسافران کثیری به شهر مراجعه می‌کنند روی داده است. جرایم رخ داده به‌طورمستقیم یا غیرمستقیم در سایه مساعدت عوامل محیطی نظیر تاریکی فضا، خلوتی و دنج بودن محیط، عدم رعایت نکات ایمنی در طراحی ساختمان‌ها مرتبط بوده است. در مکان‌هایی که

پست‌های انتظامی بوده و یا کنترل شدیدی به لحاظ اجتماعی حاکم بوده است جرم کمتری واقع گردیده است. پارک‌ها، فضاهای سبز و برخی کاربری‌های شهر بابلسر که به عنوان مکان‌های تفریح و محل گذران اوقات فراغت مورد استفاده شهروندان بابلسری و یا مسافران فصلی قرار می‌گیرد، از طرف برخی افراد کجرو مناسب ارتکاب جرم تشخیص داده شده است. این مطالعه از نوع تحقیقات توصیفی-تحلیلی بوده و حجم جامعه نمونه ۳۷۰ نفر از شهروندان بابلسری بوده است.

قاسمی مقدم (۱۳۹۱)، در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان "تحلیلی بر اثرات افتراقات فضایی و اجتماعی در شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا در محله‌های مرفه و غیرمرفه شهر بابلسر" به این نتیجه رسیده است که در محلات مرفه و غیرمرفه بابلسر به طور کلی وضعیت مؤلفه‌های کالبدی - محیطی و اجتماعی در وضعیت نامطلوبی قرار دارد و با کیفیت مد نظر فاصله بسیاری دارد. یکی از رویکردهای مطرح در شهرسازی برای ارتقا امنیت در فضاهای شهری، رویکرد CPTED می‌باشد. این رویکرد یک پیشنهاد روش‌شناسی طراحی است که بر اساس آن با به کارگیری طراحی مناسب و هدفمند محیط انسان ساخت، معماران و شهرسازان می‌توانند مجال ترس از جرم و تبهکاری را کاهش داده و کیفیت زندگی را بهبود بخشند (Cozens, 2008). این رویکرد که به رویکرد نیومن بسیار نزدیک است محیط فیزیکی را به گونه‌ای سازماندهی می‌نماید که وقوع جرم و ترس را به وسیله کاهش حمایت از رفتارهای مجرمانه کاهش می‌دهد. به عبارتی ایجاد محیط ایمن به وسیله طراحی با عملکرد پلیس هماهنگ می‌شود.

از مجموع تحقیقات پیشین چنین می‌توان نتیجه‌گیری نمود که به کارگیری اصول طراحی در فضاهای شهری به ویژه ساختمان‌های مسکونی، گسترش نظارت عمومی بر اماکن و گذرگاه‌های درون شهری از طریق افزایش کاربری‌های عمومی نظیر واحدهای تجاری در نقاط خلوت، نورپردازی مناسب و غیره می‌تواند میزان جرایم را تا حدود زیادی کاهش دهند.

محدوده مورد مطالعه

این پژوهش در محدوده شهر بابلسر به عنوان یکی از مهم‌ترین شهرهای گردشگری پذیر شمال کشور صورت گرفته است. شهر بابلسر از لحاظ موقعیت جغرافیایی در ۵۲ درجه و ۴۱ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۴۲ دقیقه عرض شمالی واقع شده است. این شهر در کرانه جنوبی دریای خزر و حد انتهایی دلتای رودخانه بابلرود قرار دارد. این شهر در فاصله ۶۲ کیلومتری ساری، به عنوان مرکز استان مازندران و در ۲۴۹ کیلومتری شمال تهران قرار گرفته است. شهر بابلسر در سال ۱۳۹۰ دارای ۵۰۴۷۷ نفر جمعیت بوده است (مرکز آمار ایران). جمعیت شهر در طی زمان همواره افزایش یافته است. طی دوره‌های ۸۵-۱۳۴۵ جمعیت شهر بابلسر با رشدی معادل ۴ درصد مواجه بوده است.

روش‌شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات، تحلیلی-تبیینی بوده، نحوه گردآوری اطلاعات عمدتاً به روش میدانی و از طریق تکمیل پرسشنامه انجام شده است. حجم جامعه آماری تحقیق حاضر ۱۴۴۲۲ خانوار ساکن در شهر بابلسر می‌باشد و برای برآورد حجم جامعه نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است. این تعداد نمونه برابر ۳۵۰ نفر (سرپرستان خانوار) محاسبه شده است. پرسشنامه با توجه به سؤال‌ها و مبانی نظری تحقیق، با استفاده از گزینه‌های

رایج مطالعات آماری طراحی شد. در مجموع برای این تحقیق از ۹ مؤلفه و ۳۵ گویه در سنجش مؤلفه‌های کالبدی فضاهاى عمومی و از ۳ مؤلفه و ۲۲ گویه برای ارزیابی امنیت اجتماعی استفاده شده است. روش نمونه‌گیری از نوع تصادفی ساده می‌باشد. در این روش فرض بر این است که افراد جامعه از تجانس نسبی برخوردارند و افراد نمونه به یکی از سه طریق قرعه کشی، جدول اعداد تصادفی و سیستماتیک انتخاب می‌شوند؛ در این نمونه‌گیری از جدول اعداد تصادفی بهره گرفته شده است. داده‌های لازم پس از جمع‌آوری، از طریق نرم افزار spss تجزیه و تحلیل شده است. به منظور سنجش و ارزیابی روابط احتمالی میان متغیرهای فرضیه از روش‌های ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون و آزمون T تک نمونه‌ای استفاده گردیده است. برای تعیین پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب ۰/۷۹۲ حاصل گردید، برای تعیین پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شد و چون عدد حاصل در همه مؤلفه‌ها از ۰/۷ بالاتر بود پایایی آنها مورد تأیید قرار گرفت. نتایج جزیی در جدول ۲ آمده است و برای تعیین روایی سؤال‌های پرسشنامه نیز تعدادی پرسشنامه به عنوان پیش آزمون بین اساتید و کارشناسان متخصص توزیع گردید که به جز دو سؤال بقیه سؤال‌ها مورد تأیید قرار گرفتند.

جدول ۲- سطح پایایی مؤلفه‌های مورد استفاده در فرآیند پژوهش

موضوع	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
ازدحام	۴	۰,۷۶۹
فرم فضا	۴	۰,۷۶۸
آلودگی نمادی	۳	۰,۷۶۵
آلودگی بصری	۴	۰,۷۵۹
آلودگی نور	۵	۰,۷۵۰
آلودگی صوتی	۴	۰,۷۶۴
حمل و نقل	۴	۰,۷۶۴
آلودگی محیطی	۳	۰,۷۵۴
مقیاس در فضاهاى عمومی	۴	۰,۷۶۰
احساس امنیت اجتماعی	۲۲	۰,۷۱۷

مأخذ: اطلاعات میدانی، ۱۳۹۲

شاخص‌های مورد بررسی

اندازه و فرم با زیرشاخص‌های خود مورد بررسی قرار گرفته است. مؤلفه بعدی آسایش بصری و محیطی است که این مؤلفه نیز در دو بخش جدا مورد آزمون قرار گرفته است (جدول ۳).

در جدول ۳ شاخص‌های مورد مطالعه از نظر معیارهای کالبدی ذکر شده است. براساس آن، مؤلفه‌های اصلی عبارتند از: اندازه و فرم فضا که خود در قسمت جداگانه

جدول ۳- شاخص‌های کالبدی مورد بررسی در فضاهای عمومی پارک و خیابان شهر بابلسر (۱۳۹۲)

مؤلفه	معیار	شاخص	شرح
اندازه و فرم	اندازه فضا	مقیاس فضا	دارا بودن مقیاس انسانی
		احساس ازدحام	تراکم جمعیتی مناسب (نه ازدحام نه خلوتی)
	فرم فضا	قابلیت نمایانی فرم فضا	قابل رویت بودن تمام اجزای فضای شهری (کف، بدنه، اجزای منظر در فضا)
آسایش بصری و محیطی	آسایش بصری	آلودگی نمادی	جهت‌یابی مناسب با علائم و نشانه‌ها
		آلودگی بصری	هماهنگی نماها از نظر فرم، رنگ و نوع مصالح و خط آسمان
	آسایش محیطی	آلودگی نور	نورپردازی مناسب فضا (نه تاریکی نه خیرگی)
		آلودگی محیطی	تمیز بودن فضا (نبود زباله و کثیفی فضا)
		آلودگی صوتی	شنیده شدن صدای کمک خواهی افراد

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان

شاخص‌های احساس امنیت اجتماعی در فضاهای عمومی

برای کاربران استفاده‌کننده از فضاهای عمومی شهر بابلسر مورد پرسش‌گری قرار گرفته است (جدول ۴).

براساس سه شاخص وجود آثار بصری، لسانی و فیزیکی

جدول ۴- شاخص‌ها، نشانه‌ها و پیامدهای احساس امنیت اجتماعی استفاده‌کنندگان از فضای شهری (۱۳۹۲)

شاخص‌های احساس امنیت	نشانه‌های احساس امنیت	پیامدهای احساس امنیت
- عدم وجود آزار بصری - عدم وجود آزار لسانی - عدم وجود آزار فیزیکی	- حضور به تنهایی در فضای شهری	- احساس آرامش، راحتی و آسایش از حضور در فضای شهری
	- حضور به تنهایی در ساعات خلوت در فضای شهری	
	- دعوت‌کنندگی فضای شهری	- استفاده مدام از فضای شهری
	- اهمیت ندادن به جنسیت افراد استفاده‌کننده از فضای شهری	

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان

یافته‌ها

می‌باشد، داده‌های تمام متغیرها نرمال است و برای آزمون هریک از متغیرها می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد. با توجه به این‌که در تمامی متغیرهای تحقیق، مقدار

با توجه به نتایج جدول ۳ و سطوح معناداری به‌دست آمده هریک از متغیرهای پژوهش که بزرگ‌تر از ۰/۰۵

p-value از ۰/۰۵ بیشتر می‌باشد نتیجه می‌گیریم که توزیع فراوانی پاسخ‌ها در متغیرهای تحقیق نرمال می‌باشند. بنابراین از آزمون t تک نمونه‌ای برای ارزیابی وضعیت

کالبدی امنیت فضاهای عمومی شهر بابل استفاده می‌گردد (جدول ۵).

جدول ۵- خروجی آزمون کولموگروف - اسمیرنف برای بررسی نرمال بودن متغیرها

متغیرها	آماره کولموگروف اسمیرنف	سطح معناداری	نتیجه
ازدحام	۰/۶۲۵	۰/۸۳۰	نرمال
فرم فضا	۰/۷۳۰	۰/۶۶۲	نرمال
آلودگی نمادی	۱/۳۲۱	۰/۰۶۱	نرمال
آلودگی دیداری	۰/۹۴۵	۰/۳۳۴	نرمال
آلودگی نور	۰/۷۸۲	۰/۵۷۳	نرمال
آلودگی صوتی	۱/۴۱۳	۰/۰۶۹	نرمال
حمل و نقل	۱/۰۶۷	۰/۲۰۵	نرمال
آلودگی محیطی	۱/۱۵۳	۰/۱۹۷	نرمال
مقیاس در فضای عمومی	۱/۰۰۵	۰/۲۶۴	نرمال
احساس امنیت اجتماعی	۰/۶۴۵	۰/۷۹۹	نرمال

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان

یافته‌های توصیفی

از بین پاسخ‌دهندگان، ۲۰۶ نفر معادل ۵۸/۸۵٪، زن و ۱۴۴ نفر معادل ۴۱/۱۴٪ مرد می‌باشند. در بررسی وضعیت تأهل، پاسخ‌دهندگان در دو گروه مجرد و متأهل تقسیم شده‌اند که بیش‌ترین تعداد پاسخ‌دهندگان یعنی ۶۸/۵۷ درصد مجرد و ۳۱/۴۲ درصد متأهل بوده‌اند. با توجه به جدول زیر، توزیع سنی جمعیت مورد مطالعه، بیش‌ترین فراوانی را در گروه سنی ۲۰ تا ۳۴ سال با فراوانی ۱۷۰ نفر (۴۸،۵۷ درصد) نشان می‌دهد. بعد از این نیز گروه سنی ۳۵ تا ۵۰ سال (بزرگسالان) بیش‌ترین نسبت را به خود اختصاص داده‌اند (۱۱۵ نفر و ۳۲،۸۵ درصد) گروه سنی بالای ۵۰ سال و کمتر از ۲۰ سال نیز به ترتیب با سهم درصدی ۱۰،۵۷ و ۸ در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. بررسی‌ها نشان داده است که (۵۲،۵۷٪) از نمونه‌ها در گروه دیپلم و فوق‌دیپلم قرار گرفته‌اند که دارای بیش‌ترین سهم درصدی نسبت به گروه‌های دیگر

است. بعد از این گروه، لیسانس با سهم نسبی ۳۰ درصد قرار دارد و کم‌ترین سهم نسبی مربوط به گروه فوق‌لیسانس و بالاتر است (۱۲/۲٪). از میان نمونه آماری مورد مطالعه ۱۹۴ نفر معادل (۵۵،۴۲٪) از پاسخ‌دهندگان شاغل و ۱۵۶ نفر معادل (۴۴،۵۷٪) را بیکاران به خود اختصاص داده‌اند. از نظر درآمدی، گروه درآمدی زیر ۷۰۰ هزار تومان با سهم درصدی (۵۲،۲۸٪) بیش‌ترین سهم و گروه درآمدی بیش از ۲ میلیون با سهم درصدی (۲،۸۵٪) کم‌ترین سهم را در بین گروه‌های درآمدی مورد نظر به خود اختصاص داده‌اند.

یافته‌های استنباطی

وضعیت مؤلفه اندازه و فرم فضا: مؤلفه اندازه و فرم فضا به عنوان یک مؤلفه کلی در پیشگیری از جرایم جهت بررسی تفصیلی به دو معیار زیر قابل تقسیم است: ۱- اندازه فضا؛ ۲- فرم کالبدی فضا. که هر کدام از این

معیارها به شاخص‌هایی تقسیم می‌شوند که در زیر به بررسی وضعیت هر کدام از آنها پرداخته می‌شود.

- شاخص ازدحام در فضاهای عمومی شهر بابلسر

ازدحام بیشتر به تجربه روانی فشار حاصل از تراکم فضا اطلاق می‌گردد. بنابراین، احساس ازدحام حالتی روانی است که فرد از طریق برخی شیوه‌ها دریافت می‌کند. تجربه ازدحام محصول شرایط، یعنی تراکم در عوامل موقعیتی است. فرد از طریق فضای شخصی، تحریک شده و این تحریک را به دیگران انتقال می‌دهد.

یافته‌های به دست آمده از آزمون t یک طرفه برای شاخص مورد نظر حاکی از آن است که میانگین رضایت کاربران از وضعیت ازدحام معادل ۳,۱۳، آماره t برابر ۴,۸۷ و $df=349$ و $sig=0$ است. بنابراین، تفاوت معناداری بین میانگین جواب‌ها با عدد میانه نظری وجود دارد. از این رو، وضعیت ازدحام بین کاربران استفاده‌کننده از فضاهای عمومی شهر بابلسر با توجه به $mean = 135$ (difference) در وضعیت متوسط رو به بالاست و رضایت کاربران بابلسری را از این شاخص نشان می‌دهد (جدول ۶).

وضعیت مقیاس در فضاهای عمومی شهر بابلسر

نتایج آزمون t یک طرفه برای شاخص مقیاس در فضاهای عمومی شهر بابلسر نشان‌دهنده این امر است که $(sig=0,066)$ یعنی sig معنی‌دار نیست و تفاوت میانگین جواب‌های نمونه آماری ($mean=3,09$) با میانگین مورد انتظار که حد متوسط (۳) هست معنی‌دار نیست و عملاً با ۳ تفاوتی ندارد؛ یعنی همان ۳ است و رضایت شهروندان از وضعیت شاخص مورد نظر متوسط است.

- وضعیت فرم فضا در فضاهای عمومی شهر بابلسر

یافته‌های به دست آمده از آزمون t یک طرفه برای شاخص مورد نظر حاکی از آن است که میانگین رضایت کاربران از کیفیت فرم فضا معادل ۳,۳۴، آماره t برابر $df=13,38,349$ و $sig=0$ است. پس sig معنی‌دار است و فرض صفر رد می‌شود. بنابراین، تفاوت میانگین جواب‌ها با عدد میانه نظری معنی‌دار است. از این رو، رضایت از فرم فضا در فضاهای عمومی شهر بابلسر با توجه به $(mean\ difference=34)$ در وضعیت متوسط رو به بالاست. این نتایج، رضایت کاربران استفاده‌کننده از فضاهای عمومی در شهر بابلسر را از وضعیت فرم فضا در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌نماید.

جدول ۶- نتایج آزمون t یک طرفه برای ازدحام، مقیاس و فرم فضا (۱۳۹۲)

Test value=3							متغیرها
95% Confidence Interval of the Difference		Mean Difference	Sig.(2-tailed)	df	T	Mean	
Upper	Lower						
۰,۱۹۰۹	۰,۰۸۰۸	۰,۱۳۵	۰	۳۴۹	۴,۸۷	۳,۱۳	ازدحام
۰,۱۸۶۰	-۰,۰۶۳	۰,۰۹۳	۰,۰۶۶	۳۴۹	۱,۸۵۳	۳,۰۹	مقیاس درفضای عمومی
۰,۳۹۷۵	۰,۲۹۵۶	۰,۳۴۶	۰	۳۴۹	۱۳,۳۸	۳,۳۴	فرم فضا

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان

آسایش بصری و محیطی

آسایش بصری و محیطی از مؤلفه‌های مهم و اساسی محیط‌های شهری امن محسوب می‌شود، چرا که "برای سکونت و زندگی، شهر خانه‌ای است، بزرگ و همان‌گونه که خانه باید از صفات و مزایایی برخوردار باشد تا سکونت و زندگی را مطلوب و آسایش بخش سازد، شهر نیز باید دارای کیفیات و ویژگی‌هایی برای تأمین آسایش، راحتی و امنیت باشد. با توجه به موارد گفته شده مؤلفه‌های مورد نظر در این خصوص شامل محورهای مثل آلودگی نمادی، آلودگی دیداری (اغتشاش بصری)، آلودگی نور، آلودگی محیطی و آلودگی صوتی می‌شود که در زیر وضعیت هر کدام از این موارد برای فضاهای عمومی بابل مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

وضعیت آلودگی نمادی

این معیار دربردارنده شاخص قابلیت نمایانی فرم فضا است. بدون شک یک مجرم نمی‌خواهد در حین ارتکاب به جرم دیده شود؛ ساختار فیزیکی فضا یا فرم فضا نقش انکارناپذیری در چگونگی ایجاد فضاهای بدون دفاع دارد (علی‌آبادی، ۱۳۸۱: ۸). کیفیت محیطی است که بر اساس آن فضاهایی که احتمال وقوع جرم در آنها بیشتر است باید در معرض دید ساکنان قرار گیرند. برای رسیدن به این کیفیت، مهم‌ترین عامل در طراحی چگونگی قرارگیری ساختمان‌ها و فضاهای فعالیتی نسبت به فضاهای جرم‌خیز است (Minnery et al. 2005: 37). نتایج حاصل از آزمون t یک طرفه برای شاخص رضایت کاربران استفاده‌کننده از فضاهای عمومی شهر بابل از آلودگی نمادی، بیان‌کننده این امر است که با توجه به $(t=-13.89)$ ، $(df=349)$ و $(sig=0)$ ، $(sig=0)$ معنی‌دار است و بنابراین فرض صفر (H_0) رد می‌شود و وجود رابطه معنی‌دار بین تفاوت میانگین جواب‌های پاسخ‌دهندگان نمونه آماری با عدد ۳ به عنوان میانه نظری تأیید می‌شود اما علامت منفی اختلاف میانگین $(mean\ difference=-3.92)$ بیان می‌کند که میانگین جواب‌ها از عدد ۳ کمتر است، بنابراین، رضایت کاربران استفاده‌کننده از فضاهای عمومی شهر بابل از آلودگی نمادی با $(mean=2.64)$ در وضعیت متوسط رو به پایین قرار دارد (جدول ۷).

وضعیت آلودگی بصری

میزان آماره و درجه آزادی این شاخص به ترتیب برابر $(t=14.11)$ و $(df=349)$ است و $(sig=0)$ می‌باشد با توجه به اینکه sig از ۰.۰۵ کمتر است یعنی sig معنی‌دار است، تفاوت میانگین جواب‌های داده شده از سوی پاسخ‌دهندگان به آلودگی بصری نسبت به عدد ۳ معنی‌دار است و اختلاف آنها قابل توجه است این بدین معنی است که جواب‌های داده شده از سوی پاسخ‌دهندگان یا از عدد ۳ بالاتر است و یا پایین‌تر از آن می‌باشد. با توجه به اینکه مقدار اختلاف میانگین، ۰.۳۳۱ و دارای علامت مثبت است، میانگین جواب‌ها از حد متوسط بالاتر است و رضایت کاربران، از آلودگی بصری در وضعیت متوسط رو به بالا قرار گرفته است (جدول ۷).

وضعیت آلودگی نور در فضاهای عمومی شهر بابل

طراحی خوب روشنایی فضاهای عمومی می‌تواند ترسی را که افراد از بیرون رفتن پس از تاریکی هوا دارند، کاهش دهد. یکی از اثرات محسوس ناامنی فضاهای عمومی در شب آلودگی نور است، که افزایش این شاخص باعث ترویج فعالیت‌های تفریحی، رفاهی و ... در فضاها می‌شود (Alves, 2009). هر چند که شدت زیاد نور و نیز کنترل نور نشده در برخی از مکان‌ها به ویژه اتاق‌های خواب و آسایشگاه (عدم سازگاری نور با عملکرد فضا) خود آلودگی محسوب می‌شود ولی در فضاهای شهری و عمومی خود فقدان روشنایی محیطی را نیز آلودگی می‌شماریم. در طراحی فضاهای شهری، مدیریت نور باعث افزایش کیفیت زندگی شهروندان می‌شود. روشنایی شبانه باعث تقویت حس جدیدی از مکان برای استفاده کاربران فضاهای عمومی می‌شود (Hennessy, 2010). استفاده از نورپردازی شهری علاوه بر روشنایی جاده‌ها و جهت‌یابی مسیرهای پیاده و روشنایی ساختمان‌ها، پارک‌ها و عناصر منظر، برای بهبود بخشیدن کیفیت زیبایی شناختی فضای شهری در شب نیز به کار می‌رود (Sirel, 2006). در مجموع، تحقیقات موجود نشان می‌دهد که بهبود بخشیدن روشنایی فضاهای شهری اثرات مثبتی روی امنیت شهری دارد. علاوه بر این روشنایی در

value) است و رضایت کاربران از وضعیت آلودگی محیطی در فضاهای عمومی شهر بابلسر در وضعیت متوسط رو به بالا قرار گرفته است (جدول ۵).

وضعیت آلودگی صوتی در فضاهای عمومی شهر بابلسر

مجرمان با بررسی هوشمندانه موقعیت‌ها، مکان‌ها و زمان‌ها، شرایطی را انتخاب می‌کنند که از به دام افتادن خود جلوگیری نمایند و به راحتی عمل مجرمانه خود را مرتکب شوند. از این رو مکان‌هایی که در آنها و یا در مجاورت آنها آلودگی صوتی شدیدی وجود دارد، از این حیث مناسب است. به عنوان مثال در حاشیه ایستگاه‌های راه آهن و یا خطوط ریلی که به طور ناگهانی و موقتی شدت ارتعاشات صدا ناشی از حرکت قطارها اتفاق می‌افتد، زمان مناسبی برای ارتکاب یک عمل مجرمانه سریع است. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد میانگین آلودگی صوتی معادل ۲٫۸ است. با توجه به این امر که $(t = -3,67)$ ، $(sig = 0)$ و $(mean\ difference = -0,165)$ بنابراین میانگین مشاهده شده تفاوت معنی‌داری با مقدار مورد آزمون (یعنی عدد ۳) دارد و این تفاوت برابر $-0,16$ است. منفی بودن این رقم به وضعیت متوسط رو به پایین این شاخص اشاره دارد (جدول ۷).

کاهش ترس از جرم و افزایش آرامش در فضاهای عمومی مؤثر است (Unver, 2009). ویژگی‌های آلودگی نور در فضاهای عمومی شهر بابلسر، دارای $(3,17)$ $(mean = 3,17)$ ، آماره $(t = 5,68)$ ، $(df = 349)$ و $(sig = 0)$ است با توجه به اینکه $sig = 0$ پس sig معنی‌دار است و متعاقب آن تفاوت میانگین جواب‌های پاسخ‌دهندگان با عدد ۳ معنی‌دار است و اختلاف آنها قابل توجه است و فرض صفر (H_0) رد می‌شود و با توجه به اینکه (175) $(mean\ difference = 3)$ است، علامت مثبت آن نشانگر این امر است که میانگین جواب‌های داده شده از سوی پاسخ‌دهندگان بیش‌تر از ۳ (سطح متوسط) است بنابراین، شهر بابلسر از نظر این ویژگی در وضعیت متوسط رو به بالا قرار گرفته است (جدول ۷).

وضعیت آلودگی محیطی

برای آزمون برابری میانگین نمونه با عدد ۳ (سطح متوسط) از آزمون t یک طرفه استفاده شده است، که با توجه به اینکه مقدار آماره آزمون و درجه آزادی آن به شکل $(df = 349)$ ، $t = 3,17$ و $sig = 0$ به دست آمده است، فرض صفر رد می‌شود. یعنی تفاوت میانگین جواب‌های داده شده از سوی شهروندان با عدد ۳ معنی‌دار است و اختلاف آنها قابل توجه است و همچنین، با توجه به اینکه $(mean\ difference = 0,163)$ و دارای علامت مثبت است، بنابراین میانگین جواب پاسخ‌دهندگان بیشتر از $(Test = 3)$

جدول ۷- نتایج آزمون t یک طرفه برای آلودگی نمادی، آلودگی بصری، آلودگی نور، آلودگی محیطی و آلودگی صوتی (۱۳۹۲)

Test value=3							
متغیرها	Mean	T	df	Sig.(2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
						Upper	Lower
آلودگی نمادی	۲٫۶۴	-۱۳٫۸۹	۳۴۹	۰	-۰٫۳۹۲	-۰٫۴۴۸۵	-۰٫۳۳۷۳
آلودگی بصری	۳٫۳۳	۱۴٫۱۱	۳۴۹	۰	۰٫۳۳۱	۰٫۲۸۵۱	۰٫۳۷۷۴
آلودگی نور	۳٫۱۷	۵٫۶۸	۳۴۹	۰	۰٫۱۷۵	۰٫۱۱۵۱	۰٫۲۳۳۸
آلودگی محیطی	۳٫۱۶	۵٫۶۲	۳۴۹	۰	۰٫۱۶۳	۰٫۱۰۶۵	۰٫۲۲۱۱
آلودگی صوتی	۲٫۸	-۳٫۶۷	۳۴۹	۰	-۰٫۱۶۵	-۰٫۲۵۴۵	-۰٫۰۷۶۹

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان

وضعیت دسترسی و شبکه ارتباطی در فضاهای عمومی

شهر بابل

ویژگی‌های دسترسی و شبکه‌های ارتباطی نقش بسیار زیادی در تأمین ایمنی و امنیت فضا، مکان‌ها و محلات شهری دارند. قدر مسلم هر عمل مجرمانه از سوی مجرمان، هوشمندانه و با در نظر گرفتن نقش عامل دسترسی صورت می‌گیرد. بررسی‌های آماری انجام شده با استفاده از آزمون t یک طرفه نشان می‌دهد که ($\text{sig}=0$) بنابراین sig معنی‌دار است یعنی تفاوتی معنی‌دار بین

میانگین پاسخ‌های داده شده به متغیرهای وضعیت دسترسی و میانگین مورد انتظار که همان عدد ۳ است وجود دارد اما با توجه به اینکه اختلاف میانگین ($\text{mean difference} = -0,201$) است مشخص می‌شود که میانگین جواب‌های داده شده به متغیرهای وضعیت دسترسی کم‌تر از ۳ (میان نظری) است پس رضایت کاربران از متغیرهای وضعیت دسترسی به حمل و نقل و ارتباطات در وضعیت متوسط رو به پایین قرار دارد (جدول ۸).

جدول ۸- نتایج آزمون t یک طرفه برای وضعیت دسترسی (۱۳۹۲)

Test value=3						
متغیر	Mean	T	df	Sig.(2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference Upper Lower
وضعیت دسترسی	۲,۷۹	-۴,۷۱	۳۴۹	۰	-۰,۲۰۱	-۰,۲۸۴۵ -۰,۱۱۶۹

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان

وضعیت کالبدی فضاهای عمومی شهر بابل

در مجموع، وضعیت کالبدی که ترکیبی از مؤلفه‌های اندازه و فرم فضا، آسایش بصری و محیطی و وضعیت دسترسی و شبکه ارتباطی، دارای میانگین ۳,۱۵، آماره ($t=3,62$)، ($df=349$) و ($\text{sig}=0$)، است با توجه به این نکته که در این بررسی $\text{sig}=0$ پس sig معنی‌دار است یعنی؛ تفاوت میانگین جواب‌ها با عدد ۳ به عنوان میانه

نظری معنی‌دار است و اختلاف آنها قابل توجه است و همچنین با توجه به اینکه ($\text{mean difference} = 0,053$) و دارای علامت مثبت است می‌توان گفت میانگین جواب‌ها از عدد ۳ بیش‌تر است. با توجه به موارد گفته شده در بالا می‌توان نتیجه گرفت که فضاهای عمومی شهر بابل از نظر معیارهای کالبدی در وضعیت متوسط رو به بالا قرار گرفته است (جدول ۹).

جدول ۹- نتایج آزمون t یک طرفه برای وضعیت کالبدی (۱۳۹۲)

Test value=3						
متغیر	Mean	T	df	Sig.(2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference Upper Lower
وضعیت کالبدی	۳,۱۵	۳,۶۲	۳۴۹	۰	۰,۰۵۳	۰,۰۲۴۷ ۰,۰۸۲۱

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان

در یک جمع‌بندی می‌توان اشاره نمود که رضایت‌مندی کاربران استفاده‌کننده از فضاهای عمومی شهر بابل‌سر از وضعیت شاخص‌ها و ویژگی‌های مورد بررسی کالبدی امنیت بدین منوال است: آلودگی نمادی، آلودگی صوتی و دسترسی و شبکه ارتباطی در وضعیت متوسط رو به پایین، مقیاس، آسایش بصری و محیطی در وضعیت متوسط ازدحام، فرم فضا، آلودگی بصری، آلودگی نور و آلودگی محیطی در وضعیت متوسط رو به بالا قرار گرفته است اما با توجه به این نکته که شاخص‌ها و ویژگی‌ها در وضعیت متوسط رو به بالا قرار گرفته‌اند بالاترین میانگین رضایت‌مندی از آنها در حد ۳,۳۴ می‌باشد. این امر واضح است که وضعیت این شاخص‌ها و ویژگی‌ها از حد متوسط بالاتر است اما این امر نمی‌تواند به عنوان وضعی ایده‌آل و مناسب برای رضایت‌مندی کاربران از شاخص‌های مورد بررسی باشد.

سهم ویژگی‌های کالبدی در وضعیت احساس امنیت اجتماعی فضاهای عمومی شهر بابل‌سر

برای بررسی این فرضیه که کدام یک از ابعاد امنیت کالبدی فضاهای عمومی می‌تواند نقش مؤثری در پیش‌بینی امنیت اجتماعی ایفا کند از روش رگرسیون خطی چندگانه استفاده گردید. قبل از ارائه نتایج حاصل از

رگرسیون ابتدا مفروضه‌های اصلی تحلیل رگرسیون چندگانه (نرمال بودن، عدم وجود همخطی بین متغیرهای پیش‌بین، استقلال خطاها) به تفکیک متغیرهای پیش‌بین بررسی می‌شود. مفروضه نرمال بودن با کمک آزمون کولموگروف اسمیرنوف مورد آزمون قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۵ گزارش گردید.

اثر هم‌خطی چندگانه

یکی از مفروضات رگرسیون عدم وجود اثر هم‌خطی بین متغیرهای مستقل می‌باشد. شاخص‌های تحمل واریانس و تورم واریانس این فرضیات را چک می‌کنند. در SPSS این گزینه‌ها با نام تلورانس و VIF تعریف شده‌اند. مقدار شاخص تلورانس بین صفر و یک می‌باشد. به ازای هر متغیر مستقل یک مقدار برای این شاخص وجود دارد، اگر مقدار این شاخص به یک نزدیک باشد نشان از این است که این متغیر با بقیه متغیرهای مستقل اثر هم‌خطی ندارد و اگر به صفر نزدیک باشد عکس این حالت را نشان می‌دهد. همچنین، شاخص VIF نیز در صورتی نشان از تأیید عدم وجود اثر هم‌خطی بین متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد که مقداری کمتر از ۲ اختیار کند (جدول ۱۰).

جدول ۱۰- شاخص تحمل واریانس و عامل تورم واریانس (۱۳۹۲)

شاخص‌های هم‌خطی چندگانه		
متغیرهای پیش‌بین	تلورانس	VIF
ازدحام	۰/۸۲	۱/۲۱
فرم فضا	۰/۹۲	۱/۰۸
آلودگی نمادی	۰/۹۱	۱/۱۱
آلودگی دیداری	۰/۸۱	۱/۲۲
آلودگی نور	۰/۷۳	۱/۳۷
آلودگی صوتی	۰/۸۴	۱/۱۸
حمل و نقل	۰/۷۶	۱/۳۱
آلودگی محیطی	۰/۷۷	۱/۳۱
مقیاس در فضای عمومی	۰/۸۷	۱/۱۵

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان

همان‌طور که مشاهده می‌شود تمامی اعداد نشان از عدم وجود اثر هم‌خطی شدید بین متغیرهای پیش‌بین می‌باشد.

استقلال خطاها

از دیگر مفروضات رگرسیون استقلال خطاها می‌باشد که باید فرض وجود همبستگی بین خطاها رد شود. برای چک کردن این فرض می‌توان از آماره دوربین واتسون

استفاده کرد. برای تأیید این فرض لازم است که مقدار این آماره در بازه $1/5$ تا $2/5$ قرار داشته باشد. در این پژوهش این آماره برابر با $2/03$ شده است که حاکی از صادق بودن این پیش‌فرض می‌باشد. پس از بررسی پیش‌فرض‌های رگرسیون می‌توان به سؤال این پژوهش که آیا زیر مقیاس‌های امنیت کالبدی می‌توانند امنیت اجتماعی را پیش‌بینی کند، پاسخ داد (جدول ۱۱).

جدول ۱۱- خلاصه مدل رگرسیونی تبیین کننده احساس امنیت اجتماعی مرتبط با معیارهای کالبدی (۱۳۹۲)

مدل	ضریب همبستگی R	ضریب تعیین R Square	ضریب تعدیل شده	مقدار آزمون F	سطح معنی‌داری آزمون F
Enter	۰/۶۱۷	۰/۳۸۰	۰/۳۶۴	۲۳/۱۶۶	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های میدانی و محاسبات نگارنده

جدول (۱۲) یک تحلیل رگرسیونی چند متغیره مشتمل بر ابعاد متغیر کالبدی امنیت (ازدحام، فرم فضا، آلودگی نمادی، آلودگی دیداری، آلودگی نور، آلودگی صوتی، حمل و نقل، آلودگی محیطی و مقیاس) می‌باشد. بر اساس یافته‌های جدول متغیرهای مستقلی که در معادله باقی مانده است به طور همزمان $0/617$ با متغیر وابسته

همبستگی دارند. همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهد که این متغیرها می‌توانند حدود ۳۸ درصد از تغییرات امنیت اجتماعی مرتبط با معیارهای کالبدی امنیت را تبیین نمایند. همچنین، ضریب بتا نشان می‌دهد که متغیر آلودگی نور نسبت به سایر متغیرهای پیش‌بینی کننده قوی‌تری است ($0/283 = \text{بتا}$).

جدول ۱۲- ضرایب تأثیر مدل رگرسیونی تبیین کننده امنیت اجتماعی مرتبط با معیارهای کالبدی (۱۳۹۲)

متغیر وابسته: احساس امنیت اجتماعی					
متغیرها	ضریب تأثیر غیر استاندارد (B)	ضریب تأثیر استاندارد (Beta)	مقدار t	سطح معناداری t	ضریب تولرنس
مقدار ثابت	۰/۹۵۷		۵/۰۸۷	۰/۰۰۰	
ازدحام	۰/۰۰۳	۰/۰۰۴	۰/۰۸۰	۰/۹۳۷	۰/۸۲
فرم فضا	۰/۰۵۵	۰/۱۲۲	۲/۷۸	۰/۰۰۴	۰/۹۲
آلودگی نمادی	۰/۰۹۰	۰/۱۴۲	۳/۱۹	۰/۰۰۲	۰/۹۱
آلودگی دیداری	۰/۱۴۸	۰/۱۹۵	۴/۱۲۸	۰/۰۰۰	۰/۸۱
آلودگی نور	۰/۱۶۳	۰/۲۸۳	۵/۶۶	۰/۰۰۰	۰/۷۳
آلودگی صوتی	۰/۰۵۲	۰/۱۳۱	۲/۸۳	۰/۰۰۵	۰/۸۴
حمل و نقل	۰/۰۱۱	۰/۰۲۵	۰/۵۱۶	۰/۶۰۶	۰/۷۶
آلودگی محیطی	۰/۱۲۱	۰/۱۹۸	۴/۰۶	۰/۰۰۰	۰/۷۷
مقیاس درفضا	۰/۰۲۴	۰/۰۴۴	۰/۹۶	۰/۳۳۸	۰/۸۷

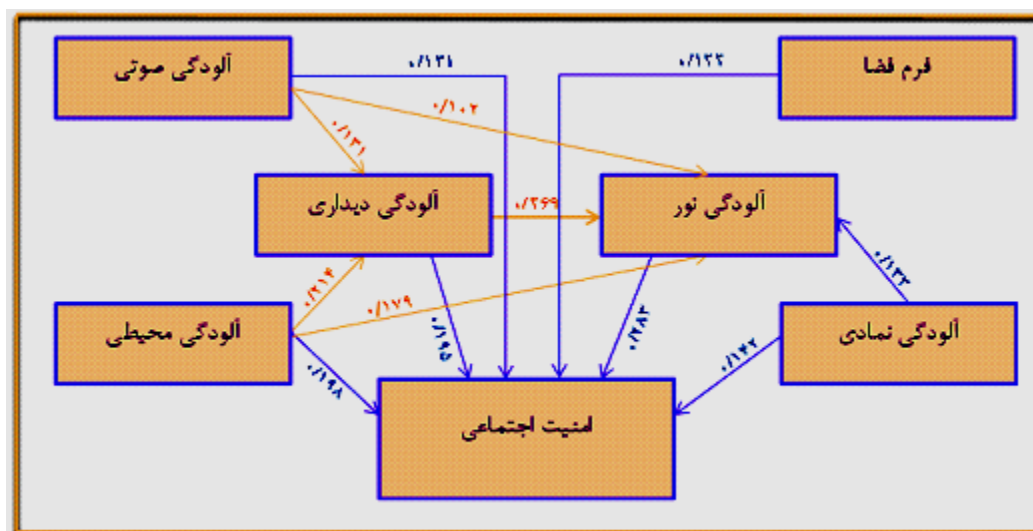
منبع: یافته‌های میدانی و محاسبات نگارنده

تحلیل مسیر

جهت سنجش میزان تأثیرات غیرمستقیم و همچنین مستقیم و ارزیابی مجدد میزان تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته امنیت اجتماعی فضاهای عمومی شهر بابلسر از تحلیل مسیر استفاده شده است. در مرحله اول رگرسیون با توجه به این‌که معناداری سه مؤلفه دسترسی به خدمات حمل و نقل عمومی، ازدحام و مقیاس در آزمون t ، بزرگ‌تر از ۵ درصد است، از فرآیند تحلیل مسیر حذف شد. همچنین، در این مرحله مشخص شد که متغیر آلودگی نور با بتای (۰,۲۸۳) بیشترین اثر مستقیم را بر میزان امنیت اجتماعی جامعه نمونه داشته‌است. در مرحله دوم آلودگی نور به عنوان متغیر وابسته و معیارهای آلودگی نمادی، آلودگی دیداری، آلودگی صوتی و آلودگی محیطی به عنوان متغیرهای

مستقل وارد معادله رگرسیون شدند که در این مرحله t معناداری متغیر آلودگی دیداری با مقدار ۰,۲۶۹، بیشترین بتا را به خود اختصاص داد. بر این اساس، در مرحله سوم رگرسیون به عنوان متغیر وابسته و آلودگی صوتی و آلودگی محیطی هم به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده‌اند.

بر اساس نتایج تحلیل مسیر از ۹ متغیر مستقل اصلی یعنی عوامل ازدحام، فرم فضا، آلودگی نمادی، آلودگی بصری، آلودگی نور، آلودگی صوتی، دسترسی به حمل و نقل عمومی، آلودگی محیطی و مقیاس، سه متغیر عوامل ازدحام، مقیاس و دسترسی به حمل و نقل عمومی از مدل خارج شده‌اند. جهت ضرایب مسیر به صورت فلش در شکل مشخص شده است (شکل ۱).



شکل ۱- مدل تحلیل مسیر تأثیر متغیرهای مستقل بر امنیت اجتماعی (۱۳۹۲)

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان

نهایت بر اساس ستون اثرات کل عوامل آلودگی محیطی بیشترین تأثیر (۰,۲۹) را در ارتقاء و بهبود احساس امنیت اجتماعی فضاهای عمومی شهر بابلسر دارد و پس از آن عوامل آلودگی نور (۰,۲۸۳) قرار دارد. برای تعیین آثار مستقیم یا غیرمستقیم هر یک از متغیرهای شناسایی شده

در ادامه همان طور که اطلاعات جدول ۱۳ نشان می‌دهد فرم فضا و آلودگی نور تنها متغیرهایی هستند که به صورت مستقیم بر امنیت اجتماعی تأثیرگذار می‌باشد و چهار متغیر مستقل دیگر هم تأثیر مستقیم و هم تأثیر غیرمستقیم بر میزان امنیت اجتماعی کاربران دارند. در

آن تأثیر به تنهایی بر متغیر وابسته می‌گذارد و اثر غیرمستقیم یک متغیر بر متغیر دیگر یعنی؛ میزان اثری که آن متغیر از طریق اثرگذاری بر سایر متغیرها بر آن متغیر وابسته نهایی می‌گذارد.

در میزان امنیت اجتماعی فضاهای عمومی شهر بابلسر ضرابی را که در امتداد هر یک از امنیت اجتماعی قرار گرفته‌اند، در یکدیگر ضرب می‌شوند که نتایج هر یک از آثار مستقیم و غیرمستقیم در جدول ۱۳ آمده است. اثر مستقیم هر متغیر مستقل بر متغیر وابسته یعنی؛ تأثیری که

جدول ۱۳- آثار مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل بر احساس امنیت اجتماعی (۱۳۹۲)

مؤلفه‌ها	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل
فرم فضا	۰,۱۲۲	-	۰,۱۲۲
آلودگی نمادی	۰,۱۴۲	۰,۰۳۷	۰,۱۷۹
آلودگی بصری	۰,۱۹۵	۰,۰۷۶	۰,۲۷۱
آلودگی نور	۰,۲۸۳	-	۰,۲۸۳
آلودگی صوتی	۰,۱۳۱	۰,۰۵۴	۰,۱۸۵
آلودگی محیطی	۰,۱۹۸	۰,۰۹۲	۰,۲۹

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان

از ۰/۰۱ باشد، میزان همبستگی بین آنها با احتمال ۹۹٪ صحیح است. در روش پیرسون اگر ضریب همبستگی به دست آمده مثبت باشد رابطه بین دو مؤلفه مستقیم و اگر منفی باشد، رابطه بین دو مؤلفه معکوس است. ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر معیارهای کالبدی کل با امنیت اجتماعی فضاهای عمومی شهر بابلسر برابر ۰/۵۷۷ و سطح معناداری در ناحیه آلفای ۰/۰۵ برابر (۰/۰۰۰) می‌باشد. از آنجا که خطای محاسبه شده کمتر از ۰/۰۱ است. با ۹۹ درصد اطمینان می‌توان گفت که بین معیارهای کالبدی و امنیت اجتماعی رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد. همچنین، با توجه به داده‌های جدول، ابعاد نه گانه معیارهای کالبدی نیز با امنیت اجتماعی رابطه مستقیم و معناداری دارد. یعنی؛ با افزایش میزان هریک از ابعاد کالبدی بر میزان امنیت اجتماعی نیز افزوده می‌شود. مقایسه ضرایب همبستگی نشان می‌دهد که قوی‌ترین رابطه در بین مؤلفه‌های کالبدی، آلودگی نور با ضریب ۰/۴۶۷ می‌باشد.

همبستگی بین شاخص‌های کالبدی و احساس امنیت اجتماعی

به منظور تحلیل داده‌ها، رابطه معیارهای کالبدی با احساس امنیت اجتماعی در نه شاخص بررسی شده است. همچنین، با توجه به این که برای سنجش هر شاخص امنیت کالبدی و اجتماعی از چندین سؤال استفاده شده است. از این رو سوال‌ها پس از ترکیب شدن (Compute) تجزیه و تحلیل شده‌اند. با توجه به فاصله‌ای بودن سؤال‌های مربوط به دو متغیر ذکر شده از آزمون همبستگی پیرسون (pearson Correlation)، برای بررسی همبستگی بین متغیرها استفاده شده است (کلانتری، ۱۳۸۹: ۵۵). در روش پیرسون در صورتی که ضریب معنی‌داری به دست آمده بیش از ۰/۰۵ باشد می‌توان گفت بین دو متغیر رابطه معناداری وجود ندارد. در صورتی که این ضریب بین ۰/۰۱ تا ۰/۰۵ باشد می‌توان برای دو متغیر ضریب همبستگی تعریف کرد. ضریب همبستگی به دست آمده در این بازه با احتمال ۹۵٪ صحیح خواهد بود. در صورتی که ضریب معناداری رابطه بین دو متغیر کمتر

کلانتری (با طراحی صحیح و استفاده مناسب از فضاهای ساخته شده، امکان کاهش میزان بزهکاری، افزایش امنیت و در نهایت بهبود کیفیت زندگی بشر فراهم می‌شود) همخوانی بیشتری دارد.

نتایج حاصل از این تحقیق، با دیدگاه محققانی نظیر جیکوبز و نیومن و نیز نتایج تحقیقات افرادی مانند آنامراندزاد (جرایم رخ داده به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در سایه مساعدت عوامل محیطی مرتبط بوده است) و

جدول ۱۴- نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین احساس امنیت اجتماعی با مؤلفه‌های کالبدی (۱۳۹۲)

احساس امنیت اجتماعی			
متغیرها	تعداد پاسخگو	همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
	N	Pearson Correlation	sig
ازدحام	۳۵۰	۰/۱۴۶**	۰/۰۰۸
فرم فضا	۳۵۰	۰/۱۶۵**	۰/۰۰۲
آلودگی نمادی	۳۵۰	۰/۲۲۵**	۰/۰۰۰
آلودگی بصری	۳۵۰	۰/۳۹۵**	۰/۰۰۰
آلودگی نور	۳۵۰	۰/۴۶۷**	۰/۰۰۰
آلودگی صوتی	۳۵۰	۰/۲۵۰**	۰/۰۰۰
حمل و نقل	۳۵۰	۰/۱۹۲**	۰/۰۰۰
آلودگی محیطی	۳۵۰	۰/۳۸۷**	۰/۰۰۰
مقیاس	۳۵۰	۰/۲۴۷**	۰/۰۰۰

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان

نتیجه‌گیری

امنیت فضاهای شهری نقش ویژه‌ای در ارتقای سطح رفاه اجتماعی شهروندان دارد. در این مقاله، بعد از بیان ویژگی‌های فردی، اقتصادی و اجتماعی محدوده مورد نظر و بررسی نرمال یا غیر نرمال بودن شاخص‌ها، مهم‌ترین ویژگی کالبدی تأثیرگذار در فضاهای عمومی شهر بابلسر تعیین گردید و کیفیت معیارهای کالبدی و اجتماعی امنیت و همچنین رابطه بین معیارهای کالبدی با امنیت اجتماعی در فضاهای عمومی مورد بررسی قرار گرفت. برای ارزیابی معیارهای کالبدی و اجتماعی فضاهای عمومی از آزمون t یک طرفه استفاده شده است. ویژگی‌های اندازه و فرم فضا بر اساس این آزمون دارای میانگین ۳,۱۸ و آماره $(t=-۱۱,۰۷)$ ، $(df=۳۴۹)$ ، $(sig=۰)$ و $(mean\ difference=۰.۱۸۹)$ که بیانگر این امر است که فضاهای عمومی شهر بابلسر از نظر این ویژگی در

وضعیت متوسط رو به بالا قرار گرفته است. آسایش بصری و محیطی $(t=۱,۲۳)$ ، $(df=۳۴۹)$ و $(sig=۰,۲۱۸)$ ، به علت داشتن اختلاف میانگین مثبت $(mean\ difference=۰,۰۲۲)$ در وضعیت متوسط رو به بالا و وضعیت دسترسی و شبکه ارتباطی که دارای میانگین $(mean\ difference=۲,۷۹)$ ، $(sig=۰)$ و $(mean\ difference=-۰,۲۰۱)$ با توجه به علامت منفی اختلاف میانگین در وضعیت متوسط رو به پایین قرار گرفته است.

امنیت کالبدی فضاهای عمومی شهر بابلسر که ترکیبی از سه ویژگی مذکور است با دارا بودن آماره‌هایی برابر $(Mean=۳,۱۵)$ ، $(sig=۰)$ ، $(mean\ difference=۰.۰۵۳)$ ، با توجه به معنی داری sig در وضع متوسط رو به بالا قرار گرفته است. همچنین، برای درک سهم هر یک از متغیرهای مستقبل بر متغیر وابسته یعنی میزان امنیت اجتماعی از تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر استفاده

شده است که نتایج حاصل از آن بیان کننده این مدعا است که مدل مورد استفاده برازش مناسبی با داده‌ها دارد. بر اساس نتایج تحلیل مسیر از ۹ متغیر مستقل اصلی یعنی عوامل ازدحام، فرم فضا، آلودگی نمادی، آلودگی بصری، آلودگی نور، آلودگی صوتی، دسترسی به حمل و نقل عمومی، آلودگی محیطی و مقیاس، سه متغیر عوامل ازدحام، مقیاس و دسترسی به حمل و نقل عمومی از مدل خارج شده‌اند.

نتایج مدل نمایان ساخت که آلودگی محیطی (۰,۲۹) بیشترین تأثیر را در امنیت اجتماعی فضاهای عمومی دارد. همچنین، بررسی تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم و کلی متغیرهای مستقل بر میزان امنیت اجتماعی بیانگر آن است که در کنار آلودگی محیطی، آلودگی نور با میزان تأثیر (۰,۲۸۳) تأثیر قوی‌تری نسبت به سایر عوامل دارد که این با نظریات مرتبط با نقش عوامل کالبدی در میزان امنیت اجتماعی مطابقت دارد.

برای بررسی و ارزیابی وجود رابطه بین معیارهای کالبدی با امنیت اجتماعی در فضاهای عمومی شهر بابلسر با توجه به فاصله‌ای بودن سؤال‌های مربوط به دو متغیر ذکر شده از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد، که نتایج حاصل از این روش ثابت کرد که رابطه بین این دو متغیر به میزان ۰/۵۷۷ و با اطمینان ۹۹ درصد معنادار بوده و می‌توان گفت که هرچه معیارهای کالبدی امنیت در فضاهای عمومی شهر بابلسر دارای وضعیت مطلوبی باشد شاهد امنیت اجتماعی بالاتری در این قسمت شهر خواهیم بود.

نتایج استفاده از تحلیل رگرسیونی چند متغیره مشتمل بر ابعاد متغیر کالبدی امنیت (ازدحام، فرم فضا، آلودگی نمادی، آلودگی دیداری، آلودگی نور، آلودگی صوتی، حمل و نقل، آلودگی محیطی و مقیاس) نشان داد که متغیرهای مستقلی که در معادله باقی مانده است به طور همزمان ۰/۶۱۷ با متغیر وابسته همبستگی دارند. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که این متغیرها می‌توانند حدود ۳۸

درصد از تغییرات امنیت اجتماعی مرتبط با معیارهای کالبدی امنیت را تبیین نمایند.

فرم فضا و آلودگی نور تنها متغیرهایی هستند که به صورت مستقیم بر امنیت اجتماعی تأثیرگذار می‌باشد و چهار متغیر مستقل دیگر هم تأثیر مستقیم و هم تأثیر غیرمستقیم بر میزان امنیت اجتماعی کاربران دارند. در نهایت بر اساس ستون اثرات کل عوامل آلودگی محیطی بیشترین تأثیر (۰,۲۹) را در ارتقاء و بهبود امنیت اجتماعی فضاهای عمومی شهر بابلسر دارد و پس از آن عوامل آلودگی نور (۰,۲۸۳) قرار دارد. با توجه به موارد اشاره شده آلودگی محیطی دارای بیشترین تأثیر بر وضعیت امنیت اجتماعی فضاهای عمومی شهر بابلسر است.

در نهایت می‌توان گفت که در شهرهای ایران از جمله بابلسر که به عنوان نمونه مورد بررسی قرارگرفت با ارتقای شاخص‌های مرتبط با امنیت اجتماعی از جمله طراحی مناسب فضاهای عمومی، استفاده از نورپردازی مناسب، نظارت فعال مردمی که در نتیجه انسجام و همبستگی افراد متعلق به محدوده‌های جغرافیایی مشخص به وجود می‌آید و حضور تعداد مشخصی از مردم در فضای شهری در کنار ویژگی‌های کالبدی فضا می‌تواند در ارتقا احساس امنیت و افزایش دسترسی پذیری نمادین نقش داشته باشد و در این صورت است که می‌توان انتظار داشت جرایم و بزهکاری‌های اجتماعی کمتری در جامعه رخ داده و شاهد امنیت بیشتر برای شهروندان باشیم. براساس نتایج تحقیق می‌توان اظهارداشت که دیدگاه‌های افرادی نظیر نیومن که براساس آن، امنیت اجتماعی در جامعه نه به دست پلیس، بلکه توسط افرادی که در عرصه‌های خاصی سهم‌اند تعریف می‌شود و هیلر، که بر افزایش امنیت از طریق افزایش تحرک و جنبش در فضاهای شهری تأکید دارد مورد تأیید قرارگرفتند. همچنین، ضمن تأیید نظرات جیکوبز که بر اهمیت تخصیص فضاهای عمومی به الگو و قابلیت حرکت و حضور مردم در فضاهای شهری تأکید دارد و

به منظور پیاده کردن دیدگاه‌های وی در بابل‌سر، پیشنهادهایی ارائه گردید.

پیشنهادهای

با توجه به تحلیل یافته‌ها و آزمون فرضیات و نتایج حاصل از پژوهش و به منظور افزایش امنیت کالبدی و اجتماعی در فضاهای عمومی و ایجاد فضای امن شهری در کل شهر بابل‌سر، پیشنهادهایی در جهت کنترل و مقابله با شکل‌گیری ناامنی در فضاهای عمومی شهر بابل‌سر تهیه شده است.

- با توجه به اینکه فضاهای عمومی شهر بابل‌سر از لحاظ آلودگی نمادی در وضعیت متوسط رو به پایین قرار دارد، علایم و تابلوها بهتر است خبری و بازدارنده (مانند: ورود به این فضا ممنوع است) باشند و در آن از نمادها و سمبل‌های استاندارد استفاده شود، محل قرار گیری تلفن‌ها و توالت‌های عمومی با توجه به پرتراکم بودن فضاهای عمومی شهر بابل‌سر به‌ویژه در تعطیلات عید و تابستان از طریق تابلوها و نقشه‌ها مشخص شود.

- توجه به زیبایی فضاهای عمومی که باعث می‌شود شهروندان از این فضاها لذت بیشتری ببرند. لازمه این کار آن است که شهرداری با مشارکت مردم، یک سری فعالیت‌های کم هزینه و به شدت لازم را انجام دهد.

- تغییر در طراحی فضاهای گم و فاقد دید بصری فضاهای عمومی که بنا بر علل فضایی-کالبدی، نبود روشنایی و پنهان ماندن جرم به علت تاریکی، فضاهای مناسبی را برای ارتکاب جرم فراهم می‌کند.

- افزایش نظارت پلیسی و امنیتی در فضاهای عمومی به خصوص در مواقع پرتراکم مثل ایام تعطیل که به علت موقعیت توریستی شهر بابل‌سر تعداد استفاده‌کننده کاربران از این فضاها چند برابر می‌شود.

- تجهیز فضاهای عمومی به وسایل حمل و نقل عمومی و توزیع مناسب آن در فضاهای مختلف شهر. توجه به مکان‌یابی و نحوه دسترسی، فراهم کردن سهولت

نظارت شهروندان و مراجعان به فضاهای عمومی به ویژه پارک بر فضاهای درونی پارک

- تلاش برای اتمام هرچه زودتر پروژه‌های نیمه کاره شهری مثل احداث پل جدید و متروکه ماندن آن در پارک شورا با مرور اخبار حوادث در می‌یابیم که جرایم بسیاری نظیر متلک‌گویی و کودک‌آزاری در همین مکان‌ها انجام می‌شود.

- افزایش عرض پیاده‌روها در مواردی که مقدور است و پاک‌سازی کاربری‌های مزاحم از قبیل تعمیراتی و دست‌فروشی از سطح پیاده‌روها.

- تدابیری برای افزایش دسترسی به امداد نظیر افزودن بر تعداد تلفن‌های عمومی فضاهای عمومی و همچنین نورپردازی و تجهیز آنها به کد و دکمه امداد فوری.

- بهبود سیمای شهری به کمک حفاظت فعال، اجرای طرح‌های بهسازی و همچنین حذف دیوار نوشته‌ها و آلودگی‌های بصری موجود در فضا و استفاده از عناصر الحاقی آشنا برای مردم برای افزودن به ضریب آشنایی فضا و جلوگیری از به وجود آمدن احساس غربت، اضطراب و ترس ناشی از آن.

- جلوگیری از رکود، و رواج فعالیت‌های موجود در فضاهای عمومی شهری با تدابیری نظیر استفاده از ورزش، تئاتر و رستوران‌ها یا غرفه‌های فروش خیابانی، با رعایت اصول حفظ آسایش عابران.

- افزایش نظارت طبیعی بر فضاهای عمومی، با استفاده از کاربری‌های با نماهای فعال رو به خیابان و پارک و هشدارهای نمادین برای تحت کنترل بودن فضا.

- طراحی فضاهای خوانا و قابل تشخیص و جلوگیری از احساس گیج شدن و ترس از گم شدن و ناامنی ناشی از آن.

- برای پیشگیری از ازدحام در ایام تعطیلی و محل‌هایی نظیر شهر بازی و رعایت فاصله شخصی، نوارها یا میله‌های ثابت و غیر ثابت پیش‌بینی و آماده شود.

منابع

- آنامرادنژاد، رحیم‌پردی؛ جوکارسرهنگی، عیسی و گلبهاری، علی. (۱۳۹۱). «جرایم شهری و راهکارهای کاهش آن در محیط شهری با تأکید بر رویکرد C.P.T.E.D (مطالعه موردی: بابلسر)»، همایش ملی پیشگیری از جرایم و آسیب‌های اجتماعی، بابلسر: دانشگاه مازندران، ۷۷۵-۷۹۳.
- اکبری، رضا و پاک‌بنیان، سمانه. (۱۳۹۱). «تأثیر کالبد فضاهای عمومی بر احساس امنیت اجتماعی زنان»، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، دوره ۱۷، ش ۲، ص ۵۳-۶۴.
- ایرانمنش، نسیم. (۱۳۸۲). «حیات مدنی و فضاهای شهری»، فصلنامه مسکن و انقلاب، ش ۱۰۲، ص ۱۶-۲۳.
- بیات، بهرام. (۱۳۸۷). «تبیین جامعه‌شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی (با تأکید بر نقش پرداخت رسانه‌ای و سرمایه اجتماعی)»، نامه علوم اجتماعی، ش ۱۶، پیاپی ۳۵، ص ۱۱۵-۱۳۲.
- پیشگاهی‌فرد، زهرا و احمدی دهکاء، فسا. (۱۳۸۹). «ارزیابی تهدیدات امنیت ملی در مرزهای شمالی ایران»، فصلنامه جغرافیایی آمایش، ش ۹، ص ۵۳-۷۷.
- جیکویز، جین. (۱۳۸۶). مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، ترجمه: حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران: دانشگاه تهران.
- خوشفر، غلامرضا. (۱۳۸۰). «بررسی میزان احساس امنیت و چگونگی مشارکت مردم در برقراری امنیت»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۱۶۳ و ۱۶۴، صص ۱۴۸-۱۵۵.
- زنجانی‌زاده اعزازی، هما. (۱۳۸۰). «زنان و امنیت شهری»، مجله تخصصی زبان و ادبیات
- دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، ش ۳۴، ص ۶۰۳-۶۲۶.
- صادقی فسایی و میرحسینی. (۱۳۸۸). «تحلیل جامعه‌شناختی ترس از جرم در میان زنان شهر تهران»، نامه علوم اجتماعی، سال ۱۷، ش ۳۶، صص ۱۲۵-۱۵۵.
- علی‌آبادی، جواد. (۱۳۸۱). «نقش فضاهای شهری در تامین امنیت اجتماعی»، ماهنامه شهرداری‌ها، ش ۴۱، ص ۵-۱۳.
- علیخواه، فردین و نجیبی ربیعی، مریم. (۱۳۸۶). «زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری»، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۶، ش ۲۲، ص ۱۰۹-۱۳۱.
- قاسمی مقدم، امیر. (۱۳۹۱). «تحلیلی بر اثرات افتراقات فضایی و اجتماعی در شکل‌گیری فرهنگ جرم‌زا در محله‌های مرفه و غیرمرفه شهر بابلسر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه پیام نور ساری.
- کلانتری، محسن. (۱۳۸۹). «ایمن سازی فضای کالبدی شهرها در برابر بزهکاری با استفاده از راهبردهای پیشگیری جرم با طراحی محیطی»، فصلنامه دانش/انتظامی، سال دوازدهم، ش ۳، ص ۵۱-۷۴.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۰). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- Alves, T. (2009) *Geografiadanoite Centrode Estudos Gegráficos*, Universidade de Lisboa.
- Brenda, S.A. Yeoh & Peil Lin Yeow (1997) "Where Women Fear to Tread: Images of Danger and the Effects of Fear of Crime in Singapore". *Geogour Nal*. Vol. 43, No. 3. P 273-286.
- Brunsdon, C. & Gilroy, R. & Madani Pour, A. & Roe, M. & Thompson, I. & Townshend, T. (1995) *Safety, crime, Vulnerability and Design-A Proposed Agenda of Study*.

- Jacobs, J. (1965) *The Dead and Life of Great American Cities*, New York, Random House.
- Reis, A. et al. (2003) "Accessibility and security Syntatic and perce ptual analysis in two low incom housing estates". 4th international Space syntax symposium. London.
- Sharma, P. Chrisman, J.J. & Chua, J.H. (2003) "Succession Planning as Planned Behavior: Some Empirical Results". *Family Cusiness Review*, No. 16(1), p 1-15.
- Sirel, Sazi. (2006) "Aydinlatmanin Gecmisi", Professional Lighting Design Turkiye, Say1: 7, Agustos Yayin Tanitm, Istsnbul, Turkey.
- Unver, Ahmet. (2009) "People s experience of urban lighting in public space", master these, Istanbul, Turkey.
- Zukin, S. (1995) *The Culture of Cities*, New York, Black well Pablshers.
- University of Newcastle 23, Department of Town and Country Planning , upon Tyne Working Paper Series.24.P.
- Carmona, Matthew. (2003)., "*Public places, urban spaces*", Architectural press, New York, Paris.
- Cozens, P. (2008) Crime prevention through environmental design (CPTED) in Western Australia: planning for sustainable urban futures.
- Dias, l. et al. (2007) "*Urban security and spatial behavior, syntactic and perceptual analysis of the central area of porto Alegre*". 6th international Space Syntax Symposium. Istanbul.
- Hiller, B. (1996) *Cities as Movement Systems*, Urban Design International, 1.
- Hillier, B., & Hanson, J. (1984) *The social logic of space* (Vol. 1): Cambridge University Press Cambridge.
- Hennessy, G. (2010) *Seize the night: The business and culture of new york night Life*. Create space Independent publishing platform.

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی
سال چهارم، شماره پیاپی ۹، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴
تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۱۲
صص ۱۵۳-۱۶۶

تمایزات اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی مناطق کشور مطالعه نرخ بیکاری و میزان خودکشی

محمدعلی فیض‌پور، استادیار گروه اقتصاد دانشگاه یزد
عزت اله لطفی، کارشناس ارشد علوم اقتصادی دانشگاه یزد*

چکیده

نگاه اقتصادی به آسیب‌های اجتماعی اگرچه تنها در دهه‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است اما، توجه به این نگاه چنان گسترده شده که رابطه بین ویژگی‌های اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی در سطوح بین‌المللی، ملی، منطقه‌ای و نیز خانوادگی و فردی در صدر توجه اقتصاددانان و صاحب‌نظران مسائل اجتماعی قرار گرفته است. با این رویکرد، نمی‌توان جایگاه مسائل اقتصادی را در آسیب‌های اجتماعی نادیده انگاشت و از این‌رو، مطالعات متعدد کوشیده است تا این رابطه را مورد بررسی و کنکاش قرار دهد. نرخ بیکاری در این میان از متغیرهای اقتصادی است که می‌توان تمایزات عمده‌ای را از حیث این شاخص در بین مناطق مشاهده نمود. این در حالی است که در سوی دیگر خودکشی از آسیب‌های اجتماعی است که کانون توجه جوامع جای گرفته است. بر این اساس این مقاله می‌کوشد تا رابطه بین این دو را در مناطق ایران (که در این مقاله بر حسب است آنها از یکدیگر متمایز گردیده‌اند)، مورد بررسی و کنکاش قرار دهد. این سنجش نیز طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۹ صورت گرفته و برای این ارتباط از روش اقتصادسنجی داده‌های تلفیقی استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنی‌دار میزان خودکشی و نرخ بیکاری در مناطق کشور است. بر این اساس و از نظر سیاست‌گذاری، اگرچه نمی‌توان تمامی دلایل خودکشی مناطق را با نرخ بیکاری آنها تبیین نمود اما، رابطه میان بیکاری و میزان خودکشی نیز رابطه‌ای غیر قابل انکار بوده و سیاست‌های اقتصادی نباید تمایزات منطقه‌ای در نرخ بیکاری را به فراموشی سپارد.

واژه‌های کلیدی: آسیب‌های اجتماعی، عوامل اقتصادی، خودکشی، نرخ بیکاری، داده‌های تلفیقی، مناطق ایران.

مقدمه

براساس سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران، در افق ۱۴۰۴ ایران کشوری است توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، براساس این سند که بالاترین سند بالادستی کشور پس از قانون اساسی قلمداد می‌شود، در سال ۱۴۰۴ ایران باید کشوری توسعه یافته شده و علاوه بر آن، جایگاه اول اقتصادی را در میان کشورهای منطقه سند چشم‌انداز کسب نماید. برای دستیابی به این مهم، لازم است تا عوامل مختلف همسو با یکدیگر زمینه را برای نیل به این هدف مهیا سازند. همان‌گونه که بر همگان واضح است و در تئوری‌های توسعه و رشد اقتصادی نیز بیان شده است، انسان از یک سو به عنوان عامل توسعه و از سوی دیگر به عنوان محور توسعه تلقی می‌شود. چرا که از یک سو افراد زمینه را برای حرکت به سوی توسعه فراهم نموده و از سوی دیگر، دستیابی به توسعه زمینه را برای ایجاد و افزایش رفاه افراد جامعه فراهم خواهد نمود. از این رو است که نیروی انسانی و یا در مفهومی کلی‌تر، سرمایه انسانی نقش مهمی را در مسیر نیل به توسعه ایفا می‌نماید. اما آنچه درخور توجه است آن است که نیروی انسانی به عنوان یکی از مهم‌ترین نهاده‌های تولید و زمینه‌ساز رشد و توسعه همواره در معرض مشکلات و معضلاتی است که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان از **خودکشی** نام برد. پدیده خودکشی امروزه در اکثر کشورهای جهان در میان ده عامل نخست مرگ و میر رده‌بندی می‌شود و در برخی کشورها نیز خودکشی در محدوده سه عامل اول مرگ و میر جوانان به عنوان سرمایه‌های اصلی جامعه قرار می‌گیرد. علاوه بر آن، براساس گزارش‌های سازمان بهداشت جهانی (WHO)^۱ در سال ۲۰۰۰ میلادی قریب به هشت صد و پنجاه هزار مرگ ناشی از خودکشی در جهان رخ داده و پنجاه هزار مرگ ناشی از خودکشی در سال ۲۰۱۰ به بیش از یک میلیون نفر رسیده و این در حالی است که براساس پیش‌بینی

این سازمان، آمار خودکشی در سال ۲۰۲۰ از مرز یک میلیون و پانصد هزار نفر خواهد گذشت (برتولوت^۲، ۲۰۰۲: ۲۶۰-۲۶۱). اهمیت توجه به خودکشی در کشور آن‌جا مشخص می‌شود که براساس شواهد موجود، ایران از حیث خودکشی زنان در سال ۲۰۰۷ پس از دو کشور چین و هندوستان به عنوان سومین کشور جهان در زمینه خودکشی و اقدام به خودکشی زنان شناخته شده است (اجدایک گروس و همکاران^۳، ۲۰۰۸).

با آن‌که خودکشی امری جهانی است و میزان خودکشی در حالت کلی در ایران در مقایسه با سایر کشورهای صنعتی غرب در سطح پایین‌تری قرار دارد (رتبه ۴۳ از حیث خودکشی مجموع زنان و مردان بین ۴۹ کشور عمده جهان)، اما خودکشی طی سه دهه اخیر رشد معنی‌داری را در کشور داشته و به عنوان مثال از سال ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۷۲ به دو برابر افزایش یافته است. این در حالی است که بر اساس شواهد و مطالعات تجربی در این حوزه، بین نرخ بیکاری و به ویژه نرخ بیکاری جوانان و نرخ خودکشی رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار برقرار است (هامرمن و سوس، ۱۹۷۴: ۸۳-۹۸؛ لستر و یانگ، ۱۹۹۲؛ پلات و هاوتن، ۲۰۰۳: ۵۳۷-۵۴۲ و ایناگاکي، ۲۰۱۰: ۱۱۳-۱۳۳). علاوه بر آن، با روند رو به رشد اقدام به خودکشی، سایر علوم نیز این مسأله را مورد بررسی قرار داده و در زمینه کاهش و مقابله با آن راهکارهایی را ارائه نموده‌اند. در این میان، علم اقتصاد نیز کوشیده است تا با بررسی و شناسایی رابطه میان عوامل مهم و کلان اقتصادی و خودکشی، به ارائه راهکار برای کاهش این معضل اجتماعی بپردازد. در این راستا، مطالعه حاضر نیز با رویکردی اقتصادی می‌کوشد به بررسی رابطه میان اشتغال (و یا در مقابل آن بیکاری) و خودکشی طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹ و به تفکیک مناطق کشور بپردازد. از این رو سؤال اصلی که مطالعه در پی پاسخگویی به آن است را می‌توان به این صورت بیان نمود که "آیا میان عوامل

^۲ Bertolote^۳ Ajdacic-Gross & et al.^۱ World Health Organization

اقتصادی (نرخ بیکاری) و میزان خودکشی در کشور رابطه معنی داری وجود دارد؟"

مبانی نظری و مطالعات پیشین

جامعه‌شناسان، خودکشی را یک مسأله اجتماعی دانسته و در تبیین آن، توجه خود را به ساختارهای اجتماعی و نقش آنها در ایجاد بستر لازم برای شکل‌گیری این مسأله معطوف کرده و علاوه بر آن، تحلیل‌های خود را نه بر خودکشی فردی بلکه بر میزان خودکشی متمرکز می‌کنند. تایلر، رویکردهای جامعه‌شناختی درباره خودکشی را به دو دسته سنتی و جدید تقسیم کرده است. رویکرد سنتی، ریشه در مبانی و اندیشه‌های مکتب اثبات‌گرایی در جامعه‌شناسی دارد. لذا در بررسی پدیده خودکشی، از روش‌شناسی علوم طبیعی تبعیت می‌کند. مهم‌ترین اندیشمند در این رویکرد، امیل دورکیم^۱ است. وی نخستین مطالعه تجربی جامعه‌شناختی را درباره موضوع خودکشی انجام داد که حاصل آن، «خودکشی، مطالعه‌ای در جامعه‌شناسی» است (دیلینی، ۱۳۸۷). دورکیم (۱۳۷۸) دیدگاه‌ها و نظریه‌های موجود پیرامون خودکشی را، که با تکیه بر عوامل غیر اجتماعی؛ همچون محیط طبیعی، حالت‌های روان‌شناختی، سرایت، تقلید و ... به تجزیه و تحلیل خودکشی پرداخته‌اند، مورد نقد و بررسی قرار داده و پس از آن، نظریه جامعه‌شناختی خود را درباره خودکشی مطرح کرده است.

به عقیده پارسونز^۲، دورکیم را می‌توان یکی از دو بانی اصلی حوزه جدید نظریه جامعه‌شناختی دانست. دورکیم انسان را موجودی می‌داند که دارای وجهی غیراجتماعی (زیستی و غریزی) و وجهی اجتماعی است (کیویستو، ۱۳۷۸) و این وجوه دوگانه، ویژگی‌ها و نیازهای خاصی را در او پدید آورده‌اند. به عقیده دورکیم، انسان به طور بالقوه دارای امیال و آرزوهای نامحدود و فزاینده‌ای است. بر اساس آنچه در کتاب تقسیم‌کار

آمده، انسان هرچه بیشتر به دست بیاورد، نه تنها قانع نمی‌شود بلکه حس زیاده‌خواهی‌اش تشدید هم می‌شود (دورکیم، ۱۳۷۸)، از طرف دیگر، به عقیده دورکیم انسان بر حسب طبیعتش نیازمند تعلق به دیگران (عضویت در گروه) و این احساس است که تعلق به دیگر انسان‌ها او را به اهدافش نزدیک می‌کند. حال، اگر جامعه نتواند امیال و خواسته‌های افراد را به نحو مطلوب و به میزان متعادل و منطقی تنظیم و تحدید کند و یا میان افراد و گروه‌های اجتماعی به صورتی متوازن و مناسب پیوند برقرار کند، انحرافات اجتماعی از قبیل خودکشی پدیدار می‌شوند (ترنر و بیگلی، ۱۳۷۱)؛ به تعبیر دیگر هرگونه افراط یا تفریط در زمینه‌های مذکور به یک نوع خودکشی منجر می‌شود. بر این اساس، می‌توان گفت که انسان براساس دو وجه هستی‌اش، دارای دو نوع نیاز است: یکی، تنظیم^۳ تمایلات و خواسته‌هایش توسط جامعه (یا بدان گونه که دورکیم می‌گوید توسط یک نیروی بیرونی)؛ و دیگری، تنظیم پیوند او با دیگران یا آنچه دورکیم انسجام^۴ می‌نامد. هر گونه افراط یا تفریط در این دو زمینه، به شکل‌گیری یک نوع خودکشی منجر می‌شود.^۵ افراط یا تفریط در تنظیم تمایلات و خواسته‌های فرد توسط جامعه، به ترتیب به خودکشی سرنوشت‌گرایانه یا قدری^۶ و خودکشی آنومیک^۷ منجر می‌گردد. خودکشی سرنوشت‌گرایانه زمانی شکل می‌گیرد که جامعه به طور بی‌رحمانه امیال و خواسته‌های فرد را تحدید و تنظیم کرده و آینده او را تعیین کند و در نتیجه «فرد تحت فشار هنجارها و قواعد حاکم نتواند اهداف خود را برگزیده، و وسایل رسیدن به آنها را فراهم آورد» (شیخاوندی، ۱۳۸۱). در مقابل، خودکشی آنومیک هنگامی رخ

³ Regulation

⁴ Integration

^۵ بر این اساس، خودکشی به چهار نوع تقسیم می‌شود نه سه نوع؛ البته علت اینکه دورکیم (۱۳۷۸: ۳۳۱) خودکشی تقدیرگرایانه را در پاورقی و در ضمن بحث از خودکشی آنومیک آورده، ندرت و عدم شیوع آن در جامعه معاصر بود نه چیزی دیگر.

⁶ Fatalistic Suicide

⁷ Anomic Suicide

¹ Emile Durkheim

² Parsons

می‌دهد که جامعه نتواند امیال و خواسته‌های فرد را تنظیم کند یا با ترویج و تشدید رقابت، موجب تشدید حسّ زیاده‌خواهی فرد گردد. بر اساس دیدگاه دورکیم، از آن جا که ارضای کامل نیازهای انسان با توجه به ساختمان جسمی و روحی او و نیز امکانات جامعه امکان‌پذیر نیست، لذا وجود شکاف میان آنچه افراد دارند و آنچه خواهان داشتن آن هستند، امری طبیعی است. از این رو، خودکشی هنگامی بروز می‌کند که افزایش شدید این شکاف، سبب ایجاد سرخوردگی و عدم رضایت گردد. به عقیده دورکیم عدم رضایت و سرخوردگی و به تبع آن، خودکشی آنومیک «در دوره‌های رکود اقتصادی، رونق اقتصادی، از هم‌پاشیدگی ارزش‌های سنتی، ورشکستگی اقتصادی، طلاق، تغییر حکومت، انقلاب و سایر تغییرات سریع اجتماعی، که سبب تضعیف یا از بین رفتن هنجارهای اجتماعی کنترل‌کننده امیال فردی می‌شوند، افزایش می‌یابد (محسنی‌تبریزی، ۱۳۷۳).

از طرف دیگر، افراط یا تفریط در پیوند فرد با گروه یا به تعبیر دورکیم افراط یا تفریط در یکپارچگی و ادغام فرد در گروه‌های اجتماعی نیز موجب بروز خودکشی می‌شود. بر این اساس، هنگامی که فرد به طور مفرط در جمع مستحیل شود، «خود»^۱ او تضعیف می‌شود و وجدان جمعی کاملاً بر وجدان فردی شخص چیره شده و راه را بر تجلّی آن می‌بندد. در نتیجه، برآوردن تقاضاهای جمع به عنوان یک هدف چنان ارزش می‌یابد که فرد به منظور برآوردن آنها دست به ایثارگری و انتحار خودکشی دگرخواهانه^۲ می‌زند (تایلر، ۱۳۷۸). در مقابل، تضعیف شدید پیوند فرد با گروه سبب می‌شود که بُعد فردی شخصیت فرد تجلّی تامّ یابد و فرد به نوعی فردگرایی افراطی و خودمحوری افسارگسیخته مبتلا گردد. این حالت، عاقبت سبب ایجاد بی‌میلی و بی‌تفاوتی و بدبینی نسبت به هستی و زندگی اجتماعی و نیز بروز بیماری‌های اجتماعی از قبیل افسردگی

شده و افراد را به سوی شکلی از خودکشی سوق می‌دهد، که دورکیم آن را خودکشی خودخواهانه^۳ نام می‌نهد.

برای تبیین پدیده خودکشی در سایر علوم همانند جامعه‌شناسی، از دیرباز مطالعات متعددی صورت گرفته و در قسمت پیشین نظریه دورکیم به عنوان مهم‌ترین نظریه جامعه‌شناختی در این حوزه ارائه گردید، این موضوع در علم اقتصاد نیز مورد توجه قرار گرفته به گونه‌ای که، مطالعه هامریش و سوس^۴ (۱۹۷۴) در زمینه خودکشی را می‌توان مطالعه‌ای پیشگام در این حوزه دانست. آنها با در نظر گرفتن خودکشی به عنوان یک عمل با انتخاب عقلانی، نتیجه می‌گیرند که زمانی فرد اقدام به خودکشی می‌نماید که مطلوبیت انتظاری فرد از عمرش کمتر از حد آستانه شخصی وی باشد (هامریش و سوس، ۱۹۷۴: ۸۳-۹۸). اساس این مدل آن است که، نرخ بیکاری بالاتر به افزایش خودکشی منجر می‌شود چراکه بیکاری نه تنها باعث ایجاد مشکلات و اختلالات کوتاه مدت در زندگی فرد می‌شود، بلکه موجب افزایش عدم اطمینان در پیش‌بینی درآمد آینده فرد شده و در نتیجه آن درآمد مادام‌العمر فرد کاهش می‌یابد. همچنین، مدل هامریش نشان می‌دهد که خودکشی با افزایش سن، افزایش و با افزایش درآمد کاهش می‌یابد (رودریگز^۵، ۲۰۰۵ و سوزوکی^۶، ۲۰۰۸). به علاوه، بیکاری می‌تواند اختلالات ذهنی و یا جسمانی را افزایش داده و این به نوبه خود احتمال اقدام به خودکشی را افزایش خواهد داد (چن^۷، ۲۰۰۹: ۱۴۰-۱۵۰).

پس از مطالعه هامریش و سوس، بخش عمده‌ای از ادبیات موجود بر عوامل تعیین‌کننده رفتار خودکشی با استفاده از متغیرهای اقتصادی مانند تولید ناخالص داخلی سرانه، نرخ تورم، نرخ بیکاری و نرخ مشارکت زنان پرداخته و مطالعات براینرد (۲۰۰۱)، چونگ و هونگ (۱۹۹۷)، چونگ و هونگ

³ Egoistic Suicide

⁴ Hamermesh & Soss

⁵ Rodrigez

⁶ Suzuki

⁷ Chen

¹ ego

² Altruistic suicide

(۲۰۰۳) از این جمله اند. با این وجود، مطالعات انجام شده در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نشان دهنده آن هستند که یک رابطه ای قطعی میان نرخ بیکاری و اقدام به خودکشی برقرار بوده (بلاکلی و همکاران^۱، ۲۰۰۳: ۵۹۴-۶۰۰) و افراد بیکار در خطر بالایی برای آسیب رساندن به خود قرار دارند (لین^۲، ۲۰۰۶). این نیز بدان علت است که بیکاری اعتماد به نفس را کاهش داده و در نتیجه بیماری های روانی، استرس جستجوی کار، ناتوانی در پرداخت هزینه های زندگی، قطع ارتباط با اجتماع و ... در فرد افزایش می یابد که هر یک از این موارد خود می تواند خطر ناشی از اقدام به خودکشی را افزایش دهد (پرتی^۳، ۲۰۰۳: ۵۵۷-۵۵۸). با این همه، مطالعات انجام شده تمایزات معنی داری را بین نرخ و عوامل خودکشی در مردان و زنان را نشان می دهند. به عنوان مثال، در دانمارک، هفت کشور آسیا و اقیانوسیه و اروپا ارتباط بین بیکاری و خودکشی را محدود به مردان دانسته اند (لین، ۲۰۰۶: ۷۲۷-۷۳۲). براساس آمار ارائه شده، نرخ خودکشی در مردان زیر ۴۵ سال انگلیس و ولز بین سال های ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۸ دو برابر شده که بیکاری از علت های آن بوده است (گونل و همکاران^۴، ۲۰۰۹؛ یانگ هوان نو، ۲۰۰۹). مطالعات متعدد دیگری نیز رابطه معنی داری را بین نرخ بیکاری و نرخ خودکشی نشان داده اند (پلات^۵، ۱۹۸۴؛ ماسانوری کیورکی، ۲۰۱۰). به عنوان مثال، این ارتباط در ژاپن بسیار قوی بوده است (چن و همکاران، ۲۰۱۲). علاوه بر آن، فقدان فرصت های اقتصادی و شغلی برای زنان، به ویژه در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته نیز، ممکن است بر سلامت و روان زنان تأثیر گذاشته و در نهایت به افزایش خطر اقدام به خودکشی بینجامد (کلدی و گراوند، ۱۳۸۱). در ایران نیز تفاوت الگوی اقدام به خودکشی بر اساس جنس به عنوان یکی از

نکات قابل توجه شناخته شده که در این زمینه میزان اقدام به خودکشی در زنان بیشتر بوده است (معماری و همکاران، ۱۳۸۵: ۴۷-۵۳). البته شایان ذکر است که بررسی خودکشی در میان زنان از حیث عوامل اقتصادی و بیکاری ناقص بوده و لازم است که عوامل جامعه شناختی و اجتماعی نیز مدنظر قرار گیرد عواملی نظیر: ازدواج های نامناسب که تفاوت های سنی در آن فاحش است، فرهنگ مردسالاری حاکم، نداشتن حق انتخاب همسر، فقر و بیکاری مردان، اعتیاد، همسرآزاری و آگاهی نداشتن نسبت به حقوق اجتماعی و قانونی، خشونت و به خصوص خشونت روانی از مقوله هایی است که به پدیده خودکشی در میان زنان دامن زده است.

در مجموع، بیکاری به علت ماهیت استرس زای خود ممکن است به آسیب پذیری روانی فرد در اجتماع انجامیده که این خود زمینه را برای اقدام به خودکشی فراهم خواهد نمود. (کن و همکاران، ۲۰۰۷) از سوی دیگر، بیکاری به طور غیرمستقیم و از طریق افزایش ریسک خطر خودکشی می تواند به خودکشی منجر شود (جونز و همکاران، ۱۹۹۷).

در زمینه بررسی اقتصادی خودکشی و به طور ویژه تأثیر بیکاری بر خودکشی، مطالعات متعددی صورت گرفته است. به عنوان نمونه یانگ (۱۹۹۲) نیز نشان داد که خودکشی نسبت به مشارکت نیروی کار حساس است. لستر^۶ (۱۹۹۵) نشان دادند که رفاه و بیکاری با خودکشی در ارتباط بوده و ورین^۷ (۱۹۹۶) نیز با تجزیه و تحلیل رابطه بین خودکشی و چرخه کسب و کار بیان می دارد که خودکشی با بیکاری رابطه مثبت دارد. رودریگز^۸ رودریگز^۸ (۲۰۰۵) در مطالعه خود با استفاده از روش داده های پانلی به این نتایج می رسد که نرخ خودکشی نسبت به میزان کار زنان و بیکاری حساس است. نیومایر^۹ (۲۰۰۴) با استفاده های از داده های دوره ۲۰۰۰ - ۱۹۸۰ برای آلمان و با استفاده از

^۱ Blakely & et al.

^۲ Leen

^۳ Pret

^۴ Gunnell & et al.

^۵ Platt

^۶ Lester

^۷ Viren

^۸ Rodriguez

^۹ Neumayer

گرفته اما بر اساس دانسته‌های محققان این مطالعه، پژوهشی با رویکردی صرفاً اقتصادی و به تفکیک مناطق در این حوزه در ایران صورت نگرفته و از این رو پژوهش حاضر مطالعه‌ای پیشگامانه در این راستا قلمداد می‌شود.

تمایزات منطقه‌ای در نرخ بیکاری و میزان خودکشی

همان‌گونه که پیش‌تر یادآوری گردید، مطالعات انجام شده، رابطه مثبت و معنی‌دار را بین نرخ بیکاری و میزان خودکشی به تفکیک مناطق نشان داده است. بر این اساس، این بخش می‌کوشد تا تمایزات احتمالی موجود در دو مقوله نرخ بیکاری و میزان خودکشی را به صورت منفک در استان‌های کشور ارائه نماید. همان‌گونه که مشاهده می‌شود در حالی که جدول (۱) نرخ بیکاری و میزان خودکشی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت استان را طی دو مقطع ۱۳۸۶ و ۱۳۸۹ به تفکیک استان‌های کشور به تصویر کشیده، جدول (۲) ویژگی‌های آماری متغیرهای مورد استفاده در مطالعه را طی دوره مورد بررسی ارائه نموده است. این ویژگی‌ها شامل میانگین، انحراف معیار و ضریب تغییرات متغیرهای نرخ بیکاری و میزان خودکشی در سال‌های مورد بررسی است. علاوه بر آن، نمودارهای (۱) و (۲) تمایزات منطقه‌ای در نرخ بیکاری مناطق کشور را در سال‌های ابتدایی و انتهایی مورد مطالعه و نمودارهای (۳) و (۴) این تمایزات را بر حسب خودکشی‌های صورت گرفته به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت در این مناطق به تصویر کشیده است.

روش رگرسیونی داده‌های پانلی (تابلویی) به این نتیجه می‌رسد که اشتغال رابطه منفی و معنی‌دار با خودکشی در آلمان داشته است. ایناگاکي^۱ (۲۰۱۰)، با استفاده از روش رگرسیونی سری زمانی برای دوره ۲۰۰۷ - ۱۹۵۱ به بررسی توزیع درآمد و خودکشی در ژاپن پرداخته که نتایج آن بیانگر آن است که میان نرخ بیکاری و میزان خودکشی رابطه مثبت و معنی‌داری برقرار است. بلاکلی و همکاران^۲ (۲۰۰۳)، نشان داده‌اند که بیکاری تأثیر معنی‌داری بر خودکشی داشته و علاوه بر آن، بیکاری بیشترین عامل خودکشی در سنین ۲۴-۱۸ شناخته شده است.

در ایران نیز با رویکردی جامعه‌شناختی این موضوع مورد تحلیل قرار گرفته و در برخی از این مطالعات به عوامل اقتصادی و از جمله بیکاری نیز اشاره شده است. به عنوان مثال، عنبری و بهرامی (۱۳۸۹)، در مطالعه خود با روش کیفی و مصاحبه‌ای در دوره ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۵ و برای روستاهای شهرستان پل‌دختر، فقر و بیکاری را به عنوان عوامل تأثیرگذار بر اقدام به خودکشی و خودکشی برشمرده و بیان می‌دارند که این دو عامل، منجر به منزوی شدن فرد، از دست دادن اعتماد به نفس، قطع رابطه با خانواده و گروه دوستان، احساس حقارت در فرد شده که این موارد زمینه را برای اقدام به خودکشی فراهم می‌نماید. جمشیدزاده (۱۳۸۲) در مطالعه خود به بررسی وضعیت و علل خودکشی در استان ایلام با تأکید بر عوامل خانوادگی پرداخته است. نتایج مطالعه او حاکی از آن است که میان افرادی که خودکشی کرده‌اند افراد بیکار و زنان خانه‌دار بیشترین قشر آسیب‌پذیر را تشکیل داده‌اند. سالاری لک (۱۳۸۵)، نیز در مطالعه خود با استفاده از آمار یک سال به توصیف و تحلیل کلیه موارد اقدام به خودکشی استان آذربایجان غربی پرداخته و یافته‌های او بیانگر آن است که اشتغال به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر اقدام به خودکشی قلمداد می‌شود. اگر چه پدیده خودکشی از زوایای دیگری نیز در ایران بررسی

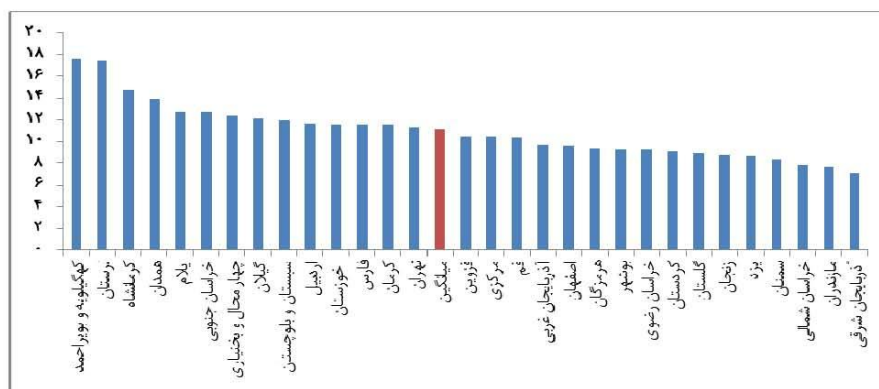
¹ Inagaki

² Blakely & et al.

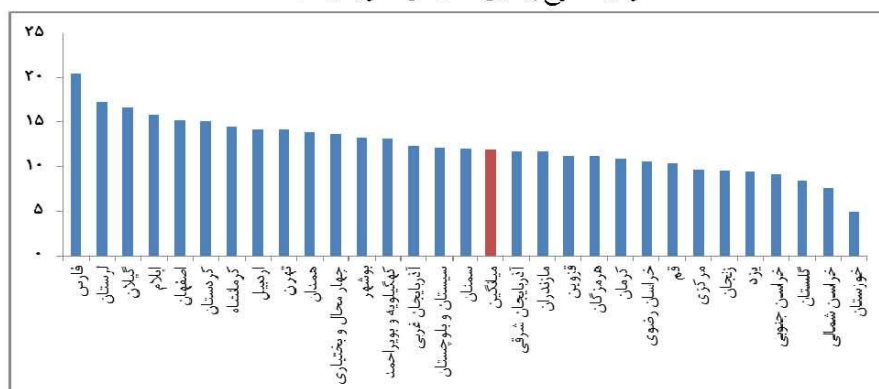
جدول ۱- نرخ بیکاری و میزان خودکشی به تفکیک استان های کشور طی مقاطع ۱۳۸۶ و ۱۳۸۹

استان	سال		نرخ بیکاری		میزان خودکشی**	
	۱۳۸۶	۱۳۸۹	۱۳۸۶	۱۳۸۹	۱۳۸۶	۱۳۸۹
آذربایجان شرقی	۷,۱	۱۱,۷	۰,۴۲	۰,۱۵		
آذربایجان غربی	۹,۷	۱۲,۴	۰,۴۷	۰,۴۲		
اردبیل	۱۱,۷	۱۴,۲	۰,۸۳	۰,۳۹		
اصفهان	۹,۶	۱۵,۳	۰,۱۷	۰,۳۳		
ایلام	۱۲,۷	۱۵,۸	۶,۹۲	۴,۵۶		
بوشهر	۹,۳	۱۳,۳	۰,۴۱	۰,۴۳		
تهران	۱۱,۳	۱۴,۲	۰,۲۹	۰,۳		
چهارمحال و بختیاری	۱۲,۴	۱۳,۶	۰,۶۳	۰,۵		
خراسان جنوبی	۱۲,۷	۹,۱	۰,۹۶	۰,۹۸		
خراسان شمالی	۷,۸	۷,۶	۰,۳۶	۰,۳۷		
خراسان رضوی	۹,۲	۱۰,۶	۰,۳۳	۰,۲۵		
خوزستان	۱۱,۶	۴,۹	۰,۴۱	۰,۲۶		
زنجان	۸,۸	۹,۶	۰,۵۰	۰,۵۳		
سمنان	۸,۴	۱۲	۰,۴۷	۰,۵۸		
سیستان و بلوچستان	۱۲	۱۲,۱	۰,۱۰	۰,۳۲		
فارس	۱۱,۶	۲۰,۵	۰,۵۵	۰,۲۹		
قزوین	۱۰,۴	۱۱,۲	۰,۲۳	۰,۴۴		
قم	۱۰,۳	۱۰,۴	۰,۲۹	۰,۳۷		
کردستان	۹,۱	۱۵,۱	۰,۶۰	۰,۵۱		
کرمان	۱۱,۶	۱۱	۰,۴۱	۰,۳۷		
کرمانشاه	۱۴,۷	۱۴,۵	۰,۹۸	۰,۷۱		
کهگیلویه و بویراحمد	۱۷,۶	۱۳,۲	۰,۹۶	۰,۶۶		
گلستان	۸,۹	۸,۵	۱,۳۹	۰,۷۹		
گیلان	۱۲,۱	۱۶,۷	۰,۳۳	۰,۴		
لرستان	۱۷,۵	۱۷,۳	۱,۱۵	۱,۳۵		
مازندران	۷,۷	۱۱,۷	۰,۸۰	۰,۳۲		
مرکزی	۱۰,۴	۹,۷	۰,۶۱	۰,۳۸		
هرمزگان	۹,۴	۱۱,۲	۰,۶۰	۰,۴۶		
همدان	۱۳,۹	۱۳,۹	۱,۱۱	۰,۳۹		
یزد	۸,۷	۹,۴	۰,۳۷	۰,۲۸		
میانگین	۱۱,۰۷	۱۱,۹۳	۰,۵۴	۰,۴۶		

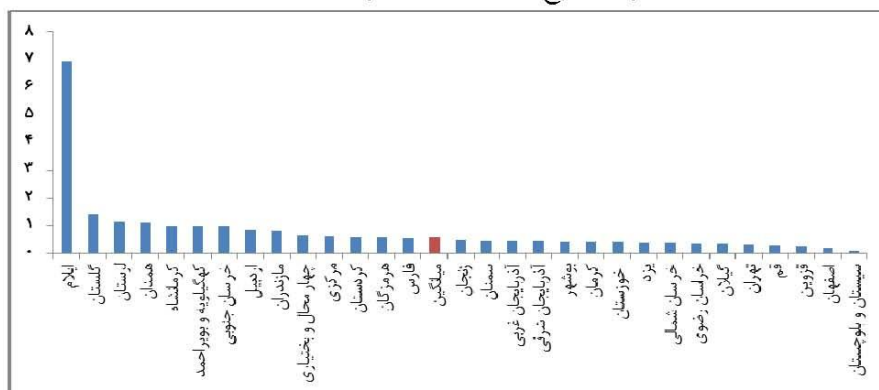
منبع: سالنامه های آماری ** به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت



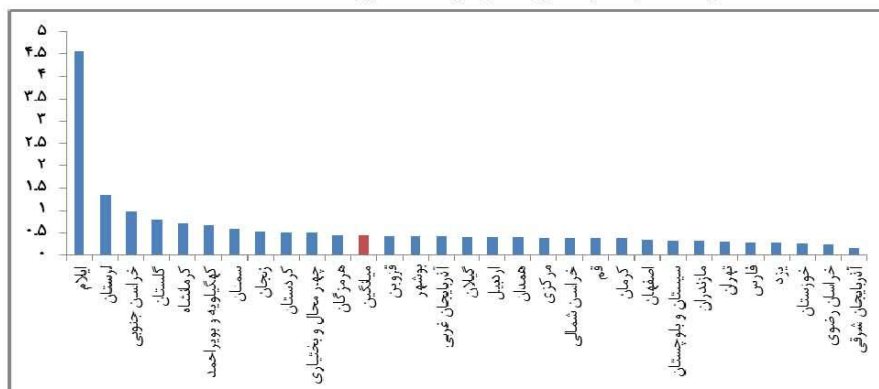
نمودار ۱- نرخ بیکاری استان‌های کشور در سال ۱۳۸۶



نمودار ۲- نرخ بیکاری استان‌های کشور در سال ۱۳۸۹



نمودار ۳- میزان خودکشی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت استان در سال ۸۶



نمودار ۴- میزان خودکشی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت استان در سال ۱۳۸۹

جدول ۲- آمار توصیفی متغیرهای مطالعه

میزان خودکشی			نرخ بیکاری		
میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات	میانگین	انحراف معیار	ضریب تغییرات
۰/۵۷	۱/۱۶	۲/۰۲	۱۱/۰۷	۲/۰۵	۰/۲۲۶
۰/۴۴	۰/۷۹	۱/۷۷	۱۰/۰۵	۲/۰۶	۰/۲۴
۰/۴	۰/۶۶	۱/۶۵	۱۱/۴۹	۳/۰۲	۰/۲۶
۰/۴۶	۰/۷۶	۱/۶۵	۱۱/۹۳	۳/۰۸	۰/۲۶

همان گونه که مشاهده می شود، اگرچه مقادیر میانگین و انحراف معیار هردو متغیر نرخ بیکاری و میزان خودکشی در سال های مورد بررسی دارای نوساناتی است اما در حالی که ضریب تغییرات میزان خودکشی در طی این دوره کاهش یافته است، ضریب تغییرات بیکاری دارای روندی نسبتاً افزایشی است این بدان معنی است در حالی که استان های کشور از نظر میزان خودکشی به سمت همگنی بیشتر پیش رفته اند، این موضوع در مورد نرخ بیکاری دارای روندی به سمت ناهمگنی بیشتر است. با این وجود، تمایزات منطقه ای عمده در نرخ بیکاری و میزان خودکشی استان های کشور را می توان در نمودارهای (۱)، (۲)، (۳) و (۴) مشاهده نمود. همان گونه که مشاهده می شود، اگرچه دامنه تغییرات نرخ بیکاری در مقطع ۸۶، ۱۰،۵ بوده است اما با گذشت تنها سه سال این دامنه به ۱۵،۶ افزایش یافته و به عبارتی ۱،۵ برابر شده است. این در حالی است که دامنه تغییرات در میزان خودکشی و در فاصله این مقطع زمانی با ۵۰ درصد کاهش از حدود ۶،۸ به ۴،۴ کاهش داشته است. با این وجود، همچنان تمایزات منطقه ای از هر دو حیث در استان های کشور قابل مشاهده بوده و از این رو می توان انتظار داشت که ارتباط بین این دو متغیر نیز ارتباط معنی دار باشد. موضوعی که ادامه مقاله به بررسی آن اختصاص یافته است.

روش تحقیق، معرفی و تخمین الگو

اگر چه براساس بررسی های انجام شده نرخ خودکشی مردان و زنان در ایران از بسیاری از نقاط دنیا به ویژه اکثر کشورهای قاره اروپا، آمریکای شمالی و اقیانوسیه پایین تر است، اما باید توجه داشت که ایران با قرار گرفتن در مرحله گذار دارای نرخ خودکشی بالاتری از بسیاری از کشورهای خاورمیانه است. در این میان، نرخ بالای بیکاری در کشور از معضلاتی است که می تواند موجب یأس و سرخوردگی در بسیاری از جوانان به ویژه قشر تحصیل کرده گردیده و زمینه را در افزایش میزان خودکشی فراهم نماید. بر این اساس، این مطالعه می کوشد تا ارتباط میان نرخ بیکاری و میزان خودکشی را به تفکیک مناطق ایران مورد بررسی و کنکاش قرار دهد. از این رو، مطالعه حاضر از نوع کاربردی و روش آن تحلیلی- استنباطی است و روش جمع آوری داده ها نیز به صورت کتابخانه ای می باشد. تعداد اقدام به خودکشی و نرخ بیکاری به تفکیک استان های کشور و طی سال های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹ داده های اولیه این پژوهش را تشکیل می دهند که از سالنامه های آماری منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران استخراج گردیده اند. متغیر وابسته مدل تعداد اقدام به خودکشی به ازای هر ۱۰۰۰۰ جمعیت استان بوده و نرخ بیکاری که به صورت نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال (شاغل و بیکار) تعریف شده است، به عنوان متغیر توضیحی در نظر گرفته شده است. لازم به یادآوری است از آن جا که هدف مقاله، بررسی ارتباط میان خودکشی و بیکاری بوده و دوره

تعیین مدل رگرسیونی پولینگ است یا خیر. نتایج حاصل از بررسی این آزمون برای داده‌های مطالعه حاضر در جدول (۳) به تصویر کشیده شده است.

جدول ۳- نتیجه آزمون لیمر

$F_{Leamer}=38,28$	$Prob>F=0,0021$
--------------------	-----------------

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌گونه که از جدول فوق مشاهده می‌شود، با توجه به اینکه مقدار احتمال به دست آمده F لیمر (۰/۰۰۲۱) کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، از این رو می‌توان فرضیه صفر مبنی بر پولینگ بودن مدل را رد نموده و در نتیجه فرضیه پانل بودن را پذیرفت. پس از مشخص شدن روش مورد تخمین، برای آن‌که بتوان بین روش‌های اثرات ثابت و اثرات تصادفی از نظر قدرت توضیح‌دهندگی متغیر وابسته مقایسه‌ای انجام داد، از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. نتیجه این آزمون در جدول (۴) نشان داده شده است.

جدول ۴- نتیجه آزمون هاسمن

$Prob>Chi^2=0,0183$	$\chi^2(1)=4,31$
---------------------	------------------

منبع: یافته‌های تحقیق

از آنجایی که مقدار احتمال به دست آمده (۰/۰۱۸۳) کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، تخمین مدل با اثرات ثابت مورد تأیید قرار می‌گیرد. پیش از برآورد مدل لازم است تا مانایی تمامی متغیرهای مورد استفاده بررسی شوند. لیکن در این تحقیق به علت محدود بودن دوره زمانی امکان آزمون ریشه واحد وجود نداشته و نتایج آزمون‌های ریشه واحد معتبر نمی‌باشد. لذا در این تحقیق ضرورتی به انجام آزمون‌های ریشه واحد تابلویی نمی‌باشد و از این رو آزمون هم انباشتگی پانلی نیز ضرورتی ندارد (Baltagi, 2005). از سوی دیگر و پس از بررسی مانایی داده‌ها به علت ماهیت داده‌های تلفیقی که این امکان وجود

مورد بررسی نیز به علت عدم امکان دسترسی به داده‌های خودکشی به صورت پیوسته، به چهار سال محدود شده است، به علت محدودیت دوره زمانی متدلوژی و روش اقتصادسنجی به کار گرفته شده در این پژوهش، روش تخمین رگرسیونی با استفاده از ترکیب داده‌های سری زمانی و مقطعی (داده‌های تلفیقی) می‌باشد که در آن داده‌های سری زمانی با داده‌های مقطعی ترکیب شده و داده‌های حاصل دارای ویژگی‌های هر دو دسته سری زمانی و مقطعی می‌باشند که در این مطالعه استان‌های کشور به عنوان مقاطع و دوره ۱۳۸۹-۱۳۸۶ نیز به عنوان سری زمانی در نظر گرفته شده است.

برای بررسی رابطه میان بیکاری و خودکشی در کشور، براساس مبانی نظری و با توجه به مطالعات تجربی صورت گرفته در این حوزه و با تأکید بر مطالعه ایناگاکي^۱ (۲۰۱۰)، الگوی تجربی مطالعه حاضر به صورت معادله (۱) معرفی می‌گردد که در آن i و t به ترتیب بیانگر استان‌های کشور و زمان، a_i عرض از مبدا مقاطع مختلف، β_i ضرایب متغیر مستقل، U نرخ بیکاری که به صورت نسبت افراد بیکار به افراد فعال اقتصادی (شاغل و بیکار) ضرب در ۱۰۰ تعریف شده و ε_{it} جمله اخلاص مدل می‌باشد. همچنین، متغیر وابسته Su ، به صورت میزان خودکشی به ازای هر ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت استان تعریف شده است.

$$Su_{it} = a_i + \beta U_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

تخمین مدل و تفسیر نتایج

در مطالعات صورت گرفته با استفاده از داده‌های تلفیقی لازم است تا پیش از برآورد مدل و با توجه به ویژگی‌هایی که داده‌های تلفیقی برخی آزمون‌ها در خصوص داده‌ها مورد بررسی قرار گیرد. یکی از مهم‌ترین آزمون‌ها، آزمون لیمر برای انتخاب بین روش‌های مدل رگرسیونی پانل و پولینگ می‌باشد. این آزمون مشخص می‌نماید که آیا ضرایب تعیین رگرسیون با استفاده از اثرات ثابت به صورت معنی‌داری بزرگ‌تر از ضریب

¹ Kazuyuki Inagaki

دارد که در مطالعات مبتنی بر این نوع داده ها، مشکل ناهمسانی واریانس بروز نماید و با توجه به تأثیر مهم ناهمسانی واریانس بر برآورد، انحراف معیار و در نتیجه استنباط آماری، لازم است تا قبل از پرداختن به هرگونه تخمین وجود یا عدم وجود ناهمسانی واریانس مشخص شود. برای آزمون برابری واریانس ها در داده های تابلویی، آزمون نسبت درست نمایی (LR^1) مورد استفاده قرار می گیرد.

جدول ۵- آزمون نسبت درست نمایی

Prob>Chi ²	LR Chi ² (۳۱)
۰,۰۰۱۲	۳۶۱,۶

منبع: یافته های تحقیق

با توجه به جدول ۶ که نتایج حاصل از تخمین مدل پژوهش را ارائه می دهد، ملاحظه می شود از آنجا که مقدار احتمال آماره کل مدل ($Prob= ۰/۰۱۳$) کمتر از $۰/۰۵$ می باشد، لذا معنی دار بودن کلی مدل مورد تأیید قرار می گیرد. از سوی دیگر و با بررسی نتایج تخمین در مدل مورد استفاده در پژوهش مشاهده می شود که، با توجه به ضریب برآورد شده ($۰,۳۶۳۶۹۳$) و مقدار احتمال ($۰,۰۰۴$) برای متغیر بیکاری رابطه ای مثبت و معنی دار میان بیکاری و اقدام به خودکشی برقرار می باشد. با توجه به این نتیجه می توان بیان داشت که در کشور و به تفکیک مناطق آن، به ازای هر ۱ درصد افزایش در نرخ بیکاری، میزان اقدام به خودکشی نیز به تبع به مقدار حدود $۰,۳۶$ درصد افزایش می یابد.

جمع بندی و پیشنهادات

خودکشی، با همه ناپسندی، اما واقعیتی جهانی با روندی رو به رشد است. در ایران نیز، اگر چه اقدام به خودکشی طی دهه ۸۵-۱۳۷۵ حدود $۲۷/۵$ درصد افزایش یافته و از ۲۸۱۸ مورد در سال ۱۳۷۵ به ۳۵۹۴ مورد در سال ۱۳۸۵ رسیده است، اما این میزان با کاهشی $۱۳/۵$ درصدی طی پنج ساله بعدی به ۳۰۱۶ مورد در سال ۱۳۸۹ تنزل یافته و این کاهش، علی رغم افزایش جمعیت در این دوره است. با این وجود، آمارهای موجود اگرچه نشان دهنده میزان خودکشی نسبتاً پایین در ایران و در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان است اما، براساس آمارهای منتشره، ایران در زمینه خودکشی زنان در رتبه سوم جهانی قرار داشته است. علت این امر را نیز می توان در عوامل جامعه شناسختی و اجتماعی دانست. عواملی نظیر: ازدواج های نامناسب که تفاوت های سنی در آن فاحش است، نداشتن حق انتخاب همسر، اعتیاد، همسرآزاری و آگاهی نداشتن نسبت به حقوق اجتماعی و قانونی، خشونت و به خصوص خشونت روانی از مقوله هایی است که به پدیده خودکشی در میان زنان دامن زده است. از سوی دیگر، در برخی از موارد، فقر و بیکاری به ازدواج اجباری دختران خانواده های با وضعیت مالی

از آن جا که Prob محاسبه شده کمتر از $۰,۰۵$ می باشد، لذا فرضیه صفر مبنی بر واریانس همسانی جملات اخلال رد شده و در نتیجه مدل دارای واریانس ناهمسانی می باشد. لذا، باید به گونه ای مدل را برآورد نمود که مشکل ناهمسانی واریانس برطرف گردد. بنابراین، با توجه به آن که یکی از روش های رفع مشکل ناهمسانی واریانس ها، برآورد مدل به روش حداقل مربعات تعمیم یافته 2 (GLS) می باشد (گجراتی، ۱۳۹۰). با این روش، در صورت وجود خود همبستگی در مدل، این مشکل نیز رفع خواهد شد. پس از انجام آزمون های داده های مدل به تخمین مدل و ارائه نتایج آن پرداخته خواهد شد.

جدول ۶- نتایج تخمین به روش GLS (نرم افزار STATA)

متغیر	ضریب برآورد شده	Std. Err	Z	P> z
نرخ بیکاری	۰,۳۶۳۶۹۳	۰,۰۱۱۱۹۸۷۴	۳,۱۲	۰,۰۰۴
عرض از مبدأ	-۰,۰۲۷۶۵۴۳۲	۰,۱۴۷۶۵۳۴	-۰,۹۱	۰,۴۳۷
Prob= ۰,۰۱۳	$\chi^2 = ۱۸,۰۹$			

منبع: محاسبات محقق

¹ Likelihood Ratio

² Generalized Least Squares

و اقتصادی نامناسب منجر می‌شود و سپس این امر و نارضایتی از انتخاب همسر خودسوزی آنها را بدنبال دارد.

با توجه به مطالب بیان شده و اهمیت موضوع خودکشی در کشور، بررسی این پدیده اجتماعی از هر حیث اهمیت یافته و در این میان باید تمامی ابعاد خودکشی نظیر عوامل جامعه‌شناختی و جامعه‌شناسی و روان‌شناسی را مدنظر قرار داد که در این بین نقش و رابطه میان مسائل اقتصادی و بروز خودکشی، نقشی اساسی است چرا که؛ عوامل اقتصادی خود بر عوامل اجتماعی و بر فرد و جامعه تأثیرگذار بوده و میان این دو حوزه رابطه وجود دارد. بر این اساس، این مقاله کوشیده است تا با بررسی رابطه میان مسائل اقتصادی - که بیکاری به عنوان نمودی از آن تلقی می‌شود- و معضلات اجتماعی -که خودکشی نمود بارزی از آن است- بپردازد. در این مطالعه پس از بیان دیدگاه جامعه‌شناختی و نظریه دورکیم، به بیان نظریه هامریش که نخستین دیدگاه اقتصادی محض در خصوص خودکشی است، پرداخته شد. سپس روش تحقیق بیان شد و در پایان نیز مدل و الگوی پژوهش برآورد گردید که نتایج به دست آمده حاکی از رابطه‌ای معنی‌دار بین بیکاری مناطق کشور و میزان خودکشی آنها است. به عبارت دیگر با افزایش نرخ بیکاری در مناطق کشور به تبع و به موجب آن میزان خودکشی نیز افزایش یافته است. بر این اساس، از حیث سیاست‌گذاری اگر چه نمی‌توان و نباید تمامی علل خودکشی را با عوامل اقتصادی و به ویژه نرخ بیکاری تبیین نمود اما، نمی‌توان از رابطه معنی‌دار میان عوامل اقتصادی و این پدیده نیز صرف نظر کرد. از این رو، تعیین سهم عوامل اقتصادی در خودکشی موضوعی است که در مباحث امنیتی از هر حیث ضروری است.

منابع

تایلر. (۱۳۷۸). *جامعه‌شناسی خودکشی*، ترجمه: علی موسی‌نژاد، اصفهان: انتشارات اصفهان.

ترنر، جانانان و لئوناردو بیگلی. (۱۳۷۱). *پیدایش نظریه جامعه‌شناسی*، ترجمه: عبدالعلی لهسانی‌زاده، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.

جمشیدزاده، فرخ لقاء. (۱۳۸۲). *بررسی روند تغییر برخی ویژگی‌های موارد خودکشی و اقدام به خودکشی در استان ایلام طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۷۳*، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران.

دورکیم، امیل. (۱۳۷۸). *خودکشی*، ترجمه: نادر سالارزاده امیری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

سالاری لک شاکر و همکاران. (۱۳۸۵). «بررسی میزان و عوامل مؤثر بر رخداد خودکشی طی یک سال در استان آذربایجان غربی»، *مجله دانشگاه علوم پزشکی کرمان*، ش ۱۳، سومین کنگره اپیدمیولوژی، ص ۱۰۳. شیخاوندی، داور. (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: نشر موندیز.

عنبری، موسی و اردشیر، بهرامی. (۱۳۸۹). «بررسی آثار فقر و خشونت بر میزان خودکشی در ایران مورد مطالعه: روستاهای شهرستان پلدختر»، *مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران*، سال ۱، ش ۲، ص ۱-۲۹.

کلدی، علیرضا و اردشیر گراوند. (۱۳۸۱). "بررسی خودکشی در شهرستان کوه‌دشت"، *مجله رفاه اجتماعی*، شماره ششم، ص ۲۷۵-۲۹۳.

کوزر، لوئیس. (۱۳۷۹). *زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی*، ترجمه: محمد ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.

کیویستو، پیتر. (۱۳۷۸). *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

گجراتی، دامور. (۱۳۹۰). *مبانی اقتصادسنجی*، ترجمه: حمید ابریشمی، جلد دوم، چاپ هفتم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۳). *بررسی علل و عوامل مؤثر بر نرخ خودکشی در استان ایلام*، کارفرما استانداری

- Gunnell, D. Lopatzidis, A. Dorling, D. Wehner, H. Southall, H. Frankel, S. (2009) "Suicide and Unemployment in Young People: Analysis of Trend in England and Wales, 1921-1995", *Br J Psychiatry*, P 263-270.
- Johansson, S.E and Sundquist, J (1997), Unemployment Is an Important Risk Factor for Suicide in Contemporary Sweden: an 11-Year Follow-up Study of a Cross-sectional Sample of 37 789 People, *Public Health*, Vol. 111, Issue 1, P 41-45.
- Hamermesh, Daniel S. and Neal M. Soss, (1974) "An Economic Theory of Suicide", *Journal of Political Economy*, Vol. 82, p 83-98.
- Hawton, K. Zahl, D. Weatherall, R. (2003) "Suicide Following Deliberate Self-Harm: Long-Term Follow-up of Patients who Presented to a General Hospital". *Br J Psychiatr*, No. 182, p 537-542.
- Ken Inoue et al. (2007), The Correlation between Unemployment and Suicide Rates in Japan between 1978 and 2004, *Legal Medicine*, Vol. 9, Issue 3, P 139-142.
- Lester David, (1995) "Explaining Regional Differences in Suicide Rates", *Social Science & Medicine*, vol.40, Issue 5, P 719-721.
- Lin, S.J. (2006) "Unemployment and Suicide: Panel Data Analyses", *The Social Science Journal*, No. 43(4), p 727-732.
- Inagaki Kazuyuki, (2010) "Inequality and the Suicide Rate in Japan: Evidence from Cointegration and LA-VAR", *Journal of Applied Economics*, Vol. XIII, No. 1, p 113-133.
- Masanori Kuroki (2010), Suicide and Unemployment in Japan: Evidence from Municipal Level Suicide Rates and Age-specific Suicide, *The Journal of Socio-Economics*, Vol. 39, Issue 6, P 683-691.
- Neumayer, Eric. (2004) "Recessions Lower (some) Mortality Rates: Evidence from Germany", *Social Science & Medicine*, vol. 58, p 1037-1047.
- Preti, A. (2003) "Unemployment and Suicide", *Journal of Epidemiology and Community Health*, No. 57(8), p 557-558.
- Platt, S.D. (1984) "Unemployment and Suicidal Behavior", *Social Science and Medicine*, vol. 19, p 93-115.
- Rosriguez, (2008) *Relationship between the Economy, Unemployment and Suicide*, Prepared by the Suicide Prevention Resource Center.
- Rodriguez, A.A. (2005) "Income Inequality, Unemployment and Suicide: A Panel Data Analysis of 15 European Countries", *Applied Economics*, vol. 37, P 439-451.
- ایلام، مجری طرح: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران
- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۶-۱۳۸۹). *سالنامه های آماری برای سال های مورد بررسی در مطالعه*.
- معماری، اشرف الملوک و همکاران. (۱۳۸۵). «بررسی علل خودکشی در زنان متأهل»، *مجله دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران، حیات، دوره ۱۲، ش ۱، ص ۴۷-۵۳*.
- Ajdacic Gross, V. Weiss, M.G. Ring, M. Hepp, U. Bopp, M. Gutzwiller, F. & Rössler, W. (2008) "Methods of Suicide: International Suicide Patterns Derived from the WHO Mortality Database", *Bulletin of the World Health Organization*, No. 86(9), p 657-736
- Antonio, Rodríguez. (2006) *Inequality and Suicide Rates: A Cross-Country Study*, *Institute for Advanced Development Studies*, Development Research Working Paper Series.
- Bijou Yang, David Lester, Chung-Hsin Yang, (1992) "Sociological and Economic Theories of Suicide: A Comparison of the U.S.A. and Taiwan", *Social Science & Medicine*, Vol.34, Issue 3, P 333-334.
- Baltgi, B.H. (2005) *Econometric Analysis of Panel Data*, (Third Ed.), John Wiley & Sons.
- Bertolote, J.M. Fleischmann, A. (2002) "A Global Perspective in the Epidemiology of Suicide", *Suicidology*, Vol.7, Issue 2, p75-92.
- Blakely, Tony A. Sunny, C.D. Collings, and June Atkinson. (2003) "Unemployment and Suicide: Evidence for a Causal Association?" *Journal of Epidemiology and Community Health*, Vol. 57, p. 594-600.
- Brainerd, Elizabeth. (2001) "Economic Reform and Mortality in the Former Soviet Union: A Study of the Suicide Epidemic in the 1990s", *European Economic Review*, vol. 45, p 1007-1019.
- Chen, Joe, Yun Jeong Choi, and Yasuyuki Sawada (2009) "How Is Suicide Different in Japan?", *Japan and the World Economy*, vol. 21, p 140-150.
- Chen & et al. (2012) "Recession, Unemployment and Suicide in Japan", *Japan Labor Review*, vol. 9, No 2, p75-92.
- Daly, Mary C. and Daniel, J. Wilson, (2009) "Happiness, Unhappiness, and Suicide: an Empirical Assessment", *Journal of the European Economic Association*, Vol. 7, p539-549.

- Suzuki, T. (2008) "Economic Modelling of Suicide under Income Uncertainty: For Better Understanding of Middle-Aged Suicide". *Australian Economic Papers*, p 296-310.
- Viren, M. (1996) "Suicide and Business Cycles: Finnish Evidence", *Applied Economics Letters*, vol. 3, 737-738.
- WHO Programs and projects, Suicide prevention (SUPRE), (2008) World Health Organization: Geneva.
- World Health Organization, (2002) *World Health Report on Violence and Health*, Geneva: WHO.
- Yong-Hwan Noh (2009), Does Unemployment Increase Suicide Rates? The OECD Panel Evidence, *Journal of Economic Psychology*, Volume 30, Issue 4, Pages 575-582.

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی

سال چهارم، شماره پیاپی ۹، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۳

صص ۱۶۷-۱۸۲

تأثیر پیشگیری غیرکیفری بر میزان احساس امنیت در میان جوانان شهر بروجرد

هنگامه غضنفری، استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد

محمد مهدی قاسمی کیا، کارشناس ارشد جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد*

چکیده

امنیت از جمله نیازهای بنیادی و طبیعی بشری و دارای دو بعد عینی و ذهنی-روانی است که در این مطالعه بعد ذهنی آن (احساس امنیت) مدنظر است. احساس امنیت به عنوان یک پدیده روان‌شناختی-اجتماعی، تحت تأثیر تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم افراد از شرایط متفاوت اجتماعی است که انسان‌ها برای دستیابی به زندگی سالم و تداوم روابط اجتماعی نیازمند آن هستند. هدف اصلی این پژوهش، بررسی میزان احساس امنیت در بین جوانان شهر بروجرد می‌باشد که این میزان در ارتباط با تأثیر پیشگیری غیرکیفری بر میزان امنیت مورد سنجش قرار گرفته است. جامعه آماری این پژوهش متشکل از کلیه افراد (۱۴-۲۹) سال ساکن شهر بروجرد می‌باشد و روش تحقیق در بخش نظری از روش کتابخانه‌ای و در بخش آماری از نوع توصیفی-پیمایشی بوده و ابزار اندازه‌گیری از نوع پرسشنامه با طیف لیکرت (از خیلی کم تا خیلی زیاد) می‌باشد. حجم نمونه با استفاده از فرمول عمومی کوکران؛ ۳۸۴ نفر حاصل شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها توسط نرم‌افزار spss و با آمار توصیفی و تحلیلی انجام گرفته است. نتایج به دست آمده بیانگر آن است که مردم با دید مثبتی به برنامه‌های پیشگیری غیرکیفری از جرم نگاه کرده و تأثیر آنها را بر سالم‌سازی محیط و امنیت اجتماعی بسیار مثبت ارزیابی کرده‌اند. از میان مشخصات فردی: جنسیت، وضعیت تأهل، منطقه سکونت، سن و سطح تحصیلات؛ فقط دو متغیر جنسیت و وضع تأهل در میزان احساس امنیت اثرگذار بوده است و از خود رابطه معنادار نشان داده و بقیه متغیرها در این تحقیق رد شده است.

واژه‌های کلیدی: امنیت، احساس امنیت، امنیت اجتماعی، پیشگیری غیرکیفری، جرم‌شناختی

مقدمه

امنیت از دوران کهن مهم‌ترین دغدغه انسان‌ها بوده است. از زمان انسان‌های اولیه، امنیت به عنوان اساسی‌ترین رکن زندگی پس از آب و غذا مطرح بوده است. شاید غارنشینی انسان‌های اولیه به عنوان اولین تحول زندگی انسان روی کره زمین در پی این نیاز بوده است تا مأوا و مأمنی برای دوری از خطرات دائمی زندگی ایجاد کند. امنیت در فرهنگ فارسی به معنای آزادی، آرامش، فقدان ترس و عدم هجوم دیگران آمده است. (فرهنگ معین، ج ۱: ۳۵۴) و (فرهنگ عمید، ج ۱: ۲۷۵) در فرهنگ علوم رفتاری نیز دو معنا از این واژه ارائه شده است، اول حالتی که در آن ارضای احتیاجات و خواسته‌های شخصی انجام می‌شود و دوم احساس ارزش شخصی، اطمینان خاطر، اعتماد به نفس و پذیرشی که در نهایت از سوی طبقه‌های اجتماعی نسبت به فرد اعمال می‌شود (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۲). لذا امنیت یا احساس امنیت ممکن است برای طبقات مختلف جامعه در یک سطح نباشد و قشر خاصی از جامعه احساس امنیت کمتری نسبت به دیگران داشته باشند به عبارت دیگر، منافع خود را بیش از دیگران در معرض خطر یا تهدید ببینند. پژوهش حاضر، عوامل مؤثر در احساس امنیت اجتماعی قشر جوان (گروه سنی ۲۹-۱۴ سال) را که تقریباً آسیب‌پذیرترین قشر جامعه از نظر جرم‌شناسی می‌باشند، مورد مطالعه قرار داده است. گردآوری اطلاعات به صورت پیمایشی و کتابخانه‌ای انجام شده و حدود ۳۸۴ نفر از جوانان شهر بروجرد به صورت تصادفی انتخاب شده و احساس امنیت اجتماعی آنها نسبت به مسایل مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. یکی از بهترین روش‌ها برای تأمین امنیت اجتماعی، پیشگیری از وقوع جرم است. در معنای عام پیشگیری از جرم هر اقدامی است که جلوی ارتکاب جرم را بگیرد و می‌تواند جنبه کیفری یا غیرکیفری داشته باشد. به دیگر سخن، هرآنچه علیه جرم باشد و سبب کاهش نرخ بزهکاری گردد در گستره معنای عام پیشگیری از جرم قرار دارد. پیشگیری از جرم در معنای خاص پیشگیری از بزهکاری، مجموعه اقدامات غیرقهرآمیزی

است که برای تحقق هدفی ویژه یعنی؛ مهار بزهکاری، کاهش احتمال وقوع جرم، کاهش شدت بزه در مورد علل جرایم اتخاذ می‌شود. احساس امنیت اجتماعی نمایشی از تلاش دستگاه‌های پیشگیری کننده از ناامنی و بی‌نظمی، برای اداره جامعه سالم است. در قسمت اول این پژوهش پژوهشگر به پیشینه و مبانی نظری موضوع پژوهش و بررسی تحقیقات انجام گرفته پرداخته و در بخش بعدی اطلاعات لازم را در قالب پرسشنامه از جامعه آماری مورد نظر جمع‌آوری نموده و نتایج حاصله را از نظر اینکه آیا واقعاً عدم احساس امنیت ناشی از عدم امنیت است یا دلایلی غیر از وجود یا عدم امنیت می‌تواند در احساس امنیت دخیل باشد؟ و عوامل مؤثر بر این احساس چیست؟ در این راستا راه‌های پیشگیری غیرکیفری از جرایمی را که به عدم امنیت در بین جوانان شهر بروجرد منجر می‌شوند مورد بررسی قرار داده است.

مبانی نظری

احساس امنیت را «احساس آزادی نسبی از خطر» دانسته‌اند و در یک طبقه‌بندی کلی به معنای فقدان ترس و نگرانی در ابعاد مالی، فکری و روانی شهروندان است. (بیات، ۱۳۸۸) به لحاظ روش‌شناسی احساس امنیت سازه چند بعدی است و در ارتباط با شرایط اجتماعی و افراد مختلف به گونه‌های متفاوت ظهور یافته و به اشکال مختلف قابل سنجش و اندازه‌گیری است. بنابراین، احساس امنیت با بسیاری از عناصر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ارتباط می‌یابد. تعبیر درست و نادرست افراد و تجارب آنان از شرایط اجتماعی، همواره احساس امنیت را در طیفی از احساس امنیت درست و واقعی یا کاذب و غیرواقعی قرار می‌دهد. امنیت اجتماعی یک فرآورده دولتی نیست و به جای نگاه به رأس هرم به قاعده آن، یعنی شهروندان، معطوف است که توان ایجاد و گسترش امنیت به شکل مدنی آن را دارا هستند. در این میان بنیادهای اجتماعی و فرهنگی از متغیرهای اصلی توفیق ایجاد امنیت اجتماعی و احساس امنیت می‌باشند. روند طبیعی

نهایتاً از سوی طبقات اجتماعی نسبت به فرد اعمال می‌شود (شعاری‌نژاد، ۱۳۸۲)

امنیت اجتماعی و احساس امنیت

در واقع، امنیت اجتماعی یک موضوع هویتی و نوعی تئوری مطرح در سیاست داخلی کشورها و حتی روابط بین‌الملل است. البته، آنچه در این جا مدنظر است هویت اجتماعی است، هویت اجتماعی به مجموع ویژگی‌هایی گفته می‌شود که فرد به واسطه آنها خودش را به عنوان عضو یک گروه قلمداد می‌کند و بر همین اساس، دیگران را از گروه خود متمایز می‌کند. در مجموع، می‌توان گفت: سه مفهوم امنیت اجتماعی، امنیت هویت و امنیت جامعه‌ای تقارن مفهومی دارند و مصادیق افرادی هستند که به لحاظ اشتراک در پاره‌ای ویژگی‌ها، عنوان «ما» را به خود منتسب می‌دانند. این ویژگی‌های مشترک می‌تواند خاستگاه طبیعی (جنسیت) یا منشأیی اجتماعی (ملت) داشته باشند. در واقع، ویژگی‌های مشترک که به تعبیری هویت نامیده می‌شوند، موضوع مورد بحث امنیت اجتماعی نیز است. نتیجه اینکه امنیت اجتماعی را می‌توان چنین تعریف نمود: «عدم ترس، خطر و هراس در حفظ و نگهداری ویژگی‌های مشترک گروه اجتماعی چون مذهب، زبان و سبک زندگی».

ابعاد امنیت اجتماعی

امنیت را در ابعاد و زوایای مختلفی می‌توان بررسی و تحلیل کرد، آن چه که در این پژوهش به آن توجه می‌شود تقسیم آن به بعد عینی (امنیت واقعی) و بعد ذهنی (احساس امنیت) است.

بعد عینی امنیت اجتماع

این بعد از امنیت به کمیت جرایم، آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی در جامعه می‌پردازد که تغییرات در میزان آنها، امنیت جامعه را تغییر می‌دهد. بی تردید تأثیر امنیت بر بزهکاری از دل‌مشغولی‌های نظری و تجربی اهل نظر بوده و در این راستا

زندگی اجتماعی که ناشی از سرشت منظم انسان‌هاست در واقع، باید بر پایه نظم استوار باشد، زیرا نهاد انسان متأثر از نظام موجود در آفرینش می‌باشد. ولی گروهی از افراد در اجتماع همواره رفتاری خلاف روال عادی و در تعارض با ارزش‌های اجتماعی دارند و به فراخور اندیشه و نیت خود موجبات تزلزل و ناامنی را در بخش‌هایی از جامعه فراهم می‌کنند. از آنجا که جامعه در راستای تأمین آرامش و امنیت خود تمامی اقدامات لازم را به عمل می‌آورد و جرم نیز، پدیده اجتناب‌ناپذیر سازمان اجتماعی است که باید با راهکارها، سعی در کاهش وقوع جرم داشت نه از بین بردن آن، در این خصوص لازم است با پدیده ناامنی، بزهکاری، جرم و مجرم مقابله کند. از طرفی بهترین روش برای تأمین امنیت اجتماعی و ملی، پیشگیری از وقوع جرم است به همین علت به منظور جلوگیری از ناامنی و افزایش ضریب امنیت اجتماعی، دولت‌ها و نهادهای مسئول درصدد کنترل و کاهش جرایم از طریق برنامه‌های پیشگیری بوده‌اند. در نتیجه بر اساس مبانی علمی جرم‌شناسی برای پی‌بردن به موفقیت برنامه‌های پیشگیری از وقوع جرم باید با استفاده از شاخص‌ها، میزان موفقیت در برنامه‌ها را مورد ارزیابی قرار داد، که در ادامه با تأکید بر نقش پیشگیری غیرکیفری آن را مورد بحث قرار می‌دهیم.

امنیت

در قاموس‌های فارسی به معنی «آزادی، آرامش، فقدان ترس و عدم هجوم دیگران آمده است» (کوچکی، ۱۳۶۸). واژه امنیت را در فارسی، «ایمن شدن»، «درمان بودن» (معین، ۱۳۷۵)، «بی‌بیمی» و «ایمنی و آرامش و آسودگی» (فرهنگ عمید، ج ۱: ۲۷۵) و در عربی آن را «ایمنی»، «آرامش قلب و خاطر جمع بودن» (قریشی، ۱۳۶۱) معنا کرده‌اند. در فرهنگ علوم رفتاری دو معنا از این واژه ارائه شده است ۱- حالتی که در آن، ارضای احتیاجات و خواسته‌های شخصی انجام می‌پذیرد ۲- احساس ارزش شخصی، اطمینان خاطر، اعتماد به نفس و پذیرشی که

طریق اخذ نظرات و سنجش احساسات شهروندان می‌باشد. وجود دو چهره متفاوت عینی و ذهنی از امنیت سبب گشته تا ادبیات ناهمگنی حول این مفهوم شکل گیرد که برخی آن را عینی دانسته و صرفاً برای داشتن امنیت، تسلیحات نظامی را لازم می‌دانند و برخی دیگر آن را در توسعه اقتصادی و انسانی متوازن جامعه جستجو می‌کنند.

امنیت قابل قبول و احساس امنیت

با بررسی‌های انجام شده، احساس عدم امنیت در برخی کشورها به واسطه نوع حکومت، افزایش بزهکاری، عدم کنترل مجرمان، ناکارآمدی نیروهای پلیس، محرومیت اقتصادی و اجتماعی، تبعیض، بی‌عدالتی قضایی و ناشی از عدم امنیت جانی، فکری، مالی و روانی در جامعه است و به طور طبیعی، فقدان امنیت، احساس آن را در شهروندان کاهش خواهد داد. لیکن برخی از جوامع با وجود امنیت قابل قبول و تحرک نیروهای پلیس در مقابله با متجاوزان و مجرمان و تأمین حداقل نیازهای مردم توسط دستگاه‌های ذیربط، احساس عدم امنیت در شهروندان به نسبت وجود امنیت رقم بالاتری را نشان می‌دهد. متأسفانه در کشور ما به میزانی که امنیت وجود دارد، احساس امنیت کمتری در شهروندان مشاهده می‌شود. مقایسه با کشورهای مختلف این واقعیت را روشن می‌نماید. به عنوان نمونه نرخ سرقت منازل در ایران ۵ در هزار، انگلیس ۲۰ در هزار و در استرالیا ۲۵ مورد در هر هزار منزل می‌باشد. (عسگرپور، ۱۳۸۸: ۹) این مقایسه آماری نشان می‌دهد که ضریب امنیت شهروندان ایرانی بیشتر از ضریب امنیت شهروندان استرالیایی و انگلیسی است، اما احساس امنیت شهروندان ایرانی کمتر از احساس امنیت شهروندان استرالیا و انگلیس می‌باشد. نتیجه این که احساس امنیت اگرچه با میزان جرم یا ضریب امنیتی موجود در جامعه ارتباط دارد، ولی به عوامل دیگری نیز بستگی دارد. در همین ارتباط بر اساس یک نظر سنجی که در بهمن ماه ۱۳۷۹ در ۲۸ مرکز استان کشور به اجرا درآمد (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰) و با ۱۶۸۲۴ نفر افراد ۱۵ ساله و بالاتر مصاحبه حضوری به روش تصادفی

کوشش‌هایی هم انجام شده است. همه پژوهش‌هایی که در حوزه حاشیه‌نشینی و پتانسیل‌های آن برای بزهکاری انجام شده است مؤید این ادعاست. لیکن امنیت اجتماعی در این تحقیق معنای وسیعی را در بر می‌گیرد. در واقع، امنیت اجتماعی به معنای فضایی است که فرد در زمان حال و آینده تصویر روشن و امیدوارکننده‌ای از زندگی خود و خانواده‌اش و جامعه دارد. مهم‌ترین شاخص‌های این بعد از امنیت عبارتند از: میزان و نرخ آسیب‌های اجتماعی، میزان و نرخ وقوع جرایم و بزهکاری، میزان و نرخ آشفته‌گی‌های اجتماعی، توان و مهارت و قدرت عمل پلیس در مقابله با جرایم و ناامنی، هماهنگی نهادها و سازمان‌های ذیربط در حوزه کنترل آسیب‌ها و جرایم، از دیگر شاخص‌های مهم و مورد استفاده برای موضوع امنیت امید به آینده است. امیدواری به آینده خود محصول احساس امنیت از شرایط جامعه و احساس امنیت شرایط خانوادگی است. این شاخص در بررسی ارتباط امنیت و بزهکاری بسیار قابل اعتناست.

بعد ذهنی امنیت اجتماعی (احساس امنیت)^۱

احساس امنیت پدیده روان‌شناختی- اجتماعی است که دارای ابعاد گوناگونی می‌باشد. این احساس ناشی از تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم افراد از شرایط و اوضاع محیط پیرامونی است و افراد مختلف به صورت‌های گوناگون آن را تجربه می‌کنند. منابع تأمین‌کننده احساس امنیت برای آحاد و گروه‌های مختلف جامعه نیز متفاوت از همدیگر است و این منابع در سطوح مختلف اثرگذار می‌باشند. از آنچه تاکنون گفته شد می‌توان دریافت که عمده مضامینی که از طریق شهروندان و به عنوان «احساس امنیت» مطرح می‌شود با امنیت اجتماعی مرتبط می‌باشد. به سخی دیگر تمامی مؤلفه‌های امنیت اجتماعی قابل سنجش از طریق مراجعه به ذهنیت و آرای عمومی است. علاوه بر آن، در سایر ابعاد امنیت مثل امنیت سرزمین (دفاعی یا نظامی) هم برخی جهات قابل سنجش از

^۱ Societal Security

خصوصیت مهم هر پدیده جنایی و یا جرم این است که جامعه را ناامن می‌کند و ترس از جرم را بر مردم مستولی می‌گرداند. در نتیجه امنیت در بخش‌های گوناگون خود خصوصاً امنیت فردی و اجتماعی و بالمال نظم اجتماعی به مخاطره می‌افتد. در این حالت است که نظام کیفری که مجموعه‌ای از نهادها و آیین‌های معقول جامعه برای بیان واکنش علیه جرم و بزهکاری است، مداخله می‌کند تا امنیت از دست رفته و نظم از هم گسیخته اجتماع را به آن بازگرداند و آرامش خاطر را جایگزین ترس از جرم کند. حفظ آرامش همگانی در برابر بزهکاری و هدایت خشونت طبیعی انسان‌ها به راه‌های قانونی و مشروع، از اهدافی است که دولت‌ها در رسیدن به آن می‌کوشند و از نظام کیفری بهره می‌گیرند. خصوصاً که روش‌ها و شیوه‌های ضد بزهکاری علاوه بر آن که تأمین امنیت را سر لوحه کار خود قرار می‌دهد، یک مسأله سیاسی است و تدبیر بهتر برای این مقصود پایه‌های حاکمیت دولت‌ها را نیز مستحکم‌تر می‌کند و ضعف در انجام این مهم نشانه ناتوانی دولت‌هاست.

بدیهی است واکنش جامعه در مقابل جرم بیشتر از اصول اخلاقی و سستی نشأت می‌گیرد تا از شیوه‌های نو و نظام‌های کیفری نیز عموماً با چنین رویکردی واکنش جامعه را بیان می‌کنند. در مقابل سیاست جنایی با تعریفی که از آن بیان کردیم با دیدی کلی‌تر و عینی‌تر و با بهره‌گیری از داده‌ها علمی خودشناسی و جامعه‌شناسی این پدیده را بررسی و مطالعه کرده واکنش‌های مناسب را تجویز می‌کند. چنانچه این تدبیر و سیاست بنحو سنجیده و نیکو و با در نظر گرفتن تمام ابعاد اتخاذ گردد، در بیان واکنش جامعه نیز موفق‌تر و نهایتاً در تأمین امنیت و نظم اجتماعی نیز با توفیق قرین خواهد بود و چنانچه سنجیده و سطحی‌نگر و مقطعی اعمال شود، نه تنها امنیت و نظم اجتماعی را تأمین و حفظ نخواهد کرد بلکه خود نیز عامل ناامنی خواهد شد.

انجام گردید، میانگین احساس امنیت فکری (۴۱) و مالی (۴۷) یعنی؛ کمتر از حد متوسط بود و میانگین احساس امنیت جانی (۵۹) بالاتر از حد متوسط بود.

قابل توجه اینکه در اکثر نقاط جهان، عموماً احساس امنیت در بین شهروندان به نسبت وجود امنیت، پایین‌تر می‌باشد. علت آن نیز ارزیابی امنیت از دیدگاه فردی شهروندان و ناظر بر منافع متنوع آنان می‌باشد. و البته نشان‌دهنده این است که اگرچه احساس امنیت با میزان جرم و جنایت نیز رابطه مستقیمی دارد، اما عوامل دیگری که در بخش بعدی به آنها اشاره خواهد شد، در این احساس تأثیر گذارند

رابطه پدیده جنایی با احساس امنیت

منتسکیو جرم را اقدام علیه مذهب اخلاق، آرامش عمومی و امنیت تلقی کرده و برای هر یک مجازات جداگانه‌ای را ضروری دانسته است. وی معتقد است که مجازات در واقع قصاص جامعه از مجرمی است که خواسته است افراد را از امنیت محروم سازد (منتسکیو، ۱۳۶۲) از این جهت اولین شرط تحقق هر جرم یا پدیده جنایی (با کمی تساهل درکلام) آن است که بر خلاف نظم اجتماعی باشد، بنابراین، هر جرم خواه شدید و خواه ضعیف، لطمه و زبانی بر امنیت و نظم اجتماعی وارد می‌کند و به همین علت اختلاف در نظم و امنیت است که جامعه به اشکال گوناگون از خود واکنش نشان می‌دهد (محسنی، ۱۳۷۵) دومین شرط تحقق هر جرم آن است که توسط قانون بیان شود چرا که نظم اجتماعی امری ثابت و دائمی نیست و چون برداشت مردم از آن در حال تحول است، برای جلوگیری از افراط و تفریط و حمایت و صیانت از آزادی افراد، ضروری است که اعمال ممنوعه و مخل نظم و امنیت توسط قانون‌گذار بیان شود و واکنش جامعه و ضمانت اجرای لازم نیز دقیقاً روشن گردد. چون پدیده جنایی از جمله اعمالی است که ایجاب می‌کند از طریق کیفری با آن مبارزه شود، موضوع مطالعه حقوق کیفری قرار می‌گیرد.

پیشگیری از جرم و احساس امنیت اجتماعی

پیشگیری از جرم از مباحث همیشه رایج است که هیچگاه غبار زمان به خود نخواهد گرفت زیرا طعم تلخ انحراف و کجروی در زمان و مکان‌های مختلف نظم اجتماع را مختل نموده و خواهد نمود و ارائه راهکارها و اقدامات فقط نقش کاهش تعداد و شدت و ضعف جرایم را ایفا می‌نمایند. بنابراین، امر پیشگیری و مسلح شدن جامعه به ابزار لازم متناسب با نیازهای واقعی جامعه که امر پیشگیری را تسهیل نماید از ضروریات است. لغت پیشگیری در منابع فارسی به معنای رفع، جلوگیری، مانع شدن و از پیش مانع چیزی شدن تعریف شده است (دهخدا، ۱۳۳۰) در فرهنگ لغوی لاتین نیز به معنای مانع شدن از این‌که چیزی رخ دهد تعریف شده است (رجبی پور، ۱۳۸۲: ۷۵)

پیشگیری از جرم معمولاً از طریق اجرای قانون و مجازات‌ها، کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم و برنامه‌های توسعه اجتماعی انجام می‌گیرد. اجرای قانون و اقدامات تنبیهی تلاش دارد تا فرصت‌های ارتکاب جرم را محدود کند که از طریق آموزش مؤثر و تنبیه مجرمان می‌تواند انجام شود. انواع مختلفی از برنامه‌های پیشگیری از جرم وجود دارد که با توجه به موضوع تحقیق حاضر از حوصله بحث ما خارج می‌باشند. لکن در این مقال بحث پیشگیری غیرکیفری که با هدف پژوهش حاضر همخوانی دارد در دو طبقه کلی پیشگیری اجتماعی (پیشگیری از طریق توسعه اجتماعی) و پیشگیری وضعی مورد توجه قرار می‌گیرد. این دو نوع پیشگیری در زمره روش‌های پیشگیرانه غیرکیفری است. به طور کلی، پیشگیری غیرکیفری دارای ویژگی‌های زیر می‌باشد:

- قبل از ارتکاب جرم پیش‌بینی و تدارک شده باشد
- ناظر بر شرایط و عوامل نوعی جرم باشد و به اتفاق و فرد خاصی بستگی نداشته باشد

- هدف انحصاری از این اقدامات تحدید وقوع جرم باشد
- از آنجایی که این اقدامات قبل از وقوع جرم مورد استفاده قرار می‌گیرند لذا باید فاقد خصیصه کیفری و قهرآمیز باشد

عدم توجه به هریک از اقدامات پیشگیرانه زنگ خطر و هشدار است که خبر از وقوع جرم در آینده دارد (شاکری، ۱۳۸۲)

برنامه‌های پیشگیری از جرم مجموعه وسیعی از برنامه‌ها و فعالیت‌ها را در بخش‌های مختلف جامعه در برمی‌گیرد و هیچ نهاد خاصی نمی‌تواند مجری آن در همه ابعاد باشد بر این اساس نوعی هماهنگی بین نهادهای رسمی جامعه از یک سو و مشارکت نهادهای مردمی از سوی دیگر ضروری بنظر می‌رسد.

هدف پیشگیری وضعی تحدید موقعیت‌های ارتکاب جرم است. به عبارتی دیگر، هدف این رویکرد کاهش فرصت‌های مجرمان برای ارتکاب جرم است، معمولاً از طریق طرح‌هایی مانند: اعمال قانون و مجازات‌ها و امنیت مالی و شخصی این رهیافت در وسیع‌ترین معنای خود، متضمن مساعی گسترده است برای اینکه قربانیان اجتماعی با تقلیل آسیب‌پذیریشان از راه تبدیل آنان به آماج‌های غیرقابل اصابت یا استمداد از خدمات خصوصی تأمین در برابر جرم حمایت شوند. این شیوه بهتر از آن است که روی پلیس یا روی تغییر رفتارهای بزهداران بالقوه حساب شود.

در برنامه‌های اجتماعی پیشگیری از جرم نقش پلیس و نیروی انتظامی در ارتباط با سایر نهادها اعم از دولتی و غیر دولتی معنا پیدا می‌کند و پلیس بدون هماهنگی با سایر نهادها قادر به تأمین نظم و امنیت اجتماعی که هدف کلی پیشگیری از جرم است، نمی‌باشد. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۸: ۱۴۰) در نهایت، می‌توان گفت: پیشگیری اجتماعی نیازمند اعتماد شهروندان به نهادهای ذی‌ربط از جمله: پلیس و سپس تعامل دو سویه میان مردم و دستگاه‌های قضایی و انتظامی است. با توجه به اینکه این موضوع از جمله بحث‌های مهم در سطح استان لرستان و شهر بروجرد بوده و توجه خاصی از طرف مسئولان به ویژه نیروی انتظامی به این مسأله شده است، فرضیات تحقیق در جامعه آماری تعیین شده با استفاده از پرسشنامه به آزمون گذاشته شد تا به سنجش نظر مردم در مورد برخی راهکارهای

پرسشنامه تحقیق شامل سؤال‌های مختلفی بوده است از جمله پرسش درباره متغیرهای زمینه‌ای نظیر: سن، جنس، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات، همچنین پرسش‌هایی در مورد میزان بروز جرایم و بزهکاری در منطقه مسکونی و شهر، سؤال‌هایی در مورد راهکارهای مناسب برای پیشگیری از بزهکاری و همچنین میزان اعتماد به نهادهای حمایتی مانند: پلیس و دستگاه قضایی می‌باشد.

یافته‌های توصیفی و آزمون فرضیات تحقیق

نتایج توصیفی تحقیق

در ابتدا توضیحاتی در مورد مشخصات عمومی پاسخگویان خواهد آمد و در ادامه به سنجش میزان امنیت پاسخگویان در ابعاد مختلف و نگرش آنها نسبت به نحوه عملکرد دستگاه‌های اجرایی در راستای برقراری نظم اجتماعی و اجرای عادلانه قوانین و همین‌طور تدوین و اجرای برنامه‌های پیشگیری غیر کیفری از طریق شناسایی و از بین بردن عوامل ریشه‌ای جرم در سالم‌سازی محیط اجتماعی و در نتیجه بالا رفتن میزان احساس امنیت شهروندان پرداخته می‌شود.

الف - واحد تحلیل، واحد مشاهده و سطح تحلیل

واحد تحلیل عبارت است از موضوعی که متغیرهای ما صفت آن است که در این تحقیق واحد تحلیل همه متغیرها، فرد است. واحد مشاهده واحدی است که از او اطلاعات را کسب می‌کنیم. اطلاعات مورد نیاز در این پژوهش از فرد جمع‌آوری می‌شود. سطح تحلیل خرد است زیرا متغیرهای این تحقیق مربوط به ویژگی‌های افراد است.

ب- روش و ابزار گردآوری اطلاعات

در پژوهش حاضر به منظور جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز برای سنجش ابعاد ساختاری و فرهنگی سرمایه اجتماعی و همچنین اطلاعات زمینه‌ای از پرسشنامه استفاده خواهد شد. پرسشنامه مورد نظر براساس تعریف عملیاتی مفاهیم تحقیق و همچنین طراحی سؤال‌های زمینه‌ای، تهیه و تنظیم می‌گردد.

پیشگیری‌کننده از جرم برای ارتقای سطح امنیت و ارائه راهکارهایی برای جلوگیری از ناامنی برداریم.

فرضیات

فرضیه اصلی

تدوین و اجرای برنامه‌های پیشگیری غیر کیفری از طریق از بین بردن علل و عوامل ریشه‌ای جرم در سالم‌سازی محیط اجتماعی و بالا رفتن میزان احساس امنیت شهروندان نقش بسزایی دارد.

فرضیات فرعی

- * بین سطح تحصیلات و احساس امنیت رابطه وجود دارد.
- * بین وضعیت تأهل و احساس امنیت رابطه وجود دارد.
- * بین جنس و احساس امنیت رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

باتوجه به ماهیت و اهداف پژوهش که به دنبال سنجش احساس عمومی افراد نسبت به یک موضوع اجتماعی است مناسب‌ترین روش روش پیمایشی (survey) می‌باشد. با توجه به ماهیت موضوع و گستره جامعه آماری که ضرورت استفاده از شیوه نمونه‌گیری را ایجاد می‌نماید، از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شد. در این مطالعه باتوجه به موضوع تحقیق، جامعه مورد پژوهش را کلیه افراد (۱۴-۲۹) سال ساکن در شهر بروجرد را که بنا به تعریف سازمان ملی جوانان افراد واقع در این گروه سنی را جوان دانسته است در برمی‌گیرد، که با توجه به آخرین سرشماری مرکز آمار ۱۱۷۲۶۹ می‌باشد، بر اساس استاندارد تعداد ۳۸۴ پرسشنامه تهیه و به سنجش نظرات پاسخگویان پرداخته شد. واحد تحلیل در تحقیق حاضر، سطح تحلیل آن خرد می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، با توجه به سطح سنجش متغیرهای مورد بررسی از آمارهای موجود استفاده مقتضی به عمل آمد. کلیه مراحل استخراج، کدبندی و تجزیه و تحلیل داده‌ها و تهیه جداول و نمودارها به وسیله نرم‌افزارهای spss و Excel انجام گرفت.

ماهیت موضوع مورد مطالعه ایجاب می‌کند که برای جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه به صورت توأم با مصاحبه مورد استفاده قرار گیرد.

ج- اعتبار^۱ و پایایی^۲ ابزار تحقیق

به طور خلاصه اعتبار یعنی؛ "آیا واقعاً همان چیزی را می‌سنجیم که قصد سنجش آن را داریم" در ابتدا پرسشنامه مقدماتی تهیه شد و با مشورت و استفاده از نظرات استاد راهنما و مشاور و همین‌طور صاحب‌نظران و کارشناسان، اعتبار صوری^۳ آن به دست آمد. اما بعد از تکمیل ۳۰ پرسشنامه به عنوان پیش آزمون (پری تست) از ضریب آلفای کرونباخ^۴ برای به دست آوردن میزان پایایی شاخص‌های تحقیق استفاده خواهد شد. بدین ترتیب گویه‌هایی که همبستگی کمتری داشتند، حذف و اصلاح شدند و یا گویه‌های متناسب دیگری جایگزین آنها شدند و در نتیجه در مجموع ضریب پایایی شاخص‌های نهایی امنیت اجتماعی (به ۰/۷۸) رسید که نشان‌دهنده میزان آلفای مناسبی می‌باشد.

د- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

در توصیف داده‌ها از آمار توصیفی نظیر: توزیع فراوانی (جدول یک بعدی و نمودار) و برای تحلیل داده‌ها از آمار استنباطی و آزمون‌های آماری (نظیر: جداول دو بعدی و آزمون‌های شدت همبستگی متناسب با سؤال‌های تحقیق و با توجه به سطح سنجش متغیرها) استفاده شد

بر طبق اطلاعات حجم نمونه‌های کل که برابر ۳۸۴ پاسخ‌دهنده است، مشاهده می‌شود که ۳۷٫۸ درصد برابر ۱۴۵ نفر از پاسخگویان مورد مطالعه زن و ۶۲٫۲ درصد یعنی ۲۳۹ نمونه را مردان تشکیل داده‌اند. طبق یافته‌های حاصل از پرسشنامه در بین پاسخگویان ۱۴٫۳ درصد در رده سنی ۱۴ تا ۲۰ سال، ۳۳٫۶ درصد در رده سنی ۲۱ تا ۲۵ سال، ۵۲٫۱

درصد از پاسخگویان در رده سنی ۲۶ تا ۲۹ سال قرار دارند و بیشترین پاسخگویان با ۴۳٫۸ درصد در مقطع دیپلم می‌باشند. و کمترین آنها با ۴٫۷ درصد در مقطع کارشناسی ارشد بوده‌اند و همچنین ۶۴٫۳ درصد از پاسخگویان مجرد و ۳۵٫۷ درصد از آنها متأهل بوده‌اند. بیشترین پاسخگویان با ۶۴٫۱ درصد در وضعیت متوسط قرار دارند و کمترین آنها ۲٫۱ درصد دارای وضعیت عالی می‌باشند. ۴۱٫۷ درصد از پاسخگویان ساکن در منطقه ۱ می‌باشند و ۵۸٫۳ درصد نیز در منطقه ۲ ساکن می‌باشند ۵۰ درصد از پاسخگویان شاغل و ۴۹٫۷ درصد بیکار هستند.

متغیر وابسته در این تحقیق احساس امنیت می‌باشد که در ادامه متناسب با سؤال‌های تحقیق پرسشنامه تهیه شده و به بررسی میزان آن در بین جوانان پرداخته شده است.

بررسی سؤال‌های پرسشنامه

- بررسی میزان احساس آرامش از زندگی کردن در شهر
بروجرد

نتایج جدول زیر نشان می‌دهد که ۲۶ درصد از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که زندگی کردن در این شهر احساس آرامش کمتر است و ۲۶ درصد معتقدند که احساس امنیت زیادی از زندگی در این شهر دارند و ۴۷٫۹ درصد بیان نموده‌اند که تا حدودی از زندگی در این شهر احساس امنیت می‌کنند.

¹ validity

² reliability

³ Face validity

⁴ Cronbach alpha.

جدول ۱- توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب میزان احساس آرامش از زندگی کردن در شهر بروجرد

فراوانی	درصد	واقعی		تجمعی
		درصد	درصد	
خیلی کمتر است	۳۲	۸/۳	۸/۳	۸/۳
کمتر است	۶۸	۱۷/۷	۱۷/۷	۲۶/۰
فرقی ندارد	۱۸۴	۴۷/۹	۴۷/۹	۷/۰
بیشتر است	۸۳	۲۱/۶	۲۱/۶	۹۵/۶
خیلی بیشتر است	۱۷	۴/۴	۴/۴	۱۰۰/۰
کل	۳۸۴	۱۰۰۰/۰	۱۰۰۰/۰	

بررسی میزان احساس آرامش از محله‌ای که در آن زندگی می‌کنید:

نتایج جدول زیر نشان می‌دهد که ۲۵/۳ درصد از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که احساس امنیت و آرامش آنها از محله‌ای که

در آن زندگی می‌کنند در حد کمی است و در مقابل ۳۴/۹ درصد معتقدند که به میزان زیادی از آرامش محله احساس رضایت دارند و ۳۹/۸ درصد تا حدودی از وضع آرامش محله خود راضی هستند.

جدول ۲- توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب میزان احساس آرامش از زندگی کردن در محله زندگی

میزان آرامش	فراوانی	درصد	واقعی		تجمعی
			درصد	درصد	
خیلی کم	۲۷	۷	۷	۷	۷
کمتر است	۷۰	۱۸/۲	۱۸/۲	۲۵/۳	۲۵/۳
فرقی ندارد	۱۵۳	۳۹/۸	۳۹/۸	۶۵/۱	۶۵/۱
زیاد	۱۰۱	۲۶/۳	۲۶/۳	۹۱/۴	۹۱/۴
خیلی زیاد	۳۳	۸/۶	۸/۶	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰
کل	۳۸۴	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰		

بنظر شما میزان وقوع جرم در سطح شهر بروجرد تا چه حد است؟

داده‌های جدول زیر نشان می‌دهد که ۱۱/۵ درصد از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که میزان وقوع جرم در سطح شهر

بروجرد در حد کم در مقابل ۵۲/۳ درصد از پاسخگویان معتقدند که میزان وقوع جرم در حد زیاد است و ۲۲/۹ درصد بیان نموده‌اند که تا حدی می‌باشد.

جدول ۳- بررسی نظر پاسخگویان در مورد میزان وقوع جرم در سطح شهربروجرد

فرآوانی	درصد	واقعی درصد	تجمعی درصد
نمی‌دانم	۵۱	۱۳/۳	۱۳/۳
خیلی کم	۱۰	۲/۶	۱۵/۹
کم	۳۴	۸/۹	۲۴/۷
تا حدی	۸۸	۲۲/۹	۴۷/۸
زیاد	۱۴۱	۳۶/۷	۸۴/۴
خیلی زیاد	۶۰	۱۵/۶	۱۰۰/۰
کل	۳۴۸	۱۰۰/۰	-

جدول ۴- توزیع فرآوانی کجروی (بزهکاری) در جامعه مورد مطالعه

اصلاً و خیلی کم	کم	تا حدی	زیاد	خیلی زیاد	نمی‌دانم
سرقت از منازل	۴/۹	۶/۲۷	۲۳/۷	۲۶/۸	۷/۸
سرقت در هنگام خروج از بانک‌ها	۱۳	۲۷/۹	۲۴/۵	۱۶/۴	۸/۹
ایجاد مزاحمت برای نوامیس مردم	۳/۲	۱۸	۱۲/۵	۲۳/۷	۳۹/۷
میزان معتادین در محل	۷/۸	۱۱/۷	۹	۲۳	۴۱/۵
خرید و فروش مواد مخدر	۵	۱۱/۵	۱۲	۲۴	۳۹
گروه‌های اراذل و اوباش شرارت	۵/۲	۱۰/۹	۱۱/۲	۲۳/۴	۳۸/۴
تهدید و اخاذی باج‌گیری	۷/۸	۲۴/۵	۲۱/۴	۱۸,۲	۲۰/۸
آدم‌ربایی	۴/۷	۱۶/۹	۲۰/۶	۲۶	۲۷/۳
کلاهبرداری	۱۰/۲	۱۶/۷	۱۴/۸	۲۱/۶	۲۱/۶
قتل عمد	۱۶/۹	۲۸/۴	۱۶/۹	۱۴/۶	۱۱/۵
راهزنی	۲۴/۷	۲۷/۱	۱۶/۱	۱۱/۲	۶/۲
فساد مالی	۲۳/۷	۲۸/۹	۱۷/۲	۷/۸	۱۰/۲
تکدی‌گری	۲۰/۱	۲۴/۵	۱۹/۳	۱۶/۴	۷/۱۱
سرقت مسلحانه	۴/۴	۹/۱	۱۲	۲۶	۴۶/۱
درگیری دسته جمعی	۹/۹	۱۲	۲۱/۶	۲۴	۲۱/۱

همان‌طور که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود از میان مهم‌ترین جرایم؛ ۳۴/۶ درصد از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که در محل زندگی آنها سرقت از منازل در حد زیاد روی داده است و ۶۲/۸ درصد از پاسخگویان معتقدند که در حد زیادی شاهد مزاحمت برای نوامیس مردم بوده‌اند. همچنین، ۶۴/۵ درصد از پاسخگویان معتقدند که در حد زیادی شاهد حضور

معتادان در محله‌ها بوده‌اند و ۶۳ درصد از پاسخگویان معتقدند که در حد زیادی شاهد خرید فروش مواد مخدر در محل زندگی خود بوده‌اند، ۶۱/۵ درصد از پاسخگویان معتقدند که در حد زیادی شاهد گروه‌های اراذل و اوباش بوده‌اند ۳۹/۱ درصد از پاسخگویان معتقدند که در حد زیادی شاهد تهدید و اخاذی بوده‌اند. ۵۲/۴ درصد از پاسخگویان معتقدند که در

حد زیادی شاهد آدم‌ربایی در محل خود بوده‌اند این درحالی است که در سال‌های اخیر فقط یک یا دو مورد آدم‌ربایی در شهر بروجرد رخ داده است. در حالی که فقط ۲۶ درصد از پاسخگویان معتقدند که در حد زیادی شاهد قتل در محله بوده‌اند. همچنین، فقط ۷/۶ درصد از پاسخگویان معتقدند که در حد زیادی شاهد تجاوز جنسی به زنان بوده‌اند. ۱۱/۷ درصد از پاسخگویان معتقدند که در حد زیادی شاهد فساد مالی بوده‌اند ۴۴/۵ درصد از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که در محل زندگی آنها تکدی‌گری در حد زیادی رواج دارد.

۱۳/۵ درصد از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که در محل زندگی آنها سرقت مسلحانه در حد زیادی رخ داده است. ملاحظه می‌شود که صحنه‌های خشونت بار درصد کمی از احساس امنیت مردم را تحت تأثیر قرار داده و در مقابل معضلات اجتماعی همانند: اعتیاد و تکدی‌گری و مزاحمت‌های خیابانی برای زنان مهم‌ترین علت‌ها ایجاد ناامنی در دید مردم شهر می‌باشد. با کسب این نتایج، تمهیداتی را که می‌توان برای کاهش این معضلات در نظر گرفت طرح کرده و در جدول ۷ به بررسی آنها پرداختیم.

جدول ۵- بررسی نظرات هر یک از پاسخگویان در خصوص گویه‌های مربوط به پیشگیری و سالم‌سازی محیط اجتماعی

خیلی زیاد	زیاد	تا حدی	کم	خیلی کم و اصلا	
۲۰/۸	۳۶/۷	۳۳/۳	۶/۸	۱/۸	تشکیل پلیس محله برای نظارت بیشتر بر محله‌ها
۲۰/۸	۲۶	۳۵/۴	۱۴/۸	۲/۹	حضور فعال پلیس در مکان‌های عمومی
۲۶/۶	۳۳/۶	۲۸/۶	۸/۳	۲/۹	دادن هشدارهای ایمنی و پلیسی لازم به مردم
۲۸/۶	۳۳/۳	۲۷/۹	۷/۸	۲/۳	برنامه‌های حمایت از خانواده از طریق افزایش آموزش‌ها در مورد تربیت فرزندان
۲۲/۹	۲۸/۱	۳۹/۳	۷/۶	۲/۱	ایجاد خدمات آموزشی و اشتغال‌زایی برای افزایش میزان بازدهی جوانان
۴۹/۵	۳۲	۱۲/۲	۳/۹	۲/۳	تقویت فرهنگ دینی و احیای امر به معروف و نهی از منکر
۴۸/۲	۲۹/۲	۱۵/۴	۵/۵	۱/۸	حمایت‌های اجتماعی از افراد آسیب‌پذیر و نیازمند

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود داده‌های جدول ۵ بیانگر آن است که ۵۷/۶ درصد از پاسخگویان موافق این مطلب می‌باشند که تشکیل پلیس محله در پیشگیری از جرم مؤثر می‌باشد و ۴۶/۹ درصد پاسخگویان معتقدند که حضور فعال پلیس در مکان‌های عمومی در پیشگیری از جرم مؤثر است و همچنین ۶۰/۲ درصد موافق این مطلب بوده‌اند که دادن هشدارهای پلیسی لازم به مردم در پیشگیری از جرم مؤثر است و ۶۲ درصد با این موضوع موافقت و معتقدند تأثیر برنامه‌های حمایت از خانواده از طریق افزایش آموزش‌ها در مورد تربیت فرزندان در پیشگیری از جرم می‌باشند و ۵۱ درصد معتقدند که ایجاد خدمات آموزشی و اشتغال‌زایی برای افزایش میزان بازدهی جوانان در پیشگیری از جرم مؤثر است و ۸۱/۵ درصد از پاسخگویان معتقدند که تقویت فرهنگ دینی و امر به معروف و نهی از منکر در پیشگیری از جرم تأثیر زیادی

دارد و همچنین ۷۷/۴ درصد تأثیر برنامه حمایت اجتماعی از افراد آسیب‌پذیر و نیازمند در پیشگیری از جرم را بسیار مؤثر دانسته‌اند. ملاحظه می‌شود که مردم با دید بسیار بازی نسبت به این‌گونه برنامه‌ها می‌نگرند.

آزمون فرضیات

آزمون دوجمله‌ای یا نسبت^۱

در برخی از فرضیه‌ها، با متغیرهایی سروکار داریم که دو وجهی هستند. یعنی دو مقوله یا طبقه دارند و درصددیم تا نسبت این مقوله‌ها و طبقات را با همدیگر و با توجه به یک نسبت فرضی مقایسه کنیم. بنابراین، در این آزمون با دو نسبت مواجه‌ایم:

¹ Binomial test

۱) نسبت مشاهده شده؛ نسبتی از پاسخگویان را که در هر طبقه مشاهده شده است، نشان می‌دهد.

۲) نسبت مفروض؛ نسبتی از پاسخگویان را که فرض بر احتمال وجود آنها در هر طبقه می‌باشد، نشان می‌دهد.

نکته: از آنجا که آزمون دوجمله‌ای، نسبت مشاهده شده را با یک نسبت مفروض مقایسه می‌کند، بنابراین، لازم است که این نسبت مفروض را بدانیم. نسبت مفروض، در واقع، همان نسبتی از پاسخگویان می‌باشد که با توجه به فرضیه تحقیق، فرض شده این نسبت باید در میان پاسخگویان وجود داشته باشد تا فرضیه ما تأیید شود و در صورت عدم وقوع چنین نسبتی از نمونه در نسبت مشاهده شده، فرضیه رد می‌شود. البته گاهی محققان این نسبت را با فرض این که هیچ گونه ارجحیتی برای نسبت‌های مشاهده شده و مفروض وجود ندارد، به صورت برابر و معادل ۰/۵۰ در نظر می‌گیرند. یعنی فرضیه خود را به صورت تفاوتی مطرح کرده و برتری هیچ نسبتی را در فرضیه مشخص نمی‌کنند.

آنگاه نسبت مفروض (مثلاً ۰/۵۰) را در کادر مربوطه نوشته و آزمون مورد نظر را اجرا می‌کنیم. پس از اجرای این آزمون، مقدار معنی داری کوچک‌تر از ۰/۰۵ نشان می‌دهد که توزیع مشاهده شده با توزیع مفروض متفاوت است و برعکس، مقدار معنی داری بزرگ‌تر از ۰/۰۵ نشان می‌دهد که توزیع مشاهده شده تفاوتی با توزیع مفروض ندارد و توزیع آنها برابر است.

نکته ۱: در هنگام تفسیر نتایج این آزمون نیز، بسیاری از محققان با مشاهده معنی داری تفاوت در سطح کوچک‌تر از ۰/۰۵ یا ۰/۰۱، کار را تمام شده تلقی می‌کنند. در حالی که در مرحله بعد، باید تعیین کنیم که آیا تفاوت نسبت‌ها (نسبت مشاهده شده با نسبت مفروض) در راستای فرضیه تحقیق

است یا خیر؟ یعنی آیا نسبت مفروض بزرگ‌تر از نسبت مشاهده شده است یا نه، کوچک‌تر از آن؟ مقایسه نسبت مهم را امکان پذیر می‌کند. در این جا دو حالت وجود دارد. البته، این دو حالت بستگی به نوع فرضیه و پاسخی که برای سؤال تحقیق انتخاب می‌کنیم، دارد. در این جا فرض بر این است که فرضیه ما به صورت منفی مطرح شده است و نه به صورت مثبت آن (مثلاً عدم دلستگی در مقابل دلستگی شغلی). دو حالت مورد نظر بدین قرار می‌باشند:

۱) چنانچه نسبت مشاهده شده از نسبت مفروض بزرگ‌تر بود، در آن صورت نتیجه می‌گیریم که فرض H_1 تأیید و در مقابل فرض H_0 رد می‌شود.

۲) چنانچه نسبت مشاهده شده از نسبت مفروض کوچک‌تر بود، در آن صورت نتیجه می‌گیریم که فرض H_1 رد و در مقابل فرض H_0 تأیید می‌شود.

نکته ۲: در تفسیر نتایج این آزمون باید دقت کرد که: اولاً، تفاوت وجود مشاهده شده با نسبت مفروض، این دارد یا خیر؟ (این کار با مشاهده معنی داری تفاوت در سطح کوچک‌تر از ۰/۰۵ یا ۰/۰۱ انجام می‌شود) و ثانیاً، این تفاوت در راستای فرض هست یا خلاف آن؟ (این کار با مقایسه نسبت مشاهده شده و نسبت مفروض امکان پذیر است) (حبیب پورگتایی و صفری شالی، ۱۳۸۸: ۶۲۵)

فرضیه اصلی

در تدوین و اجرای برنامه‌های پیشگیری غیرکیفری از طریق شناسایی و از بین بردن عوامل ریشه‌ای جرم در سالم سازی محیط اجتماعی و بالا رفتن میزان احساس امنیت شهروندان نقش بسزایی دارد (داده‌های جدول ۷).

جدول ۶ - آزمون فرضیه ۱

طبقه	تعداد	نسبت مشاهده	نسبت آزمون	سطح معناداری
گروه ۱: تأثیر کم	۱۲۹	۰/۳۴	۰/۵۰	۰/۰۰۰
گروه ۲: تأثیر زیاد	۲۵۵	۰/۶۶		
کل	۳۸۴	۱/۰۰		

همان‌طور که در جدول ملاحظه می‌شود، با توجه به اینکه سطح معنی‌داری که کوچک‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد، می‌توان گفت که رابطه معنی‌دار وجود دارد. در ضمن نسبت آزمون یا مفروض (۰/۵۰) در نظر گرفته شده از نسبت مشاهده شده (۰/۶۶) متفاوت است. با توجه به فرضیه تحقیق، نسبت افرادی که برنامه‌های پیشگیری غیرکیفری از طریق شناسایی و از بین بردن عوامل ریشه‌ای جرم در سالم‌سازی محیط اجتماعی و بالا رفتن میزان احساس امنیت شهروندان مؤثر دانسته‌اند، بیشتر از مقدار متوسط است. بنابراین، فرض H_0 رد و فرضیه H_1 تحقیق پذیرفته می‌شود.

- بررسی میزان احساس امنیت

جدول زیر نشان می‌دهد که ۱۳/۳ درصد از پاسخگویان اظهار داشته‌اند که احساس امنیت آنها از شرایط فعلی بروجرد در حد زیادی است و ۲۸/۶ درصد معتقدند که به میزان کمی از شرایط فعلی احساس امنیت می‌کنند و در این میان ۵۸/۱ درصد تا حدودی از وضع امنیت شهر خود راضی هستند.

جدول ۷- بررسی میزان احساس امنیت

امنیت		
فراوانی	درصد	
۵۱	۱۳/۳	زیاد
۲۲۳	۵۸/۱	متوسط
۱۱۰	۲۸/۶	کم
۳۸۴	۱۰۰،۰	کل

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

همان‌گونه که از عنوان تحقیق بر می‌آید تأکید تحقیق حاضر در احساس امنیت بر تأثیر پیشگیری غیرکیفری است. با توجه به اینکه نظریات ارائه شده در این خصوص با جامعه آماری مورد نظر مطابقت زیادی نداشت. بنابراین، مجبور شدیم بجای چارچوب نظری از داده‌هایی استفاده کنیم که بیشترین تأثیر را

در حال حاضر در جامعه مورد نظر داشته باشد. در بررسی‌های به عمل آمده بیشترین آمار در خصوص میزان کجروی یا بزهکاری‌های اجتماعی اختصاص به مواردی همچون اشاعه اعتیاد و خرید و فروش مواد مخدر، مزاحمت برای نوامیس مردم، وجود گروه‌های اراذل و اوباش، مرگ‌های مشکوک و باجگیری اختصاص داشته است و کمترین آمار متعلق به ناهنجاری‌هایی چون وقوع صحنه‌های خشونت‌بار (تجاوز جنسی به زنان، آتش‌سوزی عمدی، سرقت مسلحانه و راهزنی) می‌باشد که با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت این نتایج برخلاف نظریه جکویز که تأثیر منفی صحنه‌های خشونت‌بار بر احساس امنیت را بیشتر از جرم می‌داند، می‌باشد و نشان می‌دهد که در جامعه مورد مطالعه، نگرانی از جرایم خشونت‌بار در سطح پایین‌تری قرار دارد.

در پاسخ به میزان احساس آرامش (در معنای کلی) از زندگی کردن در شهر بروجرد آن را در حد متوسط بیان داشته‌اند و در خصوص میزان آرامش در محله‌های این شهر پاسخ‌ها گویای آن است که این میزان در حد متوسط رو به بالا می‌باشد که از این اختلاف نتیجه می‌شود که میزان احساس امنیت در جامعه شهری بروجرد کمتر از منطقه مسکونی می‌باشد. به عبارت دیگر، گویای آن است که پاسخگویان بیرون از منطقه مسکونی خود، احساس ناامنی و ترس بیشتری دارند.

نتایج جدول (۵) در پاسخ به تأثیر هریک از عوامل در پیشگیری از جرایم و ناامنی، بیشترین آمار به ترتیب مربوط به تقویت فرهنگ دینی و گسترش امر به معروف و نهی از منکر و در گام بعدی به حمایت‌های اجتماعی از افراد آسیب‌پذیر و نیازمند و همچنین استفاده از برنامه‌های حمایتی از خانواده از طریق افزایش آموزش‌ها در مورد تربیت فرزندان اشاره داشته‌اند و کمترین آمارها در این موارد مربوط به حضور فعال پلیس در مکان‌های عمومی می‌باشد. نتایج استخراج شده از فرضیه تحقیق نشان می‌دهد تدوین و اجرای برنامه‌های پیشگیری غیرکیفری از طریق شناسایی و از بین بردن عوامل

ریشه‌ای جرم در سالم‌سازی محیط اجتماعی و بالا رفتن میزان احساس امنیت شهروندان نقش بسزایی دارد. یافته‌ها نشان می‌دهند که نسبت افرادی که برنامه‌های پیشگیری غیرکیفری از طریق شناسایی و از بین بردن عوامل ریشه‌ای جرم در سالم‌سازی محیط اجتماعی و بالا رفتن میزان احساس امنیت شهروندان مؤثر دانسته‌اند، بیشتر از مقدار متوسط است.

باری بوزان^۱ (۲۰۰۷) حوزه مطالعات امنیتی، امنیت اجتماعی را به حفظ مجموعه ویژگی‌هایی ارجاع می‌دهد که بر مبنای آن افراد خود را عضو یک گروه خاص اجتماعی تلقی نموده‌اند؛ به عبارت دیگر، امنیت اجتماعی معطوف به جنبه‌هایی از زندگی شخص است که هویت او را تضمین می‌کند و به طور معناداری تحت تأثیر جنسیت، سن و تحصیلات است. از دیدگاه بوزان امنیت اجتماعی عبارت است از: توانایی گروه‌های مختلف صنفی، قومی، محلی، جنسی، سنی، تحصیلی. در واقع، بوزان امنیت را حالت فراغت از تهدید هویت شخصی، جمعی و گروهی تلقی می‌کند. در رابطه با شاخص‌های امنیت اجتماعی، در این پژوهش امنیت معادل فقدان تهدید هویت شخصی-گروهی (گروه جنسی)، ارزشی و اعمال غیرقانونی در نظر گرفته شده است و با توجه به تعاریف ارائه شده از امنیت اجتماعی شاخص‌های عمده آن عبارت از: الف - فقدان تهدید هویت جمعی، ب - نبود تهدید ارزش‌های مشترک می‌باشد.

براین اساس ما نیز برآن شدیم که در بین پاسخگویان خود براساس ویژگی‌های فردی (سن، منطقه محل سکونت، جنسیت، وضعیت تأهل و سطح تحصیلات) به سنجش میزان امنیت اجتماعی آنها پردازیم. که از این میان در جامعه مورد مطالعه فقط بین جنسیت پاسخگویان و همچنین وضعیت تأهل آنها رابطه معنادار از خود نشان داد و در بقیه موارد رابطه معنادار مشاهده نگردید. نتایج حاصل از آزمون خی‌دو نشان می‌دهد که رابطه معنادار بین دو متغیر امنیت و سن پاسخگویان وجود ندارد. همچنین، بین دو متغیر امنیت

پاسخگویان و تحصیلات آنها رابطه وجود ندارد و بین دو متغیر امنیت پاسخگویان و محل سکونت آنها رابطه وجود ندارد به عبارتی، می‌توان گفت که تفاوت معناداری بین پاسخگویان ساکن در منطقه یک و منطقه دو نسبت به احساس امنیت وجود ندارد. اگر چه ناهنجاری‌ها، بی‌عدالتی‌ها، بی‌نظمی‌ها، تبعیض‌ها و اعتیاد، خشونت، عدم رعایت حقوق شهروندی، رفتارهای غیراخلاقی، بی‌توجهی به ارزش‌های حاکم بر جامعه و تجاوز به حقوق دیگران و... زمینه علل و عوامل آشکار پدیده‌های ناامنی و از جمله بزهکاری را در جامعه فراهم می‌آورد، اما بزهکاری از جمله منابع عمده شناخته شده ناامنی در جوامع شهری و از جمله رفتارهایی است که در قوانین کیفری با عنوان فعل یا ترک فعل، جرم انگاری شده است. با تأکید براین نکته که «بزهکاری مفهومی بی‌نهایت نسبی و اجتماعی است که احساسات قوی و مشخص وجدان جمعی (گروهی) را جریحه‌دار می‌سازد و برحسب زمان و مکان ممکن است جرم محسوب بشود یا نشود (پیکا، ۱۳۷۶: ۴۲). دولت نیز در مقابل اقتدار و حاکمیتی که براساس قرارداد اجتماعی به‌دست آورده، موظف است که امنیت عمومی و آسایش شهروندان را تأمین نماید و با توجه به اینکه برخورد سرکوبگرانه و مجازات‌گرا قادر به تأمین این هدف نمی‌باشد، جامعه باید تمامی اقدام‌های ضروری برای پیشگیری از جرایم و تأمین امنیت و برقراری نظم را به کار برد (عبدی، ۱۳۸۳: ۱۲).

لواسور با بیان اینکه پیشگیری از جرم در قلمرو پدیده جرم شناختی قرار دارد، می‌نویسد: امروزه پیشگیری و درمان جرم را نمی‌توان از هم جدا کرد. (لواسور، ۱۳۷۲: ۴۳۶-۴۹۵) حتی کسانی که طرفدار قلمرو محدود حقوقی، به طور غیرمستقیم این موضوع را می‌پذیرند؛ زیرا برای آنان سرکوبی، زمانی داخل در موضوع سیاست جنایی می‌گردد که در جهت پیشگیری از تکرار جرم باشد. بدون تردید در گذشته اشتباه این بوده است که امنیت اجتماعی را در سطح کیفرشناسی پایین آورده‌اند و با این عمل، مفهوم امنیت اجتماعی به طور

¹ Barry Buzan

جرايم خواهد داشت. بنابرین، استفاده از نیروهای متخصص آموزش دیده و تجهیز نیروی انتظامی متناسب با ضرورت‌های جامعه می‌تواند در کنترل ناهنجاری‌ها و متعاقب آن افزایش امنیت مؤثر واقع شود.

۳- هرچند که تأمین امنیت اجتماعی از وظایف اصلی نیروی انتظامی می‌باشد، لکن این مهم اقدامات مناسب و متعددی را می‌طلبد که از حوزه مأموریت اصلی و مستقیم نیروی انتظامی خارج بوده و باید با همکاری سایر دستگاه‌ها و نهادهای اجتماعی ایجاد شود. در این راه نقش خانواده به عنوان اولین و مهم‌ترین محیط اجتماعی و نهادهای آموزشی مورد توجه قرار می‌گیرد. نیروی انتظامی می‌تواند در این راه همانند سایر کشورها با دادن آموزش‌های لازم به خانواده و همچنین در مدارس و محیط‌های آموزشی گام مهمی در آشنا کردن جوانان با قوانین و مقررات اجتماعی و نهادینه کردن فرهنگ پیشگیری از جرم داشته باشد.

۴- به نظر می‌رسد باتوجه به نتایج تحقیق یکی از مهم‌ترین روش‌های پیشگیری از جرم که زمینه‌ساز برقراری امنیت بوده و ریشه در مذهب و سنت الهی دارد، احیای فریضه امر به معروف و نهی از منکر است که در جوامع دیگر با عنوان نظارت اجتماعی معرفی و مورد عمل است. ناگفته پیداست که ترویج آموزه‌های دینی مستلزم برنامه‌ریزی‌های صحیح و مدیریت واحد و منسجم بوده و بایستی در چارچوب تعریف شده قانون و مبانی دینی باشد که علاوه بر فراهم آوردن زمینه تحقق و نتیجه بخشی، کسی نتواند به بهانه امر به معروف و یا نهی از منکر به حقوق مردم تجاوز کند.

۵- میزان امنیت به لحاظ جنسیت افراد متفاوت است به طوری که این میزان در زنان کمتر از مردان می‌باشد، برای افزایش احساس امنیت در بین زنان برنامه‌ریزان فرهنگی با تولید برنامه‌های مختلف در جهت افزایش و توسعه احساس امنیت در بین زنان و نیز نیروی انتظامی با تأمین امنیت اماکن و یا تأمین امنیت خیابان‌ها در شب، می‌تواند باعث افزایش احساس امنیت زنان شود.

واقعی تحریف شده است. به این ترتیب واکنش علیه مجرم چون گذشته، نباید به صورت برخورد سرکوبگرانه علیه جرم متجلی گردد و محدوده سیاست جنایی منحصر به واکنش کیفری علیه بزهکاری باشد. از این رو است که کلیه تدابیر پیشگیری که برای جلوگیری از ارتکاب بزه یا جلوگیری از تکرار جرم صورت می‌گیرد، باید به عنوان سیاست حقوقی و قانونمند یک دولت مطرح گردد زیرا «پیشگیری همیشه کم‌هزینه‌تر و آسان‌تر از مداواست». با توجه به نتایج به دست آمده، می‌توان نتیجه گرفت که شناسایی و کنترل عواملی که باعث بروز جرم و ناامنی می‌شود بیش از هر چیز دیگر می‌تواند آرامش جامعه را حفظ کند چنانچه در پاسخ‌ها مشاهده کردیم برای رسیدن به این مهم تقویت فرهنگ دینی و اعتقادی مردم و همچنین استفاده از راهکارهای حمایتی از افراد و خانواده‌ها می‌تواند در کنار فعالیت‌های پلیسی و قضایی در کنترل جرم و بالا رفتن احساس امنیت در جامعه بسیار مؤثر واقع شود.

پیشنهادهات

۱- افزایش مشارکت اجتماعی مردم با پلیس در امور امنیتی کارکردهای آشکار و پنهان بسیاری به دنبال دارد که از آن جمله می‌توان به افزایش نظم و انسجام اجتماعی، افزایش میزان تعهد و اعتماد اجتماعی، قبول مسئولیت و انجام کارهای گروهی، افزایش امنیت و احساس امنیت، افزایش مقبولیت اجتماعی پلیس و برقراری روابط عاطفی میان پلیس و مردم اشاره کرد. با افزایش میزان تعاملات پلیس و مردم، سازوکار بنیادی تأمین امنیت اجتماعی به جای برخوردهای فیزیکی، بر مفاهیم و گفتگو استوار می‌شود.

۲- دستگاه قضایی زمانی می‌تواند در امر دفاع از امنیت اجتماعی و مبارزه با بزهکاری و پیشگیری از جرم توفیق داشته باشد که بازوان اجرایی و ضابطین مجهز و آموزش دیده داشته باشد. پایین بودن سطح عملکرد پلیس و عدم دسترسی به تشکیلات و امکانات لازم برای مشارکت نیروهای انتظامی در امر پیشگیری از جرایم، اثرات غیرقابل تردیدی برافزایش

منابع

- عبدی، توحید. (۱۳۸۳). «تبیین رویکرد جامعه محوری پلیس»، فصلنامه دانش/انتظامی، شماره چهارم، ص ۱۲.
- عسگری‌پور، صلاح. (۱۳۸۸). «سیستم پلیس در ایالات متحده»، روزنامه وطن/امروز، ش ۱۳۲.
- کوچکی، محسن. (۱۳۶۸). «امنیت دسته جمعی»، پایان نامه کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع).
- لواسور، ژرژ. (۱۳۷۲). «سیاست جنایی»، ترجمه: علی حسین نجفی ایرند آبادی، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۴۳۶-۴۹۵.
- محسنی، مرتضی. (۱۳۷۵). دوره حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران: گنج دانش.
- معین، محمد. (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی، جلد اول آرخ، چاپ نهم، تهران: انتشارات سپهر.
- منتسکیو. (۱۳۶۲). روح القوانين، ترجمه: علی اکبر مهدی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۸۸). «بزهکاری و پلیس محلی»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۹، ص ۱۴۰.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. (۱۳۸۰). ارزش و نگرش‌های ایرانیان، احساس امنیت، گزارش نظرسنجی ۲ سالانه (طرح پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها).
- بیات، بهرام. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی احساس/امنیت، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- پیکا، ژرژ. (۱۳۷۶). جرم‌شناسی، ترجمه: علی حسین نجفی ایرند آبادی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- _____. (۱۳۸۶). «جرایم و شهرنشینی»، ترجمه: عزیز طوسی، ماهنامه دادرسی، ش ۲، ص ۴۲.
- حبیب‌پورگتایی، کرم و رضا صفری‌شالی. (۱۳۹۱). راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده‌های کمی)، چاپ پنجم، تهران: متفکران
- رجبی‌پور، محمود. (۱۳۸۲). «راهبرد پیشگیری اجتماعی از جرم»، فصلنامه دانش/انتظامی، سال پنجم، شماره دوم، ص ۷۵.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۳۰). لغتنامه فارسی، ج ۱۳، تهران: انتشارات گلشن.
- شاکری، ابوالحسن. (۱۳۸۲). «قوه قضاییه و پیشگیری از وقوع جرم»، مجموعه مقالات پیشگیری از جرم، مازندران.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. (۱۳۸۲). فرهنگ علوم رفتاری، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- قریشی، سید علی‌اکبر. (۱۳۶۱). قاموس قرن، تهران: انتشارات حیدری.

regard to calm feeling level in its different districts, responses indicate that this level is moderate to high. This difference suggests that the feeling of security among urban population is less than residential areas in Broujerd. In other words, the results suggest that respondents have a greater sense of insecurity and fear in the areas outside their residential region. In relation to the impact of each factor in prevention of crime and insecurity, strengthening the religious culture and expansion of "encouraging the good and discouraging the wrong" have higher ranks in the responses obtained from people. The lowest rank is for police activity in public places. Results show that the proportion of people who think that non-criminal prevention programs are effective in making a healthy social environment and increase the sense of security by identifying and removing the root causes of crime, is higher than the average.

Keywords: Security, Sense of Security, Social Security, Prevention of Non penal, Criminology.

References

- Bayat, B. (2009) *Sociology of the security feeling*, Amir Kabir publication, Tehran.
- Pica, Georges. (1997) *Criminology*, translated by Dr. Ali Hussain Najafi Irand Abadi, Shahid Beheshti University, Tehran.
- Pica, Georges. (1997) *Crimes and Urbanization*, translated by Aziz Tosi, crime translated dear Gray, Dadrasi monthly journal, N0. 2.
- H. Porgetabi and R. Safari Shali, (2012) *comprehensive guide to the use of SPSS in survey research (quantitative analysis)*, first edition, fifth print, Motafakeran publication, Tehran.
- Dehkhoda, A.A. (1951) *Persian Dictionary*, vol. 13, Gulshan Publications, Tehran.
- Pour Rajabi, M. (2003) "Strategy of Social Crime Prevention", *Quarterly of Police Knowledge*, No.2, year 5, P 75.
- Shakeri, A. (2003) *the judiciary and the prevention of crime*, Proceedings of crime prevention, Mazandaran.
- Shoari Nejad, A.A. (2003) *A Dictionary of behavioral sciences*, Amir Kabir Publications, Tehran, first edition.
- Abdi, Tawhid. (2004) "Explanation of Community Policing Approach", *Quarterly of Police Knowledge*, No. IV, p 12.
- Asgarpour, S. (2009) "Police System in the United States," *Vatan Emroz Newspaper*, No. 132.
- Qureshi, Seyed A.A. (1982) *the Ghamos Gharn*, Heydari Publications, Tehran.
- Kochaki, M. (1989) "*Collective Security*", MA thesis in Islamic Studies and Political Science, University of Imam Sadeq, September.
- Levasor, George. (1993) "*Criminal Policy*", translated by Ali Hussain Najafi Irand Abadi, Shahid Beheshti University, *Journal of Legal Studies*, No. 12-11.
- M. Mohseni, (1996) *The Public Criminal Law*, Vol. 2 Ganj Danesh, First printing, Tehran.
- Moean, M. (1996) *Persian Dictionary*, Vol 1, ninth printing, sphere publications, Tehran.
- Montesquieu, (1983) *The Spirit of the Laws*, translated by Ali Akbar Mohtadi, Amir Kabir Publications, Tehran.
- Najafi Abrand Abadi, A.H. (1999) "The Prevention of Crime and the Local Police," *Journal of Legal Studies, Shahid Beheshti University*, No. 25-26, P 140.
- Ministry of the Islamic Culture and Guidance, (2001) Values and attitudes of the Iranians, Sense of security, a biennial survey report, the National Survey of values and attitudes.

The Effect of Non-Criminal Prevention Methods on the Sense of Security among Young Adults in Broujerd

Hengameh Ghazanfari

Assistant Professor, Department of Law, Islamic Azad University, Khoramabad Branch, Iran

Mohamad Mehdi Ghasemi Kia*

M.A. of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Broujerd Branch, Iran

Corresponding author, e-mail: n.ghasemikia@yahoo.com

Introduction

Security is one of the fundamental and natural needs of humans. It has both objective and subjective-psychological dimensions. In this study, its subjective dimension (feeling of security) is considered. Sense of security as a socio-psychological phenomenon is influenced by the direct or indirect experiences of people in different social situations and people need it to achieve a healthy life and sustain social relationships. Feeling of security may not be obtainable at the same level for different classes of society and certain segments of society may feel less secure than the others. In other words, they see their own interests at risk more than the others. Crime prevention in specific meaning of Delinquency Prevention consists of a set of non-coercive measures designed to achieve a particular purpose, i.e. inhibition of crime, reducing crime, and reducing the severity of the offense. Social security feeling is a manifestation of the efforts of systems for prevention of social insecurity and anarchy to manage a healthy society. The main objective of this study is to examine the feeling of security among the youth in Broujerd. It is measured in terms of the effect of non-criminal prevention methods on the level of social security feeling. In the first section of this study, theoretical background and the related literatures are reviewed. In the next section the collected are presented from the target statistical population by using questionnaires. Then data are examined to verify if the lack of security feeling is really caused by the lack of security or some other reasons can contribute to feeling of security? What are the factors influencing this feeling? Then some non-criminal methods for prevention of offenses leading to insecurity feeling among young in Broujerd are proposed.

Materials and Methods

In this study, the study population included all 14-29 years old people living in the city of Broujerd. Based on the definition of national youth organization, people in this age group are considered as young. Their number according to the last census conducted by the Statistics Centre is equal to 117269. Due to the nature and extent of the statistical population, the method of random sampling was used. According to Cochran formula, 384 questionnaires were used to assess respondents' views. Considering the measurement of the variables, the statistics data were appropriately analyzed. Extraction, coding and analysis of data and preparation of tables and diagrams were performed using Excel and SPSS software. In describing the data, descriptive statistics such as frequency distribution (one-dimensional tables and charts) were used. For data analysis, inferential statistics and statistics tests (such as two-dimensional tables and correlation intensity tests appropriate to research questions and considering the measurement of variables) were used. The main hypothesis of the research is that developing and implementing the non-criminal prevention programs plays an important role in the social and environmental security and increases the security feeling of citizens by eliminating the root

causes of crimes.

Discussion of Results and Conclusions

According to the results, it can be concluded that identifying and controlling factors that cause crime and insecurity is more effective than any other measure which is taken to keep the community in comfort. To achieve this important goal, promoting religious beliefs as well as the use of strategies to support individuals and families, besides the activities of the police and the judicial system can be very effective in controlling crime and increasing the sense of security in society. The results indicate that people have a positive view about the non-criminal crime prevention programs and they think that these measures have a very positive impact on the environmental and social health and security of the people. Among the personal characteristics such as gender, marital status, place of residence, age and educational level, only two variables-gender and marital status- were effective and in significant relationship with the security feeling of the individuals. The rest of the hypotheses were rejected. According to the research findings, the feeling of calm (in general) in Broujerd is moderate and in

- emergence of sociological theory*, translated by: Lahsaeizadeh, A.A. Shiraz University Press, Shiraz.
- Viren, M. (1996) "Suicide and Business Cycles: Finnish Evidence", *Applied Economics Letters*, vol. 3, p 737-738.
- WHO Programs and projects, Suicide prevention (SUPRE), (2008) *World Health Organization*: Geneva.
- World Health Organization, (2002) *World Health Report on Violence and Health*, Geneva: WHO.
- Yong-Hwan Noh (2009) "Does Unemployment Increase Suicide Rates? The OECD Panel Evidence", *Journal of Economic Psychology*, vol. 30, Issue 4, P 575-582.

- European Economic Review*, vol. 45, p 1007-1019.
- Chen, Joe, Yun Jeong Choi, and Yasuyuki Sawada (2009) "How Is Suicide Different in Japan?" *Japan and the World Economy*, vol. 21, p 140-150.
- Chen & et al. (2012) "Recession, Unemployment and Suicide in Japan", *Japan Labor Review*, vol. 9, No 2, p75-92.
- Coser, Lewis Alfred. (2000) *Masters of Sociological Thought; Ideas in Historical*, translated by: Salasi, M. Elmi Publication, Tehran.
- Daly, Mary C. and Daniel, J. Wilson, (2009) "Happiness, Unhappiness, and Suicide: an Empirical Assessment", *Journal of the European Economic Association*, vol. 7, p539-549.
- Durkheim, David Emile. (1999) *Xedkorsi Suicide*, Translated by: Salarzadeh, N. University of Allame Tabatabaei, Tehran.
- Gunnell, D. Lopatzidis, A. Dorling, D. Wehner, H. Southall, H. Frankel, S. (2009) "Suicide and Unemployment in Young People: Analysis of Trend in England and Wales, 1921-1995", *Br J Psychiatry*, P 263-270.
- Gujarati, Damodar. (2011) *Basic Econometrics*, vol. 2, Seventh Edition, Tehran University Press, Tehran
- Hamermesh, Daniel S. and Neal M. Soss, (1974) "An Economic Theory of Suicide", *Journal of Political Economy*, Vol. 82, p 83-98.
- Hawton, K. Zahl, D. Weatherall, R. (2003) "Suicide Following Deliberate Self-Harm: Long-Term Follow-up of Patients who presented to a General Hospital". *Br J Psychiatr*, No. 182, p 537-542.
- Inagaki Kazuyuki, (2010) "Inequality and the Suicide Rate in Japan: Evidence from Cointegration and LA-VAR", *Journal of Applied Economics*, vol. XIII, No. 1, p 113-133.
- Johansson, S.E and Sundquist, J. (1997) "Unemployment Is an Important Risk Factor for Suicide in Contemporary Sweden: an 11-Year Follow-up Study of a Cross-sectional Sample of 37 789 People", *Public Health*, vol. 111, Issue 1, P 41-45.
- Kivisto, Peter. (2009) *Key ideas in sociology*, translated by: Sabori, M. Ney Publication, Tehran.
- Kaldi, A. and Geravand, A. (2002) "Suicide Analysis in Kohdasht City (Iran)", *Refah-E Ejtemaei (Social Welfare Journal)*, No. 6, p 275-293.
- Ken Inoue, et al. (2007) "The Correlation between Unemployment and Suicide Rates in Japan between 1978 and 2004", *Legal Medicine*, vol. 9, Issue 3, P 139-142.
- Lester David, (1995) "Explaining Regional Differences in Suicide Rates", *Social Science & Medicine*, vol.40, Issue 5, P 719-721.
- Lin, S.J. (2006) "Unemployment and Suicide: Panel Data Analyses", *the Social Science Journal*, No. 43(4), p 727-732.
- Masanori Kuroki, (2010) "Suicide and Unemployment in Japan: Evidence from Municipal Level Suicide Rates and Age-specific Suicide", *The Journal of Socio-Economics*, vol. 39, Issue 6, P 683-691.
- Memari, A. et al. (2006) "Suicide Determinants in Married Women", *Hayat (School of Nursing and Midwifery Journal, Tehran University of Medical Sciences)*, No. 12, Issue 1, p47-53.
- Mohsen Tabrizi, A. (1994) *Suicide Determinants in Ilam Province*, Tehran University Social Research Center, Research Report (Sponsored by Ilam Governorate).
- Neumayer, Eric. (2004) "Recessions Lower (some) Mortality Rates: Evidence from Germany", *Social Science & Medicine*, vol. 58, p 1037-1047.
- Preti, A. (2003) "Unemployment and Suicide", *Journal of Epidemiology and Community Health*, No. 57(8), p 557-558.
- Platt, S.D. (1984) "Unemployment and Suicidal Behavior", *Social Science and Medicine*, vol. 19, p 93-115.
- Rosriguez, (2008) *Relationship between the Economy, Unemployment and Suicide*, Prepared by the Suicide Prevention Resource Center.
- Rodriguez, A.A. (2005) "Income Inequality, Unemployment and Suicide: A Panel Data Analysis of 15 European Countries", *Applied Economics*, vol. 37, P 439-451.
- Salari Lak, Sh and et al. (2006) "Nvestigation of Amount and Factors Affecting the Occurrence of Suicide During the Year in West Azerbaijan Province", *Journal of Kerman University of Medical Sciences*, vol. 13, p 103.
- Shikhavandi, D. (2002) "Sociology of of deviations", Mondiz Publishing, Tehran, Iran
- Suzuki, T. (2008) "Economic Modelling of Suicide under Income Uncertainty: For Better Understanding of Middle-Aged Suicide". *Australian Economic Papers*, p 296-310.
- Taylor. (199) *The Sociology of Suicide*, translated by: Mousanezad, A. Isfahan Publication, Isfahan.
- Turner, Johathanahd Beeghley, Leonard. (1992) *The*

so the results of the single root tests are not valid. Therefore, there was no need for the single root table test, consequently the need for the panel overlap tests was canceled too. On the other hand, after studying the permanency of the data due to the mixed data it is possible for the studies on this sort of data to show differences in the variances. Taking into the consideration the important effects of differences in variances on estimation, standard deviation, and inferential statistics, differences or similarities in the variances need to be identified before the estimation. To test the equality of variances in the table data, the test of LR was utilized. Since the estimated Prob is lesser than 0.05, the null hypothesis on the variance of the paradoxical sentences was rejected. Therefore the model has inequality and differences in the variances. Thus, the model should be estimated so that the problem of differences in the variances is alleviated. One of the methods of alleviating the problems of differences in variances is the Generalized Square Model. In this model, this problem is alleviated if there will be a self-independence in the model. Testing the data of the model, the estimation of the model and the results will be dealt with.

The results showed that since the total statistical probability (Prob= 0.013) in the model is lesser than 0.05, the general meaningfulness of the model was accepted. Studying the estimation results in the model in this study, we realized that there was a positive and meaningful relationship between unemployment and committing suicide since the estimated coefficient was 0.363693 and the probability for unemployment as a variable was 0.004. Thus it can be said that in Iran and consequently in different provinces, the rate of committing suicide increases to 0.36 with each 0.01 increase in the unemployment rate. So, the results indicated that there is a meaningful relationship between committing suicide and the rate of unemployment.

Although different aspects of committing suicide such as sociological and psychological aspects are important, the economic aspect plays an important role as well. The economic factors affect the social factors, the individuals, and the society at large. Thus the relationship is quite clear. This study aimed to investigate the relationship between economic problems – here unemployment as a representative of it – and the social problems – here suicide as a representative of it. In the present study, after studying the sociological view and the Durkheim's theory, the Hammer's view, the first pure economic view on suicide, was reviewed. Comparing the results of the present study with the experimental bulks of research on the topic and the theoretical literature of the field of crime economy, it is apparent that the results are in line

with most studies on crime economy (Balky et al., 2003; Lin, 2006; Rodriguez, 2006; Suzuki, 2008; Sadeghi et al., 2004; Mehregan et al. 2010). Unemployment decreases self-confidence. Every one of these factors increases the possibility of committing suicide. Thus, although the economic problems and unemployment should not be considered as the only contributors to suicide, the positive relationships between unemployment and suicide should not be taken for granted. So, determining the role of unemployment and economic problems is the case that is crucially important in terms of the security affairs.

Keywords: Social Problems, Economic Factors, Committing Suicide, Unemployment Rate, Mixed Data, Provinces of Iran

References

- Ajdacic Gross, V. Weiss, M.G. Ring, M. Hepp, U. Bopp, M. Gutzwiller, F. & Rössler, W. (2008) "Methods of Suicide: International Suicide Patterns Derived from the WHO Mortality Database", *Bulletin of the World Health Organization*, No. 86(9), p 657-736.
- Anbari, M. Bahrami, A. (2010) "Study the Effects Poverty and Violence on Suicide Rates in the Study: Village City Poldokhtar", *Iranian Journal of Social Problems*, Year 1, No. 2, p1-29.
- Antonio, Rodríguez. (2006) *Inequality and Suicide Rates: A Cross-Country Study*, Institute for Advanced Development Studies, Development Research Working Paper Series.
- Bijou Yang, David Lester, Chung-Hsin Yang, (1992) "Sociological and Economic Theories of Suicide: A Comparison of the U.S.A. and Taiwan", *Social Science & Medicine*, vol. 34, Issue 3, P 333-334.
- Baltgi, B.H. (2005) *Econometric Analysis of Panel Data*, (Third Ed.), John Wiley & Sons.
- Bertolote, J.M. Fleischmann, A. (2002) "A Global Perspective in the Epidemiology of Suicide", *Suicidology*, vol. 7, Issue 2, p75-92.
- Bertolote, J.M. Fleischmann, A. (2002) "A Global Perspective in the Epidemiology of Suicide", *Sociology*, vol. 7, Issue 2, P 6-8.
- Blakely, Tony A. Sunny, C.D. Collings, and June Atkinson. (2003) "Unemployment and Suicide: Evidence for a Causal Association?" *Journal of Epidemiology and Community Health*, vol. 57, p. 594-600.
- Brainerd, Elizabeth. (2001) "Economic Reform and Mortality in the Former Soviet Union: A Study of the Suicide Epidemic in the 1990s",

Economical Distinctions and Social Problems of Iran: Rates of Unemployment and Suicide

Mohammadali Feizpour

Assistant Professor, Department of Economics, Yazd University, Iran

Ezatallah Lotfi*

M.A. in Economics, Yazd, Iran

Corresponding author, e-mail: Ezatlotfi@ymail.com

Introduction

Human resources as one of the important indexes of production and development have always suffered from social problems including committing suicide. Committing suicide is amongst the first ten causes of mortality. In some countries, it is among the first three causes of the death of young people who are the main capital of the society. Although an economic view to social problems especially committing suicide has just come to the forefront during the past decade, focusing on this view has been so widespread that the relationships between social and economic problems at the international, national, local, family, and individual levels has been the concern of economists and social scientists alike. Having this view in mind, it is illogical to ignore the role of economy in social problems; therefore, there have been many studies aimed at investigating this relationship. On the one hand, the rate of unemployment is one of the economic variables that has resulted in a remarkable discrimination in different areas. On the other hand, committing suicide is one of the social problems that has caught the attention of experts and communities alike. Therefore, the present study aims at investigating the relationships of the two variables – society and economy – in different parts of Iran base on the province.

Materials & Methods

In terms of the aim, this study is practical and it employed a descriptive-analytical approach. Library research was employed to collect the necessary data. The number of those committed suicide and the rate of unemployment from 1386 to 1389 were the major and most important sources of data for the present study. These data were extracted from the annual report declared by the Statistics Center of Iran. The independent variable of the model was the number of those who had committed suicide per 10000 people and the rate of unemployment defined as the ratio of the unemployed population to the active population (the employed and unemployed), which was considered as the explanatory variable. It is necessary to mention that since the purpose of the present study was to investigate the relationship between unemployment and committing suicide and due to the lack of continuous access to the data on committing suicide, the data were limited to a range of four years. Therefore, because of time and budget restrictions, measurement method used in this study, the regression estimate method, was a mixture of the time-series and sequential data, in which the time-series data were mixed with the sequential data and resulted in a set of data which had the characteristics of both the time-series and sequential data.

Discussion of Results & Conclusions

In the studies which use mixed data, it is necessary for them to be studied before the estimation of the model and to be studied in terms of the assumptions that the mixed data of some tests have about the data. One of the most important tests is the lamer test used for selecting the methods of panel regression and pulling regression. This test reveals that whether the coefficients of determining the regression using the permanent effects are meaningfully bigger than the coefficients of determining the model of pulling regression or not. The results of the present study indicated that since the possibility of the obtained F lamer (0.0021) is lesser than 0.05, therefore the null hypothesis of being a pulling model was rejected, and the hypothesis of being panel was accepted. After identifying the estimated model, in order to compare the permanent effect methods and the incidental effect methods in terms of the explanatory strength of the comparing dependent variable, Heisman test was used. The result of this test also showed that since the amount of the attained possibility (0.0183) was lesser than 0.05, the model's estimate with permanent effects was accepted. Before estimating the model, it is necessary to investigate the permanency of all the utilized variables. However, in this study due to time limitations it was not possible to have a single root test

- Security of Women". *Journal of Honarhayeh Ziba (Fine Arts)*. Vol 17, No 2, 53-64.
- Ali Abadi, J. (2002) "The Role Urban Areas in Social Security", *Monthly of Municipalities (Shardariha-in Persain)*, N. 41, p 5-13.
- Alikhah, F. and Najibi Rabiei, M. (2007) "Women and Fear of Crime in Urban Areas", *Quarterly Journal of Social welfare*, Vol. 6, No. 22, p109-131.
- Annamoradnejad, R. Jokar Sarhangi, E. & Golbahari, A. (2012) *Urban crimes and its solutions in urban environment with emphasis on C.P.T. E. D (A case study of Babolsar)*. Proceeding of National conference of preventing social crimes and damages, Babolsar. University of Mazandaran. P 775-793.
- Bayat, B. (2008) "Sociological Explanation of Security Feeling among Citizen of Tehran (with Emphasize on Media and Social)" *Journal of Social letter*, No. 16, p 115-132.
- Brenda, S.A. Yeoh & Peil Lin Yeow (1997) "Where Women Fear to Tread: Images of Danger and the Effects of Fear of Crime in Singapore". *Geogour Nal*. Vol. 43. No. 3, P 273-286.
- Brundson, C. Gilroy, R. Madani Pour, A. Roe, M. and Thompson, I. (1995) *Safety, crime, Vulnerability and Design, A Proposed Agenda of Study*. University of Newcastle.
- Carmona, Matthew. (2003) *"Public places, urban spaces"*, Architectural press, New York, Paris.
- Cozens, P. (2008) Crime prevention through environmental design (CPTED) in Western Australia: planning for sustainable urban futures.
- Dias, I. Reis, A. Dreux, V. Becker, D. (2007) *"Urban security and spatial behavior, syntactic and perceptual analysis of the central area of porto Alegre"*. 6th international Space Syntax Symposium. Istanbul.
- Ghasemi Moghadam, A. (2012) *Analyzing the impact of spatial and social differentiation in the occurrence of crime culture in wealthy and poor neighborhoods of Babolsar*. MA dissertation, University of Paymnoor Sari.
- Hillier, B. (1996) *Cities as Movement Systems*, Urban Design International, 1.
- Hillier, B. & Hanson, J. (1984) *the social logic of space* (Vol. 1), Cambridge University Press Cambridge.
- Hennessy, G. (2010) *Seize the night: The business and culture of new york night Life*. Create space Independent publishing platform.
- Iranmanesh, N. (2003) "Civilized Life and Urban Spaces", *Quarterly of Housing and Revolution (Enghelab)*. No. 2, p 16-23.
- Jacobs, J. (2008) *Death and Life of Great American Cities*, Translated by Hamidreza Parsi and Arezoo Aflatooni, Tehran. Tehran University Press.
- Kalantari, M. (2000) "Securing the Physical Space of Cities Against Delinquency Using Preventing Strategies of Environmental Design, *Quarterly Police Knowledge*, Vol. 12, No. 3, p 74-51.
- Khoshfar, G. (2001) "Studing the Level of Security Feeling and the Quality of People Participation in Creating Security", *Journal of Political and Economical Information*. No. 163, p 148-155.
- Pishgahifard, Z. & Ahmadidegka, F. ((2000) "Investigating the National Security in the Northern Borders of Iran", *Quarterly of Geographical Land Use*, No. 9, p 53-77.
- Reis, A. Portella, A. Bennett, J. and Lay, M. (2003) *"Accessibility and security Syntatic and perce ptual analysis in two low incom housing estates"*. 4th international Space syntax symposium. London.
- Sadeghi Fasaee, S. & Mirhosaini, Z. (2009) "Sociological Analysis of Crime Fear among the Women in Tehran". *Journal of Social Letter*, No. 17, p 125-155.
- Statistical Center of Iran. (2011) *the results of National Census of Iran*. Tehran.
- Sirel, Sazi. (2006) *"Aydinlatmanin Gecmisi"*, Professional Lighting Design in Turkey, Say1: 7, Agustos Yayin Tanitm, Istsbul, Turkey.
- Unver, At. (2009) *"People's experience of urban lighting in public space"*, master these, Istanbul, Turkey.
- Zanjanizadeh, A.H. (2001) "Women and Urban Security", *Journal of the Faculty of Literature and Humanities Mashhad*, N. 34, p 603-626.
- Zukin, S. (1995) *the Culture of Cities*, New York, Blackwell Publishers.

Evaluation of Physical Components of Public Spaces and their Impact on Social Security of Babolsar Citizens

Sedigheh Lotfi

Professor, Department of Geography and Urban Planning, University of Mazandaran, Iran

Rahim berdi Annamoradnejad *

Assistant Professor, Department of Geography and Urban Planning, University of Mazandaran, Iran

Heydar Vahedi

M.A. in Geography and Urban Planning, University of Mazandaran, Iran

Corresponding author, e-mail:annamoradnejad@yahoo.com

Introduction

Security has been one of the most fundamental needs of human society and the incidence of crime is one of the most important problems in cities. Security feeling in urban spaces is one of the crucial indicators of a good space quality which is dependent upon different aspects of socio-economic and cultural status of each society. Today social scientists try to identify the factors which impact and influence the incidence of crime in public spaces. Urban planners analyze the role of physical and environmental variables in the level of public security in urban communities. The present research attempted to study the connection between public space security and spatial and environmental factors to formulate the main planning guidelines for maintaining security and prevent crime occurrence in the city of Babolsar.

Materials and Methods

The city of Babolsar is located in the southern part of the Caspian Sea and is one of the important tourist destinations in Mazandaran province. The methodology of the research is based on descriptive and analytical approaches and the required data and information were collected by conducting a field work to complete the research questionnaire. The reliability of the questionnaire was justified by Cronbach Alfa coefficient (0.792) and the validity of the questions were confirmed by the help of several experts. The statistical society of the present research includes 14422 households of Babolsar city and the sample was selected via Cochran formula (350 household heads). In general, nine main components and 35 indicators were used to measure the physical components of public spaces. Also three components and 22 indicators were applied for investigating the social security in this research. The data was processed via SPSS and different statistical tests such as Pearson regression and T test were used to determine the possible relationships among the variables.

Discussion of Results and Conclusion

The findings of the research are classified in two main sections as space size and physical form of space. Each of these two criteria is divided into different indexes.

Overcrowding in public space is referred to the mental pressure experience from space density. The finding from one tailed T test for this index showed a general

satisfaction with mean difference of 0.135, which is placed in the status of upper middle level and is reflected in the overall contentment of residents. Scale index in Public space revealed that the expected mean is not meaningful and so it showed a moderate satisfaction.

Visual and environmental comforts are two important and essential components in secure urban environments. This index is further subdivided into symbolic, visual, light, and sound discomforts. The mean difference of symbolic discomfort shows the figure of 0.392, reflecting the lower medium satisfaction of urban residents in public space of the city. In general regarding to the visual and environmental comforts, there is a lower medium level of contentment which highlights the proper planning and management of public spaces in the city. As it was illustrated the city of Babolsar is one of the key destinations of tourism in the North of Iran and also the main state university of the province is located there. So provision of security for public spaces is a main duty of the urban authorities as the city has intraregional functions.

Keywords: Environmental Factors, Public Spaces, Social Security, Babolsar

References

Akbari, R. & Pakbonyan, S. (2012) "Impact of Physical Public Space on Feeling Social

- for substance abuse and mental health clients: Participant work book*. Rockville: SAMSHSA.
- Rezaie Klvary, N. Bahraini, M. (2010) "The Study of Sociocultural Factors Relationship with Collective Disputes, Ethnic and Tribal in the Lordegshan City." *Social Security Studies*, No. 22, p 137-162.
- Salimi, A. Davari, M. (2007) *Sociology of deviant (Studies Set of Deviance and Social Control)*. Qom: Center for Universities and Seminaries.
- Shookohi Yekta, M. Beh Pazhovh, A. Ghobary Bonab, B. Zamani, N. Parand, A. (2008) "The Effect of Anger Management Skills Training on Controlling Anger in Mothers of Student with Intellectual Disability and Unapt." *Research on Exceptional Children*, No. 8(4), p 358-369.
- Sotoudeh, H. (2003) *Social Pathology*. Sixteenth Edition. Tehran: The Publications of Light Sound.

state anger, anger-in control and trait anger, are the best predictors of tendency to collective aggression, respectively. In addition, the results of path analysis showed that there is a direct and significant relationship between state anger, trait anger and anger-in control and independent variables and tendency to collective aggression and dependent variable. The relationship between anger-out control and none of the dependent variables was significant so it was excluded from the model.

Therefore, based on the results of the study, state-trait anger variable and anger control and personality specifications can be turning points of many collective aggressions in the Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad province. Therefore, it is recommended to the authorities that states anger factors should be controlled and reduced. It is also recommended to train good anger control methods which help people who are under critical condition. By improving these psychological variables among people and families we can be hopeful to reduce tendency of people towards collective aggression.

Keywords: Anger as a Trait and State, Anger Management Methods, and People's Tendency towards Collective Aggression

References

- Abouei Mehrizi, M. Tahmassian, K. Khosh Konesh, A. (2010) "The Impact of Anger Management Training on Anger Self-Regulation Skills and Parent- Adolescent Conflicts in Female Adolescents of Junior High (Guidance) Schools in Tehran." *Journal of Family Research*, No. 6(3), p 393-404.
- Ahmadi, H. (2006) *Sociology of Deviance*. First Edition. Tehran: SAMT Publications.
- Asghari Moghaddam, M. Hakimi Rod, E. Rezazadeh, T. (2008) "Preliminary Validation of Trait – State Questionnaire Revised Version of Anger Expression in the Student Population." *Daneshvar (Raftar) Shahed University*, No. 15(28), p 21-35.
- Baghaie Lakeh, M. Khalatbari, J. (2010) "Efficacy of anger Management Teaching on Anger Self-Regulation and Impulsivity in Mothers of Elementary School Boy Students in Rasht." *Journal of Nursing and Midwifery Faculty of Guilan Province*, No. 20(63), p 1-9.
- Bukharaie, A. (2012) *Sociology of Social Deviance*. Second Edition. Tehran: Payam Noor University Publications.
- Calamari, E. & Pini, M. (2003) "Dissociative Experiences and Anger Proneness in Late Adolescent Females with Different Attachment Styles." *Journal of Adolescence*, No. 38, p 287- 288.
- Dahlen, E.R. Deffenbacher, J.L. (2001) *Anger management: Empirically supported cognitive therapies; Current status and future promise*. New York: Springer P.C.
- Kalantari, M. Ghezelbash, S. Jabari, K. (2010) "The Spatial Analysis of Urban Delinquency Using Cornell Density Estimation Model, Case Study: Wickedness Offenses, Strife and Conflict in the Zanjan City." *Journal Order and Social Security*, No. 2(3), p 73-100.
- Khodayarifard, M. (2007) *The Study of Psychometric Properties and Normalization of Spielberger's State-Trait Anger Expression Inventory-2 (STAXI-2) Among of Students*. Faculty of Psychology and Education, University of Tehran.
- Lau, B.V.K. (2001) "Anger in Our Age of Anxiety: What Clinicians Can Do." *The Hong Kong Practitioner*, No. 23, p 258-264.
- Mirfardi, A. Ahmadi, S. Sadeghnia, A. (2010) *The Rate of Tendency to Collective Conflict among 15-65 Years Old Men of Boyer-Ahmad Cotry and Social and Cultural Factors Influencing it*. M.Sc. Thesis in Sociology. Department of Social Sciences. Yasuj University.
- Montaz, F. (2002) *Social deviance: perspectives and theories*. First Edition. Tehran: Publishing Joint Stock.
- Naveedy, A. (2006) *the Efficacy of Anger Management Training on Adjustment Skills of High School Male Students in Tehran*. Ph.D thesis, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabaie University in Tehran.
- Naveedy, A. Borjali, A. (2007) "The Impacts of Implementation of a Anger Management Training Program on Anger Self-Regulation Skills High School Boys." *Psychological Research*, No. 10(3&4), p 81-85.
- Nazari, J. (2007) *Sociological Explanation for the Rate of Tendency to Collective Conflict in Ilam province*. Social Deputy of Islamic Republic Police of Iran (NAJA): Ashenaie Publications.
- Poorafkari, N. (2004) *Local Collective Strife*. Proceedings of the First National Congress of Iranian Sociological Issues Pose, Tehran: Allameh Tabatabaie University Publications.
- Rabbani, R. Abbas, M. Theoretically, J. (2004) "Study on Social- Cultural Effective Factors on Tendency to Collective Aggression (Case Study in Selected Districts of Ilam Province)." *Societal Security Studies*, No. 1(3), p 103-126.
- Railly, P.M. Shopshire, M.S.S. Durazzo, T.C. Campbell, T.A. (2002) *Anger management*

Anger as a Trait and State, Anger Management Methods, and People's Tendency towards Collective Aggression

Fariborz Nikdel *

Assistant Professor, Department of Psychology, Yasouj University, Iran

Ali Akbar Pirasteh Motlagh

M.A. in Psychology

**Corresponding author, e-mail:fnikdel@yu.ac.ir*

Introduction

Ethnic disputes and collective aggressions are observable in each period of history and are more evident in traditional and nomadic communities. This issue has had many life and property damages in the past and present times and it has also prevented social development to flourish. Based on the damages of collective aggression, the researchers attempt to study the fundamental causes of this problem. It is assumed that state-trait anger and anger control methods are effective variables on people's tendency toward collective aggression. Therefore, determining the effective factors on collective aggression is of great importance from social, family and individual aspects. The theoretical framework of the present study is the combination of psychological and social- psychological theories regarding collective aggression. According the theories regarding collective aggression and relevant researches, collective aggression stems from different factors and reasons as a multi-dimensional social phenomenon. In a general classification, these factors are divided into individual and social factors. Based on various researches regarding social reasons of tendency to collective aggression, only the individual and psychological causes have been investigated. Indeed, this study evaluated state-trait anger and anger control method variables as individual and psychological factors related to tendency to collective aggression.

Materials & Methods

The study method is non-experimental and it is a survey in terms of type and cross section in terms of time. The study population is all citizens of the Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad province whose age is between 14 and 50 years old. Based on the latest census, they include 325204 individuals. The sample size is 400 based on Cochran's formula. The sampling method is stratified random. Two questionnaires were used to measure the variables: a) Tendency to collective aggression survey is designed by Mirfardi et al. (2010) with 13 items evaluating behavioral and cognitive aspects, b) Spielberger's State-Trait Anger Expression, which is composed of 57 questions-6 scales and 5 subscales and divided into 3 sections: state anger, trait anger and anger control methods.

Discussion of Results and Conclusions

The present study aimed to evaluate the role of state-trait anger and anger control methods in people tendency to collective aggression. The results showed that there is a positive and significant relationship between state anger, tendency to collective aggression and trait anger variables with tendency to collective aggression. The relationship between subscales of state anger, trait anger with tendency to collective aggression and cognitive tendency subscales to aggression and behavioral tendency to aggression showed that there is a

positive and significant relationship between anger feeling subscales, verbal and physical expression of anger, angry mood and angry reaction with the variable of tendency to collective aggression and its subscales, cognitive tendency to aggression and behavioral tendency to aggression. Indeed, the results of the hypotheses showed that the people with high trait and state anger (feeling angry), show more angry moods, tendency to physical and verbal expression of anger and angry reactions. So they have a high tendency to collective aggression; cognitive and behavioral. Uncontrolled anger not only jeopardizes adaptability and health of the people, but also various examples of interpersonal and social issues including collective aggression are affected by this emotion and violence and aggressiveness are the most predictable outcomes in this regard. Therefore, violence and aggressiveness are effective components on collective aggression. On the other hand, violence in retaliation leads to group or family conflicts. In addition, the results showed that there is a negative and significant relationship between anger-out control with tendency to collective aggression. Also, there is a negative and significant relationship between anger-in control and tendency to collective aggression. Indeed, the more people control anger-in and anger-out, the less the tendency to collective aggression. Also, the results showed that 3 variables of

- from Aspect of City Architect & Designers”, *Abadi*, Vol. 20, No. 66, p 58-63.
- Salehi, E. (2009) “Building Role, Environmental Theory, in Preventing Rough Behavior City”, *the Publication of Building & Architecture New Art*, No. 39, p 127-137.
- Sherman, L.W. and Gartin, P.R. and Buerger, M.E. (1989) “Hot Spots of Predatory Crime: Routine Activities and the Criminology of Place.” *Criminology*, No. 27 (1), p 27-55.
- Taghvaei, M. (2010) “Examining and Comparing Crime Criteria at Different Levels of Shiraz City”, *Journal of Iranian Society of Geographic*, Vol. 8, Issue 26, p 105-133.
- Wilson, J.Q. and Kelling, G.L. (1982) “Broken Windows: The Police and Neighborhood Safety,” *Atlantic Monthly*, March.
- Zangiabadi, A. Rahimi, N. (2010) “Spatial Analysis of Crime in the City of Karaj Through GIS”, *Journal of laws and Political Sciences*, Vol. 40, No 2, p 179-198

different directions. It seems that the location of subway stations Saadi, Molavi and Rahahan has influenced the direction of this ellipse, because the highest concentration of crimes has been towards these stations.

The nearest neighbor index on dispersion of the whole crimes related to drug on 12th district of Tehran is equal to 0.62 and based on the Z value of these crimes, that is 7.62, confirms the cluster of the spatial distribution of points related to the whole crimes associated with drug on area of the study.

With the study of spatial pattern of crimes related to drug in the 12th district using the kernel density method, the results of previous studies were confirmed in this test, indicating that the distribution of crimes within this district gathered a cluster. In other words, parts of 12th District are faced with high rates of criminality and in other parts this criminality is minimal or zero. The distribution of places of crimes in 12th District shows that Square Mohammedia in the southwestern of the District and Esteghlal Square in the northwestern are the main focus of crimes related to drug. There is a good market for the supply and sale of drugs, due to excess consumption in these areas, easy distribution of material in these Squares, Lack of official control. Finally, the existence of subway stations in Mohammedia and Esteghlal Squares has created appropriate focus for crimes related to drug in these areas.

Keywords: Time - Space Analysis, Social Pathologies, Crimes Related to Drug, 12 District, Tehran City.

References

- Abdollahi Haghi, M. (2004) "Lack of Public Stations and their Impact on Theft of Vehicles or Equipment in the Central Part of Zanjan City", *the Journal of Rehabilitation and Training*, No. 70, p 2-5.
- Atlas, R. (1999) *Environmental Design that Prevents Crime, the construction specifier*, Atlas Safety & Security Design. Santamonica.
- Bennett, T. (1995) "Identifying, Explaining and Targeting Burglary Hot Spots", *European Journal on Criminal Policy and Research*, Vol. 3, p 113-123.
- Bottoms, A.E. and Wiles, P. (1997) *Environmental criminology*, In the Oxford Handbook of Criminology, (Eds) Maguire, R Moran and R Reiner. Clarendon Press, Oxford.
- Chi Pun Chung, E. (2005) *Use of GIS in campus crime analysis: A case study of the University of Hong Kong*, for the degree of master of geographic information systems at the University of Hong Kong.
- Cozens, P.M. (2002) "Viewpoint Sustainable Urban Development and Crime Prevention through Environmental Design forth British City". *Towards an Effective Urban Environmentalism for the 21st Century*, Cities, Vol. 19, No. 2. P. 132-143.
- Cozens, P.M. (2008) "New Urbanism, Crime and the Suburbs: A Review of the Evidence", *Urban Policy and Research*, Vol. 26, No. 4, p 429-444.
- ECK, J.A. Chinese, S. Cameron, James, J. Lytnr, M. and Wilson, R.W. (2009) *Mapping for crime analysis: identifying sites hotspots*, translated by Kalantari and Shkoei. Printing, Zanjan, Azarkelk publication.
- Felson, M. Clarke, R. (2008) *Opportunity and Crime, practical approach to the prevention of delinquency*, translated by M. Kalantari and S. Qizilbash, printing, Zanjan, dissemination of knowledge.
- Hopkins, M. (2004) "Targeting Hot Spots of Alcohol Related Town Centre Violence: a Nottingham Shire Case Study", *Security Journal*, Vol. 7, p 53-66.
- Kalantari, M. and Ghezelbash, S. and Yaghmaei, B. (2010) "Geographical Investigation of Crime HotSpots in Zanjan City (Case Study: Drug-Related Crimes)", *Human Geography Research Quarterly*, No. 74, p 41-60.
- Mc Camley, P. (2001) *Crime design and urban planning: from theory to practice*, first published in the royal Australian planning institute magazine, new planner.
- McCollister, K.E. French, M.T. Fang, H. (2010) *the cost of crime to society: New crime-specific estimates for policy and program evaluation* Drug and Alcohol Dependence 108.
- Monzavi, M. Solimani, M. Tavalae, S. Chavoshi, A. (2010) "Vulnerability of Old Central Part of Tehran in Against Earthquake (Case Study: 12 District of Tehran" City), *Human Geography Research*, No. 73, p 1-18.
- Hatami Nejad, H. Mohammadpoor, S. Manochehri, A. Hesam, M. (2011) Review and Proposed Criteria and Standards of Development Planning for Urban Green Space (Case Study: 12 District of Tehran City)", *Geographical Research*, Vol. 26, No. 3, p 25-50.
- Newman, O. (1973) *Defensible Space: Crime Prevention through Urban Design*. New York: Macmillan.
- Parhiz, F. (2010) *Spatial - Physical analysis of social malformations in informal settlements areas Case Study: Informal Settlement Area Islamabad in Zanjan*, MA proposal, Zanjan University.
- Rezazadeh, R. and Khabir, S. (2010) "Investigating Situational Procedure for Preventing Crime

The Time - Space Analysis of Social Pathologies Related to Drugs (Case Study: Tehran 12th District)

Ali Zangiabadi

Associate Professor, Department of Geography and Urban Planning, University of Isfahan, Iran

Faryad Parhiz*

Ph.D. student of Geography and Urban Planning, University of Isfahan, Iran

Ehsan Khayambashi

Ph.D. student of Geography and Urban Planning, University of Isfahan, Iran

**Corresponding author, e-mail: faryad1364@gmail.com*

Introduction

Spatial analysis of urban social pathologies helps to identify patterns of criminal behavior, discover at-risk areas and eventually change the situation by creating spaces for defeating social pathologies and eliminate them from the city. In fact, considering the place, as the immediate cause of social pathologies compared with the individual or structural factors, it seems more feasible to provide practical solutions from prevention of social pathologies. One of the most important and complex issues of Tehran metropolitan city at the present time is the high frequency of crimes and social disorders in the context of the city's old areas. In addition to creating a sense of insecurity and pessimism, this has caused heavy mental and physical injuries on the shoulders of citizens despite great efforts and budget expenditures. According to the official statistics, the number of crimes of the 12th District of Tehran that is known as the Nasery-eraTehran, is much higher than other areas of Tehran. Thus, increase in social pathologies with physical injuries has made this area a dangerous place and hard to live. The first step should be to provide a time-space analysis of various social pathologies of the area, so that strategies to confront these disorders will be decided soon.

Materials & Methods

This study is a practical study with comparative and analytical approach. To identify and understand the spatial pattern of crime in the city, it has used statistical models and graphics based on the geographical information system (GIS). The most important statistical tests used are Mean Center, Standard Deviation Distance and Standard Deviation Ellipse tests and among the clustering tests the nearest neighbor index is used to identify the centers of mass rise. In this study, in addition to statistical tests, graphics methods such as kernel density estimation method has been also used. The data related to crimes of the 12th District have been considered as point events.

Discussion of Results & Conclusions

Among Iran's cities, Tehran has the highest rate of social pathologies because of specific, spatial, physical and social conditions. This positive relationship between population growth and increase in the rate of social Pathologies can be regarded as a result of quantitative increase in the city's population. So it is essential to, with scientific methods and new technologies, identify place-time circumstances in which crimes are committed in Tehran. Tehran's 12th district with 1600 hectares equivalent to 2/7 percent of the total area of Tehran has

allocated according to statistics 3.17 percent of the total population of Tehran. Evaluation of the relative density of population in 12th district show that in these area 154.5 people live per hectare, while the relative density of population in Tehran is 131.6 people per hectare. Therefore relative density of population in district 12 of Tehran is greater than the average density in Tehran city.

The findings show that although district 12, only has allocated 2.7 percent of the land area, but the most percentage occurrence of social pathologies occurred in this area of Tehran. In other words, from 6006 cases of studied crime in this study that occurred in Tehran, about 560 cases, occurred in the 12th district.

Based on the time analysis which determines the type and extent of crime in the 12th district, the peak time and the time center of gravity of crimes is 13 and Wednesday, with frequency of 10-8 crime events in this hour and day. Also on the same time at 12:30 to 13:30, 8-6 cases of crime occurs. The findings show that the average center of crimes related to drugs on 12 district is coincided largely with the geographical center of this region, on the streets of Nasser Khosrow, leading to the 15 Khordad street. Standard deviation ellipse of this type of crimes has mode circle, which represents the geographic distribution of crimes on

- and Social Sciences of Shiraz University*, No. 54, p 187-210.
- Poorafkari, N. (2004), "*Local collective quarrels*", in: *first national seminar, iran's sociological problems design (373-386)*, Tehran: Allame Taba Tabaiy University.
- Rabani, R. Abbaszadeh, M. and Nazari, J. (2009) "Study of Effective Cultural-Social Factors on Tendency to Collective Quarrel (Case Study: Illam's Selective Towns)", *Social Order*, No. 1(3), p 103-126.
- Sedigh Sarvestani, R. (2004) *Social pathology* (sociology of social deviance), Tehran: Ann publications.
- Shariati, M. Mohajeri, M.K. and Maleki, A. (2012). "Investigating of Effective Factors on Talents to Collective Quarrel in Khodabande City", *Social Order*, No. 2(2), p 95-118.
- Vahedi, N. Behestani, R. and Hassanzadeh, M. (2013) "Investigating Effective Factors on Quarrel and Disputation in Citizens' Perspective (Case Study: Khoy City)", *Western Azarbaijan's, Order Knowledge*, No. 6(21), p 47-74.

The phenomena of aggression in a society produces challenges and problems that create an atmosphere full of enmity, spite and grudge among individuals, by fostering disorder in social relationships, paving the way for skirmish, dispute and strong tensions, and decreasing the feeling of security among citizens.

This phenomenon poses a great problem in our country which has a multiracial context. On the other hand, aggression and violence are unfortunately still those issues in some Iranians' culture which are an index of power or even protecting social, cultural and family prestige. Given the relationship between education and rate of aggression, it is recommended that serious attempt to be made to educate families and diminish the rate of illiteracy. As individuals gain more experience in acts of aggression, they adopt a higher tendency toward it. Hence, it is suggested that the occurrence of aggression will be controlled and minimized by relevant organizations. Given the higher tendency of adolescents and youth to this phenomenon, it is necessary for cultural organizations in the province of Yazd to establish such urban facilities as cinemas, amusement-scientific parks, libraries, academic centers, whereby increasing youth's interests to participate in acts and activities of sport and amusement.

References

- Ashayeri, T. and Imani-Jajarmi, H. (2013) "Sociological Study of Effective Factors on Forming of Rural Collective Quarrels (Case Study: Parikhan Village from Meshkin Shahr town", *Social Security Studies*, No. 34, p 6-39.
- Chalabi, M. (1993) *the Sociology of Order*. Tehran: Ney publications.
- Chalabi, M. (2004) *Conceptual framework of Iranian's values survey*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Chalabi, M. and Mousavi, M. (2008) "Investigating Sociologic of Effective Factors on Happiness at Micro and Macro levels", *Journal the Sociology of Iran*, No. 9(1-2), p 34-57.
- Cohen, B. (1993) *Introductory of Sociology* (translated by Gholam Abbas Tavasoli and Reza Fazel), Tehran: SAMT.
- Haghighi, J. Mehrabi-Zadeh, M. and Zandi Dareh-GHArabi, T. (2000) "The Relation between Maslow's Hierarchy of Needs and School Anxiety and Educational Performance with Controlling Economic- Social Situation", *Journal of Psychology and Education*, No. 7 (1-2), p 103- 126.
- Hashemi, Z. (2008) *Investigating of social and cultural dimensions of quarrel*. The collection of articles of the first seminar of quarrel's effect on social security, Yasouj, the bearue of applied research of order commands of Kohgilouye and Boyerahmad province.
- Heidari, M. Islampanah, M. and lashkari, A. (2007) "Proportional Factors with Order Management of Collective Quarrel in Kohgilouye Town", *Order Management Studies*, 2th year, No. 4, p 489-500.
- Hezarjaribi, J. and Safari-Shali, R. (2009) "Investigating of Life Satisfaction and Setting of Security Feeling in It", *Social Order*, No. 1(3), p 7-28.
- Hossainzadeh, A. Navah, A. and Anbari, A. (2010) "Investigating Sociologic Effective Factors on Ratio Tendency to Collective Quarrel in Azvaz", *Danesh-e-Entezami*, No. 13 (2), p 191-225.
- Hossini, R. (2004) *the statistics of Crimes in Iran. The collection of articles of the first seminar of social pathology in Iran*. Tehran: Iran sociology association.
- Iran statistical center (2011) Census 2011.
- Keshkaran, A. Kharazmi, E. and Yoosefi, S. (2006) "Investigating of Motivating Needs of Educational Hospitals Nurses of Medical Sciences University Based on Maslow's Hierarchy Needs", *Health Management*, No. 9(24), p 45-50.
- Kharatha, S. and Javid, N. (2005) "Quarrel and Disputation in Tehran City", *Social Security Studies*, NAJA social assistant. 2th year.
- Khialparastan, Y. (2009). "Study of effective factors on quarrel and local disputations among villagers in Dena town", the thesis of M.A, Dehaghan Islamic Azad University.
- Meier, P. (1989) *Sociology of war and arms* (translated by: Mohammad Sadegh mahdavi and Alireza Azghandi). Tehran: ghoomes.
- Ministry of the Interior (2004) *Report of statistics pertaining to quarrel*.
- Mirfardi, A. Ahmadi, S. and Sadegh-Nia, A. (2011) "Tendency to Collective Quarrel and Factors Affect on It among 15-65 Boyerahmad town". *Social Studies*, No. 25, p 147-177.
- Mohseni-Tabrizi, A. (2004) *Vandalism*. Tehran: Ann publications.
- Nayebi, H. and Jasoor- Khaje, T. (2009) "Investigating of Collective Quarrels (Case Study: Afshord and Koviech Villages from Khaje Section in East Azerbaijan Province)", *Rural Development*, No. 1, p 115-128.
- Nazari, J. (2007) "Sociological Explanation of Tendency Ratio on Collective Quarrel in Ilam Province", *Social Security Studies*, No. 3(10), p 77-94.
- Nazari, J. and Amini-Faskhoodi, A. (2008) "Sociological Explanation of Effective Factors on Tendency to Collective Quarrel in Rural Regions of Ilam Province", *Journal of Human*

An Investigation into the Phenomenon of Aggressiveness among Yazd Citizens

Seyed Alireza Afshani

Associate Professor, Department of Sociology, Yazd University, Iran

Saeed Navaei

M.A. in Demography, Yazd University, Iran

Mojtaba Delbazi Asl

M.A. in Demography, Yazd University, Iran

Corresponding author, e-mail: afshanalireza@yazd.ac.ir

Introduction

Aggression is a kind of disorder in social relationships among individuals and groups which is considered as one of the most important problems in contemporary society. This problem has different social consequences, the most significant of which is declining of different dimensions of security in society. Street aggression might result in assault and physical violence as well as verbal abuse and insult. Such quarrels may happen given the social, cultural and economic situations in every society and its rate is more or less due to different factors. Increasing poverty, unemployment and inflation are considered as effective and important factors in growing crimes and aggression. Meier believes that "aggression is disciplinarily obvious and directly visible, which might occur at least between two individuals" (Meier, 1989: 24). The problem appears necessary to investigate with regard to murder, organ deficit, prison, financial deficiency and irrecoverable mental crisis for those who are involved in an act of aggression and their families and creating consequences such as increasing social hurts, negative effects on social security and ruining the cultural reputation of a place. Having created disorder in social relationships, this phenomenon makes an atmosphere full of enmity, spite and grudge among individuals, paving the way for skirmish and strong tensions. This research attempts to study and measure factors that influence the rate of aggression among 15-60 year-old citizens of Yazd.

Materials and Methods

The research has been carried out using a survey method. The statistical population included a total of 15-60-year-old male citizens in Yazd, and the sample size was determined to include 324 subjects using Krejcie and Morgan's Table. The instrument for data collection was a questionnaire which was made based on aggression characteristics (of course, some items were used by Mirfardi et al, 2011). Using explanatory factor analysis, namely, attitude to aggression, tendency to revenge and tendency to aggression, the concept of aggression was divided into 3 dimensions. Diner et al.'s scale of life satisfaction comprised of 5 items, access to welfare facilities comprised of 7 items, and aggression objective experience comprised of 3 items constitute other sections of the instrument. The reliability coefficient for aggression scale was 0.89, 0.85 for life satisfaction and 0.87 for access to welfare to facilities.

Discussion of Results and Conclusions

Based on the descriptive findings, from among the total number of 324 respondents, 147 were single (45.4%) and 177 were married (54.6%). The age mean was 29.77. Among the respondents, 34.9 percent had

diploma (associate degree) or lower and 65.1 percent had a higher degree. The individuals' mean of aggression on the scale of 12-92 was equal to 42.66, the mean of aggression objective experience on the scale of 0-3 was 1.65, mean of life satisfaction on the scale of 5-25 was equal to 16.31, and mean of access to welfare facilities on the scale of 7-35 was equal to 22.64.

Most of the variables have a statistically significant correlation with each other. Age variable has a significant and negative relationship with other variables except life satisfaction and income. Tendency to aggression ($r = -0.228$) and tendency to revenge ($r = -0.226$) variables have a significant, negative relationship with age, indicating that young people have a more tendency to get involved in acts of aggression and revenge than the elderly.

Income variable has a positive and significant relationship with life satisfaction ($r = 0.158$) and access to welfare facilities ($r = 0.189$) variables, that is, as income increases, their access to facilities will rise and hence, their life satisfaction will increase. But income does not have a significant relationship with other variables.

selfish. Policy makers and social scientists alike should be more sensitive to these issues and think of ways to increase people's sense of belonging to, and participation in society's affairs.

Keywords: Social Apathy, Social Capital, University Students, Social Psychology.

References

- Abdollahi, M. and Mosavi, M. (2007) "Social Capital in Iran: Present Situation and Future Perspective and the Possibility of Passing," *Journal of Welfare*, No. 25, p 195-233.
- Ahmadi, S. (2009) "A Study of Altruism in Everyday Relationships of Iran and Its Related Factors," *Iranian Journal of Sociology*, No. 10 (2), p 78-108.
- Alvani, M. (2001) "The Role of Management in Creation and Expansion of Social Capital," *Journal of Tadbir*, No. 100, p 29-32.
- Aronson, E. (2007) *Social Psychology*. Trans. By H. Shokrkon, Tehran: Roshd Publication.
- Beaman, A. et al. (1978) "Increasing helping rates through information dissemination: Teaching pays". *Personality and Social Psychology Bulletin*, No. 4, p 406-411.
- Coleman, J. (1998) *Foundations of Social Theory*. Trans. by Manochehr Sabouri, Tehran: Ney Publication.
- Iman, M. and Moradi, G. (2009) "A Study of the Relationship between Social Satisfaction and National Identity with youth Commitment in Shiraz." *Journal of Applied Sociology*, No. 33 (2), p 155-174.
- ISNA (2014) "Details of Acid Attacks to Isfahani Women," Retrieved from: <http://www.isna.ir>
- Karimi Y. (2000) *Social Psychology*, Tehran: Arasbaran Publication.
- Kalantari, S. et al. (2007) "A Study of Altruism and Apathy in Urban Society of Iran and Its Effective Factors." *Bimonthly of Shahed University*, No. 14 (22), p 27-35.
- Lin, N. (1999) *Building a Network Theory of Social Capital*, UK: Duke University Press.
- Masoudnia, E. (2001) "Sociological Explanation of Social Apathy among Citizens in Social and Political Life", *Political and Economic Information*. No. 168-167, p 152-165.
- Mohseni, A. and Sedaghtifard, M. (2011) "A Study of Social Apathy in Iran: the Case of Tehrani Citizens," *Journal of Applied Sociology*, No. 22 (3), p 1-22.
- Naderi, H. et al. (2008) "Structural Patterning of the Relationship between Social Alienation and Social Apathy". *Journal of Social Sciences at Ferdowsi University of Mashhad*, No. 6 (2), p 29-59.
- Rushton, P.J. and Campbell, A.C. (1977) "Modeling, Vicarious Reinforcement and Extraversion on Blood Donating in Adults: Immediate and Long-Term Effects". *European Journal of Social Psychology*, Vol. 7, No. 3, p 297-306.
- Seyedan, F. and Mohamadi, K. (2010) "Factors Influencing Social Commitment in Working Men and Women". *Hamshahri*, No. 39.
- Tavassoli, G. (2010) *Sociological Theories*, Tehran: Samt Publication.
- Van Lange, P.A. et al. (1997) "Development of Prosocial, Individualistic, and Competitive Orientations: Theory and Preliminary Evidence." *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol. 73, No. 4: 733-746.

A Study of Social Apathy among Students (The Case of the University of Isfahan)

Haraman Ghasizadeh

M.A. in Sociology, University of Isfahan, Iran

Masoud Kianpour*

Assistant Professor, Department of Sociology, University of Isfahan, Iran

** Corresponding author, e-mail: m.kianpour@ltr.ui.ac.ir*

Introduction

Social apathy is one of the most unpleasant elements of the modern culture which is defined by an overemphasis on personal preferences and individualistic interests in contemporary urban life and imposes itself as an obstacle in the process of creation and provision of positive social relationships. It also decrease citizens' participation in social affairs, leading to weakness or even blockage of national development. Also, it is considered as absence or suppression of passion, emotion, or excitement. It is therefore creates a negative connotation by which not only is one absent of their own life's situations, but they care even less about the situations of others - even if they can do something about it. Social apathy is a desensitization of humane involvement where society is concerned. Sociologists name factors such as the growth of industry and technology, development of social relationships, rapid growth of the population, fast movements of the population, development of urban culture, closeness of different cultures and subcultures, rationalization of human behavior, the rigid logic of calculation, individualism, weakness of religious institutions and believes, secularism, and destruction of collective and local identities as factors contributing to the increase of this problem and believe that contemporary societies experience a period of crisis in human relations. In their view, in the same way that wide citizens' participation in various spheres of social life is an important prerequisite for social, economic, and political development, so is their lack of participation an important factor in staying undeveloped and stagnated. The promise of sociology is to study and explore social problems and issues, providing therefore solutions to get rid of them. Hence in this paper we intend to study social apathy in Isfahan city as the second largest metropolitan city in Iran and among university students, whose participation and responsibility is important in the process of social, sustainable development. Thus the key question is how this variable is rated among university students and what important factors may influence it?

Material and Methods

This is a quantitative study based on a survey of measuring the amount of social apathy among university students in Isfahan in the year 2013. It also examines the relationship between social apathy as a dependent variable with such independent variables as social capital, cost and benefit analysis, social responsibility, and background characteristics. Sample size includes 372 individuals, who were selected by means of multi-stage random sampling method, on the basis of such characteristics as field of study, age and gender and using Cochran formula. The collected data was analyzed using SPSS. The research instrument is a researcher-made questionnaire, designed by a combination of different questions on a 5-level Likert scale. In order to obtain face validity, feedback from experts were used and for reliability, Cronbach's Alpha coefficient was tested, which was above the minimum

acceptable level (0.7) for all sub-scales.

Discussion of Results and Conclusions

The results of the study indicate that the rate of social apathy is not high among students. This finding, however, does not mean that we can easily forget about apathy and do not think of various ways to increase social capital and trust. After testing research hypotheses, it became apparent that the relationship between social capital and social apathy is significantly reverse ($r = -0.34$), meaning that the more social capital, the less social apathy. Likewise, social responsibility appears to be in a reverse and meaningful relationship with social apathy. In conclusion, it should be emphasized that in every society where people feel socially committed, it is less likely that we come across such undesirable social problems as apathy, because people feel about each other and are not too much

- Deviant Behavior in Japanese Youth." *Criminal Justice and Behavior*, No. 34 (11), p. 1463-1480.
- Linn, R. L. (1989) *Educational Measurement: Third Edition*, New York: Macmillan Publishing Co.
- Sampson, Robert J. and John H. Laub. (1994) "Urban Poverty and the Family Context of Delinquency: A New Look at Structure and Process in a Classic Study." *Child Development*, 65:523-540.
- Schafers, B. (2005) *Soziologie des Jugendalters*. Translated by Rasekh, K. Tehran: Ney Publications.
- Serajzadeh S.H., Fezi, I. (2007) "Social Factors Affecting Opium and Alcohol Use among University Students in Iran." *Name-ye Olum Ejtemaei*, No. 31, p. 81-101.
- Szasz, T. S. (1984) *the Myth of Mental Illness: Foundations of a Theory of Personal Conduct*. New York: Harper & Row.
- Tabachnick, B. G., & Fidell, L. S. (2001) *Using Multivariate Statistics*, (4th Ed.). Boston: Allyn & Bacon.
- Theling, J. K. (1999). *Student Culture in Clark, B.R. and G.R. Near. The Encyclopedia of Higher Education*, 3 (1709-1719): Oxford Press.

distributed. Once the incomplete questionnaires were eliminated, 416 questionnaires were analyzed. In order to select the research sample random sampling method was used by which Tehran and AllamehTabatabae universities were selected from among the state-run universities located in Tehran. Next, the respondents at each university were selected with access method.

In order to gather the data, self-reporting technique was employed. The initial researcher-developed scale for deviant behaviors deals with some of the instances of such behaviors in six general aspects (substance abuse, use of psychedelia and alcoholic drinks, vandalism, robbery, cheating, aggression and sexual perversion), designed based on Likert scale and its primary form has 26 items out of which, in the item analysis process, the items that had low correlation with the other items of each aspect and were in contrast with them were treated as inappropriate items, and ultimately 21 items were designated as the final form of this scale.

In order to analyze the data, SPSS and Amos software programs, item analysis method (loop), construct validity and content validity (factor analysis) and reliability (computing the coefficient of Cronbach's α for all items) were adopted. Reliability of the final form of the research scale using Cronbach's α was put at 0.924.

Discussion of Results and Conclusion

According to results of the factor analysis, four factors were identified, namely "substance abuse, use of alcoholic drinks, psychedelia and sexual perversion", "vandalism and robbery", "cheating", and "aggression". Reliability of this scale was put at 0.924 according to calculation of the Cronbach's α . According to the research results, one could state that this scale is adequately valid and reliable and the factors originating from the exploratory and confirmatory factor analyses can appropriately measure the students' deviant behaviors.

This scale could be applied by the researchers in humanities research, especially in the area of social science, and may therefore be employed as a tool for determining the students' weaknesses and strengths with respect to deviant behaviors for the purpose of taking decisions to decrease their deviant behaviors.

Keywords: Reliability, Validity, Confirmatory Factor Analysis, Deviant Behaviors.

References

- Abdollahi, M. (2003) "The First Symposium on Social Harms in Iran", *Iranian Sociological Association*, Tehran: Agah Publications.
- Ahmadi, H. (2011) *Sociology of Deviance*. Tehran: Samt Publications.

- Aliverdina, A. Ebrahimi, GH. Salehnezhad, S (2012) "Rational Framework of Decisions on Deviant Behaviors: A Sociological Case Study of Urumieh University Students." *Iranian Journal of Social Problems*. Vol. 2, No 5-6, p. 143-167.
- Aliverdina, A. Hemati, A. (2013) "The Social Analysis of Attitude toward Alcohol Consumption among Students of Social Sciences Faculty, Tehran University." *The Socio Cultural Strategy Journal*, Vol. 2, No 7, p. 77-102.
- Aliverdina, A. Janalizadeh, H. Tohidian, R. (2013) "The Impact of Labeling on the Attitude of the University Students toward Deviant Behaviors." *Iranian Journal of Cultural Research*, Vol. 6, No. 2, p. 67-90.
- Brennan, R. L (2006) *Educational Measurement* (4th Ed.), Westport, CT: Praeger.
- Cauffman, Elizabeth, Farruggia, Susan P., Goldweber, Asha. (2008) "Bad Boys or Poor Parents: Relations to Female Juvenile Delinquency." *Journal of Research on Adolescence*. No. 18, (4), p. 699-712.
- Cheng, Jaonan (2012) "The Effect Factor for Students' Deviant Behavior." *The Journal of Human Resource and Adult Learning*, No. 8 (2), p. 26-32.
- De Vaus, D.A. (2008) *Surveys in Social Research*, 3rd edn, translated by Nayebe, H. Tehran: Ney Publications.
- Kendler, K.S. Prescott, C.A. (2011) *Genes, environment, and psychopathology: understanding the causes of psychiatric and substance use disorders*. Translated by Younesi, J. Rezaei, H. Shahradian, Sh. Shahriari, A. Tehran: Etelaat Publications.
- Khamesan, A. Amiri, M.A. (2011) "The Study of Academic Cheating Among Male and Female Students." *Ethics in Science & Technology*, Vol. 15, No. 1, p.53-61.
- Kline, P. (2001) *an easy guide to factor analysis*. Translated by Sadr Sadat, S. J., Minaei, A. Tehran: Samt Publications.
- Maruyama, Geoffrey. (1997) *Basics of Structural Equation Modeling*. Sage Publication.
- Mohseni, M. (2010) *Sociology of Social Deviance*. Tehran: Tahori Publications.
- Murray, J. Farrington, D.P. (2005) "Parental Imprisonment: Effects on Boys' Antisocial Behaviour and Delinquency through the Life-Course." *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, No. 46(12), p. 1269-1278.
- Nunnally, J. C. & Burnstein (1994) *Psychometric Theory*. McGraw- Hill book Co.
- Laser, J.A. Luster, Tom, Oshio, Toko. (2007) "Promotive and Risk Factors Related to

A Step toward Construction, Validity and Reliability of Measurement Scale for Students' Deviant Behaviors

Akbar Aliverdinia*

Associate Professor, Department of Sociology, University of Mazandaran, Iran

Erfan Younesi

M.A. in Social Sciences Research, University of Mazandaran, Iran

** Corresponding author, e-mail: aliverdinia@umz.ac.ir*

Introduction

During the last few decades, all studies carried out on social deviances have encountered some ambiguity in defining deviant behavior. Generally speaking, deviant behavior refers to all acts and attitudes which are in contrast to the expectations of individuals, groups and institutions and are in conflict with the moral principles and common rules of the society, and therefore face legal hindrances or ethical and social disapproval. In addition, such behavior is considered to be abnormal, hurtful, unethical, harmful and blameworthy. Social deviance is a social phenomenon which is relative according to time, place, social position, individuals, different cultures and subcultures, and diverse ideologies and social groups. On the whole, deviant behaviors are those which are not approved by the society; they lie in the category of the community-oriented disorders, implying that such disorders are somewhat optional, in which case they are different than anxiety and mental disorders. In other words, although anxiety disorders and depression are the problems experienced by people, community-oriented disorders and substance abuse are the cases wherein people engage. The major characteristic of such people is that they do not bind themselves by social rules and may even enjoy violating from them. Studentship period plays an important role in job and future social formation due to transition from adolescence and entry to the young age. Student life results from academic, intellectual, scientific, guild, political, social, art, and dormitory-residential experiences, and although it is a super-instructive course which is also encompasses official academic activities, it is restricted to them, and includes such activities as attending clubs, teams, reactions, types of constructive and destructive behaviors, discussions, and student interactions inside and outside the university. In other words, student life is a reflection of the sense of identity, distinctive behavioral patterns, ideal-seeking, curiosities, interactions, and subcultures of students in experiencing living with one another which they share upon entering the university. When it comes to school and university students, deviant behaviors could be consumption of any drugs and addictive substance, vandalism, robbery, sexual perversion and so on. Multiple studies have been conducted on identification of the factors behind emergence and development of deviant behaviors among samples of school and university students in local and international research which undoubtedly point to significance of investigating this matter. Considering the extensiveness of the issue, lack of precision instruments for measuring deviant behaviors shows a gap ignored in the previous research, such that one could claim that in none of the studies carried out in Iran, constructing measurement tools and scales for deviant behaviors and their normalization have not yet been taken into account by the researchers dealing with this area. Of course, each of the tools available for measuring deviant behaviors in different countries have specific features and characteristics and their goals, target population and construction underlying theories are completely different. At the same time, the most important issue is constructing a tool based on definition(s) and instances of deviant behaviors according to the intended context. Another important point is designing and constructing such tools on the base of recent theories of measurement. Since the issue of measuring deviant behaviors and constructing its measurement tools and scales have not seriously considered in Iran thus far, and in view of dire need of the society and various organizations, particularly the Ministry of Science and National Youth Organization, presence of scientific measurement tools which are in agreement with the cultural structure of Iran is demanded more than ever. Therefore, developing the relevant tests given the social culture is necessary and essential so that they assist the authorities, decision-makers, counselors and therapists and thereby one could ultimately prevent or reduce the damages and ills experienced by the students, and accordingly, their families. In view of the foregoing, this paper is primarily aimed at developing a standard tool for measuring students' deviant behaviors.

Materials and Methods

The research method in this study is survey and of cross-sectional nature. The statistical population is

composed of all male and female students studying in Tehran state-run universities in the academic year 2012-2013, to whom a total of 440 questionnaires were

opponents of modernism and we show strong defiance against basic and legitimate changes. These conflicts can make so many basic tensions in peoples' social life and especially in their matrimonial relationships and inside their family, leaving the only solution for that to be a divorce. So, it can be said that modernism can affect all cultures and in some cases it makes ruptures in the family.

Keywords: Modernism, Individualism, Globalization, Divorce

References

- Abul Hasan Tanhaei, H. & A. Shekarbeighi (2008) "Globalization, Modernism and Family in Iran (Transition or Collapse)", *Sociological Journal of Islamic Azad University, Ashtian Branch*, No: 11, p 55-33.
- Alizadeh, M. (2006) "Studying the Marriage and Divorce Records from 2000 to 2005", *Journal of Population*, No. 55 - 56, p 29-43.
- Aqajani, H. (2005) "Divorce in Iran: Challenges and Prospects", *Sociological Association Website*, summer 2009.
- Arasteh Khou, M. (1990) *Reviews on Social Science Dictionary*, first edition, Tehran: Ghostareh Press.
- Bagheri, Z. (2009) *Women's identity in today's society: you say who am I?* Cultural and Information Institute of Tebyan.
- Bastani, S. Gholzari M. & Roushani, Sh. (2010) "Emotional Divorce: Causes and Mediation Conditions", *Journal of Social Issues in Iran*, first year, No: 3, p 1- 20.
- Behravan, H. & Alizadeh, A. (2007) "Studying the Individualism and the Related Factors among Students in Ferdowsi University in Mashhad", *Journal of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities University of Mashhad*, fourth year, p 1-26.
- Bierou, Allen (1987) *Social Science dictionary (English and French- Persian)*, Bagher Saroukhani, Tehran: Keyhan press.
- Bureau of Statistics and Demographics (nine month in 2007) *Statistical Newsletter of Civil Registration*, No. 13.
- Cohen, Bruce (2003) *Principles of Sociology*, Gholam Abbas Tavassoli & Gholam Reza Fazel, Tehran: Samt press.
- Fatehi Dehaghani, A.Gh. and Nazari, A.M. (2011) "Sociological Analysis of the Factors Affecting the Tendency to Divorce in Isfahan Province", *Social Security Studies*, No. 25, p 13-54.
- Ghiyasi, P. Ladan Moein & Lohrasb Roustia (2010) "Studying the Social Causes of Divorce among Women Attending Family Court in Shiraz", *Women Sociology Quarterly*, No. 3, p 77-104.
- Habibpour Ghatabi, K. & Safar Shali, R. (2009) *Comprehensive Guide to SPSS application in survey research (quantitative analysis)*, Tehran: Loya press: Motafakeran, first edition.
- Iran Mahboub, J. & Mokhtari, M. (2006) "Studying the Life Process in the Iranian youth Marriage", *Population Quarterly*, No. 58-57, p 81 -115.
- Machini, F. (2008) "Women's Status, thirty years after the Revolution", *Journal of Sociology and Social Sciences*, No. 19 -20, p 126-131.
- Naimi, M.R. (2011) "The Impact of Family Interaction and Satellite on the Divorce Phenomena (Case Study: Ghorghan City)", *Journal of Youth Studies Sociology*, No. 1, p 191-211.
- Osborne, Peter (1997) *Modernity: Transition from the Past to the Present*, translated by Hossein Nozari, Tehran: Naghsh Jahan press, Second Edition, 2001.
- Rahmani, A. E. Sadat Merghati Khoi, N. Sadeghi & Leila Allah Ghouli (2011) "Sexual Satisfaction and Marital Satisfaction", *Journal of Tehran University of Medical Sciences Research Center (Iran Journal of Nursing)*, Vol. 24, No. 70, p 82-92.
- Rezaei, M. (2004) "Divorce in Islam", *Art and Thought Magazine*, No. 30, p 102-122.
- Riahi, M.E. A. Aliverdi, S. Bahrani Kakavand, (2007) "Sociological Analysis of Trends in Divorce: A Case Study in Kermanshah City", *Journal of Women in Development & Politics*, No. 3, Vol. 5, p 109-140.
- Sarookhani, B. (1991) *Introduction to the sociology of family*, Tehran: Soroush, press.
- Saraie, H. (2006) "Continuity and Change in the Family's Demographic Transition", *Journal of Population Association of Iran*, No: 2, p 37-60.
- Alizadeh, Sh.M. (2000) *Comparative Encyclopedia of Social Sciences*, second Volume, Tehran: Keyhan press.
- Shekarbeighi, A. (2009) *Sociological study of Individuality and the reduction of social capital in the face of tradition and modernity*, Iran Sociology website.

A Study of Some Modernity's Factors Effective on Women's Tendency toward Divorce (Research Subjects: Married Women in Zanjan)

Mohammad Abbaszadeh*

Associate Professor, Department of Sociology, University of Tabriz, Iran

Hamed Saeidi Ataei

Lecturer, Department of Sociology, University of Tabriz, Iran

Zahra Afshari

M.A. in Sociology, University of Tabriz, Iran

**Corresponding author, email: m.abbaszadeh2014@gmail.com*

Introduction

Social developments globally have brought numerous changes for the family system, so families are increasingly exposed to the risk of disintegration. Like other societies, in Iran besides the official statistics of divorce, there are separated lives in which the couple live together only physically; although they get emotionally separated as the time passes, they do not get a divorce due to cultural, traditional and even legal reasons. These cases describe the condition which is called tendency towards divorce in this research. Ferdinand Tonnies, a German sociologist, considers modernity as a movement through interpersonal bonds of «community» toward Individualism or invisible and unknown individuality of «society». By bringing up the contrast between «altruism» and «egoism», Durkheim believes that in «egoism», the activity and the beliefs of individual prefers to social bonds and there is little bond between the individual and the society, disrupting the balance between the individual and the society; on the other hand, «altruism» refers to a condition in which a severe connection exists to the beneficiary of society. Also, Anthony Giddens believes modernity has three characteristics (local cross human relationships, dominance of abstract systems and symbolic signs) and finally, the reflecting quality of modernity, of whose consequences are self-criticism or the formation of personal identity, realization of self and self-reflection, these characteristics separate modernity from pre-modern and traditional system and relations. In fact, Giddens and other intellectuals like Toffler and Turner believe globalization, the situation where events and incidents influence remote locations in a short time, is one of the most influential elements in the family system at the modern era. According to Turner, "the family" as a social institution faces increasing contradictions within the process of globalization; there is an essence for women's economic participation in family on the one hand and the tendency toward motherhood on the other. Intimacy and close-knit relationships with children, and spouse, wouldn't be easily created when both parents are in full employment. These issues cause tensions at the family level, one of whose consequences is an increase in the number of divorces.

Materials & Methods

The method of this study is survey which uses a researcher-made questionnaire as its data-collecting instrument. Research population includes all women of Zanjan in three regions of the city from whom 400 cases were chosen using cluster multistage sampling method. Finally, the gathered data was analyzed through SPSS software.

Discussion of Results and Conclusion

The results of the study show that there is a significant and direct relationship between tendency towards divorce with individualism and its dimensions, including the growth of rationality (free choice), changes of society's norms (the negative view toward women's housekeeping) and changing people's attitudes toward emotional and sentimental

relationships with the opposite sex). There is a significant and direct relationship between changing society's norms and women's tendency in emotional dimension with tendency toward getting a divorce. According to Pearson regression test, there is an internal relationship among independent factors of the model. Also, multivariate analysis showed that only individualism has a direct influence on probability of getting a divorce.

Two other factors, have a direct influence just on behavioral dimension of the variable tendency toward getting divorce. The point is that modernism is not a single global prescription. But each country has its own version of modernism according to their appropriate cultural and social values. The problems reveals when modernism is not compatible with behavior. It means that traditional regnant thoughts are featured as

- Taleban, M.R. (2004) "The Analysis of Structural Covariance of Youth Deviance." *Quarterly Journal of Youth Studies*, No. 7, p 3-34.
- Valencia, L.S. & Cromer, B.A. (2000) "Sexual Activity and Other High-Risk Behaviors in Adolescents with Chronic Illness: A Review," *Journal of Pediatric and Adolescent Gynecology*, No. 13, p. 53-64.
- Van Vugt, E. S. Dekovic, M. Prinzie, P. Stams, G.M. & Asscher, J.J. (2013) "Evaluation of A Group-Based Social Skills Training for Children With Problem Behavior", *Children and Youth Services Review*, No. 35, p 162-167.
- Wilson, S.R. & Sabee, C.M. (2003) "Explicating Communicative Competence As A Theoretical Term", In, J. O. Greene, & B. R. Burleson, (Eds.) *Handbook of Communication and Social Interaction Skills*. (p 3-50), New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates.
- ZadehMohammadi, A. & AhmadAbadi, Z. (2008) "The Co-Occurrence of Risky Behaviors among High School Adolescents in Tehran." *Journal of Family Research*, No. 4(1), p 87-100.
- Zokaei, M.S. (2008) *Sociology of Iranian Youth*. Tehran: Agah.

- Flisher, A.J. & Chalton, D.O. (2001) "Adolescent Contraceptive Non-use and Covariation among Risk Behaviors." *Journal of Adolescent Health*, No. 28, p 235-241.
- Garmaroudi, G.R. Makarem, J. Alavi, S.S. & Abbasi, Z. (2010) "Health Related Risk Behaviors among High School Students in Tehran." *Payesh Journal*, No. 9(1), p 13-19.
- Ghassemzadeh, L. Shahraray, M. & Moradi, A. (2007) "Prevalence of Internet Addiction in Girls and a Comparison of Addicted and Non-addicted Girls in Loneliness, Self-Esteem and Social Skills." *Contemporary Psychology*, No. 2(1), No. 32-40.
- Hargie, O. Saunders, C. & Dickson, D. (2013) *Social Skills in Interpersonal Communication*. Translated by: Kh. Beygi & M. Firoozbakht. Tehran: Roshd.
- Heilbrun, K. Goldstein, N.E.S. & Redding, R.E. (Eds.) (2005) *Juvenile Delinquency: Prevention, Assessment, and Intervention*. Oxford: Oxford University Press.
- Hirschi, T. (1969) *Causes of Delinquency*. Berkeley: University of California Press.
- Hossein Chari, M. & Delavarpour, M. (2007) "Do Shy People Lack Communication Skills?" *Journal of Iranian Psychologists*, No. 3(10), p 123-135.
- Irwin, C. & Millstein, S. (1986) "Biopsychosocial Correlates of Risk-taking Behaviors during Adolescence: Can the Physician Intervene?" *Journal of Adolescent Health care*, No. 7, p 82S-96S.
- Jessor, R. (1998) *New Perspectives on Adolescent Risk Behavior*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Jessor, R. (1992) "Risk Behavior in Adolescence: A Psychosocial Framework for Understanding and Action," *Developmental Review*, No. 12, p 374-390.
- Johnson, B. Larson, D.B. de Li, S. & Yang, S.J. (2000) "Escaping from the Crime of Inner Cities: Church Attendance and Religious Salience among Disadvantaged Youth". *Justice Quarterly*, No. 17, p 377-391.
- Kartledge, G. & Milbern, J. (1990) *Teaching Social Skills to Children*. Translated by M.H. Nazarinejad, Mashhad: Astane Ghodse Razavi.
- Levine, S.B. & Coupey, S.M. (2003) "Adolescent Substance Use, Sexual Behavior, and Metropolitan Status: Is Urban a Risk Factor?", *Journal of Adolescent Health*, No. 32, p 350-355.
- Lin, N. (1978) *Foundations of Social Research*. New York: McGraw Hill.
- Moghtadaei, M. Amiri, S. Molavi, H. & Estaki Azad, N. (2011) "Effectiveness Training Program based on Social Skills on the Rate of Reduction Victim Behaviors of Primary Boys School Students in Isfahan City." *Social Psychology Research Quarterly*, No. 1(2), p 123-139.
- Mohammadi Asl, A. (2006) *Juvenile Delinquency and Social Deviance Theories*. Tehran: Nashre Elm.
- Mohammadzadeh Romiani, M. (2007) "The Role of Religious Attitudes in Control of Youth High Risk Behaviors." *Journal of School Consulting Development*, No. 2(2), p 16-20.
- Momtaz, F. (2002) *Social Deviances: Theories and Approaches*. Tehran: Enteshar.
- Mozafarzadeh, S. & Vahdaninia, M. (2008) "Health Knowledge about AIDS among High School student Girls: A Cross-sectional Study." *Payesh Journal*, No. 7(2), p 173-180.
- Nasr Esfahani, A.R. Fatehizadeh, M. & Fathi, F. (2005) "The Position of Students' Essential Social Skills in Middle School's Core Studies' Textbooks." *Daneshvar Raftar*, No. 11(9), p 49-64.
- Ramezani, H. Rafie, H. Khodaie, M.R. Karbalaie Nori, A. & Hoseinzade, S. (2012) "Determining the Efficacy of Social Skills Training in Treatment of Drug Addiction in Patients Referring to Tehran Clinic." *Rehabilitation Medicine*, No. 1(1), p 63-72.
- Secer, Z. Celikoz, N. Kocyigit, S. Secer, F. Kayili, G. (2009) "Social Skills and Problem Behaviour of Children With Different Cognitive Style Who Attend Preschool Education", *Procedia: Social and Behavioral Sciences*, No. 1, p 1554-1560.
- Sharepour, M. (2008) *Urban Sociology*. Tehran: Samt.
- Shoemaker, D.J. (2010) *Theories of Delinquency*. Translated By: S. Ebrahimighavam. Tehran: Police University Press.
- Shoemaker, D.J. (2009) *Juvenile Delinquency*. Plymouth: Rowman and Littlefield Publishers Inc.
- Smith, C. & Faris, R. (2002) "Religion and American Adolescent Delinquency, Risk Behavior and Constructive Social Activities: A Research Report of the National Study of Youth and Religion", No. 1. Electronic Document. Available at: <http://www.youthandreligion.org/publications/docs/RiskReport1.pdf>. (10 Oct 2012).
- Soleimaninia, L. (2007) "Gender Differences in Perpetrating Risk Behaviors." *Youth Studies Quarterly*, No. 8-9, p 73-86.

individual. That something is a constraining or controlling factor (Shoemaker, 2009: 122). Hirschi's social control theory, also known as social bond theory, proposes that juveniles develop attachments to various parts of their social world, and these attachments, or bonds, help deter them from committing acts of crime and delinquency (Ibid: 125). In this theory, the relationship between high-risk behaviors and three institutions of family, school and religion is considered. Correlation coefficients between these variables and high-risk behaviors showed that all four variables (attachment, commitment, involvement, and belief), have inverse and significant relationships with high-risk behaviors. This indicates that the more attachment to family and friends, commitment to the norms, participation in various activities and belief to moral principles, the less commitment to high-risk behaviors by the juveniles. In other words, the more degree of social control on people, either officially or unofficially, the less high-risk behaviors. Thus, role of institutions such as the family, school and religion in explaining delinquency or high-risk behaviors should be considered. In particular, in relation to social skills, these institutions also have a profound impact. Because these institutions are extremely influential to internalize normal behavior and social skills for adolescents and the youth. So they perform a strong deterrent role in committing high-risk behaviors.

Regression equation showed that the four elements that Hirschi's social control theory suggest that the elements of commitment and belief were entered in the first and third stages of the regression equation. Gender and social skills were also entered into the regression equation.

Deficit social skills for normal behavior lead to high-risk behaviors. Based on the results, there were a moderate inverse relationship between social skills and high risk behaviors. People equipped with social skills, are enable to represent appropriate and rational reactions in different situations, and avoid behaviors that are dangerous with harmful consequences.

Social skills trainings help at-risk youth to develop techniques for creating or maintaining positive social relationships with family members, peers, and teachers. Social skills training can have long-term effects associated with preventing anti-social behaviors among young people (Heilbrun et al. 2005). Thus, considering this category of skills can be very effective in reducing high risk behaviors.

Keywords: High-risk Behaviors, Social Skills, Youth, Shiraz.

References

Ahmadi, H. (2005) *Sociology of Deviance*, Tehran: Samt.

- Aliverdinia, A. Rezaie, A. & Peyrow, F. (2011) "A Sociological Analysis of Students' Attitude toward Suicide." *Applied Sociology*, No. 22 (4), p 1-18.
- Anteghini, M. Fonseca, H. Ireland, M. & Blum, R.W. (2001) "Health Risk Behaviors and Associated Risk and Protective Factors among Brazilian Adolescents in Santos Brazil." *Journal of Adolescent Health*, No. 28, p 295-302.
- Barikani, A. (2008) "High Risk Behaviors in Adolescent Students in Tehran." *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, No. 14(2), p 192-198.
- Barkin, S.L. Smith, K.S. & Durant, R.H. (2002) "Social Skills and Attitudes Associated With Substance Use Behaviors among Young Adolescents", *Journal of Adolescent Health*, No. 30, p 448-454.
- Baskin-Sommers, A. & Sommers, I. (2006) "The Co-Occurrence of Substance Use and High-Risk Behaviors." *Journal of Adolescent Health*, No. 38, p 609-611.
- Beirne, P. & Messerschmidt, J.W. (2011) *Criminology: A Sociological Approach*. Oxford: Oxford University Press.
- Bergman, M.M. & Scott, J. (2001) "Young Adolescents' Well-Being and Health-Risk Behaviors: Gender and Socioeconomic Differences", *Journal of Adolescence*, No. 24, p 183-197.
- Bernburg, J.G. (2009) "Labeling Theory". In M.D. Krohn, A.J. Lizotte, G.P. Hall, (Eds.) *Handbook of Crime and Deviance*. 187-208), New York: Springer.
- Berry, D. & O'Connor, E. (2010) "Behavioral Risk, Teacher-Child Relationships, and Social Skill Development across Middle Childhood: A Child-by-Environment Analysis of Change", *Journal of Applied Developmental Psychology*, No. 31, p 1-14.
- Bull, R. Cooke, C. Hatcher, R. Woodhams, J. Bilby, C. & Grant, T. (2012) *Criminal Psychology*. Translated by: H. Ahmadi, M. Moeini, N. Zanjari & S. Asadi. Tehran: Niakan.
- DeMatteo, D. & Marczyk, G. (2005) "Risk Factors, Protective Factors, and the Prevention of Antisocial Behavior among Juveniles". In K. Heilbrun, N.E.S. Goldstein, R.E. Redding, (Eds.) *Juvenile Delinquency: Prevention, Assessment and Intervention*, (p 19-44), Oxford: Oxford University Press.
- Erikson, K. Crosnoe, R. & Dormbusch, S.M. (2000) "A Social Process Model of Adolescent Deviance", *Journal of Youth and Adolescence*, No. 29(4), p 395-425.

An Investigation of the Relationship between Social Skills and High Risk Behaviors among the Youth: the Case of Shiraz City

Habib Ahmadi

Professor, Department of Sociology, Shiraz University, Iran

Mehdi Moeini*

Ph.D. student of Sociology, Shiraz University, Iran

**Corresponding author, e-mail: mmoeini84@gmail.com*

Introduction

A young population and delayed socialization for a new world order in the transitional society of Iran, has led to the development of adolescent and youth delinquency. In this context, young people who cannot direct their desires in a normal channel may turn into deviant and delinquent behaviors (Mohammadi asl, 2006: 11). This study considers serious delinquent behaviors which are named as high-risk behaviors, namely, behaviors that increase probability of physical, psychological and social negative consequences (Zadeh Mohammadi & AhmadAbadi, 2008: 88-89). Major causes of death and disease in industrialized and developing countries refer to relatively limited number of high-risk behaviors which are mostly begin from teen and young ages (Anteghini et al. 2001: 1). Teens and young adults are one of the important groups exposed to high-risk behaviors such as AIDS (Mozafarzadeh & Vahdaninia, 2008), suicide (Aliverdinia et al. 2011), sexual activities, violence and drugs (Baskin-Sommers & Sommers, 2006; Flisher & Chalton, 2001). Since social, family and economic factors play an important role in directing behavioral patterns of individuals, particularly adolescents and youth, if these factors do not play a desirable role, adolescents and youth experience challenge and pressures derived from these challenges and difficulties, may attract them towards high-risk behaviors (Barikani, 2008: 192-193). Occurrence and prevalence of high-risk behaviors among adolescents and youth is a result of disruption of social mechanisms and is due to several factors. One of these factors is social skills, which are essential elements of social life and the enjoyment of it can play an important role in deterring high-risk behaviors, especially among youth, because youth age is a period of transition accompanied by various crises. Social Skills are learned adaptive behaviors that enable individuals to interact with different people, expressing positive reactions and avoiding behaviors with negative consequences (Kartledge & Milbern, 1990). Lack of social skills may lead to behaviors such as delinquency, maladjustment, poor educational performance (Nasr Esfahani et al. 2005), drug abuse and addiction (Ghassemzadeh et al. 2007). Having social skills provide context for participation of individuals in the community and help them represent effective social reactions in confronting with really difficult social situations. In fact, social skills, transform people's potential abilities to actual ones and are essential to create, maintain and organize human relationships.

Material & Methods

This research is based on quantitative approach and survey method to collect data and information. Research instrument in this study is questionnaire, consisting of two main parts: The first part of the questions is about the social-economic characteristics of the subjects and the second part is a set of questions measuring (1): four elements of social control (attachment, commitment, involvement and belief), (2): social skills and (3): high-risk behaviors. The validity and reliability of this scale has been designed and evaluated by researchers. Research population include all 15-29 year old youth in Shiraz, whose number in 1390 year, was 477,287 people. In this study, a sample of 600 individuals were determined by using Lin table (Lin, 1978). So the data was collected from 600 cases, and was analyzed using SPSS software.

Discussion of Results & Conclusions

The results of the study showed that there were significant relationships between income, attachment, commitment, involvement, belief, social skills and high risk behaviors. There were also significant relationships between sex, marital status, social class and family structure with high-risk behaviors. Nevertheless, there were no significant relationships between age, education and high-risk behaviors. What should be considered here is that the incidence of high risk behaviors is higher among men than women, among unmarried than married, among the lower class than the middle and high classes, and among those who live independently or with their mothers.

The theoretical framework of this study is based on Hirschi's theory of social control. Control theories assume that delinquent behavior is actually because of the absence of something internal or external to the



University of Isfahan

Security and Social Order Strategic Studies

4th Year, Vol. 9, Number 1, Spring & Summer 2015

Contents

Habib Ahmadi and Mehdi Moeini An Investigation of the Relationship between Social Skills and High Risk Behaviors among the Youth: the Case of Shiraz City	1-4
Mohammad Abbaszadeh, Hamed Saeidi Ataei and Zahra Afshari A Study of Some Modernity's Factors Effective on Women's Tendency toward Divorce (Research Subjects: Married Women in Zanjan)	5-6
Akbar Aliverdinia and Erfan Younesi A Step toward Construction, Validity and Reliability of Measurement Scale for Students' Deviant Behaviors	7-10
Haraman Ghasizadeh and Masoud Kianpour A Study of Social Apathy among Students (The Case of the University of Isfahan)	11-12
Seyed Alireza Afshani, Saeed Navaei and Mojtaba Delbazi Asl An Investigation into the Phenomenon of Aggressiveness among Yazd Citizens	13-16
Ali Zangiabadi, Faryad Parhiz and Ehsan Khayambashi The Time - Space Analysis of Social Pathologies Related to Drugs (Case Study: Tehran 12 th District)	17-20
Fariborz Nikdel and Ali Akbar Pirasteh Motlagh Anger as a Train and State, Anger Management Methods, and People's Tendency towards Collective Aggression	21-24
Sedigheh Lotfi, Rahim berdi Annamoradnejad and Heydar Vahedi Evaluation of Physical Components of Public Spaces and their Impact on Social Security of Babolsar Citizens	25-26
Mohammadali Feizpour and Ezatallah Lotfi Economical Distinctions and Social Problems of Iran: Rates of Unemployment and Suicide	27-30
Hengameh Ghazanfari and Mohamad Mehdi Ghasemi Kia The Effect of Non-Criminal Prevention Methods on the Sense of Security among Young Adults in Broujerd	31-32

Published by University of Isfahan Press
Technology and Research Department
Security and Social Order Strategic Studies
4th Year, Vol. 9, Number 1, Spring & Summer 2015

Managing Editor: **Seyed Ali Hashemianfar, Ph.D.**
Editor-in-Chief: **Ali Rabbani Khorasgani, Ph.D.**
English Literary Editor: **Masoud Kianpour, Ph.D.**

Security and social Order Strategic Studies has been recognized and ranked as a scientific-research journal by the Scientific Journals Commission, Ministry of Sciences, Research and Technology, Islamic Republic of Iran, Ref: 3/271260, dated: 14/03/2012

Editorial Bord

Habib Ahmadi, Professor, Department of Social Sciences, University of Shiraz, Shiraz, Iran
Akbar Aliverdinia, Associate Professor, Department of Social Sciences, University of Mazandaran, Babolsar, Iran
Ayoub Amir Kavasemi, Associate Professor, Department of Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran
Hosein Bhravan, Professor, Department of Social Sciences, University of Ferdowsi Mashhad, Mashhad, Iran
Rahim Farrokh Nia, Associate Professor, Department of Sociology, University of Bu – Ali Sina Hamadan, Iran
Hosein Harsij, Associate Professor, Department of Political Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran
Seyed Javad Imamjome Zadeh, Department of Political Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran
Gholamreza Jamshidiha, Professor, Department of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran
Saeid Moidfar, Associate Professor, Department of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran
Abdolhosein Nabavi, Associate Professor, Department of Social Sciences, University of Shahid Chamran Ahwaz, Iran
Ali Rabbani Khorasgani, Associate Professor, Department of Social Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran
Bahram Ranjbarian, Professor, Department of Management, University of Isfahan, Isfahan, Iran
Ezatolah Samaram, Professor, Department of Sociology, University of Allameh Tabatabaei, Tehran, Iran
Seyed Ali Siadat, Associate Professor, Department of Educational Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran
Masoud Taghvaie, Professor, Department of Geography and Urban Planning, University of Isfahan, Isfahan, Iran

SSOSS is listing or indexing in these Databases

JAS Electronic Database	http://uijs.ui.ac.ir/jas
ISC: Islamic World Science Citation center	http://www.ISC.gov.ir
SID: Scientific Information Database	http://www.SID.ir
Institute For Humanities And Cultural Studies	http://www.ensani.ir
Magiran: Journals database	http://www.magiran.com
DOAJ:Directory of Open Access Journals	http://www.doaj.org
Ulrichsweb:global serials directory	http://ulrichsweb.serialsolutions.com
Index Copernicus (IC Journal Master List)	http://journals.indexcopernicus.com
EBSCOhost databases	http://www.ebscohost.com
Academic journal Database	http://journaldatabase.org

Publication and Lithography: **University of Isfahan Publications**

Price: **12\$**

No. Issues: **500**

Tel: **+983137932175**

Fax: **+983137932177**

Web site: <http://www.uijs.ui.ac.ir/ssoss>
Email: ssoss.journal@gmail.com

Security and Social Order Strategic Studies Journal

4th Year, Vol. 9, No.1

Spring & Summer 2015

Published by

University of Isfahan Research Center